



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



# مہلا اور کبیر

مرزبان کریم



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# مهدي و مهديت

نويسنده:

مرزبان كريمي

ناشر چاپي:

نقش نگين

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۱۰	مهدی و مهدویت
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	اشاره
۱۴	فهرست مطالب
۲۶	مقدمه
۳۲	فصل اول
۳۲	اشاره
۳۴	مهدی(عجل الله تعالی فرجه الشریف) کیست؟
۴۴	نسب حضرت مهدی (عج):
۴۹	دلایل مخفی بودن ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۵۹	طلوعی گذرا
۶۲	امامت در کودکی
۶۷	بررسی دو شبهه درباره ی ولادت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) :
۷۵	آغاز دوران امامت حضرت مهدی
۷۶	غیبت صغری
۷۷	دلیل و حکمت غیبت صغری
۷۹	نواب خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت صغری
۸۲	معیار انتخاب نواب اربعه
۸۳	محور فعالیت های نواب اربعه
۸۴	«باب»، لقبی مقدس که از طرف معصومین به یاران خاص گفته می شود
۸۶	مدعیان دروغین بابیت
۹۰	عوامل ادعای دروغین نیابت و مهدویت
۹۱	غیبت کبری
۹۳	فلسفه ی غیبت چیست؟
۱۰۱	نیابت در عصر غیبت کبری (ولایت فقیه)
۱۰۷	تشریف یافتگان در زمان غیبت کبری
۱۱۳	فایده ی امام غائب
۱۲۲	راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگاه ادیان
۱۳۰	شباهت های میان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و ائمه اطهار (علیه السلام) : شباهت های حضرت مهدی (علیه السلام) و پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) : ۱۳۰

۱۳۶	شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سایر انبیا (علیه السلام) :
۱۴۰	شباهت های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با امام حسین (علیه السلام)
۱۴۵	شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با سایر ائمه (علیه السلام)
۱۵۰	فاطمه (علیها السلام) و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سوره ی قدر
۱۵۲	شباهت های حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت مهدی (علیه السلام)
۱۶۸	فصل دوم
۱۶۸	اشاره
۱۷۰	مهدویت نوعی
۱۷۵	مهدویت
۱۷۶	مهدویت در اسلام
۱۷۶	مهدویت از دیدگاه اهل سنت:
۱۷۸	زمینه های مورد اتفاق مسلمانان در مسأله مهدویت
۱۷۸	اشاره
۱۷۸	۱. اتفاق نظر مسلمانان در اصل قضیه مهدویت
۱۷۸	۲. اشتراک نظر در لزوم اعتقاد به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۷۹	۳. اتفاق نظر بر این که مهدی از سلاله اهل بیت (علیه السلام) است
۱۸۰	۴. اتفاق نظر مسلمانان در قطعیت برپایی حکومت مهدی
۱۸۰	۵. وحدت نظر مسلمانان در جهانی بودن حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۸۱	۶. توافق مسلمانان بر برخی از نشانه های ظهور
۱۸۲	زمینه های مورد اختلاف مذاهب اسلامی در مسأله مهدویت
۱۸۷	مهدویت از دیدگاه شیعه
۱۹۴	منطق مخالفان احادیث مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۱۹۷	منجی در سایر ادیان
۱۹۷	اشاره
۱۹۸	الف. منجی در زرتشت
۲۰۱	ب. منجی در یهود
۲۰۱	اشاره
۲۰۷	موعود یهود
۲۰۸	دوره قبل از ظهور ماشیح
۲۰۹	و اما شخصیت ماشیح :
۲۱۱	ج. منجی در مسیحیت

۲۱۶	د. منجی در صهیونیسم مسیحی
۲۱۹	آرماگدون
۲۲۲	منجی در سایر اقوام و ملل
۲۳۰	حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نگاه قرآن
۲۳۲	قرآن و بشارت موعود
۲۵۳	اوصاف حضرت مهدی
۲۵۴	پیش بینی غیبت امام مهدی
۲۵۶	امام علی (علیه السلام) و فلسفه غیبت
۲۶۰	زمین از حجت خالی نمی ماند
۲۶۲	فضیلت انتظار فرج در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام)
۲۶۶	احوال مردم آخرالزمان از نگاه امام علی (علیه السلام)
۲۶۹	نشانه های ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نگاه علی (علیه السلام)
۲۷۰	ظهور موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رویارویی با دشمنان
۲۷۲	یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از سخنان گوهر بار علی (علیه السلام) :
۲۷۸	مهدویت از دیدگاه اهل سنت
۲۷۹	اختلافات مسلمانان درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۲۹۲	حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عرفان و تصوف اسلامی
۲۹۴	مفهوم ولی و ولایت در عرفان و تصوف
۲۹۷	ختم ولایت از دیدگاه عرفا
۳۰۶	فصل سوم
۳۰۶	اشاره
۳۰۸	آخر الزمان
۳۰۸	اشاره
۳۱۱	ویژگی های آخرالزمان
۳۱۲	بعضی از مهم ترین ویژگی های آخرالزمان
۳۳۳	و. حکومت و حکام در آخرالزمان
۳۳۶	ز. خطبه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اوضاع آخرالزمان
۳۳۷	ح. جاهلیت دوم
۳۴۳	نشانه های حتمی ظهور
۳۴۹	ویژگی های قیام و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۳۵۳	بشارت حکومت صالحان در مزامیر داوود

۳۵۳	..... اشاره
۳۵۴	..... ویژگی اول: ۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی
۳۵۹	..... ویژگی دوم: دین و آیین واحد جهانی
۳۶۱	..... ویژگی سوم: عدالت فراگیر جهانی
۳۶۳	..... ویژگی چهارم: رهبری ایده آل
۳۶۴	..... ویژگی پنجم: مدیران شایسته
۳۶۵	..... ویژگی ششم: امنیت و صلح جهانی
۳۶۶	..... ویژگی هفتم: پیشرفت و رفاه جهانی
۳۶۸	..... ویژگی هشتم: کمال و عقل
۳۶۹	..... ویژگی نهم: احیاءگری و رضایت جهانی
۳۷۰	..... تشکیل حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۳۷۱	..... ارکان حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۳۷۹	..... برخی از ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۳۸۲	..... نوید قرآن به آینده بشر:
۳۸۵	..... سری از اسرار الهی
۳۸۶	..... واسطه فیض
۳۸۷	..... انتظار فرج
۳۸۸	..... فلسفه مهدویت و آینده روشن
۳۹۵	..... عدالت مهدوی
۴۰۲	..... فصل چهارم
۴۰۲	..... اشاره
۴۰۴	..... انتظار
۴۰۴	..... اشاره
۴۱۲	..... ابعاد انتظار
۴۱۶	..... تکلیف در دوران انتظار
۴۱۸	..... ویژگی های یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر انتظار
۴۲۵	..... انتظار نماد تشیع
۴۲۹	..... پیوند انتظار با ولایت فقیه در عصر غیبت
۴۳۳	..... مروری بر انقلاب اسلامی ایران با محوریت انتظار و مهدویت
۴۴۰	..... وظایف شیعیان در زمان غیبت حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۴۴۰	..... اشاره



- ۴۴۰ ..... ۱. شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۴۴۱ ..... ۲. انتظار فرج
- ۴۴۳ ..... ۳. تهذیب و خودسازی
- ۴۴۴ ..... ۴. پیوند با مقام ولایت
- ۴۴۵ ..... ۵. الگو قرار دادن آن حضرت
- ۴۴۵ ..... ۶. تکریم و احترام
- ۴۴۶ ..... ۷. به یاد امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودن
- ۴۴۶ ..... ۸. محبت و دوستی
- ۴۴۷ ..... ۹. اشتیاق به دیدار آن حضرت
- ۴۴۷ ..... ۱۰. تحقیق و پژوهش
- ۴۴۸ ..... ۱۱. خدمت کردن به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
- ۴۴۸ ..... ۱۲. ادای حقوق
- ۴۴۹ ..... ۱۳. تقوا و خودسازی و ساختن دیگران
- ۴۵۰ ..... ۱۴. پرهیز از شک و تردید
- ۴۵۰ ..... رجعت از دیدگاه قرآن و حدیث
- ۴۵۰ ..... اشاره
- ۴۵۱ ..... مفهوم رجعت
- ۴۵۳ ..... رجعت از نظر قرآن بر دو قسمت است
- ۴۵۵ ..... رجعت از دیدگاه عقل
- ۴۵۹ ..... هدف از رجعت چیست؟
- ۴۶۰ ..... چه کسانی رجعت می کنند؟
- ۴۷۵ ..... منابع و مآخذ
- ۴۸۰ ..... درباره مرکز

سرشناسه: کریمی، مرزبان، 1335 -

عنوان و نام پدیدآور: مهدی و مهدویت [کتاب] / مرزبان کریمی.

مشخصات نشر: اصفهان: نقش نگین: کهن دژ، 1394.

مشخصات ظاهری: 464 ص.؛ 5/14 × 21 س م.

شابک: 270000 ریال 0-57-6286-600-978

وضعیت فهرست نویسی: فاپا

یادداشت: کتابنامه: ص. 460 - 464؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، 255 ق -

موضوع: مهدویت

موضوع: مهدویت -- انتظار -- احادیث

رده بندی کنگره: BP224/ک43م9 1394

رده بندی دیویی: 297/462

شماره کتابشناسی ملی: 2757565

ص: 1

اشاره

مهدی و مهدویت

مرزبان کریمی

انتشارات نشر نگین

ص: 2

بسم الله الرحمن الرحيم

ص: 3

تقدیم به پیشگاه مطهر و آسمانی حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بنت الرسول، زهراى بتول، حجت امامان و معیار رد و قبول، دختر نبوت، همسر ولایت و مادر امامت. تقدیم به خاک پای مشک سا و عبیر آمیز قطب عالم امکان، مولانا و مولی الکوین صاحب العصر و الزمان، حضرت حجت بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نقطه تمیز عابد از معبود و واسطه ی اتصال عالم غیب و شهود، روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه فداه.

ص: 4



## فهرست مطالب



مقدمه	۱۱
فصل اول / ۱۷	
مهدی <small>علیه السلام</small> کیست؟	۱۹
نسب حضرت مهدی (عج)	۲۹
دلایل مخفی بودن ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۳۴
طلوعی گذرا	۴۴
امامت در کودکی	۴۷
بررسی دو شبهه درباره‌ی ولادت حضرت بقیةالله <small>علیه السلام</small>	۵۲
آغاز دوران امامت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>	۶۰
غیبت صغری	۶۱
دلیل و حکمت غیبت صغری	۶۲
نواب خاص امام مهدی <small>علیه السلام</small> در عصر غیبت صغری	۶۴
معیار انتخاب نواب اربعه	۶۷
محور فعالیت‌های نواب اربعه	۶۸
«باب»، لقبی مقدس که از طرف معصومین به یاران خاص گفته می‌شود	۶۹
مدعیان دروغین بابیت	۷۱

## ۶ □ مهدی و مهدویت

- ۷۵..... عوامل ادعای دروغین نیابت و مهدویت
- ۷۶..... غیبت کبری
- ۷۸..... فلسفه‌ی غیبت چیست؟
- ۸۶..... نیابت در عصر غیبت کبری (ولایت فقیه)
- ۹۲..... تشرف یافتگان در زمان غیبت کبری
- ۹۸..... فایده‌ی امام غائب
- ۱۰۷..... راز طول عمر امام زمان علیه السلام از دیدگاه ادیان
- ۱۱۵..... شباهت‌های میان حضرت مهدی علیه السلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام
- ۱۱۵..... شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله
- ۱۲۱..... شباهت حضرت مهدی علیه السلام به سایر انبیاء علیهم السلام
- ۱۲۵..... شباهت‌های حضرت مهدی علیه السلام با امام حسین علیه السلام
- ۱۳۰..... شباهت حضرت مهدی علیه السلام با سایر ائمه علیهم السلام
- ۱۳۰..... مهدی علیه السلام آینده‌ی تمام‌نمای فاطمه زهرا علیها السلام
- ۱۳۵..... فاطمه علیها السلام و مهدی علیه السلام در سوره‌ی قدر
- ۱۳۷..... شباهت‌های حضرت زهرا علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام

## فصل دوم / ۱۵۳

- ۱۵۵..... مهدویت نوعی
- ۱۶۰..... مهدویت
- ۱۶۱..... مهدویت در اسلام
- ۱۶۱..... مهدویت از دیدگاه اهل سنت:
- ۱۶۳..... زمینه‌های مورد اتفاق مسلمانان در مسأله مهدویت
- ۱۶۳..... ۱. اتفاق نظر مسلمانان در اصل قضیه مهدویت
- ۱۶۳..... ۲. اشتراک نظر در لزوم اعتقاد به مهدی علیه السلام
- ۱۶۴..... ۳. اتفاق نظر بر این که مهدی از سلاله اهل بیت علیهم السلام است
- ۱۶۵..... ۴. اتفاق نظر مسلمانان در قطعیت برپایی حکومت مهدی علیه السلام
- ۱۶۵..... ۵. وحدت نظر مسلمانان در جهانی بودن حکومت مهدی علیه السلام
- ۱۶۶..... ۶. توافق مسلمانان بر برخی از نشانه‌های ظهور
- ۱۶۷..... ۷. اتفاق نظر مسلمانان در نماز خواندن حضرت عیسی علیه السلام پشت سر حضرت مهدی علیه السلام





## فهرست مطالب □ ۷

زمینه‌های مورد اختلاف مذاهب اسلامی در مسأله مهدویت .....	۱۶۷
۱. اختلاف در ولادت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۱۶۸
۲. اختلاف مسلمانان درباره نام پدر امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۱۶۸
۳. اختلاف درباره جد بزرگوار مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۱۶۸
۴. اختلاف مسلمانان درباره عصمت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۱۷۰
۵. اختلاف امت اسلامی در غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۱۷۰
مهدویت از دیدگاه شیعه .....	۱۷۲
منطق مخالفان احادیث مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۱۷۹
منجی در سایر ادیان .....	۱۸۲
الف. منجی در زرتشت .....	۱۸۳
ب. منجی در یهود .....	۱۸۶
موعود یهود .....	۱۹۲
دوره قبل از ظهور ماشیح .....	۱۹۳
و اما شخصیت ماشیح: .....	۱۹۴
ج. منجی در مسیحیت .....	۱۹۶
د. منجی در صهیونیسم مسیحی .....	۲۰۱
آرماگدون .....	۲۰۴
منجی در سایر اقوام و ملل .....	۲۰۷
حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> از نگاه قرآن .....	۲۱۵
قرآن و بشارت موعود .....	۲۱۷
حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در کلام امیرالمؤمنین علی <small>علیه السلام</small> .....	۲۳۷
سیمای مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۲۳۸
اوصاف حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۲۳۸
پیش‌بینی غیبت امام مهدی <small>علیه السلام</small> .....	۲۳۹
علت غیبت امام زمان <small>علیه السلام</small> .....	۲۴۰
امام علی <small>علیه السلام</small> و فلسفه غیبت .....	۲۴۱
زمین از حجت خالی نمی‌ماند .....	۲۴۵
فضیلت انتظار فرج در کلام امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> .....	۲۴۷



## ۸ □ مهدی و مهدویت

۲۴۸	وظایف منتظران در کلام حضرت امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>
۲۵۱	احوال مردم آخرالزمان از نگاه امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۵۴	نشانه‌های ظهور مهدی <small>علیه السلام</small> از نگاه علی <small>علیه السلام</small>
۲۵۵	ظهور موعود <small>علیه السلام</small> و رویارویی با دشمنان
۲۵۷	یاران امام مهدی <small>علیه السلام</small> از سخنان گوهر بار علی <small>علیه السلام</small>
۲۵۹	حکومت مهدی <small>علیه السلام</small> از منظر امام علی <small>علیه السلام</small>
۲۶۳	مهدویت از دیدگاه اهل سنت
۲۶۴	اختلافات مسلمانان درباره امام زمان <small>علیه السلام</small>
۲۷۷	حضرت مهدی <small>علیه السلام</small> در عرفان و تصوف اسلامی
۲۷۹	مفهوم ولی و ولایت در عرفان و تصوف
۲۸۲	ختم ولایت از دیدگاه عرفا

## فصل سوم / ۲۹۱

۲۹۳	آخر الزمان
۲۹۶	ویژگی‌های آخرالزمان
۲۹۷	بعضی از مهم‌ترین ویژگی‌های آخرالزمان
۳۱۸	و. حکومت و حکام در آخرالزمان
۳۲۱	ز. خطبه امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small> و اوضاع آخرالزمان
۳۲۲	ح. جاهلیت دوم
۳۲۸	نشانه‌های حتمی ظهور
۳۳۴	ویژگی‌های قیام و حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۳۸	بشارت حکومت صالحان در مزامیر داوود
۳۳۹	ویژگی اول
۳۳۹	۱. تشکیل حکومت فراگیر جهانی
۳۴۴	ویژگی دوم
۳۴۴	دین و آیین واحد جهانی
۳۴۶	ویژگی سوم
۳۴۶	عدالت فراگیر جهانی
۳۴۸	ویژگی چهارم



## فهرست مطالب □ ۹

۳۴۸	رهبری ایده‌آل
۳۴۹	ویژگی پنجم
۳۴۹	مدیران شایسته
۳۵۰	ویژگی ششم
۳۵۰	امنیت و صلح جهانی
۳۵۱	ویژگی هفتم
۳۵۱	پیشرفت و رفاه جهانی
۳۵۲	ویژگی هشتم
۳۵۳	کمال و عقل
۳۵۴	ویژگی نهم
۳۵۴	احیاگری و رضایت جهانی
۳۵۵	تشکیل حکومت حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۵۶	ارکان حکومت جهانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۶۴	برخی از ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت مهدی <small>علیه السلام</small>
۳۶۷	نوید قرآن به آینده بشر
۳۷۰	سری از اسرار الهی
۳۷۱	واسطه فیض
۳۷۲	انتظار فرج
۳۷۳	فلسفه مهدویت و آینده روشن
۳۸۰	عدالت مهدوی

## فصل چهارم / ۳۸۷

۳۸۹	انتظار
۳۹۷	ابعاد انتظار
۴۰۱	تکلیف در دوران انتظار
۴۰۳	ویژگی‌های یاران مهدی <small>علیه السلام</small> در عصر انتظار
۴۱۰	انتظار نماد تشیع
۴۱۴	پیوند انتظار با ولایت فقیه در عصر غیبت
۴۱۸	مروری بر انقلاب اسلامی ایران با محوریت انتظار و مهدویت



## ۱۰ □ مهدی و مهدویت

- ۴۲۵ ..... وظایف شیعیان در زمان غیبت حضرت امام زمان علیه السلام
- ۴۲۵ ..... ۱. شناخت امام زمان علیه السلام
- ۴۲۶ ..... ۲. انتظار فرج
- ۴۲۸ ..... ۳. تهذیب و خودسازی
- ۴۲۹ ..... ۴. پیوند با مقام ولایت
- ۴۳۰ ..... ۵. الگو قرار دادن آن حضرت
- ۴۳۰ ..... ۶. تکریم و احترام
- ۴۳۱ ..... ۷. به یاد امام عصر علیه السلام بودن
- ۴۳۱ ..... ۸. محبت و دوستی
- ۴۳۲ ..... ۹. اشتیاق به دیدار آن حضرت
- ۴۳۲ ..... ۱۰. تحقیق و پژوهش
- ۴۳۳ ..... ۱۱. خدمت کردن به امام عصر علیه السلام
- ۴۳۳ ..... ۱۲. ادای حقوق
- ۴۳۴ ..... ۱۳. تقوا و خودسازی و ساختن دیگران
- ۴۳۵ ..... ۱۴. پرهیز از شک و تردید
- ۴۳۵ ..... رجعت از دیدگاه قرآن و حدیث
- ۴۳۶ ..... مفهوم رجعت
- ۴۳۸ ..... رجعت از نظر قرآن بر دو قسمت است
- ۴۴۰ ..... رجعت از دیدگاه عقل
- ۴۴۲ ..... ظهور مهدی علیه السلام منتظر و رجعت
- ۴۴۴ ..... هدف از رجعت چیست؟
- ۴۴۵ ..... چه کسانی رجعت می‌کنند؟
- ۴۴۹ ..... چهل کلام مهدوی علیه السلام
- ۴۶۰ ..... منابع و ماخذ







بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، الصلوه والسلام على سيدنا و مولانا ابي القاسم محمد صلى الله عليه وعلى اهل بيته الطيبين الطاهرين المعصومين، سيما بقيه الله الاعظم عجل الله فرجه الشريف السلام على المهدي المنتظر والعدل المشتهر.

مهدویت در شمار مسائل اصلی معارف عالی دینی مانند نبوت، قرار دارد. مهدویت، مبشر همان چیزی است که همه ی انبیای الهی برای آن مبعوث شدند. حرکت تمام انبیا، حرکت به سوی جاده ای است که در عصر مهدی عجل الله فرج الشریف همه به آن جاده ی اصلی و توحیدی، یعنی صراط مستقیم می رسند، حرکت به سوی اهداف متعالی الهی است.

بحث مهدویت در همه ی ادیان به شکل های مبهم و تحریف شده وجود دارد. همه ی مذاهب اصل قضیه را قبول دارند و این مسئله در اسلام از مسلمات و قطعیات است و انتظار، جزء جدایی ناپذیر آن محسوب می شود. حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف آینده ی حتمی و قطعی بشریت و حقیقتی تکلیف آفرین و مسئولیت آور برای تمام مسلمین جهان است. باید آماده و منتظر بود و خودسازی و دیگرسازی کرد؛ باید عالمانه، هوشیارانه و با دقت کار کرد و از غفلت و کارهای عامیانه و جاهلانه ی بی اعتبار و غیر متکی به سند و مدرک

پرهیز کرد. نباید زمینه را برای مدعیان دروغین، تنها با توهّمات و تخیلات دروغگویان دجال صفت، فراهم نمود. لازم است دقت داشت که بعضی از علائم ظهور غیر قطعی و روایاتشان ضعیف هستند و نباید آنها را با جامعه تطبیق داد.

مهدویت یعنی ایمان، انتظار و امید؛ ایمان به این که وجود مقدس حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف به عنوان آخرین خلیفه و حجت الهی از تبار معصومین و از خاندان اهل بیت پیامبر اسلام صلی الله علیه و اله، حی و زنده است، اما به اذن خداوند حکیم و علیم غایب است و روزی ظهور خواهد کرد و جهان را پس از آن که از ظلم و جور پر شده، پر از عدل و داد می کند. مهدی عجل الله فرجه الشریف آرمان الهی همه ی انبیاء و اوصیاء معصوم خداوند را تحقق خواهد بخشید و در سراسر جهان، توحید و عدل گسترده و فراگیر را اعمال و اجرا خواهد کرد. آن حضرت با اقتدار کامل، نه با موعظه و نصیحت، به این کار اقدام خواهد کرد.

میلاّد حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف همچون حضرت موسی علیه السلام مخفی بود. ایشان هنگام تولد به سجده رفت و آیه ی «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / 5) را تلاوت کرد و به حقانیت توحید، نبوت خاتم، امامت ائمه ی شیعه و امامت خودش شهادت داد و اقرار نمود. ایشان همچون یوسف علیه السلام است که پیوسته در میان برادرانش بود ولی او را نمی شناختند. مانند حضرت نوح و خضر علیه السلام از طول عمر و چون حضرت مسیح و ادریس علیه السلام از طول عمر و غیبت برخوردار است. چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قیام با شمشیر نموده و خداوند او را از طریق افکندن رعب در دل دشمنانش یاری خواهد فرمود. او قطعاً ظهور خواهد کرد، اما زمان آن را جز خداوند هیچ کس نمی داند. امام باقر علیه السلام میفرماید:

«حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور، دست بر سر بندگان گذاشته، عقل‌ها و آرزوهای آنها را به کمال می‌رساند»؛ پس معرفت و تکامل معرفتی بشر از لوازم ظهور و به این ترتیب یکی از علل غیبت حضرت مهدی عجل‌الله فرجه الشریف، عدم بلوغ فکری، عقلی و معرفتی بشریت است؛ وَ عَدَمُهُ مِثْلًا. بنابراین از وظایف منتظران حقیقی این است که چنین قابلیت و لیاقتی را در خود به وجود آورند.

انتظار یعنی تلاش برای تکامل فکری، علمی، عقلی و اخلاقی که این نهایت بلوغ بشریت است. تلاش برای عدالت جهانی در راستای عبودیت و بندگی خدا و اجتناب از طاغوت و تقوا پیشگی، اطاعت از دستورات الهی و ترک محرمات. انتظار فرج یعنی امید بر آینده‌ای روشن مبتنی بر تعهد، مسئولیت و تحرک، نه سکون و سکوت و اباحی‌گری؛ زیرا «خداوند وضع هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر این که آنها در درون خود تغییر ایجاد کنند» (رعد / 11). انتظار یعنی خوش‌بینی به آینده‌ی بشریت بر خلاف همه مکاتب ماتریالیستی و نهیلیستی که آینده را تاریک معرفی می‌کنند؛ یعنی پیروزی نهایی ارزش‌های متعالی بر ضد ارزش‌ها؛ یعنی حکومت جهانی واحد مبتنی بر توحید، یکتاپرستی، عدالت فراگیر و جهانی، عمران و آبادی تمام زمین، بلوغ بشریت با خردمندی کامل و آزادی او از همه‌ی اسارت‌های درونی و برونی. انتظار فرج یعنی حداکثر بهره‌گیری از مواهب زمین و طبیعت و نعمتهای الهی؛ یعنی برقراری مساوات کامل در ثروت و دارایی، از بین رفتن کامل رذایل اخلاقی و عقده‌های روانی، منتفی شدن جنگ و برقراری صلح و صفا و محبت و تعاون و سازگاری انسان و طبیعت.

خداوند متعال در قرآن کریم به مؤمنان و نیکوکاران وعده ی جانشینی بر زمین را داده است تا سرانجام دین پسندیده ی الهی روی زمین مستقر گردد و دوران خوف تبدیل به دوران امنیت شود. همگان بدون ترس و وا همه خدای یگانه را بپرستند، اطاعت غیر خدا را نپذیرند و چیزی را در عبادت و اطاعت خدا شریک قرار ندهند (نور / 55). خداوند در «زبور» و قبل از آن در «تورات» وعده داده است که بندگان صالح او زمین را به ارث ببرند (انبیاء / 105).

یکی از مهم ترین تکالیف مؤمنان پس از معرفت به خدا و رسول او، شناخت ولی امر، امام زمان عجل الله فرجه الشریف، است. از حضرت باقر یا صادق علیه السلام روایت است که فرمودند: «بنده ی خدا مؤمن نخواهد بود مگر اینکه خدا، رسول و همهی امامان را بشناسد و امام زمانش را نیز شناخته، در تمام امور خود به او مراجعه کند و تسلیم امر وی باشد.» در معرفت امام دو امر واجب است: یکی شناختن شخص امام به اسم و نسب، دوم شناخت شخصیت امام با صفات و خصوصیات که به وسیله ی آنها از دیگران ممتاز می شود.

امامت یکی از نعمت های بزرگ الهی است و معرفی و شناساندن نعمت های الهی قدرشناسی از نعمت است و قدرشناسی از نعمت الهی، لطف و رحمت حضرت حق تعالی را به دنبال دارد. امام حسین علیه السلام می فرماید: «شناختن امام زمان، شناختن خدا است که اطاعت او بر همگان واجب است». مطابق این حدیث، امام شناسی علاوه بر نعمت شناسی و قدرشناسی، خداشناسی را نیز به دنبال دارد و البته هیچ چیز مهم تر از معرفت خداوند نیست.

امید است که این تلاش ناچیز و گام کوچک در مسیر امام شناسی و مهدویت مورد قبول سلیمان عصر، حضرت مهدی علیه السلام، واقع شده و ان شاء الله برای امت اسلامی مثمر و مفید واقع گردد.

بمنه و کرمه

مرزبان کریمی

شعبان المعظم 1432

ص: 15



فصل اول

اشاره

ص: 17





## مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کیست؟

آخرین حجت خداوند و دوازدهمین امام، حضرت مهدی، صاحب الامر عجل الله فرجه الشریف است. در قرآن سوره هود آیه 86 از ایشان به عنوان «بقیه الله» یاد شده است.

درباره ی تاریخ دقیق ولادت آن حضرت، از نظر روز تولد اختلافی دیده نشده است. اغلب تاریخ نگاران، تولد آن حضرت را پانزدهم شعبان بیان کرده اند. اما در مورد سال تولد اختلافاتی هست و این به دلیل پنهان نگاه داشتن تولد آن حضرت است.

شیخ مفید، تولد آن حجت خداوند را در سال 255 قمری ذکر کرده است. در این صورت در زمان رحلت امام حسن عسگری (علیه السلام) آن حضرت پنج سال داشته است. کلینی در «کافی» همین سال را ذکر کرده، و نیز طبق روایتی از حکیمه، عمه ی امام حسن عسگری علیه اسلام، تولد امام زمان علیه السلام در سال 255 قمری بیان شده است. حکیمه دختر امام جواد علیه اسلام در روایتی به طور دقیق گزارش تولد امام را چنین بیان کرده است: «امام با پیکی از من خواست که آن شب افطار را نزد ایشان بروم تا خداوند مرا به دیدن حجت خود و خلیفه ی بعد از آن امام شادمان کند. آن شب را به خانه ی امام رفتم تا آن که آن فرزند متولد شد». در ادامه، حکیمه می گوید: «فردای آن روز آمدم اما کودک را ندیدم. وقتی از امام درباره ی آن حضرت

پرسیدم، فرمود: او را به همان کسی سپردم که مادر موسی فرزندش را بدو سپرد. هفت روز بعد به دستور امام به خانه ی آن حضرت آمدم. امام علیه السلام فرزند خود را در آغوش گرفته، به او گفت: فرزندم سخن بگو. امام زمان علیه السلام لب به سخن گشود. شهادتین را گفت، ولایت ائمه را یک یک تصریح کرد و آنگاه این آیه را خواند: «و ما اراده کردیم که بر آن طایفه ی ذلیل و ضعیف در آن سرزمین منت بگذاریم و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث گردانیم.» (قصص / 5)

محل تولد آن حضرت قطعا در شهر «سامرا» است. نامش محمد

فرزند ابومحمد حسن عسگری علیه السلام است. مادرش را به نام های مختلفی خوانده اند: صقیل، حکیمه، نرجس، ریحانه، ملیکه، سوسن، مریم و خمط. در اینکه چرا مادر حضرت امام زمان را به چندین نام معرفی کرده اند چند احتمال وجود دارد:

1- احتمال دارد همه ی این اسامی برای او به کار می رفته و هر کس ایشان را به یک اسم صدا می زده است.

2- حضرت امام حسن عسگری عه کنیزان زیادی داشتند و ممکن است راویان، آنها را اشتباه می گرفته اند.

3- شاید متعدد بودن ذکر نام ایشان عمدی بوده است تا مبدا دشمنان به راحتی بفهمند که کدام کنیز مادر امام زمان خواهد بود.

کنیه آن امام «ابوالقاسم» و القابش، حجت آل محمد، خلف صالح و منتظر است. او را مؤمل، مهدی، قائم، منصور، صاحب الامر، بقیه الله، خاتم الاوصیا، خاتم حجج الله و صاحب الزمان نیز می گویند که این نام گذاری ها به اعتبار ویژگیهای ایشان و برای اشاره به

امتیازات و خصایص آن حضرت است. اسما و القاب حضرت را تا 182 اسم بیان کرده اند. (1)

اما مهدی علیه السلام شاه از همه ی نام های آن حضرت مشهورتر است. از پیامبر صلی اله علیه واله نقل شده که نام مهدی، نام من است؛ «اسم المهدی، محمد». آن حضرت، مهدی نامیده می شود؛ چرا که خداوند او را به امور نهانی که هیچ کس از آنها آگاهی ندارد، هدایت و ارشاد کرده است. از امام باقر علیه السلام روایت شده که فرمود: «هنگامی که مهدی ما خاندان پیامبر، به پا خیزد، ثروت ها را به طور برابر تقسیم می کند و در جامعه به عدالت و دادگری رفتار می کند. هر کس او را فرمان برد، خدای او را فرمان برده و هر کس او را نافرمانی کند، خدای او را نافرمانی کرده است و او مهدی نامیده می شود؛ چرا که به امور و شئون نهانی هدایت می شود. مهدی کسی است که خدا او را هدایت کرده و مهدی همان راه مستقیم الهی و کمال معنویت و انسانیت است. او در اوج هدایت و راهیابی قرار دارد؛ پس می تواند همه را به ایمان راهنمایی کند».

نام دیگر آن حضرت قائم است. آن حضرت را قائم نامیده اند؛ زیرا ایشان به بزرگترین قیام اصلاح گرایانه ی تاریخ بشر دست می زند. او برای حق خالص که ذره ای باطل در آن راه نمی یابد، قیام می کند و به حق و عدالت به پا می خیزد و این چیزی است که قیام شکوهمند او را از دیگران ممتاز می سازد، چرا که تاریخ بشر، قیامها و نهضت هایی را برای برخی شخصیت ها ثبت کرده؛ اما قیام و انقلاب آنها در هدفها و وسایل بر اساس حق و راه مستقیم نبوده است؛ در ا.

ص: 21

حالی که امام مهدی عجل الله فرجه الشریف بر اساس حق و عدالت راستین و ناب به پا می خیزد و بس. ابوحمزه ثمالی می گوید: «از امام باقر علیه السلام پرسیدم: ای پسر پیامبر آیا همه ی شما قیام کننده به حق نیستید؟ فرمود: چرا؟ گفتم: پس چرا آن حضرت «قائم آل محمد» نامیده شده است؟ فرمود: هنگامی که جد گران قدرم حسین علیه السلام به شهادت رسید، فرشتگان به بارگاه خدا ناله و شیون کردند، خداوند، امامان نه گانه را که از نسل پاک امام حسین علیه السلام به بودند به آنها نمایاند، با دیدن آنان شادمان شدند و دیدند که یکی از آنها به نماز ایستاده است؛ خدا با نشان دادن او به فرشتگان فرمود: من به وسیله ی این «قائم» از قاتلان حسین علیه السلام انتقام خواهم گرفت» (1).

منتظر: آن حضرت با این نام خوانده شده است؛ چرا که مردم همواره ظهور و قیام او را انتظار می برند تا او با قیام خویش این سیاره ی خاکی را از ظلم و بیداد پاک سازد. از امام جواد علیه السلام پرسیدند: «چرا حضرت مهدی علیه السلام را منتظر نامیده اند؟ فرمود: بدان دلیل که او غیبت بسیار طولانی خواهد داشت؛ غیبتی که دوران آن سخت طولانی است و مخلصان، انتظار قیام و ظهورش را می کشند و تردید کنندگان و بدخواهان، وجود گرانبمایه و ظهور او را برای اصلاح جهان، انکار می کنند».

حجت: آن حضرت را حجت و حجت آل محمد نیز نامیده اند؛ بدان دلیل که حجت خدا بر جهانیان است و خدا به وسیله ی آن حضرت بر بندگانش اتمام حجت می کند.

ص: 22

آن حضرت را صاحب الامر نیز نامیده اند؛ زیرا او پیشوای بر حقی است که خداوند اطاعت او را بر همه ی بندگان واجب ساخته است و در قرآن مجید می فرماید: «همانا ای ایمان آورندگان، خدا و پیامبر و صاحبان امر را اطاعت کنید» (نساء / 59). در روایات و تفاسیر به صراحت بیان شده که اولی الامر در آیه ی مذکور، همان امامان هستند، از خاندان پیامبر صلی الله علیه و اله، که نخستین آنان علی علیه السلام و آخرینشان حضرت مهدی علیه السلام است. آن حضرت را صاحب الزمان نامیده اند و آن به معنی اختیاردار زمان است.

از نام های مشهور آن بزرگوار «بقیه الله» است که به معنی یادگار خداست. نخستین سخنی که حضرت مهدی علیه اسلام پس از قیام خود می گوید، این آیه است: «بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین»، سپس می فرماید: «منم بقیه الله و حجت و خلیفه ی او در میان». در «تفسیر صافی» ذیل این آیه آمده است که هیچ کس بر او سلام نمی کند مگر این که می گوید: «السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه»

بقیه الله به معنای باقی ماندن چیزی یا کسی از ناحیه ی خداوند برای مردم است. به تعبیر دیگر، هر موجود نافع که از طرف خداوند برای بشر باقی مانده و مایه ی خیر و سعادت او شده، «بقیه الله» محسوب می شود و از آنجا که مهدی موعود عجل الله فرجه الشریف آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلاب پس از قیام پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله است، یکی از روشن ترین مصادیق «بقیه الله» که از همه به این لقب شایسته تر است، اوست. به ویژه آن که امام مهدی عجل الله فرجه الشریف تنها باقی مانده پس از پیامبران و امامان است و از این رو در روایات متعددی به آن حضرت لقب «بقیه الله» داده شده است. «بقیه الله» یعنی کسی که در وجود او همه ی موارد انبیا و ائمه علیه السلام هست. در واقع ویژگی خاص حضرت

ولی عصر عجل الله فرجه الشریف «بقیه الله» است. مطابق روایتی که از ائمه علیه السلام رسیده، در وجود مبارک امام زمان عجل الله فرجه الشریف و تمام مظاهر علم، قدرت و حکمت الهی یک جا جمع شده است. ظهور ایشان و غلبه بر سراسر جهان، بزرگترین مظهر قدرت الهی است که به دست هیچ یک از ائمه علیه السلام واقع نشده است.

یکی دیگر از نامهای حضرت مهدی عجل الله فرج الشریف «ابصالح» است. از قدیمالایام در میان عرب ها کنیه ی مبارک «ابصالح» از کنیه های معروف و مشهور امام زمان بوده است. به همین دلیل شاعران و خطیبان در میان سروده ها، اشعار و روضه های خود، آن حضرت را با این عنوان یاد می کنند و از او کمک و یاری می طلبند. شاید دلیل این که آن حضرت را به این کنیه نامیده اند، این روایت است که امام صادق علیه اسلام فرمود: «هر گاه همراه خود را در سفر گم کردی بانگ بر آور: ای ابصالح، خداوند رحمتش را بر تو فرود آورد، راه را به ما نشان ده».<sup>(1)</sup> دلیل این که این حدیث بیان شده این است که چون همه ی عوامل دست اندر کار جهان هستی در خدمت حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف هستند، اگر انسان گرفتار به خصوص در بیابان از او یاری بطلبد، به یقین خود آن حضرت یا کسانی که در خدمت او هستند به کمکش شتافته و دستگیری اش خواهند کرد. البته بر اساس بعضی از روایات، موکل بیابانها «صالح» نام دارد که طبق دستور امام زمان عمل می کند. در آیه ی 72 سوره ی انبیاء، «و کلا جعلنا صالحین»، عنوان صالح به «نبی» اطلاق شده و کنیه ی «ابصالح» یعنی پدر نبی و این بیانگر مقام والای حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف است و چون آن حضرت از هر پیغمبری، خصوصیتی دارد و ویژگی های

ص: 24

انبیا در او جمع است؛ لذا او را پدر انبیا می گویند. هم چنین در آیه ی «الحقنا بالصالحین» مراد از صالح حضرت یوسف است. کنیه ی «ابصالح» یعنی پدر یوسف و این نشانگر زیبایی و نیکی فوق العاده ی امام مهدی عجل الله فرجه الشریف است، یعنی پدر زیباییها.

علامه مجلسی رحمه الله پس از بیان داستان نجات یافتن شخصی به نام شیخ قاسم که با عبارت «یا

ابصالح» به ساحت امام زمان علیه السلام متوسل شده و نجات یافته بود، ایمان و تاکید دارد که نجات دادن

درماندگان و گمشدگان در دشت و صحرا و نیز تحقق این گونه معجزات و کرامات در عالم امکان در

عصر حاضر جز از خلیفه الله، امام زمان عجل الله فرجه الشریف، از شخص دیگری ساخته نیست؛ چرا که یکی از مقامات معنوی امام عصر عجل الله فرجه الشریف علم و آگاهی به احوال مردم و نجات دادن گرفتاران و گمشدگان است. (1)

از نام های دیگر آن حضرت حجه الله است. حضرت مهدی (عج) آخرین حجت الهی است. از این رو به آن حضرت حجه الله و حجه بن الحسن العسگری گفته می شود. البته پیامبران و اوصیای آنان همگی حجت هستند؛ زیرا خداوند با وجود ایشان بر بندگان خود احتجاج می کند. بر اساس روایات فراوانی، هرگز زمین خالی از حجت نیست؛ «اگر زمین خالی از حجت باشد، اهلش را فرو می برد». (2)

حجت به معنای پیروزی و سلطنت خدا بر خلق است. آن حضرت بر عالم مسلط و پیروز می شود و حکم خدا را اجرا می کند. مطابق روایت، نقش نگین امام مهدی عجل الله فرجه الشریف «انا حجه الله» است. (3)

ص: 25

---

1- بحار الانوار، ج 53: ص 300.

2- علل الشرایع، ج 1، ص 198.

3- منتهی الامال، ج 2، ص 287.



داود بن قاسم می گوید: «از امام دهم علیه السلام شنیدم که فرمود:

جانشین من، پسر من حسن است. شما نسبت به جانشین پس از جانشین من چه حالی خواهید داشت! عرض کردم: خداوند مرا فدایت کند، چرا؟ فرمود: برای آن که شخصی نمی تواند او را ببیند و ذکر او به نام مخصوصش روا نیست. عرض کردم: پس چه طور او را یاد کنیم؟ فرمود: بگویید: «لحجه من آل محمد.»<sup>(1)</sup>

«صاحب الزمان» از نام های دیگر آن حضرت است. حضرت ولی الله الاعظم، صاحب الزمان (عج) یعنی امام زمان خویش است. از آن جا که هیچگاه زمین از حجت خالی نیست، در هر عصری یک نفر از اولیای الهی، امام زمان خود، حجت الهی و خلیفه الهی بر روی زمین و در نتیجه «صاحب الزمان» به معنای امام زمان و حجت خدا بر روی زمین است. این امام، صاحب الامر به معنای پیشوایی است که اطاعتش بر همگان واجب و همان اولوالامری است که در قرآن و اطاعت او در کنار اطاعت خدا و رسول خدا قرار گرفت و واجب شده است. طبیعی است که امام زمان، صاحب زمان و صاحب امر که در معنای حجت خدا بر روی زمین است، بر زمان و مکان و تمام موجودات امکانی احاطه دارد و این احاطه و تسلط به اذن و اجازه ی الهی است. بر این اساس، از خصایص و ویژگیهای حضرت ولی عصر عجل الله فرجه الشریف، لقب مبارک «صاحب الزمان» به معنای صاحب اختیار و مدبر این زمان است. مطابق بعضی روایات آن حضرت از آغاز زندگی بدین لقب خوانده می شد. حسین بن حسن علوی می گوید: «در سامرا وارد بر حضرت عسکری شدم و او را در

ص: 26

---

1- کافی، ج 1، ص 328.

ولادت آقایمان، صاحب الزمان، تهنیت و شادباش گفتم». (1) در روایت دیگر که اسماعیل نوبختی بیان نموده، چنین آمده است: «حضرت عسکری خطاب به فرزند خود فرمود: بشارت باد تو را که تو صاحب الزمانی...».

«خاتم الاوصیاء» نیز از نام های مبارک آن حضرت است. از خصایص حضرت مهدی (عج) لقب زیبا و پرافتخار «خاتم الاوصیاء» است؛ چرا که او خاتم همه ی اولیا و اوصیای الهی است. او آخرین امام و پیشوای بعد از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و به تعبیری آخرین وصی از اوصیای همه ی پیامبران الهی است. این لقب مبارک بر زبان پدر بزرگوارش جاری شده که او را به این لقب خوانده است؛ چنان که در روایت اسماعیل نوبختی آمده است: «بر حضرت عسکری وارد شدم. امام عسکری (علیه السلام) رو به فرزند کرد و فرمود: بشارت باد تو را ای فرزند عزیزم! زیرا تو صاحب الزمانی و تویی مهدی و تویی حجت خدا در زمین و تویی فرزند و وصی من و تویی خاتم اوصیای ائمه ی طاهرین...». (2)

ابونصر ظریف از خادمان دودمان رسالت، می گوید: «من روزهای اول ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به خدمت ایشان رسیدم. به من نگاهی کرد و فرمود: آیا مرا میشناسی؟ گفتم: تو آقای من و فرزند آقا و مولای منی. فرمود: نه این مقدار نخواستم. عرض کردم: پس چه؟ فرمود: من خاتم اوصیا هستم. به وجود من، بلا از شیعیان و خاندان من دفع می شود». (3)

ص: 27

---

1- بحار الانوار، ج 53: ص 324.

2- اثبات الهداه، ج 3، ص 509.

3- مهدویت پیش از ظهور به نقل از کتاب الغیبه: ص 246.

ابن عربی می گوید: «از آنجا که احکام شریعت محمدی صلی الله علیه و آله با احکام دیگر شرایع و انبیا فرق دارد و با آمدن او شریعت ختم شده است، آن حضرت این استحقاق را دارد که ولایت خاصه اش نیز

خاتمیت داشته باشد و نام «خاتم اوصیا» مطابق نام حضرت صلی الله علیه و آله و اخلاقش در برگیرنده ی اخلاق آن حضرت باشد. او همان کسی است که مهدی علیه السلام به نام دارد، معروف و منتظر است و از عترت و سلاله ی پیامبر صلی الله علیه و آله است.»

(1) 319

از نام های دیگر حضرت «منصور» به معنی یاری شده است. قرآن می فرماید: «و کسی را که خداوند خودش را حرام شمرد به قتل نرسانید... و آن کسی که مظلوم کشته شده، برای ولی اش سلطه (حق قصاص) قرار دادیم. اما در قتل اسراف نکنید؛ چرا که او مورد حمایت است.» خداوند در این آیه می فرماید که ما برای قتل مظلوم انه کان منصوراً را قرار دادیم؛ یعنی برای ولی مقتول، سلطانی قرار دادیم و کسی که مظلوم کشته شده باشد، برای صاحب او سلطنت قرار دادیم تا قصاص کند و چون حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف منتقم خون مظلوم است، از این جهت او را «منصور» می نامند.

آن حضرت را به نامهای مؤمل یعنی آرزو شده، موعود یعنی وعده داده شده، میزان الحق یعنی ترازوی راستی، دیان یعنی داور دین، ذوالبر یعنی دارنده ی نیکیها، رشید یعنی کمال یافته، السبب المتصل یعنی واسطه ی پیوسته، الشمس الطالعه یعنی خورشید فروزان، طالب یعنی جوینده ی خون شهید کربلا، طاوس اهل الجنة یعنی طاووس بهشتیان، علم الهدی یعنی درفش هدایت، عین الحیوه یعنی سرچشمه ی زندگانی، غیاث یعنی فریادرس، الغره الحمیده

ص: 28

یعنی پیشوای ستوده، قائم الزمان یعنی قیام کننده ی دوران، کتاب مستور یعنی نوشته ی پوشیده، کلمه المحمود یعنی کلمه ی ستوده ی الهی، کریم یعنی بخشنده، منتقم یعنی انتقام گیرنده، منیرالحق یعنی روشنگر راستی، شمل الصلاح یعنی گردآورنده ی جامه ی شایستگی، وارث الانبیاء یعنی میراث بر پیامبران، وجه الله یعنی رخ الهی، وعدالله یعنی وعده ی الهی، وصی الاوصیاء یعنی جانشین

جانشینان، ولی الله یعنی اختیار دار الهی، ولی الامر یعنی زمامدار، وهاج یعنی بسیار تابنده، نور الاصفیاء یعنی روشنی برگزیدگان، نورالباهر یعنی روشنی خیره کننده، نور الارض یعنی روشنی زمین، نضره الايام یعنی خرمی روزگاران، نور الاتقیاء یعنی روشنی پروا پیشگان، نور ابصار الوری یعنی روشنی دیدگان مردمان، نیه الصابرين یعنی نیت بردباران، محمد یعنی بسیار پسندیده و دهها نام دیگر نامیده اند.

### نسب حضرت مهدی (عج):

در روایات زیادی که در کتب اهل سنت و شیعه وجود دارد، تصریح شده است که حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف از نسل امام حسین علیه السلام است. سلمان فارسی از پیامبر صلی الله علیه و آله سوال کرد: «یا رسول الله!

حضرت مهدی علیه السلام به از کدام فرزندان به وجود می آید؟ پیامبر صلی الله علیه و آله دست مبارکشان را به حسین علیه السلام زده و فرمود از این». این که حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف از نسل امام حسین علیه السلام می باشد از عنایات الهی به آن حضرت شمرده شده است؛ چنان که در روایتی که از امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نقل شده، آمده است: «خداوند در مقابل شهادت امام حسین علیه السلام چهار ویژگی به آن حضرت عطا فرموده: 1. امامت را در ذره ی او قرار داده. 2. شفا را در تربت آن حضرت قرار

داده. 3. استجاب دعا کنار و زیر قبه ی آن حضرت است. 4. ایام زیارت امام حسین علیه السلام باشد از عمر زایران حساب نمی شود.»<sup>(1)</sup> البته روایت دیگری هم وجود دارد مبنی بر این که حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف از نسل هر دو امام است؛ یعنی هم از نسل امام حسن علیه السلام و هم از نسل امام حسین علیه السلام؛ زیرا مادر امام محمد باقر علیه السلام، همسر امام سجاد علیه السلام، دختر امام حسن علیه السلام است؛ پس امام باقر علیه السلام و اولاد او از طرف مادر حسنی و از طرف پدر حسینی هستند.

ولادت بزرگ مردی از تبار آخرین پیامبر خدا؛ همان طور که در روایات زیادی به صراحت بیان شده، امام مهدی عجل الله فرجه الشریف نهمین فرزند حسین بن علی علیه السلام است. به این معنا که حضرت سجاد علیه السلام به نخستین فرزند امام حسین علیه السلام باشد و امام باقر علیه السلام به دومین فرزند و فرزند زاده ی آن حضرت و ... بر این اساس امام حسن عسکری علیه السلام پدر گرامی حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف و هشتمین فرزند امام حسین علیه السلام و حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف نهمین فرزند از نسل سیدالشهداء علیه السلام است. بر اساس ده ها روایت و شاهد تاریخی و گفتار مورخان و نسب شناسان و محدثان، حضرت مهدی عجل الله فرجه الشریف بدون شک در زمان پدر بزرگوارش امام حسن عسکری (علیه السلام) تولد یافته و دنیا را به نور وجودش روشن ساخته است. آن حضرت در شب جمعه ی نیمه شعبان سال 255 هجری در زمان حکومت معتمد عباسی در «سامرا» از زنی رومی که به نرجس شهرت داشته، متولد شده است. |

گفته شده که نرجس خاتون دختر یوشعا، پسر قیصر روم و از نوادگان شمعون یکی از حواریون حضرت مسیح (علیه السلام) بود که به طور معجزه آسایی از سوی خداوند برای همسری امام حسن عسکری (علیه السلام)

ص: 30

برگزیده شد. هنگامی که نرجس در «روم» بود، خواب شگفت انگیزی دید. یک بار در خواب پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و حضرت عیسی (علیه السلام) را دید که او را به عقد ازدواج حضرت حسن عسکری (علیه السلام) در آوردند و بار دیگر خواب دید که به دعوت حضرت فاطمه (علیها السلام) مسلمان شده است.

او اسلام خود را از خانواده و اطرافیان خویش پنهان می داشت تا آن گاه که میان مسلمانان و رومیان جنگ در گرفت و قیصر، خود به همراه لشکر روانه ی جبهه های جنگ شد. نرجس خاتون در خواب فرمان گرفت که به طور ناشناس همراه کنیزان و خدمت کاران به دنبال سپاهی برود که رهسپار مرز هستند. او چنین کرد و در مرز به دست سپاه اسلام اسیر و همراه سایر اسیران به «بغداد» برده شد. این واقعه در اواخر دوران امامت حضرت هادی (علیه السلام) روی داد. کارگزار آن حضرت، نامه ای را که امام هادی (علیه السلام) به زبان رومی نوشته بود، در «بغداد» به نرجس رساند و او را از برده فروشی خریداری کرد و به

سامرا» نزد امام هادی (علیه السلام) برد. آن حضرت آن چه را نرجس در خواب های خود دیده بود به او یادآوری کرد و بشارت داد که او همسر امام حسن عسکری (علیه السلام) و مادر فرزندی خواهد شد که بر سراسر جهان متولی می شود و زمین را از عدل و داد آکنده می سازد. آنگاه امام هادی (علیه السلام) او را به خواهر خود حکیمه که از بانوان بزرگوار خاندان امامت بود، سپرد تا آداب اسلامی و احکام را به او بیاموزد. مدتی بعد نرجس به همسری امام حسن عسکری (علیه السلام) در آمد. او زنی پاکدامن و عابد بود؛ زمانی که حضرت مهدی (علیه السلام) را باردار شد، این امر از بیشتر کسانی که با او در تماس بودند، پنهان ماند و به این ترتیب خداوند مقدر کرده بود که او مادر گرامی ترین مولود باشد.

مسئله ی تولد حضرت مهدی علت را جز عده ای خاص کسان دیگری نمی دانستند و برای عموم مردم پنهان بود تا مبادا وجود ایشان مورد گزند دژخیمان عباسی و خصم بدنهاد قرار گیرد. در روایتی از امام کاظم (علیه السلام) به ولادت پنهانی آن حضرت اشاره شده: ولادتش بر مردم پوشیده می ماند و بردن نامش تا روزی که خداوند فرمان ظهورش را دهد، روا نیست» (1).

پنهان ماندن ولادت ایشان باعث شد تا گروهی شیفته ی ایشان بشوند و در مقابل، خرد و عقل گروهی دیگر به گمراهی کشانده شود. به طوری که جز مؤمنان به رسالت جد گرامی و پدران ارجمندش، ائمه اطهار، کسی به او ایمان نمی آورد. روزی که خداوند بخواهد او از پرده بیرون می آید و زمین را پر از عدل و داد می کند.

برای تولد حضرت گواه دیگری نیز روایت شده است. وقتی احمد بن اسحاق بن سعد اشعری به محضر امام حسن عسکری (علیه السلام) شرفیاب شد، درباره ی جانشین آن حضرت سؤال کرد. امام، کودکی خردسال را به او نشان داد. احمد بن اسحاق پرسید: «آیا نشانه ای هست تا قلبم اطمینان یابد؟» آن کودک زبان گشود و به زبان عربی فصیح فرمود: «انا بقیه الله فی ارضه و المنتقم من اعدائه فلا تطلب اثره بعد عین یا احمد بن اسحاق». من بقیه الله بر روی زمین و منتقم از دشمنان او هستم ای احمد اسحاق. بعد از دیدن این کرامت نشانه ای طلب نکن». سلام مخصوص به آن حضرت چنین است:

السلام علیک یا بقیه الله فی ارضه»؟ (2)

ص: 32

---

1- بحار الانوار، ج 51: ص 32

2- کمال الدین، ج 2، ص 384، حدیث

در احادیث فراوانی در مورد تعداد امامان و نسب ایشان بحث شده است. در 91 حدیث آمده است که امامان، دوازده نفر هستند؛ اولینشان علی بن ابی طالب (علیه السلام) و آخرینشان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. در 94 حدیث آمده که امامان، دوازده نفرند و آخرینشان مهدی شی است. در 107 حدیث، امامان دوازده نفرند، نه نفرشان از نسل حسین (علیه السلام) و نهمی آنان قائم (علیه السلام) است. در 398 حدیث، مهدی (علیه السلام) از عترت پیغمبر (صلی الله علیه واله)، 214 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد علی (علیه السلام) و در 192 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد فاطمه (علیها السلام) است. 158 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد امام حسین (علیه السلام) است. 148 حدیث مهدی (علیه السلام) نهمین اولاد امام حسین (علیه السلام) است. 185 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد علی بن الحسین (علیه السلام)، 103 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد امام محمدباقر (علیه السلام) و در 103 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد امام جعفر صادق (علیه السلام) است. 99 حدیث مهدی (علیه السلام) ششمین اولاد امام صادق (علیه السلام) است. 101 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد موسی بن جعفر (علیه السلام) است. 98 حدیث، مهدی (علیه السلام) پنجمین فرزند موسی بن جعفر (علیه السلام) است. 95 حدیث، مهدی (علیه السلام) چهارمین اولاد علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است. 90 حدیث، مهدی (علیه السلام) سومین فرزند امام محمد تقی (علیه السلام)، 90 حدیث، مهدی (علیه السلام) از اولاد امام هادی (علیه السلام) و 145 حدیث، مهدی (علیه السلام) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است. 148 حدیث، نام پدر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حسن است و در 47 حدیث، مهدی (علیه السلام) هم نام و هم کنیه ی رسول خدا (صلی الله علیه واله) است. [\(1\)](#)

رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرمود: «مهدی موعود از اولاد من، هم نام و هم کنیه ی من و از حیث اخلاق و خلقت شبیه ترین مردم به من است».

ص: 33



## دلایل مخفی بودن ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

دوره های زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به چند بخش تقسیم می شود که یکی از آنها، دوره ی اختفاست. این دوره از هنگام تولد حضرت تا زمان رحلت امام حسن عسکری (علیه السلام) است که به مدت پنج سال می باشد. امام حسن عسکری (علیه السلام) در آن دوره دو وظیفه ی اساسی و حساس را بر عهده داشت: یکی حفظ فرزندش از گزند خلفای عباسی و دیگر اثبات وجود او و اعلام امامتش به عنوان امام دوازدهم. آن حضرت از عهده ی هر دو به بهترین شکل بر آمد؛ هم فرزندش را حفظ کرد و هم در فرصت های مناسب به یاران و دوستان خود، او را معرفی نمود. کسانی که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در حیات پدرش امام حسن عسکری (علیه السلام) دیده اند از این قرار هستند

1. همان طور که قبلاً هم اشاره شد، حکیمه بنت محمد بن علی بن موسی (علیه السلام)، عمه ی امام حسن عسکری (علیه السلام) که در شب تولد حضرت قائم به ایشان را زیارت کرد. نسیم و ماریه کنیزان آن حضرت گفتند: «زمانیکه آن کودک متولد شد به خاک سجده کرد، انگشت سبابه را رو به آسمان بلند نمود و گفت: الحمدلله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله...».

2. ابوبصیر خادم که گفت: «وارد شدم بر صاحب الزمان که در

گهواره بود. نزدیک رفتم و سلام کردم. فرمود: مرا میشناسی؟ عرض کردم: تو بزرگ و سید و فرزند امام من هستی. تعجب کردم که در گهواره چگونه سخن می گوید؟ آن گاه فرمود: پرس از مقام من؛ عرض کردم: خودتان بیان بفرمایید. او چنین فرمود: انا خاتم الاوصیاء و بی یرفع البلاء من اهلی و شیعتی».

3. ابی نعیم محمد بن احمد انصاری که گفت: «با یک دسته از

مفوضه برای استفاضه از امام حسن عسکری (علیه السلام) به «سامرا» رفتیم. آن جا پسر چهار ساله ای بود که امام به او اشاره کرد. او جواب ما را به نحو کافی و قانع کننده ای داد و او مهدی قائم (علیه السلام) بود».

4. نسیم خادم ابی محمد (علیه السلام) که می گوید: «ده روز پس از تولد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او را زیارت کردم». این خبر را به تواتر نقل کرده اند که نسیم در حین زیارت امام (علیه السلام) عطسه کرد. آن حضرت فرمود: «تورا بشارت می دهم که به هر عطسه سه روز از مرگ در امانی». 5. علی بن بلال، احمد بن هلال، محمد بن معاویه بن حکیم، حسن بن ایوب بن نوح و محمد بن عثمان عمری که با همه هم به خدمت امام حسن عسکری (علیه السلام) رفتند و در آن هنگام چهل نفر از شیعیان نزد امام حاضر بودند. همه ی آنها دیدند که در کنار امام حسن عسکری (علیه السلام) کودکی است که صورتش مانند ماه می درخشد. پرسیدند: «این کودک کیست حضرت فرمود: «این امام شما پس از من و جانشین من است؛ از او پیروی کنید و از گرد او پراکنده نگردید که هلاک می شوید و دینتان تباه می گردد. این را هم بدانید که پس از امروز او را نخواهید دید»<sup>(1)</sup>

6. سعد بن عبدالله قمی که با نامه های فراوان با جمعی برای زیارت آن حضرت به «سامرا» رفتند. در طرف راست امام حسن عسکری (علیه السلام) کودکی دیدند، پرسیدند: کیست؟ حضرت گفت: «او مهدی قائم آل محمد (صلی الله علیه واله) است و پس از آن جواب مسائل را به آنها گفت.

7. ابی سهل اسماعیل نوبختی که می گوید: «وارد بر ابی محمد

ص: 35

حسن بن علی شدم. آن حضرت در مرض مرگ بود. به خادمش، صیقل فرمود آب مصطکی بیاورد. صیقل جاریه ظرف آب مصطکی را آورد که قدح آن به دندان های آن حضرت خورد، دست حضرت لرزید، ظرفشربت افتاد و ریخت. در این اثنا فرمود: در اندرون برو؛

طفلی را خواهی دید که به نماز ایستاده، به او بگو که نزد من بیاید. داخل اندرون شدم. دیدم کودکی به نماز مشغول است؛ عرض کردم: پدرت شما را می خواهد. مادرش دست او را گرفت و نزد پدر برد. چون پدر را با دندان شکسته دید به گریه افتاد. آن گاه امام حسن (علیه السلام) فرمود: این ظرف را نزدیک دهان من بیاور؛ در حال سكرات بود که دهان باز کرد و چند جرعه نوشید. آن کودک فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) مهدی (علیه السلام) بود».

8. احمد بن اسحاق می گوید: «نزد امام حسن عسکری (علیه السلام) رفتم تا از امام پس از او سوال کنم. حضرت قبل از این که من چیزی بگویم، نام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بردند و از عظمت و مقام او برایم سخن فرمودند».

9. یعقوب بن منفوس می گوید: «بر امام حسن عسکری (علیه السلام) وارد شدم و دیدم کودکی طرف راست حضرت نشسته است. فرمود: این صاحب شما و امام زمان و حجت عصر شما است».

10- ابونصر می گوید: «بر صاحب الزمان (علیه السلام) وارد شدم. فرمود: من

آخرین وصی پیغمبرا (صلی الله علیه واله) هستم» . .

11- ابوعبدالله ستوری می گوید: «به طرف باغ بنی هاشم میرفتم، دیدم کودکی آنجا بازی می کند. گفتم: این طفل کیست؟ گفتند: این محمد فرزند حسن بن علی است».

12- عبدالله بن جعفر حمیری از احمد بن اسحاق سوال نمود: این کودک کیست؟ گفتند: «او امام زمان (علیه السلام) است».

13- علی بن ابراهیم بن مهزیار که خادم آن حضرت بود و تا

سرداب محل غیبت، در حضور ایشان بوده است.

امام عسکری (علیه السلام) تصمیم گرفت برای حفظ جان فرزندش او را به جای مطمئن تری بفرستد. مدارک تاریخی حکایت از این دارد که امام عسکری (علیه السلام) نخست، فرزند خود را در «سامرا» و سپس در «مدینه» پنهان کرد. چنان که زمانی ابوهاشم جعفری از امام عسکری (علیه السلام) پرسید: پس از وفات شما، سراغ جانشینان را در کجا باید گرفت؟ امام پاسخ داد: در مدینه» (1). به این ترتیب، امام دوازدهمین بخش عمده ی دوران کودکی خود را در مدینه گذرانده؛ زیرا امام عسکری (علیه السلام) خطری را که در صورت اقامت او در «عراق» با آن مواجه می شد، تشخیص داده بود. چون خلفای ستمگر بنی عباس می دانستند که از امام حسن عسکری (علیه السلام)، بنا بر احادیث موثق، فرزندى به جهان خواهد آمد که ریشه ی ستمگران را قطع می کند، بنابراین در کمین بودند تا هر گونه اثر را از قائم آل محمد نابود کنند. آنها طبق احادیثی که از ائمه و پیامبر (صلی الله علیه واله) شنیده بودند، باور داشتند که از امام حسن عسکری (علیه السلام) پسری به نام مهدی که نابود کننده ی کاخ ظالمان و یاور مظلومان و منجی عالم است، به وجود می آید. به همین دلیل معتمد عباسی به شدت در پی یافتن نوزاد امام عسکری (علیه السلام) بود. و به گروهی دستور داده بود که منزل

ص: 37

---

1- کافی، ج 1، ص 328.

علویین و مخصوصاً خانه آن حضرت را گاه و بی گاه بازرسی کنند تا اگر نوزادی یافتند که گمان است منجی بشریت باشد، او را بیدرنگ نابود کنند. بنابراین با تلاش هایی که عباسیان حاکم بر سامرا» و «بغداد» در کنترل زندگی امام عسکری (علیه السلام) داشتند، کاملاً مسئله مهم اختفای تولد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشخص می شود. به علاوه این نکته را نیز روشن می سازد که در آن زمان مسئله ی غیبت قائم (علیه السلام) مطرح بوده و بنی عباس قصد داشته اند تا به هر شکل ممکن راه امامت را بر شیعه مسدود سازند. شیخ مفید در آغاز شرح حال امام زمان (علیه السلام) می نویسد: «ولادت آن حضرت به دلیل مشکلات آن زمان و جستجوی شدید حکومت و کوشش آنها برای یافتن آن حضرت، مخفی ماند. پیش از آن در روایات ائمه (علیه السلام) به تولد پنهانی آن حضرت اشاره شده و حتی این مطلب یکی از علائم مربوط به شناخت آن حضرت تعیین شده بود».<sup>(1)</sup>

ممکن است این سؤال مطرح می شود که چرا بنی امیه و بنی عباس تا آن حد با امامان شیعه دشمنی می کردند و آن قدر در پی پیدا کردن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودند؟ جواب این سؤال از پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری (علیه السلام) بیان شده است؛ ایشان می فرمایند: «به دو سبب آنها شمشیر در میان ما گذاردند: 1. آنها می دانستند که حقی در خلافت ندارند، بنابراین می ترسیدند که روزی ما ادعا کنیم و علیه آنها قیام نماییم. 2. چون اخبار متواتر به آنها رسیده بود که آن قائم، حضرت مهدی (علیه السلام) که جبار و ظلم و

ص: 38

---

1- حیات فکری و سیاسی امامان شیعه به نقل از الارشاد: ص 345 و منتخب الاثر: ص 288

ستم را از بین می برد، از ماست، پس می ترسیدند که او از ما متولد گردد»<sup>(1)</sup>.

از ائمه دیگر نیز نقل هایی در رابطه با مخفی بودن تولد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «بنگرید به آن کسی که ولادتش بر مردم پنهان است. هم او صاحب شما است.» و نیز می فرماید: «همانا قائم (علیه السلام) آن کسی است که تولدش از مردم مخفی است».

امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «ولادت امام قائم (علیه السلام) بر مردم مخفی است؛ به طوری که بعضی می گویند، متولد نشده است. بنابراین در حالی ظهور میکند که در گرو بیعت هیچ کس نیست»<sup>(2)</sup>.

امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «.. تا این که خداوند جوانی را از ما برانگیزد که دارای ولادت پنهانی است»<sup>(3)</sup>.

علل مخفی بودن تولد حضرت مهدی (علیه السلام) را می توان چنین بیان کرد:

1. مصون ماندن از خطر مرگ: در حدیثی مفصل که از احمد بن عبیدالله بن خاقان بیان شده، که کار گرفتن او خراج قم بوده او در مورد کاوش خانه ی امام حسن عسکری (علیه السلام) برای یافتن حضرت مهدی چنین می گوید: «وقتی خبر بیماری امام عسکری (علیه السلام) شنیده شد، خلیفه به دنبال پدرم فرستاد. او به دارالخلافة رفته و با پنج نفر از کارمندان نزدیک خلیفه که از معتمدان او هم بودند، برگشت و به

3. کافی، ج 1، ص 341.

ص: 39

---

1- هزار و یک چرا: ص 267، به نقل از سید کاظم قزوینی: الامام العسکری من المهد الی اللحد.

2- مهدویت پیش از ظهور به نقل از کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 567 و اثبات الهداه، ج

3- ص 579، ح 751 و ص 466، ح 126

آنان گفت تا خانه ی امام را در کنترل داشته و از احوال و اخبار وی آگاه باشند. آن گاه به دنبال برخی از پزشکان فرستاد و به آنها گفت که شبانه روز بر بالین امام حضور داشته باشند. پس از دو یا سه روز به او خبر دادند که امام ضعیف تر شده است و او دستور داد تا طبیبان بر مراقبت های خود بیفزایند. بعد از آن پیش قاضی القضاة رفت و ده نفر از معتمدان خود را که کاملاً به آنها اطمینان داشت به منزل امام عسکری (علیه السلام) فرستاد که شبانه روز در آن جا باشند. آنها تا زمانی که امام عسکری (علیه السلام) وفات کرد، در آن جا بودند. پس از این واقعه، خانه ی امام لاله به دستور خلیفه به طور دقیق بررسی شد و همه چیز مهر و موم گردید. پس از آن تلاش های پیگیرانه ای برای یافتن فرزندی از آن حضرت آغاز شد؛ حتی کنیزان امام نیز تحت نظر قرار گرفتند تا معلوم شود کدام یک از آنها باردار است. یکی از آنها را که احتمال می رفت باردار باشد، در خانه تحت مراقبت قرار دادند تا وقتی که باردار نبودن وی مشخص شد. آن گاه میراث امام (علیه السلام) را میان مادر و برادرش، جعفر تقسیم کردند». به طور مستم، چنین حساسیت شدیدی از طرف دستگاه خلافت بدان سبب بود تا گذشته از کنترل امام یازدهم، در صورتی که به فرزندش مهدی (علیه السلام) دسترسی نیابند، حداقل بتوانند اعلام کنند که امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندی نداشته است. (1)

2. اقدامات امام حسن عسکری (علیه السلام) : امام حسن عسکری (علیه السلام) خود از پیش گویی ها آگاه بود و اهمیت و عظمت مولود را به درستی میدانست. از حساسیت دشمنان درباره ی تولد این نوزاد غافل نبود

ص: 40

---

1- مهدویت پیش از ظهور: ص 72 و حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ج 1. 2، ص 204، به نقل از اصول کافی، ج 1، ص 506 و 505.

و اوضاع سیاسی و شرایط اجتماعی را نیز کاملاً می شناخت؛ از این رو مقدمات و پیش زمینه های ولادت فرزندش را به گونه ای فراهم ساخت که نه تنها دشمنان بلکه بسیاری از دوستان هم از این امر آگاه نشدند. امام حسن عسکری (علیه السلام) خود درباره ی فلسفه ی خفای ولادت فرزندش، مهدی (علیه السلام) چنین می فرماید: «بنی امیه و بنی عباس می دانستند که حاکمانی ستمگر و ستمکارند و از اخبار متواتر دریافته بودند که به دست حضرت قائم (علیه السلام) نابود می شوند؛ بنابراین به امید این که بتوانند از تولد آن حضرت جلوگیری کنند یا او را بکشند، در کشتار اهل بیت رسول خدا و از بین بردن نسل آن حضرت تلاش بسیار کردند. اما خداوند نخواست سر امر بر آنها آشکار شود، بلکه اراده فرمود که بر خلاف میل کافران، نور خود را تمام کند و خیر بشریت را محقق سازد؛ «مکروا و مکر الله والله خیر الماکرین» (آل عمران / 54). آنها می خواستند همان کاری را که فرعون با بنی اسرائیل انجام داد، بکنند و گمان می کردند که می توانند جلوی قضا و قدر الهی را بگیرند، اما با تدبیر و کیاست و دوراندیشی امام (علیه السلام) و یاری خداوند متعال، آن حضرت به گونه ای این مأموریت یعنی مخفی ماندن ولایت حضرت مهدی (علیه السلام) را به انجام رساند که دشمنان در هدفهای شوم خود ناکام ماندند.

3- شباهت ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به ولادت حضرت ابراهیم (علیه السلام) و حضرت موسی (علیه السلام): ولادت پنهانی حضرت مهدی (علیه السلام) و حفظ جان او مانند ولادت حضرت ابراهیم و موسی (علیه السلام) است. در واقع خداوند درباره ی آن حضرت، همان کاری را کرد که درباره ی موسی (علیه السلام) کرده بود. چنان که دشمنان مهدی نیز همان روش و سیاست فرعون را دنبال کردند. فرعون می دانست که زوال سلطنت



او به دست مردی از بنی اسرائیل خواهد بود. به همین دلیل بارزسانی گماشت تا زنان حامله ی بنی اسرائیل را زیر نظر بگیرند و کودکانی را که متولد می شوند، تحت مراقبت شدید قرار بدهند و اگر کودک پسر بود او را بکشند. به این ترتیب، کودکان بی گناه بسیاری کشته شدند تا موسی پدید نیاید؛ اما با این حال خدای متعال پیامبر خود، موسی (علیه السلام) را حفظ کرد و ولادت او را مخفی داشت، سپس به مادر موسی (علیه السلام) امر فرمود تا او را در صندوقی بگذارد و به رود نیل بسپارد. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که ایشان فرمود:

در قائم، سنتی از موسی بن عمران است. از او سؤال می شود: سنت موسی بن عمران چه بود؟ فرمود: مخفی بودن ولادت او». امام سجاد (علیه السلام) پنهانی بودن ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را شبیه حضرت ابراهیم (علیه السلام) دانسته است و می فرماید: «در قائم ما سنتهایی از پیامبران هست، اما سنت او از ابراهیم (علیه السلام)، پنهانی بودن ولادت و کناره گیری از مردم است...» (1).

4. نبود بیعت کسی بر گردن او: یکی دیگر از دلایل مخفی بودن ولادت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این است که آن حضرت، زیر بار بیعت کسی نرفت و سلطه یهیچ حاکم و پادشاهی را نپذیرفت. امام صادق (علیه السلام) فرموده است: «ولادت صاحب الامر به این دلیل از خلق پوشیده است که هنگام ظهور، بیعت کسی بر گردنش نباشد».

5. اگر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بین مردم حضور داشت و همگان از ولادت او آگاه می شدند، ناچار باید در برخورد با مردم و ستمکاران به اقتضای مصلحت اسلام و مسلمین به نبرد با طاغوت بر می خاست و یا به دلیل تقیه، سکوت و صلح اختیار می کرد؛ در هر یک از این

ص: 42

---

1- مهدویت پیش از ظهور به نقل از کمال الدین و تمام النعمه، ج 2، ص 340 و 567.

دو حالت، همان طور که پدران بزرگوارش را به شهادت رساندند، او را نیز می کشتند. در نتیجه زمین از حجت خدا خالی میشد و اهلش را در خود فرو می برد و مقصود نهایی از وجود حجت خدا در زمین برآورده نمی گشت.

تدابیری که خود حضرت مهدی (علیه السلام) برای اختفا از دید دشمنان

داشت، از این قرار است:

1. حضرت، خود را جز به کسانی که مخلص و فدایی بودند بهکس دیگری نشان نمیداد.
2. بعد از آن که شخصی به حضور حضرت شرف یاب می شد، به او سفارش زیاد می کرد که این امر را پوشیده بدارد و در خبر دادن به شیعیان، نهایت احتیاط را داشته باشد.
3. نام بردن از اسم مخصوص امام زمان (علیه السلام) یعنی محمد تحریم شده بود. از این رو مشاهده می کنیم که در آن عصر در مورد امام (علیه السلام) از تعبیراتی چون قائم، غریب، حجت، ناحیه، صاحب الزمان و دیگر تعبیرات مبهم استفاده میشد. (1)
4. مخفی شدن از دستگاه خلافت و به طور کل از هر کس که از موالیان آن حضرت به شمار نمی آمد.
5. تغییر دادن مکان و خانه ی حضرت از جایی به جای دیگر به نحوی که نظرها را به خود جلب نکند و کسی به آن حضرت مشکوک نشود. از این رو روایاتی که در تعیین مکان و خانه ی حضرت اختلاف دارند، با همین دلیل توجیه می شود.
6. کیفیت ارتباط وکیل یا سفیر به قدری مخفیانه بود که هیچ کس از آن اطلاعی پیدا نمی کرد.

ص: 43

---

1- غیبت صغری به نقل از الغیبه، طوسی: ص 364.

7. حضرت، وکالت و یا سفارت خود را به کسانی واگذار می کرد که نهایت اخلاص و فداکاری را به حضرت داشتند؛ تا حدی که محال بود، مکان حضرت و خصوصیات ایشان را به کسی اطلاع دهند. لذا هنگامی که به ابوسهل نوبختی گفتند: «چرا سفارت به حسین بن روح واگذار شد نه به شما؟» در جواب گفت: «او کسی است که اگر حجت (علیه السلام) در زیر عبایش باشد و بدن او را قطعه قطعه کنند تا عبایش را از روی حجت (علیه السلام) بردارد هرگز چنین نخواهد

کرد. (1)

به طور کلی پنهان بودن تولد، امری غیرمتعارف و مخالف عادت نیست. عقل و برهان چنین عملی را در بعضی از اوقات ممکن میدانند و تاریخ، امثال آن را در فرزندان پادشاهان و دولت مردان به دلیل پاره ای از مصالح حیاتی تأیید می کند. در طول تاریخ، بسیار اتفاق می افتاد که پادشاهی دارای فرزندی می شد، اما اجازه ی افشای تولد او را نمی داد تا زمانی که فرزندش بزرگ شده و به صورت جوان تنومندی در آید. این امر دربارهی عده ای از پادشاهان ایران، روم و هند نقل شده است. بنابراین پنهان نگه داشتن ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر خلاف عقل و عادت نیست.

### طلوعی گذرا

چنان که گفته شد حضرت مهدی (علیه السلام) در نهان میزیست و عموم مردم از او خبر نداشتند و به جز چند تن، کسی او را ندیده بود. وضعیت امام به همین صورت بود تا روز درگذشت امام یازدهم یعنی روز هشتم ربیع الاول سال 260 هجری قمری فرارسید. در این روز

ص: 44

چهار دلیل باعث شد تا مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود را به گروهی از مردم بنمایاند و به محلی که در آن مردم برای مراسم تشییع و خاکسپاری امام یازدهم حاضر شده بودند، آشکارا پا نهد:

1. تنها امام باید بر جنازه‌ی امام نماز گزارد برای رعایت این سنت الهی و سر ربانی، لازم بود که مهدی (علیه السلام) ظاهر شود و بر پیکر پدر نماز گزارد.

2. از این که کسی از سوی خلیفه بیاید و بر پیکر امام یازدهم نماز بخواند جلوگیری شود؛ چرا که در این صورت ممکن بود جریان امامت مختوم اعلام شود و خلیفه‌ی جابر عباسی، وارث امامت شیعی معرفی گردد.

3. از روی دادن انحراف داخلی در جریان امامت جلوگیری شود؛ زیرا جعفر بن علی الهادی معروف به جعفر کذاب، برادر امام عسکری (علیه السلام)، در صدد ادعای امامت بر آمده بود تا بر پیکر امام در گذشته نماز بخواند.

4. ادامه‌ی جریان امامت بر حق و ولایت اسلامی تثبیت شود و بر معتقدان به امامت معلوم شود که بعد از امام حسن عسکری (علیه السلام) امام دیگری که امام دوازدهم (علیه السلام) است حامل این وراثت معنوی، رسالت اسلامی و ولایت دینی و دنیایی است که او تولد یافته و موجود است.

به دلایلی که بیان شد مردمی که برای انجام مراسم آمده بودند، ناگاه مشاهده کردند که کودکی خردسال اما در نهایت شکوه و حشمت، هم چون خورشیدی فروزان از اندرون سرا بیرون آمد و عموی خود، جعفر را که آماده‌ی نماز گزاردن بر پیکر پیشوای مسلمانان شده بود به یک سوزد و بر پیکر پدر نماز گزارد. آری،

مهدی (علیه السلام) در آن روز خویشتن را نشان داد. پای از درون خانه بیرون نهاد و در کنار مردم قرار گرفت. آن روز، روزی نورانی شد؛ این تجلی همایون که کودکی خردسال، بزرگانه گام پیش گذارد، جعفر کذاب را کنار زد، خود پیش ایستاد، بر خلق امامت کرد و بر پیکر پیشوای فقید نماز خواند، مسئله را روشن کرد و اخبار آن منتشر شد و به زودی به گوش مراقبان و مأموران رسید. سفاکان دربار عباسی دانستند که فروشندهی جباران، در هم کوبندهی ستمگران، بر باد دهندهی تاجها و ویران کنندهی کاخ ها تولد یافته و رشد کرده است.

آغاز امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سن پنج سالگی شروع شد.

لازم به ذکر است که همان طور که قبلا گفته شد، حضرت مهدی نه بیشتر در ران پنهانی و اختفای خود را در مدینه بود و نزد جده ی خود یعنی مادر بزرگش زندگی می کرد. ایشان در حفظ و نگهداری آن حضرت نقش ویژه ای داشته است. شیخ صدوق از احمد بن ابراهیم نقل کرده است: «بر حکیمه دختر امام جواد (علیه السلام) وارد شدم، از پس پرده با وی سخن گفتم و از او دربارهی اعتقادش به امامان پرسیدم. او همه ی آنها را یکایک شمرد و آن گاه حجه بن الحسن بن علی را نیز نام برد. از او پرسیدم: این فرزند کجاست؟ گفت: در پس پرده ی غیبت است. گفتم: پس شیعه به چه کسی پناه ببرد؟ گفت: به جده، مادر امام حسن عسکری (علیه السلام). سپس افزود: این دستور از سوی امام عسکری (علیه السلام) و به پیروی از امام حسین (علیه السلام) صورت گرفته است. زیرا امام حسین (علیه السلام) در ظاهر برای حفظ جان فرزندش، امام سجاد (علیه السلام) به خواهرش، زینب کبری (علیها السلام) وصیت کرد و در نتیجه تا مدتی هر آن چه از امامسجاد (علیه السلام) صادر می گشت به حضرت زینب (علیها السلام) نسبت داده می شد تا امر پنهان باشد و حساسیتها

نسبت به امام سجاد (علیه السلام) کمتر شود». این امتیاز برای جده باقی بود تا آن که کسانی مانند عثمان بن سعید و دیگر سفرا و نایبان خاص امام (علیه السلام) در بین شیعیان شناخته شدند و منزلت یافتند. (1)

## امامت در کودکی

چگونه امکان دارد کودکی پنج ساله امام باشد؟

پیشینه ی نبوت و امامت در کودکی: از نظر «قرآن»، نبوت و ولایت در کودکی نه تنها امر غیرممکنی نیست، بلکه در آن به صراحت از نبوت حضرت عیسی و اعطای حکمت به حضرت یحیی (علیه السلام) خبر داده شده است. این مسئله در جامعه ی شیعی نیز امری عجیب و ناگهانی نبود و قبل از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امام جواد و امام هادی (علیه السلام) به امامت رسیده بودند. در همین رابطه چند آیه از قرآن کریم بیان می شود:

الف - خداوند به پیامبرش یحیی (علیه السلام) می فرماید: «يَا يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ بِقُوَّةٍ وَآتِنَاهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا»؛ ای یحیی تو کتاب الهی را به قوت بگیر و مادر همان سن کودکی به او حکم نبوت دادیم».

سوره مریم / 12). در این آیه مراد از حکم، همان نبوت است؛ زیرا خداوند متعال عقل او را در کودکی محکم کرد و به او وحی فرستاد. خداوند متعال حضرت یحیی و عیسی (علیه السلام) را در کودکی به پیامبری برگزید؟ (2)

ب - قرآن از قول حضرت عیسی (علیه السلام) که در کودکی زبان به سخن گشود و جواب منکران را داد، چنین می فرماید: «قال إني عبدالله أتاني

ص: 47

---

1- الفبای مهدویت: ص 1386

2- مهدویت پیش از ظهور به نقل از تفسیر فخر رازی، ج 11: ص 192.

الکتاب و جعلنی نبیا؛ (کودک) گفت: من بندهی خداوند هستم، (او) به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است» (مریم/30).

امام علی النقی (علیه السلام) شش سال و پنج ماه از سن مبارکش گذشته بود که پدرش از دنیا رحلت فرمود و امامت به او منتقل شد. در «بحار الانوار» از عبدالله بن جعفر نقل شده که می گوید: «من و صفوان بن یحیی به خدمت امام رضا (علیه السلام) رسیدیم. فرزندش که سه سال از عمرش می گذشت، ایستاده بود. عرض کردیم: - خدا ما را فدای شما کند - چه کسی بعد از شما امام ما خواهد بود؟ آن حضرت به امام جواد (علیه السلام) اشاره کرد و فرمود: این فرزندم. عرض کردیم. او با این سن و سال؟ فرمود: آری، او با همین سن و سال؛ خداوند تبارک و تعالی به وسیله ی وجود عیسای دو ساله احتجاج کرد و او را به نبوت برگزید».

همه ی شیعیان و حتی مخالفان آنها بر این امر اتفاق نظر دارند که رسول خدا (صلی الله علیه واله) حضرت علی (علیه السلام) را در حالی که سنی کم داشت، به وزارت، خلافت و وصایت دعوت کرد. همچنین پیامبره همراه با حسن و حسین (علیه السلام) در حالی که آن دو طفلی بیش نبودند، با نصارا مباحله کرد در حالی که قبل از آن سابقه نداشت که پیامبر به همراهی اطفال مباحله کرده باشد. (1)

امامت و ولایت مقام و منصبی است که به لیاقت و شایستگی افراد بستگی دارد که به سن و سال آنان. این مقام، مقام بزرگی است که واجد آن، احکام خدایی و علوم نبوت را تحمل و ضبط می کند به گونه ای که خطا، نسیان و عصیان در ساحت وجود مقدسش راه

13: ص 28 - 27 و 55 - 50.

ص: 48

---

1- مهدویت پیش از ظهور به نقل از فصول المختاره: ص 316 و تفسیر نمونه، ج

ندارد. او همواره با عوالم غیبی مرتبط بوده، از افاضات و اشراقات الهی بهره مند می‌گردد. به واسطه‌ی علم و عمل پیشوا و امام انسانیت، نمونه و مظهر دین و حجت خداوندی است. پس پیامبر و امام، از حیث آفرینش ممتازند و به واسطه‌ی همین استعداد و امتیاز ذاتی است که خدای متعال آنان را به مقام شامخ نبوت یا امامت انتخاب می‌کند. این امتیاز از همان آغاز کودکی در آنان وجود دارد تا زمانی که مصلحت بود و شرایط موجود شد و مانعی در کار نبود، آن افراد برجسته رسماً به مقام و منصب نبوت و امامت، منصوب و مأمور حفظ و تحمل احکام شوند. همان طور که این انتخاب و نصب ظاهری، می‌تواند بعد از بلوغ یا در بزرگسالی انجام گیرد، در ایام کودکی نیز قابل تحقق است. (1)

امامت منصبی الهی است. مسئله‌ی امامت و ولایت امری شخصی، وراثتی و انتخابی نیست و در حیطه‌ی اختیارات هیچ کس قرار ندارد؛ بلکه این امر از جانب خدا و بر اساس خواست، اراده و نصب او انجام می‌پذیرد.

در واقع، امامت برای ائمه‌ی اهل بیت (علیه السلام) مانند خلفای اموی، عباسی و فاطمی مرکز قدرت و نفوذ حکومت نیست تا از پدر به پسر منتقل شود، بلکه بر اساس انتخاب و فرمان الهی صورت می‌گیرد؛ از این رو امام که فردی برگزیده از سوی خدای متعال است، در تمام زمینه‌ها سرآمد و دارای علم و قدرت الهی است؛ پس اعطای این مقام به بزرگسال یا کودک، در دست خدا و به خواست و اراده‌ی او است. خدا بهتر از همه می‌داند که امامت و ولایت را در کجا قرار دهد و چه کسی را به این مقام نصب کند؛ «اللہ اعلم حیث یجعل

ص: 49



رسالته» (سوره انعام / 124). بنابراین امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز خارج از این مدار نبوده و بر اساس تدابیر و سنت های الهی صورت گرفته است.

نقل است که بنی عامر خدمت رسول خدا (صلی الله علیه واله) رسیدند. حضرت، آنان را به سوی خدا دعوت نمود و نبوت خود را بر آنها عرضه کرد. در این هنگام شخصی به پیامبر (صلی الله علیه واله) گفت: «اگر ما با تو بر اسلام بیعت کنیم و خداوند تو را بر مخالفان غلبه دهد، آیا در خلافت بعد از تو سهمی داریم؟» آن حضرت فرمود: «امر خلافت به دست خداوند است و هر کجا که بخواهد آن را قرار میدهد». (1)

یکی از نکات دیگری که درباره ی زندگی اهل بیت قابل توجه است این است که حاکمان جور، علیه امامان (علیه السلام) فشارها، ظلمها و سخت گیری های زیادی اعمال می کردند؛ به طوری که همه ی امامان شیعه به دست ظالمان، مقتول یا مسموم میشدند و خطر جانی همیشه ایشان را تهدید می کرد. چه بسا اتفاق می افتاد که امامی به شهادت می رسید، در حالی که فرزند او در سنین کودکی قرار داشت و همان کودک به ضرورت به مقام امامت می رسید. در فرهنگ اسلام، زمین نباید از حجت خالی بماند و پیوسته باید شخصی به عنوان واسطه فیض الهی و امام امت تعیین گردد؛ بنابراین در آن زمان شخص بعدی هر چند در دوران کودکی قرار داشت، به مقام امامت می رسید و خلیفه و حجت الهی بر روی زمین می گردید. در روایات آمده است: «لوقبیت الارض بغیر امام نساخت»؛ اگر زمین بدون امام باشد به یقین در هم فرو می ریزد». (2) بر این

1: ص 179، حدیث

ص: 50

---

1- مهدویت پیش از ظهور: ص 79، به نقل از سیره ابن هشام، ج

2- 1 ص 32. !. اصول کافی، ج

اساس وقتی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پنج ساله بود، پدرش امام حسن عسکری (علیه السلام) به شهادت رسید و از آن جا که زمین نباید از حجت خالی می ماند و مردم نیز باید امام و پیشوایی برای خود داشتند، آن حضرت به امامت رسید و به عنوان آخرین وصی و حجت الهی، رهبری مردم را در دست گرفت.

از سوی دیگر شاید مسئله ی رسیدن به امامت در سن کودکی برای حفظ جان برخی از امامان ضروری بوده و دشمنان به تصور کودک بودن آنان دست از ظلم و جنایت علیه ایشان بر میداشتند. این قضیه در مورد امامان بعد از حضرت رضا (علیه السلام) اتفاق افتاد که خلفا با وجود کینه و بغض شدید نسبت به امامان، نتوانستند بعد از شهادت امام قبلی، آسیبی به امام بعدی برسانند. اما جستجو و پیگیری برای یافتن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شدیدتر و دلیل آن، شنیدن روایات فراوان در مورد آخرین حجت الهی و قیام او علیه ظالمان و ستمگران بود. حاکمان جور با باور به این پیشگویی ها در صدد چاره جویی و در پی آن، نابودی مهدی (علیه السلام) برآمدند. به این جهت آن حضرت در پنهانی می زیست و دور از چشم آنان به هدایت و رهبری مردمی پرداخت.

شاید یکی دیگر از دلایل امامت ائمه (علیه السلام) در کودکی آزمودن مسلمانان و سنجش میزان اطاعت و حق پذیری آنان بوده است؛ چرا که اگر کسی با ماهیت و ژرفای امامت آشنا باشد و آن را مقامی از جانب خداوند بداند، چون و چرایی در سن امامان نخواهد کرد. محمد بن حسن عمار می گوید: «من نزد علی بن جعفر محمد، عموی امام رضا (علیه السلام) بودم و خبرهایی که او از برادرش، موسی بن جعفر (علیه السلام) میشنید، می نوشتم. روزی در مدینه خدمتش

بودم، ابوجعفر محمد بن علی الرضا، جواد (علیه السلام) در مسجد رسول خدا بر او وارد شد. ایشان برخاست، بدون کفش و عبا به نزد او رفت و دستش را بوسید و احترامش کرد. ابوجعفر به او فرمود: ای عمو بنشین، خدایت رحمت کند. او گفت: آقای من! چگونه من بنشینم و شما ایستاده باشید؟ وقتی علی بن جعفر به مسند خود برگشت، اصحابش او را سرزنش کردند و گفتند: شما عموی پدر او هستید، چرا با او این گونه رفتار می کنید؟ او دست به ریش خود گرفت و گفت: خاموش باشید. اگر خدای عزوجل این ریش سفید را سزاوار امامت ندانست، این کودک را شایسته دانست و به او چنان مقامی داد. آیا من فضیلت او را انکار کنم؟ از سخن شما به خداپناه می برم. من، بنده و مطیع او هستم» (1).

### **بررسی دو شبهه درباره ی ولادت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) :**

در مورد ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو شبهه مطرح شده است:

1- برخی گفته اند که آن حضرت به دنیا نیامده و در آینده نیز

چنین شخصی به دنیا نخواهد آمد. از دید آنها ظهور منجی، یک ایده ی تحقق ناپذیر است.

2- عده ای دیگر گفته اند که آن حضرت هنوز متولد نشده است. البته این گروه ایده ی مهدویت را پذیرفته، ولی بر این عقیده اند که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنوز متولد نشده و در آینده به دنیا خواهد آمد. در این جا از طریق قرآن و احادیث متواتر به هر دو شبهه پاسخ خواهیم داد.

شبهه ی اول در مورد اصل مهدی باوری است که همه ی

ص: 52

---

1- اصول کافی، ج 2، ص 322، حدیث 12.

مسلمانان بر بطلان چنین شبهه ای، وحدت نظر دارند. امامیه و غیر امامیه بر ظهور مردی در آخرالزمان که اصلاح عالم را به ارمغان می آورد، متفق هستند در آیات قرآن نیز درباره‌ی اصل اعتقاد به مهدویت، چندین مورد است که به بعضی از آنها اشاره می‌کنیم «یریدون لیطفؤوا نورالله بأفواهم والله متم نوره ولو کره الکافرون؛ می‌خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند و حال آن که خداوند، نور خود (اسلام) را تمام می‌کند...» (صف/8). همچنین آیات دیگری مانند سوره‌ی قصص آیه‌ی 5، نور /55، آل عمران /83، حج /41، زخرف /28، لقمان /20، ممتحنه/112، طه /115 بر اصل مهدی باوری دلالت دارند. این بخش از آیات، پیامی از جانب خداوند هستی بخش است که نور خود را بر سر تا سر این کره‌ی خاکی می‌گستراند. مصداق آیه‌ی بیان شده این بشارت را می‌دهد که نور خداوند خاموش شدنی نیست و او می‌خواهد که اسلام بر کل عالم، سیطره پیدا کند که این مسئله تا کنون، واقعیت نیافته است و از آن جا که امکان ندارد، خداوند خبر خلاف واقع دهد، پس باید روزی این نوید و بشارت خداوند صورت پذیرد که تحقق آن، تنها به دست امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. آن جا که در قرآن گفته می‌شود: «یقیناً بعد از ذکر در زبور نوشتیم که بندگان صالح، زمین را به ارث می‌برند»، مراد از ارض تمام زمین است و بندگان صالح تا کنون وارث همه‌ی زمین نشده‌اند. پس ضرورت دارد که این واقعیت در آینده تحقق یابد و وقوع این مشیت جز به دست حضرت مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محتمل نیست. البته این آیات بر تولد امام مهدی (صلی الله علیه واله) و پنهان بودن ایشان از دیدگان دلالتی ندارند، بلکه تنها تصریح دارند که این نوید و بشارت، روزی به واقعیت تبدیل می‌شود و بندگان

صالح، وارث تمام زمین خواهند شد.

احادیث بی شماری نیز درباره ی اصل ایده ی مهدویت وجود دارد. که مورد پذیرش اهل سنت هم واقع شده و آنان با توجه به این روایات، درباره ی حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور شخصی در آینده به این نام، کتابهای زیادی نوشته اند که بیش از سی مورد از این کتابها گردآوری و ثبت شده است. (1)

از جمله ی مهدی باوران غیر شیعه، می توان ابن تیمیه، ابن حجر و عبدالعزیز بن باز را نام برد. ابن باز، مفتی اعظم عربستان، در مجله‌ی الجامعه بیان می کند که اعتقاد به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و روایات در مورد آن، صحیح بوده و شایسته نیست که چنین اندیشه ای را انکار کرد.

در مورد شبهه ی دوم در ولادت آن حضرت، ممکن است کسانی بگویند که ما اصل اعتقاد به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور موعودی در آینده را می پذیریم، ولی قطعیتی وجود ندارد که این موعود، همان حضرت مهدی (علیه السلام) باشد که تولد یافته و از دیدگان پنهان است. چه بسا آن مهدی در آینده پا به گیتی بگذارد و اصلاً غیبتی در کار نباشد. در پاسخ به این شبهه و برای اثبات وقوع ولادت حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از احادیث متواتر که به دو صورت اخبار عام و اخبار خاص می باشند، استفاده میشود. ابتدا به احادیث عمومی می پردازیم که از مسلمات امامیه و غیر امامیه شمرده می شود و تعداد آنها بیشمار است. در این احادیث هر چند نام حضرت برده نشده، اما بر ولادت آن حضرت دلالت دارد. 1- حدیث ثقلین: این روایت در بین امامیه و اهل سنت متواتر

ص: 54

است و سند آن قابل خدشه نیست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) این حدیث شریف را در مواقف و مواطن متعددی از جمله حجه الوداع، بازگو کرده است. اختلافاتی که در بعضی از الفاظ حدیث دیده میشود، ناشی از گوناگونی مواقف صدور حدیث است. در این حدیث آمده: «اتی تارک فیکم الثقلین: کتاب الله و عترتی اهل بیتی احدهما اکبر من الاخر. ولن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛ من در میان شما دو چیز گرانبها به جای می گذارم: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم، یکی از آن دو از دیگری بزرگتر است. این دو از هم جدا نمی شوند تا زمانی که در حوض بر من وارد شوند. (1) جمله ی «لن یفترقا حتی یردا علی الحوض» بر استمرار همراهی اهل بیت (علیه السلام) با قرآن کریم دلالت دارد که این پیوستگی در همراهی، جز با فرض تولد یافتن حضرت مهدی (علیه السلام) و پنهان بودن ایشان از دیدگان، امکان ندارد؛ زیرا اگر فرض شود که حضرت (علیه السلام) در آینده تولد می یابد، بنابراین در این زمان، قرآن باید از اهل بیت (علیه السلام) جدا باشد و حال آن که پیامبر (صلی الله علیه واله) فرموده است که این دو از هم جداشدنی نیستند. دلالت این حدیث بر ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روشن است. درست است که این حدیث از آغاز، در شأن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارد نشده و برای موضوع دیگری آمده است، ولی به صورت التزام، ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آن استفاده می شود. ممکن است گفته است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنوز متولد نشده و آن هنگام که زمان رجعت فرا می رسد، امام عسکری (علیه السلام) بار دیگر پا به این جهان می گذارد و حضرت مهدی موعود (علیه السلام) تولد می یابد. در این صورت بین صدق حدیث و عدم ولادت امام (علیه السلام) سازگاری ایجاد می شود. در پاسخ باید

ص: 55

گفت که لازمه ی این سخن، جدایی بین اهل بیت و قرآن در زمان قبل از رجعت است؛ زیرا در این هنگام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اهل بیت واقعیت خارجی نداشته و قرآن از آنها جدا می باشد.

2- حدیث دوازده خلیفه: این حدیث از مسلمات امامیه و اهل سنت است. از میان اهل سنت، بخاری و مسلم و از امامیه، شیخ صدوق در «کمال الدین» این خبر را حکایت کرده اند. جابر بن سمره نقل می کند: «با پدرم به محضر پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) رسیدیم و شنیدیم که می فرمایند: «ان هذا لا ینقض حتی یمضی فیهم اثنا عشر خلیفه، سپس پیامبر (صلی الله علیه واله) آهسته سخن گفت. به پدرم گفتم: پیامبر (صلی الله علیه واله) چه فرمود؟ پدرم گفت: ایشان می فرمایند که همه ی آنان از قریش هستند».

برخی تلاش کرده اند تا این حدیث را بر خلفای راشد به علاوه ی دو یا سه نفر از بنی امیه و دو یا سه نفر از بنی عباس منطبق کنند. چنین تطبیقی پذیرفته نیست و تنها مصداق قابل پذیرش خبر غیبی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) ائمه ی اثنی عشر (علیه السلام) هستند. تعداد خلفایی که حضرت رسول (صلی الله علیه واله) در این حدیث گفته در صورتی که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متولد نشده باشد، یازده تن خواهد بود و این یعنی نادرست گویی از سوی پیامبر (صلی الله علیه واله) که امری محال است. پس باید وقوع ولادت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را پذیرفت که در غیر این صورت، این حدیث نمی تواند مطابقت خارجی داشته باشد. (1)

3- حدیث «من مات و لم یعرف اما زمانه...»: این حدیث نیز میان امامیه و اهل سنت از مسلمات است و همه آن را روایت کرده اند

3، ص 220.

ص: 56

---

1- کمال الدین: ص 272، الغیبه طوسی: ص 128، صحیح بخاری، ج 9 ص 726، صحیح مسلم، ج

من مات و لم يعرف امام زمانه مات ميتة جاهلية؛ کسی که بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، با مرگ جاهلیت مرده است»<sup>(1)</sup>.

اگر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنوز به دنیا نیامده باشد، پس ما معرفتی از امام زمانمان نداریم و گرفتار مرگ جاهلی شده ایم. در حالی که مطابق این حدیث، در هر زمان، امامی وجود دارد و لازم است معرفت به او وجود داشته باشد که در صورت متولد نشدن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین شناختی حاصل نمی شود.

دسته ی دوم از احادیث متواتر، اخبار خاص هستند. در این احادیث پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) و امامان معصوم (علیه السلام) از تولد فرزندی برای امام حسن عسکری (علیه السلام) خبر می دهند که بعد از به دنیا آمدن، از دیدگان پنهان می شود و زمین را پر از قسط و عدل خواهد کرد و ایمان به ایشان برای هر مؤمنی ضروری است. شیخ صدوق در

کمال الدین<sup>(2)</sup>، این احادیث را در ابواب زیر تنظیم کرده است:

1. اخبار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (45 حدیث).

2. اخبار امام علی (علیه السلام) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

3. اخبار حضرت زهرا (علیها السلام) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (4 حدیث).

4. اخبار امام حسن علیه (علیه السلام) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (2 حدیث).

5. اخبار امام حسین علیه (علیه السلام) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (5 حدیث).

6. اخبار امام سجاد علیه (علیه السلام) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (9 حدیث).

7. اخبار امام باقر علیه (علیه السلام) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (17 حدیث).

8 - اخبار امام صادق (علیه السلام) از امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (57 حدیث).

مجموع روایات موجود در «کافی» «الغیبه»، «کمال الدین» و

ص: 57

---

1- کمال الدین: ص 409، اصول کافی، ج 1: ص 377، ح 3، صحیح مسلم، ج 3، ص 239، ح.



دیگر کتب بیش از هزار حدیث است. برای نمونه محمد بن مسلم به سند صحیح از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که امام (علیه السلام) فرمودند: «اگر از صاحبان غیبتی به شمار رسید، آن را انکار نکنید» و یا زراره می گوید: «شنیدم که امام صادق (علیه السلام) فرمود: قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قبل از آن که قیام کند غیبتی خواهد داشت. ای زراره! او همان منتظر است. او کسی است که در ولادتش شک و تردید می شود...». این روایات با توجه به کثرت و متواتر بودنشان قابل خدشه نیستند.

اما، غیر از اخبار عام و خاص، عوامل دیگری نیز ولادت حضرت را اثبات می کند. عامل سوم، رؤیت ولادت آن حضرت است و نیز مجموعه ی زیادی از روایان هستند که آن حضرت را در زمان کودکی دیده اند. از جمله کسانی که تولد پنهان حضرت از آنها نقل شده است، حکیمه دختر گرانمایه ی امام جواد (علیه السلام)، جمعی از شیعیان و چهل مرد دیگر از شیعیان که روایات آنها قبلاً بیان شده است.

عامل چهارم در جهت اثبات تولد یافتن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، روشن بودن ولادت حضرت نزد شیعه است. همه ی شیعیان بر تولد حضرت مهدی (علیه السلام) اتفاق نظر دارند. از زمان کلینی و پدر شیخ صدوق تا کنون تمام شیعیان بر ولادت و پنهان بودن حضرت مهدی (علیه السلام) وحدت نظر دارند. این ایده از اصول مذهب شیعه است و در تمام اعصار شیعه، هیچ کس یافته نشده که در ولادت و غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) شک و تردید داشته باشد.

دلیل پنجم بر ولادت حضرت، سفیران حضرت هستند. تا به حال کسی در این قضیه تردیدی به خود راه نداده و هیچ شیعه ای در مقام و منزلت این سفرا شکی نداشته و احتمال کذب وجود آنان را

نداده است. سفرای چهارگانه عبارتند از:

1. ابوعمرو عثمان بن سعید او فروشنده ی روغن بوده است. شیعیان، نامه ها و اموال را به سوی او ارسال می کردند و او هم جهت پنهان کاری آنها را در ظرف قرار می داد و برای امام می فرستاد. او وکیل امام هادی (علیه السلام) و امام حسن عسکری (علیه السلام) و بعد از آن دو بزرگوار سفیر امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود.

2. محمد بن عثمان بن سعید.

3. حسین بن روح نوبختی

4. علی بن محمد سمري.

توقیعات فراوانی از ناحیه ی این سفیران صادر شد که تعدادی از آنها در «کمال الدین و الغیبه» موجود است. مسئله ی سفیران و توقیعات آنها دلیل و شاهی محکم برای تصدیق مهدویت و ولادت امام (علیه السلام) و غایب بودن ایشان از دیدگان است.

دلیل ششم، نظارت و مراقبت دستگاه خلافت بنی عباس از منزل امام حسن عسکری (علیه السلام) است. در کتاب های تاریخی امامیه و غیر امامیه آمده است، وقتی معتمد عباسی شنید که برای امام حسن عسکری (علیه السلام) به فرزندی متولد شده، مأموران خود را به خانه ی امام فرستاد و تمامی زنان امام را دستگیر و بازداشت کرد تا معلوم شود فرزند از کدام یک است. این، نظارت و مراقبت دستگاه حاکم قرینه ی روشن و آشکاری بر وقوع ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) است؛ زیرا در غیر این صورت، انگیزه ای برای این همه مراقبت و نظارت نبوده است.

مورد هفتم، اعتراف تاریخ نگاران و تبارشناسان غیر شیعی است. همه ی کلمات آنها در ولادت امام مهدی (علیه السلام) در نهایت وضوح است.

ص: 59

ابن خلکان می گوید: «به اعتقاد امامیه، ابوالقاسم محمد بن حسن العسکری امام دوازدهم است که به «حجت» شهرت دارد و در روز جمعه، نیمه ی شعبان سال دویست و پنجاه و پنج متولد شده است.» (1)

ذهبی می گوید: «شیعیان معتقدند که پسر امام حسن عسکری (علیه السلام) یعنی محمد بن الحسن، قائم، جانشین و حجت است. ایشان در سال دویست و پنجاه و هشتم و بنا به قولی در سال دویست و پنجاه و شش متولد شده است.» (2) ابن حجر هیتمی می گوید: امام حسن عسکری غیر از ابی القاسم محمد الحجه، فرزندی به جا نگذاشت و این فرزند هنگامی که پدر بزرگوارش وفات یافت، پنج سال داشت.» (3)

خیرالدین زرکلی می گوید: در «سامراء» متولد شد و در سن پنج سالگی بود که پدرش وفات کرد. (4)

از دیگر علمای اهل سنت که به ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اعتراف کرده اند، می توان این افراد را نام برد: ابن الوردی، البشراوی الشافعی، مؤمن بن حسن الشبلنجی و ابن الأثیر الجزری

### آغاز دوران امامت حضرت مهدی

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) در روز هشتم ربیع الاول سال دویست و شصت هجری قمری به دستور معتمد عباسی در سن 28 سالگی به شهادت رسید و حضرت صاحب الامر - صلوات الله علیه -

ص: 60

---

1- انتظار، شماره پنج: ص 107، به نقل از وفیات الاعیان، ج 4، ص 176، رقم 562.

2- همان و تاریخ الاسلام، ج 19: ص 113 و 159.

3- انتظار، شماره پنج: ص 107، به نقل از الصواعق: ص 255 و 314

4- انتظار، شماره پنج: به نقل از الاعلام، ج 6 ص 80

به منصب جلیل امامت نایل شد.

در این روز، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حالی که در سن 5 سالگی به سر می برد، بر جنازه ی پدر وارد شد و عمومی خود، جعفر کذاب را که بعد از حضرت حسن عسکری (علیه السلام) ادعای امامت داشت، کنار زد، بر پیکر امام حسن عسکری (علیه السلام) نماز خواند و آغاز امامت خود را بر همگان اعلام نمود. به همین جهت، روز نهم ربیع الاول روز عید بزرگ، عید «بقر» است که برای آن جایگاه والایی بیان شده است. در این روز باید اتفاق کنیم تا گناهان آمرزیده شود و مستحب است که برادران مؤمن را اطعام کنیم، جامه های نو بپوشیم و شکر و عبادت حق تعالی را به جا آوریم. این روز، روز برطرف شدن غمها و روز بسیار شریفی است.

(1)

لازم به ذکر است که آغاز امامت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مقارن با شروع غیبت صغرای امام زمان، ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می باشد.

### غیبت صغری

امام زمان (علیه السلام) دو بار غیبت کردند و از دیدگان مردمان مخفی شدند. بار اول از سال تولد آن حضرت یا از سال شهادت پدر بزرگوارشان شروع شده و تا سال 329 هجری قمری ادامه داشته است.

در رابطه با مبدأ غیبت صغری دو نظریه وجود دارد. نظریه اول این است که غیبت صغری از زمان ولادت حضرت مهدی (علیه السلام) بوده، زیرا ولادت حضرت در اختفا و پنهانی اتفاق افتاده است. این نظریه مورد مناقشه واقع شده، چرا که بحث در مورد غیبت امام

ص: 61

---

1- کلیات مفاتیح الجنان، ص 488 و 489.

است و در آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود. علاوه بر این، جماعت زیادی از شیعیان، حضرت را در پنج سال قبل از شهادت امام حسن عسکری (علیه السلام) مشاهده کرده اند. نظریه ی دوم این است که غیبت امام زمان (علیه السلام) از زمان شهادت پدرش امام حسن عسکری (علیه السلام) بوده است. به طور دقیق می توان گفت که بعد از نماز خواندن بر جنازه ی پدرش یعنی بعد از آغاز امامت حضرت، غیبت صغری شروع شده است.

در طول این مدت که 69 یا 74 سال است، گر چه حضرت از نظر عموم مردم غائب بودند، ولی ارتباط با ایشان کاملاً منقطع نبود و نایبان خاص آن حضرت خدمت ایشان رسیده، احتیاجات مردم را برطرف می نمودند.

غیبت دوم از سال 329 هجری قمری شروع می شود و تا زمان ظهور ادامه خواهد یافت که این دوره را غیبت کبری گفته اند و بعد به آن اشاره خواهد شد. (1)

### دلیل و حکمت غیبت صغری

غیبت صغری نشانگر اولین مرحله از امامت حضرت مهدی (علیه السلام) است که خداوند متعال تقدیر نمود تا حضرت در مدتی نه چندان دور از عموم مردم مخفی بماند و امور شیعه را توسط سفرا انجام دهد. اما دلیل این که غیبت صغری قبل از غیبت کبری قرار گرفت، ممکن است این باشد که چون شیعیان در طول عمر امامت عادت کرده بودند هر وقت اراده کنند، خدمت امام خود رسیده و از محضر

او استفاده ببرند بنابراین با غیبت کلی و تام و تمام هرگز انس

ص: 62

نداشتند. در نتیجه برای جا افتادن این موضوع ابتدا غیبت صغری تحقق پیدا کرد که در آن تا اندازه‌های ارتباط قطع شد. با وجود این که مردم در ابتدا به شک و تردید و تشویش خاطر افتادند، ولی بعد از مدت کمی، شک و تردیدشان زایل شده و با مشاهده‌ی دلایل قطعی به وجود حضرت مهدی (علیه السلام) یقین پیدا کردند. بعد از زمانی نه چندان طولانی، غیبت کبری شروع شد. بررسی و تجربه‌ی دوران هفتاد ساله‌ی غیبت صغری نشان دهنده‌ی این است که غیبت صغری مرحله نخست امامت مهدی (علیه السلام) است؛ زیرا سرنوشت حتمی امام این بود که اگر چه دل و خرد او در میان مردم است، اما از دیده‌های آنها پنهان بماند. اگر غیبت به طور ناگهانی روی می‌داد، به ارکان امامت که یکی از آنها مردمی بودنش است، آسیب بزرگی میزد و اگر امام یکباره غایب میشد، مردم احساس می‌کردند که پیوند روحیشان با پیشوای فکری و عقلی آنها گسیخته شده است. این احساس، خلاء سهمناکی را پدید می‌آورد که ممکن بود موجودیت اسلام را به خطر اندازد و جمعیت مسلمان را به پریشانی و پراکندگی بکشاند؛ پس با غیبت صغری زمینه چینی شد تا اذهان توده‌ی مردم کم‌کم به غیبت خوگیرند و شخصیت خود را بر پایه‌ی غیبت شکل بدهند. در این دوره مردم از طریق یاران خاص و مورد اعتماد حضرت با ایشان در تماس بودند. این یاران، معروف به «نواب اربعه»، در مدت غیبت صغری، حلقه‌ی اتصال میان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیروانش بوده که به عنوان رابطه‌ی فیض از سوی امام به نیابت منصوب شده بودند. آنها در پارسائی و پرهیزکاری و دینداری، آوازه‌ای به سزا داشتند.

## نواب خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر غیبت صغری

اولین نایب خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دوران غیبت صغری، ابوعمرو عثمان بن سعید عمری است که طول دوران نیابت او از سال 260 هجری قمری تا هنگام وفاتش که ظاهراً قبل از سال 267 هجری قمری یا 265 هجری قمری بوده است. برای این که شناخته نشود به شغل روغن فروشی روی آورد. او وکیل خاص از طرف امام عسکری (علیه السلام) و در نزد امام هادی (علیه السلام) دارای مقامی والا بود و از شاگردان آن حضرت به شمار می رفت. به طور کلی می توان گفت عثمان بن سعید عمری از وکیلان امام هادی (علیه السلام) امام حسن عسکری (علیه السلام) و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود. او شغل روغن فروشی را به دستور امام معصوم (علیه السلام) جهت استتار در فعالیتهای سیاسی، مذهبی و... انتخاب کرد. امام حسن عسکری (علیه السلام) درباره ی او فرمود: «عمری و پسرش هر دو مورد اعتمادند» و در مجلسی که او با چهل نفر از شیعیان حاضر بودند و در آن مجلس امام حسن عسکری (علیه السلام) فرزندش را به آنها نشان داد، درباره ی وکالت او فرمود: «هر آن چه عثمان بن سعید می گوید، قبول کنید». بر این اساس او نخستین سفیر و نایب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رابط میان آن حضرت و شیعیان و دوستانش در رسانیدن نامه ها و حل مسائل و مشکلات آنان بود.

نایب دوم آن حضرت، محمد بن عثمان بن سعیدی عمری است که بعد از وفات نایب اول که پدرش بود به وصیت امام عسکری (علیه السلام) به عنوان نایب خاص امام مهدی به جای پدر نشست و به وکالت ناحیه ی مقدسه منصوب شد. کنیه ی وی ابوجعفر بوده است. حضرت مهدی (علیه السلام) محمد بن عثمان را به جای پدر برگزید تا همان نقش

حساس و اساسی را که پدرش در دوران پرافتخار خود بر عهده داشت، ایفا کند. ایشان طی نامه های متعددی که برای بزرگان شیعه ارسال کرد، به همه اطلاع داد که محمد را به عنوان نایب دوم خود برگزیده است. محمد بن عثمان در حدود پنجاه سال به نحو احسن وظایف خود را انجام داد تا آن که در جمادی الاولی سال 305 هجری به رحمت ایزدی پیوست. او همانند پدر از بزرگان شیعه و از نظر تقوا، عدالت ورزی و موقعیت اجتماعی مورد قبول و احترام خاص شیعیان و از یاران مورد اعتماد امام عسکری (علیه السلام) بود. در زمان وی مدعیان دروغین زیادی پیدا شدند و به همین جهت یکی از کارها و فعالیت های مهم او، مبارزه ی مستمر با این مدعیان دروغین نیابت بود و با سعی و تلاش بی وقفه، توانست عموم شیعیان را از چنگال آنان برهاند. (1)

نایب سوم، حسین بن روح نوبختی است که سومین وکیل امام زمان ل (علیه السلام) و داناترین فرد عصر خویش بود. کنیه ی وی ابوالقاسم و القبش نوبختی است که از سال 305 تا 326 هجری قمری نایب حضرت به شمار می رفت. او در بین جامعه ی شیعه ی آن روزگار انسان دانشمند و معروف ایرانی بود و پیش از افتخار تصدی نیابت خاص، وکالت دومین سفیر حضرت مهدی (علیه السلام)، جناب محمد بن عثمان را بر عهده داشت که هم بر املاک او نظارت می کرد و هم رابط میان او و بزرگان شیعه در نقاط مختلف کشور پهناور اسلامی بود و از این طریق دستورات و تعلیمات اهل بیت و اخبار نهانی را به

ص: 65



آنان می‌رساند. وی در خردمندی، فرزاندگی و رشد فکری و دینی، شهرت بسزایی داشت که موافق و مخالف بر این واقعیت گواهی می‌دادند و حتی اهل سنت نیز او را تکریم و احترام می‌کردند. بعد از وفات نایب دوم، نامه‌ای از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارسال شد که در آن فرمان نیابت برای حسین بن روح نوبختی صادر شده بود. بعد از آن، او 21 سال سفارت حضرت را بر عهده داشت. در میان شیعیان بغداد از موقعیت اجتماعی خوبی بهره‌مند بود و حتی نزد مقامات بالای مملکتی نفوذ و احترام قابل ملاحظه‌ای داشت و از سوی آنان کمک‌های مالی دریافت می‌کرد. در این زمان، سفارت او تا حدودی بین شیعیان به صورت آشکار مطرح بود و از طرف حکومت هم هیچ مشکلی برای او به وجود نمی‌آمد. سرانجام در هجدهم شعبان سال 326 هجری قمری، چشم از دنیا فرو بست. پیکر این نایب گرامی حضرت را در «بغداد» به خاک سپردند و مقبره اش زیارتگاه شیعیان است.

نایب چهارم آن حضرت، بنا بر وصیت حسین بن روح و به دستور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ابوالحسن علی بن محمد سمري است که از تاریخ هجدهم شعبان سال 326 هجری قمری تا پانزدهم شعبان سال 329 هجری قمری وکالت و نیابت را بر عهده داشت. او از خاندانی متدین و شیعه بود و در وکالت امامیه شهرت داشت. این حسن شهرت و اعتماد و امانتداریش موجب شد تا در واگذاری امر سفارت به او، از سوی شیعیان با مخالفتی روبه‌رو نشود. خواص شیعه او را به عنوان سفیر راستین امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به رسمیت می‌شناختند و وجوهات شرعی خود را به او تحویل می‌دادند.

مدت نیابت علی بن محمد سمري سه سال بود و فرصت زيادي براي فعاليت نداشت. بنابر اين هم به جهت کوتاه بودن مدت نيابت و هم به جهت وضعيت خاص سياسي آن زمان، نتوانست فعاليت هاي گسترده اي انجام دهد. او قبل از وفاتش نامه اي از امام مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دريافت کرد که حضرت در آن، خبر اتمام غيبت صغري را اعلام نمود و به او دستور داد که نايبي معرفي نکنند. با پايان يافتن زندگي چهارمين نايب خاص امام عصر، غيبت صغري به پايان رسيد و از آن روز، غيبت کبري آغاز شد و تاکنون هم ادامه دارد. (1)

### معیار انتخاب نواب اربعه

امامان معصوم (عليه السلام) بر اساس حکمتی که در وجودشان بود، برای انتخاب نايب، معيارهاي خاصی در نظر می گرفتند. امام مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم برای انتخاب نواب خود ملاکهايی داشتند که باید برای شرايط خاص آن زمان رعایت می شد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

1. تقیه و رازداری بسیار زیاد: سفیر اول حضرت با تقیهي شدیدی که داشت، می کوشید تا خود را از بازرسي هاي رژیم عباسی دور نگه دارد و برای این منظور در هیچ بحث و مجادلهي مذهبي یا سياسي به صورت آشکار درگیر نمی شد.

2. صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز: این خصوصیتی است که در نواب اربعه ی امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شدت وجود داشته و آنها در داشتن این ویژگی، میان شیعیان آن زمان زبانزد بوده اند. به طوری که در مورد ابوالقاسم حسین بن روح می گویند، اگر امام رازیر عبای خود پنهان داشت و بدنش را با قیچی قطعه قطعه می کردند تا امام مهدي (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را

ص: 67

نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی زد و امام را نشان نمیداد. (1)

3. فهم و شعور بالا نسبت به دیگر افراد جامعه ی زمان خود: هر کدام از این چهار نفر که قبلا شخصیت و نام آنها بیان شد، از دانشمندان با درایت آن روزگار بودند.

4. حساس نبودن حکومت نسبت به آنها: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در انتخاب نایبان خاص خود، افرادی را انتخاب می کرد که در دستگاه ظالم عباسی نسبت به آنها حساسیتی نباشد؛ چون نیابت خاص، کار بسیار مخفی، مهم و خطیری بود و بنابراین هر یک از آنان باید در ظاهر دارای شغلی بودند تا شناخته نشوند.

### محور فعالیت های نواب اربعه

1. حفظ امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از راه پنهان داشتن مکان آن حضرت

2. از بین بردن تردید مردم درباره ی وجود حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اثبات وجود ایشان به عنوان امام دوازدهم برای شیعیان آن حضرت.

3. ایجاد تشکیلاتی منسجم بین شیعیان و پاسخ گویی به سؤالات و شبهات دینی آنها از طریق وکیلانی که بین مردم در مناطق مختلف داشتند. هم چنین آنها وجوهات شرعی مردم را به حضرت میرساندند.

4. تحویل و توزیع اموالی که متعلق به حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. آن حضرت در جمع چهل نفر از قمی ها که در مراسم خاک سپاری امام حسن عسکری (علیه السلام) هم حاضر بودند فرمود که از این به بعد اموال و وجوهات شرعی را به وکیلش تحویل دهند.

ص: 68

5. مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و باییت؛ در این مدت یعنی دوران غیبت صغری، نامه هایی برای افشای مدعیان دروغین زیادی که ادعای باییت و وکالت از ناحیه ی امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را داشتند مانند حلاج و شلمغانی، بیان شد که ماهیت دروغین آنها را فاش کرد. و شیعه ی امامیه به واسطه ی وکلای راستین آن امام عزیز از این نوع انحرافات مصون ماندند.

6. گاهی وکلایی که از طرف نواب انتخاب می شدند از وظایف اصلی خود عدول می کردند و این مشکلاتی را برای سازمان مخفی به وجود می آورد. در این مواقع، نواب اربعه به دلیل این که با حضرت ارتباط مستقیم داشتند، آنها را شناسایی و با آنها مبارزه می کردند.

7. آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبری که این وظیفه به عهده ی آخرین سفیر بود. حضرت از راه اعجاز به او کمک کرد و شش روز قبل از مرگ نایب چهارم نامه ای برایش نوشت و زمان دقیق وفات او را بیان کرد و از او خواست که اذهان همه ی شیعیان را برای پذیرش غیبت کبری که دوره ی دیگری از غیبت بود، آماده کند.

### **«باب»، لقبی مقدس که از طرف معصومین به یاران خاص گفته می شود**

عنوان «باب»، لقبی مقدس است که از طرف پیامبر (صلی الله علیه واله) و اهل بیت اطهار (علیه السلام) به افرادی از بین اصحاب برجسته که دارای ویژگیهای خاصی بودند، داده می شد. باب یا باب الله در برخی از احادیث اسلامی به عنوان صفت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و دوازده امام معصوم (علیه السلام) به کار گرفته شده است. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: پیامبر (صلی الله علیه واله) را لقب باب الله و سبیل الله داده اند». حضرت علی (علیه السلام)

نیز در چند روایت به عنوان باب و باب الله و باب الجنه خوانده شده است. در زمان حضور ائمه (علیه السلام) افرادی از صحابه به عنوان باب آنان معرفی شده اند و این تعبیر در زمان (علیه السلام) رواج داشت. مطابق آن چه در تاریخ و سیره ی حضرت مهدی (علیه السلام) آمده است، نواب اربعه ی آن حضرت نیز در دوره ی غیبت صغری باب خوانده شده اند.<sup>(1)</sup> عثمان بن سعید عمری، محمد بن عثمان و حسین بن روح نوبختی گذشته از این که جزء نایبان حضرت مهدی (علیه السلام) بودند، به عنوان بابهای امام جواد (علیه السلام)، امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام) نیز از آنها نام برده شده و در روایات بر وثاقت، علم و نزدیکی آنان به ائمه (علیه السلام) تصریح شده است.<sup>(2)</sup> کسانی که به عنوان ابواب نام برده شده اند، علاوه بر این که حاملان اسرار و علوم ائمه (علیه السلام) شده بودند، در عین حال برای هر امام به عنوان وکلایی نیز معرفی می شدند تا واسطه ی امام با شیعیان در کارهای مالی و غیر آن باشند. در زمان حضرت مهدی (علیه السلام) به علاوه بر نواب اربعه که هر یک پس از دیگری باب ایشان بودند، کسان دیگری نیز به باب شهرت داشتند که در عصر خود از افراد برجسته ی شیعه به شمار می رفتند. و برخی از بزرگان شیعه از آنها در کتاب های خود با عنوان باب تعبیر کرده اند. بعضی از آنها عبارتند از: 1. ابوالحسین، محمد بن جعفر اسدی کوفی رازی، باب حضرت حجت (علیه السلام) در شهر «ری»، 2. ابوعلی، احمد بن اسحاق اشعری قمی، باب امام در شهر «قم»، 3. ابراهیم بن محمد همدانی، باب امام مهدی (علیه السلام) که چهل بار به حج رفته است، 4. ابواسحاق ابراهیم بن مهزیار اهوازی، 5. احمد بن حمزه بن الیسع قمی، 6

ص: 70

- 
- 1- فصلنامه انتظار، شماره هشتم و نهم: ص 404، به نقل از نور الثقلین، ج 1. 2.
  - 2- فصلنامه انتظار، شماره هشتم و نهم: ص 404 و 405، به نقل از کتاب الهدایه الکبری فی تاریخ الائمه.

ابوهاشم، داوود بن القاسم بن اسحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب، 7. محمد بن علی بن بلال، از اصحاب حضرت، 8. ابومحمد الوجنابی، 9. محمد بن ابراهیم بن مهزیار، 10. عمر اهوازی، 11. ابوجعفر، عبدالله ابوغانم قزوینی که به نام وی از حضرت مهدی (علیه السلام) توقیع صادر گردید. او باب حضرت در «قزوین» بود.

اینها ابواب حضرت حجت (علیه السلام) وکلای ایشان در شهرهای مختلف بودند که وجوهات شرعی مردم را جمع آوری و به اذن امام مصرف می کردند.

### مدعیان دروغین بابیت

همان طور که گفته شده باب یک واژه ی مقدس بود که از طرف امام معصوم به نمایندگان خود که افرادی بسیار صالح و مؤمن بودند اختصاص داده میشد. ولی در مقابل، کسانی چون نمیری و شلمغانی از این واژه ی بسیار مقدس سوء استفاده و خودشان را به عنوان مدعیان بابیت معرفی نموده و چنین کسانی خود را به دروغ باب ائمه (علیه السلام) معرفی و به این سبب به تکذیب و نفرت امام معصوم (علیه السلام) گرفتار می شدند. این مدعیان دروغین در همه ی زمانها وجود داشتند؛ به خصوص در عصر غیبت این جریان از همان زمان غیبت صغری شروع شده و تاکنون هم ادامه یافته، به طوری که در گوشه و کنار عالم مشاهده می شود که افرادی از راه های گوناگون مانند اینترنت به فعالیت و انحراف مردم می پردازند.

در عصر غیبت صغری افرادی پیدا شدند که به دروغ مدعی سفارت و نیابت خاص امام بودند و در اموال متعلق به امام تصرفات بی مورد می کردند و در مسائل فقهی و اعتقادی، سخنان گمراه کننده ای بر زبان میآوردند. نواب خاص با رهنمود امام (علیه السلام) به مقابله

با آنان برمی خاستند و گاه، نامه ای در طرد و لعن آنان از طرف حضرت صادر می شد. می توان گفت تفکر ادعای دروغین نیابت از دوران نایب دوم آغاز شده است. در ادامه به برخی از این افراد که به کذب، ادعای باییت از طرف امام مهدی (علیه السلام) داشتند اشاره می شود.

1. ابو محمد شریعی که از اصحاب امام عسکری (علیه السلام) بود و نخستین شخصی است که مقام دروغین باییت را به خود نسبت داده است. .

2. محمد بن نصیر نمیری، مؤسس فرقه ی نصیری که از غلات است و مورد لعن امام مهدی (علیه السلام) قرار گرفته است.

3. حسین بن منصور حلاج

4. ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی

5. ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان بغدادی، برادر زاده ی سفیر دوم امام زمان (علیه السلام)

6 احمد بن هلال کرخی

7. ابودلف مجنون

8- عبدالله بن میمون القداح

9. یحیی بن زکویه.

10. محمد بن سعد، شاعر کوفی

11. احمد بن حسین رازی.

12. سید شرف الدین ابراهیم که ادعای باییت کرد و بعد مدعی امامت نیز شد.

13. حسین بن علی اصفهانی

14. علی بن محمد سجستانی بغدادی

15. محمد نوربخش رئیس و مؤسس فرقه ی «نوربخشیه» که

اول ادعای بابت کرد و سپس مدعی مهدویت شد و خود را امام مهدی معرفی نمود.

16. سید محمد هندی که وی ادیب و شاعر بوده است.

17. محمد بن فلاح مشعشع رئیس «مشعشعین» خوزستان که اول ادعای بابت کرد و سپس مدعی مهدویت نیز شد.

18. عباس فاطمی که در اواخر قرن هفتم می زیست، اول ادعای نیابت خاصه کرد و بعد مدعی مهدویت شد. وی دارای پیروانی بود و دولتی تشکیل داد، شهر «فارس» را تصرف کرد و در پایان با مکر و حيله به قتل رسید و دولت او منقرض شد.

19. درویش رضا قزوینی که در عصر شاه صفی خروج کرد، در لباس درویشان و قلندران به سیاحت پرداخت و بعد به مقام ریاست رسید.

20. شیخ مهدی مشهدی

21. سید علی مشهدی بزاز

22. محمد فارسی مغربی

23. میرزا محمد هروی که در زمان فتحعلی شاه قاجار پس از آن که مدعی بابت گردید، به قتل رسید.

24. محمد بن عبدالله حسان المهدی که از مدعیان اصلاح بود، در سال 1899 میلادی خود را باب و سپس مهدی موعود اعلام کرد و مؤسس فرقهی «صالحیه» بود.

25. محمد احمد بن عبدالله سودانی از خاندان سادات حسینی که پس از تکمیل علوم دینی به حج رفت و در بازگشت از مکه خود را باب امام و سپس مهدی موعود معرفی کرد.

26. سید علی محمد شیرازی که در قرن سیزدهم هجری در



ارتباط با گروهی منحرف، فرقه‌ی ضالهی «بابیه» را بنا نهاد.

فرقه بابیه محصول فرقه شیخیه می باشد که این فرقه به رهبری شیخ احمد احسائی با روحیه صوفیگری و عقاید خاصی به وجود آمد از جمله: الف - انکار معاد جسمانی ب - اعتقاد به رکن رابع در تشیع سران شیخیه مدعی بودند که باب خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند. پس از مرگ شیخ احمد احسائی، سید کاظم رشتی رهبری «شیخیه» را به دست گرفت و پس از وفات او، چون جانشینی تأیین نکرده بود، چهار نفر از شاگردانش مدعی جانشینی او شدند که عبارتند از: 1. حاج کریم خان کرمانی 2. میرزا شفیع تبریزی 3. میرزا طاهر حکاک اصفهانی 4. میرزا علی محمد شیرازی معروف به «سید باب»، مؤسس فرقه‌ی بایبگری. بنابراین فرقه‌ی بابیه و پس از آن فرقه ضالهی بهائیه از یکی از انشعابات صوفیه یعنی «شیخیه» است.

جالب توجه است که در سال‌هایی مانند عصر فتحعلی شاه که بین ایران و روسیه جنگ‌های سختی بروز کرد، مردم از جنگ خسته و افسرده شده بودند و به دنبال پناهگاه معنوی می گشتند؛ در نتیجه حالتی پیش آمده بود که همه در این ایام در انتظار فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن به سر می بردند تا ملت اسلام را از یوغ ظلم روسیه نجات دهد. شیخ احمد احسائی از این فرصت سوء استفاده کرد و همواره از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور او صحبت و اظهار نزدیکی و تقرب به حضرت مهدی (علیه السلام) می کرد همین موجب شد که عده‌ای به او گرویدند و به جای پناهگاه صحیح به پناهگاه کاذب روی آوردند. او افکار باطل خود را به عنوان شیعه‌ی خالص ترویج کرده و در نتیجه باعث بروز مذهب انحرافی «شیخیه» گردید و طبق مدارک موجود که در شرح حال سید علی محمد ذکر شده، وی از

کودکی به مکتب شیخ محمد عابد که از شاگردان شیخ احمد احسائی بوده می رفته و از همان ابتدا تحت تأثیر عقاید شیخیه بوده است. (1)

## عوامل ادعای دروغین نیابت و مهدویت

هنوز مدتی از زمان سفارت ناحیه ی مقدسه نگذشته بود که این دستگاه مقدس یعنی سازمان مخفی امام زمان (علیه السلام) به مصیبت مدعیان دروغین سفارت مبتلا شد. مدعیان از این ادعای دروغین خود اهدافی را دنبال می کردند از جمله:

1. از آن جا که ایمان ضعیفی داشتند، با این ادعا در صدد انحراف

مردم و جامعه ی شیعی بودند.

2. طمع به دست آوردن اموال مردم و حقوق شرعیه؛ زیرا از آن جا که امام زمان (علیه السلام) در غیبت به سر می بردند، آنها می توانستند در اموال مردم تصرف کنند.

3. گسترش موقعیت خود در جامعه؛ آنها با این ادعا و انتساب خود به امام مهدی (علیه السلام) در صدد گسترش شهرت خود برمی آمدند.

4. حرص و آز در تأمین خواسته های نامشروع و شخصی خود.

5. پیروی از هوای نفس که انسان را از حق و فضیلت باز می دارد.

آنها سرانجام کارشان به جایی رسید که نفرین و لعنت حضرت

مهدی (علیه السلام) شامل آنان گردید و نگون بخت شدند.

کسانی را که در تاریخ، مدعی مهدویت شده اند، می توان به سه گروه تقسیم کرد: 1. کسانی که دیگران با انگیزه های خاص آنان را مهدی موعود خواندند؛ مانند محمد حنیفه، زید، محمد بن عبدالله

ص: 75

---

1- بایب گری و بهایی گری: ص 35 تا 38.

محض، 2. کسانی که با انگیزهی جاه طلبی و قدرت خواهی چنین ادعای دروغینی کردند؛ مانند مهدی عباسی، 3. کسانی که طبق نقشه ی استعماری و به اشارهی بیدادگران به چنین دجال گری و فریبی دست یازیدند و خود را مهدی موعود معرفی کردند؛ مانند علی محمد باب. (1)

### غیبت کبری

همان طور که قبلاً هم اشاره شد، غیبت کبری حضرت مهدی (علیه السلام) پس از پایان غیبت صغری آغاز شد. حضرت در نامه ای که برای علی بن محمد سمري آخرین نایب خاص نوشت، از او خواست که کسی را برای جانشینی خود معرفی نکند و از پایان غیبت صغری خبر داد که در سال 329 هجری به وقوع می پیوندد. و همین سال آغاز غیبت کبری است.

شرایط و خصوصیات عصر غیبت کبری به این گونه است:

1. مسلمانان در این دوره در ظاهر از رهبر و امام خود جدا شده اند و او را نمی بینند و یا اگر می بینند او را نمی شناسند که این حکم کلی برای عموم شیعیان است؛ البته بعضی از افراد جامعه ممکن است به حضور حضرت، شرفیاب شوند که آن افراد شرایط ویژه و خاصی دارند.

2. در این عصر، گسترش ظلم و ستم در روی زمین زیاد می شود؛ البته فسادی که در این دوران هست با زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه واله) فرق می کند.

3. عصر غیبت کبری، امتحان الهی بر امت اسلامی است؛ چون

ص: 76

در این دوران مردم با مشکلات بیش تری رو به رو هستند؛ از جمله این که فساد و فحشا در جامعه ی اسلامی و جهان گسترش زیادی دارد، انواع فشارهای سیاسی و مشکلات موجود راه پذیرش حق و ایمان را دشوار می سازد در این عصر انواع شبهات برای پذیرش وجود امام زمان (علیه السلام) در جامعه رواج دارد که کار را برای پذیرش و حفظ ایمان دشوار می سازد؛ به همین دلیل، ائمه (علیه السلام) تأکید فراوانی برای حفظ ایمان در این عصر داشته اند. حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) می فرماید: «هرگاه امام دوازدهم به غیبت رفت، مواظب اعتقاداتتان باشید که زایل نشود. به طور حتم برای صاحب این امر، غیبتی است تا حدی که ممکن است معتقدان به آن از این امر برگردند و این محنتی است که خداوند به واسطه ی آن خلقش را امتحان می کند...» (1)

غیبت حضرت هم اختفای شخصی است؛ یعنی در این عصر جسم حضرت دیده نمی شود و شخصش از دیدگان غایب خواهد شد (2) و هم اختفای عنوانی به این معنا که گاهی مردم حضرت مهدی (علیه السلام) را می بینند، ولی او را به عنوان مهدی موعود نمی شناسند دلیل این موضوع سخن محمد بن عثمان عمری است که فرمود: به خدا سوگند، همانا صاحب الزمان هر سال در موسم حج حاضر می شود، مردم را می بیند و آنها را می شناسد و مردم نیز او را می بینند ولی نمی شناسند. (3)

ص: 77

1- اصول کافی، ج 1، ص 336.

2- بحارالانوار، ج 51: ص 32.

3- کمال الدین: ص 440.

مسئله ی غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) یکی از مباحث مهم مهدویت است و بحث غیبت حضرت مهدی (علیه السلام) از زمان پیامبر اکرم (علیه السلام) تا دویست و پنجاه سال، دوره ی امامت ائمه (علیه السلام) و در کلام یکایک آنها مطرح بوده است و خود حضرت مهدی (علیه السلام) نیز عنایت خاصی به موضوع غیبت داشته اند. شیخ صدوق که یکی از ارکان محدثین شیعه و از بزرگان جهان تشیع و فقاہت است، در مقدمه ی کتاب

کمال الدین و تمام النعمه» می نویسد: «در نیشابور بودم، دور از زن و فرزند و برادران و غم و غصه من را فراگرفته بود. با همین فکر به خواب رفتم و در عالم رؤیا دیدم که در مسجد الحرام هستم و بعد از شوط هفتم استلام منجر نمودم و دعای آن خواندم. آن گاه مولایم صاحب الزمان (علیه السلام) را دیدم که بر در خانه ی کعبه ایستاده بود و من با حالی پریشان به نزد ایشان رفتم. حضرت به چهره ی من نگاه کرد و فرمود: چرا در باب غیبت کتابی تألیف نمی کنی تا اندوهت زائل گردد؟..... و در ادامه فرمود: کتابی مستقل پیرامون غیبت بنویس و غیبتی را که برای بعضی از انبیا رخ داده، در آن کتاب متذکر شو». شیخ صدوق می نویسد: «از صبح همان روز مشغول تألیف کتاب در باب غیبت شدم».

آنچه مسلم است، غیبت حضرت بر اساس حکمت الهی صورت گرفته و هیچ کس به اسرار آن واقف نیست و فقط خداوند متعال و ائمه ی معصومین (علیه السلام) به این اسرار آگاهی دارند. از امام صادق (علیه السلام) در مورد حکمت غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سؤال شد. حضرت فرمود: «حکمت غیبت نمودن حجج الهیه در زمان های قبل است؛ همان گونه که حکمت کارهای خضر معلوم نشد مگر موقع جدا

شدن موسی از خضر». سپس امام صادق (علیه السلام) به فرمود: «مسئله ی غیبت، یکی از اسرار الهی است و چون خدا را حکیم میدانیم باید اعتراف کنیم که غیبت نیز دارای حکمتی است».<sup>(1)</sup> پس بر اساس این حدیث، علت و حکمت اصلی غیبت برای ما معلوم نیست و پس از ظهور آشکار می شود. البته در روایات و احادیث دیگر، عللی برای غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان شده که قابل توجه است. لازم به ذکر است که فلسفه ی غیبت حضرت هم از جانب خدا و به خواست و اراده ی او بوده است و هم مردم و حاکمان ظالم و شیعیان در آن نقش و تأثیر داشته اند. درباره ی اراده و خواست خداوند بیان می شود که طبق روایات، غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیش تر از جانب خدا و بر اساس مشیت، حکمت و اراده ی حق تعالی انجام شده است. می توان گفت خداوند با زندگی طولانی و غیبت حجت خود، اهداف و اغراض زیر را در نظر داشته که تمامی آنها بر اساس سنت الهی و قوانین حاکم بر هستی بوده است:

1. آزمون و امتحان مردم: یکی از حکمت های الهی در مسئله ی غیبت، امتحان و آزمایش انسان ها و به خصوص شیعیان است. کسانی که ایمان در اعماق دل آنان ریشه دوانده، به واسطه ی انتظار و صبر بر شداید و ایمان به غیب، ارزش و قدرشان معلوم می گردد. همان طور که جابر می گوید: «به امام باقر (علیه السلام) عرض کردم: فرج شما چه هنگام خواهد بود؟ فرمود: «دور است، دور است. فرج ما پیش نخواهد آمد تا این که مردم غربال شوند، باز غربال شوند... تا این که ناخالصی از بین برود و صافی باقی بماند».<sup>(2)</sup> در این شرایط اگر کسی

113 91.

ص: 79

---

1- بحار الانوار، ج 52: ص 91.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 113.

اعتقاد خود را به امام مهدی (علیه السلام) از دست ندهد، در مشکلات استقامت داشته باشد و مؤمن بماند از این امتحان سربلند بیرون می آید.

2. اتمام حجت: با غیبت طولانی ولی الهی، همه ی گروهها، افراد، اندیشهها و نظامها امکان حکومت بر مردم و مدیریت بر جامعه را پیدا می کنند و ضعف و ناتوانی آنها در اداره ی جامعه مشخص می شود. خداوند با این کار می خواهد بر مردم اتمام حجت کند که حکومت و ولایت فقط شایسته و بایسته ی اولیای الهی است و به این ترتیب، توجه و خواست مردم را به حکومت معصومین (علیه السلام) جلب نماید. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «ظهور، تحقق نمی یابد تا این که گروهی نماند مگر این که بر مردم حکومت کرده باشند تا کسی نگوید که اگر ما حکومت داشتیم، عدالت را می گسترانیدیم. آن گاه قائم به حق و عدل قیام می کند.»<sup>(1)</sup>

3. سنت غیبت در پیامبران پیشین: خداوند بنابر مصالحی، انبیای گذشته را برای مدتی از بین مردم مخفی می کرد. او خواست تا این موضوع را برای آخرین وصی پیامبر خاتم (صلی الله علیه واله) هم اجرا کند تا آن حضرت آخرین غیبت را انجام دهد و این سنت الهی به طور کامل و تمام به منصفه ی ظهور رسد.

همان طور که بیان شد، غیبت و دوری حجت خدا از بین مردم

امری بدیع و جدید نیست، بلکه سنتی الهی است که در بین انبیای گذشته نیز وجود داشته است. از جمله انبیائی که در زمان گذشته غیبت داشته اند: حضرت ادريس (علیه السلام) که مدت بیست سال از میان

ص: 80

امتش غایب شد. حضرت صالح (علیه السلام) که امام صادق (علیه السلام) در مورد غیبت او فرمودند: «همانا صالح (علیه السلام) مدتی از قومش غایب شد. هنگام غیبت پیرمردی بود... و وقتی که به قومش بازگشت کسی او را به چهره نمی شناخت...» (1) حضرت ابراهیم (علیه السلام) که تا مدتی، از ابتدای ولادت تا سال های زیادی، مخفی بود تا آن که خداوند او را مأمور به ابلاغ آشکار رسالتش کرد. حضرت موسی (علیه السلام) هنگامی که از شهر مصر به مداین فرار و مدت زیادی نزد حضرت شعیب (علیه السلام) به صورت مخفی زندگی کرد.

حضرت شعیب (علیه السلام) که امام علی (علیه السلام) در مورد غیبت او می فرماید: شعیب پیغمبر، قومش را به سوی خدا دعوت کرد تا پیر و استخوان هایش ضعیف شد. آن گاه تا مدتی که خواست خدا بود از میان مردم غایب شد و سپس در حالی که جوان شده بود به سوی آنها بازگشت...» (2) حضرت الیاس (علیه السلام) که به مدت هفت سال از میان قومش غایب شد. حضرت دانیال نبی (علیه السلام) به مدت 90 سال از میان قومش غایب بود و پیروانش همگی در انتظار برگشت او بودند. حضرت عیسی (علیه السلام) دو نوع غیبت داشت؛ یکی در مدت 12 سال در سرزمین های شام و مصر، دیگر هنگامی که می خواستند او را به دار آویزند، غایب شد و هم اکنون زنده است و بیش از دو هزار سال از غیبتش می گذرد. او هنگام ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) برای تشکیل حکومت عدل جهانی، حضرت را یاری می کند.

4. هدایت مداوم مردم که حضور امام در روی زمین باعث آن میشود: امامان همیشه واسطه فیض الهی و منبع هدایت و

ص: 81

1- کمال الدین، ص 136 و 137.

2- بحار الانوار، ج 12: ص 385، ح 10.



راهنمایی مردم هستند. خداوند به منظور استمرار هدایت مردم، وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را طبق مصلحت در پس پرده ی غیبت قرار داد تا علاوه بر حفظ نظام عالم، نزول فیض و رحمت حق از طریق او به بندگان ادامه یابد و راه هدایت و رستگاری بر روی مردم باز باشد. به نظر می رسد با توجه به وجود مشکلات زیاد پیش روی امام که در آینده به بعضی از آنها اشاره خواهیم کرد، غیبت بهترین وسیله برای هدایت بخشی است.

5. تولد نسل مؤمن از صلب کافر و منافق: یکی دیگر از حکمت های طولانی شدن غیبت این است که اگر در اصلا ب کافران و منافقان، مؤمنی باقی باشد، همه به دنیا بیایند؛ چنان که روش امامان معصوم (علیه السلام) چنین بود. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: «آیا علی (علیه السلام) در دین خدا قوی نبود؟ حضرت فرمود: آری قوی بود. پرسیدند: پس چگونه مردم بر او چیره شدند و او جلوی آنها نایستاد؟ چه چیزی باعث شد جلوی آنها را نگیرد؟ امام صادق (علیه السلام) فرمود: آیه ای از قرآن او را از این کار باز داشت. پرسیدند: آن آیه کدام است؟ فرمود: آیه ی 25 سوره ی فتح که می فرماید: خداوند عزوجل فرزندان مؤمن در پشت افرادی از کافران و منافقان قرار داده است. حضرت علی (علیه السلام) پدرانی را که کافر یا منافق بودند، نمی کشت تا این که این امانت های الهی از پشت آنان خارج شوند. وقتی این فرزندان از صلب آنان خارج می شدند، بر هر کدام که دست می یافت با آنها می جنگید.» حضرت قائم آل محمد (علیه السلام) نیز تا تمام امانت های الهی از پشت پدران کافر و منافقشان خارج نشوند، ظهور نمی کند و کسی را نمی کشد. (1)

ص: 82

6. قدرشناسی: یکی از حکمتها و اسرار مهم غیبت امام مهدی (صلی الله علیه واله) توجه بیشتر مردم به قدر و منزلت آن موعود امتها است. پس از آن همه قدر ناشناسی که نسبت به پدران بزرگوار آن حضرت روا داشتند، او در پس پرده ی غیبت قرار گرفت تا گوهر گران بهای وجودش در هنگام ظهور بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

از حکمت های دیگر غیبت می توان نقش مردم را بیان کرد. و آن عدم همراهی و تمکین مردم از آن حضرت است. مردم در یاری رساندن به امامان معصوم (علیه السلام) در گذشته سستیها و قصورهای زیادی داشتند و آن بزرگواران از این ناحیه آسیب های فراوانی دیدند و مراتبها کشیدند. نتیجه ی این نافرمانیها، کشته شدن و به شهادت رسیدن همه ی آنان به دست حاکمان غاصب بوده است. بر این اساس، غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیشتر از ناحیه ی مردم است، نه از سوی خود امام. وقتی مردم به وظایف و مسئولیت های خود در برابر امام و پیشوای بر حق خود پایبند نباشند و از اطاعت و یاری او سرپیچی کنند، خداوند آنها را تأدیب و تنبیه می کند و آن امام بر حق را برای مدتی از آنها جدا می سازد. در نتیجه مردم از بسیاری از مواهب و الطاف امام معصوم (علیه السلام) بی بهره می مانند؛ یعنی از برکات ظاهری وجود حضرت محروم می شوند و این نشانگر غضب و خشم الهی است. بنابراین مردم با یاری نکردن امام، ظلم و ستم را بر خود روا می دارند و به جهت جهل و نادانی شان بهره ی کافی را از حجت الهی نمی برند و موجب غیبت امام (علیه السلام) می شوند. حضرت علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید: «خداوند به واسطه ی نادانی و ستمکاری مردم، دیده ی ایشان را از دیدن حجتش فرو می بندد... سپس حجت (آن زمان) غایب می شود؛ اما مردم را می شناسد و مردم او را نمی شناسند و یا می فرماید: «ای مردم! بدانید که زمین هرگز از

حجت الهی خالی نمی ماند، اما پروردگار مردم را به جهت ظلم و ستمی که مرتکب می شوند... از دیدن حجت خودش، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، محروم می کند»<sup>(1)</sup>.

یکی دیگر از موانع و چالش های اساسی پیش روی امامان معصوم (علیه السلام)، وجود حاکمان ظالم و دشمنان جاهل و کینه جو و نفاق پیشگان دنیاپرست بود. که منجر به غصب خلافت و کشتن آن امامان معصوم (علیه السلام) می شد. امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز با همه ی این خطرات رو به رو بود و حکمت الهی اقتضا می کرد که آن حضرت از دیدگان غایب شود.

می توان گفت یکی از دلایل غیبت حضرت ترس بر جان خود امام بود. امام باقر (علیه السلام) در این مورد می فرماید: «حضرت قائم (علیه السلام) از میان شما رفت؛ چون از شما بر جان خود بیمناک بود و آن گاه که پروردگار اذن دهد و امر فرج به سامان رسد به میان شما می آید». علاوه بر خطر دشمنان داخلی و اهل نفاق، حضرت از توطئه ی شوم بعضی از نزدیکان فاسد نیز در امان نبود. نمونه ی روشن این خطر عمومی حضرت، جعفر کذاب است. او با دستگاه فاسد خلافت آن روزگار ارتباط نزدیکی داشت و می خواست به کمک آنها مقام و دارایی امام عسکری (علیه السلام) را تصاحب کند و فرزند او را به کشتن دهد. امام هادی (علیه السلام) فرمودند: «از پسر، جعفر دوری کنید که او برای من به منزله ی نمرود، پسر نوح است، نسبت به حضرت نوح که قرآن کریم در حق او می فرماید: ای نوح او از کسان تو نیست که آن (فرزندی) است غیر صالح»..

می توان گفت که دلیل دیگر غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ناحیه ی

ص: 84

خود حضرت است و خواست خود اوست که برای تحقق بخشیدن به بعضی از اهداف و برنامه هایش از قید و بند حکومت ها آزاد باشد و در بیعت هیچ حاکمی را نباشد.

زمانی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند، بیعت هیچ کس و هیچ حکومت غاصب و ستمگری را حتی به عنوان تقیه، بر گردن ندارد. او قیام می کند در حالی که هیچ گونه تمکینی نسبت به احدی از جباران و حکومت ها ندارد و از راه تقیه و در ظاهر هم حکومت های غیراسلامی ناکامل را تأیید نکرده است. امام علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید: «هنگامی که قائم مایم کند، احدی در گردن او بیعت ندارد. از این جهت ولادت او مخفی می شود و خود از دیده ها پنهان است»<sup>(1)</sup>.

یکی از علت های مهم دیگر غیبت امام مهدی (علیه السلام) آماده سازی جامعه ی بشری و شیعیان است.

آماده سازی جهان به معنی بالا رفتن سطح آگاهی مردم و درک نیاز به پیشوایی عادل و عالم، به ستوه آمدن مردم از ظلم و بیدادگری و خواست جهانی و مردمی برای گسترش و احیای عدالت، معنویت و امنیت جهانی است. تا زمانی که آمادگی جهانی فرا نرسد، حضرت در غیبت خواهد بود. چون وظیفه ی حضرت تحقق فراگیر و گسترده ی تمام اهداف و برنامه های پیامبران و اولیا است و این اقدامات و اصلاحات او نیازمند درک بالا و شعور متری از سوی مردم است. فلسفه ی غیبت، فقدان قدرت مورد نیاز امام است که باید مردم برای ایجاد آن همت گمارند. در واقع تا هنگامی که مردم

ص: 85

زمینه‌ی اقتدار حضرت را فراهم نسازند، غیبت تداوم خواهد یافت؛ چرا که خداوند خواستار تقویت حضرت مهدی (علیه السلام) به وسیله‌ی بشر است، نه فرشتگان. (1) دوران غیبت به خصوص برای آماده‌سازی و تربیت شیعیان ضعیف و کم ظرفیت است تا در مدت غیبت، سطح آگاهی، تحمل و آمادگی آنها بالا برود. پس تا زمانی که انسانها و به خصوص شیعیان بر ارزش خود واقف نگردند و امکانات خود را به سمت صحیح سوق ندهند، غیبت ادامه خواهد داشت. سستی و تنبلی مردم، موجب طولانی شدن غیبت آن حضرت شده است. البته گروه ارادتمند و دوستدار یعنی همان شیعیان هم باید واقعا به صورت منسجم و آماده عمل کنند و ارتشی مهیا و نیرومند تشکیل دهند که پشت سر امام (علیه السلام) بایستد و گوش به فرمان او باشد. این گروه باید به نیروی ایمان و تقوا مجهز شوند و جانباز و فداکار باشند. تربیت چنین افرادی تاکنون میسر نبوده و به این سادگی نیز نخواهد بود، مگر این که همت و تلاش ویژه‌ای صورت گیرد و به اظهار دوستی ساده ختم نشود.

### **نیابت در عصر غیبت کبری (ولایت فقیه)**

نیابت در عصر غیبت کبری به صورت عام است. مقصود از نیابت عامه این است که امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ضابطه‌ای کلی به مردم می‌دهد تا در هر عصری، فردی که شاخصی از آن ضوابط و ابعاد در او هست، نایب امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شناخته شود و در جامعه نماینده‌ی حضرت گردد. بنابراین کسانی که در دوره‌ی غیبت صغری نیابت داشتند و با اسم و رسم

ص: 86

---

1- مهدویت پیش از ظهور به نقل از شیخ طوسی، تلخیص الشافی، ج 1 و 2، ص 95.

معرفی شده بودند، نایب خاص و کسانی که با ضابطه‌ی کلی امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جامعه به مقام نیابت می‌رسند، نایبان عامه این مقام هستند. این نیابت به وسیله‌ی خود امامان معصوم (علیه السلام) و به ویژه حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به فقیه جامع شرایط تفویض شده است. در عصر غیبت، مسئله‌ی زعامت و رهبری از دیدگاه اسلام نادیده گرفته نشده است. شریعت که برای تنظیم حیات اجتماعی است، همواره به مسئولان اجراکننده‌ی آن نیاز دارد که حافظ مصالح امت و ناظر بر اجرای صحیح عدالت اجتماعی باشند، پس نمی‌توان شریعت را فقط مخصوص دوران حضور دانست.

بحث «ولایت فقیه» از گذشته مورد توجه بسیار بوده است. دیدگاه علمای بزرگ اسلام در این باره چنین است؛ شیخ مفید می‌گوید: «اجرای حدود اسلام به عهده‌ی ائمه‌ی هدی از آل محمد (صلی الله علیه واله) است که از سوی خدا منصوب هستند و بعد از آن حاکمان و امرایی که ائمه (علیه السلام) نصب کردند که آنها نیز این منصب را به فقهای شیعه تفویض نموده اند».<sup>(1)</sup>

شیخ طوسی می‌گوید: «قضاوت تنها برای کسی جایز است که امام معصوم (علیه السلام) به او اجازه‌ی آن را داده باشد و ائمه (علیه السلام) این منصب را به فقهای شیعه داده اند».<sup>(2)</sup> در واقع فقیه، در زمان غیبت کبری نایب ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حکومت است.

محقق کرکی می‌گوید: «فقهای شیعه اتفاق نظر دارند که فقیه جامع شرایط که از آن به مجتهد تعبیر می‌شود، از سوی ائمه (علیه السلام) در

ص: 87

---

1- مهدویت پیش از ظهور به نقل از المقنعه: ص 811.

2- مهدویت پیش از ظهور به نقل از نهاییه: ص 301 و 302.

همه ی مواردی که قابل نیابت است، نیابت دارد».

محقق اردبیلی می گوید: «فقیه در همه ی امور، نایب امام است. فقیه، خلیفه و جانشین امام معصوم (علیه السلام) است؛ پس آن چه به او برسد، به امام معصوم (علیه السلام) تحویل داده شده است». صاحب جواهر گفته است: «ظاهر روایات، حاکی از آن است که فقیه، به طور کامل اختیار دارد. مقام «ولایت» و تمام اختیاراتی که برای امام هست برای او هم می باشد».

حاج آقا رضا همدانی می گوید: «در هر صورت، اشکالی در نیابت فقیه جامع شرایط، فتوا از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در زمان غیبت امام نیست».

ملا احمد نراقی چنین می گوید: «آن چه برای پیامبر (صلی الله علیه واله) و امام (علیه السلام) که پیشوای مردم بودند، ثابت بود، برای فقیه نیز ثابت است، مگر این که دلیلی حقی را تنها به آنان اختصاص داده باشد».

امام خمینی به عنوان یکی از مهم ترین نظریه پردازان ولایت فقیه می فرماید: «فقهها از طرف ائمه (علیه السلام) در همه ی مواردی که امامان در آن دارای ولایت هستند، ولایت دارند». از نظر او کلیه ی امور مربوط به حکومت و سیاست که برای پیامبر (صلی الله علیه واله) و ائمه (علیه السلام) مقرر شده، در مورد فقیه عادل نیز مقرر است و عقلا نمی توان فرقی میان این دو قایل شد؛ زیرا حاکم اسلامی، هر کس که باشد، اجرا کننده ی احکام شریعت و برپادارنده ی حدود و قوانین الهی، گیرنده ی مالیات های اسلامی و مصرف کننده ی آن در راه مصالح مسلمانان است. (1) ایشان تأکید دارند که امر ولایت و سرپرستی امت به فقیه عادل داده شود و او است که شایسته ی رهبری مسلمانان است؛ زیرا حاکم اسلامی باید متصف به «فقه» و «عدالت» باشد. پس اقامه ی حکومت و

ص: 88

تشکیل دولت اسلامی بر فقیهان عادل، واجب کفایی است. بنابراین اگر یکی از فقیهان زمان به تشکیل حکومت توفیق یافت، بر سایر فقها لازم است که از او پیروی کنند و چنان چه امر تشکیل دولت اسلامی جز با هماهنگی و اجتماع همه ی آنان میسر نشد، بر همه ی آنان واجب است که مجتمعاً بر این امر اهتمام ورزیده، در صدد تحقق آن برآیند. با نگرشی واقع بینانه به این دیدگاه ها می توان به روشنی دریافت که ولایت فقیه نظریه ای مترقی بوده و آن تنها نظام مطلوب و شرعی جایگزین نظام امامت در عصر غیبت به شمار می رود. البته ظهور و بروز کامل آن به خصوص در عرصه ی سیاسی در عصر حاضر صورت گرفته است.

به نظر امام خمینی رحمت الله علیه ها دلیل عقلی در اثبات ولایت برای فقیه، تام است و دلیل های نقلی مؤدی است برای آنچه که از عقل به دست می آید. لزوم برقراری حکومت برای بسط عدالت، تعلیم و تربیت، رفع ظلم و حفظ مرزها از تجاوز اجانب از واضح ترین داوری های عقلی است. مجری حکومت، باید شخصی آگاه به احکام و ملتزم به رعایت کامل وظایف دینی باشد. پس اگر معصوم در بین مردم بود، عقل به لیاقت او برای این مقام حکم می کند و اکنون که معصوم حضور ندارد، افرادی باید عهده دار این امر شوند که از نظر علم به احکام اسلام و تقوا و عدالت، شبیه ترین مردم به امام معصوم (علیه السلام) باشند و منظور از «ولی فقیه» چنین کسانی است. (1)

صاحب «جواهر» دلیل عقلی ولایت فقیه را چنین بیان می کند: اول آن که شیعیان در عصر غیبت، امرشان به هرج و مرج واگذار

ص: 89



نشده است. جامعه باید انتظام داشته باشد و چنین نباشد که زورمندان بر جامعه غلبه یابند. دیگر این که علاوه بر آن که باید در جامعه نظم وجود داشته باشد، این نظم باید مبتنی بر قسط و عدل نیز باشد؛ چرا که ممکن است جامعه ای منظم باشد، اما نظم آن بر اساس کفر مستقر شود. مورد دیگر این که قانون الهی را باید قانون شناسی که خود به قانون عمل می کند، اجرا کند و تنها فقیه اهل بیت می تواند چنین کسی باشد». او در این رابطه می گوید:

گسترده‌گی دستورات رسیده از جانب خداوند، در زمینه‌ی اجرای احکام انتظامی و رسیدگی به مصالح امت عصر غیبت را نیز فرا می گیرد و تعطیل احکام اسلامی در جامعه مایه‌ی گسترش فساد می شود، که شرع مقدس هرگز به آن رضایت نمی دهد. حکمت و مصلحت وضع و تشریح چنین احکامی، نمی تواند مخصوص عصر حضور باشد؛ بنابراین این احکام بایستی حتماً اجرا شوند و این فقها هستند که به جای امامان معصوم، موظف به اجرای آن می باشند».

برای اثبات ولایت فقیه از سوی خود امامان معصوم (علیه السلام) نیز روایات فراوانی بیان شده است. بر اساس این روایات، امامان معصوم (علیه السلام) مردم را برای رفع نیازهای حکومتی و به ویژه مسائل قضایی و منازعات، به فقها ارجاع داده اند و فقها را با تعبیری چون امناء، خلفاء، وارثان پیامبران و کسانی که مجاری امور به دست ایشان است معرفی کرده اند. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هر کس از شما که راوی حدیث ما باشد، در حلال و حرام ما بنگرد، صاحب نظر باشد، احکام ما را بشناسد و آنها را به عنوان داور بپذیرد، همانا من او را بر شما حاکم قرار دادم. پس هرگاه حکمی کرد و از او قبول

نکردند، حکم ما را سبک شمرده اند و ما را رد کرده اند و آن کس که ما را رد کند، خدا را رد کرده و رد کردن خدا، در حد شرک به خدای متعال است». (1) در جای دیگر نیز امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «زنها که مسائل اختلافی خود را نزد اهل جور، کسانی که جایگاه عدالت را به ناحق اشغال کرده اند، نبرید، بلکه از میان خود کسی را که از روش حکومت و دادرسی ما آگاه باشد، برای قضاوت برگزینید. من چنین کسی را به این مقام منصوب کرده ام؛ پس داوری را به نزد او برید». (2) امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «مجارى امور و احکام به دست علمای ربانی است که امین بر حلال و حرام خدا هستند».

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) نقل شده است: «خدایا بر جانشینان من رحمت فرست. پرسیدند: ای رسول خدا! جانشینان شما چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان که بعد از من می آیند و حدیث و سنت مرا نقل می کنند».

در نامه ای حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در پاسخ به نامه ی اسحاق بن یعقوب چنین فرمود: «در رخدادهایی که اتفاق می افتد، به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شمایند و من حجت خدا بر آنان هستم». منظور از راویان حدیث در این نامه ی شریف، قطعاً کسانی نیست که الفاظ حدیث را بدون تفهم و تفقه در مفاد آن نقل می کنند، بلکه مقصود، فقها و اهل نظر است که از ناحیه ی آن حضرت حجت بر مردم هستند. هم چنین منظور از حوادثی که به وقوع می پیوندد و مردم باید در آن حوادث به علما مراجعه کنند، یقیناً امور اجتماعی و حکومتی است، نه صرفاً بیان

ص: 91

---

1- اصول کافی، ج 1، ص 68.

2- وسائل الشیعه، ج 27: ص 13.

کردن احکام و مسائل شرعی حلال و حرام. پس از سخنان امام (علیه السلام) نتیجه می‌گیریم که ولایت فقیه، رهبر جامعه اسلامی در عصر غیبت و دارنده مقام فتوی، قضاوت و حکومت است که بدون او جامعه دچار حاکمان غاصب و جابر و عدم رعایت موازین دینی می‌شود. بنابراین بر همه‌ی منتظران امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) لازم است که بنا به فرموده‌ی امامان خود، با پیروی از فقها و مجتهدان واجد شرایط اعمال دینی خود را انجام دهند. وظیفه‌ی مردم در زمینه‌ی امور اجتماعی و سیاسی نیز اطاعت از فقیهی است که از سوی بزرگان شیعه به عنوان ولی فقیه انتخاب شده است. (1)

بنابراین در دوران غیبت، هیچ یک از احکام اسلامی تعطیل نشده است و ما باید تا آمدن امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به همه‌ی آن‌چه اسلام از ما خواسته است، عمل کنیم. از سوی دیگر چون امکان دسترسی به امام معصوم (علیه السلام) نیست، همان طور که گفته شد، باید به فقهای جامع شرایط رجوع کنیم.

به این ترتیب امور مسلمین در زمان غیبت کبری به دست ولی فقیه قرار دارد و این امور با نظر او باید انجام گیرد. رسمی شدن مرجعیت و زعامت فقهای اسلام نیز از تاریخ شروع غیبت کبری پدید آمده است و تا ظهور آن حضرت ادامه خواهد داشت.

### تشریف یافتگان در زمان غیبت کبری

در دوران غیبت کبری هستند کسانی که با حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ملاقات کرده و نعمت تشریف برای آنان حاصل شده است. البته شمار چنین کسانی بسیار است ولی این جا به نام برخی از تشریف یافتگان

ص: 92

به محضر مبارک حضرت مهدی صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره می کنیم:

الف. سید بن طاووس که در کتاب «مهج الدعوات» خود می نویسد: «من در «سامرا» بودم که در هنگام سحر، دعایی را از حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیدم. آن دعا را حفظ کردم. حضرت در آن به خداوند عرض می کرد: «زنده بدار آنان را در عزت و ملک، سلطنت و دولت ما» و این دعا در مورد زنده ها و مردههای اهل شیعه بود. ب. علامه حلی از جمله مقامات علامه حلی که نزد اهل ایمان

مشهور است، آن است که برخی از علمای اهل سنت، کتابی در رد امامیه نوشته بودند، آن را برای مردم می خواندند و مردم را گمراه می کردند و از ترس این که مبادا یکی از علمای شیعه برای رد آن مطلبی بنویسد، این کتاب را به دست کسی نمی دادند. اما علامه حلی از یکی افراد اهل سنت کتاب را به عاریه گرفت و این کتاب قرار بود یک شب نزد علامه بماند. ایشان فرصت را غنیمت شمرده و نوشتن نقدی بر کتاب فوق را شروع کرد. اما هنگامی که نیمه شب شد خواب بر او غلبه کرد. حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) حاضر شد و فرمود: «نوشتن این کتاب را به من واگذار و برو استراحت کن». بعد از چند لحظه استراحت هنگامی که بیدار شد، دید که آن کتاب تماما با اعجاز حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اتمام رسیده است.

در شرح حال علامه حلی می نویسند: «ملاقات علامه با حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشهور است و ما از آخوند ملا صفر علی لاهیجی که او از استادش مرحوم سید محمد، صاحب «مناهل»، فرزند سید علی صاحب «ریاض» نقلی کرد، شنیدیم که فرمود: «علامه حلی به عادت همیشگی خود، شب جمعه به قصد زیارت حضرت سید الشهداء، سوار بر الاغ خود شده و به سوی کربلا حرکت می کند.

او در دستش تازیانه ای کوچک قرا میدهد تا با آن مرکب خود را براند. ناگهان مرد عربی را مشاهده می کند که در راه به او ملحق می شود، در حالی که بدون مرکب به سوی کربلا می رود. در آن هنگام هر دو شروع به بحث درباره ی حدیث می کنند. علامه متوجه میشود که این مرد عرب دارای فضل و علم است تا این که بحث به برخی از مسایل علمی فقهی کشیده می شود. چون علامه پی به تبخیر این مرد عرب و فضیلت او می برد، مسایلی را که تاکنون برایش حل نشده بود، از وی سوال می کند و آن مرد در هر مسئله ای جواب کافی و شافی می دهد تا این که علامه فتوایی از آن مرد عرب می شنود که با رأی او مخالف است. علامه به او عرض می کند: از مصادر حدیث ما حدیثی نیست که مطابق این فتوا باشد. آن مرد عرب به او می فرماید: شیخ طوسی در کتاب «التهذیب» حدیثی را در این باب آورده است. به کتاب او مراجعه کن که آن حدیث را در فلان صفحه و فلان سطر خواهی یافت. علامه از شخصیت آن مرد متحیر می شود و به همین دلیل از او سوال می کند: آیا ملاقات صاحب امر در عصر غیبت کبری ممکن است یا خیر؟ در این اثنا تازیانهی علامه از دستش می افتد. آن مرد عرب خم می شود و آن را در دستان علامه قرار می دهد و می فرماید: چگونه دیدار صاحب الامر ممکن نباشد، در حالی که دستان او در دستان توست؟ علامه بدون اختیار از الاغ خود پایین آمده، خود را بر روی پاهای حضرت می اندازد و شروع به بوسیدن می کند و چنان حالش منقلب میشود که غش می کند. بعد از آن که به هوش می آید کسی را نمی بیند. وقتی به خانه ی خود باز می گردد به سرعت به سراغ کتاب شیخ طوسی می رود و در پی حدیثی می رود که حضرت، آدرس آن را

داده بود و آن را در همان صفحه و سطری که ایشان فرموده بود، پیدا می کند و در حاشیه ی «تهذیب» چنین می نویسد: «این حدیثی است که صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به صفحه و سطر آن اشاره کرده است».<sup>(1)</sup>

ج. مقدس اردبیلی، مرحوم محدث جزایری نقل می کند: «مقدس اردبیلی شاگردی از اهل تفرش داشت که اسمش میرعلام یا فیض الله بود. او مقام و منزلتی در فضل داشت. آن شاگرد می گوید: من حجره ای داشتم در مدرسه ای که به بقعه ی شریف امام علی (علیه السلام) مشرف بود. شبی اتفاق افتاد که من از مطالعه فارق شدم، در حالی که مدت زیادی از شب گذشته بود. از حجره بیرون آمدم تا بیرون رانظر کنم. آن شب بسیار تاریک بود. دیدم شخصی به طرف روضه ی مقدس امیرالمؤمنین (علیه السلام) می رود. با خود گفتم: شاید دزدی است که آمده تا قندیل های حضرت را سرقت کند. پشت سر او رفتم و او را مشاهده کردم، در حالی که او مرا نمی دید. او به طرف درب حرم رفت و ایستاد. دیدم که قفل باز شد و به همین ترتیب نزد هر یک از درهای حرم که می رسید، قفل به خودی خود به زمین می افتاد تا این که مقابل قبر حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) قرار گرفت و بر حضرت سلام کرد. ناگهان شنیدم که از جانب قبر حضرت، جواب سلام او داده شد. شنیدم که با امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره ی مسئله ای سخن می گوید. آن گاه از شهر «نجف» به طرف مسجد «کوفه» بیرون شد. من به دنبال او رفتم، در حالی که مرا نمی دید. چون به محراب مسجد رسید، شنیدم که با شخص دیگری درباره ی همان مسئله سخن می گوید. آن گاه برگشت. من هم به دنبال او بازگشتم. چون به دروازه ی شهر رسید، صبح شده بود. من خودم را به او

ص: 95

معرفی کردم و عرض کردم: ای مولای من! من همراه شما از اول شب تاکنون بودم. به من بگو آن مردی که در زیر گنبد حضرت با او سخن گفتی که بود و نیز آن مرد دیگری که با شما در مسجد کوفه سخن گفت، چه شخصی بود؟ او از من عهد و پیمان گرفت که سر او را تا زنده است، فاش نکنم؟ آن گاه فرمود: ای فرزندم! هنگامی که برخی از مسایل بر من مشتبه می شود، در بعضی از شبها کنار قبر مولایمان، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می آیم و با او درباره ی آن مسایل گفت و گو می کنم و جواب آن را از روضه ی مقدس می شنوم. ولی در این شب مولایمان مرا به مولایم، صاحب الزمان حواله داد و به من فرمود: همانا فرزندم، مهدی امشب در مسجد کوفه است. نزد او برو و از او درباره ی این مسئله سوال کن و آن شخص همان مهدی (علیه السلام) بود». (1)

د- مجلسی اول: آخوند ملا- محمد تقی مجلسی یکی از بارزترین علمای شیعه در قرن یازدهم است. او در کتاب خود به نام «روضه المتقین» می گوید: «چون خداوند مرا موفق به زیارت امیرالمؤمنین (علیه السلام) کرد، شروع به مجاهدت در حوالی روضه ی مقدسه نمودم و خداوند متعال به برکت مولایمان الله درهای مکاشفاتی را که عقول ضعیف تحمل آن را ندارند، برای من گشود. در آن حال که در رواق «عمران» بودم، مشاهده کردم که در «سامرا» هستم و روضه ی آن را در نهایت بلندی و زینت دیدم، در حالی که بر روی قبر آن دو امام بزرگوار پارچه ای سبز از پارچه های بهشتی نهاده شده بود. که شبیه آن را در دنیا ندیده بودم. در این حال، مولایمان و مولای همه ی مردم، صاحب عصر و زمان (علیه السلام) را مشاهده کردم که

ص: 96

تکیه بر قبر داده و نشسته بود و رویش به طرف درب بود. چون حضرت را دیدم، شروع به خواندن زیارت جامعه با صوت بلند، همچون مداحان کردم. چون آن را تمام کردم حضرت مهدی (علیه السلام) فرمود: خوب زیارتی است. عرض کردم: ای مولای من! جانم به فدای شما باد، زیارت جدت؟ حضرت روی خود را به طرف قبر نمود و فرمود: آری، داخل شو. چون وارد روضه ی مقدسه شدم، نزدیک در ایستادم. حضرت فرمود: پیش بیا. عرض کردم: ای مولای من! می ترسم به جهت سوء ادب کافر شوم. حضرت فرمود: اگر با اذن ما باشد اشکالی ندارد. کمی جلوتر آمدم، در حالی که ترسان و لرزان بودم. حضرت باز فرمود: جلوتر بیا. من جلورفتم. حضرت فرمود: بنشین. عرض کردم: ای مولای من! می ترسم. فرمود: نترس. چون به مانند بردگان در مقابل مولای بزرگوارم نشستم، حضرت فرمود: راحت باش و چهار زانو بنشین؛ زیرا تو خسته شده ای و با پای پیاده آمده ای... حاصل امر این شد که از جانب آن آقا به بنده اش الطاف بزرگ و سخنان لطیفی عنایت شد» (1)

ها - سید مهدی بحرالعلوم: محدث نوری می نویسد: «عالم فاضل صالح، میرزا حسین لاهیجی که از صالحان با تقوا و مورد وثوق و ثابت قدم نزد علما است، نقل کرد: «سید بحرالعلوم - اعلی الله مقامه - روزی وارد حرم امیرالمؤمنین (علیه السلام) شد و ناگهان شروع به قرائت این

ایات نمود:

چه خوش است صوت قرآن ز تو دلربا شنیدن

به رخت نظاره کردن سخن خداشنیدن

از او سؤال کردند که برای چه این اشعار را خواندی؟ فرمود: چون

ص: 97



وارد حرم مطهر شدم، حضرت حجت (علیه السلام) را مشاهده کردم که در بالای سر نشسته و با صدای بلند مشغول قرائت قرآن است. وقتی صدای حضرت را شنیدم این شعر را قرائت کردم» (1).

### فایده ی امام غائب

طبق سخنانی که گفته شد و برهان هایی که در کتابهای دانشمندان اقامه و احادیثی که در موضوع امامت وارد شده است، وجود مقدس امام غایب، نوع کامل انسانیت و رابطه ی میان عالم مادی و عالم ربوبی است. اگر امام، روی زمین نباشد، نوع انسان منقرض خواهد شد. اگر امام نباشد، خدا به حد کامل شناخته و عبادت نمی شود و رابطه ی بین عالم مادی و دستگاه آفرینش قطع می شود. قلب مقدس امام به منزله ی ترانسفورماتوری است که برق کارخانه را به هزاران لامپ می رساند. اشراقها و افاضه های عوالم غیبی، نخست بر آینه ی پاک قلب امام و سپس به وسیله ی او بر دل های سایر افراد نازل می شود. امام، قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوعانسان است و به طور قطع حضور و غیبت او در به وجود آوردن این آثار، تفاوتی ندارد. آیا باز هم می شود گفت امام ناپیدا نفعی ندارد؟! تصور می رود این اشکال از زبان کسانی گفته می شود که به حقیقت معنای ولایت و امامت، پی نبرده اند و امام را جز یک مسئله گو و جاری کننده ی حدود نمی دانند؛ در صورتی که مقام امامت و ولایت، از این مقام های ظاهری بسیار بالاتر است.

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: «ما پیشوای مسلمانان، حجت بر اهل عالم و سادات مؤمنان، رهبر نیکان و صاحب اختیار آنان هستیم. ما امان اهل زمین هستیم، چنان که ستارگان امان اهل آسمانند. به واسطه ی

ص: 98

ماست که آسمان بر زمین فرود نمی آید. وقتی که خدا بخواهد، به واسطه ی ما باران رحمت حق، نازل و برکات زمین خارج میشود. اگر ما روی زمین نبودیم، زمین اهلش را فرو می برد». آن گاه فرمود: از روزی که خدا آدم را آفرید تا به حال، هیچ گاه زمین از حجتی خالی نبوده است؛ ولی آن حجت، گاهی ظاهر و مشهور و گاهی غایب و مستور بوده است و اگر امام نباشد خدا پرستش نمی شود».

سلیمان گفت: «به حضرت سجاد (علیه السلام) عرض کردم که مردم چگونه از وجود امام غایب، بهره مند می شوند؟ فرمود: همان طور که از خورشید پشت ابر بهره می برند». در این حدیث و چندین حدیث دیگر، وجود مقدس صاحب الامر و انتفاع مردم از وی به خورشید پشت ابر و بهره مند شدن مردم از آن تشبیه شده است. وجه تشبیه نیز این است که در علوم طبیعی و فلکی ثابت شده که خورشید، مرکز منظومه ی شمسی و جاذبه اش حافظ زمین است و آن را از سقوط نگه می دارد. زمین را به دور خود می چرخاند و شب و روز و فصل های مختلف را ایجاد می کند. حرارتش سبب حیات حیوانات، گیاهان و انسان و نورش روشنی بخش زمین است. در به وجود آمدن این آثار، چه خورشید ظاهر باشد یا پشت ابر تفاوتی وجود ندارد. یعنی جاذبه، نور و حرارتش در هر دو حال موجود است. در هنگام شب یا وقتی خورشید در پس ابرهای تیره پنهان است، نادانان گمان می کنند که موجودات از نور و حرارت خورشید بی بهره اند؛ در صورتی که سخت در اشتباهند؛ زیرا اگر دقیقه های نور و حرارتش به جانداران نرسد، آنها یخ زده و هلاک می شوند. به برکت تأثیرات همان خورشید است که ابرهای تیره، پراکنده می شوند و چهره ی حقیقی آن نمایان می شود. وجود مقدس امام نیز خورشید و قلب عالم انسانیت و مربی و هادی تکوینی آدمیان است

و در ترتب این آثار، بین حضور و غیبت ایشان تفاوتی نیست. عامه ی مردم که در زمان غیبت از دیدن آن حضرت محرومند، فکر می کنند که از جانب خدای متعال و وجود مقدس امام، فیضی وجود ندارد؛ اما تقصیر و کوتاهی از طرف خود افراد انسان است. اگر موانع ظهور را برطرف می کردند، اسباب و مقدمات حکومت توحید و دادگستری را فراهم می آوردند و افکار عموم جهانیان را آماده و مساعد می کردند، امام زمان ظاهر میشد و جامعه ی انسانیت را از فواید بیشماری بهره مند می گردانید. (1)

دیدگاه جدید درباره ی خورشید پشت ابر را می توان چنین بیان کرد: مفاهیمی چون زیر، بالا، جلو و پشت را مفاهیم اضافی می گویند. یعنی این مفاهیم نسبت به چیزی و با در نظر گرفتن مکانی معنا پیدا می کنند. آن چه از معنای پشت ظاهر است این است که مثلاً اگر کسی به پرده ای نزدیک باشد، به او می گویند که پشت پرده است. نه اینکه کسی نیم متر پشت پرده باشد و دیگری صد متر از آن فاصله داشته باشد، اگر چه هر دو در پشت پرده اند، ولی در عرف به آن شخصی که نزدیک است، می گویند که پشت پرده است. این سؤال مطرح می شود که آیا ابر به خورشید نزدیک است یا به زمین؟ در پاسخ باید گفت آنچه معلوم و مسلم است، این است که فاصله ی زمین به ابر خیلی کمتر از فاصله ی خورشید نسبت به ابر است. با عنایت به این مطلب است که می توان گفت که در واقع، خورشید پشت ابر نیست، بلکه این زمین است که پشت ابر است و مطلب عجیب تر آن که آیا ابر از خورشید بر خاسته است یا از زمین؟ البته ابر بر اثر تابش خورشید به زمین است، ولی

ص: 100

این تبخیر، به خاطر کم ظرفیت بودن زمین و ناتوان بودن اجزای آن یعنی آب است؛ بنابراین می توان گفت، این که به خاطر وجود ابر، زمین از تابش خورشید کمتر بهره می برد، تقصیر خود زمین است و چه زیبا است این شعرها:

میان عاشق و معشوق هیچ حایل نیست

تو خود حجاب خودی حافظ از میان برخیز

- گفتم که روی ماهت از ما چرا نپنهان است

گفتا تو خود حجابی و نه زخم عیان است فیض کاشانی

حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خود در نامه ای چنین فرموده اند: «استفاده و بهره وری از وجود من در زمان غیبت کبری همانند استفاده از خورشید در یک روز ابری است. آگاه باشید که وجود من موجب بقای کره ی زمین و امان برای همه ی مخلوقات است. همچنان که ستارگان، موجب امان اهل آسمانند»<sup>(1)</sup>. در روایات متعدد دیگر نیز وجود مقدس حضرت مهدی امام غایب (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تشبیه به خورشید پشت ابر شده است که به محتوای بعضی از آنها اشاره می شود:

1. گاهی پنهان بودن خورشید در میان ابرها بنا به مصالحی از

آشکار بودنش بهتر است.

2. خورشید، کانون منظومه ی شمسی است که حتی در هنگام

غروب و در پشت ابر نیز نورافشانی می کند.

3. امام، هدایت باطنی مردم را در زمان غیبت دارد و آنها را هدایت و ارشاد می کند و از طریق باطن دستگیری انسانها را به عهده گرفته است؛ چون او بر نفوس اشرف دارد. جذب روحی و

ص: 101

1- الغیبه شیخ طوسی: ص 176.

روانی انسان‌ها دارای قابلیت زیادی است، مانند حر و زهیر و مانند شبر که موسی بن جعفر (علیه السلام) در خواب به او فرمود: «اكتب» و افرادی مانند علامه امینی و دهها مؤلف دیگر که یک لحظه عنایت از طرف امام برای آنها تحولی عظیم ایجاد و آنها را دگرگون کرده است و این

هدایتگری به صورت مداوم است.

4. حقیقت معنای امامت تنها در امور صوری و ظاهری نیست، بلکه او هدایت و ولایت باطنی و معنوی بر مردم دارد و از راه باطن بر نفوس همگان احاطه و اشراف دارد.

5. امام در همه‌ی فیوضات الهی، واسطه‌ی در رساندن فیض به انسان‌ها و همه‌ی موجودات است؛ فیض وجود، فیض بقا، فیض نعمت، فیض هدایت و فیض کمال. پس امام در قلمرو وسیع کائنات به اذن خدا، دارای نفوذ، سببیت و تصرف می‌باشد. امام واسطه در فیض از آغاز نخستین مخلوق، «اول ما خلق الله» بوده است و دارای دو چهره می‌باشد: یکی فیض اقدس و دیگری فیض مقدس. بر اساس این دو فیض همه‌ی یهستی تجلی یافته است. حقایق عالم غیب، حقایق عالم محسوس، حقایق تکوینی و تشریحی همه بر اساس فیض الهی و وساطت واسطه‌ی فیض است یعنی حجت الله در همه‌ی دورانها به ظهور رسیده و تا قیامت نیز چنین خواهد بود.

6. مقصود از واسطه‌ی فیض، همان ولایت مطلقه است. نفس مبارک و نورانی ولی مطلق، «وعاء مشیت الله» است. مبدأ سریان فیض الهی و سرچشمه‌ی فیضان جود حضرت واجب الوجود به همه‌ی موجودات ممکن است.

7. در هدایت تشریحی و تشریح احکام و قوانین و در تبیین

صراط مستقیم نیز که فیض عظیم است، وجود واسطه‌ی فیض کاملاً ضروری است؛ یعنی باید نفوس پاک و نورانی، وحی و

شریعت و قانون هدایت الهی را دریافت کنند، به سایر افراد بشریت برسانند و تعلیم دهند، اسوه‌ی عینی و عملی هدایت همگان باشند، نفوس را تزکیه کنند، به آنها کتاب الهی و حکمت را تعلیم دهند و پیوسته حجت خدا در میان مردم باشند. (1)

شعاع خورشید به موانع در خانه‌ها می‌تابد. نور وجود مقدس امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز به اندازه‌ی استفاده‌ی انسان‌ها، بر قلب آنها می‌تابد. همان‌طور که مردم منتظرند خورشید از پشت ابر بیرون بیاید. چنین تعبیری به مسئله‌ی انتظار و ظهور خورشید آسمان هدایت نیز اشاره دارد. کسانی که منکر وجود خورشید پشت ابر هستند، استدلال‌هایشان به بادی وابسته است که ابرها را حرکت دهد. تمام صغری و کبراهای منکران وجود امام (علیه السلام) نیز به نسیمی که از ناحیه‌ی خداوند عز و جل به امام اذن خروج دهد، از هم خواهد پاشید! ان شاء الله.

طبق برخی روایات دیگر، گرچه امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در نهایت خفا و پنهانی زندگی می‌کند، ولی با بصیرت و بینایی کامل در حل و فصل امور ضروری مردم و دفاع از حوزه‌ی مقدسه اسلام کوشش و از مشکلات مسلمین گره‌گشایی می‌کند. از گرفتاران دادرسی می‌کند، تشکیلاتی را که زیان بخش تشخیص می‌دهد، بر هم می‌زند و مقدمات تأسیس اجتماع‌های ضروری و سودمند را فراهم می‌کند. از طرف دیگر دعای خیر او راه‌گشای بسیاری از پیروانش است. گاهی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دخالت مستقیم در بسیاری از امور مهم دارد و هر جا لازم باشد به یاری شیعیان خویش می‌شتابد. مثلاً در جریان انقلاب و دفاع مقدس، امداد و یاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسیار روشن است که

ص: 103

نمی شود آن را انکار کرد.

از دید بعضی ها نقش امام در جامعه حفظ و نگهداری شریعت اسلام و مواظبت کردن از احوال جامعه اسلامی است. اگر امام پنهان باشد، آن گونه که باید و شاید، اقامه ی حدود و اجرای احکام و جهاد با دشمنان که باید به وسیله ی او انجام شود، صورت نمی گیرد. اولاً چنین سخنی بی پایه و بیهوده است؛ چون دعوت به حق و تبلیغ اسلام منحصر به شخص امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست، بلکه این وظیفه ی همه ی مسلمانان و مؤمنان است. مگر نه این است که همواره این شیعیان هستند که تبلیغ و ترویج مذهب و شناساندن راه صحیح را به مردم به عهده گرفته اند و انجام می دهند و امام شخصا احتیاج به عهده گرفتن این کار را ندارد. همان گونه که ظهور و گسترش دعوت پیغمبران همواره به وسیله ی پیروان و مؤمنان به آنها بوده و به همین صورت نیز عذر و بهانه ی افراد برطرف شده، حجت بر آنها تمام می شود و آنها احتیاجی به تحمل سفر و از نزدیک به حضور امام رسیدن ندارند، پس از وفات آنها نیز تبلیغ و ترویج حق به همین شکل انجام می گیرد و اجرای حدود و احکام و جهاد با دشمنان نیز به عهده ی نمایندگان و فرماندهان پیغمبران بوده و هرگز منحصر به شخص آنها نیست. به همین جهت در زمان پیغمبران، نمایندگان و فرماندهان آنها این امور را بدون هیچ سستی و تأخیری انجام می دادند و هرگز نمی گفتند که پیغمبران باید خودشان شخصا به این کارها بپردازند.

از سخنان بالا این مطلب به وضوح روشن است که علت احتیاج به وجود امام این است که شریعت و قانون اسلام حفظ شده و به همان گونه که وظیفه ی آنها است، تبلیغ شود. اگر کسی یا کسانی

پیدا شوند که به این امور قیام کنند، در این صورت امام حق دارد، ساکت بماند و یا پنهان شود و هرگاه که همه ی امت بر ترک این عمل اتفاق کردند، کسی از آنان این کار را به عهده نگرفت و تمامشان از راه حق و قانون صحیح منحرف شدند، به ضرورت امام حق ندارد که در پنهان بماند، بلکه باید ظاهر شده و این کارها را شخص انجام دهد. همین مطلب فلسفه ی وجود امام را از نظر عقل تشکیل داده و وجوب نصب او را ثابت می کند.

ثانیا، آن چه که از دید عقل بر خداوند واجب است، این مطلب است که برای هدایت امت، حفظ قانون شریعت و تحصیل امنیت امامی را نصب کند. هنگامی که امت، راه ظلم و ستم را پیشه سازد و مانع انجام وظیفه ی امام شوند و قصد نابودی او کنند، در این جا این تنها امتد که مانع ادامهی انجام وظیفه ی او و موجب پنهان شدن او شده اند و هرگونه فسادى که از این امر تولید شود، خودشان مسئول آن خواهند بود. ولی اگر خداوند امام را بمیراند و یا او را نصب نکند و میراندن یا نصب نکردن امام، موجب فساد و هرج و مرج شود، در این صورت مقصر و عامل اصلی در ایجاد فساد و هرج و مرج، خداوند خواهد بود و بسیار واضح است که هرگز خداوند موجب فساد و هرج و مرج نمی شود. (1)

علامه حلی در بحث وجوب نصب امام می گوید: «وجود امام برای مردم لطف خداوند است و حکومت او بر جامعه لطف بهتری برای آنان است و اگر در این زمان، امام شخصاً ادارهی امور جامعه را به دست نمی گیرد، این ما هستیم که موجب آن شدیم» و می گوید: تحقیق در این باره این است که فایده و ثمرهی نیکوی امامت در

ص: 105



اجتماع بشری به چند چیز حاصل می شود. اول این که خداوند امام را به طور واضح نصب کند و امکان اداره ی صحیح امور مردم را به او بدهد که این کار را خداوند انجام داده است. دوم این که امام نیز حاضر به قبول منصب امام گردیده و آمادگی انجام وظیفه ی خود بشود. این کار را نیز امام به نوبه ی خود انجام داده است. سوم این که مردم نیز به وظیفه ی خود نسبت به وی عمل کنند؛ به این معنی که فرمان او را بپذیرند و در اداره ی امور او را یاری دهند. این همان چیزی است که مردم آن را انجام نداده اند. پس بنابراین تنها امت بوده اند که از شامل شدن لطف خداوند نسبت به خود جلوگیری به عمل آورده اند، نه خداوند و نه شخص امام». (1) پس با این مباحث علت پنهان بودن امام مشخص می شود علت خود مردم هستند که امام از نظرها پنهان است. از فواید دیگر غیبت این است که وقتی ظلم و ستم تمام دنیا را فرا بگیرد و مظلومان و مستضعفان پناهگاهی جز منجی واقعی نداشته باشند، اگر کسی قایل و معتقد به غیبت باشد و منتظر ظهور؛ همین انتظار، مایهی امیدواری و آرامش اوست و می توان گفت: در چنین دنیایی که سایه ی تاریک ناامیدی بر دلها خیمه زده است، تنها نوری که یأس را به امید تبدیل می کند، مفهوم انتظار است. ایمان به منجی غایب، مرهم زخمهای دل مظلومان است. استمداد از این مسأله، انسان را از سقوط در وادی هولناک ناامیدی نجات می دهد. چه ثمری بالاتر از این که مفهوم غیبت و انتظار، انسان را به فکر وامیدارد که چرا ما لیاقت ظهور امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نداریم و در نتیجه، این مسأله ما را به تفکر درباره ی اعمال و کردارمان سوق می دهد، به سوی مراتب

ص: 106

واقعی انسانیت، رهنمون می سازد. به همین دلیل است که در احادیث، انتظار فرج از بهترین عبادات شمرده شده است. (1)

### راز طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگاه ادیان

راز طول عمر از دیدگاه ادیان آسمانی دو استدلال دارد: 1. قدرت بی پایان خدا: همه ی خداپرستان برای خداوند متعال قدرت بی پایان قایل هستند و او را بر همه چیز توانا می دانند. خداوندی که این جهان را از کران تا کران با قدرت بی کرانش آفریده و بیش از 200 میلیارد کیهکشان را با دست توانایش از میلیون ها سال پیش نگه داشته است و هرگز از نگهداری آنها خسته نمی شود، حالا چگونه نمی تواند به ولی و حجت خود نیروی زیستن چند قرن را بدهد؟!

حتما می تواند؛ چرا که: خدایی کین جهان پاینده دارد تواند حجتی را زنده دارد

2. نمونه هایی از کسانی که عمر طولانی داشته اند: در کتب آسمانی و در بین خداپرستان و پیروان ادیان آسمانی اختلافی نیست در اینکه طول عمر امکان پذیر است و برای عمر هیچ موجود زنده ای محدودیت قطعی وجود ندارد. در تمام کتب مقدسه از طولانی بودن عمر بسیاری از انسانها سخن به میان آمده که به

بیان چند نمونه می پردازیم:

الف) طول عمر و تورات: تورات کتاب مقدس یهودیان است که از نظر مسیحیان نیز مورد اعتماد است و تمام محتویات آن مورد پذیرش یهود و نصاری است. در تورات شرح زندگی تعداد بیشماری از پیامبران و پیشینیان نقل شده است که همه ی آنها تقریباً از عمر

ص: 107

1- بحار الانوار ج 52: ص 122.

طولانی برخوردار بوده اند که از این قرارند:

1. حضرت آدم (علیه السلام) 930 سال عمر کرده؛ 2. شیث پسر آدم 912 سال؛ 3. انوش پسر شیث 905 سال؛ 4. قینان پسر انوش 910 سال؛ 5. مهلائیل پسر قینان 895 سال؛ 6. یارد پسر مهلائیل 962 سال؛ 7. اخنوخ یا همان ادریس پسر یارد 365 سال در میان مردم بوده، سپس به سوی آسمان برده شده است؛ 8. متوشالح پسر اخنوخ 969 سال؛ 9. لمک پسر متوشالح 777 سال؛ (1) 10. حضرت نوح (علیه السلام) پسر

المک تقریباً 950 سال عمر کرده است. (2)

(ب) قرآن و طول عمر: 1. در قرآن کریم آیاتی هست که از عمر طولانی در امت های پیشین خبر می دهد؛ مانند آیه ای که می فرماید: «ما آنها و پدرانشان را از متاع دنیوی برخوردار ساختیم تا از عمر طولانی بهره مند شدند» (انبیاء / 44؛ قصص / 45).

2. آیه ای در قرآن هست که نه تنها از عمر طولانی سخن می گوید بلکه از امکان عمر جاویدان خبر می دهد و آن آیه مربوط به حضرت یونس (علیه السلام) است که می فرماید: «اگر او «یونس» در شکم ماهی تسبیح نمی گفت، تا روز رستاخیز در شکم ماهی می ماند» (سوره صافات / 144). در این آیه روشن است که عمر بسیار طولانی از زمان حضرت یونس (علیه السلام) تا روز رستاخیز، یعنی عمر جاویدان است و برای انسان و ماهی از نظر قرآن کریم امکان پذیر است. مثلاً ماهی در سواحل ماداگاسکار کشف شد که 400 میلیون سال عمر کرده بود. جالب تر اینکه از نظر جنین شناسی ثابت شده است که اگر جنینی به بیرون رانده نشود، در شرایط مساعد رحم، هزاران سال

ص: 108

---

1- تورات، سفر پیدایش، باب پنجم بندهای مختلف.

2- سفر پیدایش، باب 9 بند 29

می تواند زنده بماند. با بیان این مسأله طولانی بودن عمر از نظر علمی نیز به اثبات رسیده است.

3. قرآن کریم در مورد حضرت نوح (علیه السلام) می فرماید: «به راستی ما نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس 950 سال در میان آنها درنگ کرد» (عنکبوت / 14). در این آیه مدت دعوت حضرت نوح (علیه السلام) پس از رسالت و پیش از توفان، 950 سال بیان شده است و اگر مدت زندگی آن حضرت را پیش از رسالت و بعد از توفان بر آن بیفزاییم قطعاً از مرز هزار سال خواهد گذشت. در برخی از احادیث، عمر نوح 2500 سال بیان شده است. [\(1\)](#)

4. قرآن در مورد حضرت عیسی (علیه السلام) می فرماید: «هرگز او را نکشتند و به دار نیاویختند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد. آنها که درباره ی او اختلاف کردند در شک و تردید هستند، به علم و یقین نرسیده اند و از ظن و گمان پیروی می کنند. به یقین او را نکشتند، بلکه خداوند او را به سوی خود بالا برد، که خداوند توانا و فرزانه است» (نساء / 157). همه ی امت اسلامی به تصریح این آیه و به استناد احادیث فراوان عقیده ی راسخ دارندبر اینکه حضرت عیسی (علیه السلام) زنده است و در آسمان هاست و به هنگام ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) او نیز ظاهر خواهد شد و از یاران حضرت ولی عصر خواهد بود.

راز طول عمر حضرت خضر (علیه السلام): اگر بخواهیم از احادیث شریفی رسول اکرم (صلی الله علیه واله) و پیشوایان معصوم (علیه السلام) نیز کمک بگیریم اطمینان پیدا می کنیم که حضرت خضر (علیه السلام) معاصر حضرت موسی (علیه السلام) بود و هنوز هم زنده است و تا ظهور حضرت مهدی (علیه السلام) زنده خواهد ماند و

ص: 109

هم اکنون عمر او بالغ بر 6000 سال است. (1) داستان حضرت خضر و موسی (علیه السلام) در قران چنین آمده است: حضرت موسی (علیه السلام) آگاه می شود که در زیر آسمان مرد دانشمندی هست که مقامش از او بالاتر است، حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند درخواست می کند جای حضرت خضر (علیه السلام) را به او نشان دهد تا بتواند از محضرش استفاده کند. خداوند جای او را به موسی (علیه السلام) نشان میدهد. حضرت موسی (علیه السلام) رخت سفر برمی بندد و به سوی آن معلم بزرگ راه می افتد و سرانجام به مقصود خود نایل می شود. پس از دیدار با حضرت خضر (علیه السلام) ایشان به موسی (علیه السلام) می گوید که تو نمی توانی با من شرط مصاحبت را به جای آوری، حضرت موسی (علیه السلام) با او پیمان می بندد که در کارهای او مداخله نکند و بر او خرده نگیرد. ولی هنگامی که در حضور او راهی سفر میشوند سه کار غیر موجه از حضرت خضر (علیه السلام) سر می زند:

1. سوراخ کردن کشتی؛ 2. به قتل رساندن یک جوان؛ 3. دیوار مخروبه ای را بدون اجرت بنا کردن. در هر سه مورد حضرت موسی (علیه السلام) زبان به اعتراض می گشاید و در نتیجه، از مصاحبت حضرت خضر (علیه السلام) محروم می شود. (کهف / 60 تا 82) و ادامه جریان.

از این رو حضرت خضر (علیه السلام) در زمان حضرت موسی (علیه السلام)، که پیامبری بزرگوار و از پیامبران اولوالعزم است، می زیست و مقام علمی اش نیز از او بالاتر بود. در روایات اسلامی صریح بیان شده که حضرت خضر (علیه السلام) اولوالعزم نبود؛ ولی در مورد این که او برای کدام قوم مبعوث شده و در زمان حضرت موسی (علیه السلام) چند سال داشته، اختلاف فراوان هست.

ص: 110

1- یوم الخلاص: ص 157.

برخی گفته اند: 1. او فرزند آدم (علیه السلام) بود؛ (1) 2. برخی گفته اند: او نواده ی آدم (علیه السلام) بود. 3. بعضی گفته اند: او معاصر حضرت ابراهیم (علیه السلام) بود. 4. بعضی گفته اند که از پیامبران بنی اسرائیل بود. 5. اما بعضی گفته اند: حضرت خضر (علیه السلام) معاصر ذوالقرنین و در سپاه او بود. طبرسی می گوید: قول نزدیک به حق این است که او پیش از موسی (علیه السلام) و معاصر فریدون و ذوالقرنین بود. (2) در مورد اسم او مشهور این است که اسمش (ایلیا است و آنچه مسلم است (خضر) لقب او است؛ اما در فلسفه ی طول عمر حضرت خضر (علیه السلام) و این که چرا او زنده ی جاوید است و عمر بسیار طولانی کرده، اختلاف نظرهایی وجود دارد. بعضی گفته اند: 1- خداوند به او این عمر طولانی را داده تا دجال را تکذیب کند. (3) 2. حضرت آدم (علیه السلام) در حق او دعا کرد که تا روز قیامت زنده بماند. 3. نیز گفته شده که او در پیشاپیش سپاه ذوالقرنین بود و هنگامی که به ظلمات رسید از آب حیات خورد (4) و نظر دیگر اینکه 4. حضرت خضر (علیه السلام) زنده است تا گواه عمر طولانی حضرت ولی عصر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشد که در این مورد امام صادق (علیه السلام) در حدیث مفصلی که از عمر طولانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بحث می کند، می فرماید: «در علم خدا مقدر بود که قائم آل محمد عمر بسیار طولانی داشته باشد. چون خدا می دانست که بسیاری از مردم در زمان غیبت از عمر طولانی آن حضرت به تردید خواهند افتاد، به بنده ی صالح خود خضر (علیه السلام) نیز عمر طولانی عطا فرمود و این عمر طولانی صرفاً برای آن است که مؤمنان بتوانند به استناد عمر

ص: 111

1- المیزان، ج 13: ص 353.

2- تاریخ طبری، ج 1، ص 416.

3- المیزان، ج 13: ص 353.

4- تفسیر عیاشی، ج 2، ص 341؛ تاریخ طبری، ج 1، ص 414

طولانی او به عمر طولانی قائم ما استدلال کنند تا حجت بر دشمنان تمام شود و کسی را بر خدا عذری نباشد» (1) و از این حدیث استفاده می شود که عمر طولانی حضرت خضر (علیه السلام) فلسفه اش صرفاً برای اثبات عمر طولانی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

حضرت الیاس (علیه السلام) طبق نظر اهل سنت حضرت الیاس (علیه السلام) نیز هنوز زنده است. (2)

در قرآن کریم در دو سوره اسم «الیاس» آمده است. (انعام / 85؛ صافات / 123 و 130)؛ ولی از زنده بودن او بحث نشده است. اما مطابق روایات فراوانی که اهل سنت نقل کرده اند، او زنده است و همه ساله در مراسم حج شرکت می کند و آنجا با حضرت خضر (علیه السلام) دیدار می کند. (تاریخ طبری و فتوحات ابن عربی). در روایات شیعه نیز از زنده بودن الیاس بحث شده است و در برخی از آنها آمده که الیاس، موکل خشکیها و خضر، موکل دریاهاست (3) ولی علامه ی طباطبایی آنها را ضعیف شمرده است (4) و بعضی معتقدند که الیاس همان خضر است که الیاس نام او و خضر لقبش است و می گویند این عقیده شیعه است (5) و ابن عباس همین مطلب را که خضر همان الیاس است به پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) نسبت داده و گفته که حضرت رسول اکرم چنین گفته است. (6) حضرت ادریس (علیه السلام) طبق عقیده اهل سنت حضرت ادریس نیز زنده است و در آسمان هاست. آنها علاوه بر

ص: 112

- 
- 1- بحار الانوار، ج 51: ص 222؛ غیبت شیخ طوسی: ص 108؛ کمال الدین: ص 357 و منتخب الأثر: ص 259.
  - 2- البیان فی أخبار صاحب الزمان: ص 149.
  - 3- البرهان علی وجود صاحب الزمان: ص 14
  - 4- المیزان، ج 17: ص 160.
  - 5- المهدی الموعود المنتظر، ج 2، ص 350.
  - 6- المیزان، ج 17: ص 159.

احادیث فراوانی که نقل کرده اند، به آیه ی شریفه «ما او را به جایگاهی بس بلند بالا بردیم» (مریم / 56) استناد می کنند.

البته می توان منشأ بعضی از اقوال اهل سنت را در تورات پیدا کرد؛ اینکه آنها می گویند ادریس و الیاس یکی است و اینکه در تورات آمده است که (ایلیا) به آسمان ها صعود کرد (1) و در جای دیگر در تورات گفته شده: «نزول وی پیش از قیامت به زمین است». (2) زنده بودن حضرت ادریس (علیه السلام) از نظر شیعه مسلم نیست و مرحوم علامه طباطبایی پس از نقل چند روایت در مورد صعود حضرت ادریس به آسمانها، آنها را جزو اسرائیلیات دانسته است. (3)

از مطالب بیان شده نتیجه می گیریم که از نظر شیعه دو نفر از پیامبران به طور مسلم به تصریح قرآن زنده هستند: حضرت عیسی (علیه السلام) و حضرت خضر (علیه السلام) که از نظر روایات قطعی است. ولی از نظر اهل سنت چهار نفر از پیامبران زنده هستند: 1- حضرت عیسی (علیه السلام)؛ 2- حضرت خضر (علیه السلام)؛ 3- حضرت الیاس (علیه السلام) و 4 حضرت ادریس (علیه السلام)؛ اگر چه زنده بودن الیاس و ادریس از نظر شیعه مسلم نیست، از آن جایی از نظر سنی ها قطعی و تردیدناپذیر است، برای ما نیز محل استشهاد است؛ چون اعتراض کنندگان به طول عمر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منحصر از طرف اهل سنت است و هرگز احدی از شیعیان در این مسأله، یعنی طول عمر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تردید نکرده است. در پاسخ به اهل سنت می توان گفت که از نظر شما چهار نفر از پیامبران هنوز زنده هستند و کوچک ترین آنها حضرت عیسی (علیه السلام) است که در

ص: 113

---

1- عهد عتیق، کتاب دوم پادشاهان: باب 2، بندهای 1 و 11.

2- عهد عتیق ملاکی نبی باب 4، بند 5.

3- المیزان، ج 14: ص 71.



آستانه‌ی دو هزار سالگی است و بزرگ‌ترین آنها حضرت خضر (علیه السلام) است که از مرز شش هزار سالگی گذشته است و شما هرگز در مورد آنها تردیدی به خود راه نمی‌دهید؛ اما چگونه است که در مورد حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دچار تردید می‌شوید و چگونه است که علاوه بر این چهار پیامبر، اهل سنت بر زنده بودن دجال و شیطان نیز اذعان دارند؛ در حالی که همه‌ی آنها بیش از حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عمر کرده‌اند، که کوچکترین آنها حضرت عیسی (علیه السلام) دو برابر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عمر کرده و حضرت خضر (علیه السلام)، که همه‌ی مسلمانان، چه شیعه و چه سنی، زنده بودنش را قبول دارند حداقل 5 برابر حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عمر کرده است و احدی از مسلمانان در مورد آنها دچار تردید نشده است. پس چگونه می‌توان در مورد حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شک و تردید کرد؟! در صورتی که هم اکنون 318 حدیث در دست است که در آنها نوید عمر بسیار طولانی برای آن مصلح غیبی داده شده است (1) و در برخی از آنها تصریح شده بر اینکه عمر آن حضرت به قدری طولانی خواهد شد که جز شیعیان راستین کسی در اعتقاد خود استوار نخواهد ماند. (2) پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و پیشوایان معصوم (علیه السلام) سال‌ها پیش از ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خبر داده‌اند که او از عمر بسیار طولانی برخوردار خواهد بود. به امید روزی که آن یکتا بازمانده‌ی الهی از پشت پرده‌ی غیبت ظهور کند، حکومت واحد جهانی را بر اساس عدالت و آزادی واقعی استوار سازد، به جنایات و خیانت‌های انسان‌ها خاتمه دهد و عدالت و آزادی را به معنای حقیقی عینیت بخشد. ان شاء الله

ص: 114

---

1- منتخب الاثر: ص 274 - 283.

2- کمال الدین: ص 324 و 354.

**شبهات های میان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و ائمه اطهار (علیه السلام) : شبهات های حضرت مهدی (علیه السلام) و پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) :**

حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه واله) فرمود: «مهدی از فرزندان من است. اسم او اسم من، کنیه اش کنیه ی من، و از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به من است»؛ نیز آن حضرت فرمود: «مهدی، از خانواده ام و از فرزندان فاطمه است. او بر اساس سنت من جنگد؛ همچنان که من بر اساس وحی خداوند جنگیدم». (1) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در رسالت اسلام را به کمال می رساند و آن حضرت مردمان را به سیرت و سنت رسول خدا (صلی الله علیه واله) هدایت می کند و آنچه را خواست پیامبر خاتم (صلی الله علیه واله) بوده است، محقق می سازد. حضرت رسول (صلی الله علیه واله) می فرماید: «سیره و سنت او (مهدی) سیره و سنت من است. مردم را بر دین و آیین من هدایت می کند و آنان را به کتاب پروردگارم دعوت می کند». سیرت آن حضرت چون سیرت رسول خدا (صلی الله علیه واله) است. جاهلیت را ریشه کن می کند و اسلام را از نو، انسان که بنیانگذار اسلام آورده بود، برپا می سازد. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «او همانگونه که رسول خدا (صلی الله علیه واله) عمل کرد، عمل می کند، آنچه را پیش از او بوده نابود می سازد؛ همانگونه که رسول خدا (صلی الله علیه واله) جاهلیت را نابود کرد و اسلام را از نو می آورد. همچنین از آن حضرت نقل کرده اند که فرمود: «چون قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، امری جدید می آورد؛ چنان که رسول خدا (صلی الله علیه واله) در آغاز اسلام به امری جدید دعوت کرد». اینکه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سیرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) عمل می کند، به این معنا است که جاهلیت را، که مجددا برپا شده است، از بین می برد و مانند پیامبر (صلی الله علیه واله) عدالتی راستین برپا می دارد. از حضرت امام باقر (علیه السلام)

ص: 115

درباره‌ی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرسیدند: چگونه قیام می‌کند و به کدام سیرت در میان مردم عمل می‌کند؟ حضرت فرمود: «به سیرتی عمل می‌کند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) عمل کرد تا اسلام را آشکار و حاکم ساخت». گفتند: «سیرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) چه بود؟» فرمود: «آنچه را در جاهلیت بود، از بین برد و با مردم به عدالت رفتار کرد و همین گونه است قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که چون قیام کند آنچه را از روابط ناعادلانه در میان مردم است از بین ببرد و با ایشان به عدالت رفتار کند». البته سیرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) برای رسیدن به اهداف اصلاح طلبانه بر رحمت و گذشت استوار بود تا مردمان آرام به حق گرایش یابند و اصلاحات اجتماعی تحقق یابد؛ اما تا زمان ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه‌ی حجت‌ها تمام می‌شود و آن حضرت برای تحقق اهداف اصلاح طلبانه‌ی خود دیگر بر اساس رحمت و گذشت رفتار نمی‌کند و از هیچ کس عذر و بهانه‌ای پذیرفته نمی‌شود. زراره می‌گوید با امام باقر (علیه السلام) گفتیم: نام صالحی از صالحان را برایم بیان کن، منظورم حضرت قائم (علیه السلام) بود. حضرت فرمود: نام او نام من است. گفتیم آیا به سیرت پیامبر (صلی الله علیه و آله) رفتار می‌کند؟ فرمود: به سیرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) رفتار می‌کند مگر در یک مورد. گفتیم فدایت شوم برای چه؟ فرمود: همانا پیامبر میان امت خود با ملایمت رفتار و تألیف قلوب می‌کرد اما قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باشمشیر قیام می‌کند. چون در زمان ظهور حجت بر همه مردم تمام شده است - وای به حال کسی که با مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بستیزد. پس سیرت انقلابی و اصلاحی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر کشتن تباهاگران و ستمگران استوار است و دیگر از کسی توبه‌ای پذیرفته نمی‌شود که پیش از آن همه‌ی حجت‌ها تمام شده است. (1)

ص: 116

---

1- دولت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سیرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): ص 15.

برخی می گویند چگونه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با شمشیر قیام خواهد کرد؟ مانند رسول اکرم (صلی الله علیه واله) چرا از سایر شیوه ها استفاده نمی کند؛ به علاوه با توجه به پیشرفت های خارق العاده بشر در زمینه ی صنایع نظامی مگر شمشیر می تواند در مقابل این سلاح های پیچیده کارایی داشته باشد؟ از دقت در مجموعه ی روایات مربوط به معرفی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وضوح معلوم می شود که قیام آن حضرت یک قیام مسلحانه خواهد بود و به این حقیقت با تعبیر مختلف اشاره شده است. حضرت زینالعابدین (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید: در قائم ما چند سنت از سنن پیامبران وجود دارد؛ اما سنتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) دارند این است که همانند آن حضرت با شمشیر قیام خواهد کرد و در نوشته ای به خط امام حسن عسکری (علیه السلام) آمده است: «حجت خدا بر مردم با شمشیر برهنه ظهور خواهد کرد تا حق را غلبه بخشد».<sup>(1)</sup>

عدم توجه به سایر قسمت های بعضی از روایات باعث شده است که دوستان ناآگاه تصویری مخدوش و نامناسب از مسأله ی ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ذهن داشته باشند و این امر خود سبب شده بستر و زمینه ای را فراهم سازد تا دشمنان ایجاد تحریف در متن و موضوع روایات داشته باشند و حقیقت مهدویت را برخلاف آنچه که هست نشان دهند و حتی امروزه شاهد هستیم که به کمک ابزارهای تبلیغاتی مدرن، مسئله مهدویت را به عنوان اندیشه ی خطرناکی، که فرهنگ و تمدن بشری را تهدید می کند، معرفی می کنند و در این زمینه فیلم های متعددی ساخته اند و عوامل استکبار جهانی و صهیونیست بین الملل تلاش می کنند که حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را ضد صلح و ضد امنیت و جنگ طلب معرفی کنند و از این طریق به

ص: 117

تخطئه‌ی تفکر مهدویت می‌پردازند. در حالی که اگر کسی در اهداف کلی همهی آیین‌های الهی، از جمله مکتب اسلام اندکی تأمل کند، به خوبی متوجه می‌شود که هدف اصلی تک‌تک احکام و قوانین و مقررات الهی حاکمیت بخشیدن به ارزش‌هایی است که کمترین نتیجه‌ی آنها ایجاد صلح و آرامش و امنیت در جوامع است، تا در سایه‌ی آن همه افراد به کمال انسانی خویش دست یابند. اگر در برخی از موارد سخن از شمشیر و مبارزه و جهاد به میان آمده است این به شرایط و موقعیت‌های ویژه‌ای اختصاص دارد که شیوه‌های دیگر مؤثر و نتیجه‌بخش نیستند. بر این اساس امام‌زمان (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف) نیز همانند پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) نخست مخالفان را از طریق منطقی و موعظه به پذیرش حقیقت دعوت می‌کنند و بر شبهات و سؤالات و دغدغه‌های فکری و اعتقادی آنها مناسب‌ترین پاسخ را ارائه می‌دهند و حجت را برای همگان تمام می‌کنند؛ در نتیجه اغلب افراد حقیقت‌خواه و غیر مغرض نیز به راه راست هدایت می‌شوند و مسیر سعادت را در پیش می‌گیرند. با این همه، تعدادی هم به خاطر پیروی از هواهای نفسانی، این دعوت را متعارض با منافع غیر مشروع خود می‌بینند، با آن به مخالفت برمی‌خیزند و از هیچ‌گونه ظلم و ستم و طغیان و سرکشی خودداری نمی‌کنند.

در چنین شرایطی که منطقی و استدلال و ارشاد و موعظه نتیجه‌ای در پی ندارد و در عین حال حجت بر همه‌ی افراد تمام شده است و جای هیچ‌گونه عذر و بهانه‌ای برای سرپیچی از حقیقت برای کسی باقی نمانده و در مستکبران و ستم‌پیشه‌گان و زورمندان خونخوار جز زبان زور چیز دیگر مؤثر واقع نمی‌شود، حضرت بالاجبار دست به شمشیر می‌برند و از آن طریق جلوی تعدی و زور و

سرکشی و ظلم را می گیرند و محرومان را به حقشان می رسانند؛ به عبارت دیگر روزگار مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روزگار خوار شدن زورداران و فساد کنندگان است. اگر در زمان های گذشته علی رغم تلاش اولیای الهی، جباران و ستمگران به سرکشی و تعدی ادامه می دادند و حتی انبیا و اولیا را به قتل می رساندند، در روزگار امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرصت آن را پیدا نمی کنند که به جنایات خود استمرار ببخشند و مصلحان و پاکان را شهید سازند و صحنه هایی همانند عاشورا را پدید آورند. آری مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دست انتقام خداست که انتقام مظلومان و محرومان را از ستمگران و مستکبران خواهد گرفت و خوبی ها را در سراسر جهان حاکم خواهد ساخت و صالحان و مستضعفان را، که وارثان زمین اند، به عزت خواهد رساند و دشمنان حقیقت و طغیان گران را به خاک مذلت خواهد نشاند.

در پاسخ به این سوال که شمشیر چگونه در مقابل ابزارهای پیشرفته ی نظامی مدرن می تواند کارایی داشته باشد، احتمالاتی مطرح شده است: الف) شاید خروج با شمشیر کنایه از جنگ و مأموریت الهی برای جهاد باشد؛ یعنی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای رسیدن به اهداف خود از قدرت و نیروی نظامی استفاده خواهند کرد که مردم گمان نکنند آن حضرت فقط به موعظه و پند و اندرز اکتفا می کنند. بنابراین مقصود از قیام با شمشیر این نیست که سلاح جنگی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فقط منحصر به شمشیر خواهد بود و از به کارگیری ادوات جنگی رایج خودداری خواهند کرد؛ چه بسا آن حضرت از بهترین شیوه های جنگی و از مدرن ترین آلات و ابزارهای نظامی موجود به منظور پیشبرد نهضت خود استفاده کنند و یا حتی به واسطه ی توان

علمی فوق العاده ای که دارند خودشان سلاح های پیشرفته تری را اختراع کنند و به وسیله ی آنها به تمام ابزارهای جنگی موجود در آن عصر غلبه کنند.

ب) احتمال دیگر این است که به دلیل رشد فکری بشر و ارتقای سطح فرهنگ و اندیشه ی انسان ها و برطرف شدن عناد و جهالت، در آن زمان انسان از تولید سلاح های خطرناک کشتار جمعی دست برداشته، تمام سلاحهای موجود اتمی و هسته ای را نابود خواهد ساخت؛ در نتیجه برای از بین بردن نارسایی های موجود، نیازی به استفاده از سلاح های پیچیده نخواهد بود. لذا برای استقرار عدالت و صلح و امنیت، شمشیر معمولی نیز کفایت خواهد کرد؛ در نتیجه حضرت به کمک شمشیر نظام واحد عادلانه جهانی را در سراسر عالم ایجاد خواهد کرد؛ یا اینکه قبل از ظهور آن حضرت و در نتیجهی وقوع جنگ های بزرگ، تمام دستاوردهای علمی و صنعتی جهان نابود خواهد شد و بشر به واسطه ی از دست دادن تمام امکانات پیشرفته که حاصل هزاران سال تلاش و تجربه فکری و علمی انسان بوده است، از یک زندگی ابتدایی و بسیار ساده برخوردار خواهد بود که شمشیر یک سلاح پیشرفته محسوب خواهد شد و برای ایجاد یک جامعه واحد جهانی کفایت خواهد کرد؛ یا به خاطر یک سلسله علل معنویو مادی دیگر که برای ما معلوم نیست، وسایل جنگی پیشرفته در زمان ظهور بدون استفاده خواهد ماند؛ اما شمشیر در چنین شرایطی از چنان کارایی بالایی برخوردار می شود که در سرتاسر عالم صلح و امنیت به کمک آن قابل تحقق میشود و در نتیجه آن حضرت به کمک این ابزار ساده ی جنگی، تمام حکومت های استکباری را نابود می سازد و نظام عدل

-

اسلامی را در تمام جهان حاکمیت می بخشد. (1) امام باقر (علیه السلام) می فرماید: قائم ما به وسیله ی ترس افکندن «در دل دشمنان» به یاری خداوند پیروز می شود.

### **شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سایر انبیا (علیه السلام) :**

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «صاحب زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مواردی به یوسف (علیه السلام) شباهت دارد؛ پس چرا این امت، این موضوع را که خداوند، عزوجل، برای مدتی حجتش را در غیبت نگاه می دارد انکار می کنند؟ یوسف علیه پادشاه مصر بود و فاصله ی او تا پدرش هجده روز بود. پس اگر خداوند خواست محل اقامتش را به پدرش نشان دهد، می توانست چنین کند... یوسف (علیه السلام) در بازارهایشان رفت و آمد می کرد و بر سفره هایشان غذا می خورد؛ ولی آنها او را نمی شناختند، تا زمانی که خداوند به او اجازه داد که خود را بشناساند».

امام حسن عسکری (علیه السلام) می فرماید: مثل او «قائم (علیه السلام)» در میان این امت، همچون مثل خضر (علیه السلام) و مثل ذوالقرنین است. به خدا سوگند، که زمانی را در غیبت به سر خواهد برد و کسی از این مهلکه نجات پیدا نخواهد کرد، مگر کسی که خداوند او را بر اعتقاد به امامت، ثابت قدم بدارد و به او توفیق دعا برای تعجیل فرج دهد. (2) به طور کلی در روایات شباهت هایی میان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و انبیا (علیه السلام) هست که به طور خلاصه آنها را بیان میکنیم

شباهت به آدم (علیه السلام) شد: خداوند آن حضرت را خلیفه خود در زمین قرار داد و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز خلیفه در زمین قرار داد.

ص: 121

---

1- موعودنامه: ص 572؛ به نقل از نشریه موعود شماره 19 ص 83

2- روزهایی: ص 141 و 259



شبهات به شیث (علیه السلام): حضرت شیث اجازه نیافت که علم خودش را آشکار کند، حضرت نیز اجازه نیافته تا روز معین.

شبهات به نوح (علیه السلام): عمر طولانی.

شبهات به ادريس (علیه السلام): ادريس به آسمان بالا برده شد؛ روح القدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را هنگام ولادت، بر یال خود گرفت و به آسمانها برد.

شبهات به هود (علیه السلام): حضرت نوح (علیه السلام) ظهور هود را بشارت داده بود و خداوند، کافران را به وسیله ی او هلاک کرد.

شبهات به صالح (علیه السلام): حضرت صالح مدتی از قومش غایب شد و وقتی بازگشت، عدهای او را انکار کردند.

شبهات به حضرت ابراهیم (علیه السلام): دوران حمل و ولادتش مخفیانه بود و رشد او در یک هفته، به اندازه ی یک ماه بود و در یک ماه به اندازه ی یک سال؛ همچنین حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز دو غیبت داشت.

شبهات به اسماعیل (علیه السلام): خداوند به ولادت اسماعیل (علیه السلام) بشارت داد و چشمه ی زمزم برای حضرت اسماعیل (علیه السلام) از زمین جوشید.

شبهات به اسحاق (علیه السلام): پس از آن که ساره از بچه دار شدن مأیوس شده بود، خداوند ولادت اسحاق را بشارت داد.

شبهات به لوط (علیه السلام): فرشتگان برای یاری اش نازل شدند و برای یاری امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز فرشتگان نازل میشوند.

شبهات به یعقوب (علیه السلام): منتظر فرج بود تا این که خداوند پس از مدتی طولانی پریشانی اش را برطرف ساخت.

شبهات به یوسف (علیه السلام): زیباترین اهل زمان خود بود و مدتی غایب و مدتی نیز دچار زندان شد.

شبهات به خضر (علیه السلام): عمر طولانی و حضور هر سال در مناسک

شباهت به الیاس (علیه السلام): عمر طولانی و حضور هر ساله در حج و غایب شدن از قومش.

شباهت به شعیب (علیه السلام): عمرش طولانی و استخوان هایش کوفته شد، از نظر قومش غائب شد و دوباره به صورت یک جوان به آنها بازگشت.

شباهت به موسی (علیه السلام): دوران حمل و ولادتش مخفی بود و دو غیبت داشت، از ترس دشمنان غایب شد و بنی اسرائیل منتظر قیامش بودند، عصایی داشت که معجزه اش بود.

شباهت به هارون (علیه السلام): خداوند هارون را به آسمان بالا برد. هارون سخن موسی (علیه السلام) را از راه دور میشنید.

شباهت به یوشع (علیه السلام): منافقان با او جنگ کردند. خورشید برای یوشع بازگشت.

شباهت به حزقیل (علیه السلام): خداوند برایش مردگانی را زنده کرد.

شباهت به داود (علیه السلام): خداوند او را خلیفه در زمین قرار داد و آهن را برایش نرم کرد.

شباهت به سلیمان (علیه السلام): داود (علیه السلام) او را جانشین خود قرار داد؛ در حالی که به سن بلوغ نرسیده بود. حکومت سلیمان بر جن و انس و پرندگان بود و مدتی از قومش غایب شد، خورشید برایش بازگشت.

شباهت به دانیال علیه: مدتی غایب شد.

شباهت به عزیر (علیه السلام): وقتی به میان قومش بازگشت، تورات را آن طور که بر موسی (علیه السلام) نازل شده بود خواند.

شباهت به جرجیس (علیه السلام): خداوند مردگانی را برایش زنده کرد.

شباهت به ایوب (علیه السلام): بر بلا صبر کرد، چشمه برایش جوشید، خداوند مردگانی را برایش زنده کرد.

شباهت به یونس (علیه السلام): پس از غیبت به قیافه ی یک جوان به سوی

شبهات به زکریا (علیه السلام): فرشتگان او را ندا می کردند و در مصیبت اباعبدالله الحسین علیه سه روز گریه کرد.

شبهات به یحیی (علیه السلام): به ولادتش بشارت داده شده بود و در شکم مادر سخن می گفت.

شبهات به عیسی (علیه السلام): فرزند بهترین زنان زمانش بود، در شکم مادر تکلم می کرد و در گهواره سخن می گفت؛ خداوند او را به آسمان برد و مردم درباره اش اختلاف پیدا کردند. او به اذن خداوند مرده را زنده می کرد.

شبهات به حضرت محمد (صلی الله علیه واله): هم اسم حضرت محمد (صلی الله علیه واله) و از نظر خلق و خلق شبیه ترین مردم به حضرت محمد (صلی الله علیه واله) است، هر دو ابوالقاسم و خاتم هستند؛ حضرت محمد (صلی الله علیه واله) خاتم انبیا و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خاتم الائمه. هر دو با جاهلیت مبارزه می کنند، حضرت محمد (صلی الله علیه واله) در عصر جاهلیت مبعوث شدند و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در عصر جاهلیت آخرالزمان ظهور می فرمایند. هر دو با تحقق بخشیدن به دین خدا براساس توحید و عدالت جاهلیت را از میان برداشته؛ فرهنگ ایمان، معنویت، حق، عدالت و امنیت را مستقر می کنند و همچنان که پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) در عصر بعثت با دینی جدید به هدایت بشریت پرداخت؛ حضرت مهدی (علیه السلام) نیز در زمانی ظهور می کند که پیرایه ها، تحریفها و بدعتها آنچنان اسلام عزیز را فرا گرفته که گویا آن حضرت دین جدیدی به بشریت هدیه می کند و آنان را براساس امر جدیدی هدایت می فرماید. اما باید دانست که مقصود از دین جدید و امر جدید همان اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه واله) و مکتب اهل بیت الله است که از هر گونه پیرایه، بدعت و تحریفی پاک و منزّه است.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آخرین امام و واپسین معصوم، از سلاله ی پاک پیامبر (صلی الله علیه واله) و تحقق بخش ایده آل همه ی پیامبران، امامان (علیه السلام) و تشکیل دهنده ی حکومت عدل اسلامی و اجرا کننده ی نقشه های پیامبر (صلی الله علیه واله) در صحنه گیتی است؛ سیره ی او همانند سیره ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) است و برنامه ی دولتش تجدید عظمت قرآن و احیای تعالیم عالی اسلام است. او مانند جدش حضرت محمد (صلی الله علیه واله) رحمه للعالمین است و هنگام ظهور، پرچم و نشانه های پیامبر با اوست. پیراهن آن حضرت را بر تن و شمشیر وی را در دست دارد و نشانه های ظاهری و باطنی پیامبر (صلی الله علیه واله) در او نمایان است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) درباره ی سیرت و روش کلی او فرمود: مردی از اهل بیت من قیام میکند؛ به سنت و روش من عمل می کند و خداوند برای وی روزی می فرستد و زمین آنچه دارد بیرون می ریزد و او زمین را پر از عدل می کند؛ چنان که پر از ظلم و ستم شده است. حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به روش پیامبر (صلی الله علیه واله) عمل می کند تا آن که اسلام را آشکار می سازد. به روش پیامبر (صلی الله علیه واله) آثار کفر جاهلیت را از میان برد و با مردم به عدالت رفتار کند، قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موقعی که قیام می کند، اعمال نامشروع و بدعتی را که هنگام صلح و سازش با بیگانگان اسلام، در میان مسلمانان مرسوم گشته از میان می برد و مردم را به عدالت گستری رهبری می کند. (1)

### **شبهات های حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با امام حسین (علیه السلام)**

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ذریه ی امام حسین (علیه السلام) محسوب می شود، به بیان دیگر آن حضرت نهمین فرزند حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) است. لذا حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از طرف پدر، حسینی است، هر چند از

ص: 125

امام باقر (علیه السلام) در حدیثی در پاسخ سؤال ابو حمزه از علت نامیدن امام منتظر (علیه السلام) به «قائم» فرمود: چون جدم امام حسین (علیه السلام) در روز عاشورا شهید شدند ملائکه به درگاه الهی نالیدند و گفتند: پروردگارا! آیا قاتلین بهترین بندگان و زاده ی اشرف برگزیدگان را به حال خود را میگذاری؟ خداوند به آنها وحی کرد که ای فرشتگان من! آرام گیرید، به عزت و جلالم سوگند، از آنها انتقام خواهم گرفت؛ هر چند بعد از گذشت زمان ها باشد. آن گاه پروردگار عالم، امامی از اولاد حسین (علیه السلام) را به آنها نشان داد و فرشتگان مسرور شدند. آنها دیدند یکی از امامان ایستاده و نماز می خواند. خداوند فرمود: «بذلک القائم انتقم منهم» یعنی به وسیله ی این قائم از آنها انتقام می گیرم. (1)

و در جای دیگر امام صادق (علیه السلام) می فرماید: در کربلا فرشتگان نالیدند که حسین فرزند صافی تو را چه کردند؟ ناگهان سایهی مهدی برایشان مکشوف شد و خدا فرمود، به وسیله ی این قائم انتقام خواهم گرفت؛ اوست: (امام منصور من آل محمد). در شب ولادت امام حسین (علیه السلام) زیارت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارد شده است.

نام بلند آوازه ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر پرچم عدالت ها، آزادگیها و آزادمردیها به اهتزاز در آمده است که هرگز بر زمین نخواهد افتاد و دریای متلاطم خون او و یاران قهرمانش تا ظهور یار و برپایی عدالت جهانی به دست توانای او از جوشش آرام نخواهد گرفت. خود حسین (علیه السلام) در نوید از او فرمود: در نهمین فرزندم (مهدی) سنت و نشانی از یوسف و شیوه ای از موسی است. او قائم خاندان پیامبر (صلی الله علیه واله)

است و خداوند به اراده ی خویش کار بزرگ ظهور و قیام جهانی او را در یک شب، سامان می دهد. او جهان را همان گونه که به هنگام ظهورش لبریز از ناامنی و بیداد است، سرشار از عدل و داد و امن و امان خواهد ساخت. (1)

حضرت مهدی (علیه السلام) به در روز عاشورا ظهور میکند؛ یعنی ظهور او عاشورایی است. به عبارت دیگر ظهور حضرت حجت از نظر زمانی یادآور و احیاگر قیام سیدالشهدا (علیه السلام) در روز عاشورا است. در این مورد از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود: «قائم، روز شنبه که روز عاشورا است، روزی که امام حسین (علیه السلام) در آن روز به شهادت رسید ظهور می کند». (2)

امام حسین (علیه السلام) و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ارتباط نزدیکی با هم دارند؛ از جمله: مهدی (علیه السلام) فرزند امام حسین (علیه السلام) و خونخواه او است. این دو امام بزرگوار در القابی مانند: «ثارالله، وترالموتور و طرید الشرید» با هم شریک هستند.

بافضیلت ترین اعمال شب ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زیارت امام حسین (علیه السلام) است. حضرت مهدی (علیه السلام) همانند امام حسین (علیه السلام) از مکه به کوفه می رود و مقر حکومت خود را کوفه قرار میدهد. هر دو امام توسط گروهی معین از فرشتگان یاری می شوند و امام حسین (علیه السلام) در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نخستین کسی است که رجعت میکند. هدف هر دو امام بزرگوار مشترک است و آن از میان برداشتن باطل و نجات انسان ها از نادانی و گمراهی است. این دو امام با هیچ طاغوتی سازش و بیعت نکرده اند. در این زمینه امام

ص: 127

---

1- ترجمه الخصائص الحسينیه: ص 31.

2- عصر ظهور: ص 321.

باقر (علیه السلام) می فرماید: «او فقط شمشیر را می شناسد و دشمنان خدا را می کشد تا خدا راضی شود». (1)

خداوند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را که فرزند و وارث خون امام حسین (علیه السلام) است به قدرت سلطنت عطا فرمود و او را منصور نام نهاد؛ همچنان که در آیه 33 اسرا می فرماید: «و آن کسی که مظلوم کشته شده، ما به ولی او حکومت داده ایم که در کشتن اسراف و زیاده روی نکند که او از جانب ما منصور و مورد حمایت است». در تفسیر این آیه ی مبارکه از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است که فرمود منظور از - و من قُتِلَ مَظْلُوماً - حسین بن علی (علیه السلام) است که مظلومانه کشته شد. و آن کس که واقعا مظلوم کشته شده، حسین (علیه السلام) و ولی او حضرت قائم (علیه السلام) است.

اما منظور از اسراف در کشتار، این است که اشخاص دیگری غیر از قاتل اصلی او کشته شوند و اما مقصود از «انه کان منصور» این است که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، که ولی حقیقی حسین (علیه السلام) است از دنیا نمی رود تا به پیروزی کامل برسد».

در تفسیر همین آیه از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد و آن حضرت در پاسخ فرمود: «منصور، قائم آل محمد (علیه السلام) است که ولی خون حسین (علیه السلام) است و چون ظهور کند اقدام به خون خواهی حسین (علیه السلام) کند و دشمنان را بکشد و اگر همه ی اهل زمین را به قتل برساند اسراف نکرده است» و سپس فرمود: «به خدا سوگند که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بازماندگان و ذراری کشتندگان حضرت حسین (علیه السلام) را به واسطه ی کردار پدران و اجدادشان خواهد کشت». (2) یکی از القاب

ص: 128

---

1- موعودنامه: ص 279 و 280.

2- موعودنامه: ص 308 و 309.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتقم است و انتقام در لغت به معنی مجازات کردن به کار می رود. در قرآن کریم در مواردی این صفت به خدا هم نسبت داده شده است. به عنوان مثال در سوره ی زمر آیه 37 می خوانیم: «اليس الله بعزیز ذی انتقام» و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از اتمام حجت بر مردم و از بین رفتن بهانه ها و عذرها مجبور به استفاده از قدرت و شمشیر خواهد شد. همچنین آن حضرت علاوه بر این که انتقام گیرنده از ستمگران به حقوق انسانها خواهد بود، منتقم خون امام حسین (علیه السلام) نیز است. همان گونه که در دعای ندبه می خوانیم:

این الطالب بدم المقتول بکربلا» کجاست آن منتقمی که خون به ناحق ریخته و پایمال شده پیامبران و فرزندان آنها را طلب خواهد کرد، کجاست آن که از خون شهید کربلا انتقام خواهد کشید. در حدیث معراج پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) باز در این باره می خوانیم؛ وقتی در عرش الهی چشم رسول گرامی اسلام به نورهای ائمه اطهار (علیه السلام) افتاد و دید یکی از آنها با سایر نورها فرق می کند، از جانب خداوند متعال ندا رسید که: «او همان قائم ماست، او همان کسی است که حلال ما را حلال و حرام ما را حرام خواهد کرد... من توسط او از دشمنان انتقام خواهم گرفت...» و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن دست انتقام خداوندی است که همه ی حقوق پایمال شده انسان های صالح و مظلوم در طول تاریخ را از دشمنان باز خواهد ستاند و هر کجا خونی به ناحق ریخته شده است انتقام آن را از عاملانشان خواهد گرفت و این کار نه تنها موجب نگرانی و دلهره مردم نمی شود، بلکه دلهای توده مردم را در طول تاریخ شادابی می بخشد و به آنها نشان میدهد که اگر در نتیجه ی طغیان و تعدی عده ای ستمگر برخی از حقوق آنها پایمال شد، بالاخره روزی ستمگران به سزای اعمال



### شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را با سایر ائمه (علیه السلام)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نظر علم، زهد و شجاعت به امام علی (علیه السلام) شبیه است.

شباهت حضرت مهدی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام)؛ حلم و بردباری است و شباهت حضرت به امام حسین (علیه السلام)؛ نبودن بیعت طاغوت زمان بر ایشان، بالا بردن به آسمان، آرزوی بودن در رکاب حضرت، ترس حضرت هنگام حرکت از مدینه و طلب باری است. شباهت حضرت به امام سجاد (علیه السلام)؛ عبادت است. شباهت حضرت به امام باقر (علیه السلام)؛ شباهتش به رسول (صلی الله علیه واله) است. شباهت حضرت به امام صادق (علیه السلام)؛ کشف علوم و بیان احکام برای مردم است. شباهت امام مهدی (علیه السلام) به امام کاظم (علیه السلام)، تقیه و شدت ترس از دشمنان است. شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به امام رضا (علیه السلام)؛ تقیه و ترس در زمانش برداشته شد. شباهت حضرت به امام محمد تقی (علیه السلام)؛ در کودکی به امامت رسید. شباهت حضرت به امام علی النقی (علیه السلام)؛ هیبت حضرت است و شباهت به امام حسن عسکری (علیه السلام)، هیبت حضرت است. (2)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آینه‌ی تمام‌نمای فاطمه زهرا (علیها السلام)

اهداف مهدی (علیه السلام)، اهداف فاطمه (علیها السلام) است و راه او همان راه فاطمه (علیها السلام) است و سلوک او سلوک فاطمه (علیها السلام) است. حضرت فاطمه (علیها السلام) با نام مهدی شاد می‌شود و با یاد او خود را تسلیت می‌دهد. بدون مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحمل شهادت حسین (علیه السلام) بر فاطمه (علیها السلام) سنگین بود؛

ص: 130

1- نشریه موعود، شماره 34: ص 34.

2- موعودنامه: ص 427 و 428.

چون بیمژده ی او، رسالت پدرش و تمامی انبیای سلف را ناتمام می یافت. مهدی باوری، بی شناخت فاطمه (علیها السلام) میسر نیست. فاطمه (علیها السلام) به چنین فرزندی می بالد و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز بر چنین مادری فخر می فرودشد. مناسب است به نمونه هایی از این ارتباط و مشابهت ها در آیات، روایات و برخی تشرفات اشاره کنیم. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند حضرت زهر (علیها السلام) است که به بعضی از روایات اشاره می کنیم. پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرمودند: «مهدی از خانواده ی من و از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است که براساس سنت من جنگ می کند، چنان که من بر طبق وحی جنگ کردم» نکته قابل توجه در این حدیث این است که حضرت به طور کلی می فرماید: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از عترت من است و سپس می فرماید: از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است. (1) در قسمتی از حدیث لوح است که خداوند می فرماید: «ای محمد به تو عطا کردم کسی را (علی (علیه السلام)) که یازده راهنما از نسل او خارج خواهیم کرد که همگی از نسل تو، از زهرای بتول است. آخرین آنها مردی است که به دست او از هلاکت نجات می بخشم. (2) فصلنامه انتظار، شماره هفتم؛ به نقل از من هو المهدی اد: ص 90؛ به نقل از سنن ابن ماجه، ج 4، ص 151 و منابع دیگر (3) امام حسین (علیه السلام) می فرماید که پیامبر (صلی الله علیه واله) به حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: بشارت بر تو که

ص: 131

---

1- روزگار رهایی: ص 72؛ به نقل از البیان: ص 63 و از عیون الاخبار، ج 2: ص 130 و چند منبع دیگر.

2- روزگار رهایی: ص 77؛ به نقل از پیش از ده منبع.

3- در روایات که از عامه رسیده است چنین بیان شده که ام سلمه می گوید: از پیامبر (صلی الله علیه واله) شنیدم که می فرمود: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خاندان من از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است.

حضرت مهدی (علیه السلام) در بیان حضرت زهرا (علیها السلام): راوی می گوید: بعد از وفات پیامبر (صلی الله علیه واله) حضرت فاطمه (علیها السلام) همیشه به زیارت قبور شهدای احد می آمد و کنار قبر حمزه گریه می کرد. روزی به او گفتم: ای سرور زنان! به خدا سوگند گریه ی شما رگهای قلب مرا پاره کرد. حضرت جواب فرمود: ای ابوعمرو سزاوار است که من گریه کنم؛ چرا که به مصیبت بهترین پدران مبتلا شده ام. آه چقدر مشتاق رسول خدایم... عرض کردم: آیا پیامبر (صلی الله علیه واله) قبل از وفاتش تصریحی به امامت حضرت علی (علیه السلام) کردند؟ فرمودند: چقدر عجیب است، آیا روز غدیر خم را فراموش کرده اید؟ عرض کردم: بله روز غدیر بود، اما منتظر چیزی هستم که پیامبر (صلی الله علیه واله) به شما فرموده باشد. حضرت زهرا (علیها السلام) با چند تأکید فرمودند: خدا را شاهد میگیرم که از او پیامبر (صلی الله علیه واله) شنیدم که فرمود: علی (علیه السلام) بهترین کسی است که در بین شما به عنوان جانشین خود می گذارم، او امام و خلیفه ی بعد از من است و دو نوه ی او و نه نفر از فرزندان امام حسین (علیه السلام) پیشوایان نیکویی هستند، که اگر از آنها پیروی کنید می یابید که آنها هدایت کننده، هدایت شده اند و اگر با آنها مخالفت کنید تا روز قیامت در بین شما اختلاف خواهد بود. عرض کردم: ای سرور من، چرا علی (علیه السلام) از حق خود کناره گیری کرد؟ فرمودند: اباعمر، پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمودند: مثل امام، مثل کعبه است که باید به سوی او آیند و او به سوی مردم نمی رود. سپس حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: به خدا قسم اگر حق را به اهلش واگذار می کردند و از خاندان پیامبر (صلی الله علیه واله) تبعیت می کردند، هیچ دو نفری با هم اختلاف نداشتند و امر خلافت به تک

ص: 132

تک جانشینان پیامبر (صلی الله علیه واله) می رسید، تا قائم ما، نهمین فرزند از امام حسین (علیه السلام) قیام می کرد. (1) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در لوح و صحیفه ی فاطمه (علیها السلام) به چنین بیان شده است. جابر بن عبدالله انصاری میگوید: خدا را گواه میگیرم که در زمان رسول خدا (صلی الله علیه واله) برای تهنیت ولادت امام حسین (علیه السلام) بر مادرتان حضرت فاطمه (علیها السلام) با وارد شدم و در دست ایشان لوح سبز رنگی دیدم که پنداشتم از زمرد است. در آن نوشته ای سپید و نورانی، مانند نور خورشید دیدم؛ گفتم: ای دختر رسول خدا، پدر و مادرم فدای شما باد، این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خداوند متعال به رسولش هدیه کرده است و در آن اسم پدر، شوهرم، دو فرزندم و اوصیایی از فرزندانم ثبت شده است و پدرم آن را به من عطا فرموده تا بدان مسرور شوم. جابر می گوید: لوح را به من دادند، آن را خواندم و از روی آن استتساخ کردم... (بسم الله الرحمن الرحیم)، این کتابی از جانب خدای عزیز حکیم است برای محمد، نور، سفیر و حجاب او من هیچ پیامبری را مبعوث نکردم، جز آن که وقتی ایامش کامل و مدتش سپری می شد، برای او وصی قرار دادم و من تو را بر انبیا فضیلت دادم و وصی تو را افضل اوصیا قرار دادم و تو را به دو فرزند فاطمه، حسن و حسین (علیه السلام) گرامی داشتم. حسن را پس از پدرش معدن علمم قرار دادم و حسین را خازن وحی خود ساختم و شهادت را به او کرامت کردم.... بهواسطه عترة او ثواب میدهم و عقاب می کنم. اولین عترة او، علی سرور عابدین و فرزند او که هم نام جدش محمود است؛ یعنی محمد که شکافندهی علم من است، شک کنندگان در جعفر هلاک خواهند شد. بعد از او فرزندش موسی را برگزیدم... همانا

ص: 133

تکذیب کننده ی امام هشتم تکذیب کننده همه ی اولیای من است..... بر من فرض است که چشم او را به پسر و جانشینش محمد روشن سازم و سعادت او را به واسطه ی فرزندش علی، که وحی و ناصر من است ختم می کنم. از صلب او حسن را که داعی به راه من و خازن علم من است بیرون می آورم؛ سپس به خاطر رحمت خود بر عالمیان سلسله ی اوصیا را به وجود فرزندش تکمیل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی، بهای عیسی و صبر ایوب را دارا است. (1)

یاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همیشه برای حضرت زهرا (علیها السلام) تسلی بخش بوده است. راوی میگوید: هنگامی که پیامبر (صلی الله علیه واله) در بستر مرگ بود، فاطمه در کنار سر او مشغول گریه شد؛ ناگاه صدای ناله اش بلند شد. پیامبره

سر خود را بلند کرد و فرمود: عزیزم فاطمه، چرا گریه می کنی؟ عرضکرد: پس از شما، از ضایع شدن دین و مورد ستم قرار گرفتن می ترسم. حضرت فرمود: محبوبی من! آیا نمی دانی که خداوند عزوجل نظری بر اهل زمین کرد و مرا از میان آنها برگزید و مبعوث کرد. در مرتبه ی دوم که نظر کرد، از بین آنها شوهر تو را انتخاب کرد و به من وحی کرد که تو را به ازدواج او در آورم. ما اهل بیته هستیم که خداوند هفت خصلت به ما داده که به احدی قبل از ما و بعد از ما نداده است. من، پدر تو، خاتم پیامبران و کریم ترین پیامبران و محبوب ترین خلق نزد خداوند هستم. وصی من بهترین اوصیا و محبوب ترین آنها نزد خداوند است و او شوهر تو است و شهید ما حمزه عموی پدر و شوهر تو، بهترین شهدا و محبوب ترین آنها نزد خداوند است. از ما خاندان دو سبط این امت که آنها دو فرزند تو، حسن و حسین (علیه السلام)، سرور

ص: 134

1- فصلنامه انتظار، شماره هفتم: ص 132، به نقل از من هو المهدی عشه: ص 24.

جوانان بهشت اند و پدر آنها بهتر از آن دو است. ای فاطمه سوگند به کسی که مرا به رسالت مبعوث نمود از آن دو مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این امت می باشد.

آنگاه که دنیا را هرج و مرج فراگیرد و آشوبها آشکار شود، راه ها بسته شده، برخی، بعضی دیگر را به تاراج برند، نه بزرگ بر کوچک رحم کند و نه کوچکی احترام بزرگتر را رعایت کند؛ در آن هنگام خداوند متعال کسی را بر می انگیزد که دژها و قلعه های گمراهی و دل های بسته شده را فتح کند. (1) حضرت زهرا (علیها السلام) با تولد امام حسین (علیه السلام) به ناراحت و گریان می شود؛ چون از شهادت حسین آگاه است، اما خبر می آید که مهدی امت از ذریه ی او خواهد بود و هنگام ظهور، منتقم خون حسین شهید (علیه السلام) است. این خبر باعث تسلی خاطر حضرت می شود.

### فاطمه (علیها السلام) و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سوره ی قدر

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «لیله» در «انا انزلناه فی لیله القدر» فاطمه (علیها السلام) و قدر خداوند است. پس کسی که حضرت زهرا (علیها السلام) را آن گونه که سزاوار است بشناسد، شب قدر را درک کرده است. همانا او را فاطمه نامیدند؛ چرا که مردم نمی توانند او را بشناسند و در ادامه چنین می فرماید: «لیله القدر خیر من الف شهر»؛ یعنی او بهتر از هزار مؤمن است، او مادر مؤمنین است. «تنزل الملائکه»، ملائکه نازل می شوند؛ مراد از ملائکه مؤمنان هستند که علم آل محمد (صلی الله علیه واله) را فرا می گیرند و مراد از «الروح القدس» فاطمه (علیها السلام) است. «حتی مطلع الفجر»؛ یعنی تا زمانی که قائم (علیه السلام) ظهور کند. در روایتی دیگر امام

ص: 135

صادق (علیه السلام) نقل فرمودند: «لیله» فاطمه است و «ملائکه» مؤمنین هستند که علم آل محمد (صلی الله علیه واله) را فرا می گیرند و «روح» روح قدس است که فاطمه (علیها السلام) است. «من کل امر سلام» می گوید: هر امری که سالم قرار داده او را، «حتی مطلع الفجر»؛ یعنی تا قیام قائم (علیه السلام).

خلقت هستی طفیل هست او چرخ می چرخد به میل دست او لیلہ القدر است و مخفی قدر او شرح ها دارد علوم صدر او

توضیح مختصری پیرامون تشبیه حضرت زهرا (علیها السلام) به لیلہ در آیات شریفه قرآن:

1. مردم منزلت، عظمت و جایگاه والای شب قدر را نشناخته اند و منزلت حضرت زهرا (علیها السلام) هم در نزد مردم ناشناخته مانده است؛ علاوه بر این که قبر او را هم کسی نمی داند.

2. همان گونه که در شب قدر تفریق بین امور می شود، به وسیله ی فاطمه (علیها السلام) بین حق و باطل، مؤمن و کافر فاصله می افتد.

3. همان گونه که شب قدر ظرف نزول آیات و سوره های قرآن است، حضرت زهرا (علیها السلام) هم ظرف امامت و مصحف است.

4. شب قدر، معراج انبیا و اولیاست؛ همچنین ولایت حضرت زهرا (علیها السلام) مرقات وصول انبیا به نبوت، رسالت و عظمت است.

5. شب قدر، منشأ فیوضات و کمالات است؛ همچنین توسل به حضرت زهرا (علیها السلام) وسیله ی خیرات، برکات و دفع بلاها است.

6. شب قدر بهتر از هزار شب است و حضرت زهرا (علیها السلام) بهترین زنان اولین و آخرین است؛ بلکه او بهترین اهل زمین از جهت عنصر، شرف و کرم است.

مرد نصرانی می گوید: به حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) عرض کردم: به من خبر بده از کتابی که بر محمد (صلی الله علیه واله) فرود آمده، به آن گویا

گشته، آن را به صفاتی موصوف کرده است و در حقش گفته: «حم» سوگند به کتاب روشن و آشکار، به درستی که ما آن را در شب مبارکی نازل کردیم، به درستی که ما بیم دهنده ایم، در آن شب جدا شود هر امر محکمی (دخان 4 - 1).

تفسیر آن در باطن و حقیقت چیست؟ حضرت فرمودند: اما «حم» همان محمد (صلی الله علیه واله) است که در کتاب هود پیامبر با حروف ناقصه آمده است (میم اول و دال آخرش حذف شده)؛ اما «کتاب مبین» همان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است و مقصود از «لیله» و شب همانا فاطمه (علیها السلام) است. این که فرموده: «در آن جدا می شود هر امر محکمی»؛ یعنی برآید از فاطمه (علیها السلام) خیر بسیار فراوان که همان ائمه (علیه السلام) هستند تا برسد به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف). مردی حکیم، سپس مردی حکیم، که منظور از مردی حکیم همانا ائمه معصومین (علیه السلام) است. (1)

### شباهت های حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت مهدی (علیه السلام)

بین این دو بزرگوار شباهت هایی در اسم ها و صفات وجود دارد که به چند مورد از آنها اشاره می کنیم

1. حضرت زهرا (علیها السلام) بقیه النبوه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بقیه الانبیا و بقیه العتره و الصفوه و سلاله النبوه و بقیه الله است. حضرت زهرا (علیه السلام) باقیمانده و ادامهی نبوت است. حضرت زهرا (علیها السلام) پس از خواندن خطبه فدکیه و بازگشت به خانه سخنانی گفتند. حضرت علی (علیه السلام) ایشان را، با این لقب مورد خطاب قرار دادند: یا ابنه الصفوه و بقیه النبوه؛ حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نیز باقیمانده و ادامهی همه انبیای الهی

ص: 137

---

1- الکافی، کتاب الحججه باب مولد ابی الحسن موسی بن جعفر عشای.



است. حضرت حکیمه خاتون شب تولد امام زمان (علیه السلام) می گوید: او را خدمت امام عسکری (علیه السلام) آوردم... پس فرمود: «سخن بگو ای حجه الله و بقیه الانبیا و نور الاصفیا و غوث الفقرا و خاتم الاوصیا و نور الاتقیاء...». پس امام زمان فرمود: «اشهد ان لا اله الا الله و...» (1) پس امام عسکری (علیه السلام) او را با لقب «بقیه الانبیا» باقیمانده انبیا خطاب کرد.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باقیمانده ی برگزیدگان و عترت پیامبر (صلی الله علیه و اله) است. در استغاثه به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بعد از خواندن دو رکعت نماز می گوئیم: سلام الله کامل التام شامل العام... علی سلاله النبوه و بقیه العتره و الصفوه صاحب الزمان؛ پس درود خدا را بر کسی که باقیمانده عترت و صفوت است می فرستیم. (2) مفاتیح الجنان استغاثه به حجه الله (علیه السلام). بعد از استغاثه به حضرت مهدی، درود خدا را بر کسی که سلاله نبوت است می فرستیم و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بقیه الله است.

2. حضرت زهرا (علیها السلام) سیده النسا و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سید الخلق است. حضرت زهرا (علیها السلام) سرور زنان است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) در موارد متعددی به دختر گرامی خود این لقب را داده اند. ابن عباس نقل می کند که پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمود: «اما دخترم فاطمه سرور زنان عالم از اولین و آخرین است». (3) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سید الخلق است. این لقب را حضرت رضا (علیه السلام) به فرزند گرامی حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند.

حسن بن شاذان میگوید: نامه ای خدمت امام رضا (علیه السلام) نوشتم و از جفا، یورش و اذیت اهل واسط که جمعی از عثمانیان بودند، بر خود شکایت کردم. حضرت به خط مبارک جواب فرمودند: خداوند از

ص: 138

1- نجم الثاقب، ص 29

2- مفاتیح الجنان استغاثه به حجه الله علی .

3- بحار الانوار، باب الحججه.

دوستان ما پیمان گرفته که در دولت باطل صبر کنند، تو هم صبر کن نگران نباش. وقتی که سید الخلق قیام کند، دشمنان می خوانند «وای بر ما! چه کسی ما را از قبورمان مبعوث کرده؟ این همان است که خداوند وعده داده بود و فرستادگان الهی راست می گفتند.» و مراد از سید الخلق، قائم (علیه السلام) است؛ پس دشمنان اهل بیت (علیه السلام) در آن زمان رجعت می کنند و مؤمنان از آنها انتقام می گیرند، پس دشمنان می گویند: «وای بر ما...» (یس/52). (1)

3. حضرت زهرا (علیها السلام) طاهره و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طاهر است. حضرت زهرا (علیه السلام) طاهره است؛ این مطلب نیز از آیه تطهیر استفاده میشود و می بینیم پیامبر (صلی الله علیه واله) آن حضرت را به این لقب نامیدند. پیامبر (صلی الله علیه واله) تا فرمودند: آیا نمی دانی که دخترم پاک و پاکیزه است. آیه تطهیر نیز دلیل دیگری بر پاک بودن حضرت از رجس و پلیدیها است «خداوند اراده کرد که ناپاکی را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاک قرار بدهد» (احزاب / 37) این آیه به اجماع خاصه و عامه در شأن پنج تن آل عبا است.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طاهر است. این لقب را پیامبر (صلی الله علیه واله) و امام صادق (علیه السلام) به آن حضرت داده اند.

پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «خداوند در صلب امام حسن عسکری (علیه السلام) نطفه ای مبارک، پاک و پاکیزه تعبیه کرد، که هر مؤمنی که خداوند از او پیمان ولایت گرفته، از او خشنود می شود و هر منکری به او کفر می ورزد. او پیشوای پارسا، پاکیزه، هادی و مهدی است.» (2) و در روایت دیگر امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وقتی آخرالزمان شد و فتنه ها

ص: 139

- 
- 1- فروع کافی، دارالکتب، ج 8، ص 207، ح 346.
  - 2- روزگار رهایی، ج 1، ص 76، به نقل از بحار الانوار، ج 53: ص 310.

به وجود آمد، شما گلیم خانه ی خود باشید تا خداوند امام پاکیزه و پسر پاکیزه را ظاهر کند.» (1) پس حضرت زهرا (علیها السلام) مطهره و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مطهر است.

4. حضرت زهرا (علیها السلام) مبارکه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مبارک است.

حضرت زهرا (علیها السلام) مبارکه است. مبارک از برکت گرفته شده، به معنای رشد و زیاده. مبارک یعنی آنچه از او خیر زیاد بیاید. به حضرت زهرا (علیها السلام) از این جهت مبارک میگویند که او کوثر (انا اعطیناک الکوثر) است؛ همان گونه که فخر رازی در تفسیر خود گفته: مراد صدیقه طاهره، فاطمه زهرا (علیها السلام) است. (2)

و کوثر، زیادی نسل و فرزند است که از فاطمه زهرا (علیها السلام) و اولاد وی، نسل رسول اکرم (صلی الله علیه واله) تا آنچنان فراوان شد که نتوان شماره کرد. مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: مراد از کوثری که خداوند به پیامبر (صلی الله علیه واله) تا عطا فرمود، فقط کثرت ذریه پیامبر (صلی الله علیه واله) است، یا مراد خیر کثیر و کثرت ذریه است و اگر غیر از این معنا کنیم محقق کردن و محکم کردن کلام به واسطه آیهی «ان شانک هو الابر» خالی از فایده می شود. (3)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مبارک است و این از القابی است که حضرت رسول (صلی الله علیه واله) برای آن حضرت برشمردند و آن وقتی است که حضرت محمد (صلی الله علیه واله) در بیاناتی آخرالزمان را ترسیم می کنند و می فرمایند:

این گرفتاری با مردم آن زمان خواهد بود تا هنگامی که مایوس و ناامید شوند و تصور کنند که دیگر خداوند از آنها رفع گرفتاری

ص: 140

---

1- همان، به نقل از بحار الانوار ج 52 ص 212 و بشاره الاسلام ص 23.

2- تفسیر کبیر، ج 32: ص 124.

3- ترجمه تفسیر المیزان ج 40

نخواهد فرمود، آنگاه خداوند مردی را از بهترین فرزندان و پاک ترین عترت من برمی انگیزد که سراپا عدل، برکت و پاکی است» (1).

5. حضرت زهرا (علیه السلام) زکیه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زکی است. حضرت زهرا (علیه السلام) زکیه است؛ یعنی پاکیزه از هرگونه پلیدی و کثافت ظاهری و باطنی است.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زکی است و باز هم این لقب را حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) به حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند و همچنین امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در نامه ای به معاویه این لقب را به حضرت مهدی (علیه السلام) داده اند؛ زمانی که می فرمایند: «مردی از نسل تو که شوم و ملعون است. سپاهی به سوی مدینه می فرستد... و مردی پاک و پاکیزه از نسل من، از دست او فرار میکنند و زمین را از عدل و داد پر می کنند» (2) 6. حضرت زهرا (علیه السلام) طیبه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طیب است؛ بعد از نماز هدیه به حضرت فاطمه (علیها السلام) و هر یک از معصومین این دعا را می خوانیم و آن این است: «اللهم إن هاتین الرکعتین هدیه منی الی الطاهره المطهره الطیبه الزکیه فاطمه اللهم...» و حضرت مهدی طیب است.

7. حضرت زهرا (علیها السلام) تقیه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تقی است. حضرت زهرا (علیها السلام) در اوج قله ی تقوا است. در زیارت حضرتش می خوانیم:

السلام علیک ایها التقیه النقیه، سلام بر تو ای ذات متقی پاک» (3) و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تقی، نقی و بسیار باتقوا است.

ص: 141

1- روزگار رهایی، ج

2- ص 950. 2. روزهای، جلد 2، ص 795، بهنقل از بحار الانوار، ج 33: ص 157.

3- مفاتیح الجنان زیارت حضرت زهرا (علیها السلام).

8. حضرت زهرا (علیها السلام) محدثه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محدث است: چندین روایت است که ملائکه بر حضرت زهرا (علیها السلام) فرود آمده، با ایشان سخن می گفتند؛ از این رو به او محدثه گفته اند از امام صادق (علیه السلام) پیرامون مصحف فاطمه (علیها السلام) سؤال کردند. امام پس از سکوتی طولانی فرمود: «شما از هر چیزی سؤال می کنید. زهرا (علیها السلام) بعد از پیامبر هفتاد و پنج روز بیشتر زنده نبود و به این سبب در فقدان پدر، بسیار محزون بود. از این رو همیشه جبرئیل به نزد او می آمد و علاوه بر این که حضرت زهرا (علیها السلام) را تسلیت میگفت؛ او را از جایگاهش و اخبار آینده آگاه می کرد و حضرت امیرمؤمنان علی (علیه السلام) هم آنها را می نوشت. این نوشته ها مصحف فاطمه (علیها السلام) است.» امام خمینی رحمت الله علیه ها مخالف این روایت را از روایات صحیحه میدانند و هبوط جبرئیل بر حضرت زهرا (علیها السلام) را از بزرگترین فضایل می شمارد.

و در جای دیگر امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «همانا فاطمه را محدثه نامیدند؛ زیرا همیشه ملائکه از آسمان بر او هبوط میکردند. پس همان گونه که حضرت مریم (علیها السلام) را مورد ندا قرار دادند، او را هم مورد خطاب قرار دادند و گفتند: ای فاطمه! خداوند تو را بر تمام زنان عالم برگزید و تو را پاکیزه قرار داد.»

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محدث است. در این زمینه دو دسته روایات وجود دارد؛ یک دسته از آنها به طور عموم دلالت می کند که کل ائمه (علیه السلام) محدث هستند و دسته ی دیگر روایاتی است که نشان می دهد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محدث است. در روایات عام پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمودند: دوازده نقیب از اولاد من هستند که همه ی آن ها نجیب، محدث، آموزش یافته و صاحب فهم هستند و آخرین

آنها قائم به حق است. (1)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «دوازده محدث از ماست که هفتمین

فرزند من همان قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است».

امام جواد (علیه السلام) نقل می کنند که امیر مؤمنان علی (علیه السلام) به ابن عباس فرمود: «شب قدر در هر سال هست و منحصر به زمان حیات پیامبر (صلی الله علیه واله) نبوده است و در آن شب امور سال نازل میشود و برای این برنامه، والیانی بعد از رسول الله (صلی الله علیه واله) وجود دارد. ابن عباس گفت: آنها چه کسانی هستند؟ حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: من و یازده فرزندم که همه پیشوا و محدث هستند. (2)

و از جمله روایات خاص: امام رضا (علیه السلام) ضمن برشمردن صفات امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید: «او داناترین مردمان، حکیم ترین، پرهیزکارترین، بردبارترین، بخشنده ترین و عابدترین مردم است. او پشت سر را می بیند، همان گونه که پیش رو را می بیند، سایه ندارد، دیدگانش در خواب فرو می رود؛ ولی دلش همیشه بیدار است و فرشتگان با او سخن می گویند. (3)

امام جواد (علیه السلام) ضمن بیان سیر آن حضرت پس از ظهور می فرماید: او وارد کوفه می شود و جنگ کنندگان را می کشد تا خداوند راضی شود... عرض کردیم: چگونه متوجه می شود که خداوند راضی شده؟ حضرت فرمود: خداوند به مادر موسی (علیه السلام) وحی کرد و البته مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بهتر از مادر موسی است و خداوند به زنبور عسل وحی کرد و البته او بهتر از زنبور عسل است (قصص / 7: نحل / 68).

ص: 143

---

1- اصول کافی، ج 1، ص 534.

2- اصول کافی، باب ما جاء فی الأثنی عشر و النص علیهم، ج 11.

3- روزگار رهایی، ج 1، ص 132.

حضرت امام جواد (علیه السلام) با استشهاد به دو آیه فوق از قرآن تفهیم می کند که خداوند به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وحی می کند. البته در آن دو آیه، مراد از وحی، وحی مصطلح و نزول جبرئیل همراه با ادعای نبوت نیست؛ بنابراین مراد از وحی به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز وحی بدون ادعای نبوت است؛ یعنی وحی مصطلح نیست.

9. حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و هر دو کوکب دری هستند.

حضرت زهرا (علیه السلام) ستاره درخشان است. از امام عسکری (علیه السلام) سؤال می کنند: چرا حضرت فاطمه (علیها السلام) را زهرا نامیدند؟ حضرت فرمودند: صورت او برای امیر مؤمنان (علیه السلام) نورافشانی می کرد؛ در اول روز، مثل خورشید تابان، هنگام ظهر مثل ماه منیر و در وقت غروب خورشید مثل کوکب دری و ستاره درخشان بودند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «کانها کوکب دری» (نور / 35). «کان فاطمه (علیها السلام) و کوکب دری بین نساء اهل الارض» گویا فاطمه (علیها السلام) همانند ستاره ی درخشان بین زنان اهل زمین (اهل دنیا) است و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز ستاره درخشان است. پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمودند: مهدی مردی از فرزندان من است که صورتش مثل ستاره درخشان است و نیز می فرماید: در مشاهده های خود در معراج؛ خداوند انوار ائمه اثنی عشر را به من نشان داد و فرمود: «ای محمد سرت را بالا- بیاور، وقتی بالا را نگاه کردم، نور ائمه (علیه السلام) را دیدم که نور محمد بن الحسن، بین آنها نورافشانی می کرد و صورتش می درخشید، مثل ستاره درخشانی؛ پس عرض کردم، خدایا اینها چه کسانی هستند و این نور چه کسی است؟ خطاب شد: اینها امامان پاک بعد از تو و از صلب تو هستند و این شخص که میدرخشد، حجتی است که زمین

10. حضرت زهرا (علیها السلام) منصوره و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منصور است. حضرت زهرا (علیها السلام) یاری شده است. در وصف حضرت فاطمه (علیها السلام) آمده است که او: میمونه، منصوره، محتسمه، جمیله، معظمه است. این آیه یکی از آیاتی است که به حضرت زهرا و حضرت مهدی تأویل شده: «در آن روز، مؤمنان به یاری خداوند خوشحال می شوند و او، هر کس را بخواهد یاری می کند و او صاحب قدرت و رحمت است» روم / 4) امام صادق (علیه السلام) از قول پیامبر (صلی الله علیه واله) نقل می کند که حضرت جبرئیل (علیه السلام) سیب بهشتی را از طرف خداوند به رسم هدیه برای پیامبر (صلی الله علیه واله) آورد و عرض کرد: این سیب را بخور. حضرت سیب را دو نیم کردم نوری ساطع شد، سؤال فرمودند: این نور چیست؟ جبرئیل عرض کرد: «این نور منصوره در آسمان و فاطمه در زمین است». به جبرئیل گفتم: حبيب من چرا او را در آسمان منصوره می گویند و در زمین فاطمه (علیها السلام)؟ گفت: «او را در زمین فاطمه می گویند چرا که او و شیعیانش از آتش باز داشته شده اند و دشمنان او از دوست داشتن او باز داشته شده اند و در ادامه عرض داشت: او را در آسمان منصوره خوانند و این همان گفتار خداوند است که فرمود: «در چنین روزی مؤمنان به یاری خداوند به محبین آن حضرت، خوشحال می شوند. آن حضرت و دوستان او در روز ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خوشحال می شوند. مؤمنان به یاری خداوند هنگام قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را خوشحال می شوند. گفتنی است؛ حتی مؤمنانی که از دنیا رفته اند، به چنین قیامی خوشحال می شوند. امام

ص: 145



صادق (علیه السلام) فرمودند: مؤمنان در حالی که در قبرهایشان هستند به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خوشحال می شوند. پس هر روزی که روز نجات مؤمنان و پیروزی آنها باشد و یاری خداوند شامل آنها شود، روز خوشحالی مؤمنان خواهد بود.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منصور است، خداوند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را منصور نامیده اند: «کسی که مظلومانه کشته شود، ما برای ولی او سلطه قرار دادیم؛ پس اسراف در قتل نکند، به درستی که او منصور و یاری شده است» (اسراء / 33).

در روایات آیه ی شریفه به حضرت امام حسین (علیه السلام) و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأویل شده است. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «من قتل مظلومه الحسین» کشته شده ی مظلوم، حسین (علیه السلام) است و حضرت می فرماید: خداوند مهدی را منصور نامیده همان گونه که پیامبر را احمد، محمد و محمود نامید و چنانچه عیسی را مسیح نامید و در زیارت عاشورا می خوانیم: «از خداوند می خواهیم که به ما توفیق دهد در کنار امام منصور (امام زمان عج) از حسین (علیه السلام) خون خواهی کنیم. همچنین امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «فانم از ما، یاری شده است به وسیله ی ترس در دل دشمنان و تأیید شده به وسیله ی یاری او» (1) در دعای ندبه می خوانیم: «این المنصور علی من اعتدی علیه و افتری» (2) کجاست آن کسی که یاری شده علیه کسی که نسبت به او تعدی کرده و افترا بسته است؟

11. حضرت زهرا (علیها السلام) صدیقه و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادق است.

ص: 146

---

1- روزگار رهایی، ج 1، ص 478.

2- مفاتیح الجنان، دعای ندبه.

حضرت زهرا راست گفتار است. پیامبر (صلی الله علیه واله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: سفارش هایی به دخترم فاطمه کرده ام و به او دستور دادم آنها را به تو بگویم. آنها را نافذ بدان؛ (فهی الصادقه الصدوقه) او بسیار راست گفتار است. سپس حضرت زهرا (علیها السلام) را به سینه چسباند و سر او را بوسید و فرمود: «پدرت به فدای تو ای فاطمه». (1)

پیامبر (صلی الله علیه واله) به حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: به تو سه چیز داده شده که حتی به من نیز داده نشده است؛ یکی این که پدر همسر تو مثل من است و برای همسریت، صدیقه‌های مثل دختر من به تو داده شده است. از امام صادق (علیه السلام) سؤال شد: چه کسی حضرت زهرا (علیها السلام) را غسل داد؟ فرمودند: حضرت علی (علیه السلام)؛ به درستی که او صدیقه بود و جز صدیق نمی توانست او را غسل دهد. آیا نمیدانی مریم را که صدیقه بود جز عیسی (علیه السلام) غسل نداد؟ (2)

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همچون حضرت زهرا (علیها السلام) راست گفتار است و حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «صاحب پرچم محمدی (صلی الله علیه واله) و بنیانگذار دولت احمدی (صلی الله علیه واله) ظهور می کند؛ در حالی که شمشیر در دست دارد و راستگو در گفتار است؛ زمین را مهد زندگی سازد و احکام اسلام (اعم از سنت و فرض) را زنده می کند. (3)

12. حضرت زهرا (علیها السلام) صابره و حضرت مهدی (علیه السلام) صابر است. در زیارت حضرت زهرا (علیها السلام) می خوانیم: «ای امتحان شده ای که خداوند قبل از این که تو را بیافریند امتحانت کرد؛ پس تو را صابره

ص: 147

---

1- بحار الانوار، ج 22، ص 491.

2- وسایل الشیعه، ج 2، ص 714.

3- روزگار رهایی، ج 2، ص 609.

صبر کننده) دید نسبت به امتحان ها... (1) و در دعای زمان غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می خوانیم: «فانه الهادی... الصابر المجتهد الشکور...» و در حدیث لوح است که «علیه کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب...». یکی از فقها و مراجع بزرگوار نقل می کرد: یکی از اشخاص مورد اعتماد اخیرا در عالم رویا خدمت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رسید، نوشته ای را روی سینه ی مبارک آن حضرت دیده که روی آن نوشته شده بود: «آنا صابر علی هذا الأمر و لکن أندیونی، أندیونی، أندیونی» بر این امر صبر میکنم: اما با سوز و ناله، بلند بلند بر من گریه کنید، بلند بلند بر من گریه کنید...» (2)

13. حضرت زهرا (علیها السلام) معصومه و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معصوم است. عصمت حضرت زهرا (علیها السلام) از آیه ی تطهیر و روایات متعدد به خوبی استفاده می شود و در زیارت آن بزرگوار میخوانیم: «السلام علیک ایتها المعصومه المظلومه...» و در زیارت جامعه کبیره خطاب به تمامی امامان از جمله حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عرض می کنیم: «شهادت می دهم که شما پیشوایان رشد یافته، هدایت شدگان، معصومان، بزرگواران و مقربان درگاه خداوند هستید».

14. حضرت زهرا (علیها السلام) مظهر آیه نور و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نور آل محمد (صلی الله علیه واله) هست. برای آیه ی نور در روایات چند تأویل بیان شد که یکی از آنها حضرت زهرا (علیها السلام) را به عنوان مشکاه (چراغدان) معرفی می کند. (نور / 35) و از امام صادق (علیه السلام) نقل شده مشکاه در آیه نور فاطمه (علیها السلام) است در او مصباح است و مصباح یعنی امام حسن و

ص: 148

---

1- مفاتیح الجنان، زیارت حضرت زهرا علی .

2- مطلع الفجر: ص 182؛ به نقل از راهی به سوی نور: ص 180.

امام حسین (علیه السلام) در او وجود دارند. «کانها کوکب دری» فاطمه همانند ستاره درخشان بین زنان اهل زمین است.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نور آل محمد (صلی الله علیه واله) است که امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «دعوت النور آل محمد (صلی الله علیه واله) و سائقهم و المنتقم بامر الله من اعدائهم...» دعا کردم برای نور آل محمد (صلی الله علیه واله) و پیش برنده ی آنها و انتقام گیرنده از دشمنانشان به دستور الهی». (1) 15. حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هر دو فریادرس هستند. علامه مجلسی روایت میکند که اگر حاجتی داشتی و سینه ات به خاطر او تنگ گشته دو رکعت نماز بخوان؛ بعد از سلام نماز، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیحات حضرت زهرا را بخوان. سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو «یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی» پس گونه ی راست را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو، سپس به سجده برو و همین را صد مرتبه بگو و بعد از آن گونه ی چپ را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ سپس به سجده برو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن، به درستی که خداوند برآورده می کند ان شاء الله تعالی (2) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز همچون مادر بزرگوارش فریادرس است در زیارت آل یس می خوانیم: «سلام بر تو ای پرچم افراشته و دانش ریزان و فریادرس و رحمت واسعه حق». (3) دستوری عملی برای توسل به ائمه از وجود مبارک پیامبر (صلی الله علیه واله): برای آخرت متوسل شوید به برادرم

ص: 149

1- از مهمات بعد از نماز ظهر، سید بن طاووس.

2- بحار الانوار، ج 102: ص 254، ج 13 و حاشیه مفاتیح الجنان نماز استغاثه به حضرت زهرا (علیها السلام)

3- زیارت نامه آل یس.

حضرت علی (علیه السلام) از ظلم کننده ی به تو انتقام می کشد و امام سجاد (علیه السلام) برای نجات از سلاطین و از شرور شیاطین و امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) برای آخرت و امام کاظم (علیه السلام) برای طلب عافیت و امام رضا (علیه السلام) برای نجات در سفرهای زمینی و دریایی و امام جواد (علیه السلام)، برای نزول رزق از خدا و امام هادی (علیه السلام)، برای قضای نوافل و نیکی اخوان و امام عسکری (علیه السلام) برای آخرت و اگر شمشیر به گلوی تو است، پناه ببر به حضرت مهدی که به درستی او به فریاد تو می رسد؛ چرا که او فریادرس و پناه است برای کسی که به او استغاثه کند و بگو ای سرورم، ای صاحب زمان، من به تو پناه آورده ام و از تو طلب فریادرسی می کنم. در دعای فرج می گوئیم: « اللهم عظم البلاء و برج الخفاء... یا مولای یا صاحب الزمان الغوث، الغوث الغوث» «ای مولای و آقای من، ای صاحب زمان، به فریادرس، به فریادرس، به فریادرس» (1) و در عریضه به خدمت حضرت بقیه الله (صلی الله علیه و اله) 8 می نویسیم: «کنت یا مولای صلوات الله علیک مستغیثا فاعثنی یا مولای صلوات الله علیک» (2) پیامبر (صلی الله علیه و اله) نیز فرمود: «و هو غیاث و کھف لمن استغاث؛ او فریادرس و پناه هر کس است که به او پناه ببرد و فریادرسی بخواند. او فرمود فقط غیاث شیعیان و محبین است؛ بلکه غیاث هر کس است. چه بسیار کسانی که شیعه نبودند؛ اما وقتی به حضرتش استغاثه کردند، حضرت به فریاد آنها رسیده است.

16. حضرت زهرا (علیها السلام) منتظر و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم منتظر و هم منتظر است. در اواخر خطبه ی فدکیه حضرت زهرا (علیها السلام) می فرماید:

ص: 150

1- مفاتیح الجنان، دعای فرج حضرت

2- منتهی الامال آخر، فصل ششم.

وانتظر و یا منتظرون» انتظار بکشید، ما هم انتظار می کشیم (آیات به این مضمون متعدد است؛ از جمله انعام / 158، یونس / 20 و 102، هود / 122). در تفاسیر روایی، این آیه به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأویل شده است. امام صادق (علیه السلام) پیرامون این آیه می فرماید: «روزی که بعضی از آیات پروردگار تحقق می پذیرد، ایمان آوردن افرادی که قبلاً ایمان نیاورده اند یا در ایمانشان عمل نیکی انجام نداده اند، سودی به حالشان نخواهد داشت. بگو انتظار بکشید ما هم انتظار میکشیم و نیز فرمودند: آیات ائمه ای هستند و آیه ای که انتظار او کشیده می شود، حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: انتظار قیام حضرت قائم (علیه السلام) که او منتظر از ما اهل بیت است؛ پس شما و ما منتظر منتظر (حضرت مهدی علیه هستیم). امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «آیا نمیدانی انتظار فرج از فرج است و جزو فرج محسوب می شود. سپس فرمود: خداوند می فرماید: انتظار بکشید، من هم با شما منتظر هستم». پس حضرت زهرا با تمسک به این آیه، منتظر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند.

حضرت مهدی هم منتظر است و هم منتظر. امام جواد (علیه السلام) می فرماید: «امام بعد از من، فرزندم امام هادی (علیه السلام) است و امام بعد از او پسرش حسن عسکری (علیه السلام) است؛ سپس امام ساکت شد. عرض کردیم: امام بعد از امام حسن عسکری (علیه السلام) کیست؟ امام به شدت گریست و فرمود: بعد از حسن فرزند او قائم به حق، که منتظر است، می باشد. عرض کردیم: چرا به او قائم گویند؟ فرمود: زیرا او بعد از آن که یادش از بین می رود و بیشتر قائلین به امامتش از اعتقاد خود

باز می گردند، قیام می کند. عرض کردیم: چرا به او منتظر می گویند؟ فرمود: زیرا برای او غیبت طولانی ای است؛ پس مؤمنین مخلص، انتظار ظهورش را می کشند. در دعای زمان غیبت می خوانیم «و امرک ینتظر» منتظر دستور تو است. [\(1\)](#)

ص: 152

---

1- مفاتیح الجنان، دعا در غیبت امام زمان

فصل دوم

اشاره

ص: 153





بعضی از صوفیه و عرفا به مهدویت نوعیه قایل هستند؛ به این معنا که عقیده دارند در هر عصری باید یک مهدی وجود داشته باشد که ویژگی‌ها و خواص مهدویت و هادویت را داشته باشد و می‌گویند هیچ عصری خالی از مهدی و هادی نیست و ضرورتی هم ندارد که مشخص شود از نسل چه کسی است. بدیهی است که این عقیده براساس مذهب شیعه اثنی عشریه و پیروان مکتب اهل بیت (علیه السلام) کاملاً مردود و باطل است؛ اما بدون شک بعضی از صوفیه و عرفا به این عقیده باور دارند. به عنوان مثال آنجا که حافظ می‌گوید:

کجاست صوفی دجال فعل ملحد شکل \*\*\* بگو بسوز که مهدی دین پناه رسید

مرادش از «صوفی دجال فعل» تیمور است که در کمال ریاکاری به خدمت زین الدین تاییادی، در قصبه خواف، مشرف شد و به دست او به سلک تصرف درآمده بود و مراد حافظ از «مهدی دین پناه» شاه منصور برادر زاده ی دلاور شاه شجاع است که مردانه با تیمور جنگید و کشته شد. (1)

جلال الدین مولوی نیز در کتاب مثنوی درباره ی مرشد یا ولی

مورد قبول صوفیان می‌گوید: (2)

ص: 155

---

1- حافظ نامه، بهاء الدین خرمشاهی، بخش دوم: ص 1203 و 120.

2- دفتر دوم، ابیات 818

پس بهر دوری ولی قائم است تا قیامت آزمایش دائم است پس امام حی قائم آن ولی است خواه از نسل عمر خواه از علی است مهدی و هادی وی است ای راه جو هم نهان و هم نشسته پیش رو این اشعار نیز به خوبی طرز عقیده ی صوفیان را در مورد مهدویت نوعیه آشکار می سازد و نیز این اشعار روشن میکند که حدود اختیارات قطب و مرشد صوفیان تا چه اندازه وسیع و نامحدود است. بدیهی است که منظور از این اشعار، امامان اهل بیت (علیه السلام) نیست، منظور حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست؛ زیرا جمله «خواه از نسل عمر خواه از علی است» موضوع را به خوبی روشن می سازد. (1) سید محمد نوربخش را اگرچه از علمای شیعه و از شاگردان ابن فهد حلی (متوفی 841ه) شمرده اند؛ ولی به هنگام قیام علیه سلطان وقت ادعای مهدویت کرد و عده کثیری از صوفیه به او پیوستند و از رساله «الهدی» که به وی منسوب است نیز دعوی مهدویت ظاهر است. سید محمد با آن که در اواخر عمر ظاهراً ادعای خلافت را کنار گذاشت؛ ولی خود را با القاب «مظهر موعود» و «مظهر جامع» می خواند و داعیه ولایت و مقام ارشاد را هم چنان حفظ کرد و در نامه ای که از او باقی است به صراحت ادعا می کند که در معرفت حقایق اشیاء و مشرب توحید:

به خدا، گر به زیر چرخ کبود چون منی هست و بود و خواهد بود

ذهنیه نیز مانند سایر سلسله های صوفیه دربارهی مشایخ خود غلو می کنند؛ فی المثل طرز تولد میرزا احمد وحید الاولیاء اردبیلی را غیر عادی قلمداد کرده اند. بدین ترتیب که آبی از آسمان رسیده،

ص: 156

نطفه ی «میرزا احمد» بسته شده است و او در سه ماهگی در شکم مادر سخن گفته است. شخصی در شیراز مدعی شده که شبی در منزلش خروس ناهنگام سحر هفت بار به تکلم آمد و هر بار گفت:

حجّه القائم وحید الاولیاء» و در انهار جاریه در 44 بیت این موضوع را

به شعر آورده است؛ از آن جمله:

هم در این اثنا خروسی چون سروش آمد از بام عمارت در خروش گوش بر بانگش چو بنهادم عنان دیدم این ذکرش بود رطب اللسان

حجّه القائم وحید الاولیاء

در «رساله تنبیهیه» در وصف «مجد الأشراف» چنین سروده شده است:

خوان قدرت چیست شخص مهدی آن ولی حق به صاحب پیروی ظل ظل الله امام انس و جان هادی و مهدی در این دور زمان

و در همان رساله این دو بیت نقل شده است:

گر تو سرپیچی ز سجده اولیا کادم عصرند بانور و ضیا پس تو هم ابلیسی و شیطان دهر نیست از جنات و خلعت حظ و بهر(1)

شاه نعمت الله ولی هر چند به کسانی که او را «مهدی» خوانده اند

در ابیات زیر پاسخ داده؛ اما اگر در این پاسخ خوب دقت شود ادعای غلوآمیز او بسیار آشکار است. شاه نعمت الله در پاسخ کسانی که او را «مهدی» نامیده اند، چنین گفته است:

من نیم مهدی ولی هادی منم رهنمای خلق در وادی منم مصطفی را بندهام حق را غلام پیشوای با سلامت و السلام(2)

به طور خلاصه بعضی از بزرگان صوفیه یا خود را مهدی

ص: 157

---

1- جستجو در عرفان اسلامی: صص 109 تا 112.

2- جستجو در عرفان اسلامی: ص 124.

خواننده اند و ادعای مهدویت کرده اند و یا خود را هادی و راهنمای خلق دانسته اند و یا حداقل ادعای نیابت خاصه داشته اند که از این میان «حسین بن منصور حلاج» بسیار مشهور است.

مرحوم شیخ طوسی در کتاب «غیبت» چنین آورده است: عده ای از ابی عبدالله حسین بن علی بن الحسین بابویه برای من نقل کرده اند که منصور حلاج به طمع گمراه کردن علی بن بابویه به قم آمد و ادعا کرد که من نایب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستم. علی بن بابویه پدر شیخ صدوق چون او را شناخت و ادعای او را دانست، فرمود: پس تو همان مرد (یعنی حلاج) هستی؛ سپس به غلام خود دستور داد او را بزند و فرمود: ای دشمن خدا و پیغمبر، لعنت خدا بر تو باد. ابوالحسن نوبختی باعث روی گرداندن مردم از حلاج شد. خلاصه ی داستان چنین است که وقتی او ادعاهای پوچ خود را در میان مردم مطرح کرد، جناب ابوالحسن نوبختی به او گفت: این کارها که تو میکنی ممکن است همه حيله باشد، اگر ادعای معجزه داری ریش سفید مرا سیاه کن تا هر چه گویی متابعت کنم و مردم را به سوی تو بخوانم، تو خود قدرت مرا در میان مردم می دانی. حلاج فهمید که تیر او به خطا رفته است و در مقابل کلام نوبختی جوابی ندارد. نوبختی این مطلب را دست آویز قرار داده و مردم را از حلاج برگردانید. (1)

ادعای مهدویت نوعیه که بعضی از صوفیه به آن معتقد هستند، این است که می گویند مهدی یک عنوان و مفهوم کلی است که شامل افراد و مصادیق گوناگون می شود؛ بنابراین مصادیق مهدی متعدد و متنوع است، نه واحد و متعین در یک شخص معین. ادعایی است که با این حدیث نبوی که همه ی محدثان شیعه و سنی نقل

ص: 158

کردند و آن را مستم میدانند منافات دارد. حدیث مشهور این است که رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرمود: «من مات و لم یعرف امام زمانه مات میتة جاهلیة» هر کس بمیرد و امام زمانش را نشناسد بر کفر مرده است». (1)

البته باید دانست بعضی از اهل سنت عقیده دارند که مراد از امام زمان در این حدیث شریف، «قرآن» است. بعضی دیگر می گویند امام زمان در هر عصر کسی است که مردم او را به رهبری انتخاب می کنند. بعضی از صوفیه می گویند مقصود از امام زمان همان شیخ، قطب، پیرو، مراد و راهنمای طریقت است. بیشک از نظر شیعه امامیه همه ی این گفتارها پوچ و باطل است.

پیروان مکتب اهل بیت (علیه السلام) معتقدند؛ امامان بر حق که خلیفه و جانشین شایسته ی پیامبر، امام و پیشوای الهی امت هستند، او دوازده شخص معین هستند که اولین آنها امیرالمؤمنین (علیه السلام) و خاتمشان حضرت حجه بن الحسن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود است.

ثانیا همه ی این بزرگواران اثنی عشر از جانب خدا و رسول (صلی الله علیه واله) خدات منصوب شده اند و به هیچ وجه مقام الهی آنان بشری و انتخابی نیست. ثالثاً همه ی این بزرگواران از جهت علم و عمل، معصوم و مصون از خطا، گناه و اشتباه هستند. رابعاً امام دوازدهم (علیه السلام) آخرین حجت و آخرین امام معصوم بوده است و اینک حی، حاضر، ناظر و واسطه ی فیض حضرت حق بر تمام جهان و جهانیان است؛ اما به جهاتی که قبلاً گفته شد به اذن خداوند در حالت غیبت زندگی می کند. باید دانست که غیبت آن حضرت با

ص: 159

حضور و واسطه‌ی فیض بودن و سایر مقامات کمالی و معنوی او هیچ منافاتی ندارد و او به اذن خداوند در حال حاضر مانند خورشید تابانی است که در پشت ابر قرار گرفته اما نورافشانی میکند و بر احوال همه‌ی بندگان خدا و شیعیان خود آگاه و ناظر است.

## مهدویت

اصولا اعتقاد به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و این که او نجات دهنده‌ی بشر است عقیده‌های دیرین است که از روزگاران کهن، جوامع بشری آن را باور داشته‌اند و در انتظار چنین شخصی بوده‌اند. ملت‌های مظلوم و اقوام ستمدیده که قدرت انتقام جویی و تلافی مظالم ستمکاران را نداشتند در ضمیر ناخودآگاه خود همواره یک رهاننده و نجات دهنده را می‌جستند تا روزی به پا خیزد و ظالمان و بیدادگران را از میان بردارد و جهان را از عدل و داد پر کند. هر قوم و ملتی که بیشتر تحت فشار و ظلم و ستم قرار گیرد، عقیده به مهدی و نجات دهنده در وی راسخ‌تر می‌شود.

چنان که می‌دانیم بعضی از پادشاهان سلوکی و اشکانی به محض آن که بر تخت می‌نشستند عنوان «سوتر» یعنی نجات دهنده بر خود می‌گذاشتند. گروه بسیاری در ادیان یهود، زرتشتی، بودایی، هندی و مسیحی؛ در انتظار منجی و رهاننده‌ای هستند.

به اعتقاد اغلب آنها، این رهانندگان، که انتظار ایشان را دارند، در پایان روزگار و آخرالزمان ظهور خواهند کرد. با توجه به این عقیده، ظهور مهدی آرزوی طبیعی بشر مظلوم است که به امید قیام او دل دردمند خویش را آرامش میدهد.<sup>(1)</sup>

ص: 160

---

1- تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام، محمد جواد مشکور: ص 124.

مهدویت مصدر جعلی مهدی، به معنای مهدی بودن است. در اصطلاح، اعتقاد به ظهور مهدی (علیه السلام) را گویند که از جمله معتقدات اصولی مذهب شیعه اثنی عشری است و همان پدید آمدن حکومت عدل جهانی است. این موضوع در اسلام به قدری مسلم است که در مورد آن کتاب‌هایی تألیف شده است که تاریخ نگارش بعضی از آنها، سال‌ها پیش از تولد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بوده است. (1)

## مهدویت در اسلام

### مهدویت از دیدگاه اهل سنت:

اهل سنت در این که مهدی موعود (علیه السلام) از نسل پیامبر (صلی الله علیه واله) و از فرزندان زهرای اطهر (علیها السلام) است و او زمین را از عدل و داد پر میکند، پس از آن که از جور و ستم پر شده باشد و عیسی مسیح (علیه السلام) از آسمان نازل می‌شود و در پشت سر آن حضرت نماز می‌خواند، مردم در عصر آن حضرت در رفاه زندگی می‌کنند و این که مهدی، از نسل امام حسین (علیه السلام) است، تردید ندارند و با تمام خصایص و خصلت‌های امام حسین (علیه السلام)، او را می‌شناسند و به دلیل روایات متواتری که در این باب از پیامبر تا وارد شده، ابدأ نسبت به وجود آن حضرت به خود تردید راه نمی‌دهند. اگرچه بیشتر آنها به دلایل شبهات واهی که دارند (از قبیل این که پنج ساله چگونه به مقام امامت می‌رسد و انسان چگونه می‌تواند این همه عمر کند) انکار می‌کنند که آن حضرت پسر بلاواسطه‌ی امام حسن عسکری (علیه السلام) و خلیفه‌ی دوازدهم رسول خدا (صلی الله علیه واله) باشد، با شیعه در شخص امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم عقیده نیستند؛ ولی در اصل مهدویت و این که موعود

ص: 161



ملل، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، بحثی ندارند. (1)

بسیاری از بزرگان اهل سنت احادیث درباره ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در کتاب هایشان آورده اند؛ مانند احمد حنبل، ابی داود، ابن ماجه، ترمذی، مسلم، نسائی، بیهقی، ماوردی، طبرانی، سمعانی، رؤیانی، ابن قتیبه در کتاب غریب الحدیث و ابن عساکر و دارقطنی در مسند فاطمه زهرا (علیها السلام) و کسایی در مبتدا و ابن عبدالبر در استیعاب و نظایر آن. (2)

احادیث نبوی، در مورد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کتاب ها و اسناد عالمان مذاهب اسلامی به اندازه های فراوان است، که در موضوع های دیگر کمتر به آن اندازه حدیث رسیده است. این واقعیت یعنی کثرت احادیث یاد شده و فراوانی و گوناگونی راویان آن، در مآخذ و طرق روایی اهل سنت، به خوبی چشمگیر است و باعث شده تا دانشمندان علم حدیث و حفاظ بزرگ سنی، در موارد بسیاری به «متواتر» بودن احادیث مهدی، تصریح کنند.

این موضوع که مسأله مهدی، مسأله های اسلامی و قطعی است، به اندازه ای مسلم و مشهور است که حتی لغت نویسان و واژه نویسان و واژه شناسان اهل سنت نیز، در ذیل کلمه «مهدی»، آن را مطرح کرده اند. (3)

در زمینه ی مهدویت و اعتقاد اهل سنت و شیعه زمینه های مشترک و مورد اتفاق فراوانی است؛ البته موارد اختلاف نظری نیز وجود دارد که آنها را بررسی می کنیم.

ص: 162

1- موعودنامه: ص 712.

2- منتخب الاثر: ص 4.

3- خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی: ص 82

زمینه های مشترک بین اهل تسنن و شیعه ی دوازده امامی در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بسیار زیاد است که همه ی آنان بر اصل اعتقاد به درست بودن چنین ایده ای اتفاق نظر دارند و هر کسی را که منکر آن شود نادان تلقی می کنند.

هم چنین مسلمانان اتفاق نظر که مهدی از قبیله ی قریش و خصوصا از اهل بیت پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) و بالاخص از نوادگان حضرت علی و فاطمه (علیها السلام) است.

علاوه بر این، وی را آخرین خلیفه و جانشین حضرت محمد (صلی الله علیه واله) در بین دوازده امام می دانند و برپایی حکومتش را قطعی و حدود قدرت و سلطه ی آن حضرت را جهان شمول میدانند؛ زیرا که حکومت او وعده های الهی است که نص قرآن بر آن تأکید دارد و سرانجام آن که شیعه و سنی بر حتمی بودن پیش آمد برخی حوادث، اتفاق ها و علایم ظهور ایشان اشاره دارند.

### 1. اتفاق نظر مسلمانان در اصل قضیه مهدویت

علمای سنی همگی بر اصل قضیه مهدویت تأکید دارند. قاضی شوکانی در مورد احادیث مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می گوید: «احادیث مرتبط با مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدون هیچ گونه شک و شبهه ای متواتر است؛ وصف تواتر بر تمامی اصطلاحات نگاشته در علم اصول بر کمتر از این هم صدق پیدا می کند. پس چگونه می توان با فراوانی حدیث در مورد ایشان، آنها را متواتر ندانست؟»

### 2. اشتراک نظر در لزوم اعتقاد به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

مسأله ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جمله مسایل غیبی الهی است که

وحی نیز در مورد آن خبر داده است. متون و نصوص دینی مورد اعتماد همه ی مسلمانان نیز، لزوم ایمان و اعتقاد به چنین مسایلی که در قرآن و سنت ذکر شده اند را مورد تأکید قرار داده است.

شیخ ناصر الدین البانی از علمای اهل سنت در این باره چنین می گوید: «اعتقاد به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اعتقادی ثابت است و احادیث متواتری از نبی اکرم (صلی الله علیه واله) ساله در مورد وجوب ایمان به قیام ظهور ایشان نقل شده است؛ زیرا این اعتقاد از امور غیبی است و ایمان به چنین اموری از جمله نشانه های پرهیزگاران است».

در نتیجه اعتقاد به ظهور و قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با توجه به وجوب ایمان به قضا و قدر الهی، نکته ای است که احادیث معتبر منقول از رسول خدا (صلی الله علیه واله) مثل حدیثی که جابر بن عبدالله انصاری از ایشان نقل کرده، بر آن تصریح دارند.

حضرت محمد (صلی الله علیه واله) می فرمایند: «هر کس قیام مهدی را منکر شود، به وحی ای که بر محمد نازل شده کفر ورزیده است؛ زیرا جبرئیل به من خبر داده که خداوند عزوجل می فرماید: هر کس که به قدر، چه خیر و چه شر ایمان نداشته باشد، برود و برای خود خدایی جز من برگزیند».

### **3. اتفاق نظر بر این که مهدی از سلاله اهل بیت (علیه السلام) است**

روایات و اخبار صحیحی که از شیعه و سنی نقل شده، گواه بر این است که مسلمانان در مورد مسأله مذکور متفق القول اند؛ از جمله سعید بن مسیب نقل کرده: «نزد ام سلمه بودیم. صحبت از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به میان آمد. ایشان گفتند: از رسول خدا (صلی الله علیه واله) شنیدم که فرمودند: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از عترت من و از فرزندان فاطمه (علیها السلام) است».

روایاتی که از نسبت ایشان به اهل بیت (علیه السلام) خبر می دهند به حد تواتر رسیده است.

#### **4. اتفاق نظر مسلمانان در قطعیت برپایی حکومت مهدی**

در این مورد نیز روایات و احادیث صحیح و صریح فراوانی در کتب اخبار، ملاحم و فتن و شرایط آخرالزمان در منابع اهل تسنن و نیز در منابع شیعه دوازده امامی نقل شده است که در آنها سخن از برقراری حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به میان آمده است. از ابن مسعود روایت کرده اند که پیامبر (صلی الله علیه واله) فرموده: « عمر دنیا به پایان نخواهد رسید تا روزی که مردی از اهل بیت من به نام مهدی، ولایت و رهبری امت را بر عهده گیرد».

#### **5. وحدت نظر مسلمانان در جهانی بودن حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

آیات فراوانی از قرآن کریم و روایات کثیری، چه از طریق شیعه و چه سنی، از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) نقل شده و تأکید می کنند که حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهانی است.

این منابع، هم چنین بر مژدهی پیروزی اسلام بر تمامی دشمنان دین در سراسر گیتی و چیرگی آن بر همه ی ادیان و آیین های کفر و شرک و رژیم های منحرف و فاسد، تأکید دارند.

آیاتی مانند: 32 و 33 توبه، 19 و 85 آل عمران، 5 قصص و نظایر آن به بیان این نکته پرداخته اند.

روایتی طولانی از حذیفه بن یمان به نقل از پیامبر (صلی الله علیه واله) در مورد مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل شده که می فرماید: «مردم در میان رکن و مقام کعبه با مهدی بیعت می کنند. خداوند به وسیله ی ایشان دین را زنده می کند و سرزمین های مختلف را فتح می کند. در نتیجه در

روی زمین کسی نمی ماند جز آن که گوید: لا اله الا الله»

## 6. توافق مسلمانان بر برخی از نشانه های ظهور

اخبار و روایات وارده در کتب ملا-حم و فتن شیعه و سنی حاکی از آن است که قبل از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پدیده هایی به وقوع می پیوندد که نشانه ی قریب الوقوع بودن ظهور حضرت و برپایی انقلاب اسلامی ایشان و انجام وعده الهی است. این نشانه ها که مورد توافق شیعه و سنی است، بسیار زیاد هستند و روشن ترین آنها دو نشانه دارند:

اولین نشانه، برپایی حکومت اسلامی در کشور ایران است که مقدمه انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و در حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه واله) به این موضوع اشاره شده است. حضرت محمد (صلی الله علیه واله) فرمود: «مردمی در مشرق زمین قیام می کنند که زمینه ساز حکومت مهدید هستند».

ثوبان نیز از رسول خدا (صلی الله علیه واله) روایت کرده است که فرموده اند: «هر زمان دیدید که پرچم های سیاه از سمت خراسان پیش می آید ولو با الغزیدنروی برف باشد، به آنان بپیوندید».

دومین نشانه، دولتی در شامات تشکیل می شود که با حکومت امام زمان (صلی الله علیه واله) مخالف است. رهبری این حکومت را فردی از بنی امیه بر عهده دارد. او در روایات اسلامی به سفیانی مشهور است و راجع به او شیعه و سنی روایات فراوانی نقل کرده اند.

عایشه از پیامبر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل کرده که ایشان فرموده اند: «سپاهی قصد حمله به کعبه را دارند و همین که به صحرائی می رسند، تمام آن لشکر به کام زمین فرو می روند».

در کتب صحاح سته نیز مدفون گشتن و فرورفتن سفیانی همراه با لشکرش به عمق زمین نقل شده است. سفیانی بعد از آن که خبر

سلطه ی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر حجاز را می شنود، همراه با سپاهش به سوی مکه راهی شده تا حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نابود سازند.

7. اتفاق نظر مسلمانان در نماز خواندن حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سر حضرت مهدی (علیه السلام)

در این باره، در کتب صحاح سته و در احادیث معتبر اهل بیت (علیه السلام) اخبار فراوانی آمده است.

مسلم در صحیح خود به نقل از جابر بن عبدالله انصاری آورده است که می گوید؛ از پیامبر اکرم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شنیدم که می فرمود: «در میان امت همیشه گروهی هستند که تا روز قیامت و با حمایت و پشتیبانی الهی در دفاع از حق می جنگند تا آن که عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود می آید، فرمانده ای به عیسی (علیه السلام) می گوید: بیا و بر ما نماز بگذار. عیسی (علیه السلام) می گوید: خیر، در بین شما کسی هست که این کار را انجام میدهد. خداوند امت اسلام را عزیز و گرامی داشته است».

### زمینه های مورد اختلاف مذاهب اسلامی در مسأله مهدویت

مسلمانان شیعه و سنی با وجودی که بر وجوب اعتقاد به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حتمی بودن برپایی حکومت اسلامی و جهانگیری آن اتفاق نظر دارند؛ اما در برخی نکات جانبی مرتبط با ایشان و خود حضرت (علیه السلام) اختلاف دارند.

از جمله مسایلی که مورد اختلاف مسلمانان است، می توان به مساله ولادت ایشان، نام پدرشان، جد بزرگوارشان که آیا امام حسن (علیه السلام) است یا امام حسین (علیه السلام)، اشاره کرد.

همچنین درباره ی غیبت امام، امکان زنده بودن و باقی ماندنشان در طول این همه سال و راجع به عصمت حضرت نیز اختلاف دارند

که در ادامه به بیان آنها می پردازیم:

### 1. اختلاف در ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اغلب برادران اهل سنت منکر متولد شدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند. آنان میگویند: او در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد، البته بیش از هفتاد نفر از دانشمندان اهل تسنن در مورد تولد ایشان، همان نظری را ارائه می کنند که شیعه در این باره گفته است.

### 2. اختلاف مسلمانان درباره نام پدر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که نام پدر مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عبدالله است و در این باور خویش به حدیثی از پیامبر اکرم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در سنن ابوداود نقل شده، استناد می کنند. حضرت محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن حدیث فرموده اند: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم نام من است و نام پدرش نیز نام پدر من است».

اما امامیه اعتقاد دارند که پدر وی، امام ابومحمد حسن عسکری یازدهمین امام و از اهل بیت (علیه السلام) هستند و شواهد حاکی بر این است که حدیث مذکور جعلی بوده است.

### 3. اختلاف درباره جد بزرگوار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

گروهی از علمای اهل سنت گفته اند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان فاطمه (علیها السلام) ولی از نسل امام حسن (علیه السلام) مجتبی (علیه السلام) است. این اشخاص برای ادعای خود دو دلیل دارند:

الف. مبنای دلیل اول آنان روایتی است که از علی بن ابی طالب (علیه السلام) نقل شده است و بر اساس آن، حضرت علی (علیه السلام) به چهره فرزندش امام حسن (علیه السلام) نظر افکنده و فرموده اند:

«پسرم حسن، همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرموده، سرور و آفاست و از صلب او کسی متولد خواهد شد که هم نام رسول خدا (صلی الله علیه واله) است».

به دلیل دوم؛ به عقیده ی اهل سنت این مسأله که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان امام حسن (علیه السلام) است، سر لطیفی دارد و آن این است که امام حسن (علیه السلام) به خاطر رضای خدا از خلافت کناره گرفت و به همین خاطر پروردگار متعال در میان ذریه و نسل او فردی را قرار داد که خلافت به حق و عادلانه اش سراسر زمین را فرا می گیرد.

این دو دلیل ذکر شده - که هر دو باطل و بی پایه و اساسند - را ابن جوزیه ارائه کرده است؛ لکن درباره ی این حدیث باید گفت: دانشمندان اهل سنت و از جمله ابن جوزیه، که به علم جرح و تعدیل آگاهند، همگی بر ضعف اعتقاد و سست ایمانی اشخاصی که این حدیث را نقل کرده اند، معترف هستند و نیز بر مورد اعتماد نبودن و موثق نبودن اسناد آن، اتفاق نظر دارند؛ زیرا خود ابن جوزیه نیز به ضعف بودن این حدیث قایل است.

در مورد دلیل دوم نیز چیزی جز تحریف واقعیتها، حوادث و وقایع مشهور تاریخی نیست؛ زیرا امام حسن (علیه السلام) هیچ گاه از حق خود نگذشت و وقایع تاریخی به خوبی این قضایا را نقل می کند.

اما علمای شیعه در این مورد، دلایل و مستندات تاریخی ارائه میدهند که براساس آنها مهدی منتظر فرزند امام حسن (علیه السلام) عسکری (علیه السلام) از نوادگان امام حسین (علیه السلام) است، به گونه ای که ده ها تن از دانشمندان اهل سنت این مسأله را تأیید می کنند.



4. اختلاف مسلمانان درباره عصمت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که عصمت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نه تنها امری غیر قابل تصور است؛ بلکه برعکس آنان به عصمت حضرت عقیده ای ندارند آنان ایشان را انسانی عادی به حساب می آورند که احتمال ارتکاب برخی گناهان و معصیتها، مثل هر انسان دیگری، از او می رود و آن زمان که پروردگار متعال ایشان را به عنوان خلیفه ی خویش برگزیند، توبه اش را می پذیرد و در یک شب او را از گمراهی و گناهان می رهاند.

اهل سنت در این باور به حدیثی منقول از نبی اکرم (صلی الله علیه واله) استناد می کنند که فرموده اند: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ما اهل بیت است و خداوند وی را در یک شب اصلاح می کند».

همه ی علمای شیعه چنین نظریه ای را در مورد ولی خدا مهدی منتظر رد می کنند. دانشمندان شیعه در توضیح وجوب عصمت انبیا و اوصیا الهی ادله عقلی و شرعی مشهوری ارائه میدهند و به وسیله ی آن، ایشان را از ارتکاب گناهان کبیره و صغیره مبرا میدانند.

قرآن و احادیث موجود، مؤید وجود عصمت در امامان و اهل بیت (علیه السلام) هستند.

5. اختلاف امت اسلامی در غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

علمای شیعه اتفاق نظر دارند که سال غیبت مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، سال 261 ه ق است. آنان بر این باورند که ایشان همچنان زنده هستند تا زمانی که خداوند متعال اجازه ظهور به ایشان دهد.

علمای شیعی چنین باوری را براساس تکیه بر احادیث و

روایت های نقل شده از نبی اکرم و اهل بیتش (علیه السلام) در باب غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اظهار داشته اند؛ روایاتی که پیش از رخ دادن غیبت و یا قبل از تولد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صادر شده است.

با این که غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امری اثبات شده است؛ اما دانشمندان اهل سنت اعتقادی به غایب بودن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ندارند. آنان در رد غیبت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو دلیل می آورند. در دلیل اول خود می گویند: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فرزند حسن عسکری،

فوت کرده است. آنان در دومین دلیل اظهار می کنند که امکان زنده ماندن

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طی قرن های متمادی بعید است.

در پاسخ آنها باید گفت: این که می گویند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وفات یافته، تنها ادعایی بی اساس است؛ چرا که متکی بر هیچ سند و برهانی نیست و بنا به ادله ی تاریخی، به دنیا آمدن ایشان به اثبات رسیده است و تعدادی از مورخان و علمای اهل سنت بر آن صحه گذاشته اند و به آن گواهی داده اند و مورد وفات آن حضرت نیز در هیچ کجا هیچ چیزی بیان نشده است.

اما این که برخی زنده بودن انسانی را طی قرون متمادی ناممکن میدانند و اظهار می کنند که چنین امری با طبیعت و سرشت اشیا و سنت های جاری عمر بشر تضاد دارد، کاملاً مردود است؛ زیرا تعدادی از پیامبران و اولیای الهی وجود دارند که دهها قرن می زیسته اند و بعد فوت کرده اند. از لحاظ علمی نیز این امر امکان پذیر است.

احادیث و روایات بسیاری مؤید این موضوع هستند.

خلاصه آن که در اعتقاد به غیبت امام مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برخی از

دانشمندان و علمای بزرگ اهل تسنن با شیعه امامیه هم عقیده هستند؛ از جمله آنان شیخ و عارف بزرگ عبدالوهاب شعرانی است. متن سخنان دانشمند مذکور در این باره به شرح ذیل است:

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده است، اشخاص زیادی از بزرگان دین و حافظان حدیث و بزرگان اسلام، با او دیدار و ملاقات داشته اند. مسلمانان در انتظار قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند. او فرزند امام حسن (علیه السلام) عسکری (علیه السلام) است. در شب نیمه شعبان سال 255 ه. ق به دنیا آمد و از آن زمان تاکنون زنده است تا با عیسی (علیه السلام) بن مریم (علیها السلام) همراه شود. بنابراین عمر او تا دوران ما، که سال 958 ه. ق است، 706 سال می شود و نیز شیخ حسن عراقی، که بر روی تپه ریش مشرف بر، برکه رطلی در مصر مدفون است، در ملاقاتی که با حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داشته، موضوع مذکور را تأیید کرده است. هم چنین شیخ و سرورم علی خواص نظر ایشان را مورد تأیید قرار داده است. (1)

### مهدویت از دیدگاه شیعه

شیعه معتقد است که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فاطمی است؛ یعنی از فرزندان آن بانوی بزرگوار است و پسر امام حسن (علیه السلام) عسکری (علیه السلام) و دوازدهمین امام و جانشین پیامبر است. شیعه برخلاف سایر فرق اسلامی معتقد است که زمین هیچ گاه خالی از حجت نخواهد بود؛ لذا یکی از امتیازاتش از سایر فرقه ها، اعتقاد به مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با نام و نشان است.

شیعه درباره‌ی وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور او در آخرالزمان کتاب های بسیاری تألیف کرده، همچنین مقالات و رساله های

ص: 172

---

1- همراه با مهدی منتظرنا، مهدی فتلاوی، ترجمه: بیژن کرمی، فصول دوم و سوم.

بسیاری نوشته است. این نوشتن عمدتاً از زمان امام حسن عسکری (صلی الله علیه واله) شروع شد و تا عصر حاضر ادامه یافته است.

در باب مهدویت، عقیده‌ی مذهب شیعه این است که مهدویت خاصه صحیح و مقبول است و به تعبیر دیگر آنچه مورد پذیرش است مهدویت شخصی است، نه مهدویت نوعیه.

عقیده مبرهن و مستدل مذهب شیعه آن است که مهدویت، مهدویت شخصی است؛ یعنی یک فرد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این امت است و موعود امت‌ها و ملت‌هاست و ابعاد و ویژگی‌های او مشخص است.

خانواده اش، پدر و مادرش، محل ولادت و غایب شدن و نشانه‌های ظهورش و حتی خصوصیات جسمی او و در یک کلام همه‌ی ابعاد مربوط به او اعلام شده است و با این مشخصات و ویژگی‌های ذکر شده، ما فقط یک مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را قبول داریم. آری یک فرد به عنوان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که تمامی این خصائص، ویژگیها و نشانه‌ها را دارد. از دیدگاه شیعه، مسأله‌ی مهدویت و نوید ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از مسایل بسیار حیاتی اسلام به شمار می‌رود و به اندازه‌ی اهمیت دارد که اعتقاد به ظهور حضرت، در ردیف وقوع قیامت، و تکذیب و تصدیقش در ردیف تکذیب و تصدیق رسول اکرم (صلی الله علیه واله) است. از نظر شیعه مهدویت یک مسأله کهن و ریشه دار است و سابقه‌ی آن به نخستین روزهای طلوع فجر اسلام و دوران شخص نبی اکرم (صلی الله علیه واله) برمی‌گردد.

به اعتقاد شیعه، علاوه بر آیات متعددی که در قرآن کریم وارد شده است و پیشوایان دینی، آنها را به وجود مقدس مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تفسیر کرده‌اند؛ صدها حدیث معتبر و متواتر از حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه واله) و جانشینان آن حضرت صادر شده که در آن

صفات، خصوصیات و جزئیات زندگی آن منتظر موعود و این که پس از تولد دو بار غیبت خواهد داشت و پس از غیبت طولانی ظهور خواهد کرد و با تشکیل حکومت واحد جهانی، جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد، بیان شده است. شیعیان براساس روایات عقیده دارند که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود سری از اسرار حق و آخرین برگزیده الهی است و او پس از تولد از نظرها غایب شده است و پس از مدت زمان طولانی ظهور می کند و او حجه الله، خلیفه الله و بقیه الله است.

مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل پاک پیامبر خدا، علی و زهرا (علیها السلام) و نهمین نفر از فرزندان امام حسین (علیه السلام) و فرزند بلافصل امام حسن عسکری (علیه السلام) است. شیعیان دوازده امامی عقیده دارند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هم نام و هم کنیه پیامبر (صلی الله علیه واله) است و او هم اکنون زنده است و هنگامی که خداوند اجازه ی ظهورش دهد قیام می کند و زمین را از عدل و داد پر می کند.

شیعیان طبق وعده های انبیاء سلف (علیه السلام)، نویدهای کتب مذهبی و وعده های صریح قرآن کریم عقیده دارند که آن گاه که اخلاق و معنویت از میان بشر رخت بریندد و ظلم و ستم همه جا را فراگیرد و اسباب ظهور مهیا شود، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به فرمان حق قیام می کند. با آمدنش هیچ حکومت باطلی روی زمین باقی نمی ماند. مرزهای جغرافیایی میان کشورها برداشته می شود، مظاهر شرک، کفر و بی عدالتی از بین می روند، عدالت اجتماعی تأمین می شود، هر حقی به صاحب حق می رسد و در سراسر جهان، تنها یک نظام حکومت می کند و آن نظام عادلانه ی اسلام و احکام نجات بخش آسمانی قرآن کریم است. [\(1\)](#)

ص: 174

در حوزه ی تفکر اسلامی، هنگامی که از گرایش آرمانی سخن می رود، تشیع مقامی ویژه می یابد؛ زیرا چنین گرایشی به مفهوم امید به آینده ای درخشان توأم با عدالت اجتماعی در جوهر اعتقادات شیعه نهفته است. پشتوانه این گرایش احادیث و اخباری است که ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در آخرالزمان بشارت داده اند. بنابراین شیعیان بر این باورند که تاریخ بشری به رغم فراز و نشیب ها، فرجامی خجسته دارد و با ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کار جهان به سامان می رسد و آدمی رستگار می شود. حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را وعده ایست مقرر که بر احادیث و اخبار استوار است و شیعیان آن را امری محترم و متحقق در آینده می دانند.

احادیث و اخباری که ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و حکومت او را بشارت میدهند، همگی دورنمای یک نظام آرمانی را در آینده ترسیم می کنند. نظامی که همه ی آرزوهای بشر را برآورده می کند و در آن آسایش، رفاه، برابری و برادری بر زندگی سایه می افکند.

احادیث راجع به مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همگی از حاکمیت او بر پهنه زمین حکایت دارند. در حدیثی آمده: «.. مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هنگام انقلاب احوال مردم و اوضاع متزلزل قیام کند و زمین را پر از عدل و داد کند، چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از حکومت او راضی خواهند بود...». این حکومت جهانی خود نتیجه واقعیت دیگری است و آن یکسانی دین و اخلاق در میان تمام اقوام و ملتهاست؛ زیرا با ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه ی آدمیان اسلام خواهند آورد و احکام اسلام قلمرویی به گستردگی جهان خواهد یافت. از این رو دستگاه حکومتی مجری آن احکام، تنها در اختیار امام است. او رهبر یگانه دین و دولت است و مردم رفتار و کردار خود را با

احکام، فرمان‌ها و قانون‌هایی که وضع می‌کند، منطبق خواهند ساخت.

با برقرار شدن حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و برابری کامل بر زندگی آدمیان حاکم خواهد شد. این معنی در بیشتر احادیث و اخبار راجع به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تأکید شده است. این برابری را در دو حوزه اقتصاد و اجتماع بررسی می‌کنیم. برابری اقتصادی در دو معنی به کار می‌رود؛ 1. برخورداری همه مردم از نعمتهای مادی و تولید جامعه به صورت یکسان؛ 2. برابر بودن همه ی آدمیان در دسترسی به امکاناتی که لازمه فعالیت اقتصادی است.

آنچه راجع به حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گفته می‌شود، از برابری اقتصادی در وجه نخست آن خبر می‌دهد؛ زیرا خود امام اموال را به تساوی میان مردم تقسیم می‌کند.

برابری اجتماعی نیز ایجاد میشود. در مورد امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گفته شده که وی دل‌ها را به هم پیوند می‌دهد و بعد از دشمنیها، آنها را با هم برادر می‌کند. بردگی را که خود آشکارترین و ظالمانه‌ترین نوع برابری است، از میان برمی‌دارد؛ چرا که همه مسلمانانی را که به بردگی فروخته شده اند باز می‌خرد و آزاد می‌کند. تمام مردم با هم به احترام و دلسوزی رفتار می‌کنند. کسی بر دیگری برتری و امتیازی ندارد. بزرگ بر کوچک، ترحم و کوچک بزرگ را احترام می‌کند.

در حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آسمان باران رحمت خود را بر مردم فرو می‌بارد و زمین از رویدنی‌های خود، چیزی فرو نمی‌گذارد. افزون بر این، روابط اجتماعی بر پایه ی صلح و آشتی استوار می‌شود و کینه و دشمنی از میان مردم رخت می‌بندد و جای خود را به برابری و

برادری می دهد. زندگی آدمی نه تنها در ساحت اجتماعی که در ساحت طبیعی نیز با آرامش و آسایش قرین می گردد. انسان به آغوش طبیعت باز می گردد و به پاداش کردار نیک و پرهیزکاری از مواهب آن بهره مند می شود. (1)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به فتح میم و کسر دال، اسم مصدر هدایت است و معنی راه یافته و هدایت شده دارد و از مشهورترین القاب امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در اصطلاح به معنی شخصی است که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. چنان که در حدیث آمده: «یملأ الأرض عدلاً وقسطاً بعد ما ملئت ظلم و جور»؛ یعنی «زمین بیداد و ستم گرفته را پر از عدل و داد خواهد کرد». از پیغمبر روایت شده: «لو لم یبق من الدهر الا یوم لبعث الله رجلاً من أهل بیتی یملاءها عدلاً کما ملئت جوره» و نیز آمده: «لو لم یبق من الدنیا الا- یوم لطول الله ذلک الیوم حتی یبعث الله فیہ رجلاً- منی او من اهل بیتی یواطی اسمہ اسمی...»؛ یعنی اگر تنها یک روز از عمر دنیا بماند، خداوند آن روز را به درازا خواهد کشید تا این که از اهل بیت (علیه السلام) من مردی برخیزد و اوست که زمین بیداد و ستم گرفته را پر از عدل و داد کند».

شیعه امامیه مهدویت را شخصی می داند نه نوعی و عقیده دارد که رشتهدایت به وراثت از رسول خدا (صلی الله علیه واله) به جانشین راستین او علی بن ابیطالب کشانیده شده است و از وی به فرزندان او تا قائم آل محمد رسیده است. ایشان امامان را مانند پیغمبر ملهم از جانب خدا می دانند و می گویند که امام ریاست عامه دارد، مقام او مافوق بشر عادی است و علم او لدنی است نه اکتسابی

ص: 177



روح و نور خدایی در امام عصر تجلی کرده است و او را از سطح بشر عادی فراتر می برد و وی را قادر می سازد که قرن‌ها بلکه هزاران سال بی هیچ گزند و آزاری و بدون ضعف و پیری با بدن جسمانی که در بشر عادی موجب کون و فساد است، زندگی کند تا به امر خدا از مکنن غیب ظهور فرماید. مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را دو غیبت دارد، یکی غیبت صغری به مدت 69 سال از 260 تا 329 ه. ق و دیگری غیبت کبری از سال 329 ه. ق به بعد که هنوز نیز ادامه دارد. (1)

عقیده به وجود یک مصلح جهانی به نام «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» در بین شیعه امامیه موج بیشتر و گسترده تری دارد؛ زیرا اگر اهل تسنن آن را به عنوان یکمسأله فرعی مسلم پذیرفته اند، شیعه آن را جزو اصول اصلی می داند؛ چون سلسله امامان دوازده گانه به او ختم می شود و او خاتم الاوصیا است. بعضی از پژوهندگان مسایل اسلامی تعداد روایاتی را که از طریق اهل تسنن در این زمینه وارد شده، به 200 حدیث تخمین زده اند؛ در حالی که روایات وارد شده از طرق شیعه در این موضوع شاید بالغ بر یک هزار حدیث میشود.

اگر روایاتی که از مصلح بزرگ جهانی سخن می گوید نزد اهل تسنن از روایات متواتره است، نزد شیعه از «ضروریات مذهب» محسوب می شود.

روایات فراوانی درباره ی مشخصات جسمی و روحی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، نشانه های ظهور، کیفیت حکومت، انقلاب جهانی او و سایر موضوعات مربوط به این قیام بزرگ وجود دارد.

از مجموع این احادیث روشن می شود که مصلح بزرگ جهانی، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود دارای مشخصات ذیل است:

ص: 178

الف. از خاندان پیامبر (صلی الله علیه واله) و فرزندان او است.

ب. از فرزندان امام حسین (علیه السلام) است.

ج. دوازدهمین پیشوا پس از پیامبر (صلی الله علیه واله) است.

د. فرزند حسن بن علی العسکری است.

ه دنیا را مملو از عدل و داد خواهد کرد.

و حکومت جهانی در اختیار او قرار می گیرد.

ز. مستضعفین و استعمارشدگان در عصر او از قید و زنجیر اسارت آزاد می شوند و جنگها برچیده می شود و صلح و آرامش و عمران جای آن را می گیرد. (1)

### منطق مخالفان احادیث مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

از جمله افرادی که از اهل سنت احادیث مربوط به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نپذیرفته اند، ابن خلدون مورخ معروف و احمد امین دانشمند مصری معاصر است؛ هر چند اکثریت قاطع دانشمندان اسلامی نظر آنان را رد کرده اند. مجموع ایرادهای این گروه را می توان در 5 موضوع خلاصه کرد:

1. اسناد اخبار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معتبر نیست!

. اخبار مزبور با عقل سازگار نیست!

3. این اخبار مورد سوء استفاده مدعیان مهدویت قرار می گیرد؟

4. وجود این اخبار سبب رکود و سستی در جامعه اسلامی می شود؟

5. این اخبار به سود شیعه و عقاید آنها تمام می شود؟

از این ایرادها برداشت می شود که مخالفت با احادیث مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ص: 179

1- حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): ص 173.

چهره ای ظاهری دارد و آن به اصطلاح ضعیف سند روایی است که در این زمینه نقل شده، یا ضعیف دلالت آنها است و قیافه ی واقعی در پشت این چهره قرار گرفته که انگیزه آن تعصب خاص مذهبی و پاره ای مصلحت اندیشی های بی دلیل است و در هر حال منطق مخالفان کاملاً سست است؛ زیرا:

- اولاً: احادیث مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را همان گونه که قبلاً اشاره شد، علاوه بر شیعه جمعی از معروف ترین محدثان اهل سنت در کتبی، که از معتبرترین و معروف ترین کتب آنها محسوب می شود، نقل کرده اند. جمع کثیری به تواتر آنها اعتراف کرده اند؛ بنابراین طبق معیارهای سنجش حدیث این احادیث کاملاً قطعی هستند. از این گذشته در میان احادیث مزبور، احادیث صحیح و معتبری هست که محدثان اهل سنت نیز به صحت آنها اعتراف کرده اند؛ بنابراین انکار احادیث از این راه یعنی راه تضعیف سند به کلی بی اساس است.

ثانیاً: در احادیث مزبور مطلبی بر خلاف عقل دیده نمی شود که سبب شود آنها را انکار کنیم و هر قدر مضمون بعضی از آنها خلاف عادی به نظر برسد، بالاتر از معجزات انبیای سلف نیست و استبعاد نمی تواند مانع از قبول آنها شود.

به علاوه احادیث مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به واحدی به هم پیوسته نیست که همه ی آنها را یکجا بپذیریم یا رد کنیم. به عبارت دیگر، قدر مسلم احادیث مزبور یعنی قیام یک نفر از دودمان پیغمبر اکرم (صلی الله علیه واله) و از فرزندان فاطمه (علیها السلام) و به وجود آوردن انقلابی اصلاحی و عالمگیر و پر کردن زمین از عدل و داد، مطلبی نیست که جای ایراد عقلی داشته باشد؛ بلکه این موضوع موافق یک سلسله ادله عقلی است و اما پاره ای از احادیث مربوط به علایم ظهور و امثال آن اگر بعید به

نظر برسد و از نظر سند هم روشن و قابل اعتماد نباشد، آنها را می توانیم قبول نکنیم؛ ولی عدم قبول آنها ارتباطی به بقیه‌ی احادیث (ظهور حتمی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ) ندارد.

خلاصه این که ما نمی دانیم چرا بعضی روش تفکیک احادیث از یکدیگر و صرافی و نقد جداگانه آنها را در این جا نادیده گرفته اند و به چنین اشتباه کاری ها افتاده اند. .

ثالثا: احادیث مزبور اگرچه نظر شیعه را تأیید می کند؛ اما در عین حال ملازمه قطعی میان قبول آنها و قبول تشیع نیست. چه بسیارند کسانی که قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را پذیرفته اند؛ ولی به عللی شیعه نیستند و در هر صورت تعصبات ناروا نباید مانع از درک حقایق شود. این سخن درست مانند این است که کسی بگوید دکتری با من خرده حساب داشته؛ اما داروی شفابخش به من داده است. من آن را نمی خورم؛ زیرا اگر آن را بخورم و خوب شوم به نفع او تمام می شود و می گویند دکتر خوبی است!

رابعا: درست است که از این احادیث سوءاستفاده شده؛ ولی کدام

حقیقت است که در جهان مورد سوء استفاده قرار نگرفته است؟!!

آیا مدعیان دروغی نبوت یا الوهیت و یا سایر مقامات معنوی در دنیا کم بوده اند؟ آیا ادیان ساختگی در جهان کم است؟ آیا ما باید همه ی این حقایق را به جرم سوء استفاده منحرفان کنار بزنیم و مطلقا منکر خدا پرستی و نبوت انبیا شویم؟

خامسا: همان گونه که مشهود است اعتقاد به قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای افرادی که حقیقت آن را دریابند نه تنها موجب رکود و تنبلی نیست؛ بلکه مایه ی امیدواری و دلگرمی در برابر مشکلات و حوادث سخت زندگی است. همان گونه که اعتقاد به خدا و قدرت بی پایان او

به انسان در برابر مشکلات نیرو می بخشد و پناهگاه مطمئنی در برابر عوامل یأس و نومیدی ایجاد می کند؛ اعتقاد به ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز چنین اثری دارد و اصولاً انتظار قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یک عامل نیرومند حرکت و اصلاح جامعه است.

حال بعضی معنی این قیام را درست درک نکرده اند و به تبلی و شانه خالی کردن از زیر بار مسؤولیت روی آورده اند. تقصیر عدم درک صحیح آنهاست؛ همان گونه که در مسأله اعتقاد به خدا و نفوذ قدرت بی پایان او در جهان هستی نیز چنین اشتباهی برای بعضی افراد بی اطلاع پیدا شده است. خلاصه این که با این بهانه های سست نمی توان از یک واقعیت مسلم دست برداشت. (1)

## منجی در سایر ادیان

### اشاره

اصولاً اعتقاد به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نجات دهنده بشر عقیده های دیرین است که از روزگاران کهن جوامع بشری به آن باور داشته اند و در انتظار چنین شخصی بوده اند. ملت های مظلوم و اقوام ستمدیده که قدرت انتقام جویی و تلافی مظالم ستمکاران را نداشته اند در ضمیر ناخودآگاه خود همواره یک راننده و نجات دهنده را می جستند تا روزی به پا خیزد و ظالمان و بیدادگران را از میان بردارد و جهان را پر از عدل و داد کند. هر قوم و ملتی که بیشتر تحت فشار، ظلم و ستم قرار گیرد؛ عقیده به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نجات دهنده در وی راسخ تر می شود. چنان که گفته شد بعضی از پادشاهان سلوکی و اشکانی به محض آن که بر تخت می نشستند عنوان «سوتر» یعنی نجات دهنده بر خود می گذاشتند.

ص: 182

در ادیان یهود، زرتشتی، بودایی، هندی و مسیحی گروه بسیاری وجود دارند که در انتظار منجی و رهاننده ای هستند. ملل مختلف برای رهایی خود، منتظر ظهور موعودهایی هستند؛ چنان که هندوان برای نجات خویش به ظهور ویشنو و مسیحیان حبشه به رجعت پادشاه خود تنودور و مغولان به بازگشت چنگیز خان عقیده داشتند و این خاصیت هر ملت و فرقه‌ی مغلوب است که برای نجات و بازیابی شکوه از دست رفته خویش معجزه آسا منتظر نوابغ و رجال بزرگ هستند.<sup>(1)</sup>

### الف. منجی در زرتشت

در منابع زرتشتیان تصریحات بسیاری به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شده است که قسمتی از آنها را در این جا می آوریم: در کتاب «زند» که از کتب مقدسه زرتشتیان است، درباره ی انقراض اشراک و وراثت صلحا می گوید: «لشکر اهریمنان با ایزدان، دایم در روی خاکدان محاربه و کشمکش دارند و غالباً پیروزی با اهریمنان است؛ اما نه به گونه ای که بتوانند ایزدان را محو و منقرض سازند. چه در هنگام تنگی از جانب اورمزد که خدای آسمان است، به ایزدان که فرزندان اویند یاری می رسد و محاربه ایشان نه هزار سال طول می کشد. آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند و تمام اقتدار اهریمنان در زمین است و در آسمان راه ندارند، و بعد از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود می رسد، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهد نشست».<sup>(2)</sup>

ص: 183

- 
- 1- تاریخ شیعه و فرقه های اسلام: ص 124 و 127.
  - 2- بشارات عهدین، استدراکات، پس از مقدمه چاپ دوم: ص 10 و 11 و ص 237.

در بخش «گاتها» که از بخش های چهارگانه «اوستا» است، نویدهایی درباره ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و سیطره جهانی آن حضرت آمده است: «... و هنگامی که سزای این گناهکاران فرارسد، پس آن گاه ای «مزدا»! کشورت را «بهمن» در پایان برپا کند، از برای کسانی که دروغ را به دست های راستی سپرند، و خواستاریم از آنانی باشیم که زندگی تازه کنند... کسی ای مزدا؛ بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فراگیرد، با آموزش های فزایش بخش پر خرد رهاندگان. کیانند آنانی که «بهمن» به یاریشان خواهد آمد، از برای آگاه ساختن، من تو را برگزیدم ای اهورا!»

«بهمن» را نماینده ی توانایی، منش نیک، راستی و پارسایی دادار اهورامزدا، تفسیر کرده اند. جاماسب در کتاب معروف خود «جاماسب نامه» می گوید: «پیغمبر عرب، آخرین پیامبران است که در میان کوه های مکه پیدا شود و شتر سوار شود، قوم او شترسواران خواهند بود، با بندگان خود چیز بخورد، به روش بندگان نشیند، او را سایه نباشد و از پشت سر، مثل پیش رو ببیند. دین او اشرف ادیان است و کتاب او باطل می کند همه ی کتاب ها را و از فرزندان دختر آن پیغمبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد، کسی پادشاه شود در دنیا به حکم یزدان، که جانشین آخر آن پیغمبر است در میان دنیا که مکه باشد و دولت او تا به قیامت متصل است و بعد از پادشاهی او، دنیا تمام شود... همه ی جهان را یک دین کند و دین گبری و زرتشتی نماند، و پیغمبران خدا، حکیمان، پریزادان، دیوان، مرغان و همه ی اصناف جانوران، ابرها، بادها و مردان سفید رویان در خدمت او باشند...».

در «زند و هومن یسن» از ظهور شخصیت فوق العاده ای به نام

سوشیانس» - نجات دهنده ی بزرگ به خبر داده است و درباره نشانه های ظهور وی چنین می گوید: «.. نشانه های شگفت انگیزی در آسمان پدید آید که به ظهور منجی جهان دلالت می کند و فرشتگانی از شرق و غرب به فرمان او فرستاده می شوند و به همه ی دنیا پیام می فرستند... «سوشیانس» دین را به جهان رواج دهد، فقر و تنگدستی را ریشه کن سازد، ایزدان را از دست اهریمن نجات داده، مردم جهان را هم فکر و هم گفتار و هم کردار می کند». لازم به یادآوری است که اعتقاد به ظهور «سوشیانس» در میان ملت ایران باستان به اندازه های رایج بوده است که حتی در موقع شکستهای جنگی و فراز و نشیب های زندگی با یادآوری ظهور چنین نجات دهنده مقتدری، خود را از یأس و ناامیدی نجات می دادند. (1)

در کتاب ها و آثار زرتشت و زرتشتی، درباره آخرالزمان و ظهور موعود، مطالب بسیاری آمده است؛ از جمله در این کتابها: «کتاب اوستا»؛ «کتاب زند»؛ «کتاب جاماسب نامه»؛ «کتاب داستان دینیک»؛ «کتاب زراتشت نامه»..

در دین زرتشت، موعودهایی معرفی شده اند که آنان را سوشیانت» می نامند. این موعودها سه تن بوده اند که مهم ترین آنان آخرین ایشان است و او «سوشیانت پیروزگر» خوانده شده است. این سوشیانت، همان موعود است؛ سوشیانت مزدیسنان، به منزله کریشنای برهمنان، برای پنجم بوداییان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مسلمانان است.

در هر روز گاری و در میان هر قوم و امتی، و در هر سرزمینی و به زبانهر پیامبر، یا حکیم، یا بزرگی، که سخن از «موعود» رفته

ص: 185



است، به تعبیرها و اصطلاحها و نامهای متعارف در میان هر قوم و مردم بوده است و منظور از همه ی آن تعبیرها، اشاره ها و نام ها سرانجام، موعود آخرالزمان است و آن موعود، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود. (1)

در کتاب معروف «زند» پس از ذکر مبارزه همیشگی ایزدان و اهریمنان» می خوانیم: «.. آن گاه پیروزی بزرگ از طرف ایزدان می شود و اهریمنان را منقرض می سازند...»

پس از پیروزی ایزدان و برانداختن تبار اهریمنان، عالم کیهان به سعادت اصلی خود می رسد، بنی آدم بر تخت نیک بختی خواهند نشست!»!

جاماسب در کتاب «جاماسب نامه» از زرتشت نقل می کند که می گوید: «مردی بیرون آید از زمین تازیان... مردی بزرگسر، بزرگتن، بزرگساق، و بر آیین جد خویش و با سپاه بسیار، و روی به ایران نهد و آبادانی کند و زمین را پر از داد کند». (2)

## ب. منجی در یهود

### اشاره

یهود، قوم موسی (علیه السلام) و ملت معروف از نسل ابراهیم خلیل از فرزندش اسحاق است. از احادیث چنین استفاده میشود که ملت یهود به علت طغیان، سرکشی و فساد که در زمین ایجاد می کنند، سرانجام تار و مار خواهند شد؛ به گونه ای که حتی یک نفر یهودی هم در فلسطین باقی نخواهد ماند. در این جا به برخی روایات که در زمینهای طغیان و سرکشی قوم یهود و هلاکت و نابودی آنها در بیت المقدس وارد شده، اشاره می کنیم. پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «قیامت

ص: 186

---

1- خورشید مغرب: ص 52

2- حکمت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): ص 53.

برپا نمی شود تا این که مسلمانان با یهود به مبارزه برخیزند و آنها را بکشند».

عبایه اسدی می گوید: امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) تکیه داده بود و من بالای سر آن حضرت ایستاده بودم. در این هنگام شنیدم که فرمود: من در آینده، در مصر منبری روشنی بخش بنیان خواهم کرد و دمشق را ویران خواهم کرد. یهود و نصاری را از سرزمین عرب بیرون خواهم راند و عرب را با این عصای خود - به طرف حق - سوق خواهم داد». عبایه می گوید: من عرض کردم: یا امیرالمؤمنینگوی شما خبر می دهید که بعد از مردن بار دیگر زنده می شوید و این کارها را انجام می دهید! فرمود: «هیئات ای عبایه! مقصود من از این سخنان، این گونه که تو خیال کردی نیست؛ مردی از دودمان من اینها را انجام خواهد داد». (1)

آن گونه که بررسی ها نشان می دهد، پیش از اسارت قوم یهود و آوارگی آن ها توسط آشوریان، اندیشه ظهور منجی در ادبیات مذهبی، غیر مذهبی، اساطیر، افسانه ها و روایات مکتوب و شفاهی بنی اسرائیل جایی نداشته است. تنها در سده دوم پیش از میلاد بود که ظهور نجات بخش قوم خدا در افکار و اذهان یهود پدید آمد و توسعه یافت.

دانیال نبی به دنبال رنج های بی پای قوم یهود، پایان رنج ها را نوید می دهد: «در ایام این پادشاه یهود، خدای آسمان ها سلطنتی را که تا ابد جاوید خواهد ماند، بر پا خواهد کرد و این سلطنت به قوم دیگر غیر از بنی اسرائیل منتقل نخواهد شد؛ بلکه تمامی آن سلطنت ها را خرد کرده، مغلوب خواهد کرد و خود برای همیشه

ص: 187

اشعیای پیامبر نیز در پیش گویی های خود، آمدن مسیح را مژده داد و فرمود: «به ما پسری بخشیده می شود که سلطنت بر دوش او خواهد بود و او به اسم های عجیب، مشیر، خدای قادر، پدر سرمدی و سرور سلامتی خوانده می شود. ترقی سلطنت و سلامتی او بر کرسی داوود و بر کشور وی پایانی نخواهد بود تا آن که انصاف و عدالت را برای همیشه استوار گرداند».

یهودیان بنا بر آنچه در زبور داوود آمده، خود را وارثان به حق خدا بر زمین می پنداشتند؛ زیرا که شریان منقطع خواهند شد و متوکلان به خداوند، وارث زمین می شوند. «هان بعد از اندک زمانی شریر نخواهد بود؛ اما حکیمان وارث زمین خواهند شد و تا ابد میراث آنها خواهد بود؛ زیرا متبرکان خداوند، وارث زمین خواهند شد و ملعونان وی منقطع می شوند».

این اندیشه وقتی با پیش گویی های صریح اشعیای در هم آمیخت، نیرو و امیدی تازه در رگ های یهود جریان یافت. ایشان کلام اشعیای را در حافظه خود به خوبی حفظ کردند و آن را دستمایه عشق به آینده ای روشن و افتخار آمیز قرار دادند.

اما صفنیای پیامبر به نابودی رهبران دولت ها اشاره می کند و آن را مقدمه جهان شمولی دین یهود می داند: «به منظور گردآوری طوایف بشر بر یک دین حق، سلاطین دول مختلف را نابود کنیم. آن وقت برگردانیم به قومهها، لب پاکیزه را برای خواندن همگی به نام خدای و عبادت کردن ایشان به یک روش».

اندیشه حکومت جهانی مصلح براساس دین یهود ویژگیهای متفاوت از هندوایسم و زرتشت دارد؛ زیرا آنان: 1. خود را قوم

برگزیده و وارث زمین میدانند؛ 2. منجی را از نسل داوود دانسته، از این روی را متدین و مروج دین موسایی میدانند؛ 3. نبرد با سلاطین و دولت‌ها و نابودی آنان را مقدمه‌ی حکومت جهانی منجی یهود برمی‌شمردند؛ 4. هر کس که در برابر منجی قرار گیرد، شریک است و مشمول عذاب می‌شود. اگرچه تمام این موارد از اندیشه انتظار نجات دهنده در دین یهود، تفکری مهاجم ترسیم می‌کند؛ اما واقعیت آن است که یهودیان در طول تاریخ به این مسأله از دریچه‌ی مذهبی نگریده‌اند و انتظار را یک وظیفه مقدس به‌شمار آورده‌اند. تنها پس از ورود صهیونیسم سیاسی به دنیا بود که زاویه‌ی نگاه برخی یهودیان به این مسأله عوض شد و تشکیل یک حاکمیت سیاسی را راه‌گشای «عصر مسیحا» دانستند. اکنون نیز صهیونیست‌ها با سوء استفاده از تغییر نگرش به وجود آمده، خود را به‌عنوان منتظران واقعی مسیح معرفی کرده‌اند. بی‌گمان طرز تلقی صهیونیسم از مقوله انتظار و ظهور منجی، یکی از بینش‌های مشکل‌آفرین و بحران‌ساز فراروی معتقدان به آخرالزمان است. (1)

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسای کلیم (علیه السلام) میدانند منتظر موعود هستند. در آثار دینی یهود و اسفار تورات و دیگر کتاب‌های انبیای آنان، همواره به موعود اشاره شده است. اگر به مطالب کتاب «بوئت هیلد» (وحی کودک) استناد کنیم، به مطالب بسیاری درباره ظهور پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله)، قسمت‌هایی از تاریخ و احوال پیامبر (صلی الله علیه واله)، حوادث مربوط به بعثت، پاره‌ای از علایم آخرالزمان، رجعت و اشاره‌ایبه شخص حضرت حجه بن الحسن المهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و

ص: 189

حتی اشاره هایی درباره واقعه عاشورا، دست خواهیم یافت. (1)

به هر حال، چون یهودیان به حضرت مسیح (علیه السلام) ایمان نیاوردند، به طبع، موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در مجموع آنچه در آثار مقدس یهود آمده است تأمل شود، چهره سه موعود در آنها ترسیم می شود: حضرت مسیح (علیه السلام)، حضرت محمد (صلی الله علیه واله)، حضرت مهدی (صلی الله علیه واله). با این حساب، انتظار در یهودیت کیفیتی ویژه می یابد و چون این قوم، به حضرت مسیح (علیه السلام) و حضرت محمد (صلی الله علیه واله) نگریدند؛ باید در برابر مسأله موعود و انتظار بسیار حساس و نگران باشند و از این همه بشارتها و اشارتها که در کتاب ها و آیات خودشان آمده است، به سادگی و غفلت نگذرند. آنان باید از دیگر منتظران، منتظرتر باشند و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند، از این همه ظلم، خیانت، تجاوز و انسان کشی دست بردارند و از عواقب

ظلم و ستم بترسند. آنان دو موعود خود مسیح (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه واله) را نپذیرفتند؛ لیکن از دست موعود سوم رها نخواهند شد. در روایات آمده است که جماعتی از یهودیان گرد «دجال» را می گیرند و با ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فرود آمدن عیسی (علیه السلام) و کشته شدن دجال، آنان نیز قتل عام میشوند و دامنه ی تاریخ و دامن بشریت از وجود آن جماعت پاک می شود.

نام چند کتاب از کتاب های یهودیت و عهد عتیق، که در آنها سخنانی درباره موعود آمده، به این شرح است: کتاب «دانیال پیامبر»؛ کتاب «حجی (حگا)ی پیامبر»؛ کتاب «صفنیای پیامبر» و کتاب «اشعیای پیامبر». در کتاب زبور حضرت داوود (علیه السلام) نیز در این

ص: 190

1- بشارات عهدین: ص 7 به بعد.

باره مطالبی ذکر شده است؛ چنانکه «قرآن کریم»، از «زبور» و ذکر غلبه صالحان در آن، سخن گفته است: «و لقد كتبنا في الزبور، من بعد الذكر، أن الأرض پرثها عبادی الصالحون» (انبیاء / 105).

در این جا اشاره می کنیم که همه ی بشارتهای مذکور، در آثار مقدس یهود درست است؛ پاره ای تحقق یافته است و پاره ای تحقق خواهد یافت. لیکن آنان حق را نپذیرفتند، نه از زبان حضرت مسیح (علیه السلام) و نه از زبان حضرت محمد (صلی الله علیه واله) (با این که بشارت آمدن این دو پیامبر بزرگ، در کتاب های یهود آمده است؛ اما آنان از زبان شمشیر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند پذیرفت. [\(1\)](#)

پرتوی این امر را در کتب عهد قدیم (تورات و ملحقات آن) بررسی می کنیم:

در کتاب «مزامیر داوود»، مزمور 37، چنین می خوانیم: «.. زیرا که شریران منقطع خواهند شد و اما متوکلان به خدا وارث زمین خواهند شد. هان بعد از اندک مدتی شریر نخواهد بود، در مکانش تأمل خواهی کرد و نخواهد بود؛ اما حکیمان (صالحان) وارث زمین خواهند شد!»

در همان مزمور 37 (از مزامیر داوود) جمله 22 می خوانیم: زیرا «متبرکان خداوند» وارث زمین خواهند شد؛ اما ملعونان وی منقطع می شوند.

و نیز در جمله 29 همان مزمور آمده است: «صدیقان وارث زمین

شده تا ابد در آن ساکن خواهند شد».

در کتاب «حقوق» نبی، فصل 7 می خوانیم:

ص: 191

---

1- خورشید مغرب: ص 55 تا 57.

«و اگرچه تأخیر کند، برایش منتظر باش! زیرا که البته خواهد آمد و درنگ نخواهد کرد؛ بلکه تمام امت ها را نزد خویش جمع می کند و تمامی را برای خویشتن فراهم می کند».

در کتاب «اشعیای نبی» فصل 11، در بحثی که سراسر تشبیه است می خوانیم:

و نهالی از تندیس (نام پدر داوود) برآمده، شاخه ای از شاخه هایش قد خواهد کشید... ذلیلان را به عدالت حکم و برای مسکینان زمین، به راستی تنبیه (و مایه بیداری خواهد بود....

کمر بند کمرش عدالت و وفا، نطق میانش خواهد بود و گرگ با بره سکونت داشته....

و طفل کوچک راعی (شبان ایشان خواهد بود... و در تمامی کوه مقدس من هیچ ضرر و فساد نخواهند کرد؛ زیرا زمین از دانش خداوند؛ مثل آبهایی که دریا را فرو می گیرند، پر خواهد شد» (1)

### موعود یهود

یکی از پایه های اساسی و اصول مهم آیین یهود. ایه ان به ظهور ماشیح و دوره نجات گئولا» است. هر فرد یهودی که به ماشیح اعتقاد نداشته باشد و یا منتظر آمدن او نباشد، منکر سخنان حضرت موسی و سایر انبیای بنی اسرائیل است؛ زیرا موضوع ماشیح به دفعات در متون مقدس عنوان شده است.

تلمود کسانی را که به محاسبه ی دقیق زمان ظهور ماشیح می پردازند، مورد لعن قرار داده است و تنها تشویق به انتظار را توصیه می کند. از طرف دیگر، مقاطعی که آزار، شکنجه، رنج و

ص: 192

مشقت یهودیان توسط مشرکین به علت اعتقادات مذهبی و توحیدی آنها به اوج خود می‌رسید، ایمان به ماشیح و گئولا (نجات دهنده) بود که جرقه‌های امید را روشن نگه می‌داشت و باعث می‌شد که یهودیان بدترین و هولناک‌ترین مصیبت‌های تاریخ را تحمل کنند و به انتظار روز قضاوت الهی باشند (ماشیح تلفظ عبری مسیح است).

وقایع عصر گیولا (نجات نهایی): 1. احیای سنت‌های اولیه عبادت یهود؛ 2. پایان بدی و گناه؛ 3. درک الهیت و آگاهی واقعی از وجود خداوند؛ 4. پرستش و ستایش جهانی خداوند؛ 5. همزیستی مسالمت‌آمیز و صلح جهانی؛ 6. رستاخیز مردگان؛ 7. برکت، سعادت و پایان بیماری‌ها؛ 8. وقوع معجزاتی عظیم تر از معجزات خروج بنی اسرائیل از مصر.

## دوره قبل از ظهور ماشیح

زمان ظهور ماشیح که توسط خداوند تعیین شده، رازی بسیار پوشیده و پنهان است. با وجود این، نشانه‌های بسیاری در مورد شرایط آمدن او بیان شده است.

بخشی از این شرایط اضطراب‌آمیز و نگران‌کننده هستند.

آنها شمشیرهای خود را شکسته و به گاوآهن تبدیل خواهند کرد و نیزه‌های خود را به قیچی‌های شاخه‌زنی (مبدل می‌کنند). ملتی بر ملت دیگر شمشیر نخواهد کشید و دیگر جنگ نخواهند آموخت.

در کنار شرایط سخت و سهمگین، علایم و نشانه‌های مسرت‌بخش و امیدوارکننده نیز درباره زمان قبل از آمدن ماشیح پیش‌بینی شده است؛ پیشرفت و خوشبختی نسبتاً زیاد مردم دنیا،



تجدید حیات در مطالعه تورات و علوم دینی، باز شدن دروازه های عقلانی در بالا و چشمه های حکمت در پایین.

## و اما شخصیت ماشیح :

الف. ماشیح بشر خاکی: طبق آنچه در متون مذهبی یهود آمده است، موضوع ماشیح و گولا (نجات نهایی) از جمله اهداف اولیه آفرینش جهان است؛ البته این به موضوع ماشیح و روح او اشاره دارد. از نظر فیزیکی و جسمانی «ماشیح، انسانی است خاکی از اولاد بشر که به صورت عادی متولد شده است». اصل و نسب او به حضرت داوود و سلیمان می رسد. از دیگر نشانه هایش این است که صداقت و پارسایی او از بدو تولد به بعد دائما در حال افزایش است و به خاطر فضیلت و اعمال شایسته خود، به عالی ترین و والاترین درجات تکامل روحانی دست خواهد یافت.

ب. ماشیح در هر دوره: امکان آمدن ماشیح در هر دوره وجود دارد؛ اما نه به این معنی که او در وقت مناسب برای ظهور از آسمان ها پایین آمده، در زمین ظاهر خواهد شد. بلکه او همیشه روی زمین است، بشری خاکی با مقام بسیار مقدس و روحانی (صدیق) که در هر دوره وجود دارد و حاضر و ناظر است. در هر دوره، فرزندی از خاندان یهودا به دنیا می آید که برای مقام ماشیح، برانزده است». روزی که زمان گئولا (نجات نهایی) فرارسد، نشانه های (روح) مخصوص و از قبل موجود ماشیح پایین می آید و به آن «صدیق» اهدا خواهد شد.

ج. شخصیت و صفات خاص ماشیح: یشیعان نبی در وصف او چنین می گویند: روح خداوند بر او خواهد آمد. روح عقل و فهم، روح تدبیر و توانایی، روح دانش و ترس الهی و او با ترس الهی الهام

می‌گیرد. با دید چشمانش قضاوت نخواهد کرد و با شنیده گوشه‌هایش فتوا نخواهد داد. تهیدستان را با عدالت داوری کرده، برای افتادگان زمین با تساوی حقوق تصمیم خواهد گرفت و ظالمان زمین را با عصای سخن دهان خود می‌کوبد و شریران را با نفس (نسیم) لبهای خود از بین خواهد برد.

طبق عقیده‌ی هارامبام موسی بن میمون: «عقل و دانش او از حضرت سلیمان نیز بیشتر خواهد بود. او از پدران قوم یهود (ابراهیم، اسحاق و یعقوب) و نیز از تمام انبیای بنی اسرائیل که پس از حضرت موسی برانگیخته شدند، بلندمرتبه‌تر خواهد بود».<sup>(1)</sup>

مسترهاکس نویسنده آمریکایی کتاب «قاموس کتاب مقدس» درباره شیوع اعتقاد به ظهور و انتظار پیدایش «منجی بزرگ جهانی» در میان قوم یهود چنین می‌نویسد: «عبرانیان نسل به نسل منتظر قدم مبارک مسیح بودند و وعده آن وجود مبارک را در زبور و کتب انبیا علی‌الخصوص در کتاب اشعیا داده شده است. تا وقتی که یحیای تعمید دهنده آمد و به قدم مبارک وی بشارت داد؛ لیکن یهود آن نبوات (پیش‌گوئیه‌ها) را نفهمیده، به خود می‌اندیشیدند که مسیح (سلطان زمان خواهد شد و ایشان را از دست جور پیشگان و ظالمان رهایی خواهد داد و به اعلا درجه مجد و جلال ترقی خواهد کرد)».<sup>(2)</sup>

نویسنده کتاب «قاموس کتاب مقدس» در کتاب خود از یهودیان، زبان به شکایت می‌گشاید که سرانجام دعوت عیسای مسیح را پس از آن همه اشتیاق و انتظار نپذیرفتند و او را مسیح

ص: 195

---

1- موعودنامه: ص 708 تا 710.

2- قاموس کتاب مقدس: ص 806

واقعی نپنداشتند و او را با مسیح موعودی که سلطان زمان و منجیوآپسین خواهد بود و مژده اش را کتاب مقدسشان داده بود و سال ها در انتظارش در التهاب سوزان لحظه شماری می کردند، مطابق نیافتند. از این رو، با او به دشمنی برخاستند. حتی وی را جنایتکار به ملت اسرائیل، و تعالیمش را ضد آرمان اساسی کتب مقدس «عهد عتیق» (تورات و ملحقات آن) دانستند. ناچار او را به محاکمه فراخواندند و به اعدام محکومش کردند و نیز با احساس غبنی جانکاه مجدداً به انتظار مسیح موعود و رهایی بخش از رنج و ستم نشستند. (1)

### ج. منجی در مسیحیت

در کتب مسیحیت، موعود و منجی با لفظ «پسر انسان» نوید داده شده است و در واقع یک مفهوم کلی است. به هر حال مسیحیان حضرت عیسی (علیه السلام) مسیح را موعود خود می دانند.

در آیین مسیحیت و کتاب های مقدس این آیین نیز بشارتهای بیشتر و روشن تری، درباره موعود آخرالزمان رسیده است و علت آن، یکی قرب زمان است، زیرا با ظهور حضرت مسیح (علیه السلام) به زمان در مقیاس کلی به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نزدیک تر شده است. علت دیگر، تحریف کمتری است که در این آثار پدید آمده است و این نیز از جهتی به زمان مربوط می شود؛ زیرا از دوره نزول و صدور آثار مقدس یهود، زمان بیشتری می گذرد، تا دوره نزول و صدور آثار مقدس مسیحیت. این امر باعث شده تا دستتحریف و پوشیده داری، در این آثار، به اندازه آثار یهود فرصت کار نیابد. اگرچه

ص: 196

علمای مسیحی نیز در این باره کوشیده اند و در تأیید یا رد انجیلها، به این مسایل توجه داشته اند و انجیل برنابا را کمتر تأیید می کردند.

به هر حال در آثار دینی مسیحیت نیز، این بشارتها آمده است. در این جا به چند کتاب، که در آنها بشارتها و اشارت هایی درباره ظهور آخرالزمان آمده است، اشاره می کنیم: انجیل لوقا، انجیل مرقس، انجیل برنابا، مکاشفات یوحنا.

و به دلیل همین حضور در فرهنگ های گوناگون، و در عقاید و

کتاب های امتهای و ملتها است که در یکی از زیارتهای حضرت حجه بن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین می خوانیم: «السلام علی مهدی الأمم، و جامع الکلم» سلام بر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که امت ها از او سخن گفته اند، همو که همهی اقوام و افکار را متحد می کند و زیر یک پرچم گرد می آورد. (1)

نشانه هایی را که در این رابطه در کتب عهد جدید (انجیل و ملحقات آن) وجود دارد، بررسی می کنیم: در انجیل متی «فصل 24 می خوانیم:» چون که برق از مشرق بیرون می آید و تا به مغرب ظاهر می شود، آمدن فرزند انسان نیز چنین خواهد بود...

خواهند دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم!

و فرشته های خود را (یاران خود را خواهد فرستاد با صور بلند آواز و آنان برگزیدگانشان را جمع خواهند کرد).

و در انجیل لوقا «فصل 12 آمده است: «کمرهای خود را بسته، چراغ های خود را فروخته دارید و شما مانند کسانی باشید که انتظار

ص: 197

آقای خود می کشند تا هر وقت بیاید و در را بکوبد؛ بی درنگ برای او باز کنید!». (1)

در فصل 21 نیز می خوانیم: «و آن گاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده با قوت و جلال عظیم می آید...».

پس در هر وقت دعا کردید، بیدار باشید تا شایسته آن شوید که از جمیع این چیزهایی که به وقوع خواهد پیوست نجات یابید و در حضور پسر انسان باشید».

در این کتاب ها مطالب بسیاری درباره وقایع آخرالزمان و علایم ظهور آمده است؛ اما به صورت کلی از موعود بحث شده است و این خود مؤید کلی بودن این مفهوم در مسیحیت است. (2)

مسیحیان، با این که حضرت عیسی (علیه السلام) را مسیح موعود یهودیان می دانستند، چون نسبت به پیروی او احساس ناتمامی کردند، یکباره امیدشان از زمان حال برکنده شد، حماسه انتظار را از سر گرفتند و در انتظار مسیح و بازگشت او از آسمان، در پایان جهان نشستند.

در کتاب «قاموس کتاب مقدس» آمده است: کلمه «پسر انسان» هشتاد بار در «انجیل» و ملحقات آن (عهد جدید) به کار رفته است که فقط سی مورد آن با حضرت عیسی (علیه السلام) قابل تطبیق است و پنجاه مورد آن از «مصلح» و نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخرالزمان ظهور خواهد کرد. (3)

آنچه مسلم است پس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حضرت مسیح (علیه السلام) نیز ظهور خواهد کرد.

ص: 198

1- حکومت جهانی مهدی: ص 56

2- ادیان و مهدویت: ص 37.

3- موعود نامه: ص 790.

یکی از عقاید قطعی همه ی مسلمانان و طوایف اسلامی این است که حضرت عیسی (علیه السلام) در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به روی زمین باز می گردد و برخی از آیات قرآنی نیز بر آن دلالت می کند. در این باره صدها حدیث از طریق شیعه و سنی روایت شده است که از بازگشت آن حضرت سخن می گوید.

اگر برخی از متعصبین اهل سنت به دلایلی در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تردید می کنند، در مورد نزول حضرت عیسی (علیه السلام) هیچ تردیدی ندارند. از نظر شیعه نیز این مطلب قطعی است که حضرت عیسی (علیه السلام) از آسمان نازل می شود، در بیت المقدس پشت سر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می گزارد و او را تأیید می کند، و در ردیف یکی از معاونان آن حضرت قرار می گیرد. در این زمینه، روایات فراوانی در منابع حدیثی شیعه و سنی وارد شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم: در حدیثی از ابوسعید خدری روایت شده است که پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «آن کسی که عیسی بن مریم (علیه السلام) در پشت سر او نماز می خواند، از ماست.» (1) در حدیثی از اهل سنت آمده است: «عیسی (علیه السلام) در گردنه ای به

نام «فیق» در سرزمین مقدس فرود می آید، وارد بیت المقدس می شود؛ در حالی که مردم برای نماز صبح صف کشیده باشند.

پس امام (علیه السلام) (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) عقب می رود؛ ولی عیسی (علیه السلام) او را جلو می اندازد و خود به او اقتدا کرده، پشت سرش طبق شریعت محمد نماز می خواند و می فرماید: شما اهل بیته هستید که احدی نمی تواند بر شما پیشی بگیرد.» (2)

ص: 199

---

1- بحار الانوار، ج 51: ص 84

2- یوم الخلاص: ص 344

حضرت عیسی (علیه السلام) بر دروازه شرقی دمشق و کنار پل «بیضا» به هنگامه سپیده سحر، در حالی که بر ابر سوار است و دست هایش بر شانه دو فرشته است و دو قطعه پارچه نفیس بر اندام اوست؛ از آسمان به زمین فرود می آید و هنگامی که سر خم می کند، نور و درخشندگی خاصی از چهره اش پرتو افکن است. نخست یهودیان به سوی او می شتابند و می گویند: «ای پیامبر خدا! مایاران تو هستیم».

حضرت به آنان پاسخ می دهد: «دروغ می گویند». آن گاه مسیحیان به حضورش شتافته، می گویند: «ما یاران تو هستیم». به آنان نیز می گوید: «شما هم دروغ می گویند. یاران راستین من مهاجران هستید، باقی مانده اصحاب حماسه».

آن گاه مسلمانان به حضورش شرفیاب می شوند؛ در حالی که یهودیان و مسیحیان نیز آنجا هستند و عیسی (علیه السلام) امام و خلیفه راستین مسلمین (حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) را در میان آنان می نگرد که مسلمانان به امامت او نماز می گزارند.

مسیح نیز با دیدن آن منظره برای اقتدا به امام مسلمین پشت سر آن حضرت قرار می گیرد که امام مهدی می گوید: «ای پیامبر خدا! شما برای ما نماز جماعت بخوانید». مسیح پاسخ می دهد: «نه هرگز! شما باید نماز را برای مردم بخوانید و همگی به شما اقتدا کنند؛ چرا که شما بنده شایسته خدا و حجت او هستید و خدا از شما خشنود است و من به عنوان وزیر شما مبعوث شده ام و نه امیر».

. آن گاه خلیفه مهاجرین، امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می خواند و همگی از جمله حضرت مسیح (علیه السلام) بدان حضرت اقتدا می کنند. از مجموع

روایاتی که درباره فرود آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) آمده است روشن می شود که:

1. نزول عیسی (علیه السلام) بعد از آن است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارد قدس شده، از قدس خارج می شود؛ سپاه سفیانی را نابود کرده، با تمام یاران به سرزمین قدس باز می گردد.
2. نزول عیسی (علیه السلام) در بامداد روز جمعه و به هنگام منظم شدن صف های مردم برای اقامه نماز صبح خواهد بود.
3. قسمت اعظم تورات و انجیل، در رابطه با نزول حضرت عیسی ع از تحریف مصون مانده است. [\(1\)](#)

#### **د. منجی در صهیونیسم مسیحی**

صهیونیسم مسیحی واژه ای است که برای شاخه ی افراطی پروتستان های آمریکایی به کار می رود. این گروه به جهت حمایت از اسرائیل، بدین نام مشهور شده اند و اما مسیحیت به سه شاخه کاملاً جدا و مخالف یکدیگر؛ یعنی کلیسای کاتولیک روم، ارتدکس و پروتستان تقسیم شده است. این سه کلیسا در اعتقادات دینی و مراسم عبادی کاملاً از یکدیگر جدا هستند و مانند سه دین مختلف عمل می کنند و حتی انجیل کلیسای پروتستان با انجیل کلیسای کاتولیک تفاوت زیادی دارد. یکی از ویژگی های کلیسای پروتستان .... رابطه ی نزدیک آنها با دولت های اروپایی است و این دولت ها برای ترویج مسیحیت پروتستان از مبلغان خود در کشورهای جهان سوم حمایت های گسترده مالی، تبلیغاتی و سیاسی می کنند؛ به عنوان مثال در

ص: 201



انگلیس، دولت و کلیسای پروتستان از هم جدا نیست و ملکه انگلیس در رأس دولت و کلیسا قرار دارد.

در یک قرن گذشته جریان جدیدی که در بین پروتستان ها فوق العاده قدرتمند شده، مکتب نوظهور «مبلغان انجیل» است. قبل از جنگ جهانی دوم این مکتب نوظهور به بنیادگرایی معروف شد و شعار آنها بازگشت به انجیل و تغییر جامعه با تحول فرهنگی بود و هدف آنان به وجود آوردن حکومت در آمریکا بر مبنای بنیادهای انجیل بود. بعد از جنگ جهانی دوم، بنیادگران آمریکایی خود را مبلغان انجیل معرفی کردند و با استفاده گسترده از وسایل ارتباط جمعی توانستند در جامعه آمریکا نفوذ فراوانی به دست آورند و اکنون این جریان، قدرتمندترین و فعال ترین تشکیلات دینی در آمریکا محسوب میشود و در مراکز سیاسی این کشور نفوذ زیادی دارند.

اصول و مبانی جریان مبلغان انجیل در آمریکا و انگلیس، حمایت همه جانبه عقیدتی و سیاسی از صهیونیسم است و آنها اعتقاد دارند که پیروان کلیسای پروتستان برای ظهور دوباره مسیح باید چند خواسته مسیح را که در تفاسیر انجیل در قرن بیستم به عنوان پیشگویی های انجیل بیان شده، عملی کنند. این جریان نوظهور در پروتستانتیسیم با عنوان «خواسته های مسیح» شهرت دارد. پیروان این مکتب خود را از مبلغان انجیل می دانند و اعتقاد دارند پیروان این مکتب، مسیحیان دوباره تولد یافته هستند که فقط اینان اهل نجات خواهند بود و دیگران هلاک خواهند شد. از ویژگی های ممتاز پیروان این مکتب، اعتقاد راسخ و تعصب خاص به صهیونیسم است و تعصب این مسیحیان به صهیونیسم بیش از صهیونیستهای یهودی

مطابق اعتقادات مکتب مذکور به وسیله پروتستانها حوادثی باید به وقوع بپیوندد تا مسیح دوباره ظهور کند و پیروان این مکتب طبق وظیفه ی دینی باید برای تسریع در عملی شدن این حوادث کوشش کنند. حوادثی که توسط آنها باید عملی شوند، عبارتند از:

1. یهودیان از سراسر جهان باید به فلسطین آورده شوند و کشور اسرائیل در گسترده ای از رودخانه نیل تا رودخانه فرات به وجود آید و یهودیانی که به اسرائیل مهاجرت کنند، اهل نجات خواهند بود. 2. یهودیان باید در مسجد اقصی و مسجد صخره در بیت المقدس را منهدم کنند. و به جای این دو مسجد مقدس مسلمانان، معبد بزرگی بنا نمایند.

3. روزی که یهودیان مسجد اقصی و مسجد صخره در بیت المقدس را خراب کنند، جنگ نهایی مقدس (آرماگدون) به رهبری آمریکا و انگلیس آغاز شده که در این جنگ تمام جهان نابود خواهد شد.

4. روزی که جنگ آرماگدون آغاز شود، تمام مسیحیان پیرو اعتقادات «عملی کردن خواسته های مسیح»، که مسیحیان دوباره تولد یافته هستند، مسیح را خواهند دید و توسط یک سفینه عظیم از دنیا به بهشت منتقل می شوند. از آن جا همراه با مسیح، نظاره گر نابودی جهانی و عذاب سخت در این جنگ مقدس خواهند بود.

5. در جنگ آرماگدون زمانی که ضد مسیح (دجال) در حال دستیابی به پیروزی است؛ مسیح همراه مسیحیان دوباره تولد یافته، در جهان ظهور خواهد کرد و ضد مسیح را در پایان این جنگ مقدس شکست میدهد و حکومت جهانی خود را به مرکزیت

بیت المقدس برپا خواهد ساخت و معبدی که به جای مسجد اقصی و صخره در بیت المقدس، توسط مسیحیان و یهودیان قبل از آغاز جنگ آرماگدون ساخته شده، محل حکومت جهانی مسیح خواهد بود.

6. دولت صهیونیستی اسرائیل با کمک آمریکا و انگلیس، مسجد اقصی و مسجد صخره در بیت المقدس را نابود خواهد کرد و معبد بزرگ به دست آنها در این مکان ساخته خواهد شد و این رسالت مقدس به عهده آنان است.

7. این حادثه پس از سال 2000 میلادی حتماً اتفاق خواهد افتاد.

8. قبل از جنگ آرماگدون، رعب و وحشت جامعه آمریکا و اروپا را فرا خواهد گرفت.

9. قبل از ظهور دوباره مسیح، صلح در جهان هیچ معنی ندارد و

مسیحیان برای تسریع در ظهور مسیح باید مقدمات جنگ آرماگدون و نابودی جهانی را فراهم کنند. (1)

## آرماگدون

کلمه آرماگدون «هرمجدون» واژه ای است اصلاً یونانی که بنا به تعریف واژه نامه های آمریکایی همچون فرهنگ «وبستر» به معنی نبرد نهایی حق و باطل در آخرالزمان است. هم چنین این واژه نام شهری در منطقه عمومی شام است که بنا به آنچه در باب شانزدهم مکاشفات یوحنا، در عهد جدید آمده است، جنگی عظیم در آنجا رخ می دهد و مرحله حاضر از زندگی بشر در آن زمان پایان می یابد. به

ص: 204

عبارتی نبرد مذکور، مقدمه تحولی بزرگ است که سرنوشت نهایی آدمی بر روی کره به آن بستگی دارد.

حادثه شریف ظهور، حادثه ای بزرگ است و قدرت های بزرگ جهان، سیاست خارجی خود را بر مبنای حوادثی که پیش از آن رخ میدهد، جهت داده و نقشه های نظامی خود را به شکلی سامان داده اند که آمادگی های لازم برای این حادثه در آن ملحوظ باشند. این در حالی است که مؤسسات دینی و رسانه های این دولت ها نیز، مردم خود را برای پیشواز این حادثه آماده می سازند.

این مؤسسات دینی به همراه رسانه های دیداری و شنیداری این دولت ها، از سال های دهه هشتاد میلادی مردم خود را به ایمان جمعی به وقوع حادثه ای بزرگ در سرزمین شام که به نبردی هسته ای خواهد انجامید، توجه داده اند. این مؤسسات پیوسته مردم خود را به ایمان به این نکته فرامی خوانند که به زودی لشکری از دشمنان مسیح که بدنه ی اصلی آن از میلیونها نظامی تشکیل یافته، از عراق حرکت می کند و پس از گذشتن از رود فرات، که در آن زمان به خشکی گراییده است، به سوی قدس رهسپار می شود. اما نیروهای مؤمن به مسیح، راه این لشکر را سد کرده، همگی در «آرماگدون» با یکدیگر برخورد می کنند و در این مکان درگیری اتفاق خواهد افتاد. صخره ها ذوب می شوند، دیوارها بر زمین فرو می غلتند، پوست تن انسانها در حالی که ایستاده اند ذوب شده، میلیون ها نفر از بین می روند و این نبردی نهایی و هسته ای است. سپس مسیح برای بار دوم از جایگاه بلند خود بر زمین فرود می آید و پس از چندی زمام رهبری جهان را در دست می گیرد و صلح جهانی را برقرار می کند. او دولت صلح را بر زمین نو و زیر

آسمانی تازه بنا می کند و این مهم را از مرکز فرماندهی خود در قدس عملی می سازد.

مؤسسات دینی آمریکا این نکته را روشن کرده اند که سپاهی از عراق به سوی قدس رهسپار خواهد شد که بنا به پیشگویی حزقیال «فصل 38 و 39» از نظامیان عراق، ایران، لیبی، سودان و قفقاز در جنوب روسیه تشکیل می شوند.

مدارس انجیلی در آمریکا بر پایه این تحلیل که واقعه آرماگدون تنها حادثه ای است که بازگشت دوباره مسیح را به زمین ممکن می سازد و این واقعه بسیار نزدیک است؛ به تبلیغ این دیدگاه می پردازند.

آرماگدونی که این عده از آن سخن می گویند، همان حادثه عظیمی است که پیش از ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رخ خواهد داد. همان حادثه ی بزرگی که ائمه ما (علیه السلام)، نام «قریسیا» را بر آن اطلاق کرده اند.

ائمه ما از این نکته خبر داده اند که میلیونها نظامی از آمریکا، اروپا، روسیه، ترکیه، مصر و دول مغرب عربی به اضافه ی سربازانی از سرزمین شام شامل کشورهای سوریه، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل همگی در ناحیه ای در این محدوده تحت عنوان «قریسیا» با یکدیگر برخورد می کنند و پس از حصول درگیری، این سفیانی است که همگی را مانند کشتزاری درو شده در هم می کوبد و از صحنه نبرد پیروز بیرون می آید. در صیحه ی میسر از امام باقر (علیه السلام) نقل است که فرمود: «ای میسر! از اینجا تا قریسیا چقدر راه است؟» عرض کردم: «همین نزدیکیها در ساحل فرات قرار دارد». سپس فرمودند: «اما در این ناحیه واقعه ای اتفاق خواهد افتاد که از

زمانی که خداوند متعال آسمانها و زمین را آفریده بی سابقه بوده، چنان که تا وقتی آسمانها و زمین بر پا هستند نیز، واقعه ای هم چون آن اتفاق نخواهد افتاد،... سفرهای است که درندگان زمین و پرندگان آسمان از آن سیر میشوند». امثال این روایات از امام صادق (علیه السلام) و سایر ائمه نقل شده است.

به هر حال مؤسسات دینی انجیلی آمریکا و اروپا آنچه را روانشناسان گفته اند، در قضیهی بازگشت دوباره مسیح به زمین پس از حادثه آرمادون، به کار بسته اند و به این گفته عقیده دارند که بی گمان امکان تحقق هر نوع پیشگویی در وهله نخست به ایمان مردم به آن و بهپافشاری شان بر ضرورت به کرسی نشستن آن و نیز به شمار نفرات آنها و شمار نفرات کسانی بستگی دارد که رهبری کاروان تبلیغاتی به راه افتاده برای تحقق بخشیدن به آن پیشگویی را بر عهده دارند. (1)

### منجی در سایر اقوام و ملل

الف. منجی در آیین هندو: در کتاب های مذهبی مقدسی که در میان هندیان به عنوان کتاب های آسمانی شناخته شده است و آورندگان این کتاب ها به عنوان پیامبر شناخته میشوند، تصریحات بسیاری به وجود مقدس مهدی موعود (علیه السلام) و ظهور مبارک آن حضرت شده است که قسمتی از آنها را می آوریم: در کتاب «اوپانیشاد» که یکی از کتب معتبر و از منابع هندوها به شمار می رود، بشارت ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین آمده است: «این مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفیدی در حالی که

ص: 207

شمشیر برهنه درخشانی به صورت ستاره دنباله دار در دست دارد، ظاهر می شود و شریران را هلاک می سازد...».

در کتاب «باسک» که از کتب مقدسه آسمانی هندوهاست، بشارت ظهور حضرت ولی عصر (علیه السلام) چنین آمده است: «دور دنیا تمام می شود؛ پادشاه عادل در آخرالزمان، که پیشوای ملانکه، پریان و آدمیان است و حق و راستی با او باشد و آنچه در دریا، زمین ها و کوهها پنهان باشد، همه را به دست آورد و از آسمانها و زمین و آنچه باشد، خبر می دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید».

در کتاب «پاتیکل» نیز، که از کتب مقدسه هندویان است، بشارت ظهور حضرت چنین آمده است:

چون مدت روز به اتمام رسد، دنیای کهنه نو و زنده شود، و صاحب ملک تازه پیدا شود، از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی «ناموس آخرالزمان» و دیگری «صدیق اکبر»؛ یعنی وصی بزرگ تر وی که «پشن» نام دارد و نام آن صاحب ملک تازه

«راهنما» است. به حق پادشاه شود و خلیفه «رام» باشد و حکم

براند و او را معجزه بسیار باشد...». در این بشارت، مقصود از «ناموس آخرالزمان» پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) است. «پشن» نام هندی حضرت علی (علیه السلام) است.

صاحب ملک تازه»، حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و «راهنما» نام مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و کلمه ی «رام» به لغت سانسکریت، نام اقدس حضرت احدیت است.

در کتاب «وشن جوک» نیز بشارت به ظهور حضرت آمده است: «آخر دنیا به کسی برمی گردد که خدا را دوست میدارد و از بندگان خاص او باشد و نام او خجسته و فرخنده است».

در کتاب «دید» که از کتب مقدسه هندیان است، آمده: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام منصور دارد و تمام عالم را بگیرد و به دین خود در آورد». در کتاب «داد تک» نیز آمده است: «بعد از آن مسلمانی به هم رسد، در آخرالزمان و اسلام در میان مسلمانان از ظلم ظالمان و فسق عالمان و... برطرف شود و دنیا مملو از ظلم و ستم شود. دست حق به در آید و جانشین آخر «ممتاطا» ظهور کند و شرق و غرب عالم را بگیرد...».

و در کتاب «ریگ ودا» آمده است: «ویشنو در میان مردم ظهور می کند، او از همه کس قوی تر است، در یک دست ویشنو (نجات دهنده) شمشیری به مانند ستاره دنباله دار و در دست دیگرش انگشتری درخشان دارد. هنگام ظهور وی، خورشید و ماه تاریک می شوند و زمین خواهد لرزید». در کتاب «شاکمونی» نیز که از کتب مقدسه هندیان است آمده: «پادشاهی و دولت دنیا به فرزند سید خلاق دو جهان «گشن» بزرگوار تمام شود و او کسی است که بر کوههای مشرق و مغرب دنیا حکم براند و فرمان کند و بر ابرها سوار شود و فرشتگان، کارکنان او باشند. دین خدا یک دین شود و زنده شود و نام او «ایستاده» و «خدانشناس» باشد». «گشن» در لغت هندی نام پیامبر (صلی الله علیه و اله) است و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به نام «ایستاده» و «خدانشناس» میخوانند. (1)

در کتاب «مهابهاراتا» و کتاب «پورانها» در این باره آمده است: همه ی ادیان معتقدند که در پایان هر دوره ای از تاریخ، بشر از لحاظ معنوی و اخلاقی رو به انحطاط می رود و چون طبعاً و فطرت

ص: 209



در حال هبوط و دوری از مبدأ است، و مانند احجار به سوی پایین حرکت می کند، نمی تواند به خودی خود به این سیر نزولی و انحطاط معنوی و اخلاقی خاتمه دهد. پس ناچار روزی یک شخصیت معنوی بلند پایه که از مبدأ وحی و الهام سرچشمه می گیرد، ظهور خواهد کرد و جهان را از تاریکی، جهل، غفلت، ظلم و ستم نجات خواهد داد. در این مورد در تعالیم هر دینی، به صورت رمز، به حقایقی اشاره شده است که با معتقدات آیین های دیگر توافق و هماهنگی کامل دارد؛ مثلاً در کیش هندو، در کتب «پورانا»، شرح مفصلی درباره دوران آخر عصر کالی، یعنی آخرین دوره قبل از ظهور دهمین آواتارای ویشنو درج شده است». (1)

ب. منجی در آیین بودا: چنانکه در پاره ای از کتب و مآخذ آمده است، در دین بودایی نیز مسأله انتظار مطرح است. گفته اند که در این آیین نیز انتظار هست. شخص مورد انتظار این آیین، «بودای پنجم» است. (2)

ج. منجی در ایران باستان: ایرانیان باستان معتقد بودند که «گرازاسپه» پهلوان تاریخی آنان زنده است و در کابل خوابیده و صد هزار فرشته او را پاسبانی می کنند تا روزی که بیدار شود، قیام کند و جهان را اصلاح کند. گروهی دیگر از ایرانیان در این پندار بودند که «کیخسرو» پس از تنظیم کشور و استوار ساختن شالوده فرمانروایی دیهیم پادشاهی به فرزند خود، به کوهستان رفت و در آن جا آرمیده تا روزی ظاهر شود و اهریمنان را از گیتی براند.

ص: 210

---

1- خورشید مغرب: ص 54.

2- خورشید مغرب: ص 55.

د. ساکنان جزایر انگلستان: از چندین قرن قبل آرزومند و منتظرند آرتور) که در جزیره آوالون سکونت دارد روزی ظاهر شود و نژاد ساکسون را در دنیا غالب کند و سیادت جهان نصیب آنها شود. اهالی صربستان: انتظار ظهور (مار کوکرایویچ) را داشتند.

و. نژاد اسلاو: بر این عقیده بودند که از مشرق یک نفر ظاهر شود

و تمام قبایل اسلاو را متحد سازد و بر دنیا مسلط کند.

ز. نژاد ژرمن: معتقد بودند که یک نفر فاتح از طوایف آنان قیام کند و ژرمن را بر جهان حکومت دهد و در اوایل قرن 19 آن قیام را نزدیک می دانستند. (1)

ح. اسنها: معتقدند که پیشوایی در آخرالزمان ظهور کرده،

دروازه های ملکوت آسمان را برای آدمیان خواهد گشود.

طه سلتها: می گویند: پس از بروز آشوب هایی در جهان، «بوریا بورویهیم» قیام کرده، دنیا را به تصرف خود در خواهد آورد. .

ای اسکاندیناوی: معتقدند که برای مردم دنیا بلاهایی می رسد،

جنگهای جهانی اقوام را نابود می سازد، آن گاه «اودین» با نیروی الهی ظهور کرده، بر همه چیره می شود و اقوام اروپای مرکزی در انتظار ظهور «بوخص» هستند.

ک. اقوام آمریکای مرکزی: معتقدند که «کوترلکوتل» نجات بخش جهان، پس از بروز حوادثی در جهان پیروز خواهد شد. (2)

ل. چینها: معتقدند که «کرشنا» ظهور کرده، جهان را نجات می دهد. (3)

ص: 211

---

1- ادیان و مهدویت: ص 39.

2- موعودنامه: ص 708.

3- حکومت جهانی مهدی دی: ص 57.

م. قبایل ای پوور: معتقدند که روزی خواهد رسید که در دنیا دیگر نبردی بروز نکند و آن به سبب پادشاهی دادگر در پایان جهان است. (1)

ن. گروهی از مصریان، که در حدود 3000 سال پیش از میلاد، در شهر «ممفیس» زندگی می کردند، معتقدند که سلطانی در آخرالزمان با نیروی غریبی بر جهان مسلط می شود.

اختلاف طبقاتی را از بین می برد و مردم را به آرامش و آسایش می خواند. (2)

س. اقوام مختلف هند: مطابق کتاب های مقدس خود، در انتظار مصلحی هستند که ظهور خواهد کرد و حکومت واحد جهانی را تشکیل می دهد.

ع. یونانیان: می گویند که «کالویبرگ» نجات دهنده بزرگ، ظهور خواهد کرد و جهان را نجات خواهد داد. (3)

ف. منجی از نظر مادیون: از ترانه های مادیون نیز این آهنگ شنیده

میشود که ناموس طبیعت بنابر فلسفه نشو، ارتقا و قانون تکامل چنانچه از استخدام چوب و سنگ و رفته رفته با استخدام برق، نجار و نور غیر مرئی رسیده است و همان گونه که در تحلیل، تجزیه و ترکیب بر راز نهانی اجسام راه یافته، مواد و عناصر ذره بینی را تحت سیطره و تسخیر در آورده است؛ هم چنین روزی فرا می رسد که نردبان تکامل انسانی را از حضیض خوی حیوانی به اوج کمال استعداد خواهد رسانید. در آن وقت خودخواهی و خودسری،

ص: 212

---

1- موعودنامه: ص 708

2- حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): ص 57.

3- موعودنامه: ص 708.

کینه ورزی و فتنه انگیزی، ریا و رنگ، حيله و نیرنگ و هر خوی نکوهیده یک سره به عاطفه، ایمان، گذشت و احسان تبدیل می شود. دل گواه زبان خواهد شد و زبان رازگشای نهان، آزادی و داد سایه گستر می شود، راستی در داد رواج کامل خواهد یافت. در آن هنگام که روی زمین بهشت آیین و روزگار سازگار است همان ناموس طبیعت کل افراد را به انتخاب اصلح مربی و مصلح کل قرار میدهد، او حکم روای مطلق شده، عدالت و امنیت اطراف جهان را احاطه خواهد کرد. (1)

ایده ظهور منجی بزرگ که با خروج خود، عدل و قسط، گشایش و آسایش را در مقطع پایانی تاریخ حیات انسان، به ارمغان خواهد آورد و به ستم و تجاوز ظالمان در پهنه کره خاکی پایان خواهد بخشید و دولت کریمه‌ی عدل پرور و دادگستری را بنیان خواهد نهاد؛ عقیده‌ای است که پیروان ادیان سه گانه ابراهیمی و بخش چشمگیری از سایر ملل بدان ایمان داشته و دارند.

یهودیان مانند مسیحیان، که به بازگشت عیسی (علیه السلام) معتقدند، به ظهور یک منجی می اندیشند و همان گونه که زرتشتیان در انتظار رجعت «بهرام شاه» هستند، نصرانیان حبشی نیز چشم به راه ظهور پادشاه خود «تئودور» موعود هستند و هندوها نیز به خروج «ویشنو» دل بسته اند و مجوسی ها به زنده بودن «هوشیدر» اعتقاد راسخ دارند و بودایی ها منتظر باز آمدن «بودا» و اسپانیایی ها مترقب بزرگ خود «رودریک» هستند و اقوام مغول هم رهبر خود «چنگیز» را منجی بزرگ می شمارند. .

ایده «ظهور منجی» در مصر باستان نیز رواج داشته است؛

ص: 213

همان گونه که در متون کهن چینی نیز دیده شده است. در کنار این حقایق تکان دهنده، تصریحات قابل توجهی از نوابغ مغرب زمین و اندیشمندان آن دیار می یابیم، مبنی بر این که جهان در انتظار مصلح کبیری است که سررشته امور را به دست خواهد گرفت و جامعه بشری را زیر یک پرچم و به دنبال یک هدف، گرد هم خواهد

آورد. فیلسوف شهیر انگلیسی برتراند راسل می گوید:

دنیا چشم به راه مصلحی است که همگان را در سایه ی یک پرچم و یک شعار متحد سازد». پروفیسور آلبرت انیشتین، این گونه اظهار می کند: «فرارسیدن آن روزی که در جای جای جهان، صلح و صفا حکومت کند و همه ی اعضای جامعه بشری با یکدیگر دوست و برادر باشند، دیری نخواهد پایید.» در این میان سخن فیلسوف نامدار انگلیسی برنارد شاو شایان توجه است. وی در کتاب خود «بشر و ابرمرد» به ظهور یک مصلح بشارت می دهد. در این زمینه، استاد بزرگ عباس محمود العقاد می نویسد: به نظر ما ابرمرد مورد نظر شاو، صرف فرضیه و امری ناشدنی نیست و فراخوانی بشر به سوی چنین مصلحی توسط شاو از حقیقتی ثابت و واقعیتی اصیل ریشه گرفته است. علی رغم وجود مذاهب مختلف اسلامی و تفاوت های عقیدتی ناشی از آن، همه ی مسلمانان طبق بشارت رسول خدا به ظهور امام مهدی در آخرالزمان اعتقاد راسخ دارند. اساسا مبان مسلمانان و دیگر پیروان ادیان و ملل مختلف، در اصل اعتقاد به ظهور یک منجی در آخرالزمان هیچ گونه اختلافی نیست. هر چند در مصداق آن میان مسلمانان و دیگران اختلافی وجود دارد؛ لیکن تمامی امت اسلامی بر این باورند که اسم مبارک

ص: 214

وی «محمد» و لقب او «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» است. (1)

اعتقاد به منجی در بین تمامی انسانها و افراد بشر وجود دارد و هر کدام براساس عقاید و باورهای خود مصداقی برای آن تعریف می کنند و این امر فطری در بین همه به طور یکسان وجود دارد. مصلحتی که برای عدالت و آزادی و سعادت بشر خواهد آمد.

### حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نگاه قرآن

خداوند در قرآن کریم، در آیات متعددی وعده‌ی تشکیل حکومت واحد جهانی اسلام، بسط دین اسلام و غلبه‌ی آن بر همه ادیان و پیروزی حزب الله را داده است. در این زمینه، آیات بسیاری در قرآن کریم وارد شده است. محققان شیعه در این مورد کتابی مستقل (مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در قرآن) نگاشته اند. در این که چند آیه از آیات قرآن کریم در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است اختلاف وجود دارد؛ بعضی محققان یکصد و ده آیه بیان کرده اند و بعضی دیگر یکصد و چهل آیه گفته اند. اما علی دوانی در کتاب «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود» که ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار «چاپ سنگی» است در باب پنجم، شصت و یک آیه از قرآن را که در روایات اهل بیت (علیه السلام) تأویل به ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شده، آورده است که به بعضی از آنها اشاره می کنیم و اما به طور کلی در نویدهای قرآن کریم، چهار رکن اساسی برای قیام مصلح جهانی بیان شده است و آنها عبارتند از: حکومت واحد جهانی بر اساس توحید، به رهبری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (یا موعود قرآن) تشکیل خواهد شد و اداره‌ی آن به دست مردم صالح و با ایمان واگذار می شود.

ص: 215

2. برنامه های عالی اسلامی و نظام کامل حکومت «الله» در سرتاسر جهان، بدون کم و کاست اجرا می شود و همه ی احکام الهی به خود جامه عمل خواهد پوشید.

3. بیم و هراس توده ی مردم از بین خواهد رفت و آرامش و امنیت کامل در سراسر گیتی برقرار خواهد شد.

4. همگان خدای یکتا را پرستش خواهند کرد و هرگونه شرک و بت پرستی ریشه کن خواهد شد. (1)

به فرموده ی حضرت علی (علیه السلام)، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رأی ها را به قرآن باز می گرداند، پس از آن که قرآن را به رأیهای خود بازگردانده باشند. این کلام حضرت، روشن می کند که اندیشه دینی پیش از ظهور، گاهی بر اساس هوسها و منافع شخصی شکل می گیرد و عالمان دنیامدار، اصول و فروع دینی و آیات وحی را به دلخواه تفسیر و تأویل می کنند.

حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کتاب و سنت مرده را زنده می کند». (2) در عصر حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آموزش قرآن و مفاهیم دینی به طور چشمگیری گسترش می یابد و مردم به عبادت و دین روی می آورند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «گویا شیعیانم را می بینم که در مسجد کوفه گرد آمده اند و با برپایی چادرهایی، مردم را به همان ترتیبی که قرآن فرود آمده بود، آموزش میدهند». (3)

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «گویا می بینم که شیعیان علی (علیه السلام) قرآن ها را در دست دارند و مردم را آموزش میدهند».

ص: 216

---

1- مذاهب و ملل جهان: ص 197.

2- نهج البلاغه: خطبه 138.

3- غیبه نعمانی: ص 318.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «در روزگار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اندازه‌های به شما حکمت و فهم داده خواهد شد که یک زن در خانه اش، بر طبق قرآن و سنت پیامبر (صلی الله علیه واله) قضاوت می کند».<sup>(1)</sup>

همان گونه که قبلاً گفته شد آیات متعددی در قرآن مجید وارد شده که بشارت بر موعود، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور مبارک آن حضرت تفسیر و تاویل کرده اند. اینک تبرک به بررسی چهارده مبحث قرآنی در این مورد می پردازیم:

## قرآن و بشارت موعود

آیات وارد شده در بیان پیشوایان دینی به وجود مقدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور مبارک آن حضرت تأویل شده است و آنها عبارتند از:

.. الف. «هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب»، (قرآن هدایتی است برای متقیان، آنان که به غیب ایمان آورند) (بقره/2 و 3) امام صادق (علیه السلام) در تفسیر این آیه فرمودند: متقین، شیعیان علی بن ابی طالب (علیه السلام) هستند و غیب حجت غایب است. در کتاب معانی الاخبار از امام صادق (علیه السلام) روایت شده که در ذیل آیه (الذین یؤمنون بالغیب) فرموده: یعنی کسی که ایمان به قیام قائم (علیه السلام) داشته باشد و آن را حق بداند<sup>(2)</sup> و در جای دیگر از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده است که گفت: جندل بن جبیر یهودی نزد رسول خدا (صلی الله علیه واله) آمد و پس از دریافت پاسخ سؤالی که مطرح کرد و اسلام آورد، از آن حضرت درباره ی اوصیای ایشان پرسید؟ حضرت رسول (صلی الله علیه واله) در جواب، ائمه را برشمرد تا این که به امام حسن (علیه السلام) عسکری (علیه السلام) رسید

ص: 217

---

1- بحار الانوار، ج 52: ص 352.

2- تفسیر المیزان، جلد اول: ص 89



و فرمود: بعد از آن فرزندش محمد است که به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ، قائم و حجت خوانده می شود؛ او غیبت و پنهانی گزیند و سپس خروج کند، پس آن گاه که خروج و قیام کند، زمین را همان گونه که پر از جور و ستم شده است، از عدل و داد آکنده می سازد. خوشا به حال صبر پیشگان و شکیبایان در دوران غیبت او، خوشا به حال صبر پیشگان و پایداران بر محبت ایشان، آنان کسانی هستند که خداوند در کتاب خویش وصفشان کرده است و فرموده: «هدی للمتقین، الذین یؤمنون بالغیب» و متقین همان مؤمنان به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و بقیه ائمه (علیه السلام) هستند و «غیب» خود آن حضرت است.

ب. و آیهی دیگر در قرآن که همین معنا را برای آن تأویل کرده اند؛ آیه 20 سوره یونس است: «وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» و می گویند چرا آیتی از پروردگارش بر او نازل نشود؟ پس بگو جز این نیست که غیب خدا راست؛ پس انتظار کشید همانا من نیز با شما از منتظران هستم. امام صادق (علیه السلام) در مورد قول خداوند متعال در سوره یونس روایت کرده است و فرموده که غیب در این آیه همانا حجت قائم است. غیب هر آن چیزی است که از حواس پنجگانه پنهان باشد و برای آن مصادیق فراوانی است. اگرچه این مصداق ها از جهاتی چند با یکدیگر تفاوت داشته باشند؛ بنابراین (خدا) غیب مطلق است؛ زیرا او دیده نشده، نمی شود و هرگز هم دیده نخواهد شد و «روح» که مردم آن را حس نمی کنند «غیب» است و نیز «حجت غایب» که او را مردم نمی بینند غیب است و تأویل این آیه امام و حجت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است پس مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دو آیه بیان شده «غیب» است؛ چرا که آن حضرت در زمان غیبت با رؤیتی عمومی، که به واسطه ی آن شناخته شود، دیده نمی شود؛ یعنی کسی ایشان را نمی بیند و یا اگر هم

2. الف. «أَفْعَيْرِ دِينَ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» آیا جز دین خدا را می جویند؛ در حالی که هر آنچه در آسمانها و زمین است، خواه ناخواه تسلیم او هستند و بهسوی او باز گردانیده میشوند (آل عمران / 83). امام کاظم (علیه السلام) فرمود: «این آیه درباره ی حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل شده است، هنگامی که ظاهر شود، آیین مقدس اسلام را در شرق و غرب جهان، به یهود، نصاری، صائبان، ملحدان، مرتدان و کافران عرضه می دارد». (1) امام صادق (علیه السلام) میفرماید: تأویل این آیه آن است هنگامی که قائم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قیام کندهیچ نقطه ای از زمین نمی ماند، مگر این که شهادت به یگانگی خداوند دهند و محمد (صلی الله علیه واله) رسول خدا (صلی الله علیه واله) را ندا میدهند به این موفقیت». این آیه ی کریمه اشاره به دوران مهدی است؛ زیرا در زمان او است که همه ی اهل زمین تسلیم خدا شده، در پیشگاه او خاضع گشته اند و در تمامی روی زمین حکومت از آن خداست و این حالت تا به امروز در زمان انبیای گذشته و نه در دوران رسول خدا (صلی الله علیه واله) و نه در اعصار پس از وی تحقق نیافته است، که هر کس روی زمین است یا از روی میل و اراده و یا به اکراه، تسلیم خدا گشته، خاضع در برابر دین خدا باشد؛ پس این نوید است برای پیامبر (صلی الله علیه واله) که به او این ندا را در آخرالزمان می دهند و باعث مسرت و خوشحالی آن حضرت می شود.

چنان که در دعای عهد می خوانیم: «خداوندا پیامبر (صلی الله علیه واله) را به (رویت ولی الله اعظم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) خوشحال و مسرور بنما و هر که پیرو او است و بر دعوت او پابرجا است، نیز به این وسیله

ص: 219

ب. (وَلِيْمَحَّصَ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَيَمْحَقَ الْكٰفِرِيْنَ) و برای این که خداوند آنان را که ایمان آورده اند تصفیه کند و کافران را نابود و محو سازد (آل عمران / 141). رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرمود: «به درستی که علی وصی من است و «قائم» منتظر از فرزندان او است که توسط او زمین مالا مال از عدل و قسط خواهد شد، همان گونه که «قبل از قیام او» پر از جور ظلم شده است. قسم به کسی که مرا به حق مبعوث کرده تا «نیکان را» بشارت دهنده و «بدکاران را بیم دهنده باشم. هر آینه ثابت قدمان در اعتقاد به امامت او در دوران غیبتش، از کبریت احمر گرانقدرترند، یا کمیاب تر هستند». در این هنگام جابر بن عبدالله انصاری عرض کرد: ای رسول خدا، مگر برای قائم از فرزندان غیبتی خواهد بود؟ رسول خدا فرمود: آری، قسم به پروردگارم «تا خداوند آنان را که ایمان آورده اند تصفیه کند و کافران را محو و نابود سازد.» ای جابر، به راستی که این امری است از امور خدایی و سری است از اسرار الهی. از رازهایی است که علت آن از بندگان خدا پنهان و پوشیده است؛ پس بر حذر باش از شک و تردید، که همانا شک در امر خدای عزوجل کفر است.» (2) و اما «کبریت احمر» یعنی طلای سرخ و آن طلایی خالص است. مقصود از این کلمه آن است که مؤمن به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ایام غیبت آن حضرت نایاب تر از طلای خالص است و مؤمن حقیقی به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کمیاب تر از طلای ناب است و این حدیث دلیلی است بر این که به سبب غیبت امام (علیه السلام) به مردم آزموده شوند و تصفیه مؤمن به

ص: 220

---

1- کلیات مفاتیح الجنان، فرازی از دعای عهد: ص 894.

2- مقدمه ابن خلدون: ص 269.

معنی خالص و جدا شدن کافر و مؤمن ناخالص از مخلصین است.

3. الف. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ». ای آنان که ایمان آورده اید خدای را فرمان برید و از رسول و صاحبان امر خویش اطاعت کنید (نساء/ 59). علامه بحرانی در حدیث مفصل نقل می کند که علی (علیه السلام) بیش از دویست تن از صحابه و تابعین را فرا خواند و چنین فرمود: آیا می دانید آن زمان که این آیه نازل شد «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم» «اولی الامر» چه کسانی هستند؟ مردم گفتند: آیا این مخصوص بعضی از مؤمنان است، یا همگی را شامل می شود؟

سپس خدا، پیامبرش (صلی الله علیه واله) را فرمان داد تا اولیای امر را به مردم بشناساند. ایشان نماز، روزه و حج را برای آنان تفسیر کرد و ولایت را برای مردم توضیح داد و فرمود: «اولیای امر؛ علی (علیه السلام) برادرم، وزیرم، پشتیبان و یارم، وارثم وصی و خلیفه ام در امت من است که ولی هر مؤمنی پس از من است، سپس فرزندان حسن (علیه السلام) و بعد از آن حسین (علیه السلام)، سپس 9 تن از فرزندان حسین (علیه السلام)، یکی پس از دیگری «اولیای امر» هستند و قرآن با ایشان است و ایشان با قرآن هستند. از آن جدایی و دوری نگیرند و قرآن نیز از آنان جدا نشود تا آن که در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند و نزد من آیند». پس مقصود از «اولی الامر» ائمه دوازده گانه (علیه السلام) هستند که آخرین ایشان مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. روایات متعددی، در منابع شیعه، همگی گواهی میدهند، منظور از «اولی الامر» ائمه معصومین (علیه السلام) هستند که آخرین آنها حضرت مهدی (علیه السلام) است و در بعضی از این

ص: 221

روایات نام امامان را یک به یک صریحا ذکر کرده اند. (1)

ب. «وَإِنْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لِيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا» و هیچ یک از اهل کتاب نیست، مگر این که پیش از مرگش به او ایمان می آورد و روز قیامت بر آنها گواه خواهد بود (نساء / 159). از امام محمد باقر (علیه السلام) روایت کرده اند که ایشان فرمود: «همانا عیسی (علیه السلام) پیش از روز رستاخیز به دنیا فرود می آید، پس پیروان هیچ دینی، نه یهودی و نه غیر آن باقی نمانند؛ مگر این که پیش از مرگ به او (یعنی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) ایمان می آورند و عیسی (علیه السلام) پشت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز به جای می آورد، پس به حضرت مسیح هم ایمان می آورند. معنای آیه این است به طور قطع از دیدگاه مسلمانان، حضرت عیسی (علیه السلام) هنوز زنده است و پس از ظهور حضرت بقیه الله او از آسمان نازل میشود و از یاران آن حضرت خواهد بود و چون عیسی بله به امام مهدی اقتدا می کند نصاری و یهود به جهت اقتدای حضرت عیسی (علیه السلام) به حضرت صاحب الامر در نماز، به آن حضرت ایمان می آورند و به آن حضرت می گروند. پس در تأویل این قسمت از آیه «لیؤمنن به» همانا به او ایمان آورد، ضمیر غایب مفرد به امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باز می گردد. (2)

4. «ای کسانی که ایمان آورده اید، هر که از شما از دین خویش مرتد شود «به خدا زیانی نرساند»؛ پس به زودی خداوند گروهی را آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند، بر مؤمنان فروتن هستند، بر کافران سخت و گرانند. در راه خدا مجاهده می کنند و از ملامت نکوهش گران باک ندارند. این فضل خدا است بر

ص: 222

1- تفسیر نمونه، ج 3، ص 567

2- موعود قرآن: ص 30.

هر که خواهد آن را عطا کند و خداوند بخشنده و دانا است» (مانده / 54) طبق پیش بینی قرآن مرتدانی هستند که از آیین مقدس اسلام روی برمی گردانند که این آیه به عنوان یک قانون کلی به همه ی مسلمانان اخطار میدهد: اگر کسانی از شما از دین خود بیرون روند، زیانی به خدا و آیین او و جامعه ی مسلمین و آهنگ سریع پیشرفت آنها نمی رسانند؛ زیرا خداوند در آینده جمعیتی را برای حمایت دین خود بر می انگیزد و صفات کسانی که باید این رسالت بزرگ را انجام دهند، چنین برمی شمارد و آنها یک بار یاران امام علی (علیه السلام) هستند و یک بار دیگر یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف):

الف. آنها کسانی هستند که به خدا عشق می ورزند و جز به خشنودی او نمی اندیشند. خدا هم آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.

ب. آنها در برابر مؤمنان خاضع و مهربان، و در برابر دشمنان و ستمکاران، سرسخت، انعطاف ناپذیر و پر قدرت هستند.

ج. جهاد در راه خدا به طور مستمر از برنامه های آنها است، همواره در راه خدا جهاد می کنند.

د. و امتیاز دیگری که برای آنان ذکر شده، این است که در راه انجام فرمان خدا و دفاع از حق از ملامت هیچ ملامت کننده ای نمی هراسند. (1)

در روایات است، هنگامی که از پیامبر (صلی الله علیه واله) درباره این آیه سؤال کردند، دست خود را بر شانه ی سلمان زده، فرمود: منظور این و یاران او و هموطنان او هستند و این پیشگویی حضرت رسول (صلی الله علیه واله)

ص: 223

در مورد اسلام آوردن ایرانیان و کوشش ها و تلاش های پرثمر آنان برای پیشرفت اسلام در زمینه های مختلف است و در روایات دیگری می خوانیم، این آیه درباره ی یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل شده است که با تمام قدرت در برابر آن هایی که از آیین حق و عدالت مرتد شده اند می ایستند و جهان را پر از ایمان و عدل و داد می کنند. (1)

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است: «همانا (یاران) صاحب امر یعنی قائم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و خود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) محفوظ است و اگر تمامی مردم از دین بیرون روند خداوند اصحاب او را خواهد آورد تا دین خدا را یاری کنند» و در تأویل آیه ی مذکور منافاتی ندارد که این آیه یک بار در مورد امام علی (علیه السلام) و یارانش و بار دیگر درباره ی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش تأویل شود. بدین جهت که علی (علیه السلام) و قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با اصحابشان هر دو مصادیقی برای این آیه هستند. آری، خدا علی (علیه السلام) و یارانش را دوست دارد و علی (علیه السلام) و یارانش خدا را دوست می دارند و خدا امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش را دوست دارد و آنان نیز خدا را دوست دارند. جز این نیست که علی (علیه السلام) مصادیق اکمل و فرد اتم است؛ ولی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران آن حضرت، مصادیق آیه، با مرتبه و منزلت فروتر از حضرت علی (علیه السلام) هستند. (2)

5. الف. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه ی آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند (توبه / 33).

ص: 224

---

1- نورالثقلین، ج 1، ص 641 و مجمع البیان، ج 3، ص 359.

2- موعود قرآن: ص 34.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: این آیه ی مبارکه به هنگام خروج مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آل محمد (صلی الله علیه واله) تحقق می یابد. از این آیه به خوبی روشن می شود که اراده پروردگار بر تکامل نور اسلام تعلق گرفته است و تکامل واقعی آن هنگامی خواهد بود که بر سراسر پهنه جهان سایه افکند و همین وعده را با کمی تفاوت در آیه 28 سوره فتح تکرار می کند.

ب. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا». او کسی است که رسولش را با هدایت و دین حق فرستاده تا آن را بر همه ی ادیان پیروز کند و کافی است که خدا گواه این موضوع باشد. (فتح / 28)

این وعده ای است صریح و قاطع از سوی خداوند قادر متعال، در رابطه با غلبه ی اسلام بر همه ی ادیان و بالاخره برای سومین بار این وعده بزرگ را خداوند در سوره صف بیان کرده است. .

ج. «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ». او کسی است که رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر همه ی ادیان غالب سازد، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند (صف / 9). از مجموع این آیات، که در سه سوره از قرآن ذکر شده است، این وعده الهی اجمالا به دست می آید: عالمگیر شدن اسلام به مسلمانان بشارت داده است و به دنبال آن فرموده که تلاش های مذبحخانه ی دشمنان اسلام به جایی نمی رسد و با صراحت می فرماید: رسول خود را با هدایت و دین حق فرستادم؛ منظور از «هدایت» دلایل روشن و براهین آشکاری است که در آیین اسلام وجود دارد و منظور از «دین حق» همینایی است که اصولش حق و فروش حق و بالاخره تاریخ، مدارک، اسناد، نتیجه و



برداشت آن نیز حق است. بدون شک آیینی که هم محتوای آن حق باشد و هم دلایل و مدارک و تاریخ آن روشن، باید سرانجام بر همه ی آیین ها پیروز شود. با گذشت زمان، پیشرفت علم و دانش و سهولت ارتباطات، واقعیت ها چهره ی خود را از پشت پرده های تبلیغات مسموم به در خواهند آورد و موانعی را که مخالفان حق بر سر راه آن قرار می دهند، در هم کوبیده خواهد شد و به این ترتیب آیین حق همه جا را فرا خواهد گرفت هر چند دشمنان حق نخواهند و از هیچ گونه کارشکنی مضایقه نکنند؛ زیرا حرکت آنها حرکتی بر خلاف مسیر تاریخ و بر ضد سنن آفرینش است. (1) در روایات مختلفی که در منابع اسلامی وارد شده تکامل این برنامه هنگامی خواهد بود که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند و به برنامه جهانی شدن اسلام تحقق بخشد. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «به خدا سوگند هنوز محتوای این آیه تحقق نیافته است و تنها زمانی تحقق می پذیرد که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج کند و به هنگامی که او قیام کند، کسی که خدا را انکار کند در تمام جهان باقی نخواهد ماند». (2) اسلام و قرآن، نور الهی است و این نور هر جا باشد، آثار خود را نشان می دهد و مایهی پیروزی است و کراهت مشرکان و کافران نمی تواند سدی در این راه ایجاد کند. تکرار این آیات خود دلیلی بر عظمت ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و از پیشگویی های بزرگ قرآن است که سرانجام اسلام از نظر منطق و نیز از نظر عملی بر مذاهب دیگر غالب می شود و دشمنان را از قسمت های وسیعی از جهان عقب می زند و جای آنها را می گیرد. البته به عقیده ی شیعیان مرحله نهایی این پیشروی با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحقق می یابد و این آیات قرآن

ص: 226

---

1- تفسیر نمونه، ج 7، ص 433,432.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 324.

خود دلیلی بر آن ظهور باشکوه است. (1)

6. «بقیه الله خیر لکم إن کنتم مؤمنین و ما أنا علیکم بحفیظ» آنچه خداوند برای شما باقی گذارده برایتان بهتر است، اگر ایمان داشته باشید و من پاسدار شما و مأمور بر اجبارتان به ایمان نیستم (هود / 86). یکتا بازماندهی خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن هستید. امام باقر (علیه السلام) در تأویل این آیه ی شریفه می فرماید: «هنگامی که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظاهر شود... اولین سخنی که بر زبان مبارکش جاری می شود این آیه شریفه است». (2) امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که مهدی قیام کند، پشت به کعبه می دهد و 313 تن از پیروان او نزدش گرد می آیند. پس اولین چیزی که می گوید این آیه است: بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین، سپس می فرماید: منم بقیه الله «باقی گذاردهی خدا» و خلیفه او و حجت خدا بر شما، پس از آن، کسی بر آن حضرت سلام نمی کند مگر اینکه می گویند «السلام علیک یا بقیه الله فی أرضه» سلام بر تو ای باقی گذاردهی خداوند در زمینش». (3) در روایات متعددی (بقیه الله) تفسیر به وجود مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یا بعضی از امامان دیگر شده است. (4) مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آخرین پیشوا و بزرگ ترین رهبر انقلابی پس از قیام پیامبر اسلام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. یکی از روشن ترین مصادیق (بقیه الله) و از همه به این لقب شایسته تر است، به خصوص که تنها باقیمانده بعد از پیامبران (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیه السلام) است.

7. «و لقد ارسلنا موسی بآیاتنا أن أخرج قومک من الظلمات الی النور

ص: 227

1- تفسیر نمونه، ج 24، ص 96.

2- بحار الانوار، ج 52، ص 192.

3- موعود قرآن به نقل از نور الابصار: ص 172.

4- کافی، ج 1، ص 411، حدیث 2.

وَدَكَّرَهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ» و همانا موسی را با آیات خود فرستادیم و دستور دادیم که قوم خود را از ظلمات به سوی نور بیرون آرد و «ایام الله» را به آنان یادآور شود. هر آینه در این برای هر بسیار صبر کننده و بسیار شکرگزار نشانه هایی است (ابراهیم / 5). در این آیه از روزهای خدا به ایام الله یاد شده است، امام باقر (علیه السلام) می فرماید: روزهای خداوند سه روز است؛ روز قیام قائم (عج)، روز رجعت و روز قیامت.

خداوند متعال انبیای گذشته را بشارت داد به رسول خدا (صلی الله علیه واله) و امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که این آیه از قرآن اشاره بدان دارد. «آیا ندیدی چگونه خدا کلمه پاک را به درختی پاک مثل زد که تنهی آن ثابت و استوار و شاخه ی آن در آسمان است» (ابراهیم / 24). وقتی از امام باقر (علیه السلام) در مورد این آیه سؤال شد که مقصود خداوند از «درخت و شاخه» چیست؟ آن حضرت فرمود: درخت محمد (صلی الله علیه واله) است و شاخه های این درخت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) است و میوه ی این درخت حسن و حسین (علیه السلام) و امامان معصوم (علیه السلام) یکی بعد از دیگری هستند و از آنجایی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آخرین امام از فرزندان فاطمه و علی (علیه السلام) است؛ این آیهی کریمه شامل آن حضرت می شود و به طور کلی «ایام الله» اشاره به روزهایی است که خداوند اقوام سرکش را به زنجیر عذاب می کشید و طاغوت ها را با یک فرمان دور می کرد و تمام روزهایی که دارای عظمتی در تاریخ زندگی بشر است. هر روز که یکی از فرمان های خدا در آن چنان بدرخشید، که بقیه ی امور را تحت الشعاع خود قرار دهد، از ایام الله است. هر روزی که فصل تازه ای در زندگی انسان هاگشوده شود و

درس عبرتی به آنها دهد و ظهور و قیام پیامبری در آن بوده باشد، یا طاغوت و فرعون گردن کشی در آن به قعر درهی نیستی فرستاده شود؛ خلاصه، هر روز که، حق و عدالتی بر پا شده، ظلم و بدعتی خاموش گشته، همه ی آنها از ایام الله است. امام باقر (علیه السلام) می فرماید:

ایام الله، يوم يقوم القائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ... «ایام الله روز قیام مهدی موعود ... است. قدر مسلم روز قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ایام الله است؛ زیرا در آن روز تمامی طاغوتها نابود خواهند شد و احکام الهی بر سراسر جهان حاکم میشود.

8. الف. «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ گفت: ای پروردگرم! پس مرا تا روزی که مبعوث شوند مهلت ده. فرمود: همانا تو از مهلت یافتگانی، تا روز و وقت معینی (حجر / 36 تا 38) امام رضاعله فرمود: «وقت معلوم، روز قیام حضرت قائم ما است». (1) خداوند عین همین آیات را در «سوره ص» بیان می فرماید.

ب. «قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»؛ گفت: پروردگارا، پس مرا تا روزی که مبعوث شوند مهلت ده. فرمود: تو از مهلت داده شدگانی تا روز وقت معلوم (ص / 81 تا 79). هر گاه در قرآن آیه ای یا جمله ای تکرار می شود، باید دانست که هر یک از موارد تکراری کار ویژه ای را انجام می دهد؛ به گونه ای که اگر ما در هر زمان و مکانی روی موارد خاص، به این تکرارها نظر افکنیم ملاحظه می کنیم حسابی در آن جاری است و آن اعجاز آوری قرآن است که همه ی موارد

ص: 229

استعمال را به هم مربوط می سازد. (1)

از امام رضا (علیه السلام) در مورد این دو آیه، که در دو سوره متفاوت از قرآن به یک شکل آمده، سؤال شد؛ حضرت فرمود: «الی یوم الوقت المعلوم، آن روز قیام قائم ما است». آن گاه از آن حضرت پرسیده شد؛ ای فرزند رسول خدا (صلی الله علیه واله)، قائم شما اهل بیت (علیه السلام) کیست؟ فرمود: «چهارمین» از اولاد من، پسر سرور کنیزان، خداوند توسط او زمین را از هر جور و ستمی پاک می کند و از هر جرم و ظلمی منزه می سازد. (2)

9. «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا»؛ و هر که مظلوم کشته شود پس برای ولی او تسلط و اختیار «قصاص» قرار داده ایم، پس نباید در قتل زیاده روی کنید، که همانا او منصور است و یاری می شود (اسراء / 33). امام باقر (علیه السلام) فرمود: «حسین (علیه السلام) مظلوم کشته شد و ما اولیاء وارث خون او هستیم و قائم ما به خون خواهی حسین (علیه السلام) قیام خواهد کرد». امام صادق (علیه السلام) فرمود: «منصور، قائم آل محمد (صلی الله علیه واله) است و چون ظهور کند، اقدام به خون خواهی حسین (علیه السلام) می کند». از امام رضا (علیه السلام) در مورد این آیه سؤال شد، حضرت فرمود: «این آیه در شأن حسین (علیه السلام) و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل شده است»؛ یعنی حسین (علیه السلام) کسی است که مظلوم کشته می شود «من قتل مظلوم» و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ولی منصور و یاری شده ی او است.

در احادیث چنین آمده است که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هنگامی که ظهور کند قاتلان حسین (علیه السلام) را به امر خدا زنده می سازد و به.

ص: 230

1- موعود قرآن: ص 65.

2- کمال الدین، ج 2، ص 371.

10. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ» و همانا نوشته ایم در زبور پس از ذکر، که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد (انبیاء / 105). در روایات صریح این آیه به یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تفسیر شده است. امام باقر (علیه السلام) چنین می فرماید: «هم اصحاب المهدي في آخرالزمان». (2) بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می کند، یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان هستند و در جای دیگر حضرت می فرماید: «ان الارض يرثها عبادي الصالحون، قال القايه اصحابه». (منظور از این که زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران او هستند. علاوه بر روایات مذکور که در خصوص تفسیر این آیه وارد شده، روایات بسیار زیادی که بالغ بر حد تواتر است از طریق شیعه و اهل تسنن، در مورد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از پیامبر (صلی الله علیه واله) و همچنین از ائمه اهل بیت (علیه السلام) نقل شده است که همه ی آنها دلالت بر این دارد که سرانجام حکومت جهان به دست صالحان خواهد افتاد، مردی از خاندان پیامبر (صلی الله علیه واله) قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می سازد؛ آن چنان که از ظلم و جور پر شده باشد.

پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «اگر از عمر جهان جز یک روز نماند، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا مرد صالحی را از خاندان من برانگیزد، که صفحه ی زمین را پر از عدل و داد کند؛ همان گونه که از ظلم و جور پر شده است».

به طور کلی، نظام آفرینش، دلیل روشنی بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده، در جهان انسانیت خواهد بود و این همان

ص: 231

1- موعود قرآن: ص 74.

2- مجمع البیان ذیل همین آیه.

چیزی است که از این آیه و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استفاده می شود.

(1)

11. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسِّرَنَّ لَهُمْ تَخْلُفَتَهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده، کارهای شایسته انجام داده اند وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند آنها فاسقان هستند (نور / 55). در این آیه میخوانیم که خدا وعده ی حکومت روی زمین را به گروهی که ایمان دارند و اعمال صالح انجام می دهند، داده است و آن اشاره به حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد که شرق و غرب جهان را در برمی گیرد و آیین حق در همه جا نفوذ می کند و ناامنی، خوف و جنگ از صفحه ی زمین برچیده می شود و عبادت خالی از شرک برای جهانیان تحقق می یابد. امام سجاد (علیه السلام) در تفسیر این آیه می فرماید: (این آیه درباره ی مهدی آل محمد (صلی الله علیه واله) است. به خدا سوگند، آنها شیعیان ما هستند. خداوند این کار را برای آنها به دست مردی از ما انجام میدهد که «مهدی» این امت است، زمین را پر از عدل و داد می کند، آن گونه که از ظلم و جور پرشده باشد.

ص: 232

---

1- تفسیر نمونه، ذیل آیه مذکور

12. «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» ؛ ما می خواستیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان روی زمین قرار دهیم. (قصص / 5) امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «این آیه مبارکه مخصوص امام زمان صاحب الامر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که در آخرالزمان ظاهر می شود». (1) در روایت است که امام حسن عسکری (علیه السلام) در روز هفتم پس از ولادت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او گفت: «سخن بگو ای فرزند کوچکم، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از گفتن شهادتین و صلوات فرستادن بر پدران خویش یکی پس از دیگری، این آیه را تلاوت کرد: «و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الأرض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين». از امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که: «همانا فرعون و هامان دو نفر از جباران و زورگویان قریش هستند که به خواست خداوند متعال به هنگام قیام «قائم» آل محمد (صلی الله علیه و اله) در آخرالزمان، زنده می شوند و مورد محاکمه قرار می گیرند. (2) این آیه بشارتی است در زمینه ی پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر و بشارتی برای همه ی انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد است و برچیده شدن بساط ظلم و جور را نوید می دهد و نمونه ی گسترده ی آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره ی زمین به وسیله ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. این آیه از جمله آیاتی است که به روشنی بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد. امام علی (علیه السلام) می فرماید: دنیا پس از چموشی و سرکشی، همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه میدارد به ما روی

ص: 233

---

1- منتخب الاثر: ص 470.

2- تفسیر برهان: ص 220



می آورد. سپس ایشان آیهی «و نرید ان نمن..» را تلاوت کردند». در حدیث دیگر میخوانیم که در تفسیر همین آیه حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «خداوند مهدی آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود برمی انگیزد و به آنها عزت میدهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند».<sup>(1)</sup> بنابراین آیه ی کریمه در عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحقق می یابد و از نشانه ها و علامت های آن زمان است.

13. الف. «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»؛ و زمین به نور پروردگار خویش درخشیدن گرفت (زمر/ 69). امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «پس هنگامی که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند اشرف الارض بنور ربها میشود. چون امام رضا (علیه السلام) در این حدیث عین آیه ی قرآنی را تلاوت کرده است، حتما تأویل این آیه در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.»<sup>(2)</sup>

ب. «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا»؛ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش احیا می کند (حدید / 17). از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که در تأویل آیه ی مذکور چنین فرمود: «خداوند زمین را پس از مرگش، توسط قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده می سازد، زمین را توسط عدل، پس از مردنش به واسطه ظلم، احیاء و زنده می سازد.»<sup>(3)</sup> اما در مورد نورانی شدن زمین امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود و بندگان از نور آفتاب، مستغنی می شوند و ظلمت از بین می رود».<sup>(4)</sup>

ص: 234

---

1- جمله ی اول از نهج البلاغه، کلمات قصار، ش 209 و حدیث دوم غیبت شیخ طوسی: ص 184.

2- موعود قرآن: ص 110.

3- نور الثقلین، ج 5 ص 242.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 330 و ارشاد مفید، از تفسیر صافی ذیل همین آیه.

14. الف. «وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا»؛ به تحقیق ساعت فرا می رسد، تردیدی در آن نیست (حج / 7). در روایتی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه واله) فرمود: «شما را به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بشارت دهم، خداوند او را موقعی که اختلاف و لرزشها وجود دارد در امتم برمی انگیزد. پس زمین را از قسط و عدل پر کند، همان گونه که مملو از جور و ظلم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود می شوند. او مال را به طور صحیح تقسیم می کند». ساعت به دو چیز اطلاق میشود: یکی زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و دیگری روز قیامت است (و حشر هم همین گونه است؛ یعنی در دو مورد اطلاق میشود) و مشترک بودن این دو روز از حیث رحمت بودن برای مؤمنان و نعمت بودن برای کافران و منافقان است. در قرآن آیات متعددی پیرامون ساعت و نزدیک شدن ساعت و فرارسیدن ساعت است، که تمامی این آیات نویدفرارسیدن حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می دهند که ما به بعضی از آنها اشاره می کنیم.

ب. «اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ»؛ و چه تو را آگاه ساخته است، شاید که ساعت نزدیک باشد (شوری/17). حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: منظور از این آیه آن است که قیام «قائم» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «نزدیک است. منظور از این که حضرت می فرماید «نزدیک» است این است که حتما و بدون شک «قیام مهدی» (عجل الله تعالی فرجه الشریف) «فرا خواهد رسید و هر چه به طور حتمی فرا رسد، نزدیک است.

ج. «وَإِنَّهُ لَعَلَّمَ لِّلْسَاعَةِ فَلَا تَمْتَرَنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»؛ و او علمی است برای ساعت، پس در آن شک نکنید و مرا پیروی کنید؛ این است صراط مستقیم (زخرف / 61). و «انه لعلم للساعة» در شأن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نازل شده است.

بعضی هم گفته اند (و آنه لعلم للساعه) مقصود خروج عیسی (علیه السلام) قبل از روز قیامت است؛ البته باید توجه داشت که در روایات متواتر ثابت شده است که نزول حضرت عیسی (علیه السلام) هنگام ظهور قائم مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و عیسی (علیه السلام) پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می گزارد.

د. «فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ أَشَدَّ رَاطْهَا فَأَنَّى لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرَاهُمْ»؛ پس آیا جز ساعت را انتظار دارند که ناگهان بر آنان فرارسد، پس نشانه های آن آمده است. پس چه (سودشان بنخشد) یاد آوردن ایشان (حق را) آن گاه که (ساعت) بر آنان آید (محمد صلی الله علیه واله) / 18).

رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرمود: «در آخرالزمان بلای شدیدی بر امت من نازل خواهد شد تا آنجا که عرصه بر آنان تنگ شود؛ پس خدا مردی را از عترت من برانگیزد و او پس از قیام خویش، زمین را چنان که پر از ظلم و جور شده است، از قسط و عدل پر کند و او خلیفه ی خدا، مهدی (علیه السلام) است».

ه «فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُم تَنْطُقُونَ»؛ پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین که آن حق است؛ مانند سخن گفتن شما که در آن شکی ندارید (ذاریات / 23). حضرت سجاد (علیه السلام) از علی بن حسین (علیه السلام) علت روایت کرده است: در مورد «قورب السما و الارض انه لحق» این مربوط به قیام قائم ما، حق است و این قیام حق است (مثل ما انکم تنطقون).

و. خدا در آیه ی دیگر می فرماید: «أَقْتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ»؛ ساعت نزدیک شد و قمر بشکافت (قمر / 1). همان گونه که قبلا نیز بیان شد، ساعت هم می تواند قیامت باشد و هم می تواند روزی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند، باشد و تعارض و منافاتی بین این

دو نیست؛ زیرا هر دو، روز حشر هستند، قیامت حشر عمومی و همگانی است و روز ظهور، حشر فوجی از هر امت است؛ بنابراین ساعت که خداوند مکرراً در آیات بیان فرموده یک مصداق آن بر عهد رجعت و ظهور مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کلام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطاب به خدای سبحان چنین عرضه می دارد: «بار خدایا! تو زمین را از حجتی بر خلقت، خواه آشکار و خواه نهان، تهی نمی سازی» (شرح نهج البلاغه، ج 18: ص 347) و نیز می فرماید: «هم او کسی از فرزندان من، امین خلق خدا و امید مردم روی زمین خواهد بود». در چشم انداز شیعی، پس از رسول خاتم (صلی الله علیه واله) تا زنجیره ی حجت های الهی در ساختار نظام امامت) رشد یافت که خدای تعالی با ارزانی داشتن آن، نعمت خویش را بر امت اسلامی به اتمام رسانید (نظام امامت، محور و سامانه ی امت است).<sup>(1)</sup> اگر این مبحث از جامعه اسلامی حذف شود چه آگاهانه و چه ناآگاهانه، هویت جامعه ی اسلامی از هم می پاشد؛ از این رو تا جامعه ی اسلامی هست باید امامت نیز باشد و این نیاز ضروری جامعه است و اولین وظیفه ی امت، شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود است و گام بعدی اطاعت و پیروی از آن است. نیاز جامعه ی جدید نیز همین است که اول باید حجت و امام معصوم خود را بشناسد و بعد از آن پیروی کند و در غیر این صورت اگر از دنیا رفت به مرگ جاهلی مرده است. بر مبنای ادله ی قطعی حلقه ی نخستین زنجیره ی امامان معصوم، امام علی

ص: 237

---

1- شرح غررالحکم، ج 1، ص 274.

(علیه السلام) و حلقه ی پایانی آن خاتم الائمه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

سیمای مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت علی (علیه السلام) در توصیف ویژگیهای جسمی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمودند: «او مردی است که پیشانی گشاد و درخشان دارد، بینی او خوش تراش و شکمش نسبتاً بزرگ و ران هایش عریض است. او دندان های سفید و درخشان دارد...» (1)

حضرت فرمود: حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در خلقت شبیه پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) است.

### اوصاف حضرت مهدی

حضرت علی (علیه السلام) در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می فرماید: «زره حکمت می پوشد و در فراگیری آدابش بسیار کوشا است، و آن را خوب شناخته و از غیر حکمت روی گردان است و حکمت را گمشدهای میدانند که در پی آن می گردد. او یگانه حجت باقی مانده خدا و جانشینان انبیا است. (2) حضرت علی (علیه السلام) در یکی از سخنانشان می فرماید: «از صفات حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، آستانه او در پناه دهی به بی پناهان از همه ی آستانه ها وسیع تر، علم و دانش آن حضرت از همه زیادتر است و بیشتر از مردم به صله ارحام و پیوند با خویشاوندان توجه می کند. پروردگارا! بیعت او را پایان بخش همه اندوه ها قرار بده و تفرق و پراکندگی امت اسلامی را به دست باکفایت آن حضرت به یگانگی مبدل فرما...» (3) امام حسین (علیه السلام) از حضرت علی (علیه السلام) نقل می کند که در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ص: 238

- 1- منتخب الاثر، 151، ج 3.
- 2- نهج البلاغه، خطبهی 183.
- 3- بحار الانوار، ج 51: ص 115.

می فرماید: «هر کس به او نزدیک شود، وی را دریایی ژرف می یابد، آن گاه که مردمان آلوده شوند، معدن پاکی است. در هنگامه ی هجوم مرگ، هراس را به دور راه نیست، چون گرویدگان به دورش حلقه زنند، به کسی ستم روا ندارد و در کارزار سلحشوران، به هنگام جنگ پشت به دشمن نکند، پا در رکاب نبرد و سرکوب گر خصم دون و ظفرمند است. دشمنان نابکار را با تیغ خود دور می کند و بر پیکر پلیدشان زخم های شدید می نشاند دانشش از شما فزون تر و در رسیدگی به خویشان از شما کوشاتر است»<sup>(1)</sup>.

### پیش بینی غیبت امام مهدی

یکی از پیشامدهای بسیار مهم زندگی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع شدن غیبت می باشد که همانطور که بیان شد در دو مرحله انجام گرفت. اولی به نام غیبت صغری معروف است که از سال 260 هجری، یعنی از زمان شهادت امام عسکری (علیه السلام) آغاز شد و تا سال 329 هجری ادامه داشت و از این سال به بعد دوره ی غیبت کبری آغاز شد که تاکنون نیز ادامه دارد. در رهنمودهای امیرالمؤمنین (علیه السلام) به این موضوع و وقایعی که در این دوره پیش خواهد آمد، اشاره شده است. حضرت امیر (علیه السلام) فرمودند: «برای قائم ما غیبتی است که مدت آن طولانی خواهد شد. شیعیان را در این زمان می بینیم که همانند گله ی بی صاحبی، که در دشت پراکنده شده باشند، به دنبال چراگاه و مرتع می گردند؛ ولی آن را پیدا نمی کنند. به جستجوی آن حضرت می پردازند؛ ولی او را نمی یابند. آگاه باشید، در این دوره هر کسی از آنها (شیعیان) در دین و عقیده خود استوار و ثابت قدم

ص: 239

بماند و قلبش به جهت طولانی شدن غیبت امامش قساوت پیدا نکند، او روز قیامت در نزد من و در جایگاهی که من هستم خواهد بود». (1) حضرت علی (علیه السلام) روزی حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را یاد کردند و فرمودند: «آگاه باشید، او غیبتی طولانی خواهد داشت به گونه ای که نادانان به مصالح الهی بگویند: خداوند را در آل محمد (صلی الله علیه واله) برنامه ای نیست»؛ یعنی افراد نادان به جهت طولانی شدن دوره ی غیبت از

ظهور آن حضرت مأیوس و ناامید خواهند شد. (2)

علت غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

برای غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علت و حکمتهای زیادی در مجموعه ی روایات امیرالمؤمنین (علیه السلام) ذکر شده است که به بعضی از آنها می پردازیم. حضرت در مورد علت غیبت چنین می فرماید:

همانا قائم از ما آن گاه که قیام کند، بیعت کسی در گردن او نخواهد بود و به همین خاطر است که تولد او به صورت پنهانی واقع خواهد شد و وجود او از دید و نظر مردم غایب خواهد بود». (3)

حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در حالی که امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) حضور داشتند خطاب به مردم فرمودند: «ای مردم آگاه باشید، سوگند به خدا من و این دو فرزندم به قتل خواهیم رسید. آن گاه خداوند شخصی از فرزندان مرا در آخرالزمان ظاهر خواهد کرد تا خون ما را از ستمگران طلب کند. او از دیده مردم غایب خواهد بود تا اهل ظلالت و گمراهی، از دیگران شناخته شوند و این غیبت به قدری طولانی خواهد شد که مردمان نادان خواهند گفت: خداوند

ص: 240

---

1- کمال الدین، ج 1، ص 303.

2- کمال الدین، ج 1، ص 302.

3- بحار الانوار، ج 51: ص 109.

برنامه ای برای آل محمد (صلی الله علیه واله) ندارد». امام صادق (علیه السلام) فرمود: «روزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در بالای منبر مسجد کوفه فرمودند: ای مردم بدانید زمین هرگز از حجت خدا (امام معصوم خالی نخواهد ماند؛ اما خداوند متعال به زودی مردم را به خاطر ظلم و ستم و نیز اسراف که در حق خودشان انجام میدهند، از دیدن حجت الهی محروم خواهد کرد»؛ یعنی مردم به جهت اعمال خودشان در آینده از دیدن امام معصوم محروم خواهند شد. (1)

### امام علی (علیه السلام) و فلسفه غیبت

در بیانات علوی، سه دلیل برای فلسفه غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ذکر شده است. امام علی (علیه السلام) با رویکرد آسیب شناختی، به زمینه های تشکیل دولت کریمه ی مهدوی سه آسیب را متوجه ارکان حکومت عدل جهانی می داند که از آن میان، دو خطر رأس هرم حکومت صالحان و یک خطر قاعده ی آن هرم را تهدید می کند. هرم حاکمیت از دو مؤلفه ی اساسی تشکیل می شود؛ یکی رهبری در رأس و دیگری کادر مردمی در قاعده که پیش از شکل گیری حکومت حضرت بقیه الله (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و در روند تکاملی انقلاب مهدوی، هر دو مؤلفه و هر کدام به نوعی در معرض آسیب قرار می گیرند. در مورد رهبری از سویی شخصیت حقیقی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و از سوی دیگر جایگاه مردمی و اعتبار حقوقی ایشان تهدید می شود و در خصوص مردم عنصر وفاداری، فرمانبری و یکپارچگی در آستانه ی خطر قرار می گیرد. محورهای تهدیدگر رهبری را از کلام امام علی (علیه السلام) بیان می کنیم: 1. تهدید شخصیت حقیقی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): علی (علیه السلام) برای تبیین

ص: 241



نخستین دلیل رخداد غیبت، پس از تلاوت آیه 53 سوره نور (خدا به کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، وعده داده است که حتما آنان را در این زمین جانشین خود قرار دهد) چنین می فرماید: «حجت خدا بنابر مصلحتی که بر وی آشکار است، از دیده ها پنهان شود؛ زیرا فتنه چنان در قلب ها جای می گیرد که حتی نزدیک ترین مردمان به حضرت، سرسخت ترین دشمنان او می شوند. آن گاه خدا به کمکش خواهد شتافت و دین پیامبرش را به دست او بر همه ی ادیان پیروز خواهد کرد؛ هر چند کافران را خوش نیاید». بر پایه ی این حدیث شریف، حفاظت از جان رهبری دولت کریمه، نخستین دلیل رخداد غیبت ایشان بوده؛ زیرا نیروهای نفوذی نظام غاصب عباسی تا درونی ترین لایه های زندگی امام حسن عسکری (علیه السلام) و اطرافیانشان رخنه کرده، درصدد ترور مولود موعود بودند تا حدی که خواب و خوراک را برای آن حضرت و اطرافیانشان سخت کرده بودند.

2. تهدید شخصیت حقوقی و تخریب پایگاه مردمی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): حضرت امیر (علیه السلام) برای تبیین دومین دلیل وقوع غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین می فرماید: «آن گاه که قائم ما به پا خیزد، بیعت هیچ ستمگری به گردنش نیست و به همین دلیل، ولادتش مخفیانه رخ می دهد و خودش بعد از چندی از دیدگان پنهان می شود». علت مهم دیگری که امام علی (علیه السلام) در این سخن بر آن انگشت نهاده است؛ بعد دیگری از توطئه های دستگاه جبار عباسی را آشکار می سازد.

با توجه به مفهوم عمیق و نقش کلیدی بیعت در عرف اجتماعی، سیاسی و ساز کار انتقال و تثبیت قدرت در جامعه ی عصر ائمه (علیه السلام)

حاکمان غاصب بنی عباس، برای آن که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود را به یک عنصر بی خطر و مرده ی سیاسی تبدیل کنند، دوره کار مؤثر در پیش روی داشتند: نخست آن که بی پروا نقشه ی قتل امام را عملی سازند، دوم آن که سناریوی «ترور شخصیت» را در مورد رهبر جامعه ی شیعیان، به نمایش بگذارند. راهکار اول به حذف فیزیکی ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از صحنه ی سیاسی ختم میشد و راهکار دوم به تخریب پایگاه مردمی و لطمه ی جبران ناپذیر حیثیتی به ایشان منجر میشد. قدرت پرستان و سیاست بازان عباسی خوب می دانستند که بهترین راه برای فلج کردن حرکت توفنده ی شیعه، سلب مقبولیت اجتماعی و محبوبیت معنوی از رهبری کارآمد شیعی؛ از طریق سازشکار معرفی کردن رهبر جدید، یعنی جانشین امام حسن عسکری، است و بیعت ستاندن از او می توانست یک مانور بسیار مؤثر تبلیغاتی علیه فرزند امام عسکری (علیه السلام) باشد و به گونه ی مطلوبی ضریب همبستگی روحی و پیوستگی سازمانی میان رهبری و جامعه ی شیعی را به حداقل برساند و بدین سان جبهه ی شیعه را در جغرافیای معادلات سیاسی به موقعیت بی وزنی تبعید کند.

اگر دستگاه خلافت عباسی در اجرای این نقشه ی شوم، ظفر می یافت، بازتاب مهیب چنین ضربه ی مؤثری بر پیکر رهبری شیعه، چنان در تاریخ طنین افکن می گشت که حتی پس از گذشت زمان زیادی شیعه مجالی برای اعاده ی حیثیت و احیای وجهه ی ظلم ستیز و عدالت خواه امامت شیعی و آخرین پیشوا باقی نمی گذارد. طبعاً افکار عمومی جامعه ی جهانی، پرچم داری نهضت عدالت طلبی را برای فردی که دارای پرونده ی سوء پیشینه ی سازش کاری در آرشیو تاریخ است، زینده نمی بیند. از این رو، غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر

اساس حکمت بالغه ی الهی، فرصتی استثنایی برای صیانت از شخصیت حقیقی و حقوقی آن نجات بخش فراهم آورد تا در پناه آن، چراغ امید مستضعفان جهان برای برپایی حکومت حق و عدل همچنان فروزان بماند.

3. نفاق و پایه های حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تهدیدی از درون: چنان که گفته شده علاوه بر دو خطر که رأس هرم دولت کریمه را (که همان رهبری بوده) تهدید می کرد، یک خطر هم متوجه قاعده ی هرم و پایه های مردمی حکومت جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بود. در روند آسیب شناسی انقلاب جهانی بقیه الله به عاملی بسیار خطرناک میرسیم به نام «نفاق». اساساً راه یابی عناصر نامطمئن و نفاق پیشه در هر نهضت، به خلوص آن انقلاب شدیداً آسیبوار ساخته، دست یابی به اهداف نظم انقلابی در جامعه را عمیقاً دشوار می سازد. منافق، در حقیقت همان دشمن است با خصومت ورزی به مراتب سخت تر و پیچیده تر که برای کشف و خنثی سازی توطئه های وی، رهبری و نیروهای وفادار به انقلاب باید هزینه ی گزافی را پردازند. منافق در هنگامه ی بحران درگیری حاکمیت با جبهه ی دشمنان بیرونی، جبهه ای از درون در برابر انقلاب می گشاید و باعث ایجاد شکاف در درون جامعه ی انقلابی و دل مشغولی های فزاینده ی نیروهای نظام می شود. منافق در برابر فرمان های رهبری، اما و اگر می آورد و در مورد بایدهای سیاست، تخم تردید در دل ها می افشاند و کینه ی مهره های کلیدی و نیروهای اصیل اصولگرای انقلاب را به دل می گیرد و درصدد حذف آنان بر می آید. منافق، فتنه گر و فتنه انگیز است؛ در منطق قرآنی، نفاق زیان بارتر از کفر است و منافق در «درک اسفل» جهنم جای دارد (نساء/145) «و فتنه، خطرناک تر از قتل است» (بقره / 217، 191). از این رو در هر

نهضتی شفافیت خطوط و نمودار بودن هویت و گرایش نیروهای پیش نیاز اساسی برای به ثمر نشستن خیزش و تداوم آرمان های انقلاب است. کارکرد پدیده ی الهی غیبت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز در همین جهت قابل تحلیل است. «غیبت» یک دوره ی آزمایشی است که در این دوره اردوگاه طرفداران امام (علیه السلام) تصفیه می شود و به تعبیر امام باقری (علیه السلام)

: «منتظران بارها غربال می شوند». (1) در این غربال شدن یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و تنها رادمردان یکرنگ و یکدل در جبهه ی حق و پادگان ولی قائم حق باقی می مانند، که مبادا عناصر سست بنیاد نفاق پیشه ای از درون سپاه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و در کشاکش کارزار با نظام سلطه ی جهانی و قدرت های اهریمنی، حکمیتی ننگین را به بقیه الله (علیه السلام) مانند جد بزرگوارش علی بن ابی طالب (علیه السلام) تحمیل کنند یا چون فرماندهان و سپاهیان سست بنیاد عمومی مظلومش امام مجتبی (علیه السلام) به کیسه ی زری یا به ملک هرات و آب فرات، دین خود به سفیانیان زمان بفروشند. از این رو است که علی (علیه السلام) می فرماید: «قطعا خداوند مردی از فرزندان مرا در آخرالزمان برانگیزد که خون خواه ما اهل بیت (علیه السلام) باشد و از مردمان خویش پنهان شود تا آنان که هدایت پذیر نیستند، از مؤمنان راستین تمایز یابند. (2) و (3)

### زمین از حجت خالی نمی ماند

در جهان بینی مکتب اهل بیت (علیه السلام) انسان بدون امام معصوم و در زمین خالی از حجت به حق الهی، نخواهد ماند؛ چرا که بدون امام معصوم هدایت و کمال صحیح و شایسته انسانی میسر نخواهد شد.

ص: 245

1- کتاب الغیبه: ص 339

2- کتاب الغیبه نعمانی: ص 141.

3- دانشنامه امام علی (علیه السلام): ص 292 تا 295.

به علاوه حفظ نظام هستی به برکت وجود حجت‌های خداوند است. این حقیقت در جای جای روایات رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیه السلام) به شیوه های مختلف تصریح شده است، که گاهی زمینه و شرایط برای حضور علنی و آشکار امام (علیه السلام) فراهم است؛ در نتیجه او به گونه ای که همه ی مردم او را می شناسند و به او دسترسی دارند؛ در میان آنها زندگی می کند؛ اما در شرایط خاصی به جهت وجود خطرات جانی یا مصالح دیگری که خداوند به آنها عالم تر است مشیت الهی اقتضا می کند که امام (علیه السلام) پنهان از چشم مردم زندگی کند. در این باره روایات زیادی نقل شده است. جهت آشنایی بیشتر با این موضوع به روایاتی که از حضرت علی (علیه السلام) نقل شده می پردازیم. حضرت می فرماید: «بار خدایا، همواره باید در روی زمین، تو حجتی برای بندگانت داشته باشی تا خلق را به دینت راهنمایی کند و علم تو را به آنها بیاموزد تا حجت تو تباه نشود و پیروان اولیای تو بعد از آن که آنها را هدایت کرده ای دوباره گمراه نشوند. حجت تو یا ظاهر و آشکار خواهد بود و یا از دیده ها پنهان خواهد بود که مردم در انتظار او به سر می برند. اگر وجود جسمی مبارک حضرت غایب باشد، علم و آدایش در قلب های عاشقان حق پایدار است...» (1). (حضرت در جای دیگر می فرماید: «بار خدایا آری زمین از امامی که قیام بر حق کند، خالی نخواهد ماند. او با آشکار و شناخته شده است، یا ترسان و پنهان است تا حجت ها و دلیل های روشن خدا یعنی اصول و احکام دین و تعالیم انبیا) از بین نرود؛ اما این که

ص: 246

ایشان چند نفر هستند و کجایند، به خدا سوگند از نظر تعداد آنها بسیار کم هستند؛ ولی از جهت منزلت و بلندمرتبگی در نزد خداوند بسیار بزرگوارند. خداوند به وسیله ی ایشان حجتها و دلیل های روشن خود را حفظ می کند. آنان خلفا و نمایندگان خدا در روی زمین هستند و مردم را به سوی دین، احکام و مقررات او دعوت می کنند». (1)

### فضیلت انتظار فرج در کلام امیرالمؤمنین (علیه السلام)

واژهی انتظار مفهومی بسیار ژرف و پراچ دارد؛ گویی که انتظار زیباترین و کامل ترین جلوه ی بندگی حق تعالی و نماد همه ی ابعاد دینداری در دوران پس از حضور است. تا آنجا که حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «انتظار فرج، برترین عبادتهاست. منتظر فرج باشید و از رحمت الهی ناامید نشوید که محبوب ترین کارها نزد خدای عزوجل انتظار فرج است». (2) همین مطلب را امام صادق (علیه السلام) از پدران بزرگوارشان و آنها از علی (علیه السلام) چنین روایت کرده اند: «انتظار فرج، همانا محبوب ترین کارها در نزد خداوند عزوجل است... و کسی که منتظر امر ما (فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)) باشد، مانند رزمنده ای که در راه خداوند به خون خود آغشته شده باشد، اجر و پاداش شهید را دارد». (3) بر همین اساس منتظران در فرهنگ اسلامی، شیعی ما از جایگاه والایی برخوردار هستند و حضرت در این مورد می فرماید: «آن کس که به ریسمان ما چنگ زند، فردا در

ص: 247

---

1- نهج البلاغه، حکمت 139.

2- کتاب الغیبه: ص 141 و 210.

3- الخصال، ج 2، ص 740.

فردوس برین با ما خواهد بود و کسی که منتظرش ماند، مانند شخصی است که در راه خدا در خون خود غوطه ور باشد». (1) امام علی (علیه السلام) می فرماید: «قائم ما غیبتی طولانی در پیش دارد. بشارت باد آن کس را که در دوران غیبت بر دین خود پابرجا ماند و در پی به درازا انجامیدن غیبت امامش به سنگ دلی دچار نشود. او در روز رستاخیز با من و در درجه ی من خواهد بود». (2) راز چنین جایگاه رفیع که فرشتگان مقرب الهی به آن غبطه می خورند، در چه چیزی نهفته است؟ انتظار، چه مسؤولیتی است که هر کس آن را نیک ادا کند، در خور چنین پاداشی می شود و در بلندترین مراتب بهشت، همنشین ساقی کوثر و هم صحبت (قسیم الجنه والنار) میشود؟ واقعا چه عاملی منتظر راستین را هم قدر و هم وزن شهید می کند؟ برای پاسخ به این پرسش از کلام رسول اکرم (صلی الله علیه واله) استفاده می کنیم که فرمود: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج است و برترین اعمال، سخت ترین آنهاست». پس نتیجه می گیریم که انتظار از گران بارترین تکالیف شرعی و مسؤولیت های دینی است که حضرت رسول (صلی الله علیه واله) به آن اشاره کرده است.

وظایف منتظران در کلام حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حضرت دو وظیفه ی اصلی را برای منتظران بیان کرده است:

الف. ثبات قدم در دینداری: دوران آخرالزمان، آکنده از انواع فتنه ها، شرارتها، ضلالت ها و مفاسد است. در آن زمان بدعتها، هواپرستیها، دین فروشبها، فتنه انگیزیها، تفرقهها، عداوتها،

ص: 248

1- الخصال، ج 2، ص 616

2- بحار الانوار، ج 51: ص 109.

کینه توزی ها و دنیاطلبیها به اوج می رسد. باطل پیشه گان و گردن کشان بر تخت قدرت نشسته، خداجویان و حق طلبان اقلیتی شکننده را تشکیل میدهند. طبعاً در چنین شرایطی، پافشاری بر حیات دینی و اجرای حدود الهی و حق مدار ماندن و از پرتگاه فتنه ها سقوط نکردن و به دام بدعتها گرفتار نشدن، امری بس بزرگ است که جز با برخورداری از اراده ی پولادین و دین شناسی بنیادین و توفیق الهی به دست نمی آید. از این رو مولای متقیان علی (علیه السلام) درباره ی ثبات در دینداری و اهمیت آن در دوران غیبت چنین یاد می کند: «از حبیب رسول خدا (صلی الله علیه واله) شنیدم که فرمود: سوگند به آن که مرا به حق برانگیخت، فرزند به پا خاسته ی من غایب خواهد شد؛ پس هر که زمانهای غیبت وی را درک کرد، بر ریسمان محکم دین خدا چنگ زند و بر ابلیس خبیث راهی نگشاید که با افسون شک و تردید، او را از آیین من، دور و از دین من برون سازد». حضرت امیر در جای دیگر در مدح منتظران راستین دولت کریمه، آنان را بر ولایت مداری و منطبق بر منش خود با روش پیشوایان بر حق دین میدانند و آنها را چنین می ستایند: «اینان پیروان رهبران دین و امامان راستین هستند، هم آنانی که به آداب ایشان مؤدبند و رهرو طریقتشان، دانش همراه گوهر ایمان، بر ایشان روی آورده است؛ آنان چشم به راه دولت حقند». (1)

ب. سلامت روحی و حق پذیری: با بررسی تاریخ ادیان به این نتیجه می رسیم که با گذشت زمان، بر اثر عوامل مختلف ادیان، آرام

ص: 249

---

1- کافی، ج 1، ص 335.



آرام از خلوص نخستین خود فاصله می گیرند و اصول و فروع آنها هر یک به نوعی با حذف و اضافه، تشدید و تضعیف، تبدیل و تغییر، تأویل و تحویل دچار تحریف شده اند. این تحریفها به دو گونه هستند: یکی تحریف لفظی و دیگری تحریف معنوی. با مطالعه در مورد دین اسلام به این نکته می رسیم که دین اسلام از تحریف لفظی مصون مانده است؛ زیرا خداوند نگهبان کتاب آسمانی و وحی خود بوده است.

اما طی چهارده قرن در بعد تحریف معنوی به دلیل عواملی چون، تفسیر به رأی، کج فهمی از قرآن، فقدان بخشی از منابع حدیث و سیره و سنت، جعل حدیث، تحریف وقایع و شخصیت‌های تاریخی، جمود فکری و قشری‌گری، نفوذ فرهنگ‌های بیگانه و پیدایش بدعت گذاری‌ها و فرقه سازی‌ها توسط استعمارگران، ترویج اسلام شناسی‌های مسموم و مغرضانه، همه و همه هر کدام به شکلی، شناخت درست از پیام وحی، کارکرد دین و اهداف شارع را در سطح جهان اسلام تحت تأثیر قرار داد و آن را به تحریف کشانید. از این رو احادیث متعددی بیانگر این واقعیت هستند که امام مهدی آن گاه که زمام امور را به دست می گیرد، به گونه ای از اسلام سخن می گوید که مردم فکر می کنند ایشان دین و کتاب جدیدی آورده است. از این رو، عده ی بسیاری از مسلمانان با استناد به قرآن بر آن حضرت احتجاج کرده، در برابر ایشان صف آرایی می کنند. (1)

حضرت امیر (علیه السلام) می فرماید: «اینان کسانی هستند که حقیقت و

ص: 250

هدایت را بر پایه ی خود محوری، رأی خود و خواست خود، تعریف کردند و پذیرفتند که قرآن را با اندیشه ی خود انطباق دهند». (1)

در چنین شرایطی یکی از حیاتی ترین ویژگی های روحی که فرد منتظر باید داشته باشد، حق پذیری است و در این خصوص حضرت علی (علیه السلام) چنین میفرماید: «برای قائم ما غیبتی در پیش است و گویا شیعیان را می بینم که در دوران غیبت وی، چون رمهای در پی مرتعی، بدین سو و آن سوی روانند؛ ولی آن را نمی یابند. آگاه باشید که هر کسی در این هنگام بر دین خود استوار ماند و در پی به درازا انجامیدن مدت غیبت به سنگدلی گرفتار نیاید، در روز رستاخیز با من و در جایگاه من خواهد بود». (2)

### احوال مردم آخرالزمان از نگاه امام علی (علیه السلام)

می توان گفت که بیشترین مطالب مربوط به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سخنان حضرت علی (علیه السلام) است. حضرت چشم اندازی کامل از وضعیت آخرالزمان را در اوضاع اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و جوامع انسانی در آستانه ی ظهور ترسیم کرده است و می فرماید: هیچ کس کلمه ی «الله» را بر زبان نمی راند مگر در نهان» (3) دینداری چنان رو به کاستی رود که دیگر شعار توحید، لا اله الا الله، شنیده نخواهد شد». «در آن سال های مکر و حيله، راستگویی و دروغ در هم آمیخته شود». «حقوق خدای سبحان زیر پا گذاشته شود و کلام خدا، قرآن را آلت ترانه خوانی و لهو و لعب قرار دهند».

ص: 251

1- نهج البلاغه، خطبه 138.

2- اکمال الدین، ج 1، ص 303.

3- بحار الانوار، ج 51: ص 117.

«نه بزرگ بر کوچک رحم آرد و نه کوچک بر بزرگ شفقت روا دارد». «شیعیان به جان یکدیگر بیفتند. دل‌های مؤمنان بر اثر سختی، فشار، گرسنگی و کشتار، از بین رفتن سنت‌ها و رواج بدعتها و ترک فریضه‌هایی چون امر به معروف و نهی از منکر، خواهد مرد». «ثلثی از مردمان کشته شوند و ثلثی خود بمیرند و تنها ثلثی بر جای ماند». «منافقان و شقاوت‌پیشگان بر مسند حکومت تکیه زنند و زمام امور جوامع را به دست گیرند، امت اسلام چون قوم بنی اسرائیل؛ بلکه سخت‌تر از آنان، سرگردان و حیران شوند». «شهرهای زیادی بر اثر طوفان، سیل، آتش‌سوزی، زلزله و لشکرکشی‌ها و جنگ‌های خونین با ساکنانشان از بین می‌روند».

مردمان نماز را بی‌مقدار سازند، و امانت را حرمت‌نهند و گناهان را حلال بشمارند و خائن را بر امانت بگمارند. امیران فاجر، وزیران کاذب و امینان خائن شوند. «قاریان پرشمار و عالم کم‌شمار، منابر بلند، مساجد آراسته و زران‌دود، حدود الهی تعطیل، شراب‌خواری افزون و عهدشکنی رایج شود. زنان در بازرگانی همدوش شوی خود شوند و به شمایل مردان بر بارها نشینند. مردان زنانگی کنند و زکات را غرامت و امانت را غنیمت بشمارند. مرد از همسر خویش اطاعت کند و در نتیجه پدر را از خانه براند و مادر را رنجیده سازد، مردان به مردان و زنان به زنان بسنده کنند، منبریان زیاد شوند و دانشمندان به حکومتیان نزدیک شوند و برای خوشامد آنان و زران‌دوزی خویش، حلال را حرام و حرام را حلال کنند و بر پایه‌ی هوس فتوا دهند».<sup>(1)</sup>

ص: 252

---

1- بحار الانوار، ج 51: ص 117؛ شرح الأخبار، ج 3، ص 356، کتاب الغیبه: ص 278؛ بحار الانوار، ج 52: ص 380، کتاب الغیبه: ص 206، کنز العمال، ج 14: ص 591 و 587، الکافی، ج 8: ص 66 کنز العمال، ج 14: ص 574

و حضرت در حکمت‌هایش می فرماید: «روزی خواهد آمد که در آن سخن چینیه‌ها مقرب خواهند شد و افراد بدکار زیرک خوانده می شوند، افراد با انصاف را ناتوان به حساب می آورند، صدقه و انفاق در راه خدا را غرامت می پندارند، صله رحم و آمدوشد با خویشاوندان را با منت انجام میدهند و بندگی و اطاعت خدا را وسیله‌ی فخرفروشی برای مردم قرار می دهند. در چنین زمانی حکومت با مشورت زنان، امارت کودکان و تدبیر خواجهگان انجام می گیرد». (1) امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «در آخرالزمان، که بدترین زمان هاست، در موقعی که روز قیامت نزدیک شود زنانی بدون حجاب ظاهر میشوند و در حالی که زینت‌های آنها پیداست، در انظار عمومی رفت و آمد می کنند. آنها از دین خارج می شوند، به احکام دینی پایبند نیستند و به امور فتنه انگیز وارد می شوند، به سوی شهوت‌ها و لذت جویی‌ها روی می آورند و حرام‌های خدا را حلال می‌شمارند؛ این گونه از زنان در جهنم خواهند ماند». (2)

و حضرت فرمود: «فقیهان آخرالزمان طبق آنچه دلشان بخواهد فتوا می دهند، قاضی‌هایشان به چیزی که نمایند حکم می کنند و بیشتر آنها به دروغ شهادت می دهند. کسی که پول دارد در نزد آنها عزیز و محترم است؛ ولی شخصی که بی پول باشد، در پیش آنها زبون و حقیر است». البته این حوادث کم و بیش در دوره‌های که ما زندگی می کنیم، حداقل در بعضی از عرصه‌ها، به چشم می خورد. موارد اشاره شده جهت آشنایی بیشتر است تا چاره‌ای مناسب بیندیشیم، به امید این که موجب بیداری مان شود و از

ص: 253

---

1- نهج البلاغه، حکمت 98

2- منتخب الاثر: ص 426.

طریق آشنا شدن با علائم آخرالزمان پیشاپیش تدابیری را اتخاذ کنیم که از عوارض منفی آنها خود و جامعه مان را در امان نگه داریم.

### نشانه های ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نگاه علی (علیه السلام)

برای ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نه تنها وقت خاصی تعیین نشده، بلکه از مشخص کردن وقت برای آن هم منع شده است؛ ولی در عین حال برای آن علایم و نشانه هایی ذکر شده که مردم می توانند از طریق آن علامت ها، نزدیکی وقت ظهور را تشخیص دهند.

نشانه های ظهور به دو دسته حتمی و غیر حتمی تقسیم می شوند که به بعضی از آنها اشاره می شود: از نشانه های حتمی طبق روایات متعدد، شورش سفیانی، فرورفتن زمین در منطقه ی بیداء، صیحه ی آسمانی و قتل نفس زکیه است که امامان معصوم (علیه السلام) وقوع آنها را حتمی دانسته اند. نشانه های غیر حتمی که در روایات بیان شده؛ علائم اجتماعی، اخلاقی و طبیعی است و حضرت علی (علیه السلام) آن ها را چنین بیان می فرماید:

و آن گاه که آتش در حجاز شعله ور شود و سیل در نجف جاری شود، منتظر ظهور قائم این باشید.» «پیش از قیام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مرگی سرخ و مرگی سپید جوامع انسانی را در بر می گیرد.» «یکی از روستاهای (ارم) در کام زمین فرو می رود و دیوار غربی مسجد آن فرو می ریزد.» «روستایی در شام فرو می رود.» «صاحبان پرچمهای سیاه از سمت خراسان خواهند آمد و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را یاری خواهند کرد.» «اصحاب کهف به همراه سگشان به اردوگاه حضرت خواهند پیوست و بر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سلام خواهند کرد.» (1)

ص: 254

پیش از ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ده نشانه نمایان خواهد شد، نخستین علامت، طلوع ستاره دنباله دار است.» از دیگر نشانه های ظهور، خروج دجال است که حضرت علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید: دجال وقتی ظهور خواهد کرد که مردم نماز را ترک کنند و امانت را ضایع سازند، دروغ گفتن را مباح شمارند، رباخواری کنند، رشوه بگیرند، ساختمان ها را محکم سازند، دین را به دنیا بفروشند سفیهان را به کار بگمارند، با زنان در آن مواردی که از عهده آنان خارج است مشورت کنند، از هوا و هوس پیروی کنند و خون یکدیگر را ناچیز بشمارند و ستم را افتخار به حساب آورند.» (1)

### ظهور موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و رویارویی با دشمنان

حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «از دشمنان سرسخت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سفیانی است که او از نشانه های حتمی ظهور معرفی شده است و حضرت علی (علیه السلام) در وصف او می فرماید: «سفیانی مردی چهارشانه است با چهره ای بدمنظر و وحشت انگیز، سری بزرگ و پوستی سرخ و زرد و چشمانی آبی و اثر جراحی در صورت دارد و شریرترین و ستمکارترین و منفورترین بندگان نزد خداست. هرگز خدا را نپرستیده، هیچ گاه مکه و مدینه را ندیده است، در خباثت همین بس که کنیز خود را، که از وی فرزندی دارد، زنده در زیر خاک دفن می کند، مبادا که پناهگاهش را به یاران امام نشان دهد..»

سفیانی سپاهی تجهیز می کند و به سوی افرادی که به سمت مکه گریخته اند می فرستد تا آن گاه که به سرزمین «بیداء» وارد

ص: 255

می شوند و زمین آنان را در کام خود می کشد... و مردی از آنان که در پی ناچه ی گم شده خود به سوی دیگری بوده، این صحنه را مشاهده می کند و به سفیانی خبر می دهد. سفیانی سرانجام در کنار دریاچه طبریه اردو می زند و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حالی که جبریل از سمت راست و میکائیل در چپ و عزرائیل در جلو وی را همراهی می کنند، به مصاف با وی رفته، بر او شیبخون می زند.... به ساعتی تمام سپاهیان سفیانی به خاک هلاکت می افتند و سفیانی تنها می ماند، امام او را در بند کرده، سر از تن او جدا می سازد». (1)

دجال یکی دیگر از دشمنان امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نشانه های بحث انگیز ظهور است. البته با توجه به روایات و پژوهش هایی که درباره ی دجال صورت گرفتند، در می یابیم که به احتمال قریب به یقین مقصود از دجال یک موجود جاندار و زنده ی کذابی نیست؛ بلکه دجال، نماد و تندیس یک جریان است.

فرجام کار دجال از زبان مولای متقیان علی (علیه السلام): «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به بیت المقدس وارد می شود و در روز جمعه امامت نماز را به عهده می گیرد. در این هنگام عیسی (علیه السلام) بن مریم از آسمان فرود آید؛ مهدی را به او گوید: ای پسر بتول بر مردم نماز بگذار. عیسی (علیه السلام) پاسخ گوید: جماعت برای امامت شما گرد آمده، آن گاه عیسی (علیه السلام) به امامت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز خواند و با وی بیعت کند. عیسی (علیه السلام) از بیت المقدس خارج شود و چون با دجال رویه رو شود، بر او ضربه ای وارد آورد که وی را چون سرب ذوب کند». (2)

ص: 256

---

1- دانشنامه امام علی (علیه السلام) ج 3، ص 305 تا 307.

2- همان منبع: ص 308.

## یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از سخنان گوهر بار علی (علیه السلام) :

امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از تأثیر سرنوشت ساز یاران استوار برای پایداری رهبری، نظام و سرفرازی امت و حفظ شریعت با تعبیر گوناگونی یاد کرده است و به ستایش یاوران پاکباز اسلام پرداخته، که در ذیل به نمونه هایی از آنها اشاره می کنیم.

حضرت می فرماید: «یاوران و جنگاوران به اذن خدا، دژهای امت و زینت حاکمان و شوکت دین هستند و امت بدون آنها برپا نخواهد ماند». (1) «کار فرماندهان جز به راستی فرمانبران سامان نیابد». (2) در حرکت جهانی ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، بارهای سخت بر دوش یاران امام است؛ در افتادن با تمام نظام سلطه و متلاشی کردن اردوگاه استکبار جهانی و ایجاد یک دگرسی همه جانبه در فرآیند تربیت و الگوی رفتار و زیرساخت های فرهنگ جوامع بشری و پدید آوردن تحول بنیادین در نهادهای مدنی همه و همه کارهایی بزرگ است که به مشیت الهی و با دست امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و با یاری یاران نستوه حضرت جامه ی عمل خواهد پوشید. برای استقرار دولت کریمه با مدیریت کلان نظم نوین توحیدی رهبر نیاز به کارگزاران و یاران مصلح دارد. سیمای فرماندهان ارشد لشکری و کشوری حکومت مهدوی در گفتار علی (علیه السلام) به شرح ذیل است.

از امام صادق (علیه السلام) نقل است که فرمود: روزی امیر مؤمنان علی (علیه السلام) فرمود: مردمان پیوسته در دین داری کوتاهی کنند تا جایی که نام خدای بر زبان کسی جاری نشود؛ آن گاه ملک ملک دین (مهدی

ص: 257

---

1- نهج البلاغه، نامه 53.

2- نهج البلاغه، خطبه 216.



قائم (عجل الله تعالى فرجه الشريف)) ندا در دهد و یاران را به خود فراخواند، از آن پس خدای تعالی گروهی را از اطراف وی برانگیزد که چون پاره های بر پاییزی دور او حلقه زنند. یاران او به شمارهی اصحاب بدر و اصحاب طالوتند و آنها سیصد و سیزده نفر هستند؛ همه ی آنها شیرانی هستند که از کمینگاه های خود بیرون آیند. مانند پاره های آهن، اگر ایشان اراده کنند که کوههای سخت را از جا بکنند، هر آینه آنها را از جاهای خود می کنند؛ پس آنها کسانی هستند که خدا را به وسیله ی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشريف) ، به یگانگی پرستش می کنند... در شبها نماز گزارند، روزه دارند در روز، گویا یک پدر و یک مادر آنها را تربیت کرده اند. دل هایشان در دوستی کردن و پند دادن به یکدیگر با هم جمع و یکی است. (1)

در حدیثی دیگر میخوانیم که «یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشريف) مانند عقابانی تیز پروازند که بر باره ها نشسته اند، به تبرک دست به زین اسب امام ساینند. در اردوگاه به گرد وی حلقه زنند و جان خویش را سپرش سازند و چون اشاره کند، از جان و دل رهسپار شوند. خواب شبانگاهی را وداع گویند و نماز خوانند و چون زنبوران زمزمه در هم اندازند، تا بامدادان در محراب عبادت باشند و چون صبح فرارسد، بر باره بنشینند و آماده ی پیکار شوند؛ تو گویدلهایشان قندیل های نور است، خوف خدا در جان و هوای شهادت بر سر دارند». (2) نقل شده است که یاران و سرداران لشکر حضرت از شهرهای خراسان، طالقان، قم، یمن، کوفه و شام هستند و براساس سخن دیگری از امام علی (علیه السلام) ، 24 تن از یاران حضرت ولیعصر از

ص: 258

---

1- کتاب الغیبه: ص 477

2- بحار الانوار، ج 52: ص 803

طالبان هستند و در طبقه بندی یاوران منجی موعود «رققا» را از کوفه و «ابدال» را از شام معرفی می کند. (1)

حکومت مهدی از منظر امام علی (علیه السلام)

در عقاید شیعه، امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از طریق تشکیل یک حکومت جهانی بر اساس تعالیم عالییه اسلام تمام نارسایی ها را از سرتاسر عالم برطرف خواهد کرد و عدل و داد را در روی زمین مستقر خواهد ساخت. فطرت کمال جوی آدمی از سپیده دم طلوع تمدن بشری، همواره چشم انتظار تحقق حکومتی عدالت گستر و حق محور بوده است. در سخنان پیامبر (صلی الله علیه و آله) و ائمه (علیه السلام) شه، درباره‌ی ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و کارهایی که در آن دوره انجام می شود، مطالب زیادی وجود دارد که در ادامه به عنوان نمونه به بعضی از روایاتی که از امیرالمؤمنین نقل شده اشاره می کنیم. حضرت فرمود: «امام زمان وقتی که ظهور کند هواهای نفسانی را به هدایت و رستگاری بر می گرداند در آن روزگاری که مردم هدایت الهی را به متابعت هوای نفسانی در آورده باشند، اندیشه های مردم را تابع قرآن می کند در آن روزگاری که آنها قرآن را تابع اندیشه های خود کرده اند... او به شما نشان خواهد داد که عدالت در کشورداری چگونه است، او تعالیم فراموش شده قرآن و سنت را نیز زنده خواهد ساخت»

(2)

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حرکت اصلاحی خود را در قالب حکومت جهانی اسلام و برای نیل به اهداف شرع مقدس اسلام، در دو محور دنبال

ص: 259

---

1- نهج البلاغه، خطبه 138.

2- نهج البلاغه، خطبه 138.

می کند: 1. بازنویسی قانون ناب محمدی و شریعت حق اسلام؛ 2. اجرای کامل قانون احیا شده ی اسلام.

دولت کریمه، حکومت قرآن است و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آئینه ی تمام نمای اسلام ناب محمدی. او بر اساس مصلح جهانی دو مأموریت دارد: الف - رهبری حرکت اصلاح دینی - فرهنگی؛ ب - سرپرستی حکومت رهایی بخش مصلحان. از زبان علی (علیه السلام) با چگونگی عملکرد امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در این دو محور آشنا می شویم

احیای اسلام ناب محمدی: اصلاح دینی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در گفتار علوی، طبق گفته ی رسول خدا (صلی الله علیه واله) که فرمود: «خدای تعالی اسلام را با «علی (علیه السلام)» آغاز کرد و پیروز ساخت و چون وی به شهادت رسید، دین خدا تباه شود و اصلاح نپذیرد، مگر به دست مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)» بر این اساس، منجی موعود نه تنها بزرگترین انقلابی و عدالت جوی اعصار است؛ بلکه او گرانمایه ترین و مهم ترین مصلح دینی تاریخ کهن ادیان است.

تبیین و بسط معارف دینی: امام علی (علیه السلام) به کمیل می فرماید: ای کمیل! هیچ علمی نیست مگر آن که با من آغاز شود و هیچ سری نیست مگر آن که با قائم پایان پذیرد» و نیز حضرت امیر در جای دیگر می فرماید: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمین را از برهان، دانش و نور هدایت آکنده می کند تا آنجا که سراسر گیتی به وی ایمان آورد و کافران، مسلمان شوند و فاسقان صالح شوند». (1)

بدعت ستیزی و تحریف زدایی از پیکر دین: حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «هیچ بدعتی نیست مگر آن که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن را از پیکر شجره طیبه ی اسلام خواهد زدود». و حضرت می فرماید: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هواهای نفسانی را به هدایت باز خواهد آورد، آن گاه که

ص: 260

هدایت را به هواپرستی بفروشد. آرا و نظرها را بر قرآن منطبق سازد، چون قرآن را بر مدار آرای خویش باز خوانند». (1)

احیای کتاب و سنت: پیامبر (صلی الله علیه و آله) پیش بینی کرده که روزگاری بر مردم خواهد گذشت که از یک سو، قرآن میسر روشن خود را دنبال می کند و از سوی دیگر، مردمان به راهی غیر از راه قرآن می روند. خدای سبحان در خطابی تکان دهنده می فرماید: «و پیامبر گفت؛ پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند» (فرقان / 30). به راستی که آدمی، ظالم و کافر شده، در زمانی که جامعه بشری نیازمند قانون جامع و حکیمانه است، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جانب خداوند، بزرگ ترین مأموریت تاریخی خود را برای نجات کاروان سرگشته ی بشریت بر عهده می گیرد و این کاروان را به جاده ی سعادت رهنمون می کند و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منطق قرآنی را اساس همه ی سیاست گذاری های خرد و کلان دولت کریمه خود قرار می دهد. حضرت امام علی (علیه السلام) می فرماید: «چون مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به پا خیزد؛ در اعضای بی جان قرآن، روح حیات دمد و وحی الهی را رونقی تازه بخشد». (2)

احیای اسلام و برقراری عدل و قسط: امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در مرحله ی دوم مأموریت الهی خود، پس از آن که از چهره ی تابناک شریعت مقدس، غبار رویی کرد، قانون نجات بخش اسلام را احیا می کند و به اجرای آن در سطح جامعه ی جهانی همت می گمارد. هدف از اجرای شریعت آسمانی اسلام در حیات اجتماعی انسان، برقراری عدالت در جامعه ی بشری است. خدای سبحان در قرآن می فرماید: «به راستی (ما) پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و

ص: 261

---

1- نهج البلاغه، خطبه 138.

2- نهج البلاغه، خطبه 138.

ترازورا فرود آوردیم تا مردم به قسط برخیزند (حدید / 25) حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شما شیوه و سیره دادگری را خواهد نمود» (1) و حضرت در جای دیگر می فرماید: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کرمی خاکی را چنان از قسط و عدل خواهد انباشت که کینه از دل مردمان رخت بر بندد و حتی وحوش نیز با یکدیگر از در صلح در آیند».

(2)

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از یاران خود پیمان می ستاند که دزدی نکنند، به زنا آلوده نشوند، بی جهت کسی را نکشند و حریم محترمی را هتک نکنند. مسلمانی را دشنام ندهند، بر استراحت گاهی هجوم نبرند، کسی را به ناحق نزنند، مرکبهای گران قیمت و تجملی سوار نشوند، کمربندهای طلا نبنند، پوشاک خز در بر نکنند، حریر نپوشند، کفش های صدادار به پا نکنند، مسجدی را ویران نسازند، راهزنی نکنند، بر یتیمی ستم روا ندارند، جاده ای را ناامن نسازند، مال یتیم را نخورند، نگاه ناپاک نیندازند، شراب ننوشند، در امانت خیانت روا ندارند، عهدی را زیر پای ننهند، گندم و جویی را احتکار نکنند، پناه جویی را از دم تیغ نگذرانند، گریزانی را تعقیب نکنند، بر مجروحی تیغ نکشند، لباس ضخیم بپوشند، گونه های خویش را بر بالشی از خاک بنهند، غذای جوین تناول کنند، به اندک رضادهند، در راه رضای خدا به شایستگی جهاد کنند، رایحه ی خوش بیوند و از نجاست پرهیزند».

(3)

ص: 262

1- نهج البلاغه، خطبه 138.

2- الاحتجاج، ج 2، ص 70

3- سید ابن طاووس الملاحم: ص 132.

مسأله موعود از روزگاران خیلی قدیم، حتی پیش از ظهور اسلام، مطرح بوده است و در کتاب های پیامبران، نوشته ها و آثار گوناگون بر جای مانده از دانشمندان، حکیمان و فرزندان پیشین به این امر؛ یعنی ظهور منجی بزرگ جهانی در آخرالزمان اشاره شده است و این اعتقاد و فکر در اکثر دین های قدیم وجود داشته است. این مسأله به شکل پررنگ تر در اسلام نیز بوده، البته نه تنها در یک مذهب از مذاهب اسلامی؛ بلکه در تمامی مذاهب اسلامی، سخنان و مدرک هایی درباره ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد. آن هم نه یک روایت و دوروایت، بلکه روایات و اقوال بسیار که همه مستند و معتبر هستند. مدارک و روایات موجود درباره ی مهدویت و ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، منحصر به اهل یک مذهب از مذاهب اسلامی، یعنی شیعه، نیست؛ بلکه کتاب ها و مدارک همه ی مذاهب اسلامی دیگر مثل حنفی، شافعی، مالکی و نظایر آن نیز سرشار از روایات نبوی است که درباره ی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ظهور او رسیده است. نه تنها دستهای از عالمان مذاهب سنت، مثلاً محدثان، به ذکر احادیث و مطالب مربوط به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته اند؛ بلکه عالمان گوناگون اهل سنت، مفسران، محدثان، مورخان، اهل کشف و عرفان، شاعران، حتی نویسندگان کتب جغرافیا و مؤلفان دایره المعارف ها، همه و همه در کتاب های گوناگون خویش به ذکر احادیث و مطالب مربوط به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پرداخته اند و سخنانی مهم درباره ی این موضوع گفته اند. (1)

اهل سنت در این که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل پیامبر (صلی الله علیه واله) و از فرزندان زهرا (علیها السلام) است و او زمین را از عدل و داد پر می کند؛

ص: 263

پس از آن که از جور و ستم پوشیده باشد و این که عیسی مسیح (علیه السلام) از آسمان نازل می شود و در پشت سر آن حضرت نماز می خواند و مردم در عصر آن حضرت در رفاه زندگی می کنند و این که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل حسین (علیه السلام) است، تردید ندارند و با تمام خصایص و خصلت های امام حسین (علیه السلام) او را می شناسند و به دلیل روایات متواتری که در این باب از پیامبر (صلی الله علیه و آله) وارد شده، ابدأ نسبت به وجود آن حضرت به خود تردید راه نمی دهند؛ اما بیشتر آنها انکار می کنند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پسر بلاواسطه ی امام حسن عسکری (علیه السلام) و خلیفه ی دوازدهم رسول خدا (صلی الله علیه و آله) باشد. آنها به دلیل شبهات واهی که دارند (از قبیل این که فرد پنج ساله چگونه به مقام امامت می رسد و انسان چگونه می تواند این همه عمر کند) با شیعه در شخص امام عصر هم عقیده نیستند؛ ولی در اصل مهدویت و این که آن موعود ملل حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ بحثی ندارند. شیعه معتقد است که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فاطمی است؛ یعنی از فرزندان آن بانوی بزرگوار است و پسر امام حسن (علیه السلام) عسکری (علیه السلام) و دوازدهمین امام و وصی و جانشین پیامبر است. شیعه بر خلاف سایر فرقه های اسلامی معتقد است که زمین هیچگاه خالی از حجت نخواهد بود. [\(1\)](#) لذا یکی از امتیازات شیعه با سایر فرقه ها، اعتقاد به حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با همین نام و نشان است.

### اختلافات مسلمانان درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اختلاف درباره نام پدر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف): بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که نام پدر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عبدالله است و بر این باور

ص: 264

خویش به حدیثی از پیامبر اکرم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در کتاب «سنن ابو داوود» نقل شده استناد می کنند که حضرت محمد (صلی الله علیه واله) فرمودند: «مهدی هم نام من است و نام پدرش نیز نام پدر من است»؛ اما شیعه امامیه عقیده دارند که پدر وی امام ابو محمد حسن عسکری (علیه السلام) یازدهمین امام و از اهل بیت است. دانشمندان شیعه به سه دلیل بر این باور هستند که حضرت مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پسر امام حسن عسکری (علیه السلام) است:

الف. آن دسته از اخبار و روایاتی که دانشمندان شیعی به نقل از پیامبر (صلی الله علیه واله) و اهل بیتش نقل کرده اند که در همه ی آن احادیث، رسول خدا و اهل بیت (علیه السلام) گواهی میدهند که امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است و نهمین امام از نسل امام حسین (علیه السلام) است.

ب. گروهی از دانشمندان و مورخان اهل سنت بر این نکته تأکید دارند که مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فرزند امام حسن عسکری (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، از جمله: حافظ ذهبی در کتاب «العبر» گفته است در آن سال، یعنی سال (256 هـ ق) ابوالقاسم محمد بن حسن عسکری، فرزند هادی النقی پسر محمد جواد النقی، فرزند علی الرضا، فرزند موسی کاظم، فرزند جعفر صادق علوی حسینی، که رافضیان (منظور از رافضیان شیعیان هستند) وی را ملقب به خلف می نامند و آخرین امام از دوازده امام باشد، به دنیا آمد (1) و علامه عبدالوهاب شعرانی در کتاب «الیواقیت و الجواهر» می گوید: مسلمانان در انتظار انقلاب او هستند؛ مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از جمله فرزندان امام حسن عسکری است که در نیمه شعبان سال (255 هـ ق) متولد شد. او زنده است تا آن زمان

ص: 265



که با عیسی (علیه السلام) قیام کند. (1) علامه سراج الدین بن عبدالله مخزومی رافعی در کتاب «صحاح الأخبار» آورده است: امام دهم علی النقی پنج فرزند داشت، امام حسن عسکری (علیه السلام)، حسین، محمد، جعفر و عایشه؛ اما حسن عسکری (علیه السلام) با پدر حجت منتظر ولی خدا، مهدی امام عصر است. (2) البته ده ها مورد از این نقلها در کتب سنی وجود دارد که در حوصله این بحث نیست. (3)

ج. مورد بعدی برای رد ادعای اهل سنت این است که از لحاظ تاریخی ثابت شده که بنی عباس دستور تدوین حدیث را صادر می کردند. آنان احادیث فراوانی را جعل کردند و به رسول خدا (صلی الله علیه واله) نسبت دادند تا پایه های قدرت خود را تحکیم کنند و بدین وسیله با جعل احادیث، خلفای عباسی را از هر عیبی پاک و میرا کنند. یکی از این احادیث جعلی آن است که بنی عباس مدعی شده اند مهدی از آنان است و همین مهدی است که خلافت را به عیسی بن مریم تحویل می دهد. از آنجایی که نام جعفر منصور دوانیقی خلیفه عباسی، که ادعای مهدویت می کرد، محمد بود و پدرش عبدالله نام داشت، به همین خاطر عباسیان در برخی احادیث و روایات مربوط به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دست بردند و این اسم را اضافه کرده اند، تا به این صورت ویژگی های این مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ساختگی، با امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منطبق شود.

2. اختلاف در ولادت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): اغلب اهل سنت منکر

ص: 266

---

1- الیواقیت و الجواهر: ص 143، چاپ مصر.

2- صحاح الأخبار: ص 55 چاپ بمبئی

3- برای مطالعه بیشتر به کتاب همراه با مهدی منتظران، تألیف مهدی فتلاوی، ترجمه دکتر بیژن کرمی رجوع شود.

متولد شدن حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند. آنان می گویند آن حضرت در آخرالزمان به دنیا خواهد آمد؛ اما با بررسی و مطالعه ی سخنان علما و دانشمندان اهل سنت در مورد این مسأله متوجه خواهیم شد که دلایل آنان بر هیچ سند دینی، شرعی و تاریخی استوار نیست. علامه بدخشی می گوید: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شب نیمه شعبان سال 255 متولد شد و القاب او عبارتند از: خلف، صالح، حجت و منتظر و... خداوند تبارک و تعالی، همان گونه که در گهواره به عیسی (علیه السلام) حکم نبوت داده بود، به حضرت مهدی نیز در مهد، امامت را بخشید. (1)

علامه قندوزی حنفی در مورد تولد آن حضرت گفته که مهدی در شیبانزدهم شعبان سال (255 ه ق) در سامرا به دنیا آمد. طالع حضرت در 25 درجه سرطان واقع شده بود. (2)

علامه ابن طلحه شافعی گفته که نسب مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از پدرش امام حسن (علیه السلام) عسکری (علیه السلام) است و تا جد بزرگوارش علی بن ابی طالب امیرالمؤمنین (علیه السلام) را برشمرده است و بیان کرده که ایشان در سال (258 ه ق) به دنیا آمده است. (3)

و نیز علامه سبط بن الجوزی نسب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را تا امام علی (علیه السلام) برشمرده است و وی را خلف صالح، حجت، صاحب الزمان و آخرین امام دانسته و تأکید بر تولد ایشان دارد. (4)

اما همه ی علمای شیعه متفق القول اند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در شهر سامرا، مرکز حکومت عباسیان به سال (255 ه ق) و در زمان

ص: 267

---

1- مفتاح النجاه: ص 189.

2- ینابیع الموده، ج 2، ص 113.

3- مطالب السؤل: ص 189.

4- تذکره الخواص: ص 363.

خلافت مهتدی عباسی متولد شده است و دلایل فراوانی بر ادعای خود در اثبات صحت و درستی آن دارند که مهم ترین دلیل گواهی و شهادت اهل بیت (علیه السلام) به ولادت ایشان است. در اخبار و روایت های نقل شده از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و اهل بیت (علیه السلام) چنین اخباری وجود دارد که مژده ی میلاد فرزندشان مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) داده شده است و قدمت تاریخی برخی از آنها به بیش از دویست سال قبل از به دنیا آمدن امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر می گردد؛ مثل آن دسته از روایاتی که از رسول خدا (صلی الله علیه واله) و علی بن ابی طالب (علیه السلام) و امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) نقل شده است. این بزرگواران در برخی از روایاتشان تصریح می کنند که امت اسلامی در مسأله ولادت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دچار اختلاف خواهند شد؛ زیرا پدر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قضیه ی تولد فرزندش را از بیم کشته شدنش به دست حکومت بنی عباس مخفی می کند. همان حکومتی که اخبار تولد حضرت را دنبال کردند و با ترس و هراس و دقت فراوان منتظر به دنیا آمدنش هستند. گواهی اهل بیت (علیه السلام) درباره تولد فرزندشان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از زمان رسول

خدا شروع شده تا پدر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یعنی امام حسن عسکری ادامه داشته است. (1)

3. اختلاف درباره ی عصمت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): بیشتر علمای اهل سنت معتقدند که عصمت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نه تنها امری غیر قابل تصور است؛ بلکه برعکس آنان به عصمت حضرت عقیده ندارند و حضرت را انسانی عادی به حساب می آورند که احتمال ارتکاب برخی گناهان و معصیتها، مثل هر انسان دیگری از او می رود و آن

ص: 268

---

1- همراه با مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظر: ص 58 و 59.

زمان که پروردگار متعال، ایشان را به عنوان خلیفه ی خویش برگزیند، توبه اش را می پذیرد و در یک شب او را از گمراهی و گناهان می رهاوند و اهل سنت برای این باور خود به حدیثی از پیامبر (صلی الله علیه واله) استناد می کند که فرمودند: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ما اهل بیت ع است و خداوند وی را در یک شب اصلاح می کند». ولی همه ی علمای شیعه چنین نظریه ای را در مورد ولی خدا مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) رد می کنند؛ زیرا پروردگار متعال وی را برای تحقق یافتن آرزوی پیامبران (علیه السلام) و عملی شدن امید همه ی فرستادگان خود، مصلحان بشری و ارج نهادن به جهاد آنان و وسیله ی پیروزی ایمان بر کفر و برپایی حکومت الهی و رهایی بشریت از اختلاف، تفرقه، ستم و جور نگه داشته است. دانشمندان شیعه در توضیح وجوب عصمت انبیا (علیه السلام) و اوصیای الهی، ادله ی عقلی و شرعی مشهوری ارائه می دهند و به وسیله ی آن، ایشان را از ارتکاب گناهان کبیره و صغیره مبرا می دانند. آنان معتقدند انبیا و اوصیا از هر خطا، فراموشی و هر آنچه با مروت و جوانمردی ناسازگار باشد، مبرا هستند.

4. اختلاف در غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف): بیشتر دانشمندان اهل سنت به غایب بودن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اعتقاد ندارند و آن را نوعی خیال میدانند و آنها برای رد غیبت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو دلیل می آورند: الف - می گویند: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، فرزند حسن عسکری فوت کرده است. ب - دلیل دوم می گویند: امکان زنده ماندن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) طی قرن های متمادی، یعنی از قرن سوم تا عصر حاضر، بعید است. در پاسخ به دلایل آنها باید گفت: این که می گویند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وفات یافته، تنها ادعایی بی اساس است؛ چرا که متکی بر هیچ سند و برهانی نیست و بنا به ادله ی تاریخی، به دنیا آمدن ایشان به اثبات

رسیده است و تعدادی از مورخان و علمای اهل سنت بر آن گواهی داده اند؛ ولی حتی یک نفر را نیز سراغ نداریم که بر فوت آن حضرت تصریح کرده باشد، یا تاریخی را معین کرده باشد که حضرت مهدی فوت شده باشد. تاریخ نویسان در شرح حال و بیان زندگی آن حضرت اظهار می کنند: زمانی که پدر بزرگوارش فوت کرد، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پنج ساله بود و پروردگار متعال در همان سنین خردسالی، بردباری، حکمت و قدرت تشخیص حق از باطل را به وی عطا فرمود، همان گونه که قبلا دانش و حکمت را به فرزند زکریا یعنی یحیی نبی (علیه السلام) ارزانی داشته بود. (1) از سخنان آنان در می یابیم که (محمد بن حسن عسکری) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در اوان کودکی اش در زمره ی مشاهیر و اعلام، بلکه شخصیتی استثنایی و بی نظیر بوده که تاریخ اسلامی مانند او را به خود ندیده است. در اینجا این سؤال پیش می آید که چگونه مورخان، تاریخ فوت این شخصیت استثنایی اسلامی را از یاد برده اند؟! و درباره ی فعالیت های علمی و نقش اجتماعی و سیاسی او در بین جامعه و امت اسلامی سخنی به میان نیاورده و در مورد زمان رحلت او چیزی نمی دانند؟!

بنابراین به عقیده ی شیعه، ادعای وفات محمد بن حسن عسکری، یعنی مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دارای هیچ پشتوانه و سند معتبر تاریخی نیست؛ نکته ای که بر درستی باور شیعه در مورد غیبت وی از انظار عمومی و زنده بودنشان تا عصر حاضر صحنه می گذارد. اما این که برخی زنده بودن انسانی را طی قرون متمادی ناممکن می دانند و اظهار می کنند که چنین امری با طبیعت و سرنوشت اشیا و سنت های جاری عمر بشر تضاد دارد، کاملا مردود است؛ زیرا

ص: 270

همانگونه که قبلا نیز اشاره شد تعدادی از پیامبران و اولیای الهی وجود دارند که دهها قرن می زیستند و بعد فوت کرده اند؛ مثلا حضرت نوح (علیه السلام) قبل از طوفان 950 سال عمر کرده است. «نوح در میان قومش 950 سال باقی مانده، بعد طوفان آنان را فرا گرفت» (عنکبوت /14). قرآن کریم نغمه نوح (علیه السلام) بعد از طوفان چند سال به زندگی ادامه داد. از برخی منابع عهد عتیق تورات و عهد جدید انجیل برمی آید که حضرت نوح (علیه السلام) مجموعاً 2500 سال زندگی کرده است. منابع قابل اعتماد اسلامی نیز می گویند؛ برخی از پیامبران و اولیای الهی با وجودی که قرن‌ها قبل از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیده ها و انظار پنهان شده اند؛ اما تاکنون زنده هستند. افرادی چون خضر و الیاس (علیه السلام) از جمله اولیا و پیامبرانی هستند که قبل از موسی (علیه السلام) پیامبر خدا بوده اند؛ اما تاکنون زنده اند و نیز عیسی (علیه السلام) فرزند مریم «روح الله» از جمله پیامبرانی است که هنوز هم زنده است و قرآن کریم فرموده: «بی تردید همه ی اهل کتاب (مسیحیان و یهودیان) قبل از مرگ مسیح به او ایمان خواهند آورد و روز قیامت عیسی (علیه السلام) مسیح است که برایشان گواه خواهد بود» (نساء/ 159) پس اگر قرار است تمامی این افراد عمر طولانی داشته باشند و تا الآن نیز تعدادی از آنان در قید حیات باشند، چه مانعی دارد منجی عالم بشریت قرنهای متمادی به خاطر همان اهداف و اغراض الهی زنده باشد؛ آن هم اهدافی که موجب شده انبیای گذشته و پیامبران قبلی، دارای عمری طولانی باشند. در حالی که عمر و غیبت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا کنون به مقدار نیمی از عمر آنان نیست؛ از طرفی عقیده و باور اهل سنت در مورد عمر طولانی دجال یک چشم، همان شخصیت گمراه کننده و به تباهی کشاننده ی بشریت در آخرالزمان، بسیار عجیب و غریب است. آنان معتقدند که دجال در زمان

پیامبر (صلی الله علیه واله) به دنیا آمده، تاکنون زنده و از دیدها پنهان است و در دورانی که فقط خداوند از آن زمان آگاه است خروج خواهد کرد، تا مردم را گمراه نکند. با این وصف اهل سنت غیبت نجات دهندهی بشریت از ظلم و ستم و برآورندهی آرزوی همه انبیای الهی در آخرالزمان را به استهزا و ریشخند می گیرند (علیه السلام) چگونه اعتقاد به غیبت مفسدی چون دجال موجب تمسخر و استهزا واقع نمی شود؛ اما اعتقاد به غیبت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پسر خاتم الانبیا (صلی الله علیه واله) باعث ریشخند و تمسخر می شود؟! در حالی که ادله ی قرآنی و تاریخی بر به وقوع پیوستن و محقق شدن این واقعه وجود دارد و پیامبر (صلی الله علیه واله) و اهل بیت او (علیه السلام) خبر از غیبت ایشان داده اند؛ اما نه تاریخ امتهای گذشته و نه قرآن کریم، هیچ کدام از غایب شدن افراد تبهکار و مفسدی که قرنهای بعد، ظهور خواهند کرد تا با ظهورشان فساد و تباهی را در روی زمین رواج دهند، خبر نداده اند.

از دلایلی که مکتب اهل بیت (علیه السلام) بر وجود و حضور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بین امت اسلامی تأکید می کنند، حدیث مشهور رسول خدا (صلی الله علیه واله) است که فرمودند: «انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله جبل ممدود بین السماء والارض و عترتی اهل بیتی و اهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض»؛ اهل بیت (علیه السلام) هرگز از قرآن جدا نشده تا آنها در روز قیامت با هم بر حوض کوثر وارد شوند. [\(1\)](#) البته هر یک از امامان (علیه السلام) چنین همراهی را با قرآن دارند و براساس آن به هدایت مردم، حمایت و دفاع از دین خدا می پردازند. آنان در دوران امامت خود، مانع تحریف دین به وسیله ی ظالمان و کژاندیشان می شوند. رسول خدا (صلی الله علیه واله) در وصف امامان (علیه السلام) فرموده است: اینها جانشینان من در

ص: 272

میان امتم در هر عصر و زمانی، افرادی عادل از اهل بیت (علیه السلام) من هستند، آنان دین خدا را از انحراف و تحریف غلوکنندگان و تندروی تندروها و زشت اندیشی کژاندیشان و تأویل جاهلان و نادانان دور نگه می دارند. در حدیث دیگری از نبی اکرم (صلی الله علیه و اله) نقل شده که فرموده اند: «هر کس بمیرد و امام عصر و زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت مرده است».<sup>(1)</sup> این حدیث مؤید آن است که در هر عصر و زمانی باید امام هدایت گری که امت، او را می شناسند و به امامتش ایمان دارند و به راهنمایی و هدایت های او اقتدا می کنند، وجود داشته باشد. پس اگر امامی که رسول خدا (صلی الله علیه و اله) شناخت او را بر هر مسلمانی در هر دوره از زمانی الزامی می داند، وجود نداشت؛ بی تردید شناختن وی در چنین حالتی به مرگ جاهلیت شباهت پیدا نمی کرد. این حدیث، در دوران ما مصداقی جز اعتقاد به وجود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که زنده است و خداوند روزی اش را می رساند، ندارد. آیا می شود چنین حدیثی را بر مهدی منتظر انطباق دهیم و ادعا کنیم که وی هنوز متولد نشده است! این گونه تفکر با عدالت الهی در تضاد است؛ یعنی از طرفی پیامبر (صلی الله علیه و اله) چنین تکلیفی بر دوش مسلمانان گذاشته است؛ اما امام عادل زنده نباشد که مسلمانان به آن شناخت پیدا کنند. لازم به ذکر است که در اعتقاد به غیبت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برخی از دانشمندان و علمای بزرگ اهل تسنن با شیعه ی امامیه هم عقیده هستند؛ از جمله شیخ عبدالوهاب شعرانی است که می فرماید: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زنده است، اشخاص زیادی از بزرگان دین و حافظان حدیث و بزرگان اسلام، با او دیدار و

ص: 273

---

1- این روایت با تعابیر مختلف در بیش از پنجاه منبع از اهل سنت نقل شده است.



ملاقات داشته اند. مسلمانان در انتظار قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند؛ او فرزند امام حسن عسکری (علیه السلام) است، در شب نیمه شعبان سال (255 ه. ق) به دنیا آمد و از آن زمان تاکنون زنده است تا با عیسی (علیه السلام) بن مریم (علیها السلام) همراه شود».

5. اختلاف درباره ی جد بزرگوار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): گروهی از علمای اهل سنت گفته اند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان فاطمه (علیها السلام)، ولی از نسل امام حسن (علیه السلام) مجتبی (علیه السلام) است. بیان این سخن بدون ادله و روایت است؛ اما علمای شیعه در این که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را از میان فرزندان امام حسین (علیه السلام) است، دلایل و مستندات تاریخی ارائه میدهند که براساس آنها مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرزند امام حسن (علیه السلام) عسکری (علیه السلام) از نوادگان امام حسین (علیه السلام) است. به گونه ای که ده ها تن از دانشمندان این مسأله را تأیید می کنند و مورد دیگر این که خود ائمه (علیه السلام) تأکید دارند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل امام حسین (علیه السلام) است و شهادت اهل بیت (علیه السلام) بر این مورد، از هر گواه دیگری این قضیه را مبرا می سازد؛ زیرا ائمه اطهار (علیه السلام) به اصل و نسب و گذشته و آینده ی فرزندان خود از هر کس دیگری آگاه تر هستند. از پیامبر (صلی الله علیه و اله) نقل شده است که می فرمایند: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرزندان حسین (علیه السلام) است».

اخبار و احادیث متواتر و منقول از رسول خدا (صلی الله علیه و اله) و اهل بیتشان (علیه السلام) که از طریق عترت پاک نقل شده، همه موثق و مؤید این نکته هستند که مهدی منتظر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نسل امام حسین (علیه السلام) است. نقطه قوت دیدگاه شیعه در قبال نظریه ی اهل سنت در مورد اختلاف آنان در قضیه ی مهدویت از این قرار است که نظرهای شیعه در باب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه متکی بر منطق قرآن، پیامبر (صلی الله علیه و اله)،

نظریه‌ی شیعه در مورد مهدویت بر مبنای اصالت دینی است و ارتباط مستحکم و صمیمی با قرآن و سنت دارد. علمای شیعه از هرگونه اظهار نظر اجمالی درباره‌ی مهدویت که ریشه در قرآن و یا سنت نبوی (صلی الله علیه واله) نداشته باشد، صرف نظر کرده‌اند و از هر دیدگاهی که مورد تأیید این دو محور نباشد، امتناع ورزیده‌اند. باید خاطر نشان کرد که بین اهل تسنن و شیعه درباره حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمینه‌های مشترک نیز وجود دارد که همه‌ی آنان بر اصل اعتقاد به درست بودن ایده‌های مورد اتفاق نظر است؛ از جمله این که تمام مسلمانان چه سنی و چه شیعه عقیده دارند که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از قبیله قریش و خصوصاً از اهل بیت پیامبر و بالاخص از نوادگان حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) است. آنها معتقدند که وی آخرین خلیفه و جانشین حضرت محمد (صلی الله علیه واله) است و او آخرین همان دوازده امامی است که توسط پیامبر (صلی الله علیه واله) به عنوان جانشین بعد از خود انتخاب و معرفی کرده است.

آنان برپایی حکومتش را قطعی و حدود قدرت و سلطه‌ی آن حضرت را جهانی میدانند؛ زیرا حکومت او وعده‌های الهی است که نص قرآن بر آن تأکید دارد و سرانجام آن که شیعه و سنی به حتمی بودن پیشامد برخی حوادث، اتفاقات و علایم ظهور اشاره دارند و آنها عبارتند از:

1. برپایی حکومت اسلامی در کشور ایران که مقدمه‌ی انقلاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و به حدیثی از رسول خدا (صلی الله علیه واله) که به این موضوع اشاره کرده است، استناد می‌کنند و آن این است که حضرت فرمودند: «مردمی در مشرقزمین قیام می‌کنند که زمینه ساز

حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند». (1) و نیز فرموده اند: «هر زمان دیدید که پرچم های سیاه از سمت خراسان پیش می آید، ولو با الغزیدن روی برف بوده، به آنان بپیوندید». (2)

2. دولتی در شامات تشکیل می شود که با حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مخالف است. رهبری این حکومت را فردی از بنی امیه بر عهده دارد و او را سفیانی معرفی کرده اند. رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرموده اند: «جماعتی به سرزمین مکه پناه می آورند که برای دفاع از خود نه پناهگاهی، نه سنگری، نه ابزاری و نه عده ای دارند و ملحدان برای سرکوبی آنان سپاهی روانه می کنند. وقتی آن لشکر به صحرا می رسند، آنان را بلعیده، در خود فرو می برد». (3) حضرت رسول (صلی الله علیه واله) نیز فرمودند: «سپاهی قصد حمله به کعبه را دارد و همین که به صحرائی می رسند، تمام آن لشکر به کام زمین فرو می روند». (4)

3. اتفاق نظر همه ی مسلمانان در نماز خواندن حضرت عیسی (علیه السلام) پشت سر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تمامی ویرانه های زمین آباد می شود و روح خدا عیسی (علیه السلام) فرود می آید و پشت سر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نماز می گزارد». (5) در این باره در کتب اهل سنت و اهل شیعیه احادیث معتبری بیان شده است؛ از جمله به نقل از رسول خدا (صلی الله علیه واله) آمده است: «آن گاه که فرزند مریم در بین شما فرود آید، چه خواهید کرد؛ در حالی که

ص: 276

- 
- 1- سنن ابن ماجه، ج 2: ح 4088؛ مجمع الزوائد، ج 7: ص 318؛ کنز العمال، ج 14: حدیث 38657.
  - 2- مسند احمد، ج 5، ص 227، مستدرک الصحیحین، ج 4، ص 502.
  - 3- صحیح مسلم، ج 4، ص 221.
  - 4- صحیح بخاری، ج 3، ص 86.
  - 5- بحار الانوار، ج 52: ص 191.

امامتان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خودتان باشد؟» (1).

پیامبر (صلی الله علیه واله) در جای دیگر فرمودند: «در میان امتم همیشه گروهی هستند که تا روز قیامت و با حمایت و پشتیبانی الهی در دفاع از حق می‌جنگند تا آن که عیسی بن مریم (علیه السلام) فرود می‌آید، فرمانده ای به عیسی (علیه السلام) می‌گوید: بیا و بر ما نماز بگذارد. وی می‌گوید: خیر، در بین شما کسی است که این کار را انجام می‌دهد، خداوند امت اسلام را عزیز و گرامی داشته است». (2).

### حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عرفان و تصوف اسلامی

اندیشه‌ی منجی موعود در عرفان و تصوف، بیش از آن که یک باور دینی باشد، آموزه‌های عرفانی است و ابعاد تکوینی، تشریحی و سلوکی دارد. مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در سنت نبوی (صلی الله علیه واله) منجی موعود اسلامی است، در نزد اهل تصوف یک «ولی» محسوب می‌شود و در میان اولیا مقام و جایگاه ویژه ختم ولایت را دارد و در بین آنها حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان ولی خاتم است. در تصوف و عرفان اسلامی عنوان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و شأن آن حضرت در ولی خاتم (خاتم الاولیا) معنا پیدا می‌کند. در عرفان اسلامی، آموزه‌ی ولایت آنچنان اهمیت دارد که برخی از عارفان، ملاک

حقیقی یا غیر حقیقی بودن یک دین و یک مذهب را همان باور به ولایت دانسته‌اند و از منظر آنان، ولایت در ابعاد گوناگون دین تأثیر مؤثری دارد. ولایت به لحاظ خداشناسی مصداق صفات اضافیه محضیه حق تعالی است که از آن به اعتبارات مختلف مانند: مشیت، مقام معروفیت و ظهور حق به کثرات اسماء و

ص: 277

---

1- صحیح بخاری، ج 4، ص 205؛ صحیح مسلم، ج 1، ص 136.

2- صحیح مسلم، ج 1، ص 137.

صفات و حقیقت محمدی (صلی الله علیه واله) و علویت علی (علیه السلام) و ربوبیت حق یاد می کنند؛ مثلاً- این صفت ربوبیت خداوند، به اعتبار تربیت همه ی موجودات و خارج کردن آنان از نقص به سوی کمال است. ولایت به لحاظ تشریحی، اصلاحی دین به شمار می رود و قبول آن ضرورتی انکارناپذیر است و اصل تربیتی مؤثری است که شجرهی تلخ وجود انسان را به درخت شیرین الهی تبدیل می کند. ولایت منشأ توحید و جودی و تجلی اسم اعظم الهی است. وصول به خداوند جز از طریق ولایت امکان پذیر نیست. ولی، واسطه فیض الهی است و فیض الهی به برکت وجود اولیا به موجودات عالم می رسد و ولایت الهی نقطه ی تعادل نظام هستی است و زندگی انسان ها را حفظ می کند. اگر اصل ولایت نبود، زمین هر آنچه در آن است را در خود فرو می برد. براساس دیدگاه اسلامی تداوم فیض الهی مرهون تداوم وجود و حیات اولیای الهی است که با ظهور آخرین ولی، دل و جان انسان های مستعد، از شوق اتصال به مقام قرب الهی لبریز می شود. (1)

آنچه به عنوان مصلح جهانی، منجی موعود و مهدویت در میان ادیان و به ویژه اسلام و تشیع مطرح است، در عرفان اسلامی عمدتاً در آموزه ی ولایت و ولی خاتم متجلی شده است. (2) در موعود عرفان و تصوف به اوصاف و کارکردهای ویژه ای در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می رسیم که در جهان کمتر می توان اندیشه ی مشابه آن را پیدا کرد؛ مثلاً از نظر عرفان اسلامی، بشر با ختم ولایت و ظهور ولی کامل الهی به کمالاتی می رسد.

ص: 278

---

1- کشف المحجوب: ص 265.

2- خورشید مغرب: ص 199 - 200 و نقد و تحلیل مثنوی ص 406 تا 419.

ولی و ولایت در اصل یک مفهوم قرآنی و اسلامی است. «ولی» و مشتقات آن 233 بار در قرآن به کار رفته است. «ولی» در لغت به معنای قرب و نزدیک شدن است و در کاربرد، بر آن باران بهاری ای اطلاق می شود که بعد از باران معروف به وسمی می آید و موجب سرسبزی و شادابی زمین می شود. کلمه «ولاء» به فتح و کسر واو آمده؛ به کسر، مصدر باب مفاعله و به فتح، مصدر باب تفعیل است و به معنای قرب، قرابت، اعم از سببی و نسبی، محبت و صداقت، نصرت و تقویت، میراث و چندین معنای دیگر آمده است. ابن فارس گفته که همه ی این معانی به قرب بر می گردد. واژه ی «ولایت» نیز به فتح و کسر واو استعمال شده است. ولایت به کسر واو به معنی تولیت، امارت، نصرت و سلطنت است؛ اما ولایت به فتح واو به معنی تصدی و صاحب اختیاری، سرپرستی و محبت می آید. البته باید گفت که معنای حقیقی و اصلی ولایت همانا کلیت «قرب» است، به گونه ای که بر تمام مصادیق مترتب آن صدق می کند، و نیز بر لوازم قرب، مانند سرپرستی امارت و سلطنت و اولویت در تصرف و سلطنت نیز اطلاق می شود. اما مفهوم ولایت در عرفان و تصوف بیانهای مختلفی دارد. این مفهوم را گاهی آنچنان عرشی میدانند که جز خدا شایسته این مقام نیست و زمانی آنچنان فرشی اش می دانند که تمامی موجودات را صاحب ولایت می شمارند. ولایت در نزد عارفان مسلمان دایره ای تودرتو و متعددی می ماند که آن دایره ها متصف به شدت، ضعف، کمال و نقص است. به تعبیری دیگر، ولایت الهی به اعتبار ظهور در اسما و صفات و انعکاس در مرایی تعینات مثل کراتی است که برخی بر بعضی دیگر احاطه دارند.

بنابراین، احاطه‌ی بالذات، شأن مقام ولایت است و نبوت تشریحی، ظاهر خلافت و جانشینی خداوند است. (1) ولایت، باطن آن و اصل وجود و کمالات آن به وسیله مقام ولایت کلیه به حقایق می‌رسد. (2)

ولایت مقامی معنوی است که صاحب خود را فانی در حق می‌سازد و تجلی‌گاه مخصوص حق و محل اراده‌ی خداوند است؛ علم او علم الهی، فعل او فعل الهی، اخلاق او اخلاق الهی و قدرت او قدرت الهی است و صاحب ولایت مقام مقرب‌ترین و کامل‌ترین بنده خدا را دارد. همچنین ولایت در ساحت دینی، یکی از شئون و مقامات دینی محسوب می‌شود و مانند نبوت از عوامل هدایت الهی است. از دیدگاه مؤلف مرصاد العباد؛ صاحب ولایت کامل دارای مقام توحید و انس و هیبت، عین‌الیقین، فنای در حق و فنای از حقایق در حق الحقایق است. او می‌نویسد: بدان سالک سیار وقتی متصف به ولایت شود که به او کلمه‌ی «کن» داده شود، و این کلمه (کن) امر حق است؛ چنان که می‌فرماید: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (نحل/40) و وقتی به ولی «کن» داده می‌شود که اراده‌اش در اراده‌ی حق فانی شود و همین که اراده او در حق فانی شد، اراده‌اش اراده‌ی حق می‌شود و حق چیزی نخواهد، مگر که بنده همان خواهد و بنده چیزی نخواهد، مگر حق نیز همان را خواهد. چنان که خداوند می‌فرماید: «وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»؛

ص: 280

---

1- فصوص الحکم: ص 62.

2- ترجمه فتوحات مکیه: ص 67 - 69؛ شرح مقدمه قیصری: ص 866، 869؛ رساله الولایه ص 5، امامت و انسان کامل از دیدگاه امام خمینی: ص 106 و 107.

و شما چیزی نمی خواهید مگر خدا بخواهد که البته خدا بر احوال خلق دانا و به صلاح بندگان آگاه است. (تکویر / 29 - دهر / 30) جامی معتقد است: «ولایت عبارت است از: قیام بنده به خدای خود، تبدیل اخلاقش به اخلاق حق و اوصافش به اوصاف او، به صورتی که علمش، علم او و قدرتش، قدرت وی و فعلش فعل او شود؛ چنان که احادیث فراوانی بدان گواه است». (1)

عطار نقل می کند: «ولی آن است که او را قوت کرامات داده باشند، ولی آن بود که از حال خود فانی بود و به مشاهده حق باقی و حق تعالی متولی اعمال او بود، و او را به خود هیچ اختیار نبود و با غیرش قرار نه». (2) به نظر قیصری، ولی و خلیفه کسی است که از جهت کمالات وجودی و آثار و لوازم آن کمالات، از تمام کاینات برتر بوده؛ به حضرت حق، بیش از همه نزدیک باشد. (3) از دیدگاه امام خمینی رحمت الله علیه ولایت، قرب و محبوبیت و تصرف و ربوبیت به نیابت است؛ نبوت مقام ظهور خلافت است و ولایت باطن خلافت است. (4)

جلال الدین آشتیانی معتقد است: «ولایت، حقیقت کلیه ای است که از شئون ذاتیه حق و منشأ بروز و علت ظهور حقایق ناچار مقام خلق همیشه و به طور دایم ملازم با کثرات است، هر اسمی از اسماء طالب ظهور و سلطنت خود به نحو اطلاق است، لازمه این نحو ظهور، وجود تخاصم بین اسماء و مظاهر است و حق تعالی حاکم به اسم عدل است ناچار باید در عین وجود مظهری حاکم به اسم عدل،

ص: 281

---

1- نص النصوص: ص 167.

2- تذکره الاولیاء: ص 398 و 563.

3- شرح فصوص الحکم، قیصری: ص 438.

4- مصباح الهدایه الی الخلافه و الولاية: ص 29.



حاکم بر جمیع اعیان باشد، که موجب رفع تخاصم شود و هر مظهري را به کمالات لایقه خود برساند. حاکم به اسم عدل که مظهر جمیع اسماء و صفات حق است؛ حقیقت محمدیه است، حقیقت محمدیه (صلی الله علیه واله)، قطب الاقطاب عالم وجود و جمیع مظاهر مربوط است و شأن او، اقامهی عدل در جمیع مراتب است و جمیع انبیا در شئون، تابع و از فروعات و مظاهر این اسم اعظم الهی هستند». (1) پس ثابت شد که در منظر اهل تصوف و عرفان اسلامی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب مقام ولایت و بلکه خاتم اولیا است و این منجی تمام شئون «ولی» را دارد و موعود اهل تصوف دارای ابعاد وجودی فراتر از یک بشر معمولی و دارای جنبه های الهیاتی ویژه ای است. صاحب مهر ولایت کسی است که از اسماء الهی به غایت بهره مند شده، از جانب خدا محفوظ شده باشد و او سید اولیا و صاحب ختم ولایت از طرف پروردگار خود است. (2)

### ختم ولایت از دیدگاه عرفا

1. خاتم الاولیا و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگاه ابن عربی: ابن عربی موضوع مهدویت را به طور خاص و جدی مورد توجه قرار داده است؛ اما عباراتی در موضوع ختم ولایت دارد که نگران کننده است؛ از جمله این که می گوید: «منم ختم ولایت، به واسطه ی وراثت هاشمی با مسیح». (3) البته در عین حال برخی عبارتهایش نیز کاملاً با اندیشه شیعه هماهنگ است. مانند این که گفته: «خداوند را خلیفه ای است موجود، که ظاهر می شود و ظهورش در زمانی اتفاق می افتد که دنیا

ص: 282

---

1- مقدمه قیصری بر فصوص الحکم: ص 855 - 857.

2- مفهوم ولایت: ص 251.

3- فصوص الحکم ابن عربی، ج 1، ص 48 و 52.

پر از جور و ستم باشد و او، دنیا را پر از عدل و قسط می کند و اگر از عمر دنیا نماند، مگر یک روز، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند، تا آن خلیفه ولایت کند. او از عترت رسول خدا (صلی الله علیه واله) و جدش حسن بن علی بن ابی طالب است». (1) او در جای دیگر می گوید: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود خلیفه خدا است، خلیفه ای که رسالتی جهانی دارد، از سلاله ی پیامبر (صلی الله علیه واله) و اولاد فاطمه (علیها السلام) است، هم نام پیامبر (صلی الله علیه واله) است، جدش حسین بن علی (علیه السلام) است، با او میان رکن و مقام بیعت می کنند و در خلقت مانند رسول خدا (صلی الله علیه واله) است». (2) ابن عربی ویژگی های زمان ظهور را چنین بیان می کند: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمانی ظهور می کند که دین زمانه ی فتور خود را می گذراند، علم و دانش مهدی موعود، براساس مشاهده و کشف است و آنچه را می گوید به آن عمل می کند. با ظهورش اختلاف مذاهب و فرقه ها از گستره ی زمین برچیده می شود». (3)

از مجموع دیدگاه های ابن عربی می توان چنین نتیجه گرفت که مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نظر او منجیای مشخص و شناخته شده با حسب و نسب است که رسالت جهانی دارد و چتر عدالتش محدود به افراد خاص یا قوم و قبیله ای مخصوص نیست؛ بلکه او نجات بخشی جهانی است که همه ی مردمان جهان را به کمال می رساند. رسالت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) احیاگر اصل دین است و رسالتی است رو به آینده که آنچه را از دین محقق نشده، محقق می سازد. (4)

ص: 283

---

1- محی الدین ابن عربی، چهره برجسته عرفان اسلامی: ص 474 - 477.

2- فتوحات مکیه، باب 363.

3- فتوحات مکیه، ج 6، ص 51.

4- گونه شناسی اندیشه ی منجی موعود در ادیان: ص 393.

2. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از دیدگاه واعظ خرگوشی نیشابوری: واعظ خرگوشی نیشابوری در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را می گوید: «او قائم بر حق ما است که چون بیرون آید مسجدها را از تجملات ظاهری خالی می کند» (1) ایشان در مورد استفاده از احادیث اهل بیت (علیه السلام) توجه ویژه ای به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دارد و بیشتر نحوه ی عمل حضرت هنگام ظهور را مدنظر دارد و کارهایی را که حضرت در دوران قیامش انجام می دهد، بیان کرده است.

3. دیدگاه جامی در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): جامی می گوید: «امام دوازدهم همان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، کنیه اش ابوالقاسم است. امامیه او را با لقب حجت، قائم، مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، منتظر و صاحب الزمان می خوانند و ایشان را آخرین امام از امامان دوازده گانه میدانند». او همان گونه که شیعه معتقد است، به کیفیت تولد حضرت می پردازد و ماجرای دو غیبت حضرت را آن گونه که شیعه قبول دارد بیان می کند. جامی با بیان این مطالب بر خلاف هم کیشان سنی خود، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را شخصیتی معین و شناخته شده میدانند و از نظر وی رسالت موعود اسلام، جهان شمول است و در دو عرصه ی اجتماعی و معنوی فعالیت دارد. (2)

4. دیدگاه علامه شعرانی در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): علامه شعرانی، صوفی اهل سنت، در حوادثی که قبل از وقوع قیامت واقع می شود؛ از خروج و ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نزول عیسی (علیه السلام) یاد می کند و نام پدر و زمان تولد و سن مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را آن چنان که شیعه معتقد است می گوید. شعرانی در پاسخ به این پرسش که شکل ظهور

ص: 284

---

1- کتاب در شرف النبی، باب فضیلت اهل بیت (علیه السلام) .

2- شواهد النبوه: ص 404.

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه است؛ به کلمات ابن عربی استناد می کند و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را حاکمی عالم و عامل به شریعت محمدی (صلی الله علیه واله) می داند که نوعی عصمت از خطا در شریعت دارد و از هوا و خطا مبرا است و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بسان همه ی اهل الله دارای ارتباطی مستقیم با حق و پیامبر (صلی الله علیه واله) می داند. (1)

5. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نظر عطار نیشابوری: از دیدگاه عطار کارکردهای معنوی و مداوم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که خلق جهان، با او به عالم معنا، علم معنا و علم باطن رهنمون می شوند. عطار، در معنای «لا- مؤثر فی الوجود الا- الله»، با اشاره به حبل المتین اتصال به حقیقت وجود می گوید: اگر هدف نهایی هر سالکی رسیدن به توحید حقیقی است، اتصال به مطلوب بدون عشق ولی الله کامل امکان پذیر نیست. به نظر او «ولی الله» اهل دلی است که هم معشوق و هم عشق است و کلید گنج سعادت سالک و جام معرفت و طیران عارف به دست او است. هزاران اولیا منتظر او هستند تا از غیب در آید و جهان را به عدل رهنمون شود. در چشم عطار رسالت موعود اسلام، رسالتی معنوی و اجتماعی است و حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نجات بخشی معنوی است. از این جهت، اندیشه ی عطار به تشیع بسیار نزدیک است.

6. نظر مولوی در مورد ختم ولایت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): باور مولوی این است که ولایت، شأنی از شئون ذاتی حق و منشأ ظهور، مبدأ تعینات و بروز حقایق خلقیه است؛ چنان که حضورش در عالم عین و در میان امت باعث اتحاد و یکپارچگی آنان است. مولانا با تمثیل

ص: 285

آوردن از سلیمان نبی (علیه السلام) و ماجرای گفت و گوی او با حیوانات و ثمره ای که بر اثر وجود این پیامبر، از نظر امنیت، آسایش و راحتی برای همه ی حیوانات پدید آمده است؛ اعتقاد دارد در هر دوره ای سلیمانی هست که باید او را شناخت و ولی خدا، چون سلیمان موجب صلح و وحدت است. مولوی بر این باور است که برای هر دوره از تاریخ بشری، ولی ای وجود دارد. وجود این ولی، موجب آزمایش، که به وسیله اولیای خدا انجام خواهد گرفت، می شود و هر کس که اخلاق نیکو، تواضع و حالت تسلیم به آن اولیا را داشته باشد، نجات خواهد یافت. پیشوای حق و قائم، همان ولی است؛ بدون آن که عامل نژاد در این امر تأثیری داشته باشد. خداوند متعال ولایت را به هر که بخواهد عنایت می فرماید؛ خواه از نسل عمر باشد و خواه از نسل علی (علیه السلام).

لازم به ذکر است که این نظر مولانا آشکارا با نظر شیعه مخالف است. در پایان می گوید و او است هدایت شده از طرف خدا و هدایت کننده ی مردم. آن ولی خدا، مانند نور ابدی است. (1)

7. دیدگاه محمد رضا قمشه ای در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): قمشه ای ولایت را بر دو قسم میدانند: ولایت مطلقه یا عامه و ولایت خاصه. ولایت عامه یا مطلقه، شامل همه ی مؤمنان است و به حسب مراتب و درجات ایمان، دارای مراتب و درجاتی است و خاتم این قسم از ولایت، عیسی (علیه السلام) است. ولایت خاصه مخصوص اهل دل، صاحبان قرب الفرایض و کسانی است که در ذات حق فانی و به صفات او باقی مانده اند. این قسم از ولایت، مخصوص محمد و محمدیان است

ص: 286

و خود دو قسم دارد: مطلقه و مقیده. مطلقه، در صورتی است که عاری از جمیع حدود و قیود جامع ظهور جمعی اسماء و صفات حق و واجد انحاء تجلیات ذات او باشد. مقیده، در صورتی است که به اسمی از اسماء، حدی از حدود و نحوی از تجلیات محدود باشد. هر یک از این دو نوع را خاتمی است. خاتم ولایت محمدی مطلقه، علی بن ابی طالب و مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. ولایت مطلقه به این معنا، از ولایت مطلقه عامه به معنای اول، برتر و خاتم این (علی و مهدی موعود) (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ( از خاتم آن عیسی (علیه السلام) افضل است؛ اما خاتم ولایت مقیده محمدی، ممکن است هم ابن عربی باشد و هم آن مردی از عرب که ابن عربی می گوید در سال 595 وی را دیده و شناخته است و البته این نوع ولایت در جاتی دارد که ممکن است برای هر درجه و مرتبه ای خاتمی وجود داشته باشد. (1)

8. نظر آشتیانی در مورد ختم ولایت: میرزا احمد آشتیانی در حواشی «شرح فصوص قیصری» و رساله ای که در ولایت، تصنیف کرده است؛ قول محی الدین را که معتقد به خاتمیت عیسی (علیه السلام) به ولایت محمدیه است، حمل بر ولایت عامه کرده، معتقد است که محیی الدین، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را خاتم ولایت مطلقه محمدیه میداند، که عیسی (علیه السلام) قهرا تابع آن حضرت است. (2)

9. نظر سید حیدر آملی در مورد ختم ولایت: از دیدگاه آملی، ولایت نیز، همچون نبوت به مطلقه و مقیده تقسیم می شود. نبوت مطلقه، ویژه ی حقیقت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) است و حضرت محمد (صلی الله علیه واله) خاتم نبوت مطلقه است. مظهر نبوت مطلقه، نبوت مقیده است؛

ص: 287

---

1- ترجمه فتوحات مکیه، ج 1، ص 71-74؛ مقدمه، شرح مقدمه قیصری بر فصوص: ص 889.

2- شرح مقدمه قیصری بر فصوص: ص 891

یعنی دیگر پیامبران همگی مظاهر مقید حقیقت محمدیه هستند. اولین مظهر نبوت مقیده، حضرت آدم (صلی الله علیه واله) و آخرین یا خاتم آن، حضرت عیسی (علیه السلام) است. باطن نبوت مطلقه، ولایت مطلقه است، که ویژه ی حقیقت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و دارای دو مظهر است: مطلق و مقید. مظهر کامل ولایت مطلقه حضرت علی (علیه السلام) است، که آخرین خاتم ولایت مطلقه نیز محسوب می شود؛ پس پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) بالاصاله دارای این ولایت مطلقه است و علی (علیه السلام) بالوراثه صاحب آن است و اولین مظهر ولایت مقیده حضرت شیث، فرزند آدم است و آخرین یا خاتم آن، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از خاندان رسول (صلی الله علیه واله) است. سید حیدر آملی از کلمات ابن عربی در باب خاتم ولایت مطلقه، خاتمیت حضرت عیسی (علیه السلام) را برداشت کرده است. او دیدگاه ابن عربی را باطل می داند و در رد مدعای وی، و در نتیجه، اثبات خاتمیت ولایت مطلقه برای امام علی (علیه السلام) به شواهدی از قرآن (نساء / 59 و اعراف / 28) و احادیث نبوی (1) و روایات و سخنان علی (علیه السلام) (2) و اقوال بزرگان عرفا تمسک جسته است. آملی، در توجیه برداشت خویش علاوه بر دلایل نقلی، به دلایل عقلی نیز تمسک جسته است. به نظر وی نزول عیسی (علیه السلام) در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و منوط بودن استکمال وی به حضور در پیشگاه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که مطابق برخی روایات مورد قبول و استناد ابن عربی هم قرار گرفته است ایشان ولی مطلق بودن حضرت عیسی (علیه السلام) را چنین بیان می کند زیرا اگر حضرت عیسی (علیه السلام) خاتم ولایت مطلقه بود، لزومی نداشت که با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ولایت او کامل شود. بدیهی

ص: 288

- 
- 1- شرح اصول کافی ص 17؛ بحارالانوار، ج 37: ص 41 و ج 25: ص 33.
  - 2- شرح نهج البلاغه، ج 6 ص 136 و نهج البلاغه، خطبه 192 و ینایع الموده: ص 74.

است فردی که با ظهورش ولایت حضرت عیسی (علیه السلام) را کامل می کند، قطعاً دایره ی ولایتش وسیع تر و گسترده تر از ولایت حضرت عیسی (علیه السلام) است. نتیجه آن که، از دیدگاه آملی، ابن عربی به خاتمیت ولایت حضرت عیسی (علیه السلام) معتقد است که از نظر او، این رأی براساس شواهد گوناگون مردود است؛ در حالی که از بعضی سخنان ابن عربی می توان چنین برداشت کرد که او معتقد به ولایت ختمی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. (1)

10. دیدگاه شبستری در مورد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): شبستری، عارف معروف و سرایندهی «گلشن راز» دربارهی مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین سروده است:

از او عالم شود پر امن و ایمان\*\*\*جماد و جانور یابد از او جان (2)

وی می افزاید: پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «ساکنان زمین و آسمان از ظهور و اعمال ولایتش راضی هستند و هر چه از خیرات و برکات دارند عرضه می کنند؛ به گونه ای که زندگان آرزو کنند که ای کاش، مردگان زنده می شدند و مقصد و هدف حیات را درمی یافتند. پس نتایج متضرع بر بحث انکشاف حقایق و معانی در زمان ظهور آن جمال دلریا، این است که با ارتقاع جهل، لوازم آن، از جمله کفر و ستیز، نیز کاملاً متفرع می شود و هر آینه یک نفس کافر در جهان یافت نمی شود و عدل حقیقی که ظل وحدت حقیقیه است و مشتمل بر علم شریعت، طریقت و حقیقت است، به تمام و کمال ظاهر می شود و هر کس به کمالی که لایق

ص: 289

---

1- جامع الاسرار و منبع الانوار 530 - 554.

2- شرح گلشن راز: ص 285.



بالا-خره رسالت موعود اهل تصوف، رسالتی معنوی و اجتماعی است؛ به عبارت ساده تر نه محدود به نجات بخشی معنوی است و نه صرف به نجات بخشی اجتماعی اختصاص دارد. منجی موعود در عرفان و اهل تصوف بر آموزهی نجات بخشی جهانی و جمعی است؛ یعنی به قوم و ملت خاص منحصر نیست؛ بلکه در فرآیندی جمعی و کلان به ثمر می نشیند و منجی موعود تصوف به لحاظ جهانی بودنش، کارکردی جهانی دارد؛ زیرا تأثیرات منجی را در عالم ملک و ملکوت و از جمله در به پایان رسیدن این جهان و برپایی قیامت در پی آن، فراوان در بیاناتشان یاد کرده اند.

ص: 290

---

1- شرح گلشن راز: ص 286.

فصل سوم

اشاره

ص: 291



آخر الزمان عبارت است از: قسمت واپسین از دوران که به قیامت پیوندد. از همان قرن اول اسلام در عهدی، آن عهد را آخرالزمان میدانستند. قرآن معجزه‌ی شق القمر پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) را با نزدیکی قیامت قرین ساخته است. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه واله) نیز فرموده: من و روزگار من با قیامت همان قدر نزدیک هستیم که دو سر انگشتانم. بر همین اساس و نیز به موجب اصل خاتمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) آن حضرت را پیامبر آخرالزمان خوانده اند؛ لذا با آغاز بعثت و نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) آخرالزمان نیز آغاز شده است؛ بنابراین عصر حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، چه دوران تولد، چه دوران غیبت صغرا، چه دوران غیبت کبرا و چه دوران ظهور آن حضرت، به طریق اولی آخرالزمان است و چون معمولاً آخرالزمان را با فتنه‌های خاص آن معرفی کرده اند؛ پس به ویژه عصر غیبت کبرا که اوج فتنه‌ها، مصائب، رنج‌ها، جنگها، نابسامانی‌ها، بی‌ایمانی‌ها و نظایر اینهاست، دوره‌ی آخرالزمان محسوب می‌شود. دجال‌های فریبکار، گمراه‌کننده و اغواگر در این دوره آشکار می‌شوند. سفیانیه‌های خون‌ریز، صیحه‌های آسمانی، هرج و مرج، رواج آفات و امراض و بلاهای متنوع زمینی و آسمانی در این زمان بروز می‌کنند. هیوط حضرت عیسی (علیه السلام) و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و سرانجام شکست دجال و سفیانی و شیطان و حاکمیت جهانی توحید و حق و عدل که مظهر و مقدمه‌ای بر قیامت کبراست

در این زمان به وقوع می پیوندد. (1)

«آخر الزمان» اصطلاحی است در فرهنگ ادیان بزرگ دنیا، به معنای آخرین دوران حیات بشر و قبل از برپایی قیامت. در فرهنگ اسلامی، آخر الزمان، هم دوران نبوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) تا وقوع قیامت را شامل می شود و هم دوران غیبت و ظهور مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را.

در دوران معاصر، عده ای از مفسران و متفکران مسلمان از قبیل: مرحوم علامه طباطبایی، استاد شهید مرتضی مطهری، سید قطب، محمدرشید رضا، سید محمد باقر صدر با اتکا به آیاتی از قرآن کریم اعراف / 138، انبیاء / 105، صافات / 171 و 172) جانشینی انسان در زمین، فرمانروا شدن نیکوکاران زمین (وراثت صالحان) و پیروزی حق بر باطل را برخلاف جولان دائمی باطل، به عنوان سرنوشت آینده بشر مطرح کرده اند و آیات و روایات مربوط به تحولات آخرالزمان را بیانگر نوعی فلسفه تاریخ میدانند و به اعتقاد ایشان، عصر آخرالزمان عبارت است از: دوران شکوفایی تکامل اجتماعی و طبیعی نوع انسان. چنین آینده ای امری محترم است که مسلمانان باید انتظار آن را داشته باشند و نباید منفعل و دلسرد به «حوادث واقعه» بنگرند؛ بلکه با حالتی پر نشاط و خواهان صلاح جامعهی انسانی و آگاه از تحقق اهداف تاریخی انتظار، باید سرشار از امید، آمادگی و کوشش در خور این انتظار مقدس باشند. در چارچوب این برداشت، آخرالزمان قطعه معینی از تاریخ نوع انسان است که او باید در آن، حرکت تکاملی تدریجی خود را تا تحقق وعده الهی ادامه دهد. در حالی که در کتب علمای متقدم همچون «کمال الدین»

ص: 294

شیخ صدوق و کتاب «الغیبه» شیخ طوسی، چنین تفسیری از تاریخ نیست و تحولات آخرالزمان امری غیرعادی است که در آخرین بخش از زندگی نوع انسان واقع می شود و به تحولات قبلی جامعه ی انسانی مربوط نمی شود.

شناخت آخرالزمان یا فرجام شناسی (Eschatologie) یا فتوریسم (Fotorism) یا به تعبیر کیش هندو، عصر کالی (Kali) یعنی اعتقاد به دوره ی آخرالزمان و انتظار ظهور منجی عقیده ای است که در ادیان یهودیت، مسیحیت و زرتشتی بسیار دارای اهمیت و مورد قبول است. در احادیث بسیاری آمده که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان ظهور می کند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) می فرماید: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از عترت و اهل بیت (علیه السلام) من است، او در آخرالزمان ظهور می کند. (1)

و نیز می فرماید: مژده باد شما را به ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که او در آخرالزمان به هنگام سختی روزگار، فتنه، اختلاف و ناامنی می آید و خداوند به وسیله ی او زمین را پر از قسط و عدل می کند. (2)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: دولت ما آخرین دولت هاست. (3)

پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) دست ها را به سوی آسمان برافراشت و فرمود: خداوندا! برادرانم را به من بنمایان؛ یکی از اصحاب گفت: مگر ما برادران شما نیستیم؟ فرمود: نه، شما یاران من هستید، برادران من کسانی هستند که در آخرالزمان می آیند و به من ندیده، ایمان می آورند.

خداوند آنها را پیش از آن که از صلب پدران به رحم مادران

ص: 295

---

1- بحار الانوار، ج 51: ص 74.

2- منتخب الأثر: ص 171.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 332.

در آیند، با نام خود و پدرانیشان به من معرفی کرده است که استقامت هر یک از آنها در دین خود، از کندن خارهای گون در شب تاریک و به دست گرفتن آتش گداخته سخت تر است. آنها مشعل های هدایت هستند که خداوند آنها را از فتنه های تیره و تاریک نجات می بخشد.

درباره ی فتنه ها و حوادث آخر الزمان، احادیث بی شماری از حضرت ختمی مرتبت (صلی الله علیه واله) و ائمه (علیه السلام) در کتب حدیث به ثبت رسیده است. مجموعه ای از آن احادیث، به صورت کتب مستقلی به نام «ملاحم»، «الغیبه» و دیگر نامها نگاشته شده است.

روایات معصومین (علیه السلام) نشان میدهد:

1. با سپری شدن این دوران، بساط زندگی دنیوی برچیده میشود و مرحله ای جدید در نظام آفرینش آغاز می شود.

2. آخرالزمان خود به دو مرحله ی کاملاً متفاوت تقسیم میشود:

دوران نخست که در آن انسان به مراحل پایانی انحطاط اخلاقی می رسد. دوران بعد، عصر تحقق وعده های الهی به پیامبران و اولیای خداست و با قیام مصلح جهانی آغاز می شود. کلیات عقاید مربوط به آخرالزمان تقریباً از سوی همهی فرقه های بزرگ اسلامی پذیرفته شده است؛ ولی در خصوص وابستگی این تحولات به ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و نیز هویت او همان طور که اشاره شد اختلاف نظر وجود دارد. (1)

## ویژگی های آخرالزمان

به راستی باید بدانیم که ما مردم آخرالزمان هستیم و نشانه های

ص: 296

آخرازمان یکی پس از دیگری واقع شده، یا در شرف وقوع است و فتنه های آخرازمان چون طوفان نوح نزدیک است.

اگر فرموده اند در آخرازمان زلزله زیاد میشود این دو معنی دارد؛ یکی معنای ظاهری آن است و معنای دیگر آن زلزله های معنوی است. زلزله های اعتقادی که با افکار و عقاید مردم بازی می کند، زلزله های فساد اخلاقی که مردم را به سوی شهوترانی و گمراهی فرا می خواند، زلزله های سیاسی که باعث آشوب در دنیا می شود، زلزله فقر، زلزله فساد، زلزله اعتیاد و نظایر آن

در زلزله های طبیعت، مرگ بدن است و آزادی روح؛ ولی در زلزله های معنوی و فکری، آزادی بدن است و اسارت روح.

باید باور کرد که آخرازمان رسیده، فصل فریادهای بی صدا، نمازهای پر از ریا، بازارهای آکنده از ربا، و بت پرستی زر و سیم و طلا، فصل خدایی کدخدایان و گدایی بینوایان، فصل آشفتگی و پژمردگی، هر که به فکر خویش به پیش می رود و هیچ کسی یاریگر دیگری نیست، علم و دانش پیشرفت کرده؛ اما ادب و اخلاق پس رفته است، مسائل دنیایی اصل شده و مسائل معنوی و آخرتی در حاشیه قرار گرفته است و بسیاری از فتنه های دیگر.

### **بعضی از مهم ترین ویژگی های آخرازمان**

الف. مهجوریت قرآن: یکی از ویژگیهای این دوره بی توجهی مسلمانان جهان به بزرگترین معجزه ی علمی پیامبر (صلی الله علیه واله)، یعنی قرآن کریم است. مسلمانان نه تنها حق قرآن را آن گونه که شایسته است ادا نمی کنند؛ بلکه قرآن را مهجور و غریب گذاشته اند و به حقایق آن عمل نمی کنند.



1. قرآن را می خوانند و عمل نمی کنند. در این باره پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «برای امت من زمانی پیش می آید که قاریان، قرآن را می خوانند؛ ولی از حلقوم آنها تجاوز نمی کند (و به مرحله ی عمل نمی رسد)». (1)

2. قرآن را بیشتر به جهت صوت زیبا و بدون توجه به معنا می خوانند. در این باره نیز حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه واله) فرمودند: «در آخرالزمان قرآن، بانی و لحن غنا خوانده می شود، بدون این که به هنگام تلاوت با خوف و خشیت از پروردگار همراه باشد». و نیز فرمودند: «بعد از من اقوامی می آیند که قرآن را همانند ترجیع غنای مجالس سوک و راهبان، با غنا و ترجیع می خوانند که از حلقومشان تجاوز نمی کند، دل هایشان به مهر کسانی که دارای ظاهر خوبی هستند یا جایگاهی دارند، آکنده شده است!»

3. قرآن را سبک می شمارند و از مطالب دقیق علمی و معرفتی آن غفلت می کنند. پیامبر (صلی الله علیه واله) در اخبار آخرالزمان به این نکته نیز اشاره کرده و فرموده اند: «در آخرالزمان تنها از قرآن جز رسم و نقش چیزی باقی نمی گذارند و از اسلام نیز جز نامی باقی نمی ماند».

4. قرآن را به رأی و نظر و طبق خواسته های دل خویش تفسیر می کنند؛ در حالی که در روایات فراوان، که در کتب شیعه و سنی نقل شده است، پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) کسانی که قرآن را به رأی خویش تفسیر کنند مورد لعن و نفرین شدید قرار داده اند و جایگاه آنها را جهنم دانسته است. آن حضرت در اخبار آخرالزمان می فرماید: «در آن زمان قرآن (در نظر مردم) کهنه شده، مطالبی که در قرآن نیست

ص: 298

احداث می شود و قرآن بر طبق خواسته های نفسانی تفسیر و توجیه می شود». و نیز می فرماید: «قرآن را طبق خواسته ها و هوای نفس خود تفسیر می کنند و دین خود را به رأی و نظر خود مورد تحلیل قرار میدهند».

ب. مساجد در آخرالزمان: یکی از نشانه های آخرالزمان کم توجهی مردم مسلمان به مساجد است و پیامبر (صلی الله علیه و اله) به مسلمانان آخرالزمان هشدار داده اند که مبادا مساجد را غریب بگذارند (1) به گونه ای که در روز قیامت مساجد از آنها شکایت کنند.

هم چنین پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمودند: «بر امت من زمانی پیش می آید که مساجدشان آباد است؛ ولی از هدایت خالی است. مردم وارد مسجد می شوند؛ ولی دو رکعت نماز در آن نمی گزارد، مساجد با اذان آباد است؛ اما دل‌هایشان از ایمان تهی می شود، در آن زمان قرآن‌ها تزیین می شود، مسجدها را آزین می بندند و مناره ها بلند می شود». (2) یکی از ویژگی های آخرالزمان نواختن موسیقی در مساجد است. در این باره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) فرمودند: «در آخرالزمان در مساجد نی و بریط بزنند و کسی به آنها اعتراض نکند». (3)

یکی دیگر از این ویژگی ها در مساجد آزین بندی و تزیین بیش از حد مساجد و منقش کاری دیوارها است که این کارها مورد تأیید خاندان عصمت و طهارت نیست؛ بلکه به فتوای همه ی مراجع تقلید، چسباندن عکس و تصویر در مساجد کراهت دارد و به فتوای برخی از علما نقش تصاویر ذی روح در مساجد حرام است.

ص: 299

---

1- یوم الخلاص: ج 2، ص 796.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 190 و 264.

3- الزام الناصب: ص 184.

ج. علما در آخرالزمان: مجموعه ی روایات شیعه، علمای آخرالزمان را به دو دسته تقسیم کرده اند: یک دسته از روایات مربوط به ذم و نکوهش علمای سوء و دسته دیگر مربوط به مدح و ستایش علمای ربانی است. در مورد دسته اول به چند حدیث اشاره می کنیم

1. پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «بدترین علما کسانی هستند که پیشانی به آستان پادشاهان بسایند و بهترین زمامداران آنهایند که به سوی علمابشتابند». (1)

2. پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «برای امت خود از رهبران گمراه کننده بیمناکم». (2)

3. رسول اکرم (صلی الله علیه واله) فرمود: «بعد از من پیشوایانی پدید می آیند که چون بر فراز منبر قرار بگیرند سخنان حکمت آمیز می گویند و هنگامی که از منبر پایین آمدند نور حکمت و ایمان از آنها گرفته می شود؛ چنین دانشمندانی از مردار پلیدتر هستند». (3)

4. رسول خاتم (صلی الله علیه واله) می فرماید: «گروهی برای غیر خدا درس فقه را خوانده، صرفاً برای مقام و ریاست به فقاہت می گرایند (و نتیجه اش این می شود که قرآن را طبق هوای نفس خود مورد توجیه و تفسیر قرار می دهند و دین خدا را با نظر خود تحلیل می کنند)». (4)

5. رسول خدا (صلی الله علیه واله) می فرماید: «در آخرالزمان فقهای هدایتگر کم

ص: 300

---

1- المحججه البيضاء، ج 1، ص 144.

2- نهج الفصاحه، ج 2، ص 472.

3- الزام الناصب: ص 195.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 257.

می شوند و فقیهان گمراه کننده و خیانت کار فراوان هستند و در آن زمانشاعران نیز زیاد شوند»<sup>(1)</sup>.

6. پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرمود: «فقیهان آن زمان طبق هوای نفس خود فتوا می دهند، قاضی های آنها آنچه را نمی دانند می گویند و بیشتر آنها به دروغ گواهی میدهند. کسی که پول دار باشد در نزد آنها عزیز و محترم است و کسی که بی پول باشد در نزد آنها خوار و زبون است»<sup>(2)</sup>.

پس از آن پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) پیرامون علمای راستین که بر اعتقاد خود پابرجا باقی بمانند و تابع ظالمان و فاسدان نشوند، می فرماید: «فقه های راستین و هدایت گر در آن زمان کم هستند، برای مردم زمانی پیش می آید که علما را همانند دزدان می کشند. ای کاش در آن زمان علما خود را به حماقت بزنند تا جان خود را از قتل و آبروی خود را از تهمت در امان نگه دارند، از خانه های خود خارج نشوند، خود را به سادگی بزنند و از رویدادها اظهار بی اطلاعی کنند»<sup>(3)</sup>. هم چنین می فرماید: «در آن زمان شخص مؤمن در نزد آنها ضعیف و حقیر است و عالم و دانشمند در چشم آنها کوچک و بی مقدار است اما آدم فاسق در نزد آنان محترم است»<sup>(4)</sup>.

اما علمای راستین وارثان پیامبر (صلی الله علیه واله) و چون پیامبر (صلی الله علیه واله) رئیس امت به شمار می آیند، آنان حافظان و پاسداران دین، قرآن، احکام و عقاید اسلامی هستند و علاوه بر آن مسؤولیت نشر و تبلیغ و

ص: 301

---

1- بحار الانوار، ج 51: ص 70.

2- الزام الناصب: ص 195.

3- یوم الخلاص، ج 2، ص 785.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 264.

گسترش دین را بر عهده دارند، با بدعت ها به مبارزه می پردازند و از تحریف دین جلوگیری می کنند. به طور کلی عالمان راستین، حافظان و نگهبانان دین مبین اسلام هستند. آنان از طریق تعلیم، تدریس، گفتن و نوشتن در بقای اسلام می کوشند و سرانجام بر اجرا و عمل بر طبق متون و نصوص قرآنی و روایی، محافظت از حکم و قانون و شریعت اسلامی را بر عهده دارند و به راستی علمای راستین و فقهای ربانی حصون اسلام هستند. علمای راستین و متعهد امت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) از انبیای بنی اسرائیل برتر و افضل هستند؛ پس همانند انبیا در خدمت دین و هدایت مردم هستند.

د. زنان در آخرالزمان: بدون شک زن در دین مقدس اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است و در صورتی که حقیقت جایگاه وجودی خویش را درک کند و در مسیری که دین و آیین الهی برای وی تدوین کرده است، حرکت کند به مقام بسیار والا و ارزشمندی از کمالات روحی و معنوی دست می یابد. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) و ائمه اطهار (علیه السلام) سیمای زنان در آخرالزمان را توصیف کرده اند که در ادامه بخشی از آن احادیث و پیشگویی های ارزشمند را نقل می کنیم تا با درایت و فهم خویش فاصله‌ی امروز زنان و حقیقت آنها و امتیازاتی که خدا برایشان در نظر گرفته را بسنجیم:

1. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) می فرمایند: «چگونه می شود حال شما هنگامی که زنهای شما فاسد شوند و جوانان شما به فسق و فجور بگریند؟ شما نیز به جای امر به معروف، امر به منکر کرده، نهی از معروف کنید! معروف را منکر خیال کرده، منکر را معروف پندارید!؟» (1).

ص: 302

در این جا از حضرت سؤال شد: یا رسول الله! به راستی آیا چنین وضعی پیش خواهد آمد؟ حضرت فرمودند: آری و بلکه بدتر از آن پیش خواهد آمد.

2. رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرمودند: «هنگامی که زنها برای طمع دنیا در کسب و کار و داد و ستد همسرانشان شرکت کنند».(1)

3. پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «در آن زمان مردها خود را به صورت زن، و زنها خود را به صورت مرد در می آورند».(2)

4. رسول الله (صلی الله علیه واله) فرمود: «در آن زمان زنها لباس مردان را بپوشند و پوشش حیا از آنها گرفته شود».(3)

5. پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) می فرماید: «در آخر امت من، مردانی پیدا می شوند که زن هایشان مانند مردها بر روی زین ها سوار می شوند، در آن عصر بر فراز تشکها سوار می شوند و تا در مساجد میروند. زنانشان در عین لباس پوشیدن لخت و عور هستند (یعنی لباس های حریر و نازک و تحریک کننده می پوشند) و بر سرشان چیزی همانند کوهان اشتران لاغر است (یعنی موهای سرشان را در قسمت پشت سر به صورت کوهان شتر جمع می کنند، آنها عطر بهشت را نخواهند بویید. آنها را لعنت کنید؛ زیرا آنان از رحمت خدا به دور هستند».(4)

6. پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرمایند: «و هنگامی که ببینی زن از همسرش مطلع است که او با مردان نامحرم رابطه دارد؛ ولی به روی او

ص: 303

---

1- الزام الناصب: ص 182.

2- المحج البيضا، ج 3، ص 342.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 236.

4- صحیح مسلم، ج 6 ص 168.

نمی آورد و میبینی که در بهترین خانه ها زن تشویق می شود که فسق و فجور کند!». (1)

7. رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرمود: «در آخرالزمان زنا به صورت یک فضیلت برای زن بازگو می شود و دیگر حتی منتظر نمی شوند که شب فرا رسد و تاریکی آنها را بپوشاند؛ زیرا جرأت بر خدا به آن حد می رسد!». (2)

8 رسول الله (صلی الله علیه واله) می فرماید: «هنگامی که ساختمان ها بلند شود، زن ها مورد مشورت قرار بگیرند و اختلاط زن و مرد فراوان شود». (3)

9. پیغمبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «در آن زمان زن را ببینی که با خشونت با همسرش رفتار کند، آنچه را شوهرش نمی خواهد انجام می دهد و از درآمد شخصی خود به شوهرش انفاق می کند و شوهرش نیز برای چیز اندکی از مال دنیا راضی میشود و ناملایمات همسرش را تحمل می کند». (4)

10. پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرمودند: «در آخرالزمان زنها حکومت می کنند و مورد مشورت واقع می شوند، کودکان بر فراز منبر نشسته، امر و نهی می کنند و آن زمان مردم با لباس ظاهری خود به یکدیگر فخر می فروشند و مباحثات می کنند». (5)

11. امام صادق (علیه السلام) میفرماید: «در آن زمان زن ها را خواهی دید که با زنها آمیزش می کنند و زندگی و معیشت زنها با خودفروشی و از راه

ص: 304

1- بحار الانوار، ج 52: ص 257

2- بحار الانوار، ج 52: ص 257

3- بحار الانوار، ج 52: ص 263

4- بحار الانوار، ج 52: ص 257

5- الزام الناصب: ص 182.

حرام تأمین می شود و زنان مانند مردان جلسه تشکیل می دهند». (1)

12. پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «قومی که فرمانروایی آنها به دست زن سپرده شود، هرگز روی سعادت را نخواهند دید» (2)

13. و نیز فرموده اند: «امتی که زن آنها را رهبری کند هرگز نزد خدا مقدس نمی شود». (3)

14. احادیث مختلفی نیز مکرر فرموده اند: «خدا لعنت کند زنی که خود را در جایگاه مرد قرار می دهد و شبیه مرد جلوه می کند». (4)

15. پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرمودند: «فتنه سخت را دیدید و صبر کردید و من از فتنه ای سخت تر در آینده برای شما بیم دارم که از طرف زنان می آید؛ زمانی که النگوی طلا- به دست کرده، زینتهای خود را به نامحرم آشکار کنند و لباس های فاخر بپوشند و حتی توانگران را به زحمت اندازند». (5)

ه) دین و دین داری در آخرالزمان: اخبار بسیاری درباره ی دین و دینداری در آخرالزمان از پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و ائمه اطهار (علیه السلام) نقل شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

1. سقوط در مادیات: «برای مردم روزگاری فرا می رسد که تنها هم و غمشان شکم آنها، شرف آنها تجملات زندگی آنان، قبله آنها همسرانشان و دین و آیین آنها درهم و دینارشان است. آنها بدترین خلائق هستند و برای آنها در نزد خدا ارج و مقامی

ص: 305

1- بحار الانوار، ج 52: ص 256.

2- نهج الفصاحه: ص 529.

3- تحف العقول، ص 30

4- نهج الفصاحه: ص 295.

5- نهج الفصاحه: ص 61.



نیست». (1) این در حالی است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) فرموده اند: «ملعون و از رحمت خدا به دور است هر کسی که بنده ی درهم و دینار و مادیات شود». (2)

2. ترک امر به معروف و نهی از منکر: «هنگامی که ستم و تباهی فراوان شود، منکر و گناه آشکار شود، امت من امر به منکر و گناه کرده، از معروف نهی کنند و به طور کلی امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کنند». (3)

در آخرالزمان کسی که امر به معروف کند، خوار می شود و کسی که مرتکب گناه شود مورد ستایش قرار می گیرد». (4)

3. علنی شدن گناهان: «در آن زمان ستم، تباهی و فساد فراوان شده، گناهان آشکارا شود». (5)

هنگامی که فجور و معصیت علنی شود؛ بهتان، گناه، طغیان و تجاوز به حریم دیگران علنی شود و اشرار مورد احترام قرار گیرند». (6)

برای مردم زمانی می رسد که انسان میان ناتوانی و فسق و فجور مخیر می شود؛ هر کس چنین زمانی را درک کند، ناتوانی را بر فساد و تباهی برگزیند». (7)

4. مظلومیت دین: «دین کم ارج می شود و دنیا ارزش فراوان

ص: 306

---

1- منتخب الاثر: ص 438.

2- بحار الانوار، ج 70، ص 319.

3- الزام الناصب: ص 64.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 256.

5- الزام الناصب: ص 182.

6- بشاره الاسلام: ص 133.

7- نهج الفصاحه: ص 372.

پیدا می کند». (1)

« بدن های مردم یک جا جمع می شود؛ ولی دل های آنها پراکنده می شود و دین در نزد آنها همانند بقیه خوراکی است که در دهان می گردانند و سپس بیرون می ریزند». (2)

برای امت من زمانی پیش می آید که اگر کسی بخواهد بر دین خود استوار باشد، همانند کسی است که آتش گداخته ای را با دست بگیرد». (3)

«بر امت من زمانی می رسد که از قرآن جز نقش آن و از اسلام

جز نام آن باقی نمی ماند». (4)

و می بینی که پیروان ادیان تحقیر می شوند و هر کس آدم دین داری را دوست داشته باشد به همین جرم مورد تحقیر قرار می گیرد». (5)

بیشتر مردم از دین مرتد می شوند و رشته اسلام را از گردن خود در می آورند» (6)

و اینها همه تفسیر همان سخن پیامبر عزیز اسلام (صلی الله علیه واله) است که فرمودند: «اسلام در آغاز غریب بود و در آخرالزمان نیز غریب می شود. خوشا به حال آن غریبان در آخرالزمان که با استقامت و اعتقاد راسخ، دین خود را حفظ می کنند». (7)

ص: 307

1- الزام الناصب: ص 181.

2- یوم الخلاص، ج 2، ص 793.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 366.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 190.

5- بشاره الاسلام، ص 132.

6- یوم الخلاص، ج 2، ص 810

7- بحار الانوار، ج 52: ص 191.

5. علنی شدن ربا و رشوه: «و در آن زمان ربا شایع می شود، کارها با رشوه انجام می یابد، مقام و ارزش دین تنزل می یابد و دنیا در نظر آنها ارزش پیدا می کند». (1) «در آن زمان، به محرمات روی آورده، شراب را به نام شربت، رشوه را به نام هدیه و ربا را به نام خرید و فروش و معامله، حلال می دانند و می خورند». (2)

6. فساد و فحشا: «هنگامی که ستم و فساد و تباهی زیاد شود». (3)

هنگامی که بعد از من فحشا و منکر رواج پیدا می کند، مرگهای ناگهانی فراوان شود و وقتی کم فروشی رایج شود خداوند آنها را با قحطی و گرسنگی گرفتار سازد. هنگامی که زکات داده نشود زمین برکت های خود را از معدن، میوه و زراعت منع می کند. زمانی که زمامداران ستمگری پیشه کنند، آنها خود بر ظلم و تجاوز همکاری کنند. هنگامی که عهد و پیمان ها را بشکنند، خداوند دشمن را بر آنها چیره می کند و هنگامی که پیوند خویشاوندی را قطع کرده، صله رحم نکنند، ثروت ها در دست اشرار قرار می گیرد». (4)

و در آن زمان، مردم را می بینی که همانند چهارپایان به طور علنی روابط جنسی برقرار می کنند و کسی از ترس مردم نمی تواند آنها را تقبیح کند». (5)

هنگامی که هم جنس بازی ترویج یابد، مردها با مردان و زنها

با زنان در آمیزند». (6)

ص: 308

1- بشاره الاسلام: ص 26.

2- الامام المهدي، ص 158.

3- الزام الناصب: ص 195.

4- تحف العقول، ص 43.

5- بحار الانوار، ج 52، ص 259.

6- المهدي: ص 219.

هنگامی که زن از راه نامشروع پول به دست آورد و مرد از درآمد او بخورد». (1)

در آخرالزمان، دنیا را در برابر دیدگانت این گونه مجسم کن؛ هنگامی کهامت من نماز را ضایع کنند، از شهوات پیروی کنند، قیمتها بالا رود و گرانی شایع شود، هم جنس بازی زیاد شود، دیوارهای منازل تزیین شود، کاخ ها و ساختمانهای بلند ساخته شوند، بر پوست های پلنگان سوار شوند، آنچه بیابند بخورند، زیور آلات بپوشند و گناه و معصیت، وسیله ی مباحات و فخر فروشی شود». (2)

مردان امت من با طلا- آرایش می کنند (در صورتی که طلا برای مردها حرام است)، حریر و دیبا می پوشند و از پوست پلنگ برای خود جامه درست می کنند، در چنین زمانی اگر چه باران بسیار می بارد؛ اما خیر و برکت کم و زلزله فراوان می شود». (3)

تمام همت یک مرد شکم او، قبله اش همسر او و دینش پول و دارایی او خواهد بود». (4)

7. بی احترامی به پدر و مادر و کم شدن عاطفه: «و می بینی که عاق والدین بودن رواج یافته، پدر و مادر سبک شمرده میشوند». (5)

انسان به پدر و مادرش جفا می کند؛ اما با دوستانش گرم و صمیمی می شود». (6)

ص: 309

1- بحار الانوار، ج 52، ص 257.

2- منتخب الأثر: ص 431.

3- الزام الناصب: ص 182.

4- یوم الخلاص، ج 2، ص 739.

5- بحار الانوار، ج 52، ص 259.

6- الزام الناصب: ص 182.

«فرزند به پدرش تهمت می زند، بر پدر و مادرش نفرین می کند و از مرگ آنها مسرور میشود». (1)

«مرد به برادرش حسد ورزیده، به پدرش دشنام میدهد و به شریکانش خیانت می کند». (2)

هنگامی که صله رحم قطع شده، پیوند خویشاوندی فراموش شود، برای اطعام بر دیگران منت گذارند، رحمت و مهربانی از دل بزرگان رخت بریندد و حیا از کوچکها بسیار کم شود». (3)

در آخرالزمان انسان به دست پدر و مادرش هلاک می شود، اگر پدر و مادر نداشته باشد، به دست همسر و فرزندان و اگر همسر و فرزندی هم نداشته باشد به دست خویشان و همسایگانش هلاک میشود». (4)

در آن زمان، همسایه به همسایه اش آزار و اذیت می رساند و کسی مانع نمی شود». (5)

همسایه را می بینی که همسایه اش را اذیت می کند و در آن زمان حتی همسایه از زبان همسایه اش وحشت دارد». (6)

دل ها را قساوت می گیرد، زمین پر از ستم می شود، قتل و کشتار به قدری فراوان می شود که مادران از داشتن اولاد غمگین می شوند و زنان عقیم از نازایی خوشحال می شوند. در آستانه ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فتنه ی سختی هست که برای اهل باطل امتحان بزرگ

ص: 310

1- بحار الانوار، ج 52: ص 259.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 263.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 63 و 256.

4- منتخب الاثر: ص 437.

5- بحار الانوار، ج 52: ص 263.

6- الزام الناصب: ص 183.

و انتقام خداوندی است».(1)

هنگامی که نیازها و گرفتاری‌ها فراوان شود، (عاطفه و محبت کم شود) و مردم یکدیگر را شناسند، به گونه‌ای که انسان برای نیازش به نزد برادرش می‌رود و او را در قیافه‌ی دیگری جز آنچه هست بیابد (یعنی با ترش رویی برادرش مواجه شود) و برادرش با لحن دیگری سخن بگوید».(2)

8. شراب خواری و مواد مخدر: «و می‌بینی که مشروب را به طور علنی می‌خورند و افرادی که از خدا ترسی ندارند بر گرد آن اجتماع کرده، دوستانشان را برای خوردن شراب دعوت می‌کنند».(3)

مردم آن زمان را خواهی دید که در حال نشئگی سرخوشی شب می‌کنند و در حال مستی صبح می‌کنند و دیگر اهمیت نمی‌دهند که مردم در چه حالی هستند (یعنی تنها به مواد مست یا نشئه‌کننده انس گرفته، عادت می‌کنند و کاری به اجتماع و حال و وضع دیگران ندارند)».(4)

9. فرقه‌گرایی: «بعد از من اتمم گروه گروه می‌شوند، فقط یک گروه از آنها اهل نجات هستند و بقیه اهل دوزخ و گرفتار آتش خواهند شد».(5)

این پیشگویی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) پس از رحلت جانشینان حضرت به وقوع پیوست و تا زمانها ادامه یافت و اکنون تنها شیعیانی که در صراط مستقیم اهل بیت (علیه السلام) ثابت قدم باقی بمانند، اهل نجات و

ص: 311

---

1- بشاره الاسلام: ص 133.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 185.

3- بشاره الاسلام: ص 25.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 258.

5- بحار الانوار، ج 52: ص 258.

10. رواج موسیقی و غنا: «در آن زمان جوانان غنا و نوشیدن شراب را حلال می شمردند» (1) و در جای دیگر ابن عباس از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و اله) نقل می کند که فرمودند: «در آن زمان مردم نرد، شطرنج، طبل، بربط، تار، تنبور و آلات موسیقی را نیکو می شمارند و امر به معروف و نهی از منکر را ناپسند می دانند و انکار می کنند. آنها در ملکوت آسمانها افراد پلید نجس خوانده می شوند» (2)

11. مدگرایی در آخرالزمان: «در آن زمان مدپرستان به سوی مدها گرایش پیدا می کنند، اهل ایمان کم می شوند، و هشدار دهندگان از بین می روند» (3).

و نیز فرمودند: «در آن زمان مردم چیزی از مشرق و چیزی از مغرب می آورند که امت مرا رنگ رنگ (و مدگرا) و دگرگون می کند؛ پس وای برضعیفان امت من که به این مسائل گرایش پیدا کنند و وای بر آنان از عذاب خدا» (4).

12. صفات دیگر اهل آخرالزمان: «زمانی بر امت من می آید که در آن زمان درون آنها پلید می شود؛ ولی ظواهر آنها به طمع دنیا آراسته می شود. به آنچه در نزد خدا است دل نمی بندند، کارشان ریا و تظاهر است، خوف از خدا به دلشان راه نیابد و خداوند آنها را به عذابی فراگیر دچار سازد، آنها هم چون آدمی که در حال غرق شدن است خدا را می خوانند و خداوند دعایشان را مستجاب

ص: 312

---

1- الزام الناصب: ص 195.

2- بحار الانوار، ج 6 ص 306.

3- یوم الخلاص ج 2 ص 805.

4- بحار الانوار، ج 6 ص 307.

نمی کند (و البته اگر از اعمال خود حقیقتاً توبه کنند و با تمام وجود در خانه ی خدا دعا کنند، طبق وعده الهی دعای آنها مستجاب میشود)». (1)

انسان در حال ایمان صبح می کند و در حال کفر روز را به شب می رساند و گاهی در شب با ایمان است و در روز بی ایمان و کافر و دین خود را به متاع اندکی از مال دنیا می فروشد». (2) هنگامی که مردم به دروغ گوش فرا دهند، حرام و رشوه بخورند، ربا را جایز دانسته، شراب، قمار، لهو و لعب را نیز حلال بدانند». (3)

در آن زمان مردم، برای کارهای ناشایست و گناه دور هم جمع شدند و با یکدیگر همکاری می کنند؛ اما در امور و مسائل دینی از هم فاصله می گیرند و متفرق می شوند. هم چنین برای دروغ همدیگر را دوست بدانند و برای راستگویی از یکدیگر قهر کنند». (4)

اهل آن زمان هم چون گرگ هستند و پادشاهان و ثروتمندان آنها مانند درندگان وحشی، طبقه ی متوسط آنها خورنده، فقیران آنها هم چون مردگان هستند». (5)

راستی و درستی کم می شود، دروغ همه جا را فراگیرد، دوستیها زبانی شده، مردم در دل با هم دشمنی می کنند، فسق و گناه مایه ی مباحات می شود، عفت و پاکدامنی در بین مردم عجیب

ص: 313

---

1- بحار الانوار، ج 52: ص 190.

2- نهج الفصاحه: ص 510.

3- الزام الناصب: ص 195.

4- یوم الخلاص، ج 2، ص 708.

5- نهج البلاغه: ص 157.



جلوه می کند، اسلام وارونه می شود؛ همانند پوستینی که وارونه پوشیده شود». (1)

هنگامی که حرمتها شکسته شود گناهان عملی شود، اشرار بر خوبان مسلط شوند، دروغ رایج شود و مردم به لباس و ظواهر خود افتخار کنند». (2)

هنگامی که تکبر و خودخواهی در دلها هم چون سمی که در بدن نفوذ می کند، داخل شوند؛ گناهان علنی می شود و محرمات الهی را سبک می شمارند». (3)

«ثروت در میا مردم زیاد شده و ثروتمندان مورد تعظیم و احترام واقع شوند». (4)

هنگامی که طلاق بسیار باشد و حدود الهی اقامه نشود». (5)

برای مردم زمانی پیش می آید که فاجران مورد احترام قرار گیرند و ندیمان و دلچکها مقرب شوند و افراد با انصاف کوچک شمرد شده و ضعیف واقع شوند». (6)

برای مردم زمانی می رسد که جز فرد حيله گر و حقه باز احترام نشود، جز آدم فاجر و گنه کار تجلیل نشود و به جز آدم منصف و حقیقت گو خوار نشود. در آن زمان مردم صدقه را برای خود نوعی خسارت و نقصان مال می پندارند و صله ارحام را با منت انجام میدهند و عبادت را برای خودنمایی و فخرفروشی بر مردم

ص: 314

1- منتخب الأثر: ص 437.

2- الزام الناصب: ص 182.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 264.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 264.

5- الزام الناصب: ص 182.

6- بحار الانوار، ج 52: ص 265.

انجام می دهند. در آن زمان با مشورت زنان و امارت کودکان و تدبیر خواجه گان (نامردان) بر مردم حکومت میشود». (1)

مردم بارها معامله کنند و زنا زیاد شود و مرم به آن تظاهر کنند، دروغ را جایز شمرده، از هوای نفس پیروی کنند». (2)

و کسی که اموال یتیمان را بخورد به عنوان انسان شایسته، مورد مدح و ستایش قرار می گیرد». (3)

و در آخرالزمان شهادت دروغ قبول می شود؛ ولی شهادت انسان عادل پذیرفته نمی شود؛ مردم خون را سبک می شمردند، (لذا قتل زیاد می شود)، زنا رایج شده، رباخواری معمول می شود و اشرار از ترس زبانشان مورد احترام واقع می شوند». (4)

« و میبینی که ثروتمندان و امارا مواد غذایی را احتکار می کنند». (5)

«آدم فقیر در بین مردم آخرالزمان خوار و زیون است، شخص بایمان ضعیف و کوچک و شخص عالم و دانشمند در چشم آنها بسیار پست شمرده می شود؛ اما در مقابل شخص فاسق در نزد آنها محترم و فرد ستمگر مورد تعظیم و احترام است. هم چنین افراد ضعیف در میان آنها پایمال و افراد قوی در نزد آنها صاحب اختیار و همه کاره است». (6)

زمانی که بیعت برای کودکان شده، حکومت بچه بازی شود؛ همه

ص: 315

1- نهج البلاغه: ص 460.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 257.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 260.

4- همان: ص 192.

5- بحار الانوار، ج 52: ص 256.

6- الزام الناصب: ص 195.

اسلحه به دست و مسلح میشوند». (1)

« در آخرالزمان مؤمنین واقعی سکوت می کنند؛ زیرا هیچ کس حرف حق آنها را نمی پذیرد». (2)

در آن زمان، هم و غم مردم شکم و مسائل جنسی آنها میشود (و دیگر به مسائل روح خود اهمیت نمیدهند) و برایشان مهم نیست که آنچه می خورند حلال است یا حرام و لذت های جنسی آنها مشروع است یا نامشروع». (3)

و می بینی که زندگی مردم از کم فروشی و تقلب تأمین می شود». (4)

مردم اموال خود را در راه های گناه و نامشروع خرج می کنند؛ در حالی که نه کسی مانع او می شود و نه کسی به او اعتراض می کند؛ اما از خرج پولی کم و اندک در راه خدا باز داشته می شود». (5)

حال شما چگونه می شود هنگامی که دین بازیچه شود، هوس ها آشکار شود، کعبه آتش بگیرد، ساختمانها مرتفع باشد، و برادران دچار اختلاف شوند». (6)

کار به جایی می رسد که نوزادان چون دیده به جهان گشایند جز ستم نمی شناسند و جز به جرو و ستم به کاری مشغول نمی شوند». (7)

ص: 316

1- بحار الانوار، ج 52: ص 244.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 256.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 260.

4- الزام الناصب: ص 183.

5- بحار الانوار، ج 52: ص 256.

6- بشاره الاسلام، ص 180.

7- بحار الانوار، ج 51: ص 68.

البته امام صادق (علیه السلام) در ادامه ی حدیث این نوید را داده اند که پس از آن دوران، مردم کم کم به سوی عدالت و عدالت خواهی پیش رفته، عملاً خواهان ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شوند و پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) گویا در این حدیث خلاصه ی آنچه گفته شد را، که نشان از اوج مصیبت ها است، بیان کرده، فرموده اند: «برای مردم زمانی پیش آید که در اثر شدت بلا و سختی روزگار غیبت، به قبرستان رفته، کنار قبری نشسته، می گوید: ای کاش من به جای صاحب این قبر مرده بودم».(1)

هم چنین در احادیث دیگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و ائمه اطهار (علیه السلام) از ظهور دجال ها در آخرالزمان خبر دادند و به ما هشدار داده اند که مبادا گرفتار فتنه ی دجال های روزگار شویم.(2)

در روایات دیگری فرموده اند: «در آخرالزمان، زمامداران حکومتی پلید شوند، قاریان سازش کاری و چاپلوسی را پیشه کنند، دانشمندان به نفاق و دورویی رو آورند، امت من سخنان منجمان را تصدیق کنند و تقدیرات الهی را تکذیب کنند، و در آن زمان دروغ را نوعی زیرکی و مهارت می دانند، خیانت به امانت را برای خود غنیمت می پندارند، زکات را خسارت مالی و فحشا را مباح میدانند و عبادت را از روی تکبر و منت بر مردمان انجام میدهند».(3)

علاوه بر زمامداران معاونان و دست اندرکاران نیز ستمگر شوند، زاهدان تزویر کار، بازرگانان رباخوار، زن های آنها غرق در آرایش و نوجوانان آنها در بی عفتی غوطه ور شوند. علما را فقط با لباس نیکو

ص: 317

---

1- نهج الفصاحه: ص 520.

2- صحیح ترمذی: ص 42.

3- الزام الناصب: ص 181.

می شناسند و قرآن را فقط با صدای نیکو تشخیص می دهند و خدا را فقط در ماه رمضان می پرستند، پادشاهان ستمگر، ثروتمندان بخیل، دانشمندان جاه طلب، مستمندان و فقیران دروغ گو، پیرمردان گنه کار، کودکان بی شرم و ادب و زنها گستاخ میشوند»<sup>(1)</sup>.

## و. حکومت و حکام در آخرالزمان

1. امام باقر (علیه السلام) فرمود: «گویا مردمی را می بینیم که در شرق برای طلب کردن حق (خلافت) قیام کرده اند؛ ولی این حق را به آنها نمی دهند. باز آنها قیام می کنند؛ ولی به آن نمی رسند. وقتی که چنین دیدند شمشیرهای خود را حمایل می کنند و آنگاه آنچه را می خواهند به آنها می دهند؛ ولی آنها نمی پذیرند تا آن که کارشان سامان پیدا کند؛ اما باز این حق (دولت جهانی آل محمد) را به آنها نمی دهند جز به صاحب شما. مقتولین آنها از جمله شهیدان هستند. آگاه باشید. اگر من آن روز را درک می کردم خود را برای صاحب الامر ذخیره می کردم»

2. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «ظهور صاحب الامر تحقق نمی پذیرد تا این کههر صنفی از مردم به حکومت مرد برسند، تا نگویند اگر ما به حکومت می رسیدیم با عدالت رفتار می کردیم؛ سپس قائم قیام می کند و با حق و عدالت حکومت می کند».

3. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «زمانی که حق از میان می رود و اهل حق می روند و ظلم همه جا را فرا می گیرد».

4. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که پیروان باطل بر اهل حق برتری یافته، فساد در همه جا آشکار شود و کسی از آن

ص: 318

جلوگیری نمی کند و مرتکبین آن هم خود را معذور می دانند. زمانی که مدح این و آن زیاد شود».

5. امام صادق (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که والیان، کافران را به خود نزدیک و نیکوکاران را از خود دور می کنند! و زمانی که والیان در اجرای حکم رشوه می خواهند و می بینی که استانداری را به مزایده می گذارند، هنگامی که مقربان حکام کسانی هستند که به ما اهل بیت (علیه السلام) ناسزا می گویند، احکام الهی تعطیل شده؛ در موارد آن به میل خود عمل می کنند. زمانی که پادشاه مؤمن را برای کافر ذلیل می کند و ویرانی بیش از عمران و آبادی است و گذران مرد از راه کم فروشی تأمین می شود و ریختن خون مردم بی ارزش شمرده می شود و مرد ریاست را به خاطر رسیدن به دنیا طلب می کند و خود را به بدزبانی مشهور می سازد تا از وی بترسند و کارها را به او واگذارند و زمانی که هرج و مرج زیاد شود».

6. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «و هنگامی که فقیه به منظور دنیا و ریاست و غیر دین تحصیل می کند، زمانی که مردم دور کسی را که قدرت را در دست دارد گرفتند و کسی که طلب حلال می کند؛ در نظر مردم مذموم و سرزنش می شود و طالب حرام را مدح و احترام می کنند و هنگامی که زنان بر دولت، سلطنت و هر چیزی که میل به آن دارند غلبه یابند و مسلط شوند، و زمانی که پادشاه غلات را احتکار می کند تا به موقع با قیمت بیشتر بفروشد) و اموال اولاد پیغمبر (یعنی خمس و وجوهات) در راه دروغ، قمار و شرابخواری صرف می شود. زمانی که قضات بر خلاف دستور الهی حکم می کنند و حکام از راه طمع از خائنین پیروی می کنند و زمانی که حاکم با جرأت تمام ارث را به قیم ورثه یا از میان آنها به شخص فاسق و

بدعمل آنان می دهد و چون آن فساق ارثیه را بدین گونه از حکام به چنگ آورند، حکام آنها را به حال خود می گذارند که با آن مال هرچه می خواهند بکنند و زمانی که روی منبرها به مردم دستور تقوا و پارسایی میدهند؛ ولی خود گوینده به گفته ی خود عمل نمی کند».

7. امام علی (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که زنان و کنیزان بر امور مردم مسلط شوند و بچه ها به حکومت برسند».

8. پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «وقتی که دنیا هرج و مرج شود، آشوب ها ظاهر شود و راه ها بسته شود و مردم یکدیگر را غارت کنند. به گونه ای که نه بزرگ بر کوچک رحم کند و نه کوچک احترام بزرگ را نگه دارد».

9. امام علی (علیه السلام) فرمود: «هنگامی که بچه ها به سلطنت رسند و حقوق الهی را زیر پا گذارند».

10. در معراج، حکومت آخرالزمان این چنین به پیامبر (صلی الله علیه واله) وحی شد: «... و امرا کافر و سران آنها زناکار و دستیاران آنها ستمگر و صاحب نظران آنان فاسق باشند».

11. در نهج البلاغه است که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: «زمانی بر مردم خواهد آمد که مقرب نمی شود مگر کسی که نزد پادشاه و امرا از مردم با فضیلت سخن چینی کند، کسی که در کار لاابالی و بی باک باشد؛ زیرک خوانده می شود، شخص منصف را ناتوان می دانند، پادشاه با مشورت زنان بی بندوبار و حکمرانی کودکان و تدبیر خواجه سرایان، سلطنت خواهد کرد».<sup>(1)</sup>

ص: 320

## ز. خطبه امیرالمؤمنین (علیه السلام) و اوضاع آخرالزمان

امام علی (علیه السلام) در رابطه با زمان آمدن دجال چنین می فرماید: دجال در وقتی می آید که مردم نماز را بمیرانند، امانت را ضایع کنند، دروغ گفتن را حلال شمارند و ربا بخورند، رشوه بگیرند، ساختمان ها را محکم بسازند، و دین را به دنیا بفروشند، موقعی که سفیهان را به کار بگمارند، با زنان مشورت کنند، پیوند خویشان را پاره کردند، هواپرستی پیشه ساختند و خون یکدیگر را بی ارزش دانستند.

حلم و بردباری در میان آنها نشانه ی ضعف و ناتوانی باشد، ظلم و ستم باعث فخر شود. امرا فاجر، وزرا ظالم، سرکردگان دانا خائن و قاریان (قرآن) فاسق باشند. شهادت باطل آشکار باشد، اعمال زشت و گفتار بهتان آمیز و گناه و طغیان و تجاوز علنی شود، قرآنها زینت شود، مسجدها نقاشی و رنگ آمیزی و مناره ها بلند شود، اشرار مورد عنایت قرار گیرند و صف ها در هم بسته شود. خواهشها مختلف باشد و پیمان ها نقض شود، و وعده ای که داده شد نزدیک شود. زنها به واسطه ی میل شایانی که به امور دنیا دارند در امر تجارت با شوهران خود شرکت جویند. صداهای فاسقان بلند شود.

بزرگ قوم، رذل ترین آنها است، از شخص فاجر به ملاحظه ی شرش تقیه شود، دروغگو تصدیق و خائن امین شود، زنان نوازنده، آلات طرب و موسیقی به دست گرفته نوازندگی کنند، مردم پیشینیان خود را لعنت کنند، زنها بر زینها سوار شوند و زنان به مردان و مردان به زنان شباهت پیداکنند.

شاهد (در محکمه) بدون این که از وی درخواست شود شهادت دهد و دیگری به خاطر دوست خود بر خلاف حق گواهی دهد.



احکام دین را برای غیر دین بیاموزند، کار دنیا را به آخرت مقدم دارند، پوست میش را بر دل‌های گرگها بپوشند؛ در حالی که دل‌های آنها از مردار متعفن تر و از صبر تلخ تر است. در آن موقع شتاب و تعجیل کنید. بهترین جاها در آن روز بیت المقدس است. روزی خواهد آمد که هر کسی آرزو کند که از ساکنان آن جا باشد. (1)

### ج. جاهلیت دوم

در عصر امام زمان عه بدعت‌هایی را مردم وارد دین می‌کنند. زمانی که حضرتش دین اسلام را عنوان می‌کند، مردم در این اندیشه هستند که ایشان آیین جدیدی آورده‌اند. امام محمد باقر عه می‌فرماید: «گویا مشاهده می‌کنیم دین شما همچون پرنده ای است که می‌گریزد و در خون خود می‌تپد. کسی آن را به شما باز نمی‌گرداند، مگر مردی از خاندان اهل بیت» (2)

در این جا سؤال مطرح می‌شود که چگونه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد توانست اسلام را در میان ملت‌های غیر مسلمان گسترش دهد؛ با آن که آنان در زندگی مادی غوطه‌ور هستند و از ایمان و ارزش‌های معنوی به دورند و نسبت به اسلام و مسلمانان بدبین هستند؟ برای پاسخ به این سؤال باید به عوامل فراوان اعتقادی، سیاسی و اقتصادی توجه شود و از جمله این که ملت‌های جهان، زندگی مادی و فاقد دین را تجربه کرده، خلاء موجود آن و عدم پاسخ‌گویی آن را به وجدان انسان و انسانیت گویا با دست خود لمس کرده‌اند. از عوامل دیگر این که اسلام، دین فطری است و

ص: 322

---

1- مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علی دوانی: ص 962 تا 964.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 352.

اگر زمامداران طاغوتی بگذارند نور اسلام به واسطه ی علما و مؤمنان راستین به ملتها برسد؛ مجذوب نور آن شده، گروه گروه به اسلام می پیوندند.

دیگر، پیوند آمدن نشانه ها و معجزاتی است که توسط حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برای ملت جهان به وجود می آید و بارزترین آنها ندای آسمانی است. اگرچه تأثیر این معجزات بر حکام جور، زودگذر، ضعیف و یابی اثر است؛ اما بر علت های آنها به شکل های گوناگون مؤثر واقع می شود و شاید از مهم ترین عوامل تأثیر بر آنها پیروزی پی در پی امام (علیه السلام) باشد؛ زیرا ملت های غربی طبعاً نیروهای پیروزمند را دوست دارند و ستایش می کنند؛ اگرچه دشمن آنها باشند. عامل دوم فرود آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) و نشانه ها و معجزاتی که خداوند به دست باکفایت او برای ملت های غرب و مردم دنیا آشکار می سازد؛ اما وقتی غربی ها متوجه می شوند که حضرتش گرایش و تمایل خود را نسبت به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و اسلام ابراز می کند، دولت های غربی نسبت به آن حضرت دچار تردید و تشویش میشوند و موج حمایت همگانی از او کاهش می یابد؛ ولی باز هم هوادارانی از ملت های غربی برای او باقی می مانند که در آنها تحولاتی اعم از اعتقادی و سیاسی به وجود می آید.

عامل سوم، جنبه اقتصادی است که امکانات و وسایل رفاه به دست حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به سوی جهان اسلام به صورت بی وقفه تحول می پذیرد و بنا به روایات، مسلمانان در عصر او چنان از وفور نعمت برخوردار می شوند که در تاریخ جهان و ملتها بی سابقه است. در نتیجه طرز حکومت امام عصر (علیه السلام) به گونه ای است که از روش پیامبر (صلی الله علیه واله) الگو می گیرد؛ هر چند دایره ی حکومت اسلامی را به کل

زمین بسط می‌دهد. او در زمانی قیام می‌کند که جاهلیت دوم با قدرت تمام بر دنیا مسلط شده و ابرقدرت‌های شرق و غرب، اعیان این جاهلیت هستند.

او همانند جد بزرگوارش خرافاتی را که با تعلیمات پاک قرآن آمیخته شده‌است و گاه در میان مسلمین آن چنان رسوخ یافته که آن را سنت می‌پندارند، به عنوان بدعت برمی‌چیند. در این باره حدیثی از امام باقر (علیه السلام) آمده است که از حضرتش در رابطه با این که قیام حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به روش چه کسی است و چگونه در میان مردم عمل خواهد کرد، سؤال میشود و حضرت می‌فرماید: «به همان سیره ای که پیامبر (صلی الله علیه و آله) بود؛ آنچه را در عصر جاهلیت رواج داشت، ابطال کرد و با عدالت به استقبال مردم شتافت.

در ادامه به اختصار تفاوت‌هایی را که زمان امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با زمان مبعوث شدن پیامبر (صلی الله علیه و آله) دارد، بیان می‌کنیم. در این باره، امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «آزاری که قائم به هنگام رستاخیز خویش از جاهلان آخرالزمان می‌بیند؛ بسی سخت‌تر از آن همه آزاری است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) از مردم جاهلیت دید». پیامبر (صلی الله علیه و آله) زمانی که مبعوث شدند مردم در حال پرستش سنگ، صخره و تخته‌های تراشیده بودند؛ ولی در زمان قیام قائم، مردم همه از کتاب هدی برای او حجت و دلیل می‌آورند و آیه‌های قرآن را تأویل و توجیه می‌کنند.

مردم در زمان دعوت آن حضرت می‌گویند که او دین جدید آورده، لذا امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید: «هنگامی که مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، مردم را به امر تازه ای دعوت می‌کند؛ همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امر تازه دعوت می‌کرد».

در زمان بعثت پیامبر (صلی الله علیه و آله) مردم، جاهل و به دور از معنویت

بودند و پیامبر (صلی الله علیه واله) با تحمل رنجها و مشقتهای فراوان، دین اسلام را در میان آنها گسترش دادند؛ ولی در زمان ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مردم دارای دین و مکتب هستند، لذا امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با معرفی اسلام واقعی و اجرای کامل احکام آن، همان دین و اسلام ناب محمدی (صلی الله علیه واله) را به ارمغان خواهند آورد.

البته بار گسترش اسلام بسی سخت تر از زمان جاهلیت اول است. مردم آن زمان ادعای دین و آگاهی دارند و به آن عمل می کنند و برای هر عمل خویش آیه و روایتی را شاهد می آورند؛ پس معرفی اسلام و قرآن واقعی به آنها کاری به مراتب سخت تر است. لذا در عصر دولت کریمه ی آن حضرت، مردم با دین و سنت آشنا خواهند شد؛ همان دین و سنتی که پیامبر (صلی الله علیه واله) برای مردم به ارمغان آورده اند.

از بدعت هایی که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با آن به شدت مبارزه می کند، اسراف هایی است که در مساجد و معابر صورت می گیرد؛ لذا در این باره روایت هایی را نقل می کنیم

1. امام باقر (علیه السلام) در این باره می فرماید: «آن گاه که قائم قیام کند، وارد کوفه می شود و دستور میدهد تا مساجد چهارگانه را تخریب کنند و هر مسجدی در روی زمین دارای کنگره باشد، تخریب می شود و تمام مساجد همواره بی برج و بارو و گنبد و گلدسته خواهند شد. (1)

2. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «و آنچه را از کتاب و سنت متروک مانده، زنده خواهد کرد». در جای دیگر می فرماید: «خداوند به وسیله ی او بدعتها را نابود می سازد و گمراهی ها را از بین می برد

ص: 325

3. امام جعفر صادق (علیه السلام) در تفسیر آیهی «اعلموا أن الله یحیی الأرض بعد موتها» فرمود: «پس از مرگ زمین، به وسیله ی کافرشدن مردمان، خداوند آنها را به واسطه ی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده می کند».

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که حضرت فرمود: «آن گاه که حضرت قائم قیام کند، مسجد الحرام را خراب کند تا براساس و پایه های اصلی آن باز گرداند و مقام ابراهیم (علیه السلام) را به جای اول خود، که در آن بود، برمی گرداند و دست های قبیله ی بنی شیبه را، که کلیدهای کعبه نزد آنان است، ببرد و به کعبه بیاویزد و با آن دستها بنویسد: اینانند دزدان کعبه». (2)

خلاصه، زمانی که قائم آل محمد (صلی الله علیه واله) قیام کند، هر بدعتی را که از زمان ائمه قبل از او نبوده، از بین می برد و در این باره امام معصوم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «همان کاری را که رسول خدا (صلی الله علیه واله) انجام داده، مهدی را هم انجام میدهد. بدعت های موجود را خراب می کند، چنان که رسول خدا (صلی الله علیه واله) اساس جاهلیت را منهدم کرد. آن گاه اسلام را از نو، بازسازی می کند». (3)

در قرآن سوره احزاب آیه 33 به جاهلیت اشاره شده است؛ آن جا که میفرماید: «وَقَرْنَ فِی بُیُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِیَّةِ الْأُولَى...»؛ و در خانه های خود بمانید و مانند دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید...

جاهلیت اولی، همان جاهلیت مقارن عصر پیامبر (صلی الله علیه واله) بوده است

ص: 326

---

1- نهج البلاغه: خطبه 18 و اصول کافی، ج 1، ص 412.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 338.

3- 3. ویژگی های حکومت امام زمان رو، ص 52 - 57.

که یک سری آداب و رسوم جاهلی داشتند... زنان بدحجاب بودند و به هر حال این تعبیر قرآنی نشان می‌دهد که جاهلیت دیگری هم چون جاهلیت عرب در پیش است (جاهلیت زمان ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که ما امروز در عصر خود، آثار این پیشگویی قرآن در دنیای متمدن مادی را می‌بینیم.

در قرآن به جاهلیت در آیات 154 آل عمران، 50 مائده و 26 فتح نیز اشاره شده است.

در کتاب کافی از امیرمؤمنان علی (علیه السلام) نقل شده که فرمود: «حکم، دو گونه بیشتر نیست؛ یا حکم خداست، یا حکم جاهلیت و هر کس حکم خدا را رها کند، به حکم جاهلیت تن در داده است»<sup>(1)</sup>. از این حدیث به خوبی روشن است که جاهلیت ثانی یعنی زمانی که احکام خدا پایمال شود و به حکم خدا عمل نشود که به وضوح در عصر حاضر قابل رؤیت است. افراد با ایمانی که با داشتن احکام آسمانی به دنبال قوانین ساختگی ملل دیگری افتاده اند، در حقیقت در مسیر جاهلیت گام نهاده اند.

خلاصه، چه گوئیم از وضع مفاسدی که در تمدن مادی ماشینی منهای ایمان عصر ما وجود دارد که ناگفتش بهتر است و باید دانست که این جاهلیت ثانی زندگی کسانی است که از خدا فاصله می‌گیرند و با داشتن هزاران دانشگاه و مراکز علمی و دانشمندان معروف در منجلا ب فساد غوطه ور می‌شوند و گاهی همین مراکز و دانشمندانشان در اختیار همان فجایع و مفاسد قرار می‌گیرند.<sup>(2)</sup>

ص: 327

---

1- تفسیر نمونه، ج 4، ص 514.

2- تفسیر نمونه، ج 17: ص 329.

نشانه هایی که در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحقق خواهد یافت، پنج نشانه است که به آنها علائم حتمی می گویند؛ زیرا به طور یقین واقع شدنی است. این علائم پنج گانه حتمی در روایات و اخبار از زبان ائمه معصومین (علیه السلام) به ویژه امام علی (علیه السلام)، امام صادق (علیه السلام) و امام باقر (علیه السلام) مطرح شده است. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: قبل از ظهور قائم پنج نشانه است: 1. صیحه ی آسمانی؛ 2. خروج یمانی؛ 3. خسف در سرزمین بیداء؛ 4. خروج سفیانی؛ 5. قتل نفس زکیه. (1)

اینک به شرح موارد مذکور می پردازیم:

1. صیحه ی آسمانی: این ندا از علائم حتمی ظهور است و منظور از صیحه ی آسمانی، صدایی است که در آستانه ی ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آسمان شنیده می شود و همه ی مردم آن را می شنوند. این صدای عظیم، بیدار باشی است که همه را متوجه خود می کند و موجب وحشت عمومی، دلهره و اضطراب می شود، به آن صیحه، فزعه، صوت و ندا گویند که هر یک بیانگر ویژگی ای از آن حادثه هستند. این احتمال نیز وجود دارد که آنها سه حادثه جدای از هم باشند که در یک زمان رخ نمی دهند. اول صدایی عظیم که همه را متوجه خود می کند (صیحه)، به دنبال آن صدایی هولناک مردم را به وحشت می اندازد (فزعه) و آن گاه صدایی از آسمان شنیده می شود که مردم را به سوی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرا می خواند (ندا).

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «نداکننده ای از آسمان نام قائم را ندا

ص: 328

می کند؛ پس هر کس در شرق و غرب است، آن را می شنود. از وحشت این صدا، خوابیده ها بیدار، ایستادگان نشسته و نشستگان بر دو پای خویش می ایستند. صدای جبریل روح الامین است. این صدا در شب جمعه 23 ماه رمضان خواهد بود. (1)

صیحه از نشانه های حتمی ظهور است، این صدا از آسمان شنیده می شود به گونه ای که همه ی مردم زمین از شرق و غرب آن را میشنوند. محتوای این پیام آسمانی دعوت به حق و حمایت و بیعت با مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و جبریل مردم را به حق فرا می خواند. هم زمان با آن یا کمی پس از آن در روی زمین نیز صدایی شنیده می شود؛ ندا دهنده شیطان است که مردم را به گمراهی فرا می خواند. البته در برخی روایات آمده است که این ندا در کنار کعبه شنیده می شود. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «گویا می بینیم که حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روز شنبه، عاشورا، هنگام ظهر، بین رکن و مقام، در کنار کعبه ایستاده است و در پیش او جبریل صدا می زند؛ بیعت برای خدا است». (2)

2. خروج یمانی: خروج یمانی از نشانه های حتمی ظهور است. درباره ی انقلاب و قیام یمانی روایات بسیاری وارد شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «خروج این سه تن، خراسانی، سفیانی و یمانی، در یک سال و یک ماه و یک روز اتفاق می افتد و درفش یمانی از همه هدایت کننده تر است و او مردم را به حق دعوت می کند». (3) یمانی در پی نبرد سفیانی با وی وارد عراق می شود. نیروهای یمانی و ایرانی جهت رویارویی با سفیانی وارد عمل می شوند و درفش

ص: 329

1- غیبه نعمانی: 254.

2- غیبه طوسی: ص 453.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 210.



یمانی هدایت گری بیشتری نسبت به بقیه دارد؛ زیرا آنها مستقیم از رهنمودهای حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برخوردار می شوند. همچنین یمانی به دیدار حضرتش نایل می شود و کسب شناخت و رهنمود می کند. خود شخص یمانی مورد ستایش است چون همه را به سوی حق هدایت می کند. میان خروج یمانی و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیش از چهارده ماه فاصله نخواهد بود. (1)

3. خسف در سرزمین بیداء: از نشانه های آخرالزمان است و «خسف» به معنی فرو رفتن و پنهان شدن است و این فرو رفتن در زمین مثل زیر آوار ماندن به وسیله ی زلزله، سیل، طوفان، بمباران و یا موشک است. «بیداء» نام سرزمینی میان مکه و مدینه است. ظاهراً منظور از «خسف بیداء» آن است که سفیانی با لشکری عظیم به قصد جنگ با مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عازم مکه می شود، در میان مکه و مدینه، در محلی که به سرزمین بیداء معروف است به گونه ای معجزه آسا به امر خداوند در دل زمین فرو می روند. (2) این حادثه از نشانه های حتمی ظهور است. در حدیث است که نماز گزاردن در بیداء نهی شده، چون مورد غضب خدا واقع شده است و در حدیث دیگری است که بیداء همان «ذات الجیش» است که هر وقت امام صادق (علیه السلام) به آنجا می رسید، زود می گذشت و در آن نماز نمی خواند. حضرت علی (علیه السلام) می فرمایند: «مردی از خاندان من در سرزمین مکه قیام می کند؛ چون خبر ظهور وی به سفیانی می رسد، او سپاهی از لشکریان خود را برای جنگ به سوی او می فرستد؛ ولی آنها شکست می خورند. آن گاه خود سفیانی همراه با لشکری به جنگ

ص: 330

---

1- روزگار رهایی، ج 2، ص 1023.

2- غیبه نعمانی: ص 252.

وی می روند، چون به سرزمین بیداء می رسند، ناگهان در زمین فرو می روند و جز یکی، همگی هلاک می شوند». (1) گرچه حادثه «خسف» در منطقه «بیداء» و در مورد لشکر سفیانی است؛ اما در برخی روایات، غیر از خسف در بیداء، از خسف در مشرق و در مغرب نیز یاد شده است (2) و این نشان آن است که به امر خداوند در سایر نقاط جهان چنین حوادثی رخ می دهد تا دشمنان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بدین وسیله نابود شوند.

4. خروج سفیانی: از دیگر نشانه های قطعی ظهور خروج سفیانی است. سفیانی، عنصر بی بندوبار و آلوده و از نظر نسب، اموی نژاد است. در روایات سفیانی این گونه توصیف شده است: او مردی است به رنگ سرخو زرد با چشم کبود. در ظاهر ذکر خدا می گوید؛ ولی از پلیدترین و کثیف ترین مردم روزگار است و در پلیدی و خباثت چنان است که زن بچه دار خود را از ترس این که مبادا مردم را به مخفی گاه او راهنمایی کند، زنده به گور می کند. (3) در روایتی حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «پسر هند جگرخوار (سفیانی) از بیابان بیرون می آید. او مردی متوسط القامه، قیافه اش وحشتناک، سرش ضخیم و رویش آبله دارد. اگر او را ببینی خیال می کنی یک چشم دارد. او از اولاد ابوسفیان است. وی خروج می کند و به کوفه یا نجف می آید و بر منبر آن می نشیند، گروه کثیری را فریب می دهد و آنان را با خود همدست می کند. وی مناطق شام، دمشق، فلسطین و اردن را مورد تصرف قرار می دهد و یهودیان و تبه کاران و حق ستیزان از او پیروی

ص: 331

1- تاریخ غیبت کبری: ص 521.

2- وافی، ج 2، ص 443.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 206.

می کنند و همه ی این تحولات ظرف شش ماه صورت می پذیرد. وی گروه بسیاری از شیعیان را به قتل می رساند. سپس از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، اطلاع پیدا می کند و لشکری انبوه به سوی او می فرستد؛ اما به خود امام دست نمی یابد و سرانجام در بیابانی بین مکه و مدینه در زمین فرو می رود. البته اصل خروج سفیانی، صرف نظر از ویژگی ها و قضایای جزئی، امری مسلم است؛ ولی این که سفیانی کیست و چه ویژگی هایی دارد و چگونه شورش می کند، چندان روشن نیست. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید: «ظهور قائم (علیه السلام) از ناحیه ی خداوند، قطعی و خروج سفیانی نیز قطعی است. در برابر هر قیام کننده و مصلحی، یک سفیانی وجود دارد».<sup>(1)</sup>

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «ما و خاندان ابوسفیان، دو خاندانی هستیم که بر سر دین خدا با هم دشمنی داریم. ما سخن خداوند را تصدیق کردیم و آنان تکذیب کردند. ابوسفیان با پیامبر (صلی الله علیه واله) مبارزه کرد و معاویه با علی (علیه السلام) و یزید با حسین بن علی (علیه السلام) به مخالفت برخاستند و سفیانی با قائم آل محمد (صلی الله علیه واله) خواهد جنگید».<sup>(2)</sup> بر اساس این روایات، سفیانی جریان باطل در تاریخ بشر است و در این دو خانواده رودرویی حق و باطل صورت می گیرد و آنها نمونهی بارزی از جریان حق و باطل هستند. سفیانی آخرین مهره از خاندان ابوسفیان است که در آستانه ی ظهور قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج می کند و هم زمان با خروج سفیانی از منطقه ی شام، یمانی و خراسانی به طرفداری از حق در ناحیه ی خراسان و یمن قیام می کنند. ابوسفیان به عنوان سرمدار شرک و بت پرستی، هر نوع حرکت و جنبشی را که

ص: 332

---

1- بحار الانوار، ج 54: ص 182.

2- بحار الانوار، ج 54: ص 182.

دم از عدالت و آزادی می زد، دشمن خود می دانست و با تمام قدرت در برابر آن به مقاومت برمی خاست؛ سفیانی نیز با همین ویژگی در برابر انقلاب بزرگ جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خروج می کند و سرانجام در سرزمین بیداء در زمین فرو می رود.

5. قتل نفس زکیه: نفس زکیه یعنی فردی بیگناه و پاک، کسی که قتلی انجام نداده است و جرمی ندارد. در آستانه ی ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فردی پاک باخته، که مخلصانه در راه امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می کوشد، مظلومانه به قتل می رسد. فرد یاد شده از اولاد امام حسن (علیه السلام) مجتبی (علیه السلام) است که گاهی از او به عنوان سید حسنی یاد شده است. قتل نفس زکیه یکی از نشانه های حتمی ظهور است و در روایات تأکید شده که نفس زکیه میان رکن و مقام کشته می شود. (1)

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «میان ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و کشته شدن نفس زکیه، بیش از پانزده شبانه روز فاصله نیست». (2) در روایات از نفس زکیه به «غلام» تعبیر شده است و امکان دارد بدان جهت باشد که او به هنگام شهادت جوان خواهد بود و بدان جهت «نفس زکیه» نامیده شده که بدون هیچ جرم و گناهی، تنها به خاطر رسانیدن پیام شفاهی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مردم مکه، به دست اشرار کشته می شود. ابوبصیر از امام صادق (علیه السلام) روایت می کند که فرمود: «حضرت قائم (علیه السلام) هنگامی که آماده قیام باشد به یارانش می گوید؛ مردم مکه مرا نمی خواهند؛ ولی من با فرستادن نماینده ی خویش حجت را بر آنان تمام می کنم. آن گاه به یکی از یارانش می فرماید: به مکه برو و به مردم آنجا بگو من فرستاده ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستم و ما

ص: 333

---

1- منتخب الاثر: ص 452.

2- ارشاد شیخ مفید ج 2 ص 374.

خاندان رحمت و معدن رسالت و صاحب مقام خلافت هستیم و ما ذریه محمد (صلی الله علیه واله) و از سلاله ی پیامبرانیم. به ما ظلم و ستم فراوان شده است و از روز درگذشت پیامبر (صلی الله علیه واله) تاکنون حق ما را غصب کرده اند. اکنون از شما یاری می خواهیم، پس ما را یاری کنید. نفس زکیه، به دستور امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مکه می رود و پیام حضرت را ابلاغ می کند. مردم مکه او را دستگیر می کنند و مابین رکن و مقام سرش را می برند و او «نفس زکیه» است؛ هنگامی که این خبر به حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می رسد، با یارانش وارد قیام می شود». (1)

### **ویژگی های قیام و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وارث همه ی انبیا است که طبق فرمان خدامأمور تشکیل حکومت می شود. در اسلام و به ویژه تشیع تشکیل حکومت واحد جهانی براساس قسط و عدل تحت رهبری امام معصوم جایگاه خاص دارد که این مسأله «مهدویت» نام دارد. در قرآن کریم سوره ی قصص آیه ی 5 «و نُرِیدُ انْ نَمُنْ عَلَی الذِّینَ...» بیانگر یک قانون کلی و بشارت پیروزی حق بر باطل است. این آیه بشارت ظهور چنین حکومتی را می دهد و ائمه اهل بیت (علیه السلام) در تفسیر آیه اشاره به این ظهور بزرگ کرده اند که حکومت حق و عدالت از آن ائمه است. در روایات زیادی به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اشاره شده است. در کتب تفسیر چنین آمده است: «ان الارض یرثها عبادی الصالحون قال القائم و اصحابه»؛ زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند. آنها مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران او هستند.

این نشان میدهد که حکومت صالحان روی زمین، قانون

ص: 334

آفرینش است. حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در یک حکومت جهانی است که قدرت و سلطه ی او از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت و جهان تحت یک مدیریت واحد قرار می گیرد. هدف این حکومت متحد کردن امتهای و برداشتن دیوار امتیازها است و دین در سرتاسر جهان فقط اسلام می شود. به گونه ای که هیچ ده یا قریه ای باقی نمی ماند، مگر این که صدای اذان از آن جا به گوش می رسد و اهل ادیان همگی به اسلام روی می آورند و مردم با رغبت و علاقه دین اسلام را اختیار می کنند.

از مهم ترین اقدامات حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و ارتقای دانش و بینش مردم در راستای تعمیم عدالت است تا آرمانی ترین حکومت انسانی را تشکیل دهد. او عدالت را در سرتاسر جهان گسترش می دهد، به نحوی که به کسی ظلم نشود. همانگونه که پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که از

ظلم و جور پر شده است. او رهبری ایده آل برای حکومت خود است و برای آن حکومت نیز از افراد زبده و شایسته استفاده می کند تا مجریان عدالت در همه ی مناطق باشند. در این صورت امنیت و صلح سرتاسر جهان را در بر می گیرد و جمعیت گمراهان پراکنده و حق جویان کنار یکدیگر جمع می شوند. در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وضع معیشتی مردم بسیار خوب می شود؛ به گونه ای که فقیری نمی ماند تا از بیت المال کمک دریافت کند یا صدقه ای به او داده شود.

علم و عقل بشر رشد می یابد؛ به نحوی که علم در زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به تکامل می رسد و همه ی 27 حرف علم مشخص می گردد. حضرت، عقل بشر را نیز تکامل می بخشد به نحوی که در

روایتی آمده: حضرت بر سر مردم دست می کشد و تفکرشان کامل می شود. در بسیاری از امور در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) احیای صورت می گیرد، حتی در امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی نیز احیای انجام میشود. مردم نیز از چنین دولتی رضایت خواهند داشت. چنین حکومت بزرگی با جنگ و جهاد تشکیل می شود و مانند حکومت اسلام در بدو تشکیل، مردم نیز در آن جایگاه ویژه ای دارند؛ به نحوی که در آن رستگاری می یابند و راه رهایی را با ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهند یافت.

مهدی موعود (علیه السلام) حقیقت ناب و بی نظیری است که اراده ی الهی او را ذخیره کرده تا در واپسین سال های عمر دنیا، جامعه ی نمونه ی انسانی مورد رضای خدا را برقرار سازد و عدالت را به معنای واقعی کلمه به اجرا درآورد و فساد و تباهی را ریشه کن کند.

او وارث انبیای الهی و ادامه دهنده ی خط توحیدی است که مردان خدا آن را به بشر نشان دادند و مردم را به سوی آن فرا خواندند. او «بقیه الله» است: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (هود/86)

نام و یاد مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (مصلح کل) همواره آرام بخش جان های فرسوده و دل های سوخته بوده است.

خون های به ناحق ریخته شده ی شهیدان، قطره های اشک یتیمان، آه و ناله ی جانسوز عزیز از دست دادگان، همه و همه آمدنش را فریاد می کشند و گویی هر چه زمان می گذرد، نوای آرام بخش قدومش گوشمان را بیشتر نوازش میدهد.

شیعه با عشق مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نفس می کشد و با نام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انس می گیرد و آرمان والای او تشکیل دولت حق مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

«وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ»؛ اراده و مشیت ما بر این قرار گرفته است که بر مستضعفین در زمین منت نهیم و آنها را مشمول مواهب خود کنیم و آنان را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم و آنها را نیرومند، قوی و صاحب قدرت کنیم و حکومتشان را مستقر و پابرجا سازیم. (قصص / 5)

این آیه بیانگر یک قانون کلی برای همه ی اعصار و قرون و همه ی اقوام و جمعیتها است.

این بشارتی در زمینه ی پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر است و نویدی برای همه ی انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور است.

نمونه ی تحقق این مشیت الهی حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان است. نمونه ی کامل تر آن حکومت پیامبر است و

نمونه ی گسترده تر آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کردی زمین به وسیله ی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

در حدیثی از امام علی (علیه السلام) می خوانیم که در تفسیر آیه ی مذکور

فرمود:

«هم آل محمد (صلی الله علیه واله) یبعث الله مهديه بعد جهدهم فیعزهم و یذل عدوهم»؛

این گروه آل محمد (صلی الله علیه واله) هستند. خداوند مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آنها را بعد از زحمت و فشاری که بر آنان وارد می شود برمی انگیزد و به آنها عزت میدهد و دشمنانشان را ذلیل و خوار می کند».

در «مجمع البیان» در ذیل همین آیه در حدیثی از امام سجاد (علیه السلام) آمده است که سرانجام ما (ائمه) پیروز میشویم و آنها

ص: 337



نابود می شوند، حکومت حق و عدالت از آن ما خواهد بود.

در بعضی روایات آشکارا از آیه «و لقد كتبنا في زبور من بعد الذكر ان الارض يرثها عبادي الصالحون»، تفسیر به یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شده است. چنان که در «مجمع البیان» ذیل همین آیه از امام باقر (علیه السلام) چنین می خوانیم:

«هم اصحاب المهدی فی آخرالزمان»؛ بندگان صالحی را که خداوند در این آیه به عنوان وارثان زمین یاد می کند، یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان هستند.

در تفسیر قمی نیز ذیل این آیه چنین آمده است: «ان الارض يرثها عبادي الصالحون قال القائم و اصحابه»؛ منظور از این که زمین را بندگان صالح خدا به ارث می برند، مهدی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یاران او هستند. بنابراین در هر زمان و در هر جا که بندگان صالح خدا قیام کنند، پیروز و موفق می شوند و سرانجام وارث زمین و حکومت آن خواهند بود همانگونه که قبلا هم بیان شد در کتب شیعه و سنی روایات زیادی در سر حد تواتر وارد شده است که نشان می دهد سرانجام حکومت به دست صالحان می افتد.

## بشارت حکومت صالحان در مزامیر داوود

### اشاره

در کتاب «مزامیر داوود» که امروز جزو کتب عهد قدیم است، عین تعبیری که در آیات مذکور خواندیم یا مشابه آن دیده میشود. هر چند که این کتاب تحریف شده؛ اما این قسمت همچنان از دستبرد مصون مانده است.

در «مزمور 37 جمله ی 9» می خوانیم:

«زیرا که شیران منقطع می شوند و اما متوکلان به خدا وارث

ص: 338

زمین خواهند شد در همین مزمور جملات 18 و 29 آمده است: صدیقان وارث زمین شده، ابدأ در آن ساکن خواهند بود و خداوند روزهای صالحان را می داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد.

بنابراین حکومت صالحان در روی زمین یک قانون آفرینش است. خداوند جهان هستی را با مجموعه ای از نظام ها آفریده است که دلیل بر یکپارچگی و به هم پیوستگی این نظام دارد. نظم، قانون و حساب در پهنه ی آفرینش از اساسی ترین مسائل این عالم محسوب می شود. جامعه ی انسانی نیز نیازمند قانونمندی و نظم است؛ هیچ جامعه ای بدون نظم به هدف نمی رسد.

حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را در زمان تشکیل خود دارای ویژگی هایی است.

### **ویژگی اول: 1. تشکیل حکومت فراگیر جهانی**

این حکومت، حکومتی است جهانی. حکومتی نیست که در گوشه ای از زمین برقرار شود؛ بلکه همه ی جهان را مسخر می کند و همه را تحت اختیار خودش قرار میدهد.

آیه ی «.. ان الارض یرثها عبادی الصالحون» و آیات دیگر دلالت می کنند که یک زمان صالحان، حاکم زمین می شوند. یکی از خصوصیات این حکومت که با حکومت های دیگر بسیار تفاوت دارد، حکومت واحد جهانی بودن است. الان حکومت های مختلفی در جهان وجود دارد، همه ی این اختلافات باید از بین برود و یک حکومت حاکم شود؛ این عقیده ی ما شیعیان است.

حکومت و دولت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراگیر و جهانی خواهد بود

قدرت و سلطه ی او از شرق تا غرب دنیا را فرا خواهد گرفت. چنان که محدث نوری می نویسد: «از صفات و ویژگی های مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فراگرفتن سلطنت آن حضرت تمام روی زمین را از شرق تا غرب، بر و بحر، معموره و خراب و کوه و دشت است. نماند جایی که حکمش جاری و امری نافذ نشود و اخبار در این معنا متواتر است».

مهم ترین ویژگی حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گرفتن جهان تحت مدیریتی واحد و کارآمد است؛ به گونه ای که همه ی خودرأییها، مقام پرستیها و خود محوری ها از بین خواهد رفت و همه بر اطاعت از یک حاکم مقتدر جهانی اتفاق خواهند داشت. در این زمینه حدیثی از پیامبر است که می فرماید: «و یبلغ سلطانه المشرق و المغرب» و سلطنت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه ی شرق و غرب را در بر می گیرد.

و لا یكون ملك الا لاسلام»؛ در آن روز حکومت جز حکومت اسلامی نخواهد بود. این حکومت در حقیقت پاسخی به نگرانی بشر از آینده ی خود است. شیعیان آینده ی روشنی را برای زندگی انسان پیش بینی می کنند و امید به زندگی در قالب «انتظار فرج» به زندگی شیعیان معنا و گرمی می بخشد. یک شیعه هیچ گاه از آینده ی خود نگران نیست. چنان که اکثر متدینان به ادیان نیز نگران نیستند و آینده ی بشر را تحت لوای مصلح کل روشن می بینند. امام علی (علیه السلام) در این زمینه می فرماید: «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرق و غرب جهان را تحت سیطره ی خود در آورد. شر از جهان رخت بر بندد و تنها خیر باقی بماند».

امام سجاد (علیه السلام) نیز می فرماید: «وقتی که قائم قیام می کند، خداوند آفت را از شیعیان دور می کند و قلب آنان را همچون قطعات

آهن محکم و نیروی هر مرد را به اندازه‌ی چهل مرد می‌سازد. آنان حکومت و ریاست تمامی جهان را به دست خواهند گرفت».

هدف حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) متحد کردن امت‌ها و برداشتن دیوار امتیازها و برقرار کردن کلمه‌ی واحد توحید، ایمان و عقیده است. همه‌ی اختلافات دینی باید کنار گذاشته شود و همه باید تسلیم امر خدا شوند «قل تعالوا الی کلمه... سواء بیننا و بینکم».

با توجه به مسأله‌ی جهانی شدن که امروز مطرح می‌شود و همگان سعی در اتحاد دارند، اسلام در هزار و چهارصد سال قبل با تأکید فراوان و قاطعیت آن را خبر داده که دین حاکم در آن حکومت جهانی، اسلام و پیروزی از آن مستضعفان و صالحان و وقوع غلبه‌ی ایمان بر کفر است و حاکم آن شخصی از تبار ابراهیم و نیرهی «محمد (صلی الله علیه و آله)» و فرزند زهرا و علی (علیه السلام) است. نام او «محمد» و کنیه‌ی او «ابوالقاسم» و لقب او «قائم» است.

در سوره انبیا آیه 105 خداوند می‌فرماید: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»؛ در زبور داوود نوشته ایم که صالحان از بندگان من، وارث زمین خواهند شد.

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که فرمودند: «و هم اصحاب المهدی فی الاخر الزمان؛ آنان همان یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان هستند».

در سوره‌ی نور آیه 55 نیز آمده است: «و عدلله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکنن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذلنهم من بعد خوفهم آمنًا...» در این آیه‌ی شریفه سه وعده‌ی صریح به مؤمنان و ارسته و دارای عمل صالح داده شده است:.

1. استخلاف در زمین؛ یعنی حکومت در کل کره ی زمین به عنوان نمایندگی خدا که حکومت حق و عدالت است.

2. تمکین؛ یعنی نفوذپذیری معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنهی زمین.

3. تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه زمین.

امام باقر (علیه السلام) نیز می فرماید: «ان ذلک یكون عند خروج المهدي من آل محمد فلا یبقی احد الا اقر لمحمد»؛ مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آل محمد خواهد بود آن چنان که هیچ کس در جهان باقی نمی ماند مگر آن که اقرار به رسالت محمد خواهد کرد.

از این آیات و روایات به دست می آید که:

1. سرانجام صالحانند که وارث کل زمین هستند.

2. افراد شایسته جانشین پیشینیان در کل زمین هستند و قدرت شان در همه جای عالم ظاهر می شود.

3. دین اسلام غالب بر همه ی ادیان در جای جای کره ی زمین خواهد شد.

4. همه ی اینها در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع خواهد شد. در حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، خردها کمال می یابد، بدنها سالم و زیبا می شود، قدرتها و نیروها افزایش می یابد، عدل و داد همه گیر می شود و احکام خدا در همه جای جهان به اجرا در می آید.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «آن گاه که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، حکمش به عدل باشد، ستم در روزگار او رخت بر بندد، راهها ایمنی یابد، زمین برکات خویش را ظاهر سازد و حق هر صاحب حقی به صاحبش بازگردانده شود و اهل ادیان همگی به اسلام روی آورند و به ایمان

1. حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت های برجسته ی دینی که معصوم از خطا و اشتباه هستند، ایجاد می شود و قانون خدا در آن جامعه حاکم است.
2. محور تمام امور در این جامعه خدا و احکام خدا است و تعالیم اسلامی برای اداره ی جهان و جامعه ی جهانی کافی است.
3. در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دین اسلام تنها دین حاکم بر جهان است و سیاست و حکومت در خدمت دین و اهداف متعالی دیناست.
4. در این حکومت محور زندگی مردم قرآن است.
5. حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بر محور توسعه ی اخلاقی، اجتماعی و امنیتی و علمی استوار است.
6. حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومتی براساس آمیزه های حیاتی و دینی است که مشروعیت خود را از خدا گرفته و حکومت ولایی است.
7. حکومت واحد جهانی بر مبنای حاکمیت عقل است که به خاطر توسعه ای که در دانش و عقل بشر پیدا می شود، تمام ظرفیت های اقتصادی طبیعت کشف می شود و سرمایه در حد وفور در اختیار است.
8. خواسته های بشر در این دوران الهی می شوند و خواسته های نفسانی را تحت الشعاع هدایت الهی قرار میدهند.
9. در عصر حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اجتماع گمراهان پراکنده می شود و حق جویان گرد هم جمع می شوند.
- 10، ستمگران، طاغوتیان و کارگزاران کیفر می بینند و نیکان

پاداش می گیرند و تشویق می شوند.

11. حکومت واحد جهانی براساس عدل و قسط اداره می شود و

جایی از کره ی زمین نیست که در آن عدل گسترده نشود. رسول خدا (صلی الله علیه واله) فرمود: «یخرج رجل من أهل بیتی یواطیء اسمہ اسمی و خلقه خلقی فیما لها عده و قسطا کما ملئت ظلما و جورا»؛ مردی از اهل بیت (علیه السلام) من خروج می کند که اسم او اسم من، خلق او خلق من است زمین را از عدل و قسط پر می کند همان گونه که از ظلم و جور پر شده است.

### **ویژگی دوم: دین و آیین واحد جهانی**

«و لا یكون ملک الا للاسلام: در آن روز حکومتی جز حکومت اسلامی نخواهد بود». سیرت دینی مهدی چنین است: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در برابر خداوند و جلال خداوند فروتن است، بسیار فروتن همچون عقاب به هنگامی که بال خویش فروگشاید و سر به زیر انداخته از اوج آسمان فرود آید. مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عادل و پاکیزه است، او ذره ای از حق را فرو نگذارد. خداوند دین اسلام را به دست او عزیز کند. در حکومت او به احدی بدی نرسد، مگر آنجا که حد خدایی جاری شود.

ویژگی دوم حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گسترش اسلام در همه ی جهان است به گونه ای که هیچ قریه یا جایی نیست که صدای اذان در آنجا به گوش نرسد.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می فرماید:

«اذا قام القائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف): حکم بالعدل و ارتفع فی ایامه الجور و امنت السبل

ص: 344

و اخرجت الأرض برکاتها و رد کل حق الی اهله و لم یبق اهل دین حتی یظهروا الاسلام و یعترفوا بالایمان؛ آن گاه که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند، حکمش به عدل باشد، ستم در روزگار او رخت بر بندد، راهها ایمنی یابد، زمین برکات خویش را ظاهر سازد، هر حقی به صاحبش برگردانده شود و اهل ادیان همگی به اسلام روی آورند و به ایمان اقرار کنند».

در حکومت جهانی واحد، دین برتر و آیین پذیرفته شده مردم اسلام خواهد بود و این نشان میدهد که برنامه ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جهان شمول و فراگیر است و مردم با رغبت و علاقه دین اسلام را اختیار خواهند کرد و نجات و سعادت خود را در پیروی از آن خواهند دانست. در نتیجه فضایل اخلاقی و مکارم انسانی در جوامع حاکم شده و فساد و الحاد و بی دینی از بین خواهد رفت.

1. رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) می فرماید: «تا هر کجا که تاریکی شب وارد شود، این آیین مقدس نفوذ خواهد کرد».

2. امام حسن مجتبی (علیه السلام) درباره ی از بین رفتن کفر و بی دینی از جهان و پذیرش آیین واحد از سوی مردمان می فرماید: «خداوند در آخرالزمان و دوران شدت روزگار و عصر جهل مردم، مردی را برانگیزد و او را با فرشتگان خود، یاری می دهد و او را بر تمام زمین چیره فرماید تا این که مردم از روی میل و یا اکراه، دین را بپذیرند. او زمین را از عدل و داد و نور و برهان پر کند. شرق و غرب زمین از آیین او پیروی کنند تا آن که کافری نماند مگر ایمان آورد و گناهکار و فاسدی نماند، مگر این که نیکوکار شود. در حکومت او درندگان با هم صلح می کنند».

3. امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «هیچ آبادی نخواهد ماند مگر آن



که در آن جا هر صبح و شام به یکتایی خدا شهادت داده خواهد شد».

4. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هیچ یهودی، مسیحی و هیچ پرستش کننده ی غیر خدا باقی نمی ماند مگر این که به او ایمان می آورد و او را تصدیق می کند».

### ویژگی سوم: عدالت فراگیر جهانی

اساس آفرینش بر عدل استوار است و روابط آفریدگان با یکدیگر و با خدا نیز باید بر محور عدل بچرخد؛ نه به چیزی و کسی ستم شود و نه کسی ستم کند. برای برآوردن این مهم، انسان ها باید نخست در حوزه ی اندیشه به عدالت دست یابند و فکر و عقیده ی خویش را اعتدال بخشند تا بتوانند در میدان اخلاق و عمل، عدالت ورزند. یکی از مهمترین اقدامات حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ارتقای دانش و بینش مردم در راستای تعمیم عدالت است. ایشان خود در بالاترین سطح علم و عدالت قرار دارند و همین ویژگی به او کمک می کند تا آرمانی ترین نوع حکومت انسانی را تشکیل و اداره کند.

برای رسیدن به چنین مقصودی دست کم سه مؤلفه نیازمند

است:

1. رهبر ایده آل

2. کابینه و کارگزاران شایسته

3. دانش و اقبال عمومی

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عدالت را در سراسر جهان گسترش می دهد و اجرا می کند. همه جا به عدالت رفتار می شود و گسترش پیدا

ص: 346

می کند. کسی به کسی ظلم نمی کند، همه به عدالت رفتار می کنند، در اکثر روایاتی که درباره ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وجود دارد این مسأله هست که «یملأها قسطا وعدلا کما ملئت ظلما وجورا» این از برنامه های اصلی حضرت است.

بشر در طول تاریخ به عدالت نیاز داشته است. این نیاز دائمی انسان تنها در حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برآورده خواهد شد و عدالت تنها با آمدن منجی موعود تحقق خواهد یافت. عدل و قسط و مساوات نماد اصلی حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را خواهد بود.

روایات بسیاری در رابطه با گسترش عدالت در زمین در زمان ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ائمه معصومین رسیده است که به چند مورد آن اشاره می شود:

1. پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «زمین را از عدل و داد لبریز می کند؛ پس از آن که از ستم لبریز شده است».

2. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «به خدا سوگند عدالت او در خانه هایشان وارد شود همچنان که گرما و سرما وارد می شود. چون مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام می کند، مال را به طور مساوی تقسیم کند و عدالت را در میان رعیت به اجرا در می آورد. هر کس از او اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است».

3. امام رضا (علیه السلام) می فرماید: «هرگاه قائم اهل بیت (علیه السلام) خروج کند زمین به نور پروردگارش روشن می شود و ترازوی عدالت میان مردم برقرار می شود؛ پس کسی به کسی ستم نخواهد کرد بسیار واضح است در جامعه ای که احکام و مقررات اسلامی پیاده شود و جامعه براساس معارف اسلامی اداره شود، به قسط و عدل واقعی نزدیک تر می شود و در نتیجه با حکومت سراسر عدل حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

اصل پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز ولایت فقیه را به عنوان رهبر جمهوری اسلامی به نیابت از حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشروع میداند تا جامعه براساس مکتب اهل بیت (علیه السلام) اداره شود و باید همه ی توان خود را به کار گیرد تا ملک و حکومت را به جامعه ی ایده آل حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نزدیک تر سازد.

### ویژگی چهارم: رهبری ایده آل

بدون هیچ تردیدی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نظر توان فکری و عملی و ویژگی های روحی و اخلاقی و سطح دانش و بینش یک انسان کامل الهی است که کم ترین نقص و بدی به ساحت مقدسش راه ندارد و از همه ی کمالات انسانی در عالی ترین حد آن برخوردار است پس:

- چون عالم و آگاه است، همه ی کارها را با تخصص و دقت انجام میدهد و ندانم کاری و اهمال در برنامه هایش راه ندارد.
- چون عادل است، هر چیزی را در جای خود قرار میدهد، همه ی قوانین و مقررات مملکتی را براساس عدالت تهیه و اجرا می کند. نیروهایش را براساس شایستگی انتخاب می کند و هیچ گاه اجازه نمی دهد کسی کم ترین ستمی به شخصی وارد کند.
- چون معصوم است، هرگز در کارهایش اشتباه نمی کند و به تمام اهداف از پیش تعیین شده نایل می شود.
- چون خلیفه ی خدا است، آنچه انجام میدهد خواست خدا، خود و فطرت پاک انسان ها است.

- چون جوان و پرتحرک است، همه ی برنامه هایش را سریع و بدون وقفه به پیش می برد. او خیرخواه مردم بوده، هیچ نعمت و رحمتی را از مردم دریغ نمی دارد.

امام رضا فرمودند: «مهدی (عج) بهترین داور و داناترین و با تقواترین، شجاع ترین و عابد ترین مردم است».

امام صادق (علیه السلام) در وصف او فرمود: «مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بخشنده ای است که ثروت را به وفور می بخشد، بر کارگزارانش سخت می گیرد؛ ولی نسبت به بینوایان مهربان است».

### **ویژگی پنجم : مدیران شایسته**

هر حکومتی برای تشکیل نیاز به افرادی دارد؛ اما این افراد باید چگونه افرادی باشند؟ حکومت مطلوب از نظر مردم و حاکم آن، حکومتی است که سردمداران آن از بینش آگاهانه، عدالت، تقوی و شایستگی برخوردار باشند.

حکومت های مختلف و متفاوتی در سطح جهان وجود دارد که بعضی از آنها مشروعیت را برای خود جعل کرده اند؛ در حالی که از نظر اسلام فاقد مشروعیت هستند. چنین جوامعی که حکومتشان براساس معیارهای اساسی نیست به شکست می انجامند. رهبران و مدیران شایسته هر حکومت نابسامان را به سامان می کنند و به اهدافی که مد نظر دارند می رسانند.

در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یاران وی از ایمان بالایی برخوردارند و افرادی زبده و استثنایی هستند. رسول اکرم (صلی الله علیه واله) که در روایتی فرمود: «وزرای مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خالص ترین و

بهترین وزرا هستند».

همچنین امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یارانش را به همه ی مناطق می فرستد و به آنان دستور می دهد که عدل و احسان پیشه کنند. آنان را فرمانروایان کشورها قرار میدهد و دستور میدهد که همه ی شهرها را آباد کنند».

### ویژگی ششم : امنیت و صلح جهانی

امنیت و آسایش از جمله مسائلی است که در زندگی انسان ها تأثیر به سزایی دارد. حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومتی است که در آن امنیت و صلح وجود دارد؛ امنیتی که سرتاسر جهان را فرا می گیرد؛ در حالی که در عصر جهانی شدن، جنایتکاران لقب مصلح به خود می دهند و مرتکب بدترین کشتارها می شوند.

در عصر حکومت واحد جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جمعیت های گمراه و ستمگر را پراکنده می کند و حق جویان پراکنده را به دور هم می آورد. در حکومتی که با چنین ویژگی هایی تشکیل می شود، جای هیچ نگرانی نیست؛ زیرا امنیت و صلح به سرتاسر جهان حکم فرما می شود.

در آن عصر، خوف ها زایل می شود و جان، مال و آبروی اشخاص در امان قرار می گیرد. اختناق، استبداد، استکبار و استضعاف که همه از آثار حکومت غیرالهی است، از جهان ریشه کن میشود و حکومت های طاغوتیان به هر شکل و هر عنوان برچیده می شود. از روایاتی که در این زمینه وجود دارد استفاده میشود که:

1. به واسطه ی حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و راهها آن قدر امن میشود

که شخصی، حتی ضعیف ترین مردم، از مشرق به مغرب سفر می کند؛ اما از احدی به او آزار و اذیت نمی رسد.

2. در رابطه با رفع خصومت ها از جهان حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «اگر قائم ما قیام کند، آسمان باران خود را فرو می ریزد و زمین نباتات خود را بیرون افکند و کینه ها و ناراحتی از دل بندگان خدا زایل می شود. چهارپایان رام می شوند تا آن جا که زنی از عراق تا شام مسیر را می پیماید؛ در حالی که هیچ درندهای او را نمی آزند».

امنیت یکی از آرمان های مردم جهان است که دسترسی به آن با وجود حکمرانان مستبد ناممکن شده است. کسانی که به دلیل ایجاد امنیت هزاران مسلمان را در سراسر جهان به خاک و خون می کشند و مدعی ایجاد صلح و امنیت هستند، مردم را در رسیدن به امنیت و صلح جهانی ناکام می گذارند.

### **ویژگی هفتم : پیشرفت و رفاه جهانی**

ساماندهی اقتصادی، اشتغال زایی، فقرزدایی و مبارزه با مفسد اجتماعی از سرلوحه های حکومت دینی است. در آیه ی 41 سوره حج چنین آمده است: «الذین أن مکنهم فی الارض اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه و امروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور» کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می دارند و زکات میدهند و دیگران را به کارهای پسندیده و از کارهای ناپسند باز می دارند، فرجام همه ی کارها از آن خداست.

امام باقر (علیه السلام) فرمود: «این آیه مخصوص آل محمد (صلی الله علیه واله) تا آخرین

امام است. خداوند، مشرق و مغرب زمین را در اختیار حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و یارانش قرار می دهد و دین را آشکار می سازد و به وسیله ی آنها بدعتها و یاوه ها را نابود می کند؛ چنان که ابلهان با حق ستیزه می کنند تا این که در هیچ نقطه ای ستم نباشد و ایشان

امر به معروف و نهی از منکر می کنند».

در حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وضعیت معیشتی مردم بسیار خوب میشود. نعمت های الهی افزون و آبها مهار، زمین ها حاصلخیز می شوند. هیچ فقیری باقی نمی ماند تا از بیت المال کمک مالی دریافت کند. بدبختیها و نابرابری ها از جهان رخت بر می بندد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و اله) می فرماید: «زمین، جگر پاره های خود را برای مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آشکار می سازد و سیره ی او بخشش ثروت است؛ نه جمع آوری آن». امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سال دویار پاداش میدهد و حقوق ماهانه را دو برابر می کند. فرمانروایی مهدی شرق و غرب عالم را شامل میشود و ویرانه ای در زمین نمی ماند جز آنکه آباد شود و حضرت مسیح (علیه السلام) از آسمان فرود می آید و پشت سر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نماز می گزارد».

زمانی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کند، عدالت و مساوات را در میان مردم برپا می کند. ثروت ها از داخل زمین و روی زمین به سویس سرازیر می شود و او به مردم می فرماید: بیایید ببرید، چیزی را که به خاطرش قطع رحم کردید و خون ریختید و کار حرام انجام دادید و به افراد آن قدر می بخشد که سابقه نداشته است. او زمین را پر از عدل و قسط می کند پس از آن که از ظلم و جور پر شده است.

طبق روایات وارد شده مردم در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به چنان پیشرفت و رفاهی می رسند که هرگز چنین نعمت و

آسایشی دیده نشده است و نیازمند زکات هم دیده نخواهد شد.

در حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن قدر وضع اقتصادی مردم بهبود می یابد و نعمت و ثروت فراوان می شود که مردم کسی را نمی یابند تا به او صدقه و انفاق کنند.

### ویژگی هشتم: کمال و عقل

علم و دانش از مقوله هایی است که ذهن بشر را به خود مشغول کرده، هر روز در سراسر جهان شاهد پیشرفت های علمی زیادی هستیم که هر چه جهان به جلو می رود این پیشرفتهای زیادتر می شود؛ اما همه ی این پیشرفت ها در زمان ظهور حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مقداری کم است که در روایات به این مسأله تعبیر شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «تا زمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تنها دو قسمت از 27 قسمت علوم به دست مردم می رسد و ایشان 25 قسمت دیگر را در میان مردم منتشر می کند و 27 بخش کامل می شود».

بشر از لحاظ علمی در زمان حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنان پیشرفت می کند که به تعبیر روایات، خانم ها در خانه هایشان می نشینند و احکام و وظایفشان را از کتاب و سنت استخراج می کنند. و

روایت دیگری می فرماید: «خداوند مرتفعات زمین و منخفضات زمین را در مقابلش هموار می کند که همه ی زمین را می تواند ببیند و از همه جا مطلع شود».

عالم اندیشمند جعفر کشفی می نویسد: بدان که زمان ظهور



دولت آن جناب، که زمان ظاهر شدن دولت ثانی حق است، زمان ظهور و غلبه ی عقل است از روی باطن که مقام ولایت است و به منزله ی روح است برای روح ظاهری که آن مقام نبوت است.

در آن عصر ارتباطات و فن آوری به کمال خود می رسد به گونه ای که مردم آن در بهترین برهه ی زمانی زندگی خواهند کرد.

امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «هنگامی که قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام می کند دستش را بر سر بندگان می گذارد و بدین وسیله عقل های آنان جمع و افکار آنها را کامل می کند».

در حدیث دیگری امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «در زمان آن حضرت حکمت و دانش بدیشان ارزانی می شود تا جایی که زنان در خانه ی خود به کتاب خدا و سنت پیامبر حکم کنند». حضرت علی (علیه السلام) نیز می فرمایند: «جهان را از دانش مالا مال می کند پس از جهل آن».

### **ویژگی نهم: احیای و رضایت جهانی**

نوسازی در کشورها همیشه از راههای پیشرفت جوامع بشری بوده است، به نحوی که در همه ی حکومت ها وجود دارد. در حکومت جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) احیای در بسیاری از امور اقتصادی، فرهنگی و سیاسی جهان شکل می گیرد.

امام صادق (علیه السلام) در این باره می فرماید: «اذا خرج (القائم) یقوم بامر جدید و کتاب جدید و سنه جدید و قضاء جدید...»؛ هنگامی که قائم خروج کند امر تازه، کتاب تازه، روشی تازه و داوری تازه با خود می آورد.

در روایتی از امام صادق (علیه السلام) آمده است که ایشان برنامه های

پیش را از بین می برد همان گونه که رسول خدا (صلی الله علیه واله) امر جاهلیت را از بین برد و اسلام را نوسازی می کند. دولت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دولت عدالت گستر، رفاه آور، دانش گستر و مردم دوست است و همگان از چنین دولتی راضی خواهند بود.

روایت هایی این رضایت را بیان می کنند که آسمان و زمین حتی پرنندگان آسمان خشنود می شوند.

اهل آسمان و ساکنان آن برای ظهور او خوشحال می شوند و او زمین را پر از عدالت می کند هنگامی که از ظلم و جور پر شده است. رسول خدا (صلی الله علیه واله) می فرماید: «شما را به مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، مردی از قریش، بشارت میدهم که ساکنان آسمان و زمین از خلافت و فرمانروایی او خشنودند و ساکنان زمین و آسمان به او عشق می ورزند».

### **تشکیل حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

همان طور که در مباحث قبل نیز اشاره شد روایات استفاده می شود که موفقیت حضرت در تأسیس حکومت به وسیله ی جنگ، خونریزی و جهاد است.

شباهت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به پیامبر (صلی الله علیه واله): امام محمد باقر (علیه السلام) می فرمایند: و امام شبیه من جد المصطفی (صلی الله علیه واله)؛ شباهت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به جدش، پیامبر اسلام، در این است که «فخر وجه بالسیف» قیامش و نهضتش با شمشیر است.

حضرت پیروز می شود به واسطه ی شمشیر و رعبی که در دل دشمنان می افتد و این یک امتیاز است. «انه ینصر بالسیف و الرعب» ترس در دل دشمنان می افتد و خودشان را تسلیم می کنند.

بشیر النبال می گوید: «قلت لابی جعفر (علیه السلام): انهم یقولون ان المهدی له

قام استقامت که الأمور عفوا و لایهریق محجمه دم.»

اگر قرار بود به وسیله ی کارسازی و معجزه اوضاع برایش درست شود برای پیغمبر (صلی الله علیه واله) درست می شد؛ در حالی که پیامبر در جنگ شرکت کرد و دندانش شکست.

پس معلوم است پیروزی باید به وسیله ی جنگ باشد. این گونه نیست که بگوییم برای پیغمبر اسلام (صلی الله علیه واله) امکان داشت به وسیله ی معجزه این کار محقق شود؛ اما تحقق پیدا نکرد و آن را برای مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گذاشتند.

از روایات در این زمینه استفاده میشود که قیام حضرت یک قیام طبیعی و عادی است و همراه با جنگ و خونریزی است که ستمگران و طاغوتیان را پراکنده و حق جویان را گرد هم می آورند.

### **ارکان حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)**

مهدویت به عنوان مظهر کامل جامعه ی واحد جهانی با پارهای از قرائت های جهانی شدن از جمله غربی سازی جامعه ی بشری با تفکیک دین از سیاست، سیطره فن آوری غربی و نیز گسترش نظام سرمایه داری ناسازگار است. انقلاب جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برقراری عدالت در ابعاد فکری، اجتماعی و اقتصادی است. این مهم به کمک قوانین الهی و به دست کارگزاران صالح و در قالب نظامی عادلانه تحقق می یابد.

اعتقاد به جامعه ی مهدوی و تمدن اسلامی، باوری فراگیر و فلسفه ای جهانی است که همه ی تمدنها و فرهنگ ها را زیر پوشش قرار می دهد. تمدن اسلامی هر اندیشه، تفکر و نیز هر آموزش و ارزش اخلاقی و عملی را که از آموزه های اسلامی الهام گرفته باشد،

در برمی گیرد. تمدن مهدوی، تمدنی مادی و معنوی است. این دو بال زندگی، همیشه و همه جا، چه در اوج گیری ها و چه در فرود آمدن ها در کنار هم هستند. امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) روح تمدن دینی را در کالبد تمدن های کنونی خواهد دمید و روند تکاملی تمدن ها را شتاب خواهد بخشید. آن حضرت با استفاده از تمامی ابزارهای نوین و پیشرفته و با به کارگیری سالم سلاحها و فن آوری های موجود در جهان، چهره ی زندگی انسان را دگرگون خواهد ساخت. البته این آرمان با ایجاد مرکزیت یگانه و مدیریت حاکمیت واحد و توانمند و فراگیر، جهان شمول خواهد شد.

تمدن جهانی اسلام در مقایسه با سایر تمدنها، برای ایجاد مدینه فاضله و جامعه ی نمونه دیدگاه ویژه ای دارد. این دیدگاه همان ظهور و تجلی ولایت الهی در زمین است. آثار و پیامدهای این ولایت عبارتند از: تحقق عدالت، امنیت و تأمین آسایش عمومی؛ بنابراین دورنمای جامعه ی مهدوی در معارف اسلامی این است که نخست؛ مهدویت جزو ارکان اساسی آن و عبودیت و بندگی خدای متعال محور اصلی آن است. دوم؛ در پرتو این معنویت و عبودیت، عدالت و سعادت دنیوی بشر محقق می شود. با بررسی اجمالی روایاتی که شیعه و اهل سنت در زمینه ی بشارت به ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نقل کرده اند، روشن می شود که در این روایات آنچه بیش از هر چیز دیگر مورد توجه قرار گرفته، بر پا داشتن قسط، عدل و نابود کردن ظلم و جور از سوی آن حضرت است. توجه خاص روایات به موضوع عدالت گستری امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و فراوانی روایاتی که در این زمینه وارد شده، همه بر نقش محوری این موضوع در قیام و انقلاب جهانی آن حضرت و جایگاه خاص آن در حکومت مهدوی دلالت دارند.

برپایی عدالت در جامعه نیازمند ارکان و پایه های متعددی است و نبود هر یک از این ارکان موجب ناپایداری عدالت در آن جامعه می شود. مهم ترین ارکان عدالت عبارتند از: حاکم عادل، کارگزاران عادل، قوانین عادلانه و نظام عادلانه.

1. حاکم عادل: بدون شک وقتی می توان از جامعه و حکومتی انتظار حرکت به سوی عدالت را داشت که امام و حاکم آن جامعه خود در مسیر عدالت باشد و در زندگی فردی و اجتماعی عدالت را پیشه ی خود سازد. از این رو، مهم ترین شرط در نظام حکومتی که شیعه ترسیم می کند، وجود امام عادل است و بدون وجود او حکومت از مشروعیت برخوردار نیست. از نظر شیعه برقراری نظام حکومتی که همه ی روابط حاکم بر آن مبتنی بر عدالت کامل باشد جز به دست آخرین امام معصوم و خاتم حجج الهی، حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، امکان پذیر نیست و به همین دلیل است که این حکومت پس از پشت سر گذاشتن همهی تجربه های بشری و نومیادی انسان از همه ی الگوهای حکومتی بشرساز، در زمین ظهور پیدا می کند.

2. کارگزاران عادل: یکی از موانع اساسی که در برقراری عدالت در جامعه همواره فراروی مصلحان اجتماعی قرار داشته، نبود مجریان و کارگزاران عادل است. این مانع، بسیاری از حرکت های عدالت خواهانه را با شکست مواجه کرده است و بسیاری از حکومت هایی را که در پی گسترش عدالت در جامعه بوده اند ناکام ساخته است. از تفاوت های اساسی حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با دیگر حکومت هایی که در طول تاریخ ادعای برقراری عدالت داشته اند، این است که آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پیش از اقدام به تشکیل حکومت، افراد زبده

و برگزیده ای را که در نهایت تقوا و پرهیزگاری هستند، تربیت می کنند و با برقراری حکومت جهانی خود، آنها را به سراسر جهان گسیل می دارند.

3. قوانین عادلانه: وجود قوانین عادلانه یکی از شرایط اساسی تحقق عدالت اجتماعی است و بدون آن، حکمرانان عادل به تنهایی نخواهند توانست چنان که باید و شاید عدالت را در جامعه حکمفرما سازند. بدون تردید کتاب الهی و سنت رسول خدا (صلی الله علیه واله) بیان کننده ی عادلانه ترین قوانین هستند و در صورت حاکم شدن بی کم و کاست آن جامعه طعم عدالت را خواهد چشید.

4. نظام عادلانه: تحقق عدالت اجتماعی گذشته از همه ی شرایط مذکور به امر دیگری نیز نیازمند است و آن وجود یک نظام حکومتی مبتنی بر عدالت است. نظامی که جایگاه هر کس به درستی در آن تعیین شده باشد، همهی مسئولان و وظایف خود را به درستی بشناسند و بدان عمل کنند و سرانجام همه احساس کنند بر کار آنها نظارت وجود دارد و در صورت خطا و لغزش از آنها بازخواست می شود. در نظام های بشری بسیار دیده ایم که حتی با وجود حاکمان عادل و قوانین عادلانه چنان که باید و شاید عدالت بر جامعه حاکم نشده، ظلم و ستم در اشکال گوناگون بر مردم جاری شده است و همهی اینها به دلیل آن بوده است که اجزای مختلف حکومت در جای خود قرار نگرفته اند، یا کارگزاران با وظایف خود آشنا نبوده اند و یا نظام بازرسی در نظارت ضعیف بوده است. در حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نظام حکومتی به شیوه ای شکل گرفته که امکان بی نظمی و بی عدالتی به صفر می رسد. در این حکومت پارساترین و توانمندترین افراد به عنوان حکمرانان و کارگزاران

برگزیده می شوند و وظایف تک تک آنها بی هیچ کم و کاست تعیین می شود. حتی به آنها گفته میشود که در هنگام حیرت و سرگردانی چه کنند و سرانجام، نظارت و بازرسی دقیق و سخت گیرانه ای بر همه ی کارگزاران اعمال می شود.

در فرهنگ اسلامی، ظلم معانی و مصادیق متعددی دارد و در آیات و روایات الهی این کلمه به سه مفهوم به کار رفته است؛ ظلم در معنای کفر و شرک نسبت به خدا، ظلم نسبت به خود (گناه و عصیان) و ظلم نسبت به دیگران (ستم و تجاوز). هم چنان که ظلم مفاهیم و مصادیق متعددی دارد، کلمه ی مقابل آن؛ یعنی عدل نیز از نظر معنا و مصداق، بسیار گسترده است و حوزه ی وسیعی را شامل می شود.

به بیان دیگر، براساس آموزه های دین اسلام، عدالت و عدالت گستری فقط به صحنه ی حیات اجتماعی افراد و روابط آنها با دیگران محدود نمی شود؛ بلکه حوزه ی وسیعی را در بر می گیرد. این سخن بدان معنی است که آن حضرت نه تنها رسم ستم و تجاوز موجود در روابط افراد با یکدیگر را بر می اندازد؛ بلکه این روابط را بر محور عدالت سامان می دهد و با هر گونه کژروی، کج اندیشی و انحراف اخلاقی و اعتقادی نیز مبارزه می کند و رابطه ی انسان با خود و خدای خود را نیز به سوی عدالت سوق میدهد.

در روایات آمده است که امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فاصله های طبقاتی را در سطح جوامع بشری بر هم خواهد زد و در زمان آن حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هیچ انسان گرسنه ای در سراسر زمین پیدا نخواهد شد. این همان مهدویتی است که ما به آن معتقدیم و هر یک از ادیان آسمانی نیز به گونه ای بدان معترف هستند؛ ولی هیچ مکتب یا مذهبی به

اندازه ی شیعه دربارهی جامعه ی آخرالزمان و آخرین انقلاب جهانی، شفاف سخن نگفته است. شیعه حتی نام مقدس رهبر آن انقلاب جهانی را برای جهانیان ذکر و روش حکومتی او را توصیف کرده است. چنانچه که قبل نیز گفته شد در انجیل، تورات و سایر کتابهای آسمانی بشارت آخرالزمان را می بینیم؛ ولی هیچ یک همانند شیعه درباره ی خصایل و شمایل، شعار و نحوه ی انقلاب آن رهبر و حاکمیش سخن نگفته اند.

فرهنگ مهدویت بستر بسیار مهم، مناسب و گسترده ای برای ارتقای سطح معارف دینی در جامعه است؛ زیرا در راستای اعتقاد به ظهور مصلح بزرگ الهی و آسمانی در آخرالزمان و در ایمان به این که این رهبر، جهان را پر از عدل و داد می کند؛ همهی اصول اعتقادی و مایه های معارف دینی احیا می شود و مورد توجه قرار می گیرد. ایمان به مهدویت سرچشمه ی ورود انسان به افق اعلاهی معارف الهی و مقدسات دین و آشنایی با حقایق نورانی آسمانی است. امروزه کاملاً ملموس است کسانی که با فرهنگ مهدویت و انتظار زندگی می کنند، مفاهیم عالیه ی آسمانی را با خود به همراه دارند. آنان غیب و شهود عالم را پذیرفته اند، اعجاز را قبول کرده اند، امامت را از منظر عالی می نگرند و به آینده ی جهان، نظر خوب و امیدوارانه ای دارند. در حالی که دیگران در زیر چنگال یأس و بدبینی گرفتار هستند. فرهنگ انتظار و مهدویت به انسان، فضیلت شخصی و اجتماعی عطا می کند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و اله) فرمود: «برترین عبادت انتظار و امید بستن به تحقق کامیابیها برای انسانها است». این کامیابیها عبارتند از: عدالت، معنویت، حکمت، رفاه و آبادانی، رفع کینه ها و کدورتها از دلهای آدمیان و تلاش برای خوب شدن



و خوب ماندن. منتظر واقعی به خوبی می داند که امامش، مصلح کل، سربازانی صالح و کارآمد می خواهد؛ بنابراین او تلاش می کند در تهذیب نفس و تحصیل علم و برقراری ارتباط صحیح با همنوعان و طبیعت موفق باشد. معمولاً فضیلت شخصی برای منتظران واقعی کافی نیست؛ بلکه آنها باید از فضیلت اجتماعی نیز برخوردار باشند؛ یعنی برای تحقق سعادت دیگران و جامعه بشری تلاش کنند..

بی توجهی در مقابل فسادها و نابسامانی های اجتماعی با روح تعالیم اسلام ناسازگار است. از این رو، زمینه سازی به مفهوم سکوت و بی توجهی نیست؛ بلکه به معنای تلاش و جدیت فراوان برای مقابله با اوضاع آشفته ی جهان است. به نظر می رسد ظهور حضرت، زمانی است که جبهه ی حق و باطل در اوج تقابل هستند. ظالمان و ستمگران بیشتر جهان را در احاطه ی خود دارند و به ظلم و ستم ادامه می دهند و صالحان زمین نیز در عین مظلوم بودن برای مبارزه با زورمداری طاغوتها تلاش می کنند. در واقع اصلاحات اجتماعی نه تنها زمینه ساز ظهور حضرت است؛ بلکه از دستورات بدیهی اسلام در ارتباط با ایجاد جامعه ی سالم است. درباره ظهور حضرت، این نکته نیز اهمیت دارد که پر شدن جهان از ظلم و ستم شرط ظهور حضرت نیست؛ بلکه نشانه ی آن است. شرط ظهور، آمادگی و لیاقت انسان منتظر است. از دیدگاه قرآن و روایات، شخص منتظر فردی است با ایمان، راسخ و استوار که با نزدیک تر شدن زمان فرج و ظهور، لحظه ای از مبارزه با فساد و تباهی دست بر نمی دارد و خود را از آلودگی و گناه حفظ می کند. برای فراهم ساختن زمینه های ظهور حضرت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همه ی مباحث و حقایق در واژهی انتظار نهفته است؛ زیرا انسان منتظر تلاش می کند خود را در صفات و خصوصیات به

منتظر (کسی که انتظار او را می کشد) نزدیک کند. کسی که منتظر مصلح است خود نیز باید صالح و مصلح باشد. در نتیجه صالح بودن و کمک به اصلاح جامعه یکی از مهم ترین زمینه های ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود.

حکومت جهانی امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در بعد فکری بر دو محور استوار است: 1. توحید و یگانه پرستی و تقویت پایه ها و اصول آن در میان فرزندان آدم (علیه السلام)؛ 2. مبارزه فراگیر و مستمر با اندیشه ها و جریان های انحرافی و الحادی.

در نهضت مهدوی آموزه ها و تعالیم فراموش شده ی پیامبران الهی زنده می شوند و از آلودگی های خرافی و تحریف ها پاک می شوند. حکومتی یگانه و واحد براساس قوانین و معیارهای الهی شکل می گیرد و کلیه ی دستگاه های استبدادی در نهاد حکومت و قدرت زایل می شود و از بین می رود. در حکومت مهدوی محرومان، مستضعفان، بندگان صالح و مؤمن خداوند از جایگاه رفیعی برخوردار خواهند شد. عدالت جویی، عدالت خواهی و تلاش در راستای برقراری عدالت و رفع همهی مظاهر ظلم و بی عدالتی از جمله ارکان حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. انتظار و ظهور منجی ریشه ی توحیدی دارد. اساس این اندیشه در همه ی ادیان آسمانی و توحیدی موجود است؛ یعنی همه ی ادیان به ظهور منجی و مصلح در آخرالزمان بشارت داده اند. انتظار در اسلام به ویژه در مذهب تشیع از جایگاه والا و عظیمی برخوردار است. به اعتقاد شیعه حکومت واحد و توحیدی و عدل جهانی براساس احکام الهی، تنها با ظهور منجی الهی میسر است.

## برخی از ویژگی های حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در ابعاد مختلف فردی، اخلاقی، روحی، روانی، معنوی، عبادی، تربیتی، علمی، عقلانی، اجتماعی و جهانی قابل بررسی است. طبق آیه شریفه «خداوند به کسانی از شما که ایمان آوردند و اعمال شایسته انجام دادند وعده کرده است که حتما آنها را در زمین جایگزین و خلیفه قرار می دهد؛ همان گونه که پیشینیان شان را جایگزین کرده است و برای آنها دین و آیینی را که رضا داده است اجرا شدنی خواهد کرد و ترس و ناامنی آنها را به امنیت بدل خواهد ساخت. مرا بندگی می کنند و چیزی را با من شریک قرار نمی دهند و هر کس پس از آن کفر ورزد همانا که ایشان نافرمانان فاسق هستند».

آنچه مسلم است و از اصول اساسی اعتقادات اسلام و قرآن به شمار می رود، این است که سرانجام حکومت توحید و آیین الهی بر جهان سیطره می یابد و مستقر می شود و هرگونه اضطراب، ناامنی و شرک از میان خواهد رفت. این وعده های الهی است که خداوند متعال در قرآن کریم به صاحبان ایمان و عمل صالح چنین نوید داده است که استخلاف و حکومت روی زمین را به آنان واگذار کند و آیین حق و توحید را به گونه ی اساسی و ریشه ای در همه جانشر و گسترش دهد و تمامی لوازم و اسباب خوف، ترس، وحشت و ناامنی را از بین برد، که در نتیجه همه ی انسان ها با نهایت آزادی خدا را بپرستند و فرمان های او را گردن نهند و هیچ شریک و شبیهی برای او قایل نشوند و توحید خالص را در همه جا بگسترانند.

بدون شک آیه ی مورد بحث شامل مسلمانان نخستین میشود.

همچنان که بدون تردید حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که طبق عقیده عموم مسلمانان، سراسر روی زمین را پر از عدل و داد می کند بعد از آن که ظلم و جور همه جا را فرا گرفته باشد، مصداق کامل این آیه است.

همان مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در سحرگاه نیمه شعبان سال 255 هجری در شهر سامره به دنیا آمد و نامش نام پیامبر و لقبش مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، قائم، امام زمان و ولیعصر است. او فرزند گرامی امام حسن عسکری (علیه السلام) است و به دلیل بیدادگری عباسیان ولادت آن حضرت در خفا انجام گرفت و از همان کودکی از نظرها غایب شد. حضرت امام صادق (علیه السلام) در مورد غیبت و نحوه ی زندگی حضرت می فرماید: «مهدی، قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما دو غیبت دارد؛ یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت کوتاه (غیبت صغری خواص شیعیان از محل سکونت ایشان اطلاع دارند؛ ولی در غیبت کبری (غیبت طولانی) هیچ کس از محل سکونت ایشان اطلاع ندارد، جز معدودی از نزدیک ترین یارانش».

هر گاه حضرت ظهور کند حکومت جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شرق و غرب جهان را در زیر لوای خود خواهد گرفت و آیین حق را در همه جا نفوذ خواهد داد و نامنی، خوف و جنگ را از صفحهی زمین بر خواهد چید و عبادت بدون شک را برای جهانیان تحقق خواهد بخشید؛ وعده ی حتمی و تخلف ناپذیر خداوند سبحان این است. اصولاً یکی از اندیشه ها و نیازهای فطری انسان، اندیشه و نیاز به یک حکومت جهانی عادل همراه با نفی کامل ستم و استقرار عدل و قسط است. لذا در همه ی مکاتب بشری و الهی به چنین آینده ای اشاره و به چنین نیازی توجه شده است؛ یعنی هر مکتبی به نوعی

پیروان خود را به آن آینده روشن و عادلانه نوید داده است و امیدوار کرده است. به عنوان مثال افلاطون طرح مدینه فاضله را بیان کرده، توماس کامپانلا طرح شهر آفتاب را مطرح کرده است و پذیرایی بیگانگان در آن شهر را سفارش کرده است، به گونه ای که هیچ کس در آن شهر احساس غربت و بیگانگی نکند. (1)

توماس مور، آگوست کنت و حتی مارکس نیز در پی ترسیم کردن آینده بشریت، آن را روشن و عادلانه در ذهن ترسیم کرده اند؛ ولی آنچه مسلم است تنها مکتبی که چنین آینده ی واقعی و رئالیستی را برای بشریت به ارمغان آورده است و می تواند آن را تحقق بخشد، مکتب الهی و توحیدی اسلام است و براساس اندیشه ی اسلام همه ی موجودات و از جمله انسان و جامعه ی انسانی به سوی کمال لایق خویش در حرکت هستند که این حرکت تکاملی در انسان معلول آگاهی، آزادی، ایمان و عمل صالح است.

مشروط بر این که تمام اینها در راستای ولایت و پذیرش امامت معصوم (علیه السلام) تحقق یابد؛ زیرا که غایب این حرکت چیزی جز استقرار حکومت جهانی عدالت و تقوی به رهبری و ولایت ولی معصوم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیست. پیامبر (صلی الله علیه و آله) به این امر بشریت را نوید داده و فرموده است:

اگر از عمر دنیا جز یک روز باقی نماند خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی می کند تا مردی از دودمان من که نامش نام من است، حاکم بر زمین شود و صفحه ی زمین را پر از عدل و داد می کند آن گونه که از ظلم و جور پر شده باشد». (2)

آری، خداوند تبارک و تعالی اراده کرده است که الگوی کامل

ص: 366

---

1- آرمان شهر در اندیشه ایرانی: ص 27، حجت الله اصیل.

2- تفسیر نمونه، جلد 14: ص 531 به نقل از منتخب الاثر.

حکومت عدل جهانی در آخرالزمان تحقق یابد اما این اراده به صورت غیر عادی نیست و به ایجاد زمینه نیاز دارد که همان انتظار فرج است؛ زیرا انتظار فرج یعنی اقدام جدی برای ایجاد آمادگی کامل فکری و عقلی، ایمانی و عقیدتی، اقدام جدی برای استمداد یافتن جهان و مستعد شدن بشریت برای ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

### نوید قرآن به آینده بشر:

قرآن مجید در باب نوید به آینده و پیروزی نهایی دین بر شرک و هدایت بر گمراهی چنین می فرماید:

او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا او را بر همه ی آیین ها غالب کند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند». (توبه 33 /

منظور از هدایت، دلایل روشن و برهانهای آشکاری است که در آیین اسلام وجود دارد و منظور از دین حق همین آیینی است که اصولش حق و فروغش حق و بالاخره تاریخ، مدارک، اسناد، نتیجه و برداشت آن نیز حقاقت و بدون شک آیینی که هم محتوای آن حق باشد و هم دلایل، مدارک و تاریخ آن روشن باشد، باید سرانجام

بر همه ی آیین ها پیروز شود. با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش و سهولت ارتباطات، واقعیت ها چهره خود را از پشت پرده های تبلیغات مسموم به در خواهد آورد و موانعی را که مخالفان حق بر سر راه آن قرار می دهند در هم می کوبد.

و به این ترتیب آیین حق همه جا را فرا خواهد گرفت. (1) در این

ص: 367

آیه به راز برتری اسلام اشاره شده است و آن این که چون رسالت اسلام هدایت به آیین حق است و بشر فطرتاً طالب و جویای هدایت بوده، لذا آیین حقی را می جوید که واقعیت ثابتی دارد و مطلوب فطری او است. اسلام با این حقیقت و نیرو است که بر همه ی ادیان و آیین ها برتری می یابد و خواهد یافت، این وعده اسلام و اراده خداوند است برای تحقق این اراده کافی است که اسلام بر تمام قوانین و آیین ها سیطره و غلبه یابد. قرآن در مورد این اراده الهی می فرماید: «اراده ما بر این قرار گرفته است که به مستضعفین نعمت بخشیم و آنان را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم». (قصص / 5) بر خلاف نظر بعضی از مفسرین (1) آیه ی مذکور هرگز از یک برنامه موضعی و خصوصی مربوط به بنی اسرائیل سخن نمی گوید؛ بلکه بیانگر یک قانون کلی است برای همه ی اعصار و قرون و تمام اقوام و جمعیت ها، می گوید: ما اراده داریم که بر مستضعفان منت بگذاریم و آنها را پیشوایان و وارثان حکومت روی زمین قرار دهیم. این بشارتی است در زمینه ی پیروزی حق بر باطل و ایمان بر کفر، این نویدی است برای همه ی انسان های آزاده و خواهان حکومت عدل و داد و برچیده شدن بساط ظلم و جور.

نمونه ای از تحقق این مشیت الهی حکومت بنی اسرائیل و زوال حکومت فرعونیان بود و نمونه کامل ترش حکومت پیامبر اسلام (صلی الله علیه واله) و یارانش بعد از ظهور اسلام بود.

حکومت پابرهنه ها و تهی دستان با ایمان و مظلومان پاکدل که پیوسته از سوی فراعنه زمان خود مورد تحقیر و استهزا بودند و تحت فشار ظلم و ستم قرار داشتند و سرانجام خدا به دست همین

ص: 368

---

1- برای شناخت نظر این گونه مفسرین رجوع شود به تفسیر المیزان، ج 29: ص 217 تا 233.

گروه دروازه‌ی قصرهای کسرها و قیصرها را گشود و آنها را از تخت قدرت به زیر آورد و بینی مستکبران را به خاک مالید و نمونه گسترده‌تر آن ظهور حکومت حق و عدالت در تمام کره زمین به وسیله‌ی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. (1)

حکومت صالحان در کتب آسمانی پیشین نیز بیان شده است؛ چنان که قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

«ما در «زبور» بعد از ذکر «تورات» نوشتیم که بندگان صالح من وارث حکومت زمین خواهند شد. این ابلاغ روشن است برای جمعیت عبادت‌کنندگان». (انبیا / 10)

بندگان صالح خدا کسانی هستند که علاوه بر ایمان و موحد

بودن همه شایستگی‌های لازم را دارا هستند؛ شایستگی از نظر عمل و تقوا، شایستگی از نظر علم و آگاهی، شایستگی از نظر قوت و قدرت و از نظر تدبیر، نظم و درک اجتماعی.

هنگامی که بندگان با ایمان این شایستگی‌ها را برای خود فراهم سازند، خداوند نیز کمک و یاری می‌کند تا آنها بینی مستکبران را به خاک بمالند و دست‌های آلوده‌شان را از حکومت زمینی کوتاه کنند و وارث میراث‌های آنها شوند. نظام آفرینش دلیل روشنی بر پذیرش یک نظام صحیح اجتماعی در آینده در جهان انسانیت خواهد بود و این همان چیزی است که از این آیه مورد بحث و احادیث مربوط به قیام مصلح بزرگ جهانی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (ارواحنا فداه) استفاده میشود.

در روایت است که حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه واله) خطاب به علی (علیه السلام) چنین فرمود:

ص: 369



«من و یازده تن از فرزندانم و توای علی، رمز بقای این جهان هستیم. خداوند به وسیله ی ما جهان را استوار ساخته که ساکنانش را در کام خود فرو نبرد؛ چون دوازدهمی آنها از دنیا برود، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد و دیگر مهلت داده نمی شوند»<sup>(1)</sup>.

و آن روزی است که خداوند توانا چهره آن روز را در قرآن کریم چنین ترسیم می کند:

از تو در مورد کوهها می پرسند؛ بگو پروردگرم آنها را پراکنده می کند، چه پراکنده کردنی». (طه / 105)

«به راستی زلزله‌ی رستاخیز چیز بزرگی است، در آن روز می بینی که زنان شیرده از فرزندان شیرخوارشان غفلت می کنند و بارداران بار خود فرو نهند، مردم را مست می بینی در صورتی که مست نیستند، بلکه عذاب خدا بسیار سخت است». (حج/1 و 2)

«در آن روز زمین دگرگون شده چهره دیگر می گیرد و آسمانها دگرگون شوند و در برابر خداوند یکتای همیشه پیروز ظاهر شوند» ابراهیم / (48)

علی (علیه السلام) در نهج البلاغه در باب نهایت دنیا چنین می فرماید: دنیا پس از خموشی و سرکشی همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد؛ به ما اهل بیت (علیه السلام) روی می آورد و سپس آیه «و نرید ان نمن» را تلاوت فرمود». (حج/1 و 2)

### سری از اسرار الهی

استاد حسین مظاهری در کتاب «قرآن عترت» می نویسد:

ص: 370

---

1- روزگار رهایی: ص 605 .

اصل غیبت سری از اسرار الهی است. از ائمه دین از سر غیبت سؤال شده، فرموده اند که غیبت سری از اسرار خدا است. امام صادق (علیه السلام) فرموده: «جریان غیبت، نظیر قضیه حضرت موسی و خضر است و چنان که بعد از اتمام درس مخصوصی که برای موسی نهاده شده بود، سر کارهای حضرت خضر معلوم می شود؛ بنابراین ما در سر غیبت فعلا نمی خواهیم بحث کنیم؛ ولی آنچه مسلم است بقیه الله رقیب، موکل و نگهبان بر عالم هستی است و قرآن می فرماید بگو هر چه می خواهید به جا آورید؛ ولی بدانید که خدا و رسول او و ائمه طاهرین بر شما رقابت دارند».

و خود حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بنا بر توقیعی که برای شیخ مفید رحمه الله فرستاده اند؛ چنین فرموده اند: «همانا ما شما را مهمل و بی سرپرست نگذارده ایم و مراعات شما را می کنیم، مواظبت از شما داریم و به یاد شما هستیم و شما را فراموش نمی کنیم و اگر مراعات ما نبود و به یاد شما نبودیم، دشمن شما را نابود کرده بود».

### واسطه فیض

آن حضرت واسطه فیض عالم هستی است و ائمه طاهرین به این که آنان واسطه فیض عالم هستی هستند، اشاره دارند. روایاتی از رسول اکرم، امام صادق (علیه السلام) و حضرت بقیه الله (عج) موجود است که وقتی سؤال می کنند: فایده امام غایب برای عالم هستی چیست؟ جواب می دهند: امام غایب نظیر خورشید زیر ابر است؛ چنانچه خورشید زیر ابر مفید برای عالم ماده است، گرچه مردم آن محروم هستند، همچنین است وجود امام غایب.

از موضوعاتی که در آیات و روایات بر آن تکیه شده و اهمیت به سزایی دارد، موضوع انتظار فرج است که در سوره های «هود / 122، اعراف / 71، یونس / 102، انعام / 158، سجده / 30» آیه «فانتظروا انی معکم من المنتظرین؛ یعنی انتظار بکشید همانا من با شما از منتظرانم» و نیز آیه 93 سوره هود: «وارتقبوا انی معکم رقیب؛ یعنی مراقب باشید همانا من از مراقبینم» تکرار شده است. این آیات را به انتظار فرج حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (روحی فداه) تأویل کرده اند. در روایات ما انتظار فرج از افضل اعمال به شمار رفته است. منتظر فرج و مجاهد فی سبیل الله مثل کسی است که در خون خود غوطه ور باشد.

امام صادق (علیه السلام) از قول امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) این گونه می فرماید: «کسی که انتظار فرج دارد مثل کسی است که در راه خداوند به خون خود غوطه ور باشد». معنی انتظار فرج آن نیست که ما کاری انجام ندهیم فقط در ذهن خود منتظر باشیم؛ بلکه باید با تمام قوا آماده باشیم و در عمل نیز همین را به اثبات برسانیم که ما واقعاً منتظر هستیم و شیعه در زمان غیبت وظایفی دارد و به آن وظایف باید عمل کند از جمله وظایف ما دعا برای انتظار فرج و به یاد گم شده خود مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) عزیز بودن است. دیگر توسل به آن بزرگوار در گرفتاری ها و توجه به این که آن امام بزرگوار مغیث و فریادرس شیعه در زمان غیبت است.

انتظار فرج، امید و آرزوی تحقق یک نوید کلی جهانی انسانی است که در روایات به عنوان افضل عبادتها یاد شده است. از اصل انتظار فرج یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر نیز استنتاج میشود

و آن اصل «حرمت یأس از روح الله» است. مردم مؤمن به عنایات الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی دهند و تسلیم یأس و ناامیدی و بیهوده گرایی نمی شوند. چیزی که هست این انتظار فرج و این عدم یأس از روح الله در مورد یک عنایت عمومی و بشری است، نه شخصی یا گروهی؛ به علاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن قطعیت داده است. انتظار فرج، آرزو، امید و دل بستن به آینده، انتظاری سازنده و نگه دارنده است، تعهد آور، نیرو آفرین و تحرک بخش است؛ به گونه ای که می تواند نوعی عبادت و حق پرستی شمرده شود. (1)

## فلسفه مهدویت و آینده روشن

فلسفه مهدویت فلسفه ای فطری، عقلی، قرآنی و روایی است. اعتقادی مشترک میان همه ی آیین ها، مکتب ها و شرایی که برای هستی و انسان هدف و غایت قایل هستند. این اندیشه خوش بینانه، حق طلبانه، آرمان گرایانه و عدالت خواهانه است. فلسفهای عام، کلی، جهانی و بشری است که تحقق آن تنها در مرحله کمال فرد و جامعه میسر می شود. مرحله ای که بشریت به بلوغ عقل و ایمان رسیده باشد و شایسته معرفت، عدالت، صلح، انسانیت و معنویت شده باشد و بتواند با رضایت خاطر به یک حکومت حق و سراسر عدل و توحیدی و انسانی تن دهد. فلسفه مهدویت آینده ای روشن را برای بشر ترسیم می کند؛ آینده ای که مبتنی بر اندیشه ی پیروزی نهایی نیروی حق، صلح و عدالت بر نیروی باطل، ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل باشد و

ص: 373

---

1- قیام و انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهید مطهری: ص 7.

بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله ی شخصیتی مقدس و عالیقدر که در روایات متواتر اسلامی، از او به «مهدی» تعبیر شده است، اندیشه ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی با تفاوت ها و اختلافهایی، به آن مؤمن و معتقد هستند؛ زیرا این اندیشه، به حسب اصل و ریشه، قرآنی است. این قرآن مجید است که با قاطعیت تمام پیروزی نهایی ایمان اسلامی، (1) غلبه قطعی صالحان و متقیان، (2) کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران برای همیشه (3) و آینده درخشان و سعادت‌مندانه بشریت را نوید داده است. (4)

این اندیشه بیش از هر چیز مشتمل بر عنصر خوشبینی نسبت به جریان کلی نظام طبیعت و سیر تکاملی تاریخ و اطمینان به آینده و طرد بدبینی نسبت به پایان کار بشر است. با ظهور منجی حکومتی جهانی مبتنی بر اصول اسلامی برقرار می شود که از جمله خصوصیات آن موارد زیر را می توان بیان کرد:

1. انسان بالفطره در راه تکامل فکری، اخلاقی و معنوی پیش می رود؛ بنابراین آینده ای بس روشن و سعادت بخش و انسانی، که در آن شر و فساد از بیخ و بن برکنده خواهد شد، در انتظار بشریت است و این انتظار را حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برآورده خواهد کرد.

2. پیروزی نهایی تقوا، صلح، عدالت، آزادی و صداقت بر زور، استکبار، استبداد، ظلم، اختناق، دجالگری و فریب در سایه ی حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) میسر است.

ص: 374

1- صف / 9.

2- انبیا / 105.

3- قصص / 5.

4- اعراف / 128.

3. این حکومت الهی یگانه حکومت واحد جهانی در سراسر عمر بشریت خواهد بود.

4. عمران و آبادانی زمین به گونه ای که حتی یک نقطه خراب در زمین باقی نباشد از آشکارترین صفات حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

5. بلوغ بشریت و خردمندی کامل و پیروی از فکر، ایدئولوژی و آزادی از اسارت شرایط طبیعی و اجتماعی و غرایز حیوانی برجسته ترین خصوصیت عصر ظهور و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را به شمار می رود.

6. حداکثر بهره گیری و بهره مند شدن از نعمت ها و مواهب خدادادی موجود در زمین مانند استفاده کامل از معادن، ذخایر و ثروت های پنهاندر درون زمین تنها در سایه حکومت الهی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امکان پذیر است.

7. از جمله خصوصیات حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) برقراری مساوات کامل میان انسانها در امر اقتصاد، معیشت و ثروت است.

8. فضایل و مکارم اخلاقی در سایه حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اوج خود می رسد؛ به گونه ای که همه مفاسد اخلاقی منتفی می شود و روان های افراد بشر از همه عقده ها و کینه ها خالی میشود. .

9. منتفی شدن جنگ و برقراری صلح، صفا، محبت، تعاون و برادری از دیگر خصوصیات حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

10. انسان ها در این دوران بابرکت به سازگاری کامل با طبیعت دست می یابند. (1)

ص: 375

---

1- قیام و انقلاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف): ص 58 تا 61 با دخل و تصرف.

11. ارتباط صحیح میان بنده و خالق در پرتو این حکومت به وجود می آید؛ که بشر از پرستش موجودی غیر از خالق خود آزاد می شود و در حقیقت توحید در پرستش در همه جهان استقرار می یابد.

12. برقراری روابط حسنه و صالحه میان افراد بشر براساس عدالت، صلح، صفا، تعاون، احسان، عاطفه و خدمت به یکدیگر به گونه ای که قرآن کریم بر این ویژگی ها به عنوان هدف بعثت انبیا تأکید فرموده است. (1)

به هر حال تحقق عدل کلی و عدل عمومی از برترین و برجسته ترین ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در کنار استقرار کامل توحید و یکتاپرستی و نفی کفر و شرک است.

13. استقرار کامل امنیت و برچیده شدن بساط خوف و ناامنی یکی از وعده های حتمی و قطعی قرآن کریم است که جزو شکوهمندترین و زیباترین ویژگی های حکومت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شمار می رود. (2)

بنابراین تحقق توحید و برقراری عدالت و استقرار امنیت کامل واقعیتی است که بشریت در عصر ظهور به آن خواهد رسید؛ پس این مفاهیم ارزشی و متعالی به هیچ وجه خیالی نیستند؛ بلکه با کمال خوش بینی باید معتقد بود که حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حکومتی سرشار از نورانیت ایمان، توحید و درخشش عدالت و امنیت است.

14. «و یملاً الله قلوب امت محمد غنی و پسمعهم عدله» خداوند دل های امت پیامبر اسلام را از غنا و بی نیازی مملو میسازد و

ص: 376

1- احزاب / 44 و 45؛ حدید / 25.

2- نور / 55.

همه ی دل ها را به برکت حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از حقارت ها، بیچارگی ها، کینهها، حسادتها، فقرها و نیازها پاک و تصفیه می سازد. در آن زمان عدالت مادی و معنوی و عدالت کلی برای بشر محبوب و معبود واقع می شود؛ زیرا در آن زمان روح بشر رقاء پیدا می کند، تربیتش کامل می شود و تمام استعدادهای عقلش شکوفا می شود و اینها همه ناشی از حاکمیت یک حکومت عادل جهانی بر مبنای ایمان، خداپرستی و خداشناسی و بر مبنای حکومت قرآن است؛ همان حکومتی که به اعتقاد ما در سراسر جهان اطمینان، امنیت و آرامشی را برقرار می سازد و هرگونه وحشت و ترس و ناامنی را از میان خواهد برد و ما به چنین حکومتی در سایه ی اعتقاد به خدا و اطمینان به قرآن و سخنان پیامبر و اهل بیت (علیه السلام) گرامی اش صمیمانه معتقد هستیم و به این امید زندگی می کنیم که روزی دست غیبی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به فرمان خدا آشکار شده، بشریت را از همه پرتگاه ها، انحرافها، شرکها، کفرها، نفاقها، ظلمها، بی عدالتیها و خوفها و ترسها نجات دهد. (1)

15. به کمال رسیدن قوای روحی و جسمی اهل ایمان به گونه ای که دل های مؤمنان همچون پاره های فولاد محکم شود و هر مردی از ایشان نیروی چهل مرد را داشته باشد؛ یکی دیگر از ویژگیها و خصوصیات ظهور و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شمار می رود.

16. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حکومت خود براساس سیره و سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) عمل می کند و مردم را به دین و آیین آن حضرت و قرآن دعوت می کند و به جنگ با جاهلیت برخاسته، جاهلیت را نابود می سازد و اسلام را از نو احیا و زنده می کند؛ به گونه ای که

ص: 377



گویا آغاز بعثت است و مردم به دین جدیدی خوانده میشوند.

17. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حکومت خود به سیره و سنت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) عمل می کند؛ یعنی در راه اقامه قسط و عدل درباره اهل قبله به سیرت علی بن ابی طالب (علیه السلام) رفتار می کند و دشمنان خدا را می کشد تا خدا راضی شود. (1)

18. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در راه آرمان های اصلاحی و انقلابی خویش و در اجرای توحید، عدالت، امنیت به امر جدید و کتابی جدید و قضایی جدید قیام کند و بر عرب سخت گیرد و فقط شمشیر را شناسد و از کسی توبه نپذیرد و نکوهش کسی را نشنود؛ اما در عین حال هر که و هر چه در آسمانها و زمین است، خواه و ناخواه او را گردن نهاده است و همه به سوی او باز گردانده می شوند. (2)

19. در تفسیر آیه «یحیی الارض بعد موتها» امام کاظم (علیه السلام) می فرماید: مراد این نیست که خداوند زمین را به وسیله باران زنده می کند؛ بلکه خداوند مردانی را بر می انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه زمین با احیای عدالت زنده می شود و بدانید برپایی حد برای خدا در زمین از چهل روز باران سودمندتر است.

بنابراین احیای زمین با عدالت و برپا ساختن حدود الهی از نزول باران نیز با اهمیت تر و پربرکت تر است؛ زیرا عدالت جان شریعت و روح دین است.

20. وحدت دین؛ قرآن می فرماید: «دین در نزد خدا تنها اسلام است». در تفسیر بعضی از آیات قرآن که به قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

ص: 378

---

1- دولت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سیرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، از مصطفی دلشاد، قرآنی: ص 19 و 20 و 21.

2- همان.

اشاره شده است، این آیه را به آن دوران مربوط دانسته اند؛ پس به این ترتیب در حکومت حضرت آیین توحید و اسلام در همه ی خانه ها و در درون زندگی همه انسانها و در تمام دل ها وارد می شود. (1)

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در هم شکننده شوکت متجاوزان است، ویران کننده بناهای شر و نفاق است، نابود کننده اهل نادرستی و عصیان و

طغیان است. هنگامی که آن حضرت خروج کند خون ریختن است و عرق ریختن و سوار مرکب ها در میدان مبارزه بودن است. یاران آن حضرت هرگز شمشیرهای خود را بر زمین نمی نهند تا این که خدای عزوجل از آنان راضی شود و این است که خداوند به وسیله حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امت اسلام را پس از آن که فاسد شده اند، اصلاح می کند.

پس بار خدایا! دولت با کرامت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را هر چه زودتر آشکار کن و اسلام و اهلش را به واسطه ی آن دولت عزت فرما و نفاق و اهل نفاق را به واسطه آن دولت خوار و ذلیل گردان. آری چون قیام کند ستم را ریشه کن سازد و راهها را امن کند و در میان نابکاران شمشیر نهد و از هیچ احدی توبه نپذیرد و چنین است که هر گاه آن حضرت قیام کند جایی از زمین باقی نمی ماند مگر آن که گلبانگ محمدی در آن شنیده شود. این دولت با کرامت شرق و غرب عالم را فرا می گیرد و تمامی آثار شرک را از روی زمین محو می کند و هیچ حکومتی جز حکومت اسلامی وجود نخواهد داشت و تمام دولتهای باطل از میان می روند. (2)

ص: 379

---

1- انقلابی بزرگ، از ناصر مکارم شیرازی: ص 323 تا 325.

2- پیدای پنهان: ص 39 تا 41.

در زیارت صاحب الامر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می خوانیم: «السلام علی القائم المنتظر و العدل المشتهر». (1) عدل یکی از القاب حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. در خصوصیات قیام و حکومت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هیچ ویژگی به اندازه ی «عدالت» و «قسط» روشنی ندارد. آن قدر که در روایات بر ویژگی عدالت گستری آن حضرت تأکید شده، بر سایر مسائل چنین پافشاری نشده است و این نشان از برجستگی این مهم در دوران ظهور دارد. دهها و بلکه صدها روایت در کتاب های مختلف روایی،

به ویژه در کتاب «منتخب الاثر و کمال الدین» در مورد عدالت گستری آن حضرت وارد شده است. در بسیاری از این روایات، از آن امام به عنوان مظهر و تجلی کامل عدالت یاد شده است. دامنه ی عدالت حضرت تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه گسترده است؛ حتی عدالت و دادگری همچون گرما و سرما در درون خانه های مردم نفوذ می کند. خداوند چنان بر این مهم تأکید دارد که اگر یک روز از عمر دنیا باقی مانده باشد، او آن را چنان طولانی خواهد کرد تا رؤیای موعود مردمان از راه برسد. در سایه ی این عدالت هیچ انسانی در قید بندگی و بردگی باقی نمی ماند. حقوق به یغما رفته ی انسان ها به آنها باز می گردد. بندهای پیدا و ناپیدای بندگی از سر و گردن انسانها باز می شود و زمینه ی استثمار انسان از انسان به کلی برچیده می شود. کارگزاران ظلم و بیداد، مورد بازخواست قرار می گیرند. قاضیان و حاکمان کج رفتار، از مسؤولیت خویش عزل می شوند و زمین، از هر نوع خیانت و نادرستی پاک می شود. عدالت چنان می شود که مردم آرزو می کنند ای کاش

ص: 380

مردگانشان در بین زندگان بودند و از عدالت بهره مند می شدند. بر طبق برخی روایات، نخستین چیزی که از عدالت حضرت قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آشکار می شود این است که اعلام می کند، کسانی که حج یا مناسک مستحب به جا می آورند و حجرالاسود را استعمال می کنند و طواف مستحبی انجام می دهند، آن را به کسانی که حج واجب دارند، واگذار کنند. (1) قرآن می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید/ 25). قرآن با چنان صراحتی عنایت انبیا و بلکه مأموریت و رسالت انبیا را برای برقراری عدل در میان بشر بیان می کند. در این آیه می فرماید: ما فرستادگان خودمان را با دلایل روشن فرستادیم و همراه آنها کتاب و دستور و نوشته و میزان فرستادیم؛ یعنی قوانین و مقررات عادلانه، برای چه؟ «لیقوم الناس بالقسط» برای این که همه ی افراد بشر به عدالت رفتار کنند و اصل عدالت در میان افراد بشر برقرار شود. بنابراین مسأله ی برقراری عدالت آن هم با مقیاس بشریت، هدف اصلی و عمومی همه ی انبیا بوده است؛ یعنی انبیایی که آمده اند، یک کار، یک وظیفه، مأموریت و یک رسالتی که داشته اند به نص قرآن مجید عدالت بوده است.

آیا مسأله عدالت، آن هم عدل کلی و عدل عمومی، نه عدل نسبی و فردی و شخصی، یعنی عدالت به معنی این که روزی در این جهان برای بشر پیش بیاید که در آن روز اثری از این ظلمها، ستمها، تبعیضها، جنگها، کینه ها، خونریزی ها و استثمارها و از لوازم اینها یعنی دروغ ها، نفاقها و نیرنگها و بالاخره اثری از این

ص: 381

---

1- کمال الدین: ص 318 و 225 و 120؛ کافی، ج 4، ص 427، بحارالانوار، ج 52 و 51؛ نجم الثاقب، باب دوم.

همه مفاسدی که در میان بشر وجود دارد، نباشد؛ آیا چنین روزی برای بشریت خواهد بود؟ آیا بشریت در آینده ی خودش چنین دوره ای و چنین روزی و چنین قرنی را خواهد داشت؟ یانه، این فقط یک خیال و یک آرزو است، هیچ وقت عمل نخواهد شد.

البته این مطلب در غیر شیعه صدق می کند؛ مثلاً ممکن است بگویند ما منکر عدالت کلی نیستیم، یا بگویند ما طرفدار دنیا براساس ظلم هم نیستیم؛ ولی معتقدیم در این دنیا آنقدر پستی و حیوانیت، ظلمت و تاریکی است که هیچ وقت در دنیا عدل کلی و عدالت واقعی و صلح و صفای واقعی و انسانیت واقعی و این که روزی واقعا افراد بشر با یکدیگر به انسانیت زندگی کنند، نخواهد بود. دنیا دار ظلم و تاریکی است، همه ی ظلمها در آخرت جبران می شود، عدالت فقط مال آخرت است. در میان غیر مسلمانان و ادیان دیگر چنین فکری وجود دارد؛ اما یکی از امتیازات اساسی معتقدان به اسلام و بالاخص شیعه این است که بدین نباشید، بالاخره دوره ی ظلم و ستم، جنگ و دعوا، اختلاف، فساد اخلاق، سیاهی و ظلمت یکدوره ی موقت است و عاقبت آن نورانیت و عدالت است.

این اندیشه نیز در ادیان دیگر هست؛ ولی نه به روشنی که در مذهب شیعه وجود دارد. قطعا در هیچ جایی این مطلب وجود ندارد آینده ی بشریت در همین دنیا نیک است و ظلم از زندگی بشر رخت برمی بندد و عدالت جای آن را می گیرد. اگر انسان در قرآن کریم تأمل کند می بیند قرآن این مطلب را به روشنی تأیید و تأکید می کند، و به آینده نوید میدهد و آینده ی دنیا را روشن می بیند و خداوند وعده می دهد به اهل ایمان و مردمی که عملشان صالح و

شایسته است که عاقبت دنیا به دست آنها است و در نهایت بر دنیا حکومت می کنند. دین الهی و معنویت و لا اله الا الله است. مادی گریها، ماده پرستیها و خودخواهی ها از بین خواهد رفت. عاقبت دنیا امنیت است، عاقبت دنیا توحید است به تمام مراتب خود. قرآن به طور کلی هدف اساسی انبیا را دو چیز میداند: توحید و برقراری عدالت. اولی مربوط است به ارتباط انسان با خدا و دومی به ارتباط انسان ها با یکدیگر مربوط می شود. مطلب دوم این که مسأله‌ی عدالت تنها یک آرزو و خیال نیست، واقعیتی است که دنیا به سوی آن می رود؛ یعنی سنت الهی است و خدا عدالت را در نهایت امر بر دنیا حاکم خواهد کرد و بر این مبنا قرنها، که ما نمی دانیم چقدر است، بشر حکومت بر پایه عدالت خواهد داشت؛ اما عدل و عدالتچیسست؟ افراد بشر کم و بیش ظلم و تبعیض را می شناسند، عدالت نقطه‌ی مقابل ظلم و تبعیض است و به عبارت دیگر افراد بشر در دنیا بر حسب خلقت خودشان و به حسب فعالیت هایی که می کنند و استعدادهایی که از خود نشان میدهند، استحقاقهایی پیدا می کنند. عدالت عبارت است از این که آن استحقاق و آن حقی که هر بشری به موجب خلقت خودش و به موجب کار و فعالیتش به دست آورده است، به او داده شود. نقطه مقابل ظلم است که آنچه را فرد استحقاق دارد به او ندهند و از او بگیرند و نقطه‌ی مقابل تبعیض است که دو فرد که در شرایط مساوی قرار دارند، موهبتی را از یکی دریغ بدانند و از دیگری دریغ ندارند. در عین حال از قدیم الایام افرادی در میان بشر از فیلسوفان قدیم یونان و اروپا بوده اند که اساساً منکر واقعیت داشتن عدالت بودند و هستند و می گویند اصلاً عدالت معنی ندارد، عدالت مساوی با زور است، عدالت یعنی آن

چیزی که قانون موجود حکم کرده باشد و قانون موجود هم آن است که زور آن را به بشر تحمیل کرده باشد؛ پس عدالت را در نهایت امر زور تعیین می کند. البته این مطلب مردود است، چون عدالت واقعیت دارد، حق واقعیت دارد، هر موجودی در متن خلقت یک شایستگی و یک استحقاق دارد. انسان به موجب کار و فعالیت خودش استحقاق هایی را به وجود می آورد و عدالت نیز عبارت است از این که به هر ذی حقی حقش را بدهیم.

و این که در نهاد بشر تمایل به عدالت هست و عدالت خواهی در نهاد فطرت بشر وجود دارد. وقتی بشر خط زیبایی را می بیند خوشش می آید، چرا؟ چه کسی او را مجبور کرده است که خوشش بیاید؟ هیچ کس او را مجبور نکرده، به دلیل این که زیبا است خوشش آمده. در نهاد هر انسانی این قوه قرار داده شده است که وقتی در مقابل زیبایی قرار می گیرد تحسین می کند، به همین دلیل دیگر نمی خواهد قانون وضع کرد. این جور چیزها را می گویند اموری که در نهاد بشر است مانند: علم، دوستی، میل به عدالت و خیلی چیزهای دیگر. می توان گفت میل به عادل بودن و علاقه ی به عدالت ولو برای انسان منفعتی نداشته باشد جزو مطلوبهای بشر است و در نهاد بشر چنین چیزی هست و او دوست دارد عدالت در جامعه برقرار باشد، هر چند منفعتی برای او نداشته باشد و عدالت خواهی در فطرت بشر نهفته و همیشه دنبال آن است. در نهاد بشر عدالت هست؛ البته اگر بشر خوب تربیت شود. اگر زیر دست مری کامل قرار گیرد، به جایی می رسد که خودش واقعاً عدالت خواه شود و واقعا عدالت جمع را بر منفعت خودش ترجیح بدهد و همین گونه که زیبایی را دوست می دارد، عدالت را دوست داشته باشد. عدالت،

خودش از مقوله ی زیبایی است؛ ولی زیبایی معقول نه زیبایی محسوس. افرادی در تاریخ بوده اند که خودشان را فدای راه عدالت کرده اند و اینها نمونه های بشرهای کامل در عصرهای گذشته بوده اند و بارزترین آنها علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. علی (علیه السلام) و دست پروردگان آن حضرت نمونه هایی هستند که عدالت را واقعاً دوست داشتند و نهادشان با عدالت پیوند خورده است. الان هم در میان متدینین واقعی افراد بسیار زیادی هستند که واقعاً عدالت را دوست دارند و در پی اجرای آن هستند. بسیاری از افراد بشر خیال می کنند که مسأله ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) امری است مساوی با انحطاط دنیا و بازگشت بشر به قهقرا؛ اما قضیه برعکس است. عصر ظهور، عصر کمال فکری و اخلاقی و علمی بشر است. به حکم همه ی شواهد و ادله ای که از دین به ما رسیده است موضوع ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معادل با عدل کلی است؛ وقتی که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند خدای متعال دست خود را بر سر افراد بشر می کشد و عقل افراد و فکر و عملشان زیاد می شود. وقتی که وجود مقدس حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور می کند، ظلمی در جهان نخواهد ماند، همه جا پر از عدل و داد می شود و همه در صلح و صفا زندگی می کنند. ان شاء الله





فصل چهارم

اشاره

ص: 387



انتظار در لغت به معنی چشم داشت و چشم به راه بودن و نوعی امید به آینده داشتن است. نتیجه ای که از معنای لغوی انتظار به دست می آید این است که کسی که عمل زشت و ناهنجاری انجام داده، منتظر کیفر آن است و کسی که بذری را در زمین پاشیده منتظر است که محصولش از زمین سر برآورد و سرسبز شود و کسی که کار خیر و شایسته ای انجام داده، منتظر است تا روزی فرا رسد و او پاداش کار خیرش را دریافت کند و اما انتظار در اسلام، به ویژه مذهب تشیع، عبارت از ایمان استوار به امامت و ولایت حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و امید به ظهور مبارک آن واپسین حجت الهی و آغاز حکومت صالحان است.

مفهوم انتظار: انتظار فرج در اسلام در واقع نوعی آمادگی برای منتظر است، آمادگی برای پاک شدن، پاک زیستن، آمادگی برای حرکتی مستمر، توأم با خودسازی و دگرسازی و زمینه سازی، و سرانجام آمادگی برای تهیه قوا برای شرکت در نهضت عظیم حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که آغاز آن، ظهور حضرت و پایان آن، شکست تاریکیها و ظلمها و نتیجه ی آن برپایی حکومت عدل الهی و نهضت سبز مهدوی است. انتظار امید آفرین است، امید و آرزو از فطریات بشر است. اگر امید نباشد، جهان برای انسان زندانی ابدی می شود، آینده

برایش تیره و تار خواهد شد و زندگی برای او سخت و ناگوار میشود. این امید است که انسان را در جاده ی زندگی به مقصد و مقصودی روشن می رساند. کسی که امید به آینده دارد، به حیات دل می بندد، نقایص زندگی را برطرف می کند و همواره رو به کمال، ترقی و تعالی می رود و هر روز خویش را بهتر از روز قبل می کند. انتظار یعنی رهایی از وضع موجود و امیدواری نسبت به اوضاع بهتر؛ حالتی که ضد یأس و ناامیدی است، حالتی که انسان را از ایستایی، سکون و توقف رها می کند، به تلاش و امیدواری می کشاند و چشم انتظار گشایش و رهایی در همه ی سختیها و بن بست های زندگی است. از واژه گویای انتظار چندین مفهوم برداشت می شود:

الف. عده ای تکالیف فردی و رسیدگی به امور عبادی و شخصی را در دوران غیبت اصل میدانند و امر به معروف و نهی از منکر را در همین محدوده جاری و ساری می کنند و معتقدند نباید کاری به سیاست، امور اجتماعی و مسائل جاری روزگار داشت. باید سیاستمداران را به حال خود رها کرد و دین و حکومت را از هم جدا دانست تا امام غایب با ظهور خویش جهان را از فساد و تباهی برهاند. این گروه آمادگی و انتظار را به اعمال اخلاقی و عبادی تبدیل کرده اند، منتظران را جماعتی می شناسند که از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دم می زنند، دعا می کنند، خواب و رویایی صادقانه می بینند و در هوای مکاشفه و ملاقات با پای برهنه بیابان ها را طی می کنند. کاری به کار خلق روزگار، دسیسه های دشمنان و آفت هایی که به جان آنان افتاده، ندارند. این انتظار، مخصوص منتظران منفعل، زبون، بی خاصیت و بیدرد است.

ب. عده ای ظهور امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را مشروط به فراوانی فساد، فحشا،

ظلم و بیداد می دانند و معتقدند هرگز نباید از منکرات جلوگیری کنیم تا گناه زیاد شود و شرایط ظهور تحقق پیدا کند؛ چرا که در روایات آمده، هنگامی که جهان از ظلم و جور پر شود امام موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین جهانی را پر از عدل و داد می سازد.

ج. عده ی کمی نیز پا را فراتر گذاشته و می گویند، برای تعجیل در امر فرج و تحقق ظهور امام باید به گناهان دامن زد و حتی از مردم خواستکه به فساد و فحشا روی آورند.

د. دسته دیگر نیز معتقدند که هر حکومتی، اگرچه حکومت صالحان که با موازین عقلی به وجود آید، پیش از ظهور محکوم به شکست است و فقط امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باید حکومت تشکیل دهد و وظیفه ی ما تحمل، شکیبایی و دعا برای دولت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است. با کمال تأسف عدم تبیین دقیق مفهوم انتظار برای این گروهها، که بسیار محدود هم هستند، باعث شده است تا این تعبیر غیر عقلانی را از روی کج اندیشی به کار برند. البته عده ای نیز با اغراضی کینه توزانه چنین تعبیر سستی را مطرح می کنند تا به اهداف ستیزه جویانه ی دشمنان کمک کرده باشند. در سستی، پوچی و بی اساسی چنین عقایدی، امام خمینی رحمت الله علیه چنین می فرماید: «اگر چنان عقایدی درست باشد؛ پس ما باید دعاگوی آمریکا و شوروی باشیم و دعاگوی افرادی از قبیل صدام و امثال آن باشیم. تا این که اینها عالم را از جور و ظلم پر کنند و حضرت تشریف بیاورند! وقتی حضرت تشریف بیاورند چه کنند؟ حضرت بیایند که ظلم و جور را بردارند، همین کاری که ما می کنیم و ما دعا می کنیم که ظلم و جور باشد! حضرت می خواهند همین ظلم را بردارند».<sup>(1)</sup>

ص: 391

و استاد شهید مطهری در یک تقسیم بندی از مفهوم انتظار برداشتهای خود را چنین بیان می کند؛ انتظار فرج دو نوع است: آنچه باید امید و آرزو داشت و آن چیزی که تقدیر الهی، نظام جهان را پوینده به سوی آن قرار داده، انتظاری که سازنده، تحرک بخش و تعهد آور است و آن افضل اعمال است و با فضیلت ترین عبادت است و انتظار دیگر که ویرانگر است و آن بازدارنده و فلج کننده است و نوعی اباحیگری محسوب میشود.

در انتظار ویرانگر، برداشت قشری از مردم از مهدویت و قیام و انقلاب مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) این است که صرفاً ماهیت انفجاری دارد، فقط و فقط از گسترش و اشاعه و رواج ظلمها، تبعیضها، اختناقها، حق کشی ها و تباهی ها ناشی می شود؛ نوعی سامان یافتن است که معلول پریشان شدن است، آن گاه که صلاح به نقطه صفر برسد، حق و حقیقت هیچ طرفداری نداشته باشد، باطل یکه تاز میدان شود، جز نیروی باطل نیرویی حکومت نکند، فرد صالحی در جهان یافت نشود، این انفجار رخ می دهد. این گروه معتقدند بهترین راه برای کمک به ظهور این است که ترویج و اشاعه ی فساد کنند. اینجا است که گناه، هم فال است و هم تماشا، هم لذت و کامجویی است و هم کمک به انقلاب مقدس نهایی و این گروه طبعاً به مصلحان، مجاهدان، آمران به معروف و ناهیان از منکر به نوعی بغض و عداوت می نگرند؛ زیرا آنان را از تأخیراندازان ظهور و قیام میدانند. برعکس اگر خود هم اهل گناه نباشند، در عمق ضمیر و اندیشه با نوعی رضایت به گناهکاران و عاملان فساد می نگرند؛ زیرا اینان مقدمات ظهور را فراهم می کنند. این نوع برداشت از ظهور و انتظار فرج منجر به نوعی تعطیل در حدود و مقررات اسلامی می شود و نوعی

اباحیگری باید شمرده شود و به هیچ وجه با موازین اسلامی و قرآنی وفق ندارد.

انتظار سازنده: در روایات اسلامی و آیات قرآن برعکس اباحیگری ظهور حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حلقه ای است از حلقه های مبارزه اهل حق با اهل باطل که به پیروزی نهایی اهل حق منتهی می شود. سهیم بودن یک فرد در این سعادت موقوف به این است که آن فرد عملاً در گروه اهل حق باشد. آیاتی که در روایات به آنها استناد شده است، نشان می دهد که مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مظهر نویدی است که به اهل ایمان و عمل صالح داده شده است، مظهر پیروزی نهایی اهل ایمان است و خداوند می فرماید: «به مؤمنان شایسته کاران شما وعده داده است که آنان را جانشینان زمین قرار دهد، دینی که برای آنها آن را پسندیده است مستقر سازد، دوران خوف آنان را به دوران امنیت تبدیل کند، دشمنان آنان را نابود سازد، بدون ترس و واهمه خدای خویش را بپرستند و به اطاعت غیر خدا گردن نهند و چیزی را در عبادت یا طاعت شریک حق نسازند» (نور / 55).

ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتهی بر مستضعفان و خوار شمرده شدگان است و وسیله ای برای پیشوا و مقتدا شدن آنان است. در روی زمین ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تحقق بخش وعده ای است که خداوند متعال از قدیم ترین زمان ها در کتب آسمانی به صالحان و متقیان داده است که زمین از آن آنان است.

در روایات شیعه عبارت و اصطلاح بسیار لطیف و مناسبی برای انتظار در نظر گرفته شده که آن انتظار فرج است. فرج به معنای نصرت، پیروزی و گشایش گره های زندگی از جانب خداوند است. مقصود از انتظار فرج، انتظار دگرگونی مثبت و گسترده در زندگی



بشر و زدوده شدن ناکامی‌ها و نابسامانی‌ها از چهره‌ی غم‌زده‌ی جامعه‌ی انسانی است و پیروزی حکومت عدالت‌گستر و معنویت‌گرای مهدوی بر دولت‌های شرک، کفر و ستم است. در روایات، توصیه‌های فراوانی در مورد انتظار فرج و ارزش و فضیلت‌های بی‌شمار آن شده است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را برترین اعمال و عبادات می‌داند و می‌فرماید: «انتظار فرج و گشایش از جانب خدای بلند مرتبه برترین عمل من است». (1) و نیز می‌فرماید: با فضیلت‌ترین عبادات، انتظار فرج است». حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید:

منتظر فرج باشید و از رحمت خدا مأیوس نشوید که محبوب‌ترین اعمال نزد خداوند عزوجل، انتظار فرج است. کسی که پذیرای امر ما باشد فرداها در «خیطره القدس» با ما است و کسی که منتظر فرج باشد، مانند کسی است که در راه خدا، به خون خود آغشته شده است». (2) امام جواد (علیه السلام) می‌فرماید: «برترین عمل شیعیان ما انتظار فرج است، هر کس این امر را بداند و آن را بشناسد، با همین انتظار در کارش گشایش و فرج می‌شود» (3)

امام صادق (علیه السلام) حالت‌های شیعیان در دوران غیبت و انتظار گشایش و فرج را چنین بازگو می‌کند و می‌فرماید: «نزدیکترین جایی که خدای متعال به بندگانش هست و نیز بیشترین زمانی که از ایشان راضی است، وقتی است که حجت الهی را از دست بدهند و او برایشان ظاهر نشود و جایش را ندانند، در عین حال یقین دارند که آن حجت باقی است و باطل نشده است. پس در آن هنگام هر

ص: 394

---

1- بحار الانوار، ج 52: ص 128.

2- بحار الانوار، ج 53: ص 123.

3- بحار الانوار، ج 52: ص 110.

صبح و شام، منتظر فرج باشید».

از روایات بیان شده چنین برمی آید که عموم مردم جهان، به خصوص شیعیان باید منتظر ظهور و قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) موعود باشند که از سر پرده ی غیبت بیرون آید. انتظار فرج، در واقع نوعی آمادگی و استقبال از نیکبختی است. آمادگی برای تلاش و حرکتی مداوم و کوششی خستگی ناپذیر همراه با تهذیب نفس، پاک زیستن، حق خواهی و دور ماندن از زشتیها و آلودگی ها؛ به همین جهت وقتی شخصی از امام صادق (علیه السلام) پرسید که فرج کی خواهد بود؟ آن حضرت فرمود: «.. آن کسی که قیام امام را بشناسد، برآید و به جهت انتظارش فرج شده است. بر این اساس، انتظار فرج، فراتر از انتظار معمولی است؛ یعنی انتظاری همراه با آگاهی، بصیرت، درایت، معنویت، آمادگی، حق گرایی، عدل خواهی، شناخت حق و شناختن رهبر و امام حق و انتظار یاری رساندن به او است. چنین شخصی در غیبت امام، چنان رفتار می کند که گویا در زمان ظهور و حضور او زندگی می کند.

به همین دلیل شیعه تمامی دشواری ها و کاستی ها را پشت سر نهاده، از خطر انقراض و زوال دور مانده است. .

و از مهم ترین رازهای نهفته، بقای تشیع همین روح انتظاری است که کالبد شیعه را آکنده از تلاش و کوشش و جنبش ساخته است. انتظار، ظرفیت و توانایی فراوانی برای تحقق جامعهی آرمانی اسلام ایجاد می کند و رفتارها و برنامه ها را بدان سمت سوق می دهد. این والاترین عبادت و بهترین عمل است. انتظار فرج یعنی، تلاش و کوشش برای پیشرفت و ترقی، اصلاح طلبی و امید به زندگی بهتر، گشایش در امور، نفی وضع موجود (ظلم و

ص: 395

بی عدالتی، فساد و تباهی)، طرد و عدم پذیرش حکومت‌های سیاسی، قیام و انقلاب و نهضت مداوم و فعال، ضرورت تشکیل حکومت‌های دینی و مشروع، عدم انقیاد و سازش در برابر جباران و مفسدان. بر این اساس، انتظار، همیشه جنبش آفرین و سرچشمه‌ی قیام، مقاومت، ایثار و حرکت است و حالت فرسایشی و سست‌کنندگی ندارد؛ زیرا منتظر می‌تواند با تلاش و زمینه‌سازی خود فرج و گشایش را نزدیک کند و امکانات و بسترهای فرهنگی، نظامی، سیاسی و اجتماعی آن را فراهم سازد. نقطه شکوفایی و اوج این تفکر انتظار مثبت) در عصر پیروزی انقلاب اسلامی ایران نمودار شد و دوران تاریک و پر از ظلم و فساد رژیم پهلوی را از صفحه تاریخ محو کرد. آگاهی فزون‌تر علما و عموم شیعیان، زمینه را برای ظهور و بروز آثار و پیام‌های اصلی انتظار فراهم ساخت و آن عبارت بود از: عدم پذیرش نظام فاسد حکومتی، عدم تحمل ظلم و ستم فراوان و دین‌ستیزی آشکار و تشکیل حکومت دینی در راستای تعمیق بخشی به اندیشه مهدویت. پس انتظار ظهور مهدی موعود، منشأ خمودگی و رکود جوامع اسلامی نیست و عدم تحقق آن تا امروز، موجب دل‌سردی و یأس نمی‌شود؛ زیرا در روایات متعددی بیان شده است که دوران غیبت، دوره امتحان و آزمایش مردم است. باید تلاش کرد تا با تقویت باورها و اعتقادات، در مقابل سختی‌های زمان غیبت مقاومت کرد و در عین حال خود را برای ظهور و شرکت در قیام امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آماده ساخت. لازم به ذکر است که آثار انتظار منحصر در بعد سیاسی نیست؛ بلکه انتظار و مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باوری، زوایا و ابعاد مختلفی دارد.

الف. بعد توحید: انتظار در ماهیت خود، انسان منتظر را متوجه خدای جهان می کند، توجه به خدا و طلب فرج از درگاه او، از مهم ترین اصول مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) باوری است.

ب. بعد نبوت: منتظران چشم به راه کسی هستند که در او صفات و آثار پیامبر (صلی الله علیه واله) گرد آمده است. هر انسانی دوست دارد که حضرت آدم، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی (علیه السلام) و محمد (صلی الله علیه واله) را ببیند، می تواند چهره آنان را در مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ببیند. او می آید تا آرمان پیامبران را تحقق بخشد و دین خدایی را گسترش دهد و ندای توحید را به همه ی عالم برساند.

ج. بعد قرآنی: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده کننده ی همه ی احکام قرآن است. انسان منتظر همواره این آرمان را در دل زنده می دارد که روزی با ظهور آن حضرت، قرآن و آموزه های آن در سراسر جهان حاکمیت یابد و برنامه زندگی می شود.

د. بعد امامت: مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) وصی صدیقین و خاتم ائمه طاهرین است. امامان پیشین یکایک او را یاد کرده اند. او فرزند و یادگار و ادامه دهنده ی راه آنان است. مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظر قائم امامت است و انتظار ظهور او، بزرگ ترین تأکید بر اصل امامت و رهبری است.

ه بعد عدل: انتظار مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) انتظار ظهور عدل است. او جهان آکنده از بیداد را از داد پر می سازد و عدل خدایی را در همه جا سرایت میدهد.

و. بعد معاد: در امر انتظار، اصل اعتقادی بسیار مهم معاد و بازگشت مسؤولانه به نزد خداوند، همواره حضور دارد. مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به هنگام ظهور ستمگران را کیفر می دهد و ظالمان را به سزای اعمال

خود می رساند و مؤمنان را عزیز می دارد. به هنگام ظهور او، گروهی از پاکان و پلیدان به جهان باز می گردند و پلیدان کیفر و مجازات می بینند. از علایم حتمی فرارسیدن رستاخیز، ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است تا او نیاید عمر جهان به سر نمی رسد و قیامت بر پا نمی شود.

ز. بعد دانش و خردورزی: مهم تر از همه، توجه ویژه منتظران به علم و دانایی است؛ به گونه ای که در پرتو ظهور حضرت، عقل و خرد جامعه بشریت کامل می شود و زمینه های رشد، توسعه و سعادت در تمام زمینه های علمی، صنعتی و آبادانی فراهم می شود.

ح. بعد دینداری: از ویژگیهای انسان منتظر دینداری و دیانت پیشگی است. انسان در دوران انتظار باید با مواظبت بیشتر، به امر دین خود و به دینداری و صحت اعمال خود پردازد و از هر گونه سستی و انحراف دوری گزیند و اگر خطایی مرتکب شد با توبه برگردد و در خط صحیح قرار گیرد و به امام توجه و توسل جوید.

ط. بعد پارسایی: انسان منتظر علاوه بر تدین و تقوا باید پارسا باشد و خود را چنان که آن پیشوا دوست دارد، بسازد و به او و یارانش شباهت پیدا کند تا به لطف خدا در شمار آنان به حساب آید. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «هر کس خوش دارد در شمار اصحاب قائم باشد، باید چشم به راه باشد و پارسایی پیش گیرد».

ی. بعد تقید مکتبی: یکی از ابعاد مهم، در فلسفه عالی تشیع، تقید دقیق به مکتب و خط مکتب است. متابعت عاشقانه از حق و رهبر حق و مخالفت خصمانه با ناحق و رهبر ناحق. این تقید مکتبی و صلابت اعتقادی و حماسه داری دینی و سازش ناشناسی خطی، از ویژگیهای رهروان راه سرخ تشیع پایدار علوی است و این شعار شیعه در طول تاریخ است: «منم بنده ی اهل بیت نبی، ستاینده ی

خاک پای وصی، بر این زادم و بر این بگذرم، چنان دان که خاک پی حیدرم» (1).

انسانیت و رعایت ارزش انسان، تنها و تنها در تعالیم علی و آل علی (علیه السلام) جلوه گر است و انسان آگاه از این تعالیم، فدایی این راه است. دوستی علی و آل علی (علیه السلام)، دوستی انسان و انسانیت و دشمنی با علی و آل علی (علیه السلام) دشمنی با انسان و انسانیت است و انسان منتظر مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آل محمد (صلی الله علیه واله) چنین است.

ک. بعد امر به معروف و نهی از منکر: یکی از تکالیف عمدی دینی، امر به معروف و نهی از منکر است. با این دو عمل احکام و فرایض الهی برقرار می ماند و جامعه دینی را از انحراف نجات می دهد و همچنین رضا و خشنودی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آن است که معروف عملی شود و منکر ترک شود. انسان منتظر نمی تواند در این باره بی تفاوت باشد. بزرگ ترین امرکننده به معروف و نهی کننده از منکر در روزگار ظهور خود مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ پس چگونه ممکن است که جامعه ی منتظر، خشنودی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نخواهد و در این بعد، به آن حضرت اقتدا نکند و به او تشبه نجوید؟ پیامبر (صلی الله علیه واله) در حدیثی می فرماید: «حال آن کسان خوش است که در غیاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) نیز به او اقتدا کنند» و شاخص مهم این اقتدا، امر به معروف و نهی از منکر کردن و تلاش برای اقامه ی احکام خدایی است و این امر باید مشخصه ی عمدی انتظار باشد و سیمای آشکار جامعه ی منتظر باید این گونه باشد.

ل. بعد اخلاق اسلامی: این بعد باید در جامعه ی منتظر حضور محسوس داشته باشد. جامعه ی منتظر باید جامعه ای اسلامی باشد و

ص: 399

بزرگترین وجه تمایز جامعه‌ی اسلامی، از دیگر جامعه‌ها، همان اخلاق نورانی اسلام است. انسان منتظر باید دارای اخلاق اسلامی باشد و جامعه‌ی منتظر باید مظهر اخلاق اسلامی باشد. شیعه باید با رفتار انسانی و اخلاق محمدی و صفات علوی و فضایل جعفری همواره مایه‌ی زینت و افتخار و آبروی ائمه طاهرین باشد و به گونه‌ای باشد که ائمه بتوانند به شیعیان خود افتخار کنند.

م. بعد آمادگی نظامی: امر آمادگی نظامی در عصر انتظار است؛ انسان منتظر، آماده قیامی بزرگ و انقلابی خونین و درگیری عظیم و جهانی است. آیا ممکن است که خود هیچ گونه آمادگی برای حضور در این درگیری و کمک به این انقلاب نداشته باشد؟ مسلمان باید همیشه آمادگی نظامی و نیروی سلحشوری داشته باشد، تا به هنگام طلوع حق، به صف پیکارگران رکاب مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بپیوندد و در آن نبرد بزرگ حق و باطل، حماسه آفریند و حضور فعال داشته باشد.

خلقی که در انتظار ظهور مصلح به سر می برد باید خود صالح باشد؛ زیرا قرآن کریم می فرماید: «أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»؛ حکومت زمین سرانجام به دست بندگان صالح ما خواهد افتاد (انبیاء/105). این بندگان صالح چه کسانی هستند؟ اینان همان شیعیان حضرت مهدی هستند. شیعه‌ی مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) همان شیعه آل محمد (صلی الله علیه واله) است و آنها کسانی هستند که وقتی فساد، ستم، تباهی و تجاوز به اوج خود رسید و جهان در حال انحطاط بزرگ است، این قوم به خدا مؤمن هستند و به غیبت ایمان دارند و اهل دین و دینداری هستند و امام غایب را ناظر بر کردارها و اعمال خود میدانند و خویشان را شیعه‌ی آن امام میدانند و جزو جوهر اصلی

دیشان «عمل صالح» است و خود، منتظرند و شب و روز چشم به راه هستند تا آن امام برسد و جامعه را از ظلم و فساد و تباهی پاک کند. پیوسته در دعاهای خویش می خوانند که «خدایا ما را از یاران آن امام قرار ده» و آن امام مصلح را می طلبند. پس چنین قومی نباید در بی خبری و غفلت به سر ببرند؛ بلکه باید خود صالح باشند تا بتوانند پیش از ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به او اقتدا کنند و بر طبق رضای آن امام عمل کنند و به آرمانی که مقدس می شمارند یعنی نشر صلاح و عدل در همه ی جهان، خود پایبند باشند و چنین مردمی باید خود صالح باشند تا با مصلح سنخیت پیدا کنند و در ادعای خود صادق به شمار آیند و چون مصلح ظهور کند بتوانند در کنار او قرار گیرند و از یاوران پرهیزگار و امین او باشند و با کمک او صلاح و فلاح را در جهان بگسترانند. این قوم و این ملت باید در میان دریای متلاطم بشریت جزیره ای باشند، نمودار آرمانی که از آن دم می زنند، و آن را جوهر دین خود می دانند و چشم به راهند که امامشان بیاید و به کمک او این آرمان مقدس را که عدالت خواهی و پاکی است در همه ی جهان گسترش دهند. (1)

### تکلیف در دوران انتظار

انتظار تجلی جامع و تبلور کامل تربیت های مکتب است؛ انتظار شاخص منور ابعاد عقاید حق است و تبلور کامل تکالیف دین، انتظار جریانی بسیار سازنده و مهم است. دوره ی غیبت و انتظار از یک جهت مانند زمانی است که معلم از کلاس خارج شده، هر لحظه ممکن است به کلاس برگردد تا بنگرد شاگردان در غیاب او چه

ص: 401



کرده اند و تکالیف خود را چگونه انجام داده اند و انسان منتظر، شاگرد مکتب پیامبران و حاضر در کلاس دین حق است. او همواره مراقب خود است و در علم و عمل می کوشد تا رضای کامل معلم خود را فراهم کند. دوران انتظار دوران حساس حضور تکلیفی است؛ هم در ابعاد تکالیف فردی و هم در ابعاد تکالیف اجتماعی و تکلیف بزرگ این دوران نگرهبانی دین خدا در سطح فردی و اجتماعی است. در روزگار انتظار تکلیف برداشته نمی شود و باید احکام خدا به قوت خود باقی باشد و رعایت تقوا، پارسایی، حفظ خط مکتب و رهبری و امامت از واجبات این دوران است و از عمده ترین احکام، مبارزه ی با ظلم و امر به معروف و نهی از منکر است. همان گونه که گفته شد یکی از ابعاد عظیم تکلیف در روزگار انتظار، حفظ دین و نگرهبانی مرزهای عقیدتی و حراست از باورهای مقدس دین است و منتظران نباید در این امور بزرگ کوتاهی کنند. باید فروغ ایمان و نور یقین و پرتو عقیده ی به حق، همواره در دل و جان آنان محفوظ باشد و ایمان اعتقادی با ایمان عملی در آنان یکی شود و از سن تکلیف در نوجوانان و جوانان بعد عمل به احکام و عمل درست تقویت شود و جزو هویت اصلی آنان قرار گیرد تا کم کم حق و فداکاری در راه اعتلای حق، چون خون، همه ی وجود آنان را فرا گیرد و چون روح، جوهر حیات آنان شود.

مفهوم صحیح انتظار در دیدگاه شکوهمند شیعه فهم تکلیف است نه رفع تکلیف. در رفع تکلیف همه دست روی دست می گذارند و منتظر ظهور امامی هستند که با ظهورش جهان را از ظلم و فساد برهاند؛ اما در فهم تکلیف هر کسی به عدالت می اندیشد، اقبال نشان می دهد، نسبت به تکالیف در دوران غیبت شناخت پیدا می کند، با

امام زمان خویش میثاق می بندد، مال و جان و هستی خویش را به علامت محبت بذل می کند، به آمادگی جسمی و روحی همت می گمارد و نسبت به راه و اهداف امامش بصیرت پیدا می کند. از ظلم و بیداد تنفر قلبی دارد و خود نیز با اقدام خویش در صدد برپایی زمینه ی دادگری و اصلاح است. منتظران حضرت مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تکلیف خویش را فهمیده، به آن عمل می کنند. یکی از فعالیت هایی که منتظر واقعی انجام می دهد تحقق عدل و احسان در جامعه است و این همان سخن قرآن کریم است «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»؛ خداوند به اقامه ی عدل و اشاعه ی احسان امر می کند (نحل/90).

منتظران ظهور دولت حق و حکومت عدل و آنهایی که خود در انتظار تحقق حکومت عدل جهانی به سر می برند، باید پیوسته نمونه این عدل و عدلطلبی باشند و جامعه ی خویش را از احسان سرشار سازند و باید جامعه ی آنها نمونه ی آن عدل و دادی باشد که از آن دم می زنند. آیا میشود جامعه ای خود را منتظر حکومت عدل جهانی بداند و خود، در روابط اجتماعی، معاملات، حقوق و قوانین خود عدالت را عملی نسازد؟ و از عدل و داد طرفداری نکند؟ آنها باید تجسم اعتلای عدالت و دادگری باشند تا بتوانند مصداق واقعی انتظار شوند.

### **ویژگی های یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در عصر انتظار**

از اساسی ترین ویژگی های یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معرفت و شناخت است؛ معرفت عمیق نسبت به خداوند متعال. این معرفت آنچنان استوار است که نه شهادت در آن خللی ایجاد می کند و

نه تردیدها و شکها در حریمش راه می یابد و امام علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید: «یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخرالزمان کسانی هستند که به خداوند آن چنان که شایسته است، معرفت دارند». (1) ثمره ی معرفت به خداوند، ایمان به او و عمل صالح است؛ پس یاران حضرت زندگی مؤمنانه ای دارند و اخلاق و رفتارشان بسیار شایسته و انسانی است و خداوند آنها را به همین دو صفت در آخرالزمان معرفی می کند و می فرماید: «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده، کارهای شایسته انجام داده اند و عده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد...» (نور / 55).

ایمان و معرفت الهی در دل یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ریشه دوانده و آنها را در برابر حق تعالی خاضع می کند. چنان که امام صادق (عجل الله تعالی فرجه الشریف) درباره عبادت و راز و نیاز یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چنین می فرماید: «یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در دل شب از خشیت خداوند ناله هایی دارند، مانند ناله های مادران پسر مرده». (2) پیامبر (صلی الله علیه واله) می فرماید: «یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در طریق عبودیت اهل جدیت و تلاش هستند». (3)

و اما شناخت که در تربیت اسلامی اهمیت خاصی برای آن قایل هستند و آن این است که هر عقیده ای درباره هر چیزی که دارند باید از روی شناخت و بصیرت باشد و هر فعلی و ترک آن که از انسان سر می زند باید بر پایه ی شناخت باشد و این مسأله در عصر غیبت که امام معصوم (علیه السلام) غایب است، از اهمیت بیشتری برخوردار است و در این روزگار شناخت وظیفه و شناخت عقاید و افکار و

ص: 404

1- بحار الانوار، ج 57: ص 229.

2- یوم الخلاص: ص 224.

3- بحار الانوار، ج 36: ص 207.

موضوع گیری ها و اعمال اهمیتی ویژه پیدا می کند و شناخت و معرفت به امام معصوم (علیه السلام) را باید جدی گرفت و از این رو در روایات تأکید فراوان بر این موضوع شده است. در فراز آخر دعای عرفان از خداوند چنین می خواهیم: که حجت خودش را برای ما معرفی کند و بیان می کنیم که اگر چنین نشود، به وادی گمراهی دینی خواهیم غلتید».

در روایات فراوانی آمده است که اگر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خویش را نشناسیم، مانند مردم دوران جاهلیت از دنیا خواهیم رفت. از امام صادق (علیه السلام) نقل شده که «امام خودت را بشناس؛ زیرا هرگاه امام خود را شناختی، تقدم یا تأخر این امر زیانی به تو نرساند». (1)

یعنی، چه دولت حق زود ظاهر شود و یا دیر، برای تو مساوی خواهد بود و زیانی نکرده ای؛ زیرا زیان برای کسی است که امامش را نشناخته است. این شناخت دو تبلور دارد: یکی استقامت و پایداری، هنگامی که انسان حق و راه حق را به درستی شناخت، در آن راه پایداری می کند و در برابر مشکلات و ناسازگاری های زمان تحمل و بردباری به خرج می دهد و به هیچ وجه، دست از راه حق برنمی دارد و این خود فضیلتی بزرگ است که امام صادق (علیه السلام) از پیامبر (صلی الله علیه و اله) روایت فرموده است و آن حضرت به اصحاب خویش گفت: «پس از شما مردمی خواهند آمد که به یک تن از آنان، اجر پنجاه تن از شما را خواهند داد». اصحاب گفتند: ای پیامبر! ما در جنگهای بدر، احد و حنین با تو بوده ایم و دربارہ ی ما آیاتی از قرآن نازل شده است، این چگونه خواهد بود؟ پیامبر (صلی الله علیه و اله) فرمود: «شما اگر در شرایطی که

ص: 405

---

1- اصول کافی، کتاب الحججه، باب من مات - حدیث 3.

آنان قرار می گیرند قرار بگیرد، آن تحمل و شکیبایی را که آنان دارند نخواهید داشت».

## (1)

پس انسانهای عصر غیبت، باید شناخت درست و بصیرتی در خشان داشته باشند تا بتوانند اعتقاد به حق را حفظ کنند و در برابر هر پیشامد، پایدار باشند. انسان منتظر باید بداند انتظار چیست؟ انتظارش برای چیست؟ او منتظر کیست؟ ظهور مقدمه ی چه اموری است؟ اگر این شناخت صحیح را به دست آورد، دارای فضیلتی بزرگ خواهد بود. چنان که امام صادق علیه السلام فرماید: «هر کس امر امامت و رهبری را بشناسد، آن گاه پیش از قیام قائم از جهان برود، پاداش او مانند کسی است که در رکاب قائم شهید

## شود».(2)

و این بدان علت است که با شناخت امر رهبری و امامت، انسان در خط الهی معرفت و تکلیف قرار می گیرد و داخل حوزه ی ولایت الهی می شود و چنین کسی در هر حال در مقام قرب و کرامت است.

و دیگری پیروی از خط رهبری است. در زمان غیبت امام باید از آداب و احکام امامان پیشین پیروی کرد و راه را چنان که آنان فرموده اند پیمود. امامان تأکید کرده اند که در عصر غیبت به آداب و احکام دینی خود که از مکتب فرا گرفته اید، عمل کنید و خط اعتقادی و عملی خویش را با استواری، صلابت و با اعتقاد و تقید نگه دارید. امام صادق (علیه السلام) چنین می فرماید: «هر گاه زمان غیبت فرا رسید، به دستورهای امامان پیشین چنگ در زنید تا امام آخرین ظهور کند. هر گاه روزی رسید که امامی از آل محمد در میان خود

ص: 406

---

1- بحار الانوار، ج 52: ص 131.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 134.

نداشتید، همان امامانی را که دوست میداشتید دوست بدارید و همان کسانی را که دشمن می داشتید، دشمن بدارید و همواره در خط رهبری و ولایت حق جای داشته باشید و صبح و شام در حالت انتظار به سر ببرید. همان دینی را که داشتید داشته باشید تا خداوند ستاره‌ی هدایت شما را طالع سازد و صاحب دین را برساند» (1).

یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) با بینش عمیق نسبت به آن حضرت باید پیمانه‌ی مودت خویش را از نور موالات خاندان پاکی‌ها (معصومین (علیه السلام)) سرشار کنند؛ زیرا در سایه سار فرهنگ (موالات) پاکان همه‌ی مفساد دنیوی ما در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی اصلاح می‌شود. واژه‌ی موالات دارای دو مفهوم است و این دو رکن همراه با هم، معنابخش ماده‌ی موالات هستند. واژگان دوستی و پیروی با هم موالات را در ذهن‌ها به تفسیر تصویر می‌کشند و موالات یعنی ما شیعیان خاندان اهل بیت (علیه السلام) را دوست می‌داریم و از آنان اطاعت می‌کنیم و آنان نیز ما را دوست داشته، توسلات و تقاضاهای ما را اجابت کرده، ما را شفاعت می‌کنند. موالات، محبت دوطرفه است و آن حضرت با محبت زیاد به شیعیان خود نظر دارد و پیمانه‌ی مودت و دوستی را باید از نور موالات محمد و آل محمد مودتی سرشار و سرریز کرده است که اجر زحمات رسول و پاداش رسالت آن بزرگوار است، همچنان که در آیه‌ی از قرآن چنین آمده است «لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده فی القربی»؛ برای رسالتم هیچ اجر و مزدی از شما نمی‌خواهم مگر دوستی اهل بیتم (شوری / 23). و در آیه دیگر

ص: 407

چنین آمده که «قل ما سألتكم من أجر فهو لكم» (سبا / 47). سود و ثمره ی این محبت و علاقه، به خود ما باز می گردد و ما را به پاکان و پاکی ها وصل می کند و به اوج و رفعت می کشاند و در زیر سایه ی ولایت ائمه به رستگاری دست یافته، از ذلت رهایی پیدا می کنیم . در آیه ی دیگر چنین می خوانیم: «ما أسألكم عليه من أجر الا من شاء أن يتخذ الی ربه سبيلا» (فرقان / 57).

فقط از کسانی که بخواهند راه را بیابند و حرکت کنند، رسول مزد رسالت را می خواهد. در دعای ندبه آمده است: «همانا تنها، این خاندان راه به سوی خدا دارند و طریقه ی کسب رضوان اویند». در آیات یاد شده سخن از آن است که اجر و پاداش رسالت حضرت محمد (صلی الله علیه واله) مودت است، پاداش این مودت برای خودتان است، آن اجر، فقط از آن کسانی است که خواسته باشند راه یابند. این محبت سرشار است که می تواند به گام های ما، توان دهد و آن را در راه خدا همراه با ثبات و استواری، به حرکت و جریان بیندازد و با این محبت به حجت خداست که با تمام وجود نجوا می کنیم «السلام علیک یا سبیل الله الذی من سلک غیره هلك» (دعای صاحب الامر). توای حجت خدا تنها راه هستی و من سرشار از عشق تو هستم و با تو آغاز می کنم و با تو ادامه میدهم و تنها تو شفیع و همراه من در آغاز و در ادامه هستی، راستی کبوتر دل من، در کدامین آسمان باید پرواز کند و در کدامین استان باید آشیانه گزیند؟ آیا جز آسمان پاکیها که راه نجات، سعادت و رشد مرا به همراه دارد و آستان پاکان، که پناهی مهربان و دلسوز است، راهی هست؟ تو آگاه به تمامی راه هستی و آزاد از تمامی جاذبه ها، تو خلق را برای خدا می خواهی و در جهت او به حرکت میداری و آنان را به قله های

قرب و رضوان رهنمون می سازی یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) اطاعت بی چون و چرا از آن حضرت دارند و خواست حضرت را مقدم بر خواست خود می دانند (و اطاعت آنان از مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از فرمانبرداری کنیز در برابر مولایش بیشتر است). (1)

یاران امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هیچ گاه به بهانه ی نواندیشی و روشن بینی، از امام خود سبقت نمی گیرند. یاران حضرت آرزو می کنند در راه خدا به شهادت برسند، یاران آن حضرت همواره اهل جهاد و مقاومت در راه خدا هستند و شجاعت و جسارتی در خور و عزمهای پولادینی دارند. امام سجاد (علیه السلام) می فرماید:

دل های یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چون پاره های آهن شده است». (2)

و این پویندگی برای گسترش هدایت و سازندگی است؛ بنابراین یاران آن حضرت در هر زمانی سختیها را به جان می خردند و از خوشی ها و لذتها چشم می پوشند و با دستهای مهربانشان، خوبیها و خوشیها را به دیگران هدیه می دهند تا از این رهگذر، قلب ها را نرم کنند و رهیندگان را به دامان پر از مهر و محبت دین برگردانند.

یاران حضرت در راه تحقق آرمان های جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشکلات و مصایب فراوانی را به جان می خردند؛ ولی از سر اخلاص و تواضع عمل خود را هیچ پنداشته، به جهت هجوم سختی ها و تحمل مشقت ها بر خداوند منت نمی گذارند. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «قوم... لم یمتوا علی الله بالصبر» یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) کسانی هستند که

ص: 409

---

1- نقل از امام صادق (علیه السلام)، بحار الانوار، ج 52: ص 308.

2- بحار الانوار، ج 52: ص 316.



به جهت بردباری شان بر خداوند منت نمی گذارند» (1).

در دل یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خودخواهی و هواهای نفسانی رخت بر بسته، به جای آن، خداخواهی و خداپرستی نشسته است و آنان یک رنگ و یک دل هستند و یاران مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دل هایی متحد دارند.

توجه به وجود الهی و اجرای احکام خداوند تأثیر شگرفی بر روان یاران آن حضرت بر جای خواهد گذاشت.

و ملامت ها و سرزنش های کوتاه بینان و عافیت طلبان در عزم آنها خللی ایجاد نخواهد کرد. یاران حضرت ظلم ستیز هستند؛ چون خود حضرت ظلم ستیز است و کسانی در این راه استوار می مانند که از ظلم و جور گریزان باشند.

یاران حضرت حقیقتاً از آلودگی های مختلف پاک هستند، آنها با قول و عمل خویش، با بدی ها مبارزه می کنند. امر به معروف و نهی از منکر از ویژگی هایی است که قرآن برای مؤمنان واقعی بر شمرده است. و یاران حضرت امر کنند به معروف و نهی کنند از منکر و آنها مؤمنانی هستند که قرآن از آنها یاد کرده است.

### انتظار نماد تشیع

مسأله انتظار در فرهنگ شیعه از چنان اهمیتی برخوردار است که به عنوان اصلی برجسته همواره یکی از نمادها و معرفهای آیین تشیع قلمداد شده است. بر این اساس در طول تاریخ این مذهب، همراه با پیشینیان (ائمہ معصوم (علیه السلام)) در انتظار مصلح حقیقی روز شماری؛ بلکه لحظه شماری کرده، به ویژه روزهای جمعه که در زیارات مخصوص آن حضرت دعای ویژه ای است، می خوانند و این

ص: 410

---

1- شرح نهج البلاغه ابی الحدید، ج 9، ص 129.

روز را به عنوان نمادی از حالت انتظار، پاس و گرامی میدارند. در این روز منتظران و شیعیان پاکباز آن حضرت در انتظار مقدم موعود، دادگستر و امام عدالت پرور از محله و دیار و شهر خویش خارج می شوند و چشم به راه ظهور مولایشان می مانند و به خواندن دعای ندبه به عنوان نماد عشق و دلدادگی می پردازند.

خواندن دعا و زیارت علاوه بر حال توسل به امام، نوعی تمرین فکری تلقی می شود تا منتظران نام و یاد امامشان را در خاطر داشته باشند و به مخالفان و معاندان، حضور و ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را گوشزد کنند. شیعیان از دیرباز تا کنون هیچگاه در مقابل جور ظالمان و تجاوز ستم کاران سکوت نکرده، با الهام از عاشورا و انتظار در مقابل هر بیدادگری ایستادگی کرده، از شرف، ناموس و دین و آیین خویش دفاع کرده اند و آنان مفهوم انتظار را با اقدام و عمل خویش توأم کرده اند و مفهوم صحیح و قابل قبول آن را در نظر داشته اند. شیعیان هیچگاه در مقابل ستم و تعدی دست روی دست نگذاشته، منفعلانه در برابر ستم پیشگان برخورد نکرده اند؛ حتی شیعیان در همیشه تاریخ به امید پیروزی حق بر باطل و ظهور حجت عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سر بر بالین نهاده اند تا صبحگاهان امر فرج را مشاهده کنند (شیعه عقیده دارد انسان چون به هنگام شب در بستر می رود، باید به این امید بخوابد که صبح هنگام چون از خواب برمی خیزد، ببیند که حجت عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ظهور کرده است و در تأیید او آماده باشد؛ گویا فرد شیعه به امید ترقی و عالم گیری و اقتدار مذهب خود از خواب برمی خیزد).<sup>(1)</sup> یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را همواره باید در میان کفن پوشان، جان بر کفان، مبارزان و

ص: 411

---

1- مصلح جهانی: ص 77.

خدمتگزاران به حق دانست؛ نه آنان که سکوت و بی تفاوتی وجودشان را پر کرده، غرق در رفاه زندگی و عافیت طلبی هستند. یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را کسانی هستند که همواره آرزو می کنند: «پروردگارا! اگر میان من و امام زمانم، مرگ، که بر تمام بندگان قضای حتمی است، جدایی افکند؛ پس هنگام ظهور او مرا از قبر برانگیز، در حالی که کفنم را پوشیده، شمشیرم را از نیام بر کشیده ام و لبیک گویان دعوتش را که بر جهانیان واجب الاطاعه کرده ای اجابت کنم» (فرازی از دعای عهد، مفاتیح الجنان).

تمامی انقلابات شیعه از مفهوم انتظار پویا و سازنده سرچشمه گرفته است و شیعه با استمداد و بهره برداری از دو سرمایه ی با عظمت برای مقابله با دشمنان در طول حیات سیاسی و اجتماعی خود توانسته است قیامهای حق طلبانه ی خود را به ثمر برساند. این دو سرمایه عبارتند از: «عاشورا» و «انتظار» در پرتو این دو سرمایه ی بزرگ هیچگاه شیعه در مقابل ستمگران سر فرود نیاورد و همواره شعار «هیئات من الذله» را سرلوحه مرام خویش قرار داده است و از طرفی با درسی که از «انتظار» گرفته، هرگز به وضع موجود رضایت نداده است و عمل انقلابی را انتخاب و بامبارزه ی خود زمینه را برای ظهور مصلح جهانی فراهم کرده است و این دو عامل مهم مایهی حرکت ها، خیزش ها و پایداری شیعه در جهان معرفی شده است. عاشورا به عنوان «نگاه سرخ شیعه» و انتظار به عنوان «نگاه سبز شیعه» نام نهاده شد. (1) حیات شیعه دارای یک نکته اساسی دیگر است که ولایت اصل ذاتی و جوهری ماندگار و بی دلیل برای شیعیان است، که منشأ این ولایت شیعی «ولایت الهی» است. ظهور، تنزل و

ص: 412

تجلی ولایت الهی «ولایت نبی اکرم (صلی الله علیه واله)» است. این ولایت به فرمان خدای متعال در غدیر خم به علی بن ابی طالب (ع) و همه ائمه معصوم (علیه السلام) از فرزندان علی (علیه السلام) داده شده است. آخرین امام معصوم از سلاله پاک و مطهر اهل بیت (علیه السلام) پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه واله)، حجت بن الحسن مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است، که هم اکنون او عهده دار امامت و ولایت الهی بر امت مسلمان است و در عین حال به اذن حق تعالی و به علل مختلفی که به آنها اشاره شده است، در غیبت به سر می برند. ان شاء الله روزی به فرمان خداوند ظهور خواهند کرد و مأموریت نهایی خود را که بر پایه ی نظام توحیدی مبتنی بر قسط و عدل و سایر فضایل و کمالات معنوی و انسانی است، در سراسر گیتی به انجام خواهند رساند؛ اما در دوران طولانی غیبت آن حضرت، ولایت مورد بحث نیابت به فقهای بزرگوار شیعه که شرایطی ویژه دارند، تفویض شده است. بنابراین در این دوران ولایت فقیه به نیابت از ولایت الهی معصومین ع به عنوان یک چتر توحیدی شرعی بر سر امت اسلامی گسترده است. برای اثبات این ادعا دهها روایت مقبول و مستند علاوه بر دلایل عقلی وجود دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود: «و اما الحوادث الواقعة فارجعوا فیها الی ژواه

حدیثنا فانهم حجتی علیکم و آنا حجه الله علیهم». (1)

در حوادث و رخدادهایی که پیش می آید به راویان احادیث ما رجوع کنید، که آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدا بر آنان هستم. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «عالمان شیعه ما مرزبانان مرزی هستند که شیطان و لشکریانش از آنجا قصد هجوم دارند، آنان شیاطین را از یورش به حریم شیعیان ما باز می دارند و

ص: 413

نمی گذارند او و پیروان معاندش بر پیروان ما مسلط شوند». (1) امام هادی (علیه السلام) در روایتی دیگر می فرماید: «اگر بعد از غیبت قائم ماء عالمانی نباشند که از دین حمایت کنند و مردم را به سوی قائم ما فرا خوانند و شیعیان ناتوان را از وقوع در دام های شیطان و پیروان سرکش او برهانند؛ کسی باقی نمی ماند، مگر آن که از دین خدا برمی گردد. لکن عالمان دین، زمام دلهای شیعیان ضعیف را در دست می گیرند و همچون سکانداران کشتی، آنان را از خطرات و تهدیدها نجات می دهند» امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس»؛ دانشمندان و عالمان آگاه به زمان، از هجوم اشتباهات و لغزش ها در امان خواهند بود». (2)

امام خمینی رحمت الله علیه می فرماید: «انتظار فرج، انتظار قدرت اسلام است، باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور ان شاء الله تهیه شود». (3)

### پیوند انتظار با ولایت فقیه در عصر غیبت

ولایت فقیه به عنوان نیابت عامه ی امام معصوم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و وارث انبیای الهی و حافظ دین یکی از با ارزش ترین نتایج فرهنگ و تفکر انتظار است. عالمان دین در راستای جانشینی پیامبر (صلی الله علیه واله) و امام معصوم (علیه السلام) از آغاز غیبت صغری تاکنون، پاسداری امین و مخلص برای اسلام عزیز و مرزبان قلعه ی تشیع بوده اند. ولایت فقیه محصول گران قدر مهدویت است و شیعه در مسیر اعتقادات نورانی خویش، امامت را از اصول کمال بخش دین خود می داند؛ اصلی که بناکننده ی فروع

ص: 414

1- بحار الانوار، ج 2، ص 5.

2- بحار الانوار، ج 68: ص 307.

3- صحیفه نور، ج 20، ص 196.

دیگر مثل نماز، روزه، حج و زکات و نظایر آن است. شیعه در امتداد ولایت ائمه (علیه السلام) بنابر روایاتی که بیان شده، اطاعت از فقیهان مهذب و دارای شرایط خاص را واجب می داند و تکلیف خود را در عصر غیبت، از حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که فرمودند: «در رخدادهای اجتماعی به روایان احادیث که همان فقیهان و عالمان هستند رجوع کنید»، فرا گرفته اند و حضرت در فلسفه دستور خود تأکید می فرمایند که فقها حجت آن حضرت در میان مردم و وی حجت خدا بر آنان است. عالمان دین در سمت جانشینی پیامبر (صلی الله علیه واله) و امامان معصومین (علیه السلام) از آغاز غیبت صغرای دوازدهمین امام تاکنون با تحمل رنج ها و سختیها، نفقه در دین و نیل به مقام اجتهاد و تمسک به شیوهی اهل بیت (علیه السلام)، پیشگامان جهاد و مبارزه با ستمگران، طاغوتها و تجاوزگران به حریم اسلام و مرزهای مسلمانان را در عرصه های فکری، فرهنگی و نظامی، پاسداری و نگهداری کرده اند. البته ولایت ولی فقیه، ولایتی در شئون حکومت و اجتماع است نه ولایت تکوینی و تشریحی و ولایت مطلقه به معنای ولایت بی حد و حصر نیست؛ بلکه واژه مطلقه در ترکیب ولایت مطلقه فقیه اشاره دارد به این که باید ولایت خداوند از طریق ولایت فقیه در تمام حوزه های اجتماعی جاری و ساری شود به گونه ای که تمام قوانین، تصمیم گیری ها، استراتژیها، انتخاب مجریان و کارگزاران، نظام حقوقی و اجرایی و فعالیت های اقتصادی بر اساس شریعت الهی باشد.

امام خمینی رحمت الله علیه می فرماید: «در اسلام حکومت قانون است، هیچ جا در حکومت اسلامی نمی بینید که یک خودسری باشد، یک اعمال رأی باشد». (1) بنابراین اگر ولی فقیه گامی فراتر از فقه بردارد،

ص: 415

مشروعیت خود را از دست می‌دهد بدون این که هیچ گونه مسؤولیتی داشته باشد؛ ولی فقیه اگر تخلفی کرد باید در محکمه عدل اسلامی محاکمه شود. در اسلام نه تنها ولی فقیه ولایت مطلق به معنای ولایت بی حد و حصر ندارد؛ بلکه ولایت پیامبر (صلی الله علیه و اله) و ائمه (علیه السلام) هم بی حد و حصر نیست و اختیارات آنها نیز کاملاً در چارچوب شرع بوده است. صاحب نظران با استفاده از قرآن و روایات، سیره عملی پیامبر (صلی الله علیه و اله)، ائمه (علیه السلام) و به ویژه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در دوران حکومتش صفات و ویژگی های زیادی را برای حاکم اسلامی و ولی فقیه لازم و ضروری دانسته اند و بر آن تأکید ورزیده اند که مهم ترین آنها عبارتند از: اسلام و ایمان، فقاہت و اجتهاد عدالت و تقوا و خداترسی، شجاعت و دلیری، بینش سیاسی و اجتماعی، بردباری و شکیبایی، گذشت و اغماض، شرح صدر و ظرفیت روحی، مردممداری و فروتنی، روحیه سازش ناپذیری در برابر دشمن، قاطعیت در اجرای احکام و حدود الهی، مقبولیت و محبوبیت مردمی، قدرت اداری امور و تدبیر. (1)

حکومت بعد از پیامبر (صلی الله علیه و اله) در دیدگاه شیعه مخصوص امامان معصوم (علیه السلام) است که اولین آنها حضرت علی (علیه السلام) و آخرینشان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است و نصب آنان را خاص میدانند که از طرف خدا به عنوان حاکم جامعه اسلامی منصوب شده اند. به استناد آیات و روایات متعددی که در منابع اسلامی وجود دارد و حادثه مشهور غدیر خم، که همه ی آنها مشروعیت حاکم و حکومت را به نصب خاص دوازده نفر از جانب خداوند متعال می داند که به پیامبرش

ص: 416

دستور داده آن‌ها را به مردم معرفی کند. بنابراین همان مبنایی که موجب مشروعیت حکومت و حاکمیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) شد؛ یعنی نصب از طرف خداوند، مبنای مشروعیت امامان معصوم (علیه السلام) است و نقش مردم در مشروعیت بخشیدن به حکومت امامان معصوم (علیه السلام) صفر است. مشروعیت امامان معصوم (علیه السلام) حتی اگر در رأس حکومت هم قرار نگیرند، همچنان محفوظ است؛ چون مشروعیت از طرف خداوند است. ولی تحقق تشکیل حکومت اسلامی منوط به قبول و پذیرش مردمی است؛ یعنی عامل اصلی برای تأسیس و استقرار حکومت اسلامی مردم هستند و به همین دلیل است که امام علی (علیه السلام) 25 سال بعد از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) از حکومت بر کنار ماند و دیگران در رأس حکومت قرار داشتند؛ زیرا مردم در این مدت با حضرت بیعت نکردند و ایشان زمانی حکومت تشکیل داد که مردم از او خواستند که حاکم باشد و با او بیعت کردند. در عصر غیبت هم حاکم اسلامی به همین شیوه انتخاب می‌شود با این تفاوت که انتصابی بودن ائمه (علیه السلام) نصب خاص است؛ ولی انتصابی بودن ولی فقیه نصب عام است، یعنی مردم باید کسی را برگزینند که از جانب شرع (نصب عام) زعیم شایسته‌ای باشد و مشروعیت داشته باشد که این همان حق فرماندهی و حکمرانی است و (نصب عام) که از طرف خداوند تبارک و تعالی می‌گیرد و مردم در این زمینه نقشی ندارند.

مردم در مقبولیت حکومت نقش دارند؛ یعنی به حاکم قدرت اجرایی و امکان تشکیل حکومت می‌دهند و برای این امر پذیرش مردمی شرط است، یعنی تا مردم نخواستند باشند ولی فقیه نمی‌تواند حکومت تشکیل دهد. بنابراین همچنان که حمایت‌ها و تأییدات



الهی برای حکومت ولی فقیه امری حیاتی و تعیین کننده است، حضور مردم در صحنه ی سیاسی و حمایت و پشتیبانی آنها از حکومت ولی فقیه بسیار کارساز و نقش آفرین است و چنانچه مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی قوام بخش حکومت ولی فقیه باشد، هیچ قدرتی نمی تواند خدشه ای بر آن وارد کند. مقام معظم رهبری در این زمینه می فرماید: «ولایت فقیه به نوبه ی خود هم از معیارها و ضابطه های دینی و هم از رأی و خواست مردم بهره می برد؛ یعنی ضابطه های رهبری و ولایت فقیه طبق مکتب امام بزرگوار ضابطه های دینی است... در مکتب سیاسی اسلام ضابطه معنوی است، ضابطه ها عبارتند از: علم و تقوا و درایت... طبق مکتب اصلی اسلام کسی که در این مسند حساس قرار گرفته است اگر یکی از این ضابطه ها از او سلب شود و فاقد یکی از این ضابطه ها شود، چنانچه همه ی مردم کشور نیز طرفش باشند، از اهلیت ساقط خواهد شد.

رأی مردم تأثیر دارد؛ اما در چارچوب این ضوابط که در مکتب بیان شده است» (1)

### مروری بر انقلاب اسلامی ایران با محوریت انتظار و مهدویت

ایرانیان آغازگر و زمینه ساز برای ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) هستند و کلیه منابع روایی شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که قبل از ظهور، نهضتی مقدماتی به وجود می آید که یاران و سپاهیان آن ایرانی

ص: 418

هستند که زمینه ساز حکومت آن حضرت و آماده کننده مقدمات فرمانروایی آن حضرت هستند. پیامبر (صلی الله علیه واله) فرمود: «در آیه 38 سوره محمد» وقتی که خداوند عزوجل می فرماید: اینک شما کسانی هستید که فراخوانده می شوید تا در راه خدا انفاق کنید، برخی از شما در انفاق بخل می ورزد و کسی که بخل کند به خویش بخل می کند و خداوند بی نیاز است و شما نیازمندید و اگر روی گردان شوید خداوند گروهی را غیر از شما جایگزینتان می کند و آنان مثل شما نیستند.»

منظور از «گروهی را غیر از شما جایگزین می کند» در آیه ی شریفه مردان فارس است. وقتی درباره کلمه «قوم» در آیه مذکور از حضرت سؤال شد؛ سلمان فارسی نزدیک پیامبر (صلی الله علیه واله) نشسته بود، آن حضرت با دست مبارکش به پای سلمان زد و فرمود: «به خدایی که جان من در دست قدرت اوست، اگر ایمان به کهکشان ها بستگی داشته باشد مردانی از فارس به آن دست می یابند» (1)

از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: «ای اعراب! اگر روی برگردانید، خداوند گروه دیگری را جایگزین شما می کند؛ یعنی ایرانیان» (2)

آغاز نهضت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از ناحیه ی مشرق خواهد بود و در مرحله اول آغاز نهضت به وسیله ی مردی از قم شروع میشود که حرکتش زمینه ساز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است.

و مرحله دوم ظاهر شدن خراسانی و شعیب و مقارن بودن آنها با خروج یمانی و بعد از آن هم سفیانی است. از امام

ص: 419

---

1- کشف، ج 4، ص 331.

2- مجمع البیان ذیل آیه مذکور و المیزان، ج 18: ص 250

صادق (علیه السلام) نقل شده است: «خروج خراسانی، سفیانی و یمانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع می شود، درفش یمانی در بین این ها از همه هدایتگر است؛ زیرا وی مردم را به حق دعوت می کند» (1) امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرمود: «آغاز ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مشرق است، زمانی که این امر پیش آمد، سفیانی خروج می کند» (2)

در روایتی مفصل از امام صادق (علیه السلام) بیان شده است که «نقش مذهبی شهر کوفه که در پیروی از اهل بیت (علیه السلام) نقشی مهم بوده؛ اما در آستانه ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مضمحل شده، از بین می رود، البته کوفه شامل نجف نیز می شود و گاهی مراد از کوفه عراق نیز است.) ولی نقش مذهبی شهر قم همچنان ادامه دارد و نزدیک ظهور حضرت از عظمت بیشتری برخوردار می شود. نقش برجسته ی اعتقادی، شهر مقدس قم در آن زمان تنها مخصوص ایران و یا شیعیان نیست؛ بلکه نقشی است جهانی که حتی غیر مسلمانان را نیز در بر می گیرد و به زودی زمانی خواهد رسید که قم و اهلش حجت بر مردم خواهند شد و یکی باقی نمی ماند که دین و دانش بهوی نرسد. ندای اسلام و مطرح شدنش به گونه ای است که به همه ی جهانیان می رسد...» (3)

از امام باقر (علیه السلام) روایت شده است: «گویا می بینم، گروهی از مشرق زمین خروج می کنند و طالب حق هستند؛ اما آنها را اجابت نمی کنند. مجدداً بر خواسته هایشان تأکید دارند؛ اما مخالفان

ص: 420

---

1- بحارالانوار، ج 52: ص 210.

2- بحارالانوار، ج 52: ص 252.

3- بحارالانوار، ج 60: ص 213

نمی پذیرند. وقتی چنین وضعی را مشاهده می کنند شمشیرها را به دوش کشیده در مقابل دشمن می ایستند، اینجا است که پاسخ مثبت می گیرند؛ اما این بار، خودشان نمی پذیرند تا این که همگی قیام کنند و درفش هدایت را جز به دست توانای صاحب شما

حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) « به کس دیگر نمی سپارند. کشته های آنان شهید محسوب می شوند؛ اما اگر من آن زمان را درک می کردم، خویشان را برای یاری صاحب این امر نگه میداشتم»<sup>(1)</sup>

نکاتی که در این حدیث هست عبارتند از این که آنها حق را می جویند؛ اما پاسخ مثبت نمی شنوند و این که آنها در دو مرحله از انقلاب خواسته های خود را مطرح می کنند؛ یکی قبل از جنگ و دیگری بعد از پیروزی در جنگ. خواسته های آنها مشروع و بر حق است و نکته دیگر این که معنای گفته امام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا این که قیام کنند که از انقلاب آنان تعبیر به خروج و از نهضت آنان بعد از رد خواسته هایی که عملی میشد، تعبیر به قیام فرموده است، دلیل بر این است که این قیام به مراتب برتر و با عظمت تر از خروج و انقلاب آنها است. همچنین گویای این مطلب هست که این مرحله ی پا گرفتن و تکامل این انقلاب است، که ایرانیان در این انقلاب به مرحله ی قیام همگانی، فتوا و دستور جهاد و به پا خواستن برای خداوند متعال و ادامه ی روش انقلابی در منطقه نایل می شوند که خود مقدمه ی ظهور مبارک حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است؛ بنابراین برپایی نظام اسلامی در ایران از حوادث مقدمات ظهور حضرت به شمار می آید. به عبارت دیگر انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام

ص: 421

---

1- بحارالانوار، ج 51: ص 83 روایت 27 و مشابه همین حدیث در بحارالانوار، ج 52: ص 243.

خمینی رحمت الله علیه از جمله حوادث مقدماتی وعده داده شده است. البته در این بحث زمان و فاصله ی زمانی مطرح نشده است؛ بلکه به طور کلی بر دو واقعه‌ی اساسی پیش از ظهور در روایات تأکید شده که عبارتند از: 1. فتنه انگیزی های شرق و غرب که همه ی مسلمان ها را در بر می گیرد و فتنه فلسطین که زائیده‌ی شرارت و فتنه انگیزی ابرقدرتها است؛ 2. برپایی نظام اسلامی در ایران، بنابراین به طور متعارف عصر ما عصر انقلاب اسلامی ایران و زمان تجلی اسلام است و امیدواریم عصر شکست اسرائیل نیز باشد. (1)

اعتقاد به مهدویت موجب ظهور انقلاب بزرگ ایران شد. اعتقاد به غیبت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از منابع بالقوه ی ایجاد انقلاب و مبارزه گسترده شیعیان علیه طاغوت بود؛ زیرا ایرانیان از سالیان قبل به مفهوم فقیال انتظار یعنی آمادگی روحی و جسمی برای اقدام علیه ظلم و بیداد و پا در رکاب مهدی موعود (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در روح و جان مردم شیعه این مرز و بوم نقش بسته است، به گونه ای که در دوره های مختلف تاریخ، آنان با هیچ ظالم و مستبدی سر سازش ندارند. چنان که گفته شد «مشخصه بارز انتظار، در تفکر سیاسی شیعه اجازه قیام علیه حاکمان ظالم است» (2) در فرهنگ انتظار، مردم ظلم ستیزند؛ در این فرهنگ، حاکم مستبد سیاسی هیچگونه مشروعیتی ندارند و اطاعت از آنان غیر شرعی و حرام است. در این فرهنگ، سکوت، بی تفاوتی، نشستن و دست روی دست گذاشتن، انزوا، رفع تکلیف و سیاست را از دیانت جدا دانستن، خلاف مبانی و اصول حقیقی

ص: 422

---

1- عصر ظهور: ص 252 و 262 و 263.

2- درآمدی بر ریشه های انقلاب اسلامی: ص 126 و 127.

مصلحی است که انتظار می رود با ظهورش جهان را با کمک منتظران به عدل و داد زینت بخشد. وجود این عقاید ارزشمند در فرهنگ انتظار و مهدویت، در حقیقت تشیع را آشفشان خاموش کوهسار اسلام معرفی کرده که گاه و بیگاه، دود، بخار، لرزه و تکانی اندک پدید می آورد و همین تأثیر اندک ریشه ی تمامی انقلاب های سراسر دنیای اسلام و از جمله انقلاب اسلامی در ایران را به وجود آورده است. (1)

انقلاب آنچنان با انتظار گره خورده است که می توان گفت، مولود انتظار است و می توان گفت: این پیروزی انقلاب بزرگ اسلامی ملت ایران، دقیقا ثمره ی نگرش و فهم انقلابی و مجاهدانه و اصلاح طلبانه از مفهوم انتظار است. ایران اسلامی و شیعی از چنان ظرفیت و حساسیتی برخوردار است که در طول تاریخ با این که همواره مورد ظلم ظالمان و استبداد حاکمان قرار گرفته، هیچگاه و یا در کمتر دورانی ظلم پذیر بوده است و همواره با تمسک به امامت علی (علیه السلام) که ریشه در غدیر دارد و قیام عاشورا و اندیشه مهدوی، پرچم مبارزه علیه نامردمان را بر دوش خود حمل می کرده است. عدالت خواهی و مطالبه ی حق و حقیقت با فطرت ایرانیان عجین شده است. ایرانیان از چنان دقتی برخوردار هستند که همواره گوهر و سنگریزه را از هم باز می شناسند و هیچگاه گوهران تابناک امامت و ولایت را با سنگریزه های بی قیمت معاوضه نمی کنند. ضمنا نقش ایرانیان از تشیع و تسنن در شکل گیری تمدن اسلامی و شتاب حرکت های علمی در جهان اسلام، نقشی

ص: 423

بسیار والا و قابل ستایش است که پرفسور یحیی بونو محقق فرانسوی در مجله «موعود» آذر و دی ماه سال 73 می گوید: «ایرانیان کل تمدن اولیه اسلامی را چه در حیطه ی تشیع و چه در تستن، در ایران و عراق شکل دادند و به زودی آینده جهان اسلام را در میان خود تفسیر کرده، رقم می زنند. درک شیعیان راستین از مفهوم انتظار و مهدویت نیز درک صحیح بوده، به ویژه ایرانیان که همواره با این مفهوم زیسته اند». پتانسیل بالقوه ای که در سرزمین ایران وجود دارد و هر از چند گاهی جلوه می کند، می تواند چنان نقش آفرینی کند که منتظران حقیقی را با تمام تبلیغات و موانعی که دنیای استکبار به وجود می آورد، رویاروی ظالمان و فاسدان قرار دهد. چنان که هانری کربن با درک این مفهوم دقیق، در کتاب «آفاق تفکر معنوی در اسلام» می نویسد:

سرزمین ایران از دید اخروی، سرزمین انتظار است، قلمرویی که در آن امام غایب دست اندرکار فرا رساندن ساعت موعود در زمان غیبت است» (1) این حقیقت انکارناپذیر از زبان بزرگان و دانشمندان به مراتب مختلف بیان شده است (2) حقیقت ایران سرزمین آزادی، آزادگی، شرف، غیرت، جهاد، مبارزه، دفاع از مقدسات، اسلام، قرآن، رسول اکرم (صل)، غدیر و ولایت علی (علیه السلام) و ائمه و اهل بیت (علیه السلام) مکرم پیامبر (صلی الله علیه واله)، فاطمه (علیها السلام)، سید الشهداء و فرهنگ عاشورا است و ایران سرزمین مهدویت و انتظار است و همواره در پناه ولایت فقیه منتظر یوسف زهرا (علیها السلام) است.

ص: 424

---

1- آفاق تفکر معنوی در اسلام: ص 78.

2- عصر انتظار: ص 25.

تحولات روز افزونی که در زمینه ی پیشرفت علوم و فنون در قرن اخیر و ورود به هزاره سوم پدید آمده است؛ باعث تفکرات فلسفی، سیاسی و اجتماعی در بین جوامع شده است، باورهای دینی مردم را دچار شک و تردید نموده این مسأله مطرح می شود که وظایف شیعیان در زمان غیبت حضرت امام زمان چیست؟ به طور کلی شیعه عصر غیبت از نظر هویت تاریخی و عقاید احکام فرعی و وحدت کلمه و محاسن اخلاقی و حقیقت طلبی و انجام وظایف شرعی و دینی چه وظایف مهمی را باید به عهده داشته باشد؟

وظایف شیعیان در عصر غیبت با شیعیان صدر اسلام که کنار پیامبر (صلی الله علیه واله) وائمه طاهرین زندگی می کردند علاوه بر آن که تغییر نکرده، حساس تر و سنگین تر هم شده است؛ زیرا به هنگام انجام فرایض و وظایف در آن زمان امام و رهبر در کنار آنها به صورت عینی و ملموس بود و امروز در حجاب غیبت است. وظیفه شیعه در عصر غیبت آن است که بر آنچه از حق و حقیقت به او رسیده ثابت قدم باشد و به آن جبل متین چنگ بزند تا محفوظ بماند. وظایف عصر غیبت در قرآن کریم و روایات و سنت پیامبر (صلی الله علیه واله) و ائمه در الفاظ مختلف بیان شده است که به اهم آن می پردازیم:

### 1. شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

شناخت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از مهم ترین وظایف مسلمانان است؛ زیرا وقتی او را بشناسیم و با صفات و خصوصیات آن حضرت آشنا شویم بهتر به وظایف خود به عنوان یک مسلمان می پردازیم. این



شناخت تا آن اندازه اهمیت دارد که بنا به قول حضرت پیامبر (صلی الله علیه واله) و معصومین هر کس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد چون کسی است که زمان جاهلیت مرده باشد «من مات ولم يعرف امام زمانه مات میتة جاهلیه» (1)

این شناخت باید ما را از شک و شبهه نسبت به وجود آن بزرگوار مصون بدارد و ما را از اقوال، اعمال و تبلیغات گمراه کننده مدعیان دروغین نجات دهد. برای چنین شناختی باید دو نوع معرفت داشت: اول؛ شناخت نسبت به شخص امام زمام (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از نظر نام و نشان و زندگی دوم؛ شناخت صفات و ویژگی های آن حضرت

شناخت ویژگی ها و صفات آن حضرت در زمان حاضر اهمیت بسیار زیاد دارد؛ زیرا وقتی شناخت حاصل شد دیگر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خود را از یاد نمی بریم و هر گاه از او یاد می کنیم فقط یک نام در ذهن ما نقش نمی بندد؛ بلکه یک شخصیت کامل با صفات عالیه مجسم می شود که حتی نام و القاب ایشان الگو دهنده به شیعیان خواهد بود.

این شناخت بر ساخت زندگی فردی و اجتماعی تأثیر می گذارد و به دلها گرمی می دهد و به همین علت است که باید دعا کنیم که

الهم عرفنی حجتک فانک ان لم تعرفنی حجتک خللت عن دینی» (2)

## 2. انتظار فرج

شیخ صدوق در کتاب «کمال الدین» به سند خود از عبدالعظیم حسنی روایت می کند: روزی بر آقایم محمد بن علی بن موسی بن

ص: 426

---

1- مجلسی، ج 3، ص 382.

2- کلینی، ج 5، ص 337.

جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن ابی طالب وارد شدم و می خواستم که درباره ی قائم از آن حضرت سؤال کنم که آیا همان مهدی است یا غیر او؛ پس خود آن حضرت آغاز سخن کرد و گفت: «یا أبا القاسم، أن القائم منا هو المهدی الذی یجب أن ینتظر فی غیبه و یطاع فی ظهوره هو الثالث من ولدی» (1)

یعنی «ای ابوالقاسم به درستی که قائم از ما است و او است مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که واجب است در زمان غیبتش انتظار کشیده شود و در ظهورش اطاعت شود و او سومین (امام) از فرزندان من است».

امام خمینی رحمت الله علیه در صحیفه ی نور می فرماید: انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا کند و مقدمات ظهور آن انشاء الله تهیه شود. (2)

برای منتظران موعود آخرالزمان در روایات معصومین چنان مقام و منزلتی برشمرده اند که انسان تعجب می کند؛ از جمله شیخ صدوق از قول امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است: «المنتظر لامرنا کالمتشطح بدمه فی سبیل الله» (3) یعنی منتظر امر (حکومت) ما مثل آن است که در راه خدا در خون خود غلتیده باشد.

در همان کتاب به نقل از امام صادق (علیه السلام) روایت دیگری به این شرح در فضیلت منتظران آن حضرت نقل شده است: «طوبی لشیعه قائمنا المنتظرین لظهوره فی غیبه و المطیعین له فی ظهوره اولئک اولیاء الله الذین لا خوف علیهم ولا یحزنون» (4)

ص: 427

1- شیخ صدوق، ج 2، ص 377.

2- امام خمینی، ج 2: 198.

3- شیخ صدوق، ج 2، ص 378؛

4- شیخ صدوق، ج 2، ص 375.

یعنی «خوشا به حال شیعیان قائم ما که در زمان غیبتش منتظر ظهور اویند و در هنگام ظهورش فرمانبردار از او. آنان اولیای خدا هستند، همانها که نه ترسی بر ایشان هست و نه اندوهگین شوند».

انتظار فرج امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تا آن اندازه با ارزش است که مقام شیعه را تا اولیاء الله بالا می برد و چنان حالتی به انسان دست میدهد که ترس و اضطراب و اندوه در درون او نخواهد بود و به قول حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) بهترین اعمال در نزد خداوند بزرگ انتظار فرج است.

مرحوم مجلسی از قول حضرت علی (علیه السلام) نقل کرده است: «انتظروا الفرج و لاتیأسوا من روح الله فان احب الاعمال الی الله عزوجل انتظار الفرج» (1) منتظر فرج باشید و از رحمت خداوند ناامید نشوید به درستی که خوشایندترین اعمال نزد خداوند عزوجل انتظار فرج است.

### 3. تهذیب و خودسازی

وظیفه ی شیعه منتظر صاحب الزمان خودسازی بر اساس معیارهای اصلی است. گوهر وقتی پاک شد قابل فیض می شود و انسان وقتی مهذب شد شایسته خدمت به حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می شود. خودسازی و تهذیب نفس خود به خود انجام نمی گیرد، این وظیفه در دوران کودکی و از دامن مادر باید شروع شود و نظام های تعلیم و تربیت و جامعه باید میدانی را فراهم سازند که در بستر آن افراد به سجایای اخلاقی و معیارهای اسلامی آشنا شوند و متخلق به صفات نیکو شوند.

ص: 428

در توقیع شریفی که از جانب حضرت ولی عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به شیخ مفید صادر شده است عامل طولانی شدن غیبت ایشان گناهان و اعمال ناشایسته ای است که از شیعیان آن حضرت صادر می شود «فما یحسینا عنهم الا ما یتصل بنا عما نکرهه، و لا نؤثره منهم» (1) تنها چیزی که ما را از آنان (شیعیان) پوشیده می دارد همان چیزهای ناخوشایند است که از ایشان به ما می رسد و خوشایند ما نیست و از آنان انتظار نمی رود.

#### 4. پیوند با مقام ولایت

از حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) نقل شده که در تفسیر «یا ایها الذین آمنوا اصبروا وصابروا ورابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون» (آل عمران/200) فرمودند: «اصبروا علی أداء الفرائض وصابروا عدولکم ورابطوا امامکم (المنتظر)» (2) بر انجام واجبات صبر کنید و با دشمنانتان پایداری کنید و پیوند خود را به امام منتظر مستحکم کنید.

پیرو آن حضرت باید دایم به فکر تجدید و ادامه عهد و پیمان با آن حضرت باشد. ائمه ما سفارش به بیعت و وفای به عهد با امام زمان کرده اند؛ پیوند دایمی شیعیان با ولایت حجت خدا دایمی و ناگسستی است. هنگامی که هر روز دعا برای فرج امام زمان می خوانیم و با او تجدید بیعت می کنیم، متوجه وظایف خود نسبت به امام زمان می شویم؛ هرگز تن به خواری، بی عدالتی، سستی، رکود و گناه نخواهیم داد و از خود بیگانه نخواهیم شد و هویت خود را از دست نمیدهیم.

ص: 429

---

1- النعمانی، ج 16: ص 200؛

2- نعمانی: ص 199ء

## 5. الگو قرار دادن آن حضرت

کسی که امام زمان خود را شناخت باید رفتار و کردار او را سرمشق خود قرار دهد و کلمات و فرمایشات ایشان را آویزهی گوشش کند. اهداف و آرمان های او را بشناسد، حتی به معانی و مفاهیم القاب ایشان توجه داشته باشد. اقتدا و تاسی همراه با شناخت ایشان عین اطاعت از فرامین خدا و حضرت رسول الله (صلی الله علیه واله) است.

وقتی آن حضرت را مظهر عدالت گستری می دانیم، عدالت خواهی را پیشه می کنیم. هنگامی که می فهمیم ایشان زهد پیشه هستند و بی توجه به مادیات، ما نیز آن را سرمشق قرار می دهیم. زمانی که متوجه می شویم ایشان از وظیفه شناسی و مسؤولیت پذیری و وفای به عهد خوشحال می شوند آن را الگو قرار می دهیم.

## 6. تکریم و احترام

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که رهبری و هدایت ما را به عهده دارد شایسته تکریم است. او را دوست می داریم و به او عشق می ورزیم و برای ما ارزشمند و قابل احترام است، تنها بزرگواری که با ذکر نام او همه از جا بلند می شوند و این برخاستن مستحب است امام زمان است. حضرت رضا علیه هنگام ذکر نام مبارک ایشان از جا بلند می شدند و دست بر سر می نهادند و می فرمودند: «خدایا فرجش را نزدیک فرما و قیامش را آسان گردان» (1)

این برخاستن و تعظیم کردن و تکریم فقط احترام گذاشتن تنها نیست؛ بلکه نشانه ای از بسیج شیعه است، جهت قیام و همراهی و

ص: 430

هم سویی ما در احترام گذاشتن به ایشان و حرمت نهادن به ارزش های اخلاقی است؛ حرمت نهادن به ترویج اعتقادات است. تکریم خوبی ها و بزرگواری ها است، بزرگداشت امام و مولی و ولی شیعیان است.

## 7. به یاد امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودن

حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خطاب به شیعیان می فرمایند: «انا غیر مهملین لمراعاتکم ولا سنین لذکرکم» ما در مراعات حال شما کوتاهی نمی کنیم و یادتان را از خاطر نمی بریم.

وقتی آن حضرت به یاد شیعیان است، ما نیز ایشان را که ذخیره هستی و ثمره همه ی رسالتها، کمالات و سرچشمه همه خوبیها، خیرات و زیبایی هاست، باید یاد کنیم. وظیفه شیعیان است که با ذکر نام او و دعا برای سلامتی و فرج و بیان خصال و نیکویی های او هر روز از ایشان یاد کنند، هر چه این یادآوری همراه با آگاهی و علم و بصیرت و شناخت بیشتر و عمیق تر باشد بهتر و شایسته تر است.

## 8. محبت و دوستی

در قرآن کریم خداوند فرمود: «قل لا- استلکم علیه اجرا الا- الموده فی القربی» (شوری / 23)؛ بگواز شما جز مودت و محبت خویشاوندانم اجر و مزدی برای رسالت نمی خواهم؛ لذا محبت نسبت به پیامبر و اهل بیت (علیه السلام) او واجب است این دوستی سبب ارتباط روحی، روانی و معنوی در راه خداست. محبت نسبت به حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سبب اطاعت همراه با عشق و علاقه به اوست. این محبت نسبت به معصومین پایه ی دین است؛ بلکه به

قول امام صادق (علیه السلام) برابر با آن است «هل الدین الا الحب» (1) دوستی اهل بیت (علیه السلام) سبب استقرار دین خداوند و جهانی شدن آن خواهد بود.

## 9. اشتیاق به دیدار آن حضرت

حضرت امام صادق (علیه السلام) که خود از مشتاقان دیدار جمال امام موعود هستند، در دعای ندبه با سوز و گداز این اشتیاق در فرازهای فراوانی گفته اند «عزیز علی ان اری الخلق و لا- تری» برای من دشوار است که مردم را ببینم و تو دیده نشوی. «متی ترانا و تراک» کی شود که ما تو را ببینیم و تو ما را؟ کسی که شوق دیدار آن حضرت را دارد جز به دیدار او نمی اندیشد و همیشه به یاد اوست و در رفتار و اعمال خود رضای او را می طلبد که رضای خداوند در خشنودی اوست.

## 10. تحقیق و پژوهش

تحقیق و پژوهش در شناخت ویژگی های حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) یکی از وظایف شیعیان است تا متوجه شود آن که مایه ی رستگاری بشریت و گسترش عدالت و ریشه کن کننده ظالمان و ستمگران است کیست؟ باید جست و جو کرد که او چه نقشی در حیات ما دارد؟ آن که خداوند این جایگاه رفیع و این نقش بزرگ را به او عطا فرموده است، چه کسی است؟ این جست و جو و تحقیق نوعی تکلیف است که شیعه در دوران غیبت و وظیفه دارد که بنا به تعهدات خویش در مسیر اهداف ولایت که همان غایت

ص: 432

---

1- عیاشی، ج 1، ص 167.

## 11. خدمت کردن به امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حضرت امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در جهان حاکمی عدالت گستر است، برقرار کننده حکومت توحیدی با شایستگی های ویژه که نظیر آن در جهان مشاهده نشده است. پیامبران بزرگی چون حضرت عیسی (علیه السلام) در رکاب او جهت خدمت کردن خواهند بود. حضرت امام صادق (علیه السلام) می فرمایند: «لو ادرکتہ لخدمہ ایام حیاتی»<sup>(1)</sup> اگر دوران او را درک می کردم برای همه عمر خدمت او را می کردم.

وقتی پیامبران، مشتاق خدمت کردن به او هستند وظیفه ی شیعیان مشخص است که باید کمر بسته در خدمت ایشان باشند؛ آنان که در دورانغیبت از جان و دل در خدمت افکار و اندیشه های امام زمان هستند قطعاً در زمان ظهور نیز شایستگی حضور در خدمت ایشان را خواهند داشت.

## 12. ادای حقوق

در دعای ندبه می خوانیم: «واعنا علی تأدیه حقوق الیه» ما را در ادای حقوق او یاری فرما. حقوقی که آن حضرت دارند حق هدایت و راهنمایی، حق امامت، مواظبت بر اطاعت از ایشان، نرنجانیدن قلب مبارکشان، پاسداری از آرمان هایشان، پرداخت حقوق شرعیه که ادای این حقوق به نفع شیعیان است؛ زیرا رعایت این حقوق در استحکام بخشیدن به حفظ دین و ایمان شیعیان تأثیر مثبت خواهد داشت.

ص: 433



در زمره ی شیعیان حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بودن با شعار تحقق پذیر نیست و باید انتظار کشید و در عرصه عمل و تلاش پرهیزگار و متقی بود. این تلاش باید با پذیرفتن مسؤولیت و براساستقوا و ورع باشد نه به خاطر هوای نفس و مال و ثروت و مقام و جاه. حضرت امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «من سره أن یكون من اصحاب القائم فلینتظر و لیعمل بالورع و محاسن الاخلاق و هو منتظر» (1)

هر کس می خواهد از یاران حضرت قائم باشد باید انتظار بکشد و در عین انتظار به تقوا و خوش خلقی رفتار کند.

با بی مبالاتی و عدم پرهیز از گناه و خود فراموشی، عدم تزکیه نفس و باور نداشتن نمی توان خود را یاور همیشه حضرت دانست. شیعه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مبادی آداب است، از گناه پرهیز می کند، هویت خود را می شناسد، خود را سرباز امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) می داند، از جان ایثار می کند و از وسوسه های شیطانی دوری می گزیند. در راه ارزشهای ولایت از مال و توانایی های خود مایه می گذارد و اسیر فریبندگی های دنیا نمی شود.

شیعه امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) علاوه بر خودسازی به آگاه سازی دیگران می پردازد. دیگران را به تقوا دعوت می کند اهل امر به معروف و نهی از منکر است. می کوشد تا جامعه را اصلاح کند و دیگران را به تقوا و تزکیه دعوت کند. رفتار او از نظر شوق، تقوا و تزکیه برای دیگران الگوست. غافلین را هدایت می کند، بیچارگان را دستگیر است، گناهکاران را ارشاد می کند و خود را مسؤول می داند.

ص: 434

با توجه به سیطره بی اعتقادی و مذهبی در جوامع بشریت و وجود و توسعه مکاتب مادی گرایی و فضل فروشی عالمان غیر متعهد و تک بعدی و اظهار نظر اشخاص غیر متخصص، عوامل متعدد سبب تخریب عقاید مسلمانان شده است و آنها را دچار شک و تردید می کند. البته اگر شک مقدمه ای برای تحقیق و شناخت بهتر باشد خوب است؛ ولی اگر شک سبب پشت پا زدن به حقایق دینی باشد، مخرب است. پس در صورت بروز شک باید مسأله را از علمای فاضل و آگاه و مسؤول سؤال کرد و به تحقیق و مطالعه پرداخت تا یقین حاصل شود.

با توجه به تبلیغات مسموم مخالفان و با عنایت به وظیفه سنگین شیعیان، لازم است در زمینه های مختلف فعالیت ها با هوشیاری کامل انجام گیرد. مهم ترین این وظایف در درجه اول شناخت نسبت به آن حضرت است؛ هر چه شناخت کامل تر شود شور و اشتیاق و ارادت و محبت شیعه آگاه نسبت به آن حضرت زیادتر میشود. آن گاه به انتظار فرج آن حضرت و آمادگی کامل داشتن سفارش شده است که باید به تهذیب نفس پرداخت و رفتار و کردار آن امام همام را سرمشق قرار داده، دائم به یاد ایشان بود که این به یاد بودن شوق و اشتیاق را زیادتر و آتش عشق و محبت به دیدار را شعله ورتر می سازد. در نتیجه صبر، خدمت کردن را پیشه می سازد و حقوق ایشان را ادا می کند و از شک و تردید رها می شود.

## رجعت از دیدگاه قرآن و حدیث

### اشاره

یکی دیگر از عقاید شیعه، که به صورت کاملاً منطقی و با موضع گیری کاملاً محققانه و بسیار روشن است، عقیده به رجعت

است و این مسأله نه مخالف با کتاب خداست و نه مخالف حدیث رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم است و نه با سنت حکیمانه خداوند متعال در جهان آفرینش ناسازگاری دارد. از طرفی چون در این زمینه روایات فراوانی از اهل بیت (علیه السلام) وارد شده است، شیعه به رجعت اعتقاد جدتی دارد؛ اما بحث رجعت از دیرباز پیوسته مورد نقد و ایراد از یک سو و پاسخگویی و دفاع از سوی دیگر بوده است؛ بدین معنا که برخی از آیات قرآن شریف و روایات منقول از خاندان رسالت از بازگشت گروهی از انسانها به دنیا پیش از برپایی رستاخیز گزارش داده اند. و پیروان شیعه در پذیرش این موضوع کوچکترین تردیدی به خود راه نداده، اطمینان به وقوع چنین رویدادی را دارند و در کتب خود از این رویداد سخن به میان آورده اند و در بعضی جاها در صورت لزوم به دلایل و شواهدی بر صحت آن اشاره کرده اند.

## مفهوم رجعت

رجعت در لغت به معنی «بازگشت» است و در اصطلاح به بازگشت گروهی از مردگان به این جهان همزمان با قیام جهانی حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گفته می شود و قطعاً بازگشت این گروه قبل از فرارسیدن رستاخیز خواهد بود. شیخ حر عاملی می گوید: «مراد از رجعت در نزد «شیعه» همانا زندگی بعد از مرگ و پیش از قیامت است و همین معنی است که از لفظ رجعت به ذهن خطور می کند و دانشمندان بر آن تصریح کرده اند». شیخ مفید می فرماید: «خداوند شماری از امت محمد (صلی الله علیه واله) را بعد از مرگشان و پیش از برپایی قیامت برمی انگیزد و این از اختصاصات مذهب آل محمد (صلی الله علیه واله) است و قرآن بر درستی آن گواهی میدهد»<sup>(1)</sup>

ص: 436

سید مرتضی علم الهدی پیرامون رجعت از دیدگاه شیعه می نویسد: «عقیده ی شیعه امامیه چنین است که خدای متعال به هنگام ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گروهی از شیعیان را که پیش از قیام آن حضرت از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گرداند تا آنان به پاداش یآوری و همراهی و درک حکومت آن وجود مقدس نایل آیند و نیز برخی از دشمنان حضرتش را زنده می کند تا از ایشان انتقام گیرد، بدین ترتیب که آشکاری حق و بلندی مرتبت پیروان حق را بنگرند و دشمنان اندوهگین شوند» (1)

علامه مجلسی دربارهی رجعت می نویسد: «از دیدگاه ما شیعیان رجعت بهگروهی از مؤمنان راستین و کافران فرو رفته در گرداب کفر و الحاد اختصاص دارد و کسی غیر از این دو گروه به دنیا باز نخواهد گشت» (2)

از این بیانات و با توجه به احادیثی که در کتب معتبر شیعه گردآوری شده به روشنی برمی آید که شیعیان رجعت را منحصر به بازگشت گروهی از مؤمنان و کافران می دانند و بس. آنها با استناد به دلایل متقن و خلل ناپذیر معتقدند که بنابر وعده ی حتمی الهی، آخرین ذخیره ی خداوند حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که هم نام و هم کنیهی پیامبر خاتم (صلی الله علیه واله) و از نسل آن حضرت است، در روزگاری که زمان آن بر ما پوشیده است، پرده ی غیبت را کنار می زند و با ظهور خویش کاخ ستمگران را در هم می شکند و خداجویان را به عزت می رساند، شوکت مسلمین را زنده می کند و ظالمان را برای همیشه از صحنه ی روزگار محو می کند. در آن زمان همراه با قیام حضرت

ص: 437

---

1- بحار الانوار، ج 53، ص 138.

2- بحار الانوار، ج 53، ص 138.

مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) و گروهی از مؤمنان و گروهی از منکران به جهان مادی بازگشته، هر گروه براساس کردار پیشین خود به ثواب و عقاب نایل می شوند.

## رجعت از نظر قرآن بر دو قسمت است

1. رجعت معنوی یا اخروی: به این معنا که در فلسفه و حکمت ثابت شده که تمام اشیا و موجودات در حال رشد و تکامل مستمرند و دائما به سوی کمال مطلق و نقطه ی آغازینی متوجه هستند که از آنجا به این عالم آمده اند و خداوند می فرماید: «..کارها همه به سوی خدا باز گردد» (بقره / 210)؛ «... گویند ما به فرمان خدا آمده و به سوی او رجوع خواهیم کرد» (بقره / 156)؛ «و کار خلق عالم به سوی خدا منتهی می شود» (نجم / 42)؛ «که محققا به سوی پروردگار باز خواهد گشت» (علق / 8). این نوع رجعت را همه ی مسلمانان قبول دارند.

2. رجعت مادی و ظاهری یا دنیوی: این نوع رجعت، که قرآن نیز بر آن اشاره دارد و آن عبارت است از: رجوع اموات به دنیای مادی برای از سرگیری اعمال گذشته ی آنها؛ مثلا آنجا که قرآن در مورد زنده شدن گروهی از بنی اسرائیل می فرماید: «و به یاد آورید آن زمان را که گفتید: ای موسی ما به تو ایمان نخواهیم آورد تا آن که خداوند یکتا را آشکار ببینیم؛ پس صاعقه شما را در گرفت در حالی که می نگریستید. سپس شما را بعد از مرگتان برانگیختیم، شاید سپاسگزاری کنید» (بقره / 55 و 56). این آیات داستان گروهی از پیروان حضرت موسی (علیه السلام) است و آنها گفتند که می خواهند آشکارا خداوند را ببینند و چنین خواسته ی ناروایی سبب نزول عذاب بر

آنان شد و به مرگ آنها انجامید؛ ولی خداوند آنان را حیات دوباره بخشید و نیز قرآن کریم در مورد زنده شدن مقتول بنی اسرائیل می فرماید: «یاد آورید آن هنگام را که انسانی را کشتید و درباره ی «قاتل» او اختلاف کردید و حال آن که خدا ظاهر کننده ی آن چیزی است که شما پوشیده می داشتید. پس گفتیم بخشی از آن را (گاو) به قسمتی از او بزنید. این چنین خدای یکتا مردگان را زنده می کند و نشانه های خود را به شما می نمایاند، شاید خرد خویش را به کار گیرید (بقره / 72 و 73) این داستان مردی است که به دست خویشان خود مخفیانه به قتل رسیده است و قاتلان وی ناجوانمردانه فرد دیگری را متهم به قتل کردند.

آن گاه خدا به حضرت موسی (علیه السلام) وحی کرد که به همان خویشاوندان فرمان دهد گاو ماده ای را با مشخصاتی معین (که در قرآن بیان شده) ذبح کنند و قسمتی از بدن گاو را به بدن مقتول زنند تا او زنده شود و قاتل خود را معرفی کند. آنان چنین کردند، مقتول زنده شد و جنایتکار واقعی را شناساند. پروردگار پس از نقل این داستان می فرماید: «و خداوند این گونه مردگان را زنده می کند تا اعمال بعضی روشن و مشخص شود.» مفهوم این آیات بازگشت افرادی از امتهای گذشته را به دنیا اثبات می کند و نشان می دهد که رجعت محال نیست و به صورت کم رنگ در امم پیشین وجود داشته است.

از نظر قرآن بازگشت به دنیا در امتهای پیشین وجود داشته است. از این آیات می توان دریافت که بازگشت مردگان به دنیا امری ممکن و قابل قبول است که با سنت های الهی مخالفت ندارد. بدیهی است که هدف از آوردن این آیات، برای اثبات امکان بازگشت به

جهان مادی، وقوع آن در امت های پیشین نیز بوده است. البته هر چند میان رجعت نزد شیعه و بازگشت افرادی از امت های گذشته تفاوت هایی وجود دارد. مسأله رجعت به جهان مادی با مسأله بازگشت مجدد در روز رستاخیز کاملاً مشابهت دارد و رجعت و معاد دو پدیده ی همگون هستند، با این تفاوت که رجعت محدودتر است و قبل از قیامت به وقوع می پیوندد؛ اما در قیامت همه ی انسانها برانگیخته شده، زندگی ابدی خود را آغاز می کنند. پس کسانی که امکان حیات مجدد را در روز رستاخیز پذیرفته اند، باید رجعت را که زندگی دوباره در این جهان است، ممکن بدانند و از آنجا که مسلمانان اعتقاد به معاد را از اصول شریعت خود می دانند لذا باید امکان رجعت را نیز بپذیرند.

## رجعت از دیدگاه عقل

معاد از نظر فرد مسلمان، معاد جسمانی عنصری است؛ یعنی روح علاقه ای تام به بدن جسمی دارد و روح آدمی در قیامت به همین بدن مادی برمی گردد. حال اگر چنین بازگشتی در قیامت اشکالی ندارد، طبعاً بازگشت آن به این جهان قبل از قیامت نیز اشکال نخواهد داشت. یادآور می شویم که انسان تنها از چند عنصر مادی ترکیب نیافته؛ بلکه حقیقت وجود او را جوهری مجرد به نام روح تشکیل میدهد که حیات وی به وجود همین روح بستگی دارد و روح همان است که بعد از مرگ زنده می ماند و در روز رستاخیز به بدن باز می گردد. وجود روح مجرد و زنده بودن آن امری است که مورد پذیرش همهی فلاسفه ی الهی و پیروان تمام شرایع آسمانی است و از نظر دلایل عقلی و دریافت های فطری قابل قبول است و

قرآن نیز در این زمینه با صراحت سخن می گوید. همهی فلاسفه بزرگ جهان و حکمای اسلامی به اصالت وجود جوهری مستقل و اصیل که واقعیت انسان بدان بستگی دارد و از ماده و آثار ماده، مجرد و پیراسته است، معتقد شده اند و بر وجود این جوهر که مبدأ حرکت و احساس در حیوان و تدبیر و اندیشه در انسان است، با دلایل فلسفی استدلال کرده اند. در میان آن همه دلایل، دلیل روشنی دارند که جنبه ی همگانی دارد و آن این است که هر انسانی ناخودآگاه اعضای بدن و حتی خود بدن را به واقعیت دیگری به نام «من» نسبت می دهد و می گوید: دست من، پای من، قلب من و بدن من. یک چنین انتساب در حالت ناخودآگاه حاکی از آن است که هر فردی خود را به واقعیت دیگری به نام «من» وابسته میدانند که در پشت پرده ی شخصیت ظاهری و مادی او قرار گرفته است و همه ی کارها، اعضا و حتی بدن خود را به آن نسبت می دهد. (1)

خداوند هنگامی که از چگونگی آفرینش انسان سخن می گوید می فرماید: «از روح خویش در وی دمیده،» به همین لحاظ ارج و عظمت این پدیده ی غیرمادی را به خود نسبت میدهد وی می فرماید: «آن کسی که هر چه را آفریده، نیکو قرار داد و آفرینش انسان را از خاک آغاز کرد. سپس او را هماهنگ کرد و از روح خویش در وی دمید و برای شما گوش و چشم و قلب قرار داد» سجده / 9 و 7).

در هر صورت، وجود روح مجرد از نظر همه ی مسلمانان قطعی و انکارناپذیر است و نیازی به ذکر دلیل و برهان ندارد. بنابراین برای

ص: 441



همه روشن است که آدمی با فرا رسیدن مرگ از میان نمی رود؛ بلکه تنها ارتباط بدن وی با روح قطع می شود و حیات مادی از کالبد او رخت برمی بندد. روح هرگز نمی میرد و مرگ جز گسسته شدن پیوند روح از بدن چیز دیگری نیست و این گسستگی تا روز رستاخیز ادامه دارد. در آن هنگام که خدای قادر، همه ی آفریدگان را زنده می کند، بار دیگر این روح به بدن بازگشته، جسم بی جان حیات دوباره می یابد. با توجه به این که بین رجعت و معاد شباهت کامل وجود دارد و هر دو عبارت از بازگشت انسان به حیات مجدد و آفرینش نوین و پیوند مجدد روح با بدن است، امکان رجعت اثبات میشود؛ زیرا وقوع معاد امری مسلم و پذیرفته شده است و به همین دلیل امکان عقلی رجعت از دیدگاه یک فرد مسلمان کاملاً روشن و آشکار است.

ظهور مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) منتظر و رجعت

بعضی ناآگاهان پنداشته اند که ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) پس از غیبت همان رجعت است، در حالی که چنین نیست؛ زیرا غیبت از نظر شیعه جز زندگی آن حضرت در این جهان ماده به صورت یک فرد ناشناخته چیز دیگری نیست و شیعه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را زنده می داند و در انتظار ظهور حضرتش به سر می برد. اما رجعت به معنی زنده شدن گروهی از مؤمنان، کافران و بازگشت آنان به دنیاست و به هیچ وجه با غیبت ارتباط ندارد. روایات رجعت در کتب شیعه موجود است و هر کس با مراجعه به آنها در می یابد که قیام امام عصر (علیه السلام) دو رویداد مستقل از یکدیگرند که یکی از آن دو، قیام حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که مورد تأیید همه فرق اسلامی است و

شیعه اعتقاد دارد که ایشان متولد شده، هم اکنون زنده است. دیگری رجعت است و با ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به وقوع می پیوندد و بین این دو فقط یک پیوند زمانی وجود دارد؛ ولی این پیوند هرگز نشانه ی اتحاد و یگانگی دو مسأله نیست (1) از باورهای شیعه ی امامیه آن است که «خداوند متعال هنگام ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) گروهی از شیعیان را که از دنیا رفته اند باز می گرداند تا به ثواب یاری و نصرت آن حضرت نائل شوند و دولت آن حضرت را مشاهده نمایند. هم چنین گروهی از دشمنان را باز می گرداند تا انتقامش را از آنان بستاند» (2) «خداوند متعال گروهی از امت محمد را بعد از وفاتشان و قبل از روز قیامت محشور خواهد کرد و این از مختصات مذهب آل محمد (صلی الله علیه واله) است و قرآن نیز بر آن شاهد است» (3)

رجعت زمینه ساز اعتقاد به معاد است؛ زیرا همان گونه که غیبت صغریزمینه ساز غیبت کبری و هموار کننده ی آن بوده است؛ ظهور صغری که همان رجعت است هموار کننده ظهور کبری خواهد شد، یعنی رجعت نیز هموار کننده ی مسأله معاد خواهد بود.

و اما ارتباط رجعت با مسأله امامت و اشاره به این که امامان شیعه مورد ظلم قرار گرفته اند؛ لذا در عصر حکومت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بازگشته و حکومت خواهند کرد. رجعت تجلی امامت امامان شیعه است؟ هیچ گونه تردیدی نیست که شیعه به رجعت اعتقاد دارد و (4)

ص: 443

---

1- رجعت از دیدگاه عقل، قرآن، حدیث: ص 16.

2- بحار الانوار، ج 53: ص 138.

3- بحار الانوار، ج 53، ص 136

4- غیبت کبری: ص 96.

همه ی علما و دانشمندان بزرگ این مکتب، اعتقاد به رجعت را از ویژگیهای پیروان امامان معصوم دانسته اند. تا بدانجا که پیروی مذهب تشیع و اعتقاد به رجعت متلازم یکدیگر است و برخی از یاران و پرورش یافتگان مکتب اهل بیت (علیه السلام) با همین صفت معرفی شده اند. لذا مخالفان شیعه آن ها را به جهت اعتقاد به رجعت مذمت کرده اند. خلاصه این که رجعت به معنی بازگشت گروهی از مؤمنان و شماری از کافران به دنیاست و این بازگشت مقارن با قیام جهانی امام عصر (علیه السلام) و قبل از برپایی قیامت به وقوع می پیوندد و رجعت امری ممکن است و هیچگونه تضادی با عقل ندارد و قرآن به درستی اعتقاد به رجعت گواهی میدهد و نمونه هایی از بازگشت به دنیا در امت های پیشین را گزارش می کند و رجعت از عقاید مسلم شیعه بوده، احادیث بسیاری در این زمینه از معصومین (علیه السلام) و خاندان پاک رسالت به ما رسیده است.

### هدف از رجعت چیست؟

هدف از رجعت این است که عزت اسلام و ذلت کفر مشاهده شود و این بازگشت زمانی انجام می شود که دین خدا بر سراسر جهان حاکم شده، زمین آنچه را در خود دارد به مؤمنان خداجو می دهد و کفار ستم پیشه خوار و ذلیل شوند. بدیهی است که مشاهده ی این مقطع از زمان آرزوی هر انسان دینداری است که او را خرسند و شادمان کند؛ چنانکه کافران را به رنج خشم می افکند. از این رو خدای مهربان گروهی از انسانهای با ایمان و شماری از کافران را که در پست ترین مرحله ی کفر هستند، به جهان باز می گرداند تا مؤمنان از دیدن شکوه و عظمت اسلام و حاکمیت

مسلمانان به وجد آیند و کافران در اثر مشاهده ی شوکت و قدرت پیروان دین خدا خشمگین شوند و دریابند که وعده ی خدا حق بوده، کفر و باطل برای همیشه نابود شونده است. البته ممکن است افراد با ایمان در این بازگشت به مقاماتی دست یابند که فقط در موقع سیطرهی کامل اسلام، تحصیل آنها ممکن است. گناهکارانی که زمان رجعت به دنیا باز می گردند، کسانی هستند که از سران و پیشتازان کفر بوده اند و در زمان حیات خود کاری جز پلیدی و پایمال کردن حقوق انسان ها، کشتار بی گناهان، غصب اموال مظلومان و ستمگری بر محرومان کار دیگری از آنان سر نزده است. بدین جهت بار دیگر به جهان طبیعت باز می گردند تا سزای بسیاری از گناهان خود را ببینند و مجازات های الهی در حق آنها انجام شود. البته عذاب کامل و نهایی این گونه افراد در روز قیامت تحقق می پذیرد؛ اما کیفرهای دنیوی هم خود نقشی اساسی در سازندگی و عبرت آموزی انسان ها دارد و نیز موجب خواری، ذلت و سرافکندگی افرادی می شود که روزگاری را با زورگویی، ستم کاری و حق کشی به سر می بردند و کسی را یارای رویارویی با آنها نبود.

### چه کسانی رجعت می کنند؟

روایت است که بعد از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، دوازده مهدی خواهند آمد که جانشین او هستند؛ ولی مشهور بین شیعه آن است که حضرت امام زمان جانشین و وصی نخواهند داشت، لذا باید این دو دسته را با هم جمع کرد.

سخن اول: بگوئیم که مقصود از دوازده مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، پیغمبر خدا (صلی الله علیه واله) و سایر ائمه (علیه السلام) هستند که جمعا دوازده نفرند؛ به این معنا

که آنها بعد از مهدی قائم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دنیا رجعت کرده، به نوبت حکومت می کنند.

سخن دوم: این که منظور از این مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ها جانشینانی باشند که در زمان سایر ائمه (علیه السلام) که رجعت می کنند، مردم را به دین خدا دعوت می کنند. در روایات معتبر دیگری آمده است، اولین کسی که رجعت می کند امام حسین (علیه السلام) است؛ چون برای دفن و تجهیز و نماز خواندن بر امام معصوم (علیه السلام) فقط باید امام معصوم این کار را انجام دهد. درباره امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را نیز آمده است: «امام حسین (علیه السلام) که اولین رجعت کننده است و بعد از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، حکومت خواهد کرد؛ آن حضرت را غسل داده، کفن و حنوط می کند و نماز بر آن حضرت می خواند پس آن حضرت را در لحد می گذارد» (1)

به طور کلی می توان گفت: رجوع برخی از اموات به دنیا، خصوصاً مؤمنان و کافران محض رجوع برخی از امامان شیعه همانند امام علی (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام) به دنیا بعد از مرگ و بعضی گفته اند تمام امامان شیعه به ترتیب یا به عکس با برخی از مؤمنان و کافران به دنیا بعد از مرگ بازگشت دارند و این قول بنا بر آنچه از مجموعه ی روایات استفاده می شود به حقیقت نزدیک تر است. پس رجعت به معنای رجوع ارواح و نفوس ناطقهی مقدس حضرت پیامبر اکرم (صلی الله علیه واله) و ائمه طاهرین (علیه السلام) به بدن های عنصری خویش ممکن، بلکه به ضرورت عقل واجب است؛ زیرا بروز اثر آنان به واسطه ی وجود موانع در زمان خودشان ممکن نشد. پس باید روزی فرارسد که نفوس کلیه ی معلمان الهی به بدن های خود توجه کنند و در مقام تعلیم ارواح مردم بر آیند.

ص: 446

ضرورت اقتضا می کند که بعد از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) افرادی معصوم رجعت کنند تا ادامه دهنده ی راه و مرام آن حضرت و تطبیق دهنده و تبیین کننده ی آن باشند؛ خصوصا با در نظر گرفتن این نکته که با ظهور آن حضرت عصر جدیدی آغاز خواهد شد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «نخستین کسی که زمین برای او شکافته می شود و به زمین باز می گردد، حسین بن علی (علیه السلام) است» و نیز می فرماید: «نخستین کسی که به دنیا رجعت می کند، حسین بن علی (علیه السلام) است».

او به قدری حکومت می کند که از کثرت سن ابروهایش روی دیدگانش می ریزد» (1) در عصر ظهور گروهی از یاوران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنانی هستند که خداوند به برکت ظهور امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) آن ها را زنده خواهد کرد و بار دیگر به دنیا رجعت کرده، در رکاب حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار خواهند گرفت. برخی با نام و نشان از زنده شدنشان خبر داده شده، برخی دیگر فقط از آمدنشان سخن به میان آورده اند. در منابع معتبر اسلامی نام سیزده زن یاد می شود که به هنگام ظهور قائم آل محمد (عجل الله تعالی فرجه الشریف) زنده خواهند شد و در لشکر امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به مداوای مجروحان جنگی و سرپرستی بیماران خواهند پرداخت. از آثار اعتقاد به رجعت این است که از آن جهت که عصر ظهور به مانند بهشت روی زمین است، از طرفی مفاد روایات، رجعت انسان های بسیار خوب و بسیار بد است، این اعتقاد انسان را تشویق می کند تا بکوشد مصداق انسان خوب شود تا در عصر ظهور و حکومت حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به این فضیلت نایل آید و از دیگر آثار اعتقاد به رجعت این است که انسان قبل از ظهور زمینه ساز ظهور

ص: 447

است؛ لذا بحث و سخن از رجعت آثار تربیتی خوبی برای انسانها دارد و جنبه‌ی عملی رفتارهای مسلمانان را تحت شعاع قرار می‌دهد.

لازم به ذکر است که همهی رجعت‌کنندگان، یک بار رجعت نمی‌کنند؛ بلکه طبق بعضی روایات، برای بعضی افراد مانند امیرالمؤمنین (علیه السلام) چندین بار رجعت صورت می‌گیرد (1) شهید دستغیب در کتاب «هشتاد و دو پرسش» می‌نویسد: رجعت مؤمن اختیاری است و تکلیفی نیست و برای رسیدن به بعضی از مراتب پاداش ایمان، که دیدن سلطنت و حکومت اهل بیت (علیه السلام) است، صورت می‌گیرد و ممکن است برای بعضی مؤمنین علاوه بر آنچه ذکر شد یک نوع تکلیف باشد که در حیات اولیه اش به واسطه‌ی حوادث واقعه موفقیت پیدا نکرده بود، از قبیل شهادت در رکاب امام (علیه السلام) اگر مورد آرزوی او بوده که ممکن است در زمان ظهور به دنیا برگردد تا به این مرحله از کمال نایل آید؛ البته ممکن است دلایل و حکمت‌های دیگری برای رجعت باشد که ما از آن آگاه نیستیم. در پایان باید نکاتی را در اعتقاد به رجعت مد نظر داشت تا انسان در دام منکران و شبهه‌پراکنان نیفتد.

همان گونه که قبلاً نیز اشاره شد باید دانست که رجعت بر خلاف سنت عمومی الهی نیست؛ زیرا در امت‌های پیشین صورت گرفته است و دیگر این که رجعت، بازگشت فعلیت به قوه نیست تا محال باشد؛ زیرا انسان رجعت‌کننده با همان فعلیتهای که جهان را ترک گفته است به دنیا باز می‌گردد. به عبارت دیگر رجعت نوعی ادامه‌ی حیاتی است که مدتی از دنیا بریده شده است، علاوه بر این رجعت

ص: 448

خود نوعی به فعلیت رسیدن قوه است. زنده شدن پس از مرگ مصداق بازگشت فعل به قوه نیست. از سوی دیگر وقوع رجعت در امت های گذشته نشان می دهد که امر محالی نیست و نه در قرآن و نه از لحاظ عقلی رجوع عده ای به دنیا محال شمرده نشده است. در ادعیه ی ما نیز به رجعت اشاره شده، حتی خواندن دعای عهد را موجب رجعت و همراهی با امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) بیان کرده اند (1)

چهل کلام مهدوی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

1. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، در توقیع شریف خود به علی بن محمد سمری رحمه الله علیه فرمود: «پس از خود هیچ کسی را وصیت نکن که جانشین تو شود؛ زیرا به طور قطع دومین غیبت «یعنی غیبت کبری» شروع شده است؛ پس ظهوری نخواهد بود مگر بعد از اذن خداوند عزتمند و آن ظهور بعد از آن است که زمان غیبت طولانی شود و دل ها را قساوت فرا گیرد و زمین پر از جور و ظلم شود، به زودی کسانی از شیعیان من می آیند و ادعای مشاهده ی مرا می کنند. آگاه باشید که هر کس پیش از خروج سفیانی و صیحه ی آسمانی ادعای مشاهده کند دروغگو و افترا زننده است».

2. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «اما در حوادث و پیشامدهای جدید به راویان حدیث ما رجوع کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند و من حجت خدایم بر آنان».

3. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «من بقیه الله در زمین خدایم و انتقام گر از دشمنان اویم».

4. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «نشانه ی ظهور امر من،

ص: 449

---

1- مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شناسی: ص 114.



زیادی هرج و مرج و فتنه ها است».

5. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «به طور قطع، نادانانی از شیعیان و کم خردان آنان و کسی که بال مگس بر دین او برتری دارد، ما را مورد آزار و اذیت قرار داده اند».

6 حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «هیچ نسبت خویشاوندی بین خداوند عزتمند و احدی وجود ندارد و هر کس مرا انکار کند، از من نیست و راه او همان راه فرزندان «ناخلف» نوح است» (1)

همچنین ایشان فرموده اند: «بین خداوند عزوجل و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست. هر کس مرا انکار کند از من نیست» (2)

7. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «هیچ چیز به مانند نماز، بینی شیطان را به خاک نمی ساید؛ پس نماز بگزار و بینی ابلیس را به خاک بمال» (3)

8. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «اما کیفیت و چگونگی استفاده از من در غیبتم، همانند استفاده از خورشید است؛ هنگامی که ابرها آن را از دیدگان پنهان نگه دارد» (4)

9. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «اما اموال شما، پس آنها را نمی پذیرم، مگر به خاطر این که پاک شوید. پس هر که می خواهد، بپردازد و هر که نمی خواهد، نپردازد، آنچه را خدا به ما عطا کرده، از آنچه به شما عطا کرده بهتر است» (5)

ص: 450

---

1- ترجمه تححف العقول، صادق حسن زاده: ص 964 تا 967.

2- بحار الانوار، ج 53: ص 180؛ کمال الدین: ص 484.

3- کمال الدین، ج 2، ص 520؛ بحار الانوار، ج 53: ح 182 و ح 11؛ وسایل الشیعه، ج 4: ص 236.

4- کمال الدین، ج 2، ص 485، ج 10: بحار الانوار، ج 53: ص 181.

5- کمال الدین، ج 2: ص 484، ح 4؛ الغیبه طوسی: ص 290، ح 247؛ بحار الانوار، ج 53: ص

10. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید؛ زیرا همانا فرج شما در آن است» (1)

11. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «همانا من امان و مایه ی ایمنی برای اهل زمین هستیم؛ همان گونه که ستاره ها سبب ایمنی اهل آسمانند» (2)

12. برای شیخ مفید، دو توفیق از سوی حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) صادر شده است، که در توفیق اول حضرت به شیعیان این بشارت را می‌دهد که شما، دائماً تحت نظر و مراعات ما هستید و هرگز فراموش نمی‌شوید. از این رو از خطر دشمنان در امان هستید. شیعیان به خاطر ظلم ستیزی و پیروی از حق و حقیقت، دایماً مورد تعرض حکام جور و معاندان و مخالفان خود بوده‌اند. لذا، به کسی نیاز دارند که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها، آنها را یاری کند و از نابودی نجاتشان دهد. در این نامه حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) به شیعه، این بشارت را می‌دهد که با وجود غایب بودن شما را حمایت خواهم کرد و هرگز نخواهم گذاشت نقشه ی دشمنان حق و حقیقت به ثمر نشیند و مذهب شیعه و شیعیان نابود شوند. حضرت امام (عجل الله تعالى فرجه الشريف) می‌فرماید: «ما از رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده، یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود دشواری‌ها و مصیبت‌ها بر شما فرود می‌آمد و دشمنان شما را ریشه کن می‌کردند» (3)

ص: 451

---

1-180، ح 10. کمال الدین، ج 2، ص 485، ح 4، الغیبه طوسی: ص 293، ح 247؛ بحار الانوار، ج 53: ص 181.

2- کمال الدین، ج 2، ص 484، ح 10.

3- بحار الانوار، ج 53: ص 175، ح 7.

13. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «همانا، کسی که در رابطه با حقوق برادران دینی تو، حریم الهی را نگه دارد و حقوق مالی که بر گردن دارد، به مستحقش برساند، از فتنه ای که انسان را به راه باطل می کشاند و از محنت های تاریکی که سایه بر آن افکنده، ایمن خواهد بود، کسی که بخل ورزد و از نعمت هایی که ایزد به عاریت، در اختیار او گذاشته، به مستحقش ندهد، در دنیا و آخرت، زیان کار خواهد بود» (1)

14. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «سجده ی شکر، از لازم ترین و واجب ترین مستحبات الهی است... همانا، فضیلت دعا و تسبیح پس از واجبات و دعا بعد از نوافل، همانند فضیلت واجبات بر نوافل، سجده، دعا و تسبیح است.» (2)

15. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «فرجام کار شیعیان با صنع و آفرینش خدای سبحان نیکو و پسندیده خواهد بود، مادامی که شیعیان از گناهان دوری گزینند» (3)

16. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند» (4)

17. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «آیا ندیدید که چگونه خداوند برای شما، ملجأهایی قرار داد که به آنان پناه برید و علم هایی قرار داد تا با آنان هدایت شوید» و این لطف حضرت

ص: 452

---

1- بحار الانوار، ج 53، ص 177، ح 7.

2- بحار الانوار، ج 53، ص 161، حدیث 3.

3- بحار الانوار، ج 53، ص 177، حدیث 8.

4- بحار الانوار، ج 52: ص 16، ح 12.

حق از زمان حضرت آدم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) تاکنون بوده است» (1)

18. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «زمین هیچگاه از حجت خالی نخواهد بود، حال آن حجت، یا ظاهر است و یا پنهان» (2)

19. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «اراده‌ی حتمی خداوند بر این قرار گرفته که دیر یا زود پایان حق، پیروزی و پایان باطل، نابودی است» (3)

20. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «علم ما اهل بیت (علیه السلام) بر سه نوع است:

علم به گذشته و آینده و حادث؛ علم به گذشته تفسیر است، علم به آینده موقوف است، علم به حادث، انداختن در قلوب و زمزمه‌ی در گوشهاست؛ این بخش، بهترین علم ماست. بعد از پیامبر ماء رسول دیگری نخواهد بود» (4)

21. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «اگر چنانچه شیعیان ما که خداوند توفیق طاعتشان دهد، در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند همدل می شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی افتاد و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنان می شد. دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. علت مخفی شدن ما از آنان چیزی نیست جز آنچه از کردار آنان به ما می رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنان نداریم» (5)

ص: 453

---

1- بحارالانوار، ج 53، ص 179.

2- کمال الدین، ج 2، ص 511، حدیث 42؛ بحارالانوار، ج 53، ص 191، حدیث 19.

3- الغیبه طوسی: ص 287؛ بحارالانوار، ج 53، ص 193.

4- دلائل الامامه: ص 524، نقل در کتاب غیبت صغری

5- بحارالانوار، ج 53، ص 177، حدیث 8

22. حضرت صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما اهل بیت (علیه السلام) عصمت و طهارت بر مبنای عمل به سنت و اجرای احکام الهی قرار دهید؛ پس همانا موعظه ها و سفارش های لازم را کردم و خداوند متعال نسبت به همه ی ما و شما گواه است» (1)

23. حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «از نابینایی پس از بینایی و از گمراهی پس از هدایت و از رفتار هلاکت بار و فتنه های نابود کننده، به خدا پناه می برم» (2)

24- حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «تقدیرهای خداوند عزوجل مغلوب نمی شود و اراده اش برگشت ندارد و بر توفیق او هیچ چیز پیشی نمی گیرد» (3)

25. حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «هر کس که حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد، بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات با خداوند در جایگاه نمازش قرار گیرد» (4)

26. حضرت مهدی (عجل الله تعالى فرجه الشريف) صاحب الزمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرمود: «اوصیا کسانی هستند که خداوند متعال دینش را با آنان زنده می کند و نورش را با آنان کاملاً می گسترده و سیطره میدهد. خداوند میان آنان و برادران و عموزادگان و دیگر خویشاوندان آنان، تفاوت آشکاری گذاشته است که به سبب آن حجت از غیر حجت و امام از مأموم شناخته می شود. آن تفاوت آشکار، این است که آنان را از گناهان محفوظ و مصون

ص: 454

---

1- الغیبه طوسی: ص 286؛ بحار الانوار، ج 53، ص 179، حدیث 9.

2- کمال الدین، ج 2، ص 511، حدیث 42.

3- کمال الدین، ج 2، ص 511؛ بحار الانوار، ج 53: ص 191.

4- مصباح: ص 369.

داشته، از عیوب میرا کرده، از پلیدی پاک کرده است و از اشتباه منزّه شان داشته است.

آنان را خزانه داران علم و حکمت و پرده داران سر خود قرار داده است. خداوند آنان را به دلیل ها تأیید کرده است؛ اگر این گونه نبود، همه مردم باهم یکسان بودند و هر کسی می توانست ادعای امامت کند که در این حال، حق از باطل و عالم از جاهل، تشخیص داده نمی شد»  
[\(1\)](#)

27. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «به راستی خدای متعال، مردم را بیهوده نیافرید و بیکاره رها نساخت؛ بلکه آنان را به قدرت خود آفرید و به آنان گوش، دیده، دل و عقل داد؛ سپس پیامبران را به سوی آنان بشارت دهنده و بیم دهنده فرستاد تا مردم را به اطاعت خدا امر کنند و از معصیت او باز دارند و آنچه را نسبت به او از امر خالق و دین خود جاهلند بیاموزند، برای آنان کتابی نازل کرد»[\(2\)](#)

28. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «خود را برای دانستن آنچه از شما نخواسته اند، به مشقت نیندازید».

29. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «در تشکیک نسبت به روایاتی که موثقان از ما برای شما نقل می کنند، احدی از شیعیان ما عذری ندارند»[\(3\)](#)

30. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «دختر رسول خدا (صلی الله علیه واله) (فاطمه زهرا س) برای من، اسوه و الگویی نیکو است.»[\(4\)](#)

ص: 455

---

1- الغیبه طوسی: ص 288؛ بحار الانوار، ج 53: ص 194 و 195.

2- بحار الانوار، ج 53: ص 194، ح 21.

3- بحار الانوار، ج 50: ص 318 و 319؛ وسائل الشیعه، ج 1: ص 38.

4- الغیبه طوسی: ص 286، حدیث 245؛ بحار الانوار، ج 53: ص 180، حدیث 9.

31. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «برای هیچ کس جایز نیست که بدون اذن صاحب مال، در مالش تصرف کند» (1)

32. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «از فضایل تربت حضرت سید الشهداء (علیه السلام) آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود، ثواب تسبیح و ذکر را دارد؛ گرچه دعایی نیز خوانده نشود» (2)

33. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «تنها خداوند متعال است که اجسام را خلق کرده، روزی ها را تقسیم کرده است؛ زیرا او جسم یا حلول کننده‌ی در جسم نیست، چیزی همانند او نیست او شنوا و داناست؛ اما ائمه (علیه السلام) چیزی را از خدا می خواهند و خدا نیز برای آنان خلق می کند. از خدا می خواهند خدا نیز روزی می دهد. خدا چنین می کند چون بر خود حتم کرده که خواسته‌ی آنان را اجابت و منزلت و شأن آن ها را عظیم کند» (3)

جماعتی از شیعیان، در مقام اهل بیت (علیه السلام) اختلاف کردند. عده ای قایل بودند که خداوند عزوجل قدرت خلق و رزق را به امامان معصوم (علیه السلام) واگذار کرده است. در مقابل عده ای عقیده داشتند که این امر محال است و بر خداوند متعال جایز نیست که امر خلق و رزق را به ائمه واگذار کند؛ زیرا تنها خداوند متعال قادر بر خلق اجسام است.

شیعیان در این امر به نزاع شدید برخاستند. شخصی از بین جمع

ص: 456

---

1- . کمال الدین، ج 2: ص 521، حدیث 49؛ بحار الانوار، ج 53: ص 183؛ وسائل الشیعه، ج 9، ص 540 و 541.

2- بحار الانوار، ج 53: ص 165، ح 4.

3- بحار الانوار، ج 25، ص 329

گفت. مسأله را به سفیر حضرت یعنی ابی جعفر محمد بن عثمان عمری ببریم و از ایشان بخواهیم جواب پرسش را از حضرت صاحب الامر بخواهد. شیعیان بر این امر راضی شدند و نامه نوشتند و در آن از مسأله مورد نزاع سؤال کردند. حضرت در جواب نامه مرقوم فرمودند: «خالق، نباید جسم و رازق نباید روزی خورنده باشد. در نتیجه ما چون جسم داریم و روزی می خوریم، پس نه خالق هستیم و نه رازق؛ ولی خداوند حق ما را بزرگ قرار داده است و درخواست ما را اجابت می کند. لذا دعایی که می کنیم برآورده می شود نه این که ما خود جدای از خواست الهی توان این را داشته باشیم»<sup>(1)</sup>

34. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «پس شما از خدا بترسید و تسلیم ما شوید، کارها را به ما واگذارید و بدانید که هر خیری از ما به مردم می رسد. برای اطلاع از آنچه بر شما پوشیده است، اصرار نورزید و به چپ و راست میل نکنید، مقصد خود را با دوستی ما براساس راهی که روشن است به سمت ما قرار دهید»<sup>(2)</sup>

35. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «و اما خمس برای شیعیان ما مباح است و برای ایشان تا هنگام ظهور ما حلال شده است تا به واسطه ی آن ولادتشان پاک باشد و پلید نشوند»<sup>(3)</sup>

36. حضرت مهدی صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «لعنت خداوند و ملائکه و همه ی مردم بر کسی باد که درهمی از مال ما را بر خود حلال شمارد»<sup>(4)</sup>

ص: 457

---

1- الغیبه طوسی: ص 294، ح 248؛ احتجاج، ج 2، ص 285؛ بحار الانوار، ج 25: ص 329، ح 4.

2- احتجاج، ج 2، ص 582 و 342.

3- احتجاج ترجمه بهراد، ج 2، ص 591.

4- احتجاج ترجمه بهراد، ج 2، ص 608



37. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «معلون است هر که نماز عشا را تا پر شدن ستارگان به تأخیر اندازد» (1)

38. حضرت مهدی صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «خداوند بسی برتر از آن چیزهایی است که او را وصف می کنند، پاک و منزّه است و به حمد شایسته. ما هرگز شریکان او در علم نیستیم و نه در قدرت و نیرویش؛ بلکه هیچ کس جز او از غیب خبردار نیست. همچنان که در کتاب محکم خود فرموده: «بگو جز خدا هیچ یک از اهل آسمان و زمین از غیب خبر ندارند» (نمل / 65). و من و تمام اجداد نخستینم، حضرات آدم، نوح، ابراهیم و موسی و غیر انبیا و آخرین آنها محمد رسول خدا (صلی الله علیه واله) و علی بن ابی طالب و امامان گذشته (علیه السلام) تا آخر عمرم و پایان روزگار همه و همه بندگان خداوند عزوجل هستیم» (2)

39. حضرت مهدی صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «این را بدانید که هر کدام از پدران من بیعت سلطان ظالم زمان خود را به گردن داشت؛ ولی من زمانی که ظهور می کنم، بیعت هیچ یک از طاغوتیان روزگار را به گردن ندارم.... برای تعجیل در فرج بسیار دعا کنید؛ زیرا دعا کردن در تعجیل فرج خود فرج است» (3)

40. حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) صاحب الزمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) فرمود: «خداوند جز در حسن و حسین، امامت را در هیچ دو برادری قرار نداده است؟ هرگاه خداوند به ما اجازه دهد که سخن بگوییم آن وقت حق آشکار و باطل از میان می رود و تردید نیز در میان شما برطرف می شود.

ص: 458

---

1- احتجاج، ترجمه بهراد ج 2، ص 605 ح 350.

2- احتجاج ترجمه بهراد، ج 2، ص 597، حدیث 347.

3- احتجاج ترجمه بهراد، ج 2، ص 591 و 592.

من راغب و مشتاق خداوند در روزگار کفایت، زیبایی صنع و ولایت اویم، «و حسبنا الله و نعم الوکیل، و صلی الله علی محمد و آل محمد» (1) والحمد لله اولاً و آخراً و ظاهراً و باطنه. سه شنبه سوم شعبان المعظم 1432 سالروز میلاد فرخنده سید الشهداء حضرت امام حسین (علیه السلام) بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) مطابق با چهاردهم تیرماه 1390. شهر کرد - مرزبان کریمی.

ص: 459

---

1- احتجاج، ترجمه بهراد، جلد 2، ص 588.

- 1- آرمانشهر در اندیشه ی ایرانی - حجت الله اصیل - نشر نی - چاپ اول - تهران 1371 .
- 2 - آفتاب ولایت - محمدتقی مصباح یزدی - مرکز انتشارات موسسه ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - چاپ دوم - قم 1383 .
- 3- آیا ظهور نزدیک است؟ - شمیم گل نرگس - چاپ چهارم - قم 1382.
- 4- ادیان و مهدویت - محمد بهشتی - موسسه مطبوعاتی حسینی - تهران بی تا .
- 5 - الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد - محمد بن محمد بن نعمان مشهور به شیخ مفید - ترجمه موسی محلاتی - انتشارات علمیه اسلامیة - چاپ دوم بی تا .
- 6 - الملاحم ، علائمظهور امام زمان - محمد حسین همدانی طاوئی - صحفی - چاپ دوم - قم 1411.
- 7- العرف الوردی فی أخبار المهدی - جلال الدین سیوطی - هستی نما - تهران 1387.
- 8- احتجاج جلد دوم - ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی - ترجمه بهراد جعفری - دار الکتب الاسلامیه - چاپ اول - تهران 1381.
- 9 - امام در عینیت جامعه - محمدرضا حکیمی - دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران بی تا .
- 10 - امام مهدی حماسه ای از نور - سید محمد باقر صدر - ترجمه کتابخانه بزرگ اسلامی - واحد تحقیقات اسلامی بنیاد بعثت - تهران بی تا .
- 11 - امام مهدی (ع) و میراث سلف - حسن جلالیان - موعود عصر (ع) - چاپ اول - تهران 1384.
- 12 - اصول کافی جلدی - مرحوم کلینی - ترجمه محمد باقر کمره ای - اسوه - چاپ ششم - تهران 1383.
- 13 - بابی گری و بهایی گری - محمد محمدی اشتهااردی - کتاب آشنا - چاپ اول - قم

- 14 - بحار الأنوار - محمد باقر مجلسی - دار الحیا لتراث العربی - بیروت - 1403.
- 15 - بشارت عهدین - محمد صادقی - دارالکتب الاسلامیه - تهران بی تا.
- 16 - پیدای پنهان - پور سید آقایی - موسسه انتشاراتی حضور - چاپ سوم - قم 1380 .
- 17 - تاریخ اسلام در آثار شهید مطهری - جلد دوم - دفتر نشر معارف - چاپ سوم - قم 1382.
- 18 - تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم - جاسم حسین - ترجمه محمد تقی آیت اللهی - امیر کبیر - چاپ دوم - تهران 1377.
- 19 - تحف العقول - ابی محمد حسن الحرائی - ترجمه صادق حسن زاده - آل علی - چاپ چهارم - قم 1384.
- 20 - ترجمه تفسیر المیزان 40 جلدی - علامه طباطبایی - ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی - موسسه مطبوعات دار العلم - قم بی تا.
- 21 - تفسیر نمونه - زیر نظر ناصر مکارم شیرازی - ویرایش جدید - دارالکتب الاسلامیه - چاپ سی ام - تهران 1387.
- 22 - چهل حدیث در پرتو چهل آیه در فضائل حضرت ولی عصر (ع) - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- 23 - حکومت جهانی مهدی (ع) - ناصر مکارم شیرازی - مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع) - چاپ نهم - قم 1380.
- 24 - حیات فکری و سیاسی امامان شیعه - جلد دوم - رسول جعفریان - مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی - چاپ اول - تهران 1371.
- 25 - خورشید مغرب - محمدرضا حکیمی - دفتر نشر فرهنگ اسلامی - چاپ نهم - تهران 1374.
- 26 - دادگستر جهان - ابراهیم امینی - دار الفکر - قم بی تا.
- 27 - دانشنامه امام علی (ع) - جلد سوم (نبوت و امامت) - زیر نظر علی اکبر رشاد - سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی - چاپ دوم - تهران 1382.
- 28 - در انتظار ققنوس - سید ثامر هاشم العمیدی - ترجمه مهدی علیزاده - موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) - چاپ هفتم - قم 1389.
- 29 - در فجر ساحل - محمد حکیمی - آفاق - تهران 1378 .

- 30 - دوازده گفتار درباره دوازدهمین حجت خدا حضرت مهدی (ع) - حسین اوسطی - مشعر - چاپ اول - تهران 1386.
- 31 - دولت مهدی (ع) سیرت مهدی (ع) - مصطفی دلشاد تهرانی - موسسه نشر و تحقیقات ذکر - چاپ چهارم - تهران 1381.
- 32 - راز طول عمر امام زمان (عج) از دیدگاه علم و ادیان - علی اکبر مهدی پور - طاووس بهشت - چاپ سوم - قم 1378.
- 33 - رجعت از دیدگاه عقل ، قرآن ، حدیث - حسن طارمی زیر نظر استاد سبحانی - دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم - قم 1365.
- 34 - روز رهایی ( ترجمه یوم الخلاص ) دوجلدی - کامل سلیمان - ترجمه لطیف راشدی - ارمغان - چاپ اول - قم 1386.
- 35 - رهبری بر فراز قرون ، گفتگو درباره امام مهدی (ع) - سید محمد باقر صدر - ترجمه مصطفی شفیعی - نشر موعود - چاپ اول - تهران 1379.
- 36 - زندگی دوازده امام - جلد دوم - هاشم معروف الحسینی ترجمه محمد درخشنده - امیرکبیر - چاپ دوم - تهران 1373.
- 37 - سوشیانت یا سیر اندیشه ایرانیان درباره موعود آخرالزمان - علی اصغر مصطفوی - تهران 1361 .
- 38 - سیری در سیره ائمه اطهار (ع) مرتضی مطهری - صدرا - چاپ سی و سوم - تهران 1386.
- 39 - عصر زندگی - محمد حکیمی - دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران 1380.
- 40 - عصر ظهور - علی کورانی - ترجمه عباس جلالی - شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی - چاپ اول - تهران 1378.
- 41 - غیبت - شیخ طوسی - تهران - 1385.
- 42 - غیبت صغری - علی اصغر رضوانی - مسجد مقدس جمکران - چاپ اول - قم 1385 .
- 43 - غیبت کبری - علی اصغر رضوانی - مسجد مقدس جمکران - چاپ اول - قم 1385 .
- 44 - غیبت نعمانی - محمد ابراهیم نعمانی - ترجمه جواد غفاری - کتابخانه صدر - 1363 .
- 45 - فروغ ولایت در دعای ندبه - لطف الله صافی گلپایگانی - موسسه الامام المهدی بنیاد بعثت - چاپ دوم - تهران 1360 .
- 46 - فرهنگ الفبایی مهدویت ، موعود نامه - مجتبی تونه ای - موسسه انتشارات میراث

ماندگار - چاپ دوازدهم - قم 1389 .

47- فرهنگ فرق اسلامی - محمد جواد مشکور - بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - چاپ دوم - مشهد 1372.

48- فرهنگ موعود - حسین کریمشاهی بیدگلی - ناصر - قم 1377.

49- فصلنامه انتظار - شماره های پنج ، هفت و هشت و نه - قم 1381 و 1382.

50- فصول العشره فی الغیبه - شیخ مفید - ترجمه محمد باقر خالصی - راه امام - چاپ اول - تهران بی تا.

51- قاموس قرآن 5 جلدی - علی اکبر قرشی - دارالکتب الاسلامیه - تهران بی تا . 52- قیام و انقلاب مهدی(ع) - مرتضی مطهری - صدرا - چاپ سی و هفتم - تهران 1387.

53- کتاب الوافی - فیض کاشانی - مکتبه الإمام امیر المومنین علی(ع) - چاپ اول - اصفهان 1365.

54- کمال الدین و تمام النعمه 2 جلدی - شیخ صدوق - ترجمه منصور پهلوان - مسجد مقدس جمکران - چاپ چهارم - قم 1386 .

55- گفتمان مهدویت - لطف الله صافی گلپایگانی - مسجد مقدس جمکران - چاپ اول - قم 1377.

56- گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان - جمعی از نویسندگان - دانشگاه ادیان و مذاهب - قم 1388.

57- ماهنامه موعود جوان، شماره های (5-6-12-14-18-27) - صاحب امتیاز اسماعیل شفیعی سروسستانی -

58- مسیح یهودی و فرجام جهان - رضا هلال - ترجمه قیس زعفرانی - هلال - تهران 1383.

59- معجم احادیث الامام مهدی (ع) - موسسه المعارف الاسلامیه - بنیاد معارف اسلامی - چاپ اول - قم 1411.

60- منتخب الأثر فی امام الثانی عشر (ع) 3 جلدی - لطف الله صافی گلپایگانی - نشر دار المرتضی - چاپ سوم - بیروت 1429 .

61- موعود قرآن - صادق حسینی شیرازی - ترجمه موسسه الامام المهدی - موسسه الامام المهدی - تهران 1360 .

62- مهدویت (پیش از ظهور) - رحیم کارگر -- دفتر نشر معارف - چاپ دوم - قم 1387 .

- 63 - مهدویت ( پس از ظهور ) - رحیم کارگر - دفتر نشر معارف - چاپ اول - قم 1387 .
- 64 - مهدی شناسی با پرسش و پاسخ - سید حسن یوسفی - موسسه انتشاراتی لاهوتی - چاپ دوم - قم 1386
- 65 - مهدی منتظر (ع) - محمد جواد خراسانی - نشر شهید - چاپ ششم - قم 1360 .
- 66 - مهدی موعود ( ترجمه جلد سیزدهم بحار الانوار علامه مجلسی ) - ترجمه علی دوانی - دار الکتب الاسلامیه - تهران بی تا .
- 67 - میزان الحکمه - جلد اول - محمد محمدی ری شهری - مکتب الاعلام الاسلامی - چاپ سوم - قم 1371 .
- 68 - نجم الثاقب - میرزا حسین طبرسی نوری - مسجد مقدس جمکران - قم 1381 .
- 69 - نشانه های آخر الزمان - عباسعلی گورتانی اصفهانی - حروفیه - چاپ اول - تهران 1378 .
- 70 - نهج البلاغه - ترجمه محمد دشتی - دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی - چاپ سوم - قم 1381 .
- 71 - وسائل الشیعه - شیخ حر عاملی - موسسه آل البيت (ع) - بیروت 1391 .
- 72 - ولایت فقیه و انتظار - سازمان بسیج دانش آموزی و فرهنگیان - چاپ دوم - تهران 1388
- 73 - هزارویک چرا - علی سالک - ام ابیها - چاپ ششم - قم 1385 .
- 74 - همراه با مهدی منتظر (ع) - مهدی فتلاوی - ترجمه بیژن کرمی - مسجد مقدس جمکران - چاپ اول - قم 1384 .

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109





مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

